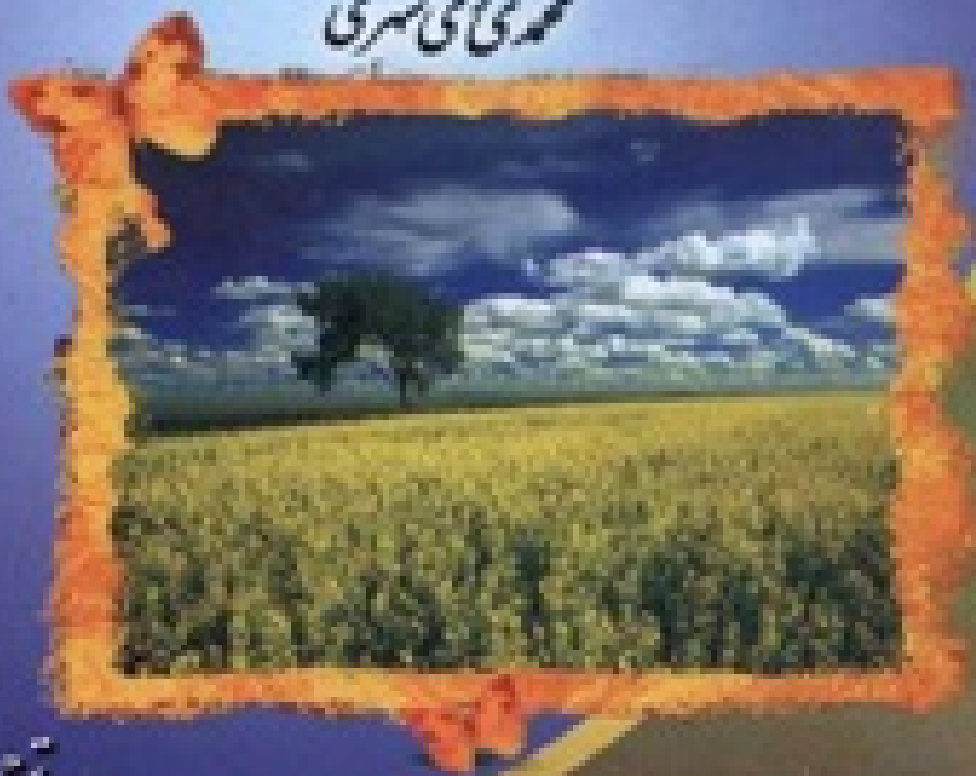
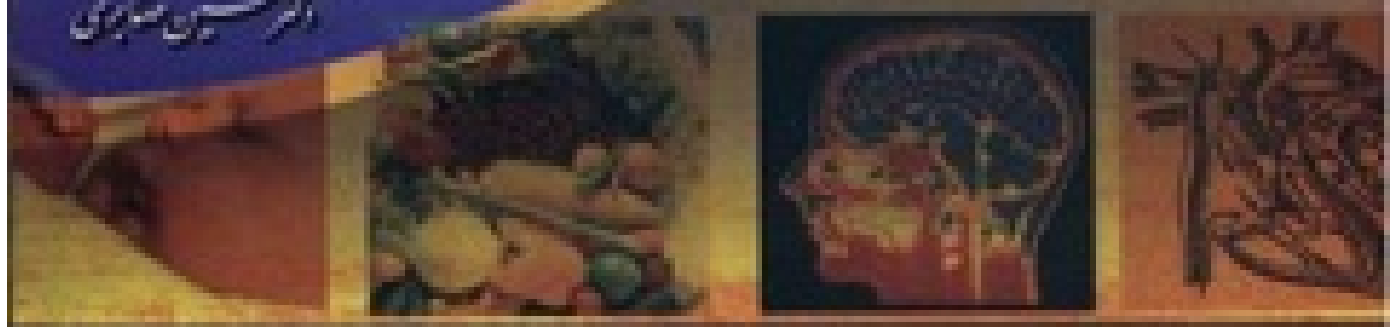


۲

دانش نامه پزشکی احادیث پزشکی عزیزای شهری



مجموعه
پهلو سبزی شهری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشنامه احادیث پزشکی

نویسنده:

محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

موسسه دار الحدیث الثقافیه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۹	دانشنامه احادیث پزشکی جلد ۲
۱۹	مشخصات کتاب
۱۹	بخش چهارم: تأثیر خوردن و آشامیدن در سلامت و بیماری
۱۹	اشاره
۲۰	فصل یکم: کم‌خوری
۲۰	۱ / ۱ تشویق به کم‌خوری
۲۱	۲ / ۱ فایده‌های ظاهری کم‌خوری
۲۱	الف سلامت تن
۲۲	ب شادابی چهره
۲۲	ج طول عمر
۲۳	۳ / ۱ فایده‌های باطنی کم‌خوری
۲۳	الف صفای اندیشه
۲۳	ب فروغ دل
۲۳	ج رهایی از شیطان
۲۳	د در آمدن به ملکوت آسمان‌ها
۲۳	ه تقرّب به درگاه خداوند
۲۴	و مجموعه‌ای از منافع کم‌خوری
۲۴	فصل دوم: پرهیز
۲۴	۱ / ۲ معنای پرهیز
۲۵	۲ / ۲ تشویق به پرهیز
۲۶	۳ / ۲ آنچه درباره مدت پرهیز بیمار، روایت شده است
۲۶	اظهار نظر

- ۲۷ فصل سوم: گرسنگی کشیدن
- ۲۷ ۱ / ۳ تشویق به گرسنگی کشیدن
- ۲۸ ۲ / ۳ فایده‌های جسمی گرسنگی کشیدن
- ۲۸ الف سلامت تن
- ۲۸ ب خوشمزگی غذا
- ۲۸ ۳ / ۳ فایده‌های روحی گرسنگی کشیدن
- ۲۸ الف دامن در کشیدن از گناه
- ۲۹ ب رهایی از شیطان
- ۲۹ ج تقرّب به درگاه خداوند
- ۳۰ د آرسیدن به علم و حکمت
- ۳۱ ه دیدن خداوند با دیده دل
- ۳۱ فصل چهارم: پُرخوری
- ۳۱ ۱ / ۴ نکوهش پُرخوری
- ۳۳ ۲ / ۴ نکوهش خوردن غذاهای رنگارنگ
- ۳۳ أ أنواع الأَسقام
- ۳۳ ۳ / ۴ زبان‌های ظاهری پُرخوری
- ۳۳ الف انواع ناتن‌درستی‌ها
- ۳۴ ب کاهش تندرستی
- ۳۴ ج گندبویی
- ۳۵ ۴ / ۴ زبان‌های باطنی پُرخوری
- ۳۵ الف تباهی پاک‌دامنی
- ۳۵ ب تباهی نَفَس
- ۳۶ ج پوشیده ماندن تیزهوشی
- ۳۶ د ظلمت دل

- ه آشفتگی خواب‌ها ۳۷
- و کمی عبادت ۳۷
- ز دوری از خداوند ۳۹
- ح گرسنگی در روز قیامت ۴۰
- ۵ / ۴ مجموعه‌ای از زبان‌های پُر خوری ۴۱
- ۶ / ۴ زبان‌های خوردن پس از سیری ۴۲
- فصل پنجم: آداب غذا خوردن ۴۲
- ۱ / ۵ شستن دست‌ها پیش و پس از غذا ۴۲
- ۲ / ۵ گذاردن سبزی در سفره ۴۴
- ۳ / ۵ در آوردن کفش‌ها ۴۵
- ۴ / ۵ بر زبان آوردن نام خدا ۴۵
- بیان ۴۷
- ۵ / ۵ خوردن با دست راست ۴۸
- ۶ / ۵ آغاز کردن غذا با نمک و به پایان بردن آن با نمک یا سرکه ۴۸
- ۷ / ۵ خوردن غذا به هنگام گرسنگی و اشتها ۴۹
- ۸ / ۵ آغاز کردن با سبک‌ترین غذا ۵۰
- ۹ / ۵ خوردن غذای گرم، پیش از سرد شدن ۵۰
- ۱۰ / ۵ برداشتن لقمه‌های کوچک و جویدن کامل غذا ۵۰
- ۱۱ / ۵ دست کشیدن از غذا پیش از سیری ۵۱
- ۱۲ / ۵ دست کشیدن بر چهره و دعا کردن پس از شستن دستان ۵۲
- ۱۳ / ۵ به پشت دراز کشیدن پس از غذا ۵۳
- ۱۴ / ۵ پرهیز از زیاده‌روی ۵۴
- قرآن کریم ۵۴
- حدیث ۵۴

- ۵۴ ۱۵ /۵ پرهیز از دمیدن در غذا
- ۵۴ ۱۶ /۵ پرهیز از خوردن با دست چپ
- ۵۵ ۱۷ /۵ پرهیز از خوردن پس از سیری
- ۵۶ ۱۸ /۵ پرهیز از خوردن غذای داغ
- ۵۷ ۱۹ /۵ پرهیز از خوردن در حالت جنابت، مگر با وضو
- ۵۷ ۲۰ /۵ پرهیز از خفتن، بلافاصله پس از خوردن غذا
- ۵۷ توضیح
- ۵۸ رهنمودهای اسلام درباره خوردن
- ۵۸ اشاره
- ۵۸ یک. مهم‌ترین رهنمود
- ۵۹ دو. دو وعده غذا خوردن در شبانه‌روز
- ۵۹ سه. توصیه به کم‌خوری
- ۵۹ چهار. خطر پُرخوری
- ۵۹ پنج. مقدار خوراک مفید
- ۶۰ شش. برترین خوراکی و بهترین سفره
- ۶۰ هفت. آداب سفره
- ۶۰ هشت. آداب غذا خوردن
- ۶۲ نُه. آداب پایان غذا و برچیدن سفره
- ۶۲ ده. آداب خوردن گوشت و میوه
- ۶۲ اشاره
- ۶۲ یکم. آداب خوردن گوشت
- ۶۲ دوم. آداب خوردن میوه
- ۶۳ فصل ششم: آداب خوردن گوشت
- ۶۳ ۱ /۶ انتخاب سردست یا قسمت‌های جلو

- ۶۴ ۲ / ۶ شستن گوشت پیش از پختن آن
- ۶۵ ۳ / ۶ گرفتن گوشت با نوک دندان‌ها
- ۶۵ ۴ / ۶ پرهیز از خوردن گوشت خشکیده نمک‌سود
- ۶۶ ۵ / ۶ نهی از خوردن گوشت خام
- ۶۷ ۶ / ۶ پرهیز از اعتیاد به خوردن گوشت
- ۶۷ ۷ / ۶ نوبت‌های خوردن گوشت
- ۶۸ تکمله
- ۶۸ ۸ / ۶ وا نگذاردن گوشت به مدت چهل روز
- ۶۹ ۹ / ۶ تمیز نکردن کامل استخوان و نخوردن مغز استخوان
- ۷۰ توضیح
- ۷۰ فصل هفتم: آداب خوردن میوه
- ۷۰ ۱ / ۷ شستن میوه با آب
- ۷۰ ۲ / ۷ بردن نام خدا به هنگام خوردن
- ۷۱ ۳ / ۷ دعا کردن به هنگام دیدن میوه نوبر
- ۷۱ ۴ / ۷ خوردن هر میوه در آغاز فصلش و پرهیز از آن در پایان آن فصل
- ۷۱ ۵ / ۷ جدا نکردن پوست میوه
- ۷۲ ۶ / ۷ پرهیز از خوردن چند میوه با هم
- ۷۲ بیان
- ۷۳ فصل هشتم: آداب آشامیدن
- ۷۳ ۱ / ۸ آنچه در آشامیدن، بایسته است
- ۷۳ الف آشامیدن به سه نفس
- ۷۳ ب ایستاده آب آشامیدن در روز، و نشسته آشامیدن در شب
- ۷۴ ج آشامیدن آب نیم‌گرم
- ۷۵ ۲ / ۸ آنچه در آشامیدن نابایسته است

- الف دمیدن ۷۵
- ب العَبُّ ۷۵
- ب یکجا سر کشیدن ۷۵
- ج آشامیدن آب بسیار داغ ۷۶
- د آشامیدن آب در لابه‌لای غذا خوردن ۷۶
- ه آشامیدن آب بر روی گوشت ۷۶
- و آشامیدن آب بر روی چربی ۷۷
- ز آشامیدن آب از مجاور دسته ظرف یا لبه شکسته آن ۷۷
- ح آشامیدن در ظرف‌های مسی ۷۸
- ط آشامیدن در حالت ناشتا ۷۸
- اظهار نظر ۷۸
- ی آشامیدن آب سرد، پس از خوردن شیرینی ۷۸
- ک نوشیدن آب فراوان ۷۸
- ل نوشیدن آب سرد و آب جو در حمام ۷۹
- فصل نهم: نوبت‌های غذا ۷۹
- ۱ / ۹ صبحگاهان و شامگاهان ۷۹
- قرآن ۷۹
- حدیث ۷۹
- ۲ / ۹ تأکید بر خوردن ناشتایی و نهی از وا گذاردن آن ۸۰
- ۳ / ۹ تأکید بر خوردن شام و نهی از وا گذاردن آن ۸۰
- ۴ / ۹ یک وعده در روز ۸۳
- ۵ / ۹ سه وعده در دو روز ۸۳
- سخنی درباره احادیث مربوط به وعده‌های غذا ۸۳
- بخش پنجم: درمان با غذاها و گیاهان دارویی ۸۴

۸۴ اشاره
۸۵ فصل یکم: تُرنج
۸۵ ۱ / ۱ تأکید بر خوردن تُرنج
۸۵ ۲ / ۱ خواص تُرنج
۸۵ ۳ / ۱ خوردن تُرنج پس از غذا
۸۶ ۴ / ۱ نخوردن تُرنج در شب
۸۶ ۵ / ۱ آنچه تُرنج را هضم می‌کند
۸۷ ۶ / ۱ مَرَبَّای تُرنج
۸۷ ۷ / ۱ نگاه کردن به تُرنج
۸۷ فصل دوم: آلو
۸۸ فصل سوم: برنج
۸۸ ۱ / ۳ مهتر همه خوراکی‌ها
۸۹ ۲ / ۳ خواص برنج
۸۹ فصل چهارم: بادروج (خوک)
۹۱ فصل پنجم: بادمجان
۹۳ فصل ششم: باقلا
۹۳ ۱ / ۶ خوراک عیسی
۹۳ ۲ / ۶ خواص باقلا
۹۳ ۳ / ۶ خوردن باقلا با پوست آن
۹۴ فصل هفتم: پیاز
۹۵ فصل هشتم: خربزه
۹۵ ۱ / ۸ خواص خربزه
۹۷ ۲ / ۸ خوردن خربزه پیش از غذا
۹۷ ۳ / ۸ نهی از خوردن خربزه در حالت ناشتا

- ۹۷ ۴ / ۸ آداب خوردن خربزه
- ۹۸ فصل نهم: تخم‌مرغ
- ۹۸ ۱ / ۹ خواص تخم‌مرغ
- ۹۹ ۲ / ۹ خوردن تخم‌مرغ با پیاز و روغن زیتون
- ۹۹ ۳ / ۹ خوردن تخم‌مرغ با گوشت
- ۹۹ ۴ / ۹ زرده تخم مرغ
- ۱۰۰ ۵ / ۹ نهی از افراط در خوردن تخم‌مرغ
- ۱۰۱ ۶ / ۹ تخم‌مرغ‌های حلال و تخم‌مرغ‌های حرام
- ۱۰۲ فصل دهم: سیب
- ۱۰۲ ۱ / ۱۰ خواص سیب
- ۱۰۴ ۲ / ۱۰ خواص خوردن سیب در حالت ناشتا یا در سحرگاهان
- ۱۰۴ ۳ / ۱۰ بویدن سیب پیش از خوردن
- ۱۰۵ ۴ / ۱۰ مکروه بودن خوردن سیب ترش
- ۱۰۵ فصل یازدهم: تلپینه
- ۱۰۶ فصل دوازدهم: خرما
- ۱۰۶ ۱ / ۱۲ خواص خرما
- ۱۰۷ ۲ / ۱۲ بهترین سحری و افطاری
- ۱۰۸ ۳ / ۱۲ خواص خرما برای زن باردار و تازه‌زا
- ۱۰۹ ۴ / ۱۲ خوردن خرما با خربزه و خیار
- ۱۰۹ ۵ / ۱۲ گشودن کام نوزاد با خرما
- ۱۱۰ فصل سیزدهم: انجیر
- ۱۱۱ فصل چهاردهم: سیر
- ۱۱۲ فصل پانزدهم: پنیر
- ۱۱۲ ۱ / ۱۵ خواص پنیر

- ۱۱۲ خوردن پنیر با گردو ۲ / ۱۵
- ۱۱۳ بیان
- ۱۱۳ خوردن پنیر با خربزه ۳ / ۱۵
- ۱۱۳ زیان‌های پنیر ۴ / ۱۵
- ۱۱۴ خوردن پنیر در صبحگاهان و شامگاهان ۵ / ۱۵
- ۱۱۴ فصل شانزدهم: جرجیر
- ۱۱۴ آنچه در نکوهش جرجیر روایت شده ۱ / ۱۶
- ۱۱۵ آنچه در نهی از خوردن جرجیر به هنگام شب رسیده است ۲ / ۱۶
- ۱۱۵ آنچه احادیث پیشین را رد می‌کند ۳ / ۱۶
- ۱۱۵ بیان
- ۱۱۶ فصل هفدهم: زردک
- ۱۱۷ فصل هیجدهم: گردو
- ۱۱۸ فصل نوزدهم: هزار اسپند
- ۱۱۹ فصل بیستم: شنبلیله
- ۱۱۹ فصل بیست و یکم: شیرینی
- ۱۲۰ فصل بیست و دوم: نخود
- ۱۲۱ فصل بیست و سوم: نان
- ۱۲۱ ۱ / ۲۳ خواص نان
- ۱۲۱ ۲ / ۲۳ خواص نان جو
- ۱۲۱ ۳ / ۲۳ خواص نان برنج
- ۱۲۲ ۴ / ۲۳ خواص نان گاوژس
- ۱۲۲ فصل بیست و چهارم: کاهو
- ۱۲۳ فصل بیست و پنجم: سرکه
- ۱۲۳ ۱ / ۲۵ خواص سرکه

- ۱۲۳ ۲ / ۲۵ خواص سرکه شراب
- ۱۲۴ ۳ / ۲۵ آغاز کردن غذا با سرکه
- ۱۲۵ فصل بیست و هشتم: انار
- ۱۲۵ ۱ / ۲۶ مهتر میوه‌ها
- ۱۲۵ ۲ / ۲۶ خواص انار
- ۱۲۷ ۳ / ۲۶ خواص انار شیرین
- ۱۲۸ ۴ / ۲۶ خواص انار ترش و شیرین (مَلَس)
- ۱۲۸ ۵ / ۲۶ خواص خوردن انار با پیه آن
- ۱۲۹ فصل بیست و هفتم: مویز
- ۱۲۹ ۱ / ۲۷ خواص مویز
- ۱۲۹ ۲ / ۲۷ خواص خوردن مویز در حالت ناشتا
- ۱۳۰ ۳ / ۲۷ خواص خوردن بیست و یک دانه مویز
- ۱۳۱ فصل بیست و هشتم: زیتون
- ۱۳۱ ۱ / ۲۸ خواص زیتون
- ۱۳۱ ۲ / ۲۸ خواص روغن زیتون
- ۱۳۳ فصل بیست و نهم: آویشن
- ۱۳۴ فصل سی‌ام: مُشکک
- ۱۳۵ فصل سی و یکم: بِه
- ۱۳۵ ۱ / ۳۱ خواص بِه
- ۱۳۸ ۲ / ۳۱ فایده‌های ناشتا خوردن بِه
- ۱۳۸ اشاره
- ۱۳۹ ۳ / ۳۱ خواص بِه برای زنان باردار
- ۱۴۰ فصل سی و دوم: شکر
- ۱۴۰ ۱ / ۳۲ خواص شکر

- ۱۴۱ ۲ / ۳۲ خواص شکر طَبْرَزَد
- ۱۴۲ فصل سی و سوم: شلغم
- ۱۴۳ فصل سی و چهارم: چغندر
- ۱۴۴ فصل سی و پنجم: روغن حیوانی
- ۱۴۴ ۱ / ۳۵ خواص روغن گاو
- ۱۴۵ ۲ / ۳۵ مکروه بودن روغن حیوانی برای پیران
- ۱۴۵ فصل سی و ششم: سَبَا (سَنَا)
- ۱۴۶ فصل سی و هفتم: سَوِیْق
- ۱۴۶ ۱ / ۳۷ خواص سَوِیْق
- ۱۴۸ ۲ / ۳۷ خواص برخی از انواع سَوِیْق
- ۱۴۸ الف سَوِیْق جو
- ۱۴۸ ب سَوِیْق عدس
- ۱۴۹ ج سَوِیْق برنج
- ۱۴۹ د سَوِیْق سیب
- ۱۵۰ ۳ / ۳۷ خواص سَوِیْق خشک
- ۱۵۱ فصل سی و هشتم: پیّه
- ۱۵۲ فصل سی و نهم: عدس
- ۱۵۴ فصل چهلم: عسل
- ۱۵۴ ۱ / ۴۰ درمان با عسل
- ۱۵۴ قرآن
- ۱۵۴ حدیث
- ۱۵۵ ۲ / ۴۰ خواص عسل
- ۱۵۸ فصل چهل و یکم: انگور
- ۱۵۸ ۱ / ۴۱ تأثیر انگور در از میان رفتن اندوه

۱۵۹ فصل ۲ / ۴۱ آداب خوردن انگور
۱۵۹ بیان
۱۵۹ فصل چهل و دوم: عُنَّاب
۱۶۰ فصل چهل و سوم: سِنَجِد
۱۶۰ فصل چهل و چهارم: تَرْب
۱۶۱ فصل چهل و پنجم: خُرفه
۱۶۲ فصل چهل و ششم: خیار
۱۶۲ ۱ / ۴۶ خواصّ خیار
۱۶۲ ۲ / ۴۶ آداب خوردن خیار
۱۶۳ فصل چهل و هفتم: کدو
۱۶۴ فصل چهل و هشتم: کباب
۱۶۵ فصل چهل و نهم: تره
۱۶۵ اشاره
۱۶۷ ۲ / ۴۹ خوردن تره تازه
۱۶۸ ۳ / ۴۹ خوردن تره همراه با نمک
۱۶۸ فصل پنجاهم: کَرْفس
۱۶۸ فصل پنجاه و یکم: قارچ
۱۶۹ فصل پنجاه و دوم: گلابی
۱۷۰ فصل پنجاه و سوم: کُنْدُر
۱۷۰ ۱ / ۵۳ خواصّ کُنْدُر
۱۷۱ ۲ / ۵۳ فایده‌های کُنْدُر برای زنان باردار
۱۷۲ فصل پنجاه و چهارم: شیر
۱۷۲ ۱ / ۵۴ خواصّ شیر
۱۷۲ ۲ / ۵۴ درمان با شیر گاو

- ۱۷۳ شیر شتر ۳ / ۵۴
- ۱۷۴ ماستِ چکیده ماده الاغ ۴ / ۵۴
- ۱۷۴ شیر با عسل ۵ / ۵۴
- ۱۷۴ ماست و نانخواه ۶ / ۵۴
- ۱۷۵ فصل پنجاه و پنجم: گوشت
- ۱۷۵ مهتر همه خوراک‌ها ۱ / ۵۵
- ۱۷۶ خواص گوشت ۲ / ۵۵
- ۱۷۶ خواص گوشت همراه با شیر ۳ / ۵۵
- ۱۷۷ گوشت شتر ۴ / ۵۵
- ۱۷۸ گوشت گاو ۵ / ۵۵
- ۱۷۹ گوشت میش ۶ / ۵۵
- ۱۸۰ گوشت کبک ۷ / ۵۵
- ۱۸۰ گوشت مرغ ۹ / ۵۵
- ۱۸۰ گوشت کَبَکَجیر ۱۰ / ۵۵
- ۱۸۱ گوشت سنگخوازک ۱۱ / ۵۵
- ۱۸۱ گوشت ماهی ۱۲ / ۵۵
- ۱۸۱ خوردن گوشت ماهی ۱ / ۱۲ / ۵۵
- ۱۸۲ خوردن خرما یا عسل، پس از خوردن ماهی ۲ / ۱۲ / ۵۵
- ۱۸۲ نهی از خوردن تخم‌مرغ و ماهی با همدیگر ۳ / ۱۲ / ۵۵
- ۱۸۲ نهی از اعتیاد به خوردن ماهی ۴ / ۱۲ / ۵۵
- ۱۸۳ اظهار نظر
- ۱۸۳ فصل پنجاه و ششم: لوبیا
- ۱۸۳ اشاره
- ۱۸۴ بیان

۱۸۴	فصل پنجاه و هفتم: ماش
۱۸۴	اشاره
۱۸۴	بیان
۱۸۵	فصل پنجاه و هشتم: نمک
۱۸۶	فصل پنجاه و نهم: هلیم
۱۸۷	فصل شصتم: کاسنی
۱۸۸	فهرست منابع و مآخذ
۱۹۹	فهرست تفصیلی

دانشنامه احادیث پزشکی جلد ۲

مشخصات کتاب

- سرشناسه: محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۲۵ -
 عنوان قراردادی: موسوعه الاحادیث الطیبه. فارسی
 عنوان و نام پدیدآور: دانش نامه احادیث پزشکی / محمدی ری شهری، با همکاری مرتضی خوش نصیب... [و دیگران]؛ ترجمه حسین صابری.
 مشخصات نشر: قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۵.
 مشخصات ظاهری: ۶۷۲ص.
 فروست: مرکز تحقیقات دارالحدیث؛ ۹۴.
 شابک: ۳۸۰۰۰ ریال: ۰-۲۹-۴۹۳-۹۶۴؛ ۵۰۰۰۰ ریال (چاپ پنجم)؛ ۷۰۰۰ ریال (چاپ هفتم)؛ ۹۰۰۰۰ ریال: چاپ دهم: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۰۲۹-۴
 یادداشت: با همکاری مرتضی خوش نصیب، محمد تقی سبحانی نیا، رسول افقی، احمد سعادت فر.
 یادداشت: چاپ سوم.
 یادداشت: چاپ پنجم و هفتم: ۱۳۸۶.
 یادداشت: چاپ دهم: ۱۳۸۸.
 یادداشت: کتاب حاضر در چاپ دوم ۱۳۸۳ توسط همین ناشر به صورت دو جلدی چاپ شده و در چاپ حاضر با حذف متن اصلی عربی آن به صورت تک جلدی به چاپ رسیده است.
 یادداشت: نمایه.
 موضوع: پزشکی -- احادیث
 موضوع: احادیث اهل سنت -- قرن ۱۴
 شناسه افزوده: خوش نصیب، مرتضی، ۱۳۴۲-
 شناسه افزوده: صابری، حسین، ۱۳۴۵-، مترجم
 شناسه افزوده: موسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث. سازمان چاپ و نشر
 رده بندی کنگره: BP۱۴۱/۵ پ۴م۴۱۳۳۰۴۱۳۸۵الف
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۴
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۴۱۲۰۹

بخش چهارم: تأثیر خوردن و آشامیدن در سلامت و بیماری

اشاره

الفصل الأول: قلّة الأكل

۱ / ۱

الحثُّ عَلَى قِلَّةِ الْأَكْلِ

۱۱۴۷. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَهْلَ الْبَيْتِ لَيَقِلُّ طَعْمُهُمْ؛ فَتَسْتَنْبِرُ بِيَوْمِهِمْ. [۱]
۱۱۴۸. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ كَثُرَ تَسْبِيحُهُ وَتَمْجِيدُهُ، وَقَلَّ طَعَامُهُ وَشَرَابُهُ وَمَنَامُهُ، اشْتَاقَتْهُ الْمَلَائِكَةُ. [۲]
۱۱۴۹. الإمام عليّ عليه السلام فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ: لَا تَطْلُبِ الْحَيَاةَ لِتَأْكُلَ، بَلِ اطْلُبِ الْأَكْلَ لِتَحْيَا. [۳]
۱۱۵۰. الإمام عليّ عليه السلام فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ: يَتَّبِعِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَتَذَكَّرَ عِنْدَ حَلَاوَةِ الْغِذَاءِ مَرَارَةَ الدَّوَاءِ. [۴]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۱

فصل یکم: کم خوری

۱ / ۱ تشویق به کم خوری

۱۱۴۷. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: ساکنان یک خانه، در اثر کم خوردن غذا، خانه‌شان نورانی می‌گردد.
۱۱۴۸. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر کس تسبیح گفتن او و به عظمت یاد کردن او از خداوند، فراوان شود و خوراک و آشامیدن و خفتنش اندک گردد، فرشتگان مشتاق او می‌شوند.
۱۱۴۹. امام علی علیه السلام در حکمت‌های منسوب به ایشان: زندگی را برای خوردن مخواه؛ بلکه خوردن را برای زندگی بخواه.
۱۱۵۰. امام علی علیه السلام در حکمت‌های منسوب به ایشان: عاقل را بایسته است که به هنگام شیرینی غذا، تلخی دارو را نیز به یاد داشته باشد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۲

۲ / ۱

فَوَائِدُ قِلَّةِ الْأَكْلِ الظَّاهِرِيَّةُ

أَصِحَّةُ الْبَدَنِ

۱۱۵۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: أُمَّ جَمِيعِ الْأَدْوِيَةِ قِلَّةُ الْأَكْلِ. [۵]
۱۱۵۲. الإمام عليّ عليه السلام: قِلَّةُ الْأَكْلِ يَمْنَعُ كَثِيرًا مِنْ أَعْلَالِ الْجِسْمِ. [۶]
۱۱۵۳. عنه عليه السلام: أَقَلُّ طَعَامًا تُقَلِّلُ سَقَامًا. [۷]
۱۱۵۴. عنه عليه السلام: مَنْ قَلَّ طَعَامُهُ قَلَّتْ آلامُهُ. [۸]
۱۱۵۵. عنه عليه السلام: قِلَّةُ الْغِذَاءِ أَكْرَمٌ لِلنَّفْسِ، وَ أَدْوَمٌ لِلصَّحَّةِ. [۹]
۱۱۵۶. عنه عليه السلام: مَنْ اقْتَصَرَ فِي أَكْلِهِ كَثُرَتْ صِحَّتُهُ، وَ صَلَحَتْ فِكْرَتُهُ. [۱۰]
۱۱۵۷. عنه عليه السلام: إِنَّ صِحَّةَ الْجِسْمِ مِنْ قِلَّةِ الطَّعَامِ، وَ قِلَّةِ الْمَاءِ. [۱۱]
۱۱۵۸. الإمام الرضا عليه السلام: لَوْ أَنَّ النَّاسَ قَصَرُوا فِي الطَّعَامِ، لَأَسْتَقَامَتِ أبدَانُهُمْ. [۱۲]
۱۱۵۹. عنه عليه السلام: إِنَّ الْجَسَدَ بِمَنْزِلَةِ الْأَرْضِ الطَّيِّبَةِ الْخَرَابِ؛ إِنْ تُعْهِدَتْ بِالْعِمَارَةِ وَالسَّقْيِ مِنْ حَيْثُ لَا تَزْدَادُ مِنَ الْمَاءِ فَتَغْرَقَ وَلَا

تَنْقُصُ مِنْهُ فَتَعْطَشُ، دَامَتْ
 عِمَارَتُهَا وَ كَثُرَ رَيْعُهَا وَ زَكَا زَرْعُهَا. وَ إِن تَغَافَلْتَ عَنْهَا فَسَدَتْ وَ نَبَتَ فِيهَا الْعُشْبُ. وَ الْجَسَدُ بِهَذِهِ الْمَنْزِلَةِ وَ التَّدْبِيرِ فِي الْأَغْذِيَةِ وَ الْأَشْرَبِيَّةِ،
 يَصْلُحُ وَ يَصِحُّ وَ تَزْكُو الْعَافِيَةُ فِيهِ.
 وَ أَنْظِرْ... مَا يُؤَافِقُكَ وَ مَا يُؤَافِقُ مَعِدَتَكَ، وَ يَقْوَى عَلَيْهِ بَدْنُكَ وَ يَسْتَمِرُّهُ مِنَ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ، فَقَدَّرَهُ لِنَفْسِكَ وَ اجْعَلْهُ غِذَاكَ. [۱۳]
 دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۳

۱/۲ فایده‌های ظاهری کم‌خوری

الف سلامت تن

۱۱۵۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مادر همه داروها، کم‌خوری است.
 ۱۱۵۲. امام علی علیه السلام: کم‌خوری، مانع بسیاری از بیماری‌های جسم می‌شود.
 ۱۱۵۳. امام علی علیه السلام: خوراک را کم کن تا ناتن درستی‌ها را کم کنی.
 ۱۱۵۴. امام علی علیه السلام: هر کس خوراکش کم باشد، دردهایش نیز کم است.
 ۱۱۵۵. امام علی علیه السلام: کم‌خوری، مایه گرمی داشتن بیشتر خویشت است و سلامت را بیشتر استمرار می‌بخشد.
 ۱۱۵۶. امام علی علیه السلام: هر کس در خوردن به کم بسنده کند، سلامتیش بیشتر می‌شود و اندیشه‌اش به سامان می‌رسد.
 ۱۱۵۷. امام علی علیه السلام: سلامت تن، از کمی غذا و کمی آب است.
 ۱۱۵۸. امام رضا علیه السلام: اگر مردم در خوردن به کم بسنده می‌داشتند، بدن‌هایشان متعادل بود.
 ۱۱۵۹. امام رضا علیه السلام: بدن، به سان زمین پاک و آماده برای زراعت است که اگر در آبادانی و آبی‌دهی بدان، مراقبت شود، به گونه‌ای که آب، نه فراوان‌تر از نیاز بدان برسد تا آن را غرق کند و نه از اندازه کمتر باشد تا آن را به تشنگی گرفتار سازد، آبادانی‌اش استمرار می‌یابد و خرمی‌اش فزونی می‌گیرد و کشتش بالندگی و برکت می‌یابد؛ اما اگر از آن غفلت شود، به تباهی می‌گراید و علف هرز در آن می‌روید.
 بدن، چنین حکایتی دارد و تدبیر آن در خوراک و نوشاک، چنین است. [پس،] سامان و سلامت می‌یابد و عافیت در آن، ریشه می‌گسترده.
 بنگر که... چه چیز با تو و با معده‌ات سازگار است و تنت با چه چیز نیرو می‌گیرد و بدنت چه خوردنی و نوشیدنی‌ای را می‌گوارد.
 همان را برای خویش مقرر مدار و خوراک خود گیر.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۴

ب نَصَارَةُ الْوَجْهِ

۱۱۶۰. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَرَّ أُخِي عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمَدِينَةٍ وَ فِيهَا رَجُلٌ وَ امْرَأَةٌ يَتَصَايِحَانِ.
 فَقَالَ: مَا شَأْنُكُمَا.

قَالَ [الرَّجُلُ]: يَا نَبِيَّ اللَّهِ، هَذِهِ امْرَأَتِي وَ لَيْسَ بِهَا بَأْسٌ، صَالِحَةٌ، وَ لَكِنِّي أَحِبُّ فِرَاقَهَا.

قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَلَى كُلِّ حَالٍ مَا شَأْنُهَا؟

قَالَ: هِيَ خَلَقَهُ الْوَجْهِ مِنْ غَيْرِ كَبِيرٍ.

قَالَ: يَا امْرَأَةٌ، أَ تُحِبِّينَ أَنْ يَعُودَ مَاءٌ وَجْهِكَ طَرِيًّا؟

قَالَتْ: نَعَمْ.

قَالَ لَهَا: إِذَا أَكَلْتَ فَإِيَّاكَ أَنْ تَشْبَعِي [۱۴]؛ لِأَنَّ الطَّعَامَ إِذَا تَكَاثَرَ عَلَى الصَّدْرِ فَرَادَ فِي الْقَدْرِ ذَهَبَ مَاءُ الْوَجْهِ. فَفَعَلْتَ ذَلِكَ فَعَادَ وَجْهُهَا طَرِيًّا. [۱۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۵

ب شادابی چهره

۱۱۶۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برادرم عیسی، از شهری گذر کرد که در آن، مرد و زنی به یکدیگر فریاد می کشیدند. پرسید: «شما را چه شده است؟».

[مرد] گفت: ای پیامبر خدا! این، زن من است و او را مشکلی نیست. زنی درستکار است؛ اما دوست دارم از او جدا شوم. گفت: «به هر حال، به من بگوی که او را چه می شود؟».

[مرد] گفت: بی آنکه کهن سال باشد، چهره‌اش بی طراوت است.

گفت: «ای زن! آیا دوست داری دیگر بار، چهره‌ات پُر طراوت شود؟».

[زن گفت: آری.

به او گفت: «چون غذا می خوری، از سیر شدن حذر کن؛ زیرا اگر غذا بر سینه سنگینی کند و از اندازه افزون شود، طراوت چهره از میان می رود».

آن زن، چنان کرد و دیگر بار، چهره‌اش طراوت یافت.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۶

ج طولُ العُمُرِ

۱۱۶۱. لقمان علیه السلام: إِذَا قَلَّ طُعْمَةُ الْمَرْءِ عَاشَ طَوِيلًا. [۱۶]

۳/۱

فَوَائِدُ قَلْبِهِ الْأَكْلِ الْبَاطِنِيَّةُ

أَصْفَاءُ الْفِكْرِ

۱۱۶۲. الإمام علي عليه السلام: مَنْ قَلَّ أَكْلُهُ صَفَا فِكْرُهُ. [۱۷]

ب نورُ القَلْبِ

۱۱۶۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِذَا أَقَلَّ الرَّجُلُ الطَّعْمَ، مُلِيَ جَوْفُهُ نَوْرًا. [۱۸]

ج النَّجَاءُ مِنَ الشَّيْطَانِ

۱۱۶۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ سَيَّرَهُ أَنْ يُخَلِّصَ نَفْسَهُ مِنْ إِبْلِيسَ فَلْيُذِبْ [۱۹] شَحْمَهُ وَ لَحْمَهُ بِقَلْبِهِ الطَّعَامَ؛ فَإِنَّ مِنْ قَلْبِهِ الطَّعَامَ

حُضُورَ الْمَلَائِكَةِ وَ كَثْرَةَ التَّفَكِيرِ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. [۲۰]

۱۱۶۵. عنه صلی الله علیه و آله: جَاهِدُوا أَنْفُسَكُمْ بِقَلْبِهِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ، تُظَلِّكُمُ الْمَلَائِكَةُ، وَ يَفِرُّ عَنْكُمْ الشَّيْطَانُ. [۲۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۷

ج طول عمر

۱۱۶۱. لقمان علیه السلام: اگر خوراک انسان اندک باشد، زیاد زنده می ماند.

۳ / ۱ فایده‌های باطنی کم‌خوری

الف صفای اندیشه

۱۱۶۲. امام علی علیه السلام: هر کس خوراکش کم باشد، اندیشه‌اش صفا می‌یابد.

ب فروغ دل

۱۱۶۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر کسی خوراک خود را کم کند، درویش از نور، سرشار می‌گردد.

ج رهایی از شیطان

۱۱۶۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس، از این خرسند می‌شود که خویش را از ابلیس برهاند، باید گوشت و چربی خود را با کم‌خوری، آب کند؛ چرا که از کم‌خوری، حضور فرشتگان و فراوان اندیشیدن در آنچه نزد خداوند عز و جل است، حاصل می‌آید.

۱۱۶۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: با کمی خوراک و نوشاک، با نفس خویش جهاد کنید تا فرشتگان بر شما سایه بگسترند و شیطان از شما بگریزد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۸

د الدُّخُولُ فِي مَلَكَوَاتِ السَّمَاوَاتِ

۱۱۶۶. رسول الله صلی الله علیه و آله: البُسُوا الصُّوفَ وَ شَمِّرُوا، وَ كُلُوا فِي أَنْصَافِ الْبُطُونِ، تَدْخُلُوا فِي مَلَكَوَاتِ السَّمَاوَاتِ. [۲۲]

۱۱۶۷. عنه صلی الله علیه و آله: لَا يَدْخُلُ مَلَكَوَاتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَنْ مَلَأَ بَطْنَهُ. [۲۳]

ه التَّقَرُّبُ إِلَى اللَّهِ

۱۱۶۸. رسول الله صلی الله علیه و آله: التَّقْلِيلُ مِنَ الطَّعَامِ بِمَنْزِلَةِ سَيِّئِهِ عِنْدَ اللَّهِ. [۲۴]

۱۱۶۹. عنه صلی الله علیه و آله: أَحْبَبُّكُمْ إِلَيَّ اللَّهُ أَقْلُكُمْ طَعْمًا، وَ أَحْفَكُمْ بَدَنًا. [۲۵]

۱۱۷۰. الإمام الصادق علیه السلام: أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ جَلًّا وَ عَزًّا إِذَا خَفَّ بَطْنُهُ. [۲۶]

و جَوَامِعُ مَنَافِعِ قَلْبِ الْأَكْلِ

۱۱۷۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ قَلَّ طَعْمُهُ، صَحَّ بَدَنُهُ وَ صَفَا قَلْبُهُ، وَ مَنْ كَثُرَ طَعْمُهُ، سَقَمَ بَدَنُهُ وَ قَسَا قَلْبُهُ. [۲۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۹

د در آمدن به ملکوت آسمان‌ها

۱۱۶۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پشمینه بپوشید و میان بر بندید و به گنجایش نیمه شکم بخورید تا به ملکوت آسمان‌ها در آید.

۱۱۶۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس شکمش پُر باشد، به ملکوت آسمان‌ها و زمین راه نمی‌یابد.

ه تقرب به درگاه خداوند

۱۱۶۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کاستن از خوراک، نزد خداوند، جایگاهی والا دارد.

۱۱۶۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دوست داشتنی‌ترین شما نزد خداوند، کم‌خوراک‌ترین و سبک‌بدن‌ترین شماست.
 ۱۱۷۰. امام صادق علیه السلام: نزدیک‌ترین حالت بنده به خداوند عز و جل، هنگامی است که شکم وی، سبک باشد. [۲۸]

و مجموعه‌ای از منافع کم‌خوری

۱۱۷۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس خوراکش اندک باشد، تنش سلامت و دلش صفا می‌یابد؛ و هر کس خوراکش فراوان باشد، تنش بیمار و دلش سخت می‌گردد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۰

۱۱۷۲. الإمام علی علیه السلام: عَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ فِي الْمَطَاعِمِ؛ فَإِنَّهُ أَبْعَدُ مِنَ السَّرَفِ، وَ أَصْحَحُ لِلْبَدَنِ، وَ أَعْوَنُ عَلَى الْعِبَادَةِ. [۲۹]

۱۱۷۳. مصباح الشریعة: قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَلَّةُ الْأَكْلِ مَحْمُودٌ فِي كُلِّ قَوْمٍ؛ لِأَنَّ فِيهِ مَصْلَحَةَ الْبَاطِنِ وَالظَّاهِرِ. [۳۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۱

۱۱۷۲. امام علی علیه السلام: بر شما باد میانه‌روی در خوردنی‌ها؛ چرا که این کار، از اسراف دورتر است، مایه سلامت بیشتر تن می‌گردد و در پرستش، بیشتر یاری می‌رساند.

۱۱۷۳. مصباح الشریعة در حدیثی که به امام صادق علیه السلام منسوب است: کم‌خوری، در میان هر طایفه‌ای، ستوده است؛ زیرا منفعت باطن و ظاهر، در آن است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۲

الفصل الثانی: الحمیة

۱ / ۲

مَعْنَى الْحِمِيَّةِ

۱۱۷۴. الإمام الكاظم عليه السلام: لَيْسَ الْحِمِيَّةُ أَنْ تَدَعَ الشَّيْءَ أَصْلًا لَا تَأْكُلَهُ، وَ لَكِنَّ الْحِمِيَّةَ أَنْ تَأْكُلَ مِنَ الشَّيْءِ وَ تُخَفِّفَ. [۳۱]

۱۱۷۵. الإمام الرضا عليه السلام: لَيْسَ الْحِمِيَّةُ مِنَ الشَّيْءِ تَرْكُهُ، إِنَّمَا الْحِمِيَّةُ مِنَ الشَّيْءِ الْإِقْلَالُ مِنْهُ. [۳۲]

۱۱۷۶. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: أَرَوَى عَنِ الْعَالِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: ... رَأْسُ الْحِمِيَّةِ الرَّفْقُ بِالْبَدَنِ. [۳۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۳

فصل دوم: پرهیز

۱ / ۲ معنای پرهیز

۱۱۷۴. امام کاظم علیه السلام: پرهیز، آن نیست که چیزی را به کلی وا بگذاری و هیچ نخوری؛ بلکه پرهیز، آن است که از چیزی بخوری، اما کم بخوری.

۱۱۷۵. امام رضا علیه السلام: پرهیز از یک چیز، وا گذاردن آن نیست. پرهیز از یک چیز، تنها کم خوردن از آن است.

۱۱۷۶. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: از عالم (امام کاظم علیه السلام) روایت می‌کنم که فرموده است: «سرآمد پرهیزها، مدارا با بدن است».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۴

۱۱۷۷. الإمام الكاظم عليه السلام: لَيْسَ مِنْ دَوَاءِ إِبِلًا وَهُوَ يُهَيِّجُ دَاءً، وَ لَيْسَ شَيْءٌ فِي الْبَدَنِ أَنْفَعَ مِنْ إِمْسَاكِ الْيَدِ إِبِلًا عَمَّا يُحْتَاجُ إِلَيْهِ. [۳۴]

۱۱۷۸. الدعوات: رُوِيَ: لَا تَأْكُلْ مَا قَدْ عَرَفْتَ مَضْرُوتَهُ، وَلَا تُؤْثِرْ هَوَاكَ عَلَى رَاحَةِ بَدَنِكَ. [۳۵]

۲ / ۲

الْحَثُّ عَلَى الْجِمِيَّةِ

۱۱۷۹. رسول الله صلى الله عليه وآله: الْمَعِدَّةُ بَيْتُ كُلِّ دَاءٍ، وَالْجِمِيَّةُ رَأْسُ كُلِّ دَوَاءٍ. [۳۶]

۱۱۸۰. عنه صلى الله عليه وآله: الْجِمِيَّةُ رَأْسُ الدَّوَاءِ، وَالْمَعِدَّةُ بَيْتُ الدَّاءِ، وَ عَوَّدُوا كُلَّ جِسْمٍ مَا اعْتَادَ. [۳۷]

۱۱۸۱. الإمام علي عليه السلام: الْمَعِدَّةُ بَيْتُ الأَدْوَاءِ، وَالْجِمِيَّةُ رَأْسُ الدَّوَاءِ، وَ عَوَّدَ كُلَّ بَدَنِ مَا اعْتَادَ. لَا صِحَّةَ مَعَ النَّهْمِ. [۳۸]

۱۱۸۲. الإمام الصادق عليه السلام لِلطَّبِيبِ الْهِنْدِيِّ: إِنَّ مَا مَعِيَ خَيْرٌ مِمَّا مَعَكَ... أَسْتَعْمِلُ مَا قَالَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ أَعْلَمُ أَنَّ الْمَعِدَّةَ بَيْتُ الدَّاءِ، وَ الْجِمِيَّةُ هِيَ الدَّوَاءُ، وَ اعْوَدُّ الْبَدَنَ مَا اعْتَادَ. [۳۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۵

۱۱۷۷. امام کاظم علیه السلام: هیچ دارویی نیست که دردی را بر نینگیزد، و هیچ چیزی برای بدن، سودمندتر از آن نیست که جز از آنچه بدان نیاز دارد، دست بشوید.

۱۱۷۸. الدعوات: روایت شده است که: آنچه را از زیانش آگاهی یافته‌ای، مخور و هوس خویش را بر آسایش بدن، بر مگزین.

۲ / ۲ تشویق به پرهیز

۱۱۷۹. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: معده، خانه همه دردهاست و پرهیز، ریشه همه درمان‌ها.

۱۱۸۰. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: پرهیز، سرآمد درمان، و معده، خانه درد است. هر بدنی را به همان که بدان خو می‌گیرد، عادت دهید.

۱۱۸۱. امام علی علیه السلام: معده، خانه دردهاست و پرهیز، سرآمد درمان. هر بدنی را به همان که بدان خو می‌گیرد، عادت دهید. با پُرخوری، تندرستی‌ای نخواهد بود. [۴۰]

۱۱۸۲. امام صادق علیه السلام خطاب به طبیب هندی: من برتر از آنچه تو همراه داری، به همراه دارم.... آنچه را پیامبر خدا فرموده است، به کار می‌گیرم و می‌دانم که معده، خانه همه دردها و پرهیز، یگانه درمان است. نیز بدن را بر آنچه بدان خو می‌گیرد، عادت می‌دهم.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۶

۱۱۸۳. الإمام علي عليه السلام: مَنْ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى مَضْبِضِ الْجِمِيَّةِ، طَالَ سُقْمُهُ. [۴۱]

۱۱۸۴. عنه عليه السلام: صَلَاحُ الْبَدَنِ الْجِمِيَّةُ. [۴۲]

۱۱۸۵. عنه عليه السلام: لَا تُتَالُ الصَّحَّةُ إِلَّا بِالْجِمِيَّةِ. [۴۳]

۳ / ۲

مَا رُوِيَ فِي مُدَّةِ جِمِيَّةِ الْمَرِيضِ

۱۱۸۶. معانى الأخبار: عَنْ جَعْفَرِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ: كَمْ يُحَمَى الْمَرِيضُ؟ فَقَالَ: دِبْقًا.

فَلَمْ أَدْرِ كَمْ «دِبْقًا»! فَسَأَلْتُهُ.

فَقَالَ: عَشْرَةُ أَيَّامٍ. [۴۴]

۱۱۸۷. طَبُّ الْأَثْمَةِ: عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْحِمِيَّةُ أَحَدُ [۴۵] عَشْرِ دِينًا [۴۶]، فَلَا حِمِيَّةَ.

قَالَ: مَعْنَى قَوْلِهِ «دِينًا» كَلِمَةٌ رُومِيَّةٌ، يَعْنِي: أَحَدَ عَشَرَ صَبَاحًا. [۴۷]

۱۱۸۸. الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَنْفَعُ الْحِمِيَّةُ لِمَرِيضٍ بَعْدَ سَبْعَةِ أَيَّامٍ. [۴۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۷

۱۱۸۳. امام علی علیه السلام: هر کس بر سختی پرهیز صبر نکند، ناتن درستی اش به درازا می انجامد.

۱۱۸۴. امام علی علیه السلام: پرهیز، مایه درستی تن است.

۱۱۸۵. امام علی علیه السلام: تندرستی، جز با پرهیز، به دست نمی آید.

۲ / ۳ آنچه درباره مدت پرهیز بیمار، روایت شده است

۱۱۸۶. معانی الأخبار از جعفر بن اسماعیل، از مردی، در گفتگو با امام صادق علیه السلام: از ایشان پرسیدم: بیمار، چند روز، پرهیز

داده می شود؟

فرمود: «يَكُ دِبْقٍ». [۴۹]

من نمی دانستم دِبق چیست. از همین روی، در این باره از ایشان پرسیدم.

فرمود: «ده روز».

۱۱۸۷. طَبُّ الْأَثْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به نقل از یعقوب بن یزید، از یکی از مردانش، از امام صادق علیه السلام: «پرهیز، یازده "دین" است

و از آن پس، پرهیزی نیست».

مؤلف طَبُّ الْأَثْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ گفته است: «دین»، یک واژه رومی و به معنای «یازده روز» است.

۱۱۸۸. امام صادق علیه السلام: پرهیز، پس از هفت روز، برای بیمار، سودی ندارد.

اظهار نظر

با توجه به ضعف سند حدیث اول و دوم، تنها حدیث قابل اعتماد در این باب، حدیث سوم است. بنا بر این، تعارضی در میان

نخواهد بود. علامه مجلسی در ذیل حدیث سوم، چنین می گوید:

برخی از پزشکان، این حدیث را ناظر به صورتی معنا کرده اند که بیمار، پس از هفت یا یازده روز، بهبود می یابد؛ اما این تفسیر،

تفسیری دور است.

می توان این حدیث را به معنای پرهیز سخت، تفسیر کرد و یا آن را ناظر به آب و هوا و مزاج های مردمان [در مکان و زمان صدور

حدیث] دانست».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۸

الفصل الثالث: التَّجَوُّع

الْحَثَّ عَلَى التَّجَوُّعِ

۱۱۸۹. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَفْضَلُكُمْ مَنْزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى أَطْوَلُكُمْ جَوْعًا وَتَفَكُّرًا، وَأَبْغَضُكُمْ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى كُلُّ نَوْومٍ وَ أَكُولٍ وَ شَرُوبٍ. [۵۰]

۱۱۹۰. عنه صلى الله عليه وآله: طَوْبِي لِمَنْ طَوَى وَ جَاعَ، أَوْلَيْكَ الَّذِينَ يَشْبَعُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. [۵۱]

۱۱۹۱. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَهْلَ الْجَوْعِ فِي الدُّنْيَا هُمْ أَهْلُ الشُّبْعِ فِي الْآخِرَةِ، وَ إِنَّ أَبْغَضَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ الْمُتَّخِمُونَ الْمَلَأَ. [۵۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۹

فصل سوم: گرسنگی کشیدن

۳ / ۱ تشویق به گرسنگی کشیدن

۱۱۸۹. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: والاجايگاه‌ترین شما نزد خداوند عز و جل آن است که بیش از همه گرسنگی می‌کشد و بیش از همه می‌اندیشد؛ و منفورترین شما نزد خداوند متعال، هر پُرخواب پُرخور پُراشام است.

۱۱۹۰. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: خوشا به حال آنان که شکم، تهی می‌دارند و گرسنگی می‌کشند. آنان کسانی اند که در روز قیامت، سیر می‌شوند.

۱۱۹۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: همدمانِ گرسنگی در این سرای، همدمانِ سیری در سرای دیگرند و منفورترین مردم نزد خداوند، پُرخورانِ آکنده‌شکم اند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۰

۱۱۹۲. الإمام علي عليه السلام: نِعَمَ الْإِدَامُ الْجَوْعُ. [۵۳]

۱۱۹۳. تنبيه الخواطر: رَوَى بَعْضُهُمْ أَنَّهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ قَالَ: أَدِيمُوا قَرَعَ بَابِ الْجَنَّةِ يُفْتَحُ لَكُمْ.

[قَالَ الزَّوَاي: قُلْتُ: وَ كَيْفَ نُدِيمُ قَرَعَ بَابِ الْجَنَّةِ؟]

قَالَ: بِالْجَوْعِ وَ الظَّمَا. [۵۴]

۲ / ۳

فَوَائِدُ التَّجَوُّعِ الْجِسْمِيَّةُ

أَصِحَّةُ الْبَدَنِ

۱۱۹۴. رسول الله صلى الله عليه وآله: صَوْمُوا تَصِحُّوا. [۵۵]

۱۱۹۵. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْحَى إِلَى نَبِيِِّّ مِنْ أَنْبِيَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ: أَنْ أَخِيرَ قَوْمَكَ أَنْ لَيْسَ عَبْدٌ يَصُومُ يَوْمًا ابْتِغَاءً وَجْهِي، إِلَّا أَصَحَّتْ جِسْمُهُ وَ أَعْظَمَتْ أَجْرُهُ. [۵۶]

۱۱۹۶. الإمام علي عليه السلام: الصَّيَامُ أَحَدُ الصَّحْتَيْنِ. [۵۷]

۱۱۹۷. عنه عليه السلام: التَّجَوُّعُ أَنْفَعُ الدَّوَاءِ. [۵۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۱

۱۱۹۲. امام علی علیه السلام: گرسنگی، چه نیکو خورشی است!

۱۱۹۳. تنبيه الخواطر: یکی از صحابه روایت کرده که پیامبر که درود خداوند بر وی و خاندانش باد فرموده است: «بیوسته کوبه در بهشت را بزیند تا برایتان باز شود».

[راوی می‌گوید:] گفتم: چگونه پیوسته کوبه در بهشت را بزینم؟
فرمود: «با گرسنگی و تشنگی».

۲ / ۳ فایده‌های جسمی گرسنگی کشیدن

الف سلامت تن

۱۱۹۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روزه بدارید تا تندرست بمانید.

۱۱۹۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند به یکی از پیامبران بنی اسرائیل، وحی کرد که: «به طایفه‌ات خبر بده هیچ بنده‌ای، یک روز برای خشنودی من روزه نمی‌گیرد، مگر آنکه تن او را سالم می‌دارم و او را پاداشی بزرگ می‌دهم».

۱۱۹۶. امام علی علیه السلام: روزه، یکی از دو [طریق سلامت است].

۱۱۹۷. امام علی علیه السلام: گرسنگی کشیدن، سودمندترین درمان است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۲

۱۱۹۸. عنه علیه السلام: لَا يَجْتَمِعُ الْجُوعُ وَالْمَرَضُ. [۵۹]

ب طيبُ الطَّعامِ

۱۱۹۹. الإمام الهادی علیه السلام: السَّهْرُ أَلَدُّ لِلْمَنَامِ، وَالْجُوعُ يَزِيدُ فِي طيبِ الطَّعامِ. [۶۰]

۳ / ۳

فَوَائِدُ التَّجْوَعِ الرُّوحِيَّةُ

أ الْوَرَعُ عَنِ الْمَعَاصِي

۱۲۰۰. الإمام علی علیه السلام: نِعَمَ عَوْنِ الْوَرَعِ التَّجْوَعُ. [۶۱]

۱۲۰۱. عنه علیه السلام: نِعَمَ الْعَوْنِ عَلَى أَشْرِ النَّفْسِ وَكَسْرِ عَادَتِهَا التَّجْوَعُ. [۶۲]

۱۲۰۲. عنه علیه السلام فِي الدِّيوانِ الْمَنسُوبِ إِلَيْهِ:

تَجْوَعُ فَإِنَّ الْجُوعَ مِنْ عَمَلِ التَّقْوِيانِ طَوِيلَ الْجُوعِ يَوْمًا سَيُسْبَعُ [۶۳]

ب النَّجَاةُ مِنَ الشَّيْطَانِ

۱۲۰۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنَّ الشَّيْطَانَ لَيَجْرِي مِنْ ابْنِ آدَمَ مَجْرَى الدَّمِ، فَضَيِّقُوا مَجَارِيَهُ بِالْجُوعِ. [۶۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۳

۱۱۹۸. امام علی علیه السلام: گرسنگی و بیماری، با هم گرد نمی‌آیند.

ب خوش مزگی غذا

۱۱۹۹. امام هادی علیه السلام: شب‌زنده‌داری، خواب را شیرین‌تر می‌کند و گرسنگی، غذا را خوش مزگی می‌افزاید.

۳ / ۳ فایده‌های روحی گرسنگی کشیدن

الف دامن در کشیدن از گناه

۱۲۰۰. امام علی علیه السلام: گرسنگی کشیدن، چه نیکو یاری ای برای پاک دامن است! [۶۵]

۱۲۰۱. امام علی علیه السلام: گرسنگی کشیدن، چه نیکو یاری دهنده‌ای بر سرکشی نفس و شکستن عادت آن است.

۱۲۰۲. امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان:

خود را گرسنه بدار که گرسنگی، از آثار پرهیزگاری است / آنکه زمان درازی را گرسنگی کشد، سرانجام روزی (روز قیامت) سیر خواهد شد.

ب رهایی از شیطان

۱۲۰۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شیطان در درون آدمی زاده به سان خون، جریان می‌یابد. گذرگاه‌های او را با گرسنگی، تنگ کنید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۴

ج التَّقَرُّبُ إِلَى اللَّهِ

۱۲۰۴. الإمام علی علیه السلام فی حَدِيثِ الْمِعْرَاجِ: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَأَلَ رَبَّهُ سُبْحَانَهُ لِيَلْبَهُ الْمِعْرَاجِ فَقَالَ: ... يَا رَبِّ، دُلَّنِي عَلَى عَمَلٍ أَتَقَرَّبُ بِهِ إِلَيْكَ.

قَالَ: اجْعَلْ لِيكَ نَهَاراً وَنَهَارَكَ لِيلاً.

قَالَ: يَا رَبِّ، كَيْفَ ذَلِكَ؟

قَالَ: اجْعَلْ نَوْمَكَ صَلَاةً، وَطَعَامَكَ الْجُوعَ.

يا أَحْمَدُ، وَعِزَّتِي وَجَلَالِي، مَا مِنْ عَبْدٍ ضَمِنَ لِي بِأَرْبَعِ خِصَالٍ إِلَّا أَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ: يَطْوِي لِسَانَهُ فَلَا يَفْتَحُهُ إِلَّا بِمَا يَعْنِيهِ، وَيَحْفَظُ قَلْبَهُ مِنَ الْوَسْوَاسِ، وَيَحْفَظُ عِلْمِي وَنَظْرِي إِلَيْهِ، وَيَكُونُ قُرَّةَ عَيْنِيهِ الْجُوعَ.

يا أَحْمَدُ، لَوْ ذُقْتَ حَلَاوَةَ الْجُوعِ وَالصَّمْتِ وَالْخَلْوَةَ، وَما وَرِثُوا مِنْهَا.

قَالَ: يَا رَبِّ، ما مِيرَاثُ الْجُوعِ؟

قَالَ: الْحِكْمَةُ، وَحِفْظُ الْقَلْبِ، وَالتَّقَرُّبُ إِلَيَّ، وَالْحُزْنُ الدَّائِمُ، وَحِفَّةُ الْمُؤَنَةِ بَيْنَ النَّاسِ، وَقَوْلُ الْحَقِّ، وَلَا يُبَالِي عَاشَ بِسِرِّ أَمْ بَعْسِرٍ.

يا أَحْمَدُ، هَلْ تَدْرِي بِأَيِّ وَقْتٍ يَتَقَرَّبُ الْعَبْدُ إِلَيَّ؟

[قَالَ: لا، يا رَبِّ [۶۶].

قَالَ: إِذَا كَانَ جَائِعاً أَوْ سَاجِداً. [۶۷]

د الْعِلْمِ وَالْحِكْمَةِ

۱۲۰۵. رسول الله صلی الله علیه و آله: الْقَلْبُ يَتَحَمَّلُ الْحِكْمَةَ عِنْدَ خُلُوقِ الْبَطْنِ. [۶۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۵

ج تقرب به درگاه خداوند

۱۲۰۴. امام علی علیه السلام در حدیث معراج: پیامبر صلی الله علیه و آله در شب معراج، از پروردگار خود خواست و چنین گفت: پروردگارا! مرا به کاری راه نمای که با آن به تو نزدیک شوم.

فرمود: «شبت را روز، و روزت را شب بدار».

پرسید: پروردگارا! چگونه چنین توان کرد؟

فرمود: «خواب خویش را نماز، و خوراک خود را گرسنگی قرار بده.

ای احمد! به عزت و جلالم سوگند، هیچ بنده‌ای برایم چهار چیز را تضمین نمی‌کند، مگر این که او را به بهشت در می‌آورم: زبان فرو بندد و آن را جز بدانچه به وی مربوط است، نگشاید؛ دل خویش را از وسواس حفظ کند؛ آگاهی من از او و این را که او در زیر نگاه من است، پاس بدارد؛ و نور دیده‌اش، در گرسنگی باشد.

ای احمد! کاش، شیرینی: گرسنگی، سکوت، خلوت و آنچه را از آن به ارث برده‌اند، چشیده بودی!». پرسید: پروردگارا! ارث گرسنگی چیست؟

فرمود: «حکمت، حفظ دل، تقرب به خداوند، اندوه دائم، کم‌هزینگی برای مردم، حق‌گویی، و اهمیت ندادن به این که در گشایش و آسانی می‌زید یا در سختی و دشواری.

ای احمد! آیا می‌دانی با کدام حالت و وقت، بنده به من تقرب می‌جوید؟». گفت: نه، ای پروردگارا!

فرمود: «آن هنگام که گرسنه یا در حالت سجده باشد».

د [رسیدن به علم و حکمت

۱۲۰۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دل، به هنگام تهی بودن درون، بار حکمت، بر می‌گیرد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۶

۱۲۰۶. عنه صلی الله علیه و آله: إِذَا رَأَيْتُمْ أَهْلَ الْجُوعِ وَ التَّفَكُّرِ فَاقْتَرِبُوا مِنْهُمْ؛ فَإِنَّهُ تَجْرِي الْحِكْمَةُ مَعَهُمْ. [۶۹]

۱۲۰۷. عنه صلی الله علیه و آله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: وَضَعْتُ خَمْسَةً فِي خَمْسَةٍ وَ النَّاسُ يَطْلُبُونَهَا فِي خَمْسَةٍ فَلَا يَجِدُونَهَا: وَضَعْتُ الْعِلْمَ فِي الْجُوعِ وَ الْجَهْدِ وَ النَّاسُ يَطْلُبُونَهُ بِالشَّبَعِ وَ الرَّاحَةَ فَلَا يَجِدُونَهُ. [۷۰]

۱۲۰۸. عدَّة الداعی: أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى دَاوُودَ: يَا دَاوُودُ إِنِّي... وَضَعْتُ الْعِلْمَ فِي الْجُوعِ وَ الْجَهْدِ، وَ هُمْ يَطْلُبُونَهُ [۷۱] فِي الشَّبَعِ وَ الرَّاحَةَ فَلَا يَجِدُونَهُ. [۷۲]

راجع: ج ۲، ص ۳۴ (التقرب إلى الله).

ه رُؤْيُهُ اللَّهُ بِالْقَلْبِ

۱۲۰۹. رسول الله صلی الله علیه و آله: أُجِيعُوا أَكْبَادَكُمْ، وَ أَعْرُوا صُورَكُمْ... لَعَلَّكُمْ تَرَوْنَ الْحَقَّ بِقُلُوبِكُمْ. [۷۳]

۱۲۱۰. عیسی علیه السلام: أُجِيعُوا أَكْبَادَكُمْ، وَ أَعْرُوا أَجْسَادَكُمْ؛ فَلَعَلَّ قُلُوبَكُمْ تَرَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ. [۷۴]

۱۲۱۱. عنه علیه السلام لِلْحَوَارِيِّينَ: يَا مَعْشَرَ الْحَوَارِيِّينَ، جُوعُوا بَطُونَكُمْ، وَ عَطَشُوا أَكْبَادَكُمْ، وَ أَعْرُوا أَجْسَادَكُمْ؛ لَعَلَّ قُلُوبَكُمْ تَرَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ. [۷۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۷

۱۲۰۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون همدمان گرسنگی و تفکر را دیدید، به آنان نزدیک شوید؛ چرا که حکمت، آنان را همراهی می‌کند.

۱۲۰۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل می‌فرماید: «پنج چیز را در پنج چیز نهادم؛ اما مردم، آنها را در پنج چیز دیگر می‌جویند و نمی‌یابند: دانش را در گرسنگی و رنج و تلاش قرار دادم، در حالی که مردم آن را در سیری و آسایش می‌جویند. در نتیجه آن را نمی‌یابند.

۱۲۰۸. عدَّة الداعی: خداوند متعال به داوود علیه السلام این گونه وحی فرستاد: «ای داوود! ... من دانش را در گرسنگی و رنج و

تلاش نهاده‌ام؛ اما آنان آن را در سیری و آسایش می‌جویند و در نتیجه آن را نمی‌یابند». ر. ک: تقرّب به درگاه خداوند (عنوان پیشین).

ه دیدن خداوند با دیده دل

۱۲۰۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جگرهای خود را گرسنه و بدن‌هایتان را برهنه بدارید... [۷۶] شاید که حق را با دل‌هایتان ببینید.

۱۲۱۰. عیسی علیه السلام: جگرهای خود را گرسنه و تن‌هایتان را برهنه بدارید، شاید که دل‌هایتان، خداوند عز و جل را ببیند.

۱۲۱۱. عیسی علیه السلام خطاب به حواریان: ای همراهان همیشگی! شکم‌های خویش را گرسنه، جگرهای خود را تشنه و تن‌های خویش را برهنه بدارید، شاید که دل‌هایتان، خداوند عز و جل را ببیند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۸

الفصل الرابع: كثرة النهم

۱ / ۴

دَمُ النَّهَمِ

۱۲۱۲. الإمام الصادق عليه السلام: كَثْرَةُ الْأَكْلِ مَكْرُوهٌ. [۷۷]

۱۲۱۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَا مَلَأَ آدَمِيَّ وَعَاءٌ شَرًّا مِنْ بَطْنٍ. حَسْبُ الْآدَمِيِّ لُقِيمَاتٌ يُقِمْنَ صِلْبَهُ؛ فَإِنْ غَلَبَتِ الْآدَمِيَّ نَفْسُهُ، فَتَلَّتْ لِلطَّعَامِ وَ تَلَّتْ لِلشَّرَابِ وَ تَلَّتْ لِلنَّفْسِ. [۷۸]

۱۲۱۴. عنه صلی الله علیه و آله: سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي سُنَّةٌ؛ يَأْكُلُ الْمُؤْمِنُ فِي مِعَاءٍ وَاحِدٍ، وَ يَأْكُلُ الْكَافِرُ فِي سَبْعَةِ أَمْعَاءٍ. [۷۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۹

فصل چهارم: پرخوری

۱ / ۴ نکوهش پرخوری

۱۲۱۲. امام صادق علیه السلام: پرخوری، ناخوشایند است.

۱۲۱۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آدمی هیچ ظرفی را بدتر از شکم، پُر نکرده است. آدمی زاده را چند لقمه بسنده می‌کند که کمرش را راست بدارد. اگر نفس آدمی بر او چیرگی یافت، یک سوم [معهده برای خوراک، یک سوم برای نوشاک، و یک سوم برای نفس کشیدن خواهد بود.

۱۲۱۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پس از من، روشی [جدید در جامعه پدید خواهد آمد: مؤمن به اندازه یک معده می‌خورد و کافر به اندازه هفت معده.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۰

۱۲۱۵. عنه صلی الله علیه و آله: الْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ فِي مِعَى وَاحِدٍ، وَ الْكَافِرُ يَأْكُلُ فِي سَبْعَةِ أَمْعَاءٍ. [۸۰]

۱۲۱۶. مسند ابن حنبل عن أبي بصرة الغفاري: أتیْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله لَمَّا هَاجَرْتُ وَ ذَلِكُ قَبْلَ أَنْ أُسْلِمَ، فَحَلَبَ لِي شَوِيهَةً

كَانَ يَحْتَلِبُهَا لِأَهْلِهِ فَشَرِبْتُهَا، فَلَمَّا أَصْبَحْتُ أَسَلَمْتُ.

و قَالَ عِيَالُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: نَبِيْتُ اللَّيْلَةِ كَمَا بَتْنَا الْبَارِحَةَ جِيعًا!

فَحَلَبَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ شَاءَةً فَشَرِبْتُهَا وَ رَوَيْتُ.

فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: أُرَوَيْتُ؟

فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ رَوَيْتُ، مَا شَبِعْتُ وَلَا رَوَيْتُ قَبْلَ الْيَوْمِ!

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: إِنَّ الْكَافِرَ يَأْكُلُ فِي سَبْعَةِ أَمْعَاءٍ وَ الْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ فِي مِعَى وَاحِدٍ. [۸۱]

۱۲۱۷. المستدرک عن جعدة: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَقُولُ وَ رَأَى رَجُلًا مُشْبَعًا فَجَعَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يُومِي بِيَدِهِ

إِلَى بَطْنِهِ وَ يَقُولُ: لَوْ كَانَ هَذَا فِي غَيْرِ هَذَا كَانَ خَيْرًا لَهُ. [۸۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۱

۱۲۱۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن، به اندازه یک معده می خورد و کافر، به اندازه هفت معده می خورد! [۸۳]

۱۲۱۶. مسند ابن حنبل به نقل از ابو بصره غفاری: چون هجرت کردم، به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدم. در آن زمان هنوز

اسلام نیاورده بودم. او برایم از گوسفندی کوچک اندام که همیشه برای خانواده اش از آن می دوشید شیر دوشید. من شیر را نوشیدم

و چون آن شب را به صبح رساندم، اسلام آوردم.

[آن شب،] خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: امشب نیز گرسنه می خوابیم، چنان که دیشب گرسنه خوابیدیم!

پیامبر خدا [در آن دیگر روز نیز] برایم گوسفندی دوشید. شیر آن را خوردم و سیراب شدم.

پیامبر خدا از من پرسید: «آیا سیراب شدی؟».

گفتم: ای پیامبر خدا! سیراب شدم. پیش از این، هیچ وقت، [این اندازه نه سیر و نه سیراب شده بودم!

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «کافر، به اندازه هفت معده می خورد و مؤمن، به اندازه یک معده می خورد».

۱۲۱۷. المستدرک به نقل از جعدة: از پیامبر خدا چون مردی بسیار سیر را دید و با دست به شکم وی اشاره کرد شنیدم که فرمود:

«اگر این (غذایی که خورده) در غیر این [شکم قرار داشت، برای وی بهتر بود».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۲

۱۲۱۸. الإمام علی علیه السلام: كَثْرَةُ الْأَكْلِ مِنَ الشَّرِّهِ، وَ الشَّرُّهُ شَرُّ الْعُيُوبِ. [۸۴]

۱۲۱۹. عنه عليه السلام في حديث المعراج: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ... يَا أَحْمَدُ، ابْغِضِ الدُّنْيَا وَ أَهْلَهَا وَ احِبِّ الْآخِرَةَ وَ أَهْلَهَا.

قَالَ: يَا رَبِّ، وَ مَنْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَ مَنْ أَهْلُ الْآخِرَةِ؟

قَالَ: أَهْلُ الدُّنْيَا مَنْ كَثُرَ أَكْلُهُ وَ ضَحْكُهُ وَ نَوْمُهُ وَ غَضَبُهُ. [۸۵]

۲ / ۴

دَمٌ أَكَلَ الْأَلْوَانَ مِنَ الطَّعَامِ

۱۲۲۰. رسول الله صلی الله علیه و آله: سَيَكُونُ نَاسٌ مِّنْ أُمَّتِي يُولَدُونَ فِي التَّعِيمِ وَ يُعَذَّبُونَ بِهِ، هَمَّتُهُمُ الْأَوَانُ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ، وَ

يُمَدِّحُونَ بِالْقَوْلِ، أَوْلَيْكَ شِرَارُ أُمَّتِي. [۸۶]

۱۲۲۱. عنه صلى الله عليه و آله: سَيَكُونُ رِجَالٌ مِّنْ أُمَّتِي يَأْكُلُونَ الْأَوَانَ الطَّعَامِ، وَ يَشْرَبُونَ الْأَوَانَ الشَّرَابِ، وَ يَلْبَسُونَ الْأَوَانَ اللَّبَاسِ، وَ

يَتَشَدَّقُونَ فِي الْكَلَامِ، فَأَوْلَيْكَ شِرَارُ أُمَّتِي. [۸۷]

۱۲۲۲. عنه صلى الله عليه و آله: شِرَارُ أُمَّتِي قَوْمٌ وُلِدُوا فِي التَّعِيمِ وَ عُذِّبُوا بِهِ، يَأْكُلُونَ مِنَ الطَّعَامِ الْأَوَانَ، وَ يَلْبَسُونَ مِنَ الثِّيَابِ الْأَوَانَ، وَ

يَرْكَبُونَ مِنَ الدَّوَابِّ الْأَوَانَ، يَتَشَدَّقُونَ

فی الکلام. [۸۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۳

۱۲۱۸. امام علی علیه السلام: پُرخوری، نشانه شکم‌بندگی است و شکم‌بندگی، بدترین عیب‌هاست.

۱۲۱۹. امام علی علیه السلام در حدیث معراج: خداوند متعال فرمود: «... ای احمد! دنیا و همدانیش را منفور بدار و آخرت و همدانیش را دوست بدار».

گفت: پروردگارا! همدان دنیا چه کسانی، و همدان آخرت، چه کسانی اند؟

فرمود: «همدان دنیا کسانی اند که خوردن، خندیدن، خفتن و خشم آوردنشان، بسیار است».

۲/۴ نکوهش خوردن غذاهای رنگارنگ

۱۲۲۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسانی از امت من، پدید خواهند آمد که در آسایش، زاده می‌شوند و در آن، تغذیه

می‌گردند. همت آنان، گونه‌های خوراک و نوشاک است. و [یکدیگر را] به زبان می‌ستایند. آنان، بدهای امت من هستند. [۸۹]

۱۲۲۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مردانی از امت من خواهند بود که غذاهای رنگارنگ می‌خورند، نوشیدنی‌های رنگارنگ

می‌نوشند، جامه‌های رنگارنگ می‌پوشند و در سخن گفتن، پُرچانگی می‌کنند. اینان، بدهای امت من هستند.

۱۲۲۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بدترین کسان امت من، آنانی هستند که در رفاه، زاده شده

و در آن، تغذیه گردیده‌اند. [آنان،] غذاهای رنگارنگ می‌خورند، لباس رنگارنگ می‌پوشند، بر مرکب‌های گونه‌گون سوار

می‌شوند و در سخن گفتن نیز پُرچانگی می‌کنند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۴

۱۲۲۳. الإمام علی علیه السلام: الْأَلْوَانُ يُعْظَمَنَّ الْبَطْنَ وَ يُخَدَّرَنَّ الْأَلْتَيْنِ. [۹۰]

۳/۴

مَضَارُّ النَّهْمِ الظَّاهِرِيَّةُ

أَنْوَاعُ الْأَسْقَامِ

۱۲۲۴. الإمام علی علیه السلام: مَنْ عَرَسَ فِي نَفْسِهِ مَحَبَّةَ أَنْوَاعِ الطَّعَامِ، اجْتَنَى ثِمَارَ فُنُونِ الْأَسْقَامِ. [۹۱]

۱۲۲۵. عنه علیه السلام: إِدْمَانُ الشُّبْعِ يورثُ أَنْوَاعَ الْوَجَعِ. [۹۲]

۱۲۲۶. عنه علیه السلام: قَلَّ مَنْ أَكْثَرَ مِنْ فُضُولِ الطَّعَامِ، إِلَّا لَزِمَتْهُ الْأَسْقَامُ. [۹۳]

۱۲۲۷. عنه علیه السلام: الشُّبْعُ يُكْثِرُ الْأَدْوَاءَ. [۹۴]

۱۲۲۸. عنه علیه السلام: إِيَّاكَ وَ إِدْمَانَ الشُّبْعِ؛ فَإِنَّهُ يُهَيِّجُ الْأَسْقَامَ وَ يُثِيرُ الْعِلَلَ. [۹۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۵

۱۲۲۳. امام علی علیه السلام: غذاهای رنگارنگ، شکم را بزرگ و سرین را سست می‌کند.

۳/۴ زیان‌های ظاهری پُرخوری

الف انواع ناتن‌درستی‌ها

۱۲۲۴. امام علی علیه السلام: هر کس در دل خود، درخت علاقه به انواع غذاها را بکارد، میوه گونه‌های ناتن‌درستی را می‌چیند.
 ۱۲۲۵. امام علی علیه السلام: اعتیاد به سیری، انواع دردها را به همراه می‌آورد.
 ۱۲۲۶. امام علی علیه السلام: اندک‌اند کسانی که به فراوانی، غذای افزون بر نیاز خورده باشند و ناتن‌درستی‌ها همدمشان نشده باشد.

۱۲۲۷. امام علی علیه السلام: سیری، بیماری‌ها را افزون می‌سازد.

۱۲۲۸. امام علی علیه السلام: از اعتیاد به سیری حذر کن؛ چرا که ناتن‌درستی‌ها را تحریک می‌کند و بیماری‌ها را برمی‌انگیزد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۶

۱۲۲۹. عنه علیه السلام: قَلَّ مَنْ أَكْثَرَ مِنَ الطَّعَامِ فَلَمْ يَسْقَمِ. [۹۶]

۱۲۳۰. عنه علیه السلام: كَمِ مِنْ أَكَلَةٍ مَنَعَتْ أَكْلَاتٍ. [۹۷]

۱۲۳۱. عنه علیه السلام: كُلُّ دَاءٍ مِنَ التُّخْمَةِ مَا خَلَا الْحُمَى؛ فَإِنَّهَا تَرُدُّ وَرُودًا. [۹۸]

ب ضَعْفُ الصَّحَّةِ

۱۲۳۲. الإمام علی علیه السلام: مَنْ كَثُرَ أَكْلُهُ قَلَّتْ صِحَّتُهُ، وَ ثَقُلَتْ عَلَيَّ نَفْسِيهِ مُؤَنَّتُهُ. [۹۹]

۱۲۳۳. عنه علیه السلام: لَا صِحَّةَ مَعَ النَّهْمِ. [۱۰۰]

۱۲۳۴. عنه علیه السلام: لَا تَجْتَمِعُ الصَّحَّةُ وَالنَّهْمُ. [۱۰۱]

۱۲۳۵. الإمام الصادق علیه السلام: فَسَادُ الْجَسَدِ فِي كَثْرَةِ الطَّعَامِ، وَ فَسَادُ الزَّرْعِ فِي كَسْبِ الْأَثَامِ، وَ فَسَادُ الْمَعْرِفَةِ فِي تَرْكِ الصَّلَاةِ عَلَى

خَيْرِ الْأَنَامِ. [۱۰۲]

ج الذَّفَرُ

۱۲۳۶. الإمام علی علیه السلام: كَثْرَةُ الْأَكْلِ تُذْفِرُ. [۱۰۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۷

۱۲۲۹. امام علی علیه السلام: اندک‌اند کسانی که غذا بسیار خورده باشند و بیمار نشده باشند.

۱۲۳۰. امام علی علیه السلام: چه بسا خوردنی که مانع خوردن‌ها می‌شود!

۱۲۳۱. امام علی علیه السلام: هر بیماری‌ای از پُرخوری است، مگر تب، که ناگاه به بدن درمی‌آید.

ب کاهش تندرستی

۱۲۳۲. امام علی علیه السلام: هر کس خوردنش بسیار شود، تندرستی‌اش کاهش می‌یابد و هزینه‌اش بر وی سنگین می‌گردد.

۱۲۳۳. امام علی علیه السلام: با پُرخوری، تندرستی‌ای نخواهد بود.

۱۲۳۴. امام علی علیه السلام: تندرستی و پُرخوری، با هم گرد نمی‌آیند.

۱۲۳۵. امام صادق علیه السلام: تباهی تن، در فراوانی خوراک است؛ تباهی کشت، در ارتکاب گناه؛ و تباهی شناخت، در واگذارن

صلوات بر برترین مردمان [یعنی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله .

ج گندبویی

۱۲۳۶. امام علی علیه السلام: بسیار خوردن، گندبویی می‌آورد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۸

مَضَارُّ النَّهْمِ الْبَاطِنِيَّةُ

أَفْسَادُ الْوَرَعِ

۱۲۳۷. رسول الله صلى الله عليه وآله: بِسَّسِ الْعَوْنُ عَلَى الدِّينِ: قَلْبٌ نَخِيبٌ، وَ بَطْنٌ رَغِيبٌ [۱۰۴]، وَ نَعْظٌ شَدِيدٌ. [۱۰۵]

۱۲۳۸. الإمام علي عليه السلام: نِعَمَ عَوْنِ الْمَعَاصِي الشُّبُعِ. [۱۰۶]

۱۲۳۹. عنه عليه السلام: الشُّبُعُ يُفْسِدُ الْوَرَعَ. [۱۰۷]

۱۲۴۰. عنه عليه السلام: الشُّبُعُ يورثُ الْأَشْرَ وَ يُفْسِدُ الْوَرَعَ. [۱۰۸]

۱۲۴۱. عنه عليه السلام: بِسَّسِ قَرِينُ الْوَرَعِ الشُّبُعِ. [۱۰۹]

۱۲۴۲. الإمام الباقر عليه السلام: إِذَا شَبِعَ الْبَطْنُ طَغَى. [۱۱۰]

ب فساد النفس

۱۲۴۳. رسول الله صلى الله عليه وآله: لَا تُمَيِّتُوا الْقُلُوبَ بِكَثْرَةِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ؛ فَإِنَّ الْقُلُوبَ تَمُوتُ

كَالزُّرُوعِ إِذَا كَثُرَ عَلَيْهَا. [۱۱۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۹

۴ / ۴ زیان‌های باطنی پُرخوری

الف تباهی پاک‌دامنی

۱۲۳۷. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: دلِ ترسو، شکمِ سیری‌ناپذیر و شهوتِ جنسیِ شدید، چه بد همدستانی بر ضدّ دین هستند!

۱۲۳۸. امام علی علیه السلام: پُرخوری، یار مناسبی برای گناهان است.

۱۲۳۹. امام علی علیه السلام: پُرخوری، پاک‌دامنی را تباه می‌کند.

۱۲۴۰. امام علی علیه السلام: پُرخوری، سرمستی می‌آورد و پاک‌دامنی را تباه می‌سازد.

۱۲۴۱. امام علی علیه السلام: پُرخوری، بد همدمی برای پاک‌دامنی است.

۱۲۴۲. امام باقر علیه السلام: شکم، چون پُر شود، سرکشی می‌آورد.

ب تباهی نفس

۱۲۴۳. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: دل‌ها را با فراوانیِ خوراک و نوشاک نمی‌رانید؛ زیرا دل به سان

کشت، اگر آب زیادی بدان رسانده شود، می‌میرد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۰

۱۲۴۴. عنه صلى الله عليه وآله: إِيَّاكُمْ وَ فَضُولَ الطَّعَامِ؛ فَإِنَّهُ يَسِمْ الْقَلْبَ بِالقَسْوَةِ، وَ يُبِطِئُ بِالجَوَارِحِ عَنِ الطَّاعِيَةِ، وَ يُصِمُّ الْهَمَمَ عَنِ

سَمَاعِ المَوْعِظَةِ. [۱۱۲]

۱۲۴۵. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ تَعَوَّدَ كَثْرَةَ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ، قَسَا قَلْبُهُ. [۱۱۳]

۱۲۴۶. الإمام علي عليه السلام: كَثْرَةُ الْأَكْلِ وَ النَّوْمِ تُفْسِدَانِ النَّفْسَ، وَ تَجْلِبَانِ المَضْرَّةَ. [۱۱۴]

ج حجابِ الفِطْنَةِ

۱۲۴۷. الإمام علی علیه السلام: مَنْ زَادَ شَبَعُهُ كَظَّتْهُ الْبِطْنَةُ، مَنْ كَظَّتْهُ الْبِطْنَةُ حَجَبَتْهُ عَنِ الْفِطْنَةِ. [۱۱۵]

۱۲۴۸. عنه عليه السلام: لَا فِطْنَةَ مَعَ بِطْنَةٍ. [۱۱۶]

۱۲۴۹. عنه عليه السلام: الْبِطْنَةُ تَحْجُبُ الْفِطْنَةَ. [۱۱۷]

۱۲۵۰. عنه عليه السلام: لَا تَجْتَمِعُ الْفِطْنَةُ وَالْبِطْنَةُ. [۱۱۸]

د ظَلَمَةُ الْقَلْبِ

۱۲۵۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: لَا تَشْبَعُوا فَيْطَفًا نَوْرُ الْمَعْرِفَةِ مِنْ قُلُوبِكُمْ. [۱۱۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۱

۱۲۴۴. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: از زیادی غذا پرهیزید؛ چرا که نشان قساوت بر دل می‌نهد، بدن را در فرمانبری از خدا کند می‌کند و اراده‌ها را از شنیدن اندرز ناشنوا می‌سازد.

۱۲۴۵. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر کس به پُر خوردن و پُر نوشیدن خو بگیرد، سنگ دل می‌شود.

۱۲۴۶. امام علی علیه السلام: فراوانی خواب و خوراک، نفس را تباه می‌کند و زیان می‌آورد.

ج پوشیده ماندن تیزهوشی

۱۲۴۷. امام علی علیه السلام: هر کس سیری اش افزون شود، شکم سیری، او را سنگین می‌سازد و هر کس شکم سیری، او را سنگین سازد، میان او و تیزهوشی، پرده می‌افتد.

۱۲۴۸. امام علی علیه السلام: پُر خوری، با تیزهوشی سازگار نیست.

۱۲۴۹. امام علی علیه السلام: پُر خوری، حجاب تیزهوشی می‌شود.

۱۲۵۰. امام علی علیه السلام: پُر خوری و تیزهوشی، با هم گرد نمی‌آیند. [۱۲۰]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۲؛ ص ۵۱

د ظلمت دل

۱۲۵۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: شکم، سیر مدارید، که نور معرفت در دل‌هایتان خاموش می‌شود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۲

۱۲۵۲. الإمام علی علیه السلام فی الْحِکْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ: كَثْرَةُ الطَّعَامِ تُمِيتُ الْقَلْبَ، كَمَا تُمِيتُ كَثْرَةُ الْمَاءِ الزَّرْعَ. [۱۲۱]

۱۲۵۳. عنه عليه السلام: إِذَا مَلَأَ الْبَطْنُ مِنَ الْمُبَاحِ، عَمِيَ الْقَلْبُ عَنِ الصَّلَاحِ. [۱۲۲]

ه فَسَادُ الْأَحْلَامِ

۱۲۵۴. الإمام علی علیه السلام: إِيَّاكَ وَالْبِطْنَةَ؛ فَمَنْ لَزِمَهَا كَثُرَتْ أَسْقَامُهُ، وَفَسَدَتْ أَحْلَامُهُ. [۱۲۳]

و قِلَّةُ الْعِبَادَةِ

۱۲۵۵. الإمام علی علیه السلام: لَا يَجْتَمِعُ [۱۲۴] الشَّبَعُ وَالْقِيَامُ بِالْمُفْتَرَضِ. [۱۲۵]

۱۲۵۶. عنه عليه السلام: لَا تَطْمَعُ فِي ثَلَاثَةٍ مَعَ ثَلَاثَةٍ: فِي سَهْرِ اللَّيْلِ مَعَ كَثْرَةِ الْأَكْلِ، وَ فِي نَوْرِ الْوَجْهِ مَعَ نَوْمِ أَجْمَعِ اللَّيْلِ، وَ فِي الْأَمَانِ مِنَ

الدُّنْيَا مَعَ صُحْبَةِ الْفُسَّاقِ. [۱۲۶]

۱۲۵۷. المحاسن عن حفص بن غياث عن الإمام الصادق عليه السلام: ظَهَرَ إِبْلِيسُ لِيَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ إِذَا عَلِيٌّ مَعَالِيْقُ مِنْ

كُلُّ شَيْءٍ.

فَقَالَ لَهُ يَحْيَى: مَا هَذِهِ الْمَعَالِيقُ يَا إِبْلِيسُ؟

فَقَالَ: هَذِهِ الشَّهَوَاتُ الَّتِي أَصَبْتُهَا مِنْ ابْنِ آدَمَ.

قَالَ: فَهَلْ لِي مِنْهَا شَيْءٌ؟

قَالَ: زُبْمًا شَبِعَتْ فَتَقَلَّتْكَ عَنِ الصَّلَاةِ وَالذِّكْرِ.

قَالَ يَحْيَى: لِلَّهِ عَلَيَّ أَلَّا أَمْلَأَ بَطْنِي مِنْ طَعَامِ أَبَدًا.

وَقَالَ إِبْلِيسُ: لِلَّهِ عَلَيَّ أَلَّا أَنْصَحَ مُسْلِمًا أَبَدًا.

ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا حَفْصُ، لِلَّهِ عَلَيَّ جَعْفَرٍ وَآلِ جَعْفَرٍ أَلَّا يَمْلَأُوا بَطُونَهُمْ مِنْ طَعَامِ أَبَدًا، وَ لِلَّهِ عَلَيَّ جَعْفَرٍ وَآلِ جَعْفَرٍ أَلَّا يَعْمَلُوا لِلدُّنْيَا أَبَدًا. [۱۲۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۳

۱۲۵۲. امام علی علیه السلام در حکمت‌های منسوب به ایشان: فراوانی خوراک، دل را می‌میراند، چنان که فراوانی آب، کشت را می‌میراند.

۱۲۵۳. امام علی علیه السلام: اگر شکم [حتی از مباح پر شود، دل از یافتن راه درست، کور می‌گردد.

ه آشفته‌گی خواب‌ها

۱۲۵۴. امام علی علیه السلام: از پُر خوری بپرهیز؛ زیرا هر کس همدم آن شود، ناتن‌درستی‌هایش افزون می‌گردد و خواب‌هایش آشفته می‌شود.

و کمی عبادت

۱۲۵۵. امام علی علیه السلام: پُر خوری و انجام دادن کارهای واجب، در بر هم، گرد نمی‌آیند.

۱۲۵۶. امام علی علیه السلام: با وجود سه چیز، در سه چیز دیگر، طمع مبند: با پُر خوری در شب‌زنده‌داری، با خفتن همه شب در نوراتیت سیما، و با همراهی با فاسقان در ایمن بودن از دنیا.

۱۲۵۷. المحاسن به نقل از حَفْص بن غیاث، از امام صادق علیه السلام: «ابلیس برای یحیی بن زکریا چهره آشکار ساخت و ناگاه یحیی دید که از هر چیزی بر او آویزه‌هایی است. از او پرسید: ای ابلیس! این آویزه‌ها چیست؟ گفت: اینها، هوس‌هایی است که آدمی زاده را بدانها گرفتار ساخته‌ام.

پرسید: آیا از اینها چیزی هم برای من هست؟

گفت: شاید [روزی سیر شده باشی و در نتیجه، این سیری، تو را از نماز و یاد خدا، سنگین کرده باشد.

یحیی گفت: با خداوند، عهد می‌بندم که هرگز شکم خویش را از خوراک، پُر نکنم.

ابلیس هم گفت: با خداوند، عهد می‌بندم که هرگز مسلمانی را اندرز ندهم!».

امام صادق علیه السلام سپس فرمود: «ای حَفْص! جعفر و خاندان جعفر را با خدا این عهد است که هیچ گاه شکم خویش را از خوراک، پُر نکنند و جعفر و خاندان جعفر را با خدا این عهد است که هرگز برای دنیا کار نکنند». [۱۲۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۴

۱۲۵۸. عیسی علیه السلام: يا بَنِي إِسْرَائِيلَ، لَا- تُكثِرُوا الْأَكْلَ؛ فَإِنَّهُ مِنْ أَكْثَرِ الْأَكْلِ أَكْثَرُ النَّوْمِ، وَ مِنْ أَكْثَرِ النَّوْمِ أَقَلُّ الصَّلَاةِ، وَ مِنْ أَقَلِّ

الصَّلَاةُ كُتِبَ مِنَ الْغَافِلِينَ. [۱۲۹]

۱۲۵۹. حلیه الأولیاء عن وهیب بن الورد: بَلَّغْنَا أَنَّ الْخَبِيثَ إِبْلِيسَ تَبَدَّى لِیَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ لَهُ: إِنِّي أَرِيدُ أَنْ أَنْصَحَكَ. فَقَالَ: كَذَبْتَ، أَنْتَ لَا تَنْصَحُنِي، وَلَكِنْ أَخْبَرْنِي عَنْ بَنِي آدَمَ. فَقَالَ: هُمْ عِنْدَنَا عَلَى ثَلَاثَةِ أَصْنَافٍ.

أَمَّا صِنْفٌ مِنْهُمْ: فَهُمْ أَشَدُّ الْأَصْنَافِ عَلَيْنَا، نُقْبَلُ حَتَّى نَفْتِنَهُ وَنَسْتَمَكِّنَ مِنْهُ، ثُمَّ يَفْرَعُ إِلَى الْاسْتِغْفَارِ وَالتَّوْبَةِ فَيَفْسِدُ عَلَيْنَا كُلَّ شَيْءٍ أَدْرَكْنَا مِنْهُ، ثُمَّ نَعُودُ لَهُ فَيَعُودُ، فَلَا نَحْنُ نِيَّاسٌ مِنْهُ، وَلَا نَحْنُ نَدْرِكُ مِنْهُ حَاجَتَنَا، فَنَحْنُ مِنْ ذَلِكَ فِي عَنَاءٍ. وَأَمَّا الصَّنْفُ الْآخَرُ: فَهُمْ فِي أَيْدِينَا بِمَنْزِلَةِ الْكُرَّةِ فِي أَيْدِي صَبِيَانِكُمْ نُلْقِيهِمْ كَيْفَ شِئْنَا، قَدْ كَفَوْنَا أَنْفُسَهُمْ. وَأَمَّا الصَّنْفُ الْآخَرُ: فَهُمْ مِثْلَكَ مَعْصُومُونَ لَا نَقْدِرُ مِنْهُمْ عَلَى شَيْءٍ.

فَقَالَ لَهُ يَحْيَى: عَلَى ذَلِكَ، هَلْ قَدَرْتَ مِنِّي عَلَى شَيْءٍ؟ قَالَ: لَا، إِلَّا مَرَّةً وَاحِدَةً؛ فَإِنَّكَ قَدَّمْتَ طَعَامًا تَأْكُلُهُ فَلَمْ أَزَلْ أَشْهِيهِ إِلَيْكَ حَتَّى أَكَلْتُ أَكْثَرَ مِمَّا تُرِيدُ، فَنِمْتَ تِلْكَ اللَّيْلَةَ وَ لَمْ تَقُمْ إِلَى الصَّلَاةِ كَمَا كُنْتَ تَقُومُ إِلَيْهَا.

قَالَ: فَقَالَ لَهُ يَحْيَى: لَا جَرَمَ، لَا شَبِعْتُ مِنْ طَعَامٍ أَبَدًا حَتَّى أَمُوتَ.

فَقَالَ لَهُ الْخَبِيثُ: لَا جَرَمَ، لَا نَصَحْتُ آدَمِيًّا بَعْدَكَ. [۱۳۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۵

۱۲۵۸. عیسی علیه السلام: ای زادگان اسرائیل! فراوان مخورید؛ زیرا هر کس زیاد بخورد، فراوان نیز می‌خوابد و هر کس فراوان بخوابد، نماز اندک می‌گزارد و هر کس نماز اندک بگزارد، از غافلان شمرده می‌شود.

۱۲۵۹. حلیه الأولیاء به نقل از وهیب بن ورد: به ما خبر رسیده که ابلیس ناپاک، برای یحیی بن زکریا آشکار شد و به او گفت: می‌خواهم تو را اندرزی بدهم.

یحیی گفت: «دروغ می‌گویی. تو خیر مرا نمی‌خواهی؛ اما به هر روی، درباره آدمی زاده به من بگو».

گفت: آنان نزد ما سه دسته‌اند:

دسته‌ای از آنان در برابر ما سخت‌ترین هستند. آهنگ یکی از آنان می‌کنیم و انتظار می‌کشیم تا او را بفریسیم و بر او توان یابیم. سپس به استغفار و توبه می‌شتابد و همه چیزهایی را که در او به چنگ آورده‌ایم، بر ما تباہ می‌سازد. دیگر بار، به سراغ او می‌رویم و او نیز دیگر بار [به سراغ آموزش‌خواهی می‌رود. نه از او نومید می‌شویم و نه کار خود را با او برمی‌آوریم و از همین روی، در رنجیم.

دسته دیگر، در دستان ما، گردکی را می‌مانند که در دست کودکان است. آنان را بدان جا که می‌خواهیم، می‌افکنیم و آنان خود، برای ما عهده‌دار خویش شده‌اند.

اما دسته دیگر، همانند تو معصوم‌اند و ما به هیچ خواسته‌ای درباره آنان توان نمی‌یابیم.

یحیی به او گفت: «بدین سان، آیا درباره من به چیزی توانایی یافته‌ای؟».

گفت: نه، مگر یک بار: تو غذایی پیش روی نهاده بودی تا آن را بخوری. من پیوسته آن را نزد تو دوست‌داشتنی ساختم، تا بیش از آنچه می‌خواستی، از آن خوردی. آن شب، خفتی و بر خلاف هر شب، برای نماز برنخاستی.

یحیی به او گفت: «قطعا از این پس، تا زنده‌ام، هیچ گاه شکم از غذایی، سیر نمی‌کنم».

ابلیس هم گفت: قطعا پس از تو، هیچ گاه آدمی زاده دیگری را اندرز نمی‌دهم.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۶

ز الْبُعْدُ مِنَ اللَّهِ

۱۲۶۰. رسول الله صلى الله عليه وآله: نَوْرُ الْحِكْمَةِ الْجَوْعُ، وَ التَّبَاعُدُ مِنَ اللَّهِ الشَّبَعُ. [۱۳۱]

۱۲۶۱. عنه صلى الله عليه وآله: لَيْسَ شَيْءٌ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ مِنْ بَطْنٍ مَلَانٍ. [۱۳۲]

۱۲۶۲. عنه صلى الله عليه وآله: أَبْغَضُكُمْ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى كُلُّ نَوْمٍ وَأَكُولٍ وَ شَرُوبٍ. [۱۳۳]

۱۲۶۳. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُبْغِضُ الْأَكْلَ فَوْقَ شَبْعِهِ، وَ الْغَافِلَ عَنِ طَاعَةِ رَبِّهِ، وَ التَّارِكَ سُنَّةَ نَبِيِّهِ، وَ الْمُخْفِرَ ذِمَّتَهُ، وَ الْمُبْغِضَ عِتْرَةَ نَبِيِّهِ، وَ الْمُؤَذَى جِرَانَهُ. [۱۳۴]

۱۲۶۴. عنه صلى الله عليه وآله: جَاءَنِي جَبْرَائِيلُ فِي سَاعَةٍ لَمْ يَكُنْ يَأْتِينِي فِيهَا، وَ فِي يَوْمٍ لَمْ يَكُنْ يَأْتِينِي فِيهِ.

فَقُلْتُ لَهُ: يَا جَبْرَائِيلُ، لَقَدْ جِئْتَنِي فِي سَاعَةٍ وَ يَوْمٍ لَمْ تَكُنْ تَأْتِينِي فِيهِمَا، لَقَدْ أُرْعَبْتَنِي؟!

قَالَ: وَ مَا يُرْوَعُكَ يَا مُحَمَّدُ، وَ قَدْ عَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ؟

قَالَ: بِمَاذَا بَعَثَكَ رَبُّكَ؟

قَالَ: يَنْهَاكَ رَبُّكَ عَنِ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ، وَ شُرْبِ الْخُمُورِ، وَ مُلَاحَاةِ الرِّجَالِ، وَ أُخْرَى هِيَ لِلْآخِرَةِ وَ الْأُولَى، يَقُولُ لَكَ رَبُّكَ: يَا مُحَمَّدُ، مَا أَبْغَضْتَ وَعَاءً قَطُّ كَبْغَضِي بَطْنًا مَلَانًا. [۱۳۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۷

ز دوری از خداوند

۱۲۶۰. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: گرسنگی، نور حکمت است و سیری، [مایه دوری از خداوند.

۱۲۶۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: در پیشگاه خداوند، هیچ چیز منفورتر از شکمی که پُر باشد، نیست.

۱۲۶۲. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: منفورترین شما در پیشگاه خداوند متعال، هر پُر خواب پرخور پُر نوش است.

۱۲۶۳. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: خداوند عز و جل آن را که فراتر از سیری می خورد، آن را که طاعت پروردگار خویش را می گذارد، آن را که سنت پیامبر صلى الله عليه وآله و آل و او می نهد، آن را که به پیمان خویش پشت پا می زند، آن را که خاندان پیامبر صلى الله عليه وآله و آل را دشمن می دارد و آن را که همسایگان خویش می آزارد، دشمن می دارد.

۱۲۶۴. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: [یک بار]، جبرئیل، در ساعت و روزی که پیش تر در آن نمی آمد، نزد من آمد.

به او گفتم: ای جبرئیل! در ساعت و روزی نزد من آمده‌ای که پیش تر نمی آمدی! مرا ترساندی!

گفت: «ای محمد! در حالی که خداوند، همه گناهان پیشین و پسین تو را آمرزیده است، چه چیزی تو را می ترساند؟». آن گاه گفت: «پروردگارت تو را به چه چیز برانگیخته است؟». باز گفت: «پروردگارت تو را از پرستش بُتان، نوشیدن می، ناسزاگویی، درگیری با مردمان، و از چیزی دیگر که به دنیا و آخرت مربوط شود، باز می دارد. پروردگارت به تو می گوید: "ای محمد! هیچ چیز را به اندازه شکم پُر، منفور نداشته‌ام».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۸

۱۲۶۵. الإمام الباقر علیه السلام: مَا مِنْ شَيْءٍ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ بَطْنٍ مَمْلُوءٍ. [۱۳۶]

۱۲۶۶. الإمام الصادق علیه السلام: أَبْعَدُ الْخَلْقِ مِنَ اللَّهِ إِذَا مَا امْتَلَأَ بَطْنُهُ. [۱۳۷]

۱۲۶۷. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُبْغِضُ كَثْرَةَ الْأَكْلِ. [۱۳۸]

۱۲۶۸. عنه عليه السلام: إِنَّ الْبَطْنَ لَيَطْغَى مِنْ أَكْلِهِ، وَ أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ جَلًّا وَ عَزًّا إِذَا خَفَّ بَطْنُهُ، وَ أَبْغَضُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا امْتَلَأَ بَطْنُهُ.

[۱۳۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۹
 ۱۲۶۵. امام باقر علیه السلام: نزد خداوند عز و جل، هیچ چیزی منفورتر از شکم پُر نیست.
 ۱۲۶۶. امام صادق علیه السلام: دورترین مردمان از خداوند، کسی است که شکمش پُر باشد.
 ۱۲۶۷. امام صادق علیه السلام: خداوند عز و جل پُر خوری را دشمن می‌دارد.
 ۱۲۶۸. امام صادق علیه السلام: شکم با خوردن، سرکش می‌شود. نزدیک‌ترین حالت بنده به خداوند عز و جل، هنگامی است که شکمش سبک باشد و دورترین حالت بنده از خداوند عز و جل نیز آن هنگام است که شکمش پُر باشد.
 دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۶۰

ح جَوْعُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

۱۲۶۹. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ شَبَعًا فِي الدُّنْيَا، أَطْوَلُهُمْ جَوْعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ. [۱۴۰]
 ۱۲۷۰. عنه صلى الله عليه وآله: أَطْوَلُكُمْ جُشَاءً فِي الدُّنْيَا، أَطْوَلُكُمْ جَوْعًا فِي الْآخِرَةِ أَوْ قَالَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. [۱۴۱]
 ۱۲۷۱. الإمام علي عليه السلام: أتى أبو جحيفة النبی صلى الله عليه وآله وهو يتجشأ، فقال: اكْفُفْ جُشَاءَكَ، فَإِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا شَبَعًا، أَكْثَرُهُمْ جَوْعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ!
 قَالَ: فَمَا مَلَأَ أَبُو جُحَيْفَةَ بَطْنَهُ مِنْ طَعَامٍ حَتَّى لَحِقَ بِاللَّهِ. [۱۴۲]
 ۱۲۷۲. الأمامی عن عطية بن عامر الجهني: سَمِعْتُ سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ وَقَدْ أَكْرَهَ عَلَيَّ طَعَامًا، فَقَالَ: حَسْبِي، إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ:

إِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ شَبَعًا فِي الدُّنْيَا، أَكْثَرُهُمْ جَوْعًا فِي الْآخِرَةِ، يَا سَلْمَانَ،
 الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ. [۱۴۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۶۱

ح گرسنگی در روز قیامت

۱۲۶۹. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: آنکه در دنیا از همه سیرتر است، در روز قیامت از همه بیشتر گرسنگی می‌کشد.
 ۱۲۷۰. الکافی: پیامبر خدا فرمود: «آنکه در دنیا بیشتر از دیگران [از پُر خوری آروغ می‌زند، در آخرت] یا فرمود «در روز قیامت» از همه بیشتر گرسنگی می‌کشد».
 ۱۲۷۱. امام علی علیه السلام: ابو جحیفه، در حالی که آروغ می‌زد، نزد پیامبر صلى الله عليه وآله آمد. پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: «جلوی آروغ خود را بگیر. سیرترین مردم در دنیا، گرسنه‌ترینشان در روز قیامت هستند».
 ابو جحیفه، از آن پس تا هنگامی که به دیدار پروردگار شتافت، هیچ گاه شکم خویش را پُر نکرد.
 ۱۲۷۲. الأمامی به نقل از عطية بن عامر جهني: از سلمان فارسی، در حالی که او را به غذا خوردن و داشته بودند، شنیدم که گفت: مرا بس است! از پیامبر خدا شنیدم که می‌فرمود: «سیرترین مردم در دنیا، گرسنه‌ترین آنان در آخرت هستند. ای سلمان! دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۶۲

۱۲۷۳. الإمام الصادق علیه السلام: سَمِعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَجُلًا يَتَجَشَّأ، فَقَالَ:
 يَا عَبْدَ اللَّهِ قَصِّرْ مِنْ جُشَائِكَ، فَإِنَّ أَطْوَلَ النَّاسِ جَوْعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، أَكْثَرُهُمْ شَبَعًا فِي الدُّنْيَا! [۱۴۴]

جوامع مَضَارِّ الْبِطْنَةِ

۱۲۷۴. رسول الله صلى الله عليه و آله: إِيَاكُمْ وَ الْبِطْنَةَ؛ فَإِنَّهَا مَفْسَدَةٌ لِلْبَدَنِ، وَ مَوْرَثَةٌ لِلْسَّقَمِ، وَ مَكْسَلَةٌ لِلْعِبَادَةِ. [۱۴۵]

۱۲۷۵. الإمام علي عليه السلام: إِيَاكُمْ وَ الْبِطْنَةَ؛ فَإِنَّهَا مَقْسَاءٌ لِلْقَلْبِ، مَكْسَلَةٌ عَنِ الصَّلَاةِ، مَفْسَدَةٌ لِلْجَسَدِ. [۱۴۶]

۱۲۷۶. عنه عليه السلام فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ: مَنْ شَبَّعَ عَوْقَبَ فِي الْحَالِ ثَلَاثَ عُقُوبَاتٍ: يُلْقَى الْغَطَاءُ عَلَى قَلْبِهِ، وَ التُّعَاسُ عَلَى عَيْنِهِ، وَ الْكَسَلُ عَلَى بَدَنِهِ. [۱۴۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۶۳

۱۲۷۳. امام صادق عليه السلام: پیامبر خدا، صدای آروغ مردی را شنید. فرمود: «ای بنده خدا! آروغت را کوتاه کن؛ زیرا کسانی که در روز قیامت، بیشترین گرسنگی را می‌کشند، آنانی هستند که در دنیا سیرترین مردم بوده‌اند».

۵ / ۴ مجموعه‌ای از زبان‌های پُر خوری

۱۲۷۴. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: از شکم‌سیری حذر کنید؛ چرا که مایه: تباهی تن، به بار آمدن بیماری و سستی در عبادت است.

۱۲۷۵. امام علی عليه السلام: از شکم‌سیری حذر کنید؛ چرا که مایه: قساوت دل، سستی در نماز و تباهی تن است.

۱۲۷۶. امام علی عليه السلام در حکمت‌های منسوب به ایشان: هر که سیر شود، در همان دم، سه کیفر (مجازات) می‌بیند: بر قلب او پرده افکنده می‌شود، بر چشمش خواب آلودگی می‌افتد و بر بدنش سستی چیره می‌گردد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۶۴

۱۲۷۷. لقمان عليه السلام لابنِهِ: يَا بُنَيَّ، إِذَا امْتَلَأْتَ الْمَعِدَةَ نَامَتِ الْفِكْرَةُ، وَ خَرَسَتِ الْحِكْمَةُ، وَ قَعَدَتِ الْأَعْضَاءُ عَنِ الْعِبَادَةِ. [۱۴۸]

۱۲۷۸. مصباح الشریعة: قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَثْرَةُ النَّوْمِ يَتَوَلَّدُ مِنْ كَثْرَةِ الشُّرْبِ، وَ كَثْرَةُ الشُّرْبِ مِنْ كَثْرَةِ الشَّبِّعِ؛ وَ هُمَا يُثْقَلَانِ النَّفْسَ عَنِ الطَّاعَةِ، وَ يُقْسِيَانِ الْقَلْبَ عَنِ التَّفَكُّرِ وَ الْخُضُوعِ. [۱۴۹]

۱۲۷۹. مصباح الشریعة: قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَيْسَ شَيْءٌ أَضَرَّ عَلَى قَلْبِ الْمُؤْمِنِ مِنْ كَثْرَةِ الْأَكْلِ، وَ هِيَ مَوْرَثَةٌ لِشَيْئَيْنِ: قَسْوَةَ الْقَلْبِ، وَ هَيْجَانَ الشَّهْوَةِ. [۱۵۰]

مَضَارُّ الْأَكْلِ عَلَى الشَّبِّعِ

۱۲۸۰. رسول الله صلى الله عليه و آله: الْأَكْلُ عَلَى الشَّبِّعِ؛ يُوْرِثُ الْبَرَصَ. [۱۵۱]

۱۲۸۱. الدعوات: رُوِيَ: الدَّاءُ الدَّوِيُّ إِدْخَالُ الطَّعَامِ عَلَى الطَّعَامِ. [۱۵۲]

راجع: ج ۲، ص ۹۸ (اجتناب الأكل على الشبع).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۶۵

۱۲۷۷. لقمان عليه السلام خطاب به پسرش: پسرم! اگر معده پُر شود، اندیشه خواب می‌رود، حکمت لال می‌شود و اندام‌ها از عبادت فرو می‌نشینند.

۱۲۷۸. مصباح الشریعة در حدیثی که به امام صادق عليه السلام منسوب است: بسیار خفتن، از نوشیدن بسیار، و بسیار نوشیدن، از سیری فراوان، زاده می‌شود و این دو، انسان را نسبت به فرمانبری از خدا سنگین می‌کنند و دل را سخت‌تر از آن می‌کنند که تفکر و خضوع داشته باشد.

۱۲۷۹. مصباح الشریعه در حدیثی که به امام صادق علیه السلام منسوب است: برای دل مؤمن، هیچ چیزی زیانبارتر از پُرخوری نیست و آن، دو چیز را پدید می‌آورد: سنگ‌دلی و برانگیختگی شهوت.

۴/۶ زیان‌های خوردن پس از سیری

۱۲۸۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوردن پس از سیری، پیسی می‌آورد.

۱۲۸۱. الدعوات: روایت شده که وارد ساختن غذا به معده، درحالی که در آن غذایی دیگر وجود دارد، درد بی‌درمان است.

ر. ک: ج ۲، ص ۹۹ (پرهیز از خوردن پس از سیری).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۶۶

الفصل الخامس: آداب أكل الطعام

۱ / ۵

غَسَلَ الْيَدَيْنِ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ

۱۲۸۲. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنَّ الْوُضُوءَ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ شِفَاءٌ فِي الْجَسَدِ، وَ يُمْنٌ فِي الرِّزْقِ. [۱۵۳]

۱۲۸۳. عنه صلی الله علیه و آله: الْوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ يَنْفِي الْفَقْرَ، وَ بَعْدَهُ يَنْفِي الْهَمَّ [۱۵۴]، وَ يُصِحُّ الْبَصَرَ. [۱۵۵]

۱۲۸۴. الأمالی عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكْثُرَ خَيْرٌ

بَيْتِهِ فَلْيَتَوَضَّأْ عِنْدَ حُضُورِ طَعَامِهِ، وَ مَنْ تَوَضَّأَ قَبْلَ

الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ عَاشَ فِي سَعَةٍ مِنْ رِزْقِهِ، وَ عَوِيَ مِنَ الْبَلَاءِ فِي جَسَدِهِ.

قَالَ هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ: قَالَ لِي الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا هِشَامَ بْنَ سَالِمٍ، الْوُضُوءُ هَاهُنَا غَسَلَ الْيَدِ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ. [۱۵۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۶۷

فصل پنجم: آداب غذا خوردن

۵ / ۱ شستن دست‌ها پیش و پس از غذا

۱۲۸۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شستن [دست‌ها] [۱۵۷] پیش و پس از غذا، شفایی برای تن و مایه برکت در روزی است.

۱۲۸۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شستن [دست‌ها] پیش از غذا، فقر را دور می‌کند و شستن [دست‌ها] پس از غذا، اندوه [۱۵۸]

را می‌راند و چشم را سلامت می‌دهد.

۱۲۸۴. الأمالی به نقل از هشام بن سالم، از امام صادق علیه السلام، از پدرانش عليهم السلام: «پیامبر خدا فرمود: هر کس از این

خرسند می‌شود که خیر و برکت

خانه‌اش بسیار باشد، در هنگام آورده شدن غذا وضو بسازد؛ و هر کس پیش و پس از غذا وضو بسازد، در گشایش روزی بزید و از

هر بلایی در تن خویش، برکنار باشد.»

هشام بن سالم گفت: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «ای هشام بن سالم! مقصود از "وضو" در اینجا، شستن دست‌ها پیش و

پس از غذاست.»

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۶۸

۱۲۸۵. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَلَا لَا يَلُومَنَّ امْرَأٌ إِلَّا نَفْسَهُ؛ يَبَيْتٌ وَ فِي يَدِهِ رِيحٌ عَمْرٍ. [۱۵۹]

۱۲۸۶. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا نَامَ أَحَدُكُمْ وَ فِي يَدِهِ رِيحٌ عَمْرٍ، فَلَمْ يَغْسِلْ يَدَهُ فَأَصَابَهُ شَيْءٌ، فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ. [۱۶۰]

۱۲۸۷. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ طَعَامًا، فَلْيَغْسِلْ يَدَهُ مِنْ وَضِيرِ اللَّحْمِ. [۱۶۱]

۱۲۸۸. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَكَلَ مِنْ هَذَا اللَّحْمِ شَيْئًا، فَلْيَغْسِلْ يَدَهُ مِنْ رِيحِ وَضْرِهِ، لَا يُؤْذَى مَنْ حِذَاءَهُ. [۱۶۲]

۱۲۸۹. كُنز العمّال عن ابن عباس: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ صَلَّى ذَاتَ يَوْمٍ فَوَجَدَ مِنْ رَجُلٍ رِيحَ اللَّحْمِ، فَلَمَّا انصَرَفَ قَالَ: أَلَا

غَسَلْتَ عَنْكَ رِيحَ اللَّحْمِ؟ [۱۶۳]

۱۲۹۰. دعائم الإسلام: إِنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَمَرَ بِغَسْلِ الْأَيْدِي بَعْدَ الطَّعَامِ مِنَ العَمْرِ، وَ قَالَ: إِنَّ

الشَّيْطَانَ يَشْمُهُ. [۱۶۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۶۹

۱۲۸۵. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر کس که بخوابد و بر دستانش بوی گوشت مانده باشد، جز خویش را نکوهش نکند.

۱۲۸۶. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: اگر کسی از شما در حالی خوابید که در دستانش بوی گوشت بود و آن را نشست و آن گاه

عارضه‌ای به وی رسید، مباد جز خویش را نکوهش کند.

۱۲۸۷. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر گاه کسی از شما غذایی می‌خورد، چربی گوشت را از دستان خویش بشوید.

۱۲۸۸. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر گاه کسی از شما غذایی می‌خورد، چربی گوشت را از دست خود بشوید تا کسانی را که

با آنان برخورد می‌کند، نیازارد.

۱۲۸۹. کنز العمّال به نقل از ابن عباس: روزی، پیامبر صلى الله عليه وآله نماز می‌گزارد. در آن هنگام، از مردی بوی گوشت حس

کرد. چون نماز را به پایان برد، [به او] فرمود: «چرا بوی گوشت را از خود نشسته‌ای؟».

۱۲۹۰. دعائم الإسلام: پیامبر خدا به شستن چربی دستان پس از غذا امر کرد و فرمود:

«شیطان، این چربی باقی مانده را بو می‌کشد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۷۰

۱۲۹۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: اغْسِلُوا صِبْيَانَكُمْ مِنَ العَمْرِ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَشْمُ العَمَرَ فَيَفْرُغُ الصَّبِيَّ فِي رُقَادِهِ، وَ يَتَّأَذَى بِهَا

الكَاتِبَانِ. [۱۶۵]

۱۲۹۲. الإمام علي عليه السلام: غَسَلَ الْيَدَيْنِ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ زِيَادَةٌ فِي العُمْرِ، وَ إِمَاطَةٌ لِلعَمْرِ عَنِ الثِّيَابِ، وَ يَجْلُو البَصَرَ. [۱۶۶]

۱۲۹۳. عنه عليه السلام: بَرَكَتُهُ الطَّعَامِ الوُضُوءُ قَبْلَهُ وَ بَعْدَهُ، وَ الشَّيْطَانُ مَوْلَعٌ بِالعَمْرِ، وَ إِذَا أَوَى أَحَدُكُمْ إِلَى فِرَاشِهِ، فَلْيَغْسِلْ يَدَيْهِ مِنْ رِيحِ

العَمْرِ. [۱۶۷]

۱۲۹۴. الإمام الصادق عليه السلام: اغْسِلُوا أَيْدِيَكُمْ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ؛ فَإِنَّهُ يَنْفِي الْفَقْرَ، وَ يَزِيدُ فِي العُمْرِ. [۱۶۸]

۱۲۹۵. الكافي عن سليمان الجعفری: قَالَ أَبُو الحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رُبَّمَا اتَى بِالْمَائِدَةِ فَأَرَادَ بَعْضُ القَوْمِ أَنْ يَغْسِلَ يَدَهُ، فَيَقُولُ:

مَنْ كَانَتْ يَدُهُ نَظِيفَةً فَلَا بَأْسَ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَغْسِلَ يَدَهُ. [۱۶۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۷۱

۱۲۹۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: چربی غذا را از [دستان کودکان] بشوید؛ چرا که شیطان، این چربی باقی مانده را بو

می‌کشد و کودک در خواب از او می‌ترسد و دو فرشته کاتب اعمال نیز آزار می‌بینند.

۱۲۹۲. امام علی علیه السلام: شستن دست‌ها پیش و پس از غذا، موجب فزون شدن عمر است و سبب زدودن چربی از جامه‌هاست و

دیده را نیز جلا می‌دهد. [۱۷۰]

۱۲۹۳. امام علی علیه السلام: برکت غذا، وضو ساختن (شستن دست‌ها) پیش و پس از آن است. شیطان، بسیار علاقه‌مند به چربی گوشت است. هرگاه کسی از شما به بستر می‌رود، باید که بوی چربی گوشت را از دستان خویش بشوید.

۱۲۹۴. امام صادق علیه السلام: دست‌هایتان را پیش و پس از غذا بشوید؛ چرا که فقر را می‌برد و بر عمر می‌افزاید. [۱۷۱]

۱۲۹۵. الکافی به نقل از سلیمان جعفری: امام کاظم علیه السلام فرمود: «شاید سفره‌ای بگسترند و در این میان، یکی بخواهد دست خود را بشوید. مناسب است [میزبان، جهت آسودگی خاطر میهمانان بگوید: هر کس دستانش تمیز است، اشکال ندارد بدون شستن دستان، غذا بخورد].»

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۷۲

۲/۵

وَضَعُ الْبَقْلِ عَلَى الْمَائِدَةِ

۱۲۹۶. رسول الله صلی الله علیه و آله: زَيِّنُوا مَوَائِدَكُمْ بِالْبَقْلِ؛ فَإِنَّهَا مَطْرَدَةٌ لِلشَّيَاطِينِ مَعَ التَّسْمِيَةِ. [۱۷۲]

۱۲۹۷. الإمام الصادق علیه السلام: لِكُلِّ شَيْءٍ حَلِيَّةٌ، وَ حَلِيَّةُ الْخِوَانِ الْبَقْلُ. [۱۷۳]

۱۲۹۸. الکافی عن حنان: كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى الْمَائِدَةِ، فَمَالَ عَلِيُّ الْبَقْلِ وَ امْتَنَعْتُ أَنَا مِنْهُ لِعَلِّي كَانَتْ بِي، فَالْتَفَتَ إِلَيَّ فَقَالَ:

يَا حَنَّانُ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يُؤْتِ بِطَبَقٍ إِلَّا وَ عَلَيْهِ بَقْلٌ؟

قُلْتُ: وَ لِمَ جُعِلَتْ فِدَاكَ؟!

فَقَالَ: لِأَنَّ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ خَضِرَةٌ، وَ هِيَ تَحْنُ إِلَى أَشْكَالِهَا. [۱۷۴]

۱۲۹۹. الکافی عن موقِّع المدینی عن أبيه عن جدِّه: بَعَثَ إِلَيَّ الْمَاضِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمًا فَأَجَلَسَنِي لِلْغَدَاءِ، فَلَمَّا جَاؤُوا بِالْمَائِدَةِ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهَا بَقْلٌ فَأَمَسَكَ يَدَهُ، ثُمَّ قَالَ لِلْغُلَامِ:

أَمَا عَلِمْتَ أَنِّي لَا آكُلُ عَلَى مَائِدَةٍ لَيْسَ فِيهَا خُضْرَةٌ، فَأَتَنِي بِالْخُضْرَةِ.

قَالَ: فَذَهَبَ الْغُلَامُ فَجَاءَ بِالْبَقْلِ فَأَلْفَأَهُ عَلَى الْمَائِدَةِ، فَمَدَّ يَدَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَئِذٍ وَ أَكَلَ. [۱۷۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۷۳

۲/۵ گذاردن سبزی در سفره

۱۲۹۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سفره‌هایتان را به سبزی آذین کنید؛ زیرا آن، همراه با گفتن بسم الله، شیطان را می‌راند.

۱۲۹۷. امام صادق علیه السلام: هر چیز را زیوری است و زیور سفره، سبزی است.

۱۲۹۸. الکافی به نقل از حنان: با امام صادق علیه السلام بر سر سفره‌ای نشسته بودم. ایشان دست به سوی سبزی دراز کرد، در حالی که من به دلیل بیماری‌ای که داشتم، از آن پرهیز نمودم.

امام علیه السلام به من رو کرد و فرمود: «ای حنان! مگر نمی‌دانی نزد امیر مؤمنان علیه السلام هیچ طبقی [۱۷۶] بقی آورده نمی‌شد، مگر این که سبزی هم داشت؟».

گفتم: فدایت شوم! چرا؟

فرمود: «زیرا دل‌های مؤمنان، سبز است [۱۷۷] و به همانند خویش، میل دارد.».

۱۲۹۹. الکافی به نقل از موقِّع مدینی، از پدرش، از جدِّش: روزی، امام کاظم علیه السلام در پی من فرستاد و مرا برای غذا خوردن

نزد خود نگه داشت. چون سفره آوردند، در آن سبزی نبود. امام علیه السلام دست برداشت و سپس به غلام فرمود: «مگر نمی‌دانی که من از سفره‌ای که در آن سبزی نباشد، نمی‌خورم؟ برایم سبزی بیاور.» آن غلام رفت و سبزی آورد و بر سفره نهاد. پس، امام علیه السلام دست به سفره گشود و خورد. دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۷۴

۳/۵

خَلَعَ النَّعَالِ

۱۳۰۰. رسول الله صلى الله عليه و آله: اخلعوا نعالكم عند الطعام؛ فإنها سنة جميلة. [۱۷۸]

۱۳۰۱. عنه صلى الله عليه و آله: إذا وضع الطعام فاخلعوا نعالكم؛ فإنه أرواح لأقدامكم. [۱۷۹]

۱۳۰۲. عنه صلى الله عليه و آله: إذا قرب لأحدكم طعامه و في رجله نعلان، فليترع نعليه؛ فإنه أرواح للقدمين، و هو من السنة. [۱۸۰]

۴/۵

التَّسْمِيَةُ

۱۳۰۳. رسول الله صلى الله عليه و آله: كل طعام لا يذكر اسم الله عليه، فإنما هو داء ولا بركة فيه. [۱۸۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۷۵

۳/۵ در آوردن کفش‌ها

۱۳۰۰. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: به هنگام غذا، کفش‌هایتان را در آورید؛ چرا که این، رفتاری زیباست.

۱۳۰۱. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: چون غذا نهاده می‌شود، کفش‌های خویش را در آورید؛ زیرا این کار، موجب آسایش بیشتر پاهایتان است. [۱۸۲]

۱۳۰۲. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: چون غذای کسی را نزد وی آوردند و کفش به پا داشت، کفش را از پای در آورد؛ چرا که این کار، موجب آسایش بیشتر پاهاست و آن، از سنت [پیامبر صلى الله عليه و آله] است.

۴/۵ بر زبان آوردن نام خدا

۱۳۰۳. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هر غذایی که بر آن نام خدا برده نشود، درد است و هیچ برکتی در آن نیست.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۷۶

۱۳۰۴. الإمام علي عليه السلام في وصيته لكتميل: إذا أكلت الطعام فسم باسم الذي لا يضُرُّ مع اسمه داء، و فيه شفاء من كل الأسواء. [۱۸۳]

۱۳۰۵. عنه عليه السلام لابنه الحسن عليه السلام: يا بني لا تطعمن لقمته من حار ولا بارد، ولا تشربن شربه ولا جرعه إلا و أنت تقول قبل أن تأكله و قبل أن تشربه.

«اللهم إني أسألك في أكلتي و شربتي السلامة من وعك، و القوة به على طاعتك و ذكرك و شكرك فيما بقيت في يدني، و أن تشجعني بقوتها على عبادتك، و أن تلهمني حسن التحرز من معصيتك».

فإنك إن فعلت ذلك أمنت وعته و غائلته. [۱۸۴]

۱۳۰۶. الإمام الصادق عليه السلام: قال أمير المؤمنين عليه السلام: ضمنت لمن يسمي على طعامه إلا يشككي منه.

فقال له ابن الكواء: يا أمير المؤمنين، لقد أكلت البارحة طعاماً فسَمَّيت عليه و آذاني!

فَقَالَ: لَعَلَّكَ أَكَلْتَ أَلْوَانًا فَسَمَّيْتَ عَلَى بَعْضِهَا وَ لَمْ تُسَمِّ عَلَى بَعْضِهَا، يَا لَكُعُ. [۱۸۵]
 ۱۳۰۷. عنه عن آباءه عليهم السلام: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا أَتَّخَمْتُ قَطُّ.
 فَقِيلَ لَهُ: وَ لِمَ؟

قَالَ: مَا رَفَعْتُ لُقْمَةً إِلَى فَمِي إِلَّا ذَكَرْتُ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا. [۱۸۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۷۷

۱۳۰۴. امام علی علیه السلام در سفارش‌های خود به گمیل: به گاه غذا خوردن، از آن کسی نام ببر که با وجود نام او، دیگر هیچ دردی زیان نمی‌رساند و نامش، شفای همه بیماری‌ها و ناتن درستی‌هاست.

۱۳۰۵. امام علی علیه السلام خطاب به فرزند خویش امام حسن علیه السلام: فرزندم! هیچ لقمه سرد و گرمی را مخور و هیچ جرعه کم و زیادی را منوش، مگر آن که پیش از خوردن و نوشیدن بگویی:

«خداوندا! من در خوردن و نوشیدن خویش، سلامت از درد و رنج آن و توان‌یابی با آن برای: انجام دادن طاعت، یاد آوردن و سپاس‌گزاری تو، تا زمانی که این خورده و نوشیده را در بدنم باقی می‌گذاری، می‌خواهم و نیز [می‌خواهم که با نیرویی که از این به من می‌دهی، مرا به پرستش خویش برانگیزی و نیکو پرهیز کردن از نافرمانی‌ات را به من الهام فرمایی».

اگر این کار را کردی، از درد و رنج و از گزندهای احتمالی آن، در امان می‌مانی.

۱۳۰۶. امام صادق علیه السلام: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «برای کسی که بر غذای خود نام خدا ببرد، ضمانت می‌کنم که از آن غذا، به هیچ درد و رنجی گرفتار نمی‌شود».

ابن کَوَّاء که این را شنید پرسید: ای امیر مؤمنان! من دیروز غذایی خوردم و نام خدا را نیز به گاه خوردن آن بردم؛ اما آن مرا آزار داد!

فرمود: «ای نادان! شاید که چند گونه غذا خورده‌ای، و بر برخی گونه‌ها نام خدا برده و بر برخی دیگر نام خدا نبرده‌ای».

۱۳۰۷. امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «هیچ گاه به بدگواری، مبتلا نشده‌ام». پرسیدند: چرا؟

فرمود: «[زیرا] هیچ لقمه‌ای به سوی دهان نبرده‌ام، مگر این که نام خدا را بر آن، یاد کرده‌ام».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۷۸

۱۳۰۸. المحاسن عن مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي أَتَّخِمُ.

فَقَالَ: أ تَسْمِي؟

قُلْتُ: إِنِّي قَدْ سَمَّيْتُ!

فَقَالَ: لَعَلَّكَ تَأْكُلُ أَلْوَانًا؟

فَقُلْتُ: نَعَمْ.

قَالَ: تَسْمِي عَلَى كُلِّ لَوْنٍ؟

قُلْتُ: لَا.

قَالَ: فَمِنْ ثَمَّ تَتَّخِمُ. [۱۸۷]

۱۳۰۹. الكافي عن مِسْمَعِ: شَكَّوْتُ مَا أَلْقَى مِنْ أَدَى الطَّعَامِ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَكَلْتَهُ.

فَقَالَ: لَمْ تُسَمِّ؟

فَقُلْتُ: إِنِّي لَأَسْمِي وَ إِنَّهُ لَيَضْرِبُنِي!

فَقَالَ لِي: إِذَا قَطَعْتَ التَّسْمِيَةَ بِالْكَلَامِ، ثُمَّ عُدْتَ إِلَى الطَّعَامِ تُسَمِّي؟
قُلْتُ: لَا.

قَالَ: فَمِنْ هَاهُنَا يَضُرُّكَ، أَمَا لَوْ أَنَّكَ إِذَا عُدْتَ إِلَى الطَّعَامِ سَمَّيْتَ مَا ضَرَّكَ. [۱۸۸]
۱۳۱۰. الإمام علي عليه السلام: مَنْ أَرَادَ أَلَّا يَضُرَّهُ طَعَامٌ فَلَا يَأْكُلُ حَتَّى يَجُوعَ، فَإِذَا أَكَلَ فَلْيَقُلْ:

بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ. [۱۸۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۷۹

۱۳۰۸. المحاسن به نقل از مسمع بن عبد الملك: به امام صادق علیه السلام گفتم: من گاه، احساس بدگواری می‌کنم.
فرمود: «آیا نام خدا می‌بری؟».

گفتم: بسم الله هم گفته‌ام!

فرمود: «شاید غذاهای گوناگون می‌خوری؟».

گفتم: آری.

فرمود: «برای هر گونه، بسم الله می‌گویی؟».

گفتم: نه.

فرمود: «از همین جاست که به بدگواری، گرفتار می‌شوی».

۱۳۰۹. الکافی به نقل از مسمع: نزد امام صادق علیه السلام، از این که پس از خوردن غذا از آن آزار می‌بینم، اظهار ناراحتی کردم.

فرمود: «بسم الله نمی‌گویی؟».

گفتم: بسم الله هم می‌گویم؛ اما غذا مرا آزار می‌دهد!

فرمود: «آیا هنگامی که با سخن گفتن، رشته آن بسم الله پیشین را می‌گسلی و سپس دیگر بار به غذا ادامه می‌دهی، دوباره نام خدا را می‌بری؟».

گفتم: نه.

فرمود: «از همین جاست که غذا به تو زیان می‌رساند. زنهار که اگر به گاه ادامه دادن به غذا، [دیگر بار] نام خدا را می‌بردی، غذا تو را زیان نمی‌رساند».

۱۳۱۰. امام علی علیه السلام: هر کس که می‌خواهد غذایی او را آزار ندهد، تا گرسنه نشده، چیزی نخورد و آن گاه هم که خواست بخورد، بگوید: «بسم الله و بالله».

بیان

چنان که در حدیث اخیر اشاره شد، مقصود از احادیثی که می‌گویند «گفتن نام خدا در آغاز غذا خوردن، انسان را از زیان آن غذا حفظ می‌کند»، آن است که یاد خدا، در کنار مراعات آداب بهداشتی مربوط به غذا خوردن، استمداد از درگاه اوست تا انسان را از آثار بد احتمالی غذا مصون بدارد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۸۰

۵ / ۵

الْأَكْلُ بِالْيَمِينِ

۱۳۱۱. مسند ابن حنبل عن عائشة: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُفْرَغُ يَمِينَهُ لِمَطْعَمِهِ وَ لِحَاجَتِهِ، وَ يُفْرَغُ شِمَالَهُ لِلاِسْتِنْجَاءِ وَ لِمَا

هناك. [۱۹۰]

۱۳۱۲. المعجم الكبير عن عمر بن أبي سلمة: كُنْتُ غُلَامًا فِي حِجْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَكَانَتْ يَدِي تَطِيشُ فِي الصَّحْفَةِ. فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا غُلَامُ، سَمَّ اللَّهُ، وَكُلَّ يَمِينِكَ، وَكُلَّ مِمَّا يَلِيكَ. فَمَا زَالَتْ تِلْكَ طِعْمَتِي بَعْدُ. [۱۹۱]

۶ / ۵

افْتِتاحُ الطَّعامِ بِالْمِلْحِ وَ اخْتِتامُهُ بِهِ أَوْ بِالخَلِّ
 ۱۳۱۳. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ افْتَتَحَ طَعَامَهُ بِالْمِلْحِ وَ خَتَمَ بِهِ، عوفى مِنَ اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ دَاءً، مِنْهَا الْجُدَامُ وَ الْبَرَصُ. [۱۹۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۸۱

بنا بر این، کسی نمی‌تواند به استناد این احادیث، بسم الله بگوید و سپس هر غذایی که هوس کرد و به هر مقداری که خواست، بخورد و انتظار هیچ زیانی نیز از آن نداشته باشد؛ بلکه ذکر نام خدا در آغاز غذا خوردن اگر این یاد کردن، راستین و حقیقی باشد انسان را به مراعات بیشتر آداب شرعی و بهداشتی غذا خوردن، برمی‌انگیزد.

۵ / ۵ خوردن با دست راست

۱۳۱۱. مسند ابن حنبل به نقل از عایشه: پیامبر خدا دست راست را به خوردن و برآوردن نیازهای دیگر خویش اختصاص داده و دست چپ را به زدودن آلودگی از مقعد و آنچه در آن ناحیه است، وا گذارده بود.
 ۱۳۱۲. المعجم الكبير به نقل از عمر بن ابی سلمه: به روزگار کودکی خویش، در دامن پیامبر خدا بودم و دستانم در سینی غذا می‌لغزید. پیامبر خدا به من فرمود: «ای نوباوه! بسم الله بگو، با دست راست بخور و از آنچه پیش خودت هست، بخور». از آن پس، شیوه خوردن من همواره همین بود.

۵ / ۶ آغاز کردن غذا با نمک و به پایان بردن آن با نمک یا سرکه

۱۳۱۳. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر کس غذای خود را با نمک آغاز کند و با نمک به پایان ببرد، از هفتاد و دو درد که جذام و برص (پسی) از آن جمله است در امان می‌ماند.
 دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۸۲

۱۳۱۴. الإمام علی علیه السلام: اَبْدَوْوا بِالْمِلْحِ فِي أَوَّلِ طَعَامِكُمْ؛ فَلَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ لَأَخْتارُوهُ عَلَى التَّرِيقِ الْمُجْرَبِ. مَنْ ابْتَدَأَ طَعَامَهُ بِالْمِلْحِ ذَهَبَ عَنْهُ سَبْعُونَ دَاءً وَ مَا لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ. [۱۹۳]

۱۳۱۵. الإمام الباقر عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنْ مَرُّ قَوْمِكَ يَفْتَتِحُوا بِالْمِلْحِ وَ يَخْتَتِمُوا بِهِ، وَ إِلَّا فَلَا يَلُومُوا إِلَّا أَنْفُسَهُمْ. [۱۹۴]

۱۳۱۶. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانُوا يَسْتَفْتِحُونَ بِالخَلِّ وَ يَخْتَمُونَ بِهِ، وَ نَحْنُ نَسْتَفْتِحُ بِالْمِلْحِ وَ نَخْتِمُ بِالخَلِّ. [۱۹۵]

۱۳۱۷. الإمام الكاظم عليه السلام: لَا يُخَصَّبُ خَوَانٌ لَا مِلْحَ عَلَيْهَا، وَ أَصْحَحُ لِلْبَدَنِ أَنْ يُبَدَأَ بِهِ فِي أَوَّلِ الطَّعامِ. [۱۹۶]

راجع: ج ۱، ص ۴۸۰ (صححه الجلد / افتتاح الطعام بالملح).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۸۳

۱۳۱۴. امام علی علیه السلام: غذای خود را با نمک آغاز کنید. اگر مردم آنچه را در نمک هست می‌دانستند، آن را بر تریاق [۱۹۷]

تجربه شده برمی‌گزینند.

هر کس غذای خود را با نمک آغاز کند، هفتاد درد و نیز دیگر دردهایی که فقط خداوند از آنها آگاه است، از او می‌رود. ۱۳۱۵. امام باقر علیه السلام: خداوند به موسی بن عمران علیه السلام وحی کرد که: «به طایفه‌ات بفرمای که [غذای خود را] با نمک آغاز کنند و با نمک به پایان ببرند، و گرنه جز خویش را نکوهش نکنند».

۱۳۱۶. امام صادق علیه السلام: بنی اسرائیل، [غذا را] با سرکه آغاز می‌کردند و با آن نیز به پایان می‌بردند؛ ولی ما با نمک آغاز می‌کنیم و با سرکه به پایان می‌بریم.

۱۳۱۷. امام کاظم علیه السلام: سفره‌ای که در آن نمک نباشد، بی‌برکت است. آغاز کردن غذا با نمک، برای تندرستی، بهتر است. ر. ک: ص ۴۸۳ (سلامت پوست / آغاز کردن غذا با نمک).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۸۴

۷ / ۵

الْأَكْلُ بَعْدَ الْجُوعِ وَالشَّهِيَّةِ

۱۳۱۸. رسول الله صلی الله علیه و آله: كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ الْأَكْلُ مِنْ غَيْرِ جُوعٍ، وَالنُّومُ مِنْ غَيْرِ سَهَرٍ. [۱۹۸]

۱۳۱۹. عنه صلی الله علیه و آله: ثَلَاثَةٌ يَسْتَوْجِبُونَ الْمَقْتَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى: الْأَكْلُ مِنْ غَيْرِ جُوعٍ، وَالنُّومُ مِنْ غَيْرِ سَهَرٍ، وَالضُّحْكُ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ. [۱۹۹]

۱۳۲۰. الإمام علی علیه السلام مَنْ أَرَادَ أَلَّا يَضُرَّهُ طَعَامٌ فَلَا يَأْكُلُ حَتَّى يَجُوعَ وَتَنْقَى مَعِدَتُهُ. [۲۰۰]

۱۳۲۱. الإمام الصادق علیه السلام مِنْ وَصِيَّتِهِ لِعُنْوَانَ الْبَصْرِيِّ: أَوْصِيكَ بِتَسْعَةِ أَشْيَاءَ؛ فَإِنَّهَا وَصِيَّتِي لِمُرِيدِي الطَّرِيقِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، وَاللَّهُ أَسْأَلُ أَنْ يُوفِّقَكَ لِاسْتِعْمَالِهِ. ثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي رِيَاضَةِ النَّفْسِ...
أَمَّا اللَّوَاتِي فِي الرِّيَاضَةِ: فَإِيَّاكَ أَنْ تَأْكُلَ مَا لَا تَشْتَهِيهِ؛ فَإِنَّهُ يَوْرَثُ الْحَمَاقَةَ وَالْبَلَةَ، وَلَا تَأْكُلْ إِلَّا عِنْدَ الْجُوعِ، وَإِذَا أَكَلْتَ فَكُلْ حَلَالًا وَ سَمَّ اللَّهُ. [۲۰۱]

۱۳۲۲. عیسی علیه السلام فی مَوَاعِظِهِ: يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ، لَا تَأْكُلُوا حَتَّى تَجُوعُوا، وَإِذَا جُعْتُمْ فَكُلُوا وَلَا تَشَبِعُوا؛ فَإِنَّكُمْ إِذَا شَبِعْتُمْ غَلَّظَتْ رِقَابَكُمْ، وَ سَمِنَتْ جُنُوبُكُمْ، وَ نَسِيتُمْ رَبَّكُمْ. [۲۰۲]
راجع: ج ۱، ص ۸۸ (ما یعنی عن الطیب).
دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۸۵

۷ / ۵ خوردن غذا به هنگام گرسنگی و اشتها

۱۳۱۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوردن بدون گرسنگی و خوابیدن بدون بیداری کشیدن [و احساس نیاز به خواب، نزد خداوند، گناهی سهمگین است.

۱۳۱۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه چیز، موجب خشم خداوند متعال است: خوردن بدون احساس گرسنگی، خفتن بدون بیداری کشیدن [و احساس نیاز به خواب، و خندیدن بدون شگفتی.

۱۳۲۰. امام علی علیه السلام: هر کس که می‌خواهد هیچ غذایی به او زیان نرساند، تنها هنگامی غذا بخورد که گرسنه شده و معده او [از خوراک پیشین،] پاک شده باشد.

۱۳۲۱. امام صادق علیه السلام در سفارش‌هایی به عنوان بَصْرِي: تو را به نه چیز سفارش می‌کنم و این، سفارش من به همه کسانی است که جویای راهی به سوی خداوند متعال هستند، و از خداوند می‌خواهم که تو را در به کار بستن این سفارش‌ها توفیق دهد. سه

تا از این توصیه‌ها در تربیت نفس است

اما آنها که در تربیت نفس است: از این حذر کن که آنچه را اشتها نداری، بخوری؛ چرا که این کار، کودنی و نابخردی می‌آورد. جز به گاه گرسنگی مخور، و چون خواستی بخوری، حلال بخور و نام خدا را بر زبان بیاور.

۱۳۲۲. عیسی علیه السلام در اندرزهایش: ای زادگان اسرائیل! مخورید، تا آن هنگام که گرسنه شوید. چون گرسنه شدید، بخورید، ولی سیر نخورید؛ چرا که اگر سیر شوید، گردن‌هایتان ستر می‌شود، پهلوهایتان چاق می‌گردد و پروردگارتان را از یاد می‌برید. ر. ک: ج ۱، ص ۸۹ (آنچه انسان را از پزشک، بی‌نیاز می‌کند).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۸۶

۸ / ۵

الْبَدءُ بِأَخْفِ الْأَعْدِيَةِ

۱۳۲۳. الإمام الرضا عليه السلام: ابدأ في أول طعامك بأخف الأعدية التي يعندي [۲۰۳] بدتك، بقدر عادتك و بحسب وطنك [۲۰۴] و نشاطك و زمانك. [۲۰۵]

۹ / ۵

أَكُلُ الطَّعَامِ السُّخْنِ قَبْلَ أَنْ يَبْرُدَ

۱۳۲۴. رسول الله صلى الله عليه و آله: السُّخُونُ بَرَكَةٌ. [۲۰۶]

۱۳۲۵. المحاسن عن مُرَازِمٍ: بَعَثَ إِلَيْنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِطَعَامٍ سُوخِنٍ، فَقَالَ: كُلُوا قَبْلَ أَنْ يَبْرُدَ؛ فَإِنَّهُ أَطِيبٌ. [۲۰۷]

۱۰ / ۵

تَصْغِيرُ اللَّقْمَةِ وَ تَجْوِيدُ الْمَضْغِ

۱۳۲۶. رسول الله صلى الله عليه و آله في بيان آداب الأكل: و أمَّا الأَدَبُ فَتَصْغِيرُ اللَّقْمَةِ وَ الْمَضْغِ الشَّدِيدُ. [۲۰۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۸۷

۸ / ۵ آغاز کردن با سبک‌ترین غذا

۱۳۲۳. امام رضا علیه السلام: غذای خود را با سبک‌ترین غذایی که بدنت را به اندازه عادتت و بر حسب اقامتگاه و فعالیت‌ها و زمانهات تغذیه می‌کند، آغاز کن.

۹ / ۵ خوردن غذای گرم، پیش از سرد شدن

۱۳۲۴. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: گرمی [غذا]، برکت دارد.

۱۳۲۵. المحاسن به نقل از مُرَازِمٍ: امام صادق علیه السلام برای ما غذایی گرم فرستاد و فرمود: «پیش از آنکه سرد شود، بخورید؛ چرا که این، خوش تر است».

۱۰ / ۵ برداشتن لقمه‌های کوچک و جویدن کامل غذا

۱۳۲۶. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله در بیان آداب غذا خوردن: اما آداب آن، کوچک کردن لقمه و جویدن کامل است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۸۸

۱۳۲۷. الإمام الحسن عليه السلام: فِي الْمَائِدَةِ اثْنَا عَشْرَةَ حَصَلَةً يَجِبُ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَعْرِفَهَا: أَرْبَعٌ مِنْهَا فَرَضٌ، وَ أَرْبَعٌ سُنَّةٌ، وَ أَرْبَعٌ

تَأْدِيبٌ... أَمَا التَّأْدِيبُ: فَلَا كُلُّ مِمَّا يَلِيكَ، وَ تَصْغِيرُ اللَّقْمَةِ، وَ تَجْوِيدُ الْمَضْغِ، وَ قَلَّةُ النَّظْرِ فِي وُجُوهِ النَّاسِ. [۲۰۹]
 راجع: ص ۸۸ (ما یعنی عن الطیب). العنوان الآتی، ح ۱۳۲۹.

۱۱ / ۵

الإمساك قبل الشبع

۱۳۲۸. رسول الله صلى الله عليه وآله: كُلْ وَ أَنْتَ تَشْتَهِي، وَ أَمْسِكْ وَ أَنْتَ تَشْتَهِي. [۲۱۰]

۱۳۲۹. الإمام علي عليه السلام: مَنْ أَرَادَ أَلَّا يَضُرَّهُ طَعَامٌ فَلَا يَأْكُلْ، حَتَّى يَجُوعَ وَ تَنْقَى مَعِدَّتُهُ، فَإِذَا أَكَلَ فَلَيْسَ اللَّهُ وَ لِيَجِدَ [۲۱۱] الْمَضْغَ وَ لِيَكْفَى عَنِ الطَّعَامِ وَ هُوَ يَشْتَهِيهِ، وَ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ. [۲۱۲]

۱۳۳۰. عنه عليه السلام في وصية لـ كميل بن زياد: يَا كَمِيلُ، لَا تُوقِرَنَّ مَعِدَّتَكَ طَعَامًا وَ دَعَّ فِيهَا لِلْمَاءِ مَوْضِعًا وَ لِلرِّيحِ مَجَالًا، وَلَا تَرْفَعْ يَدَكَ مِنَ الطَّعَامِ إِلَّا

وَ أَنْتَ تَشْتَهِيهِ، فَإِنْ فَعَلْتَ ذَلِكَ فَأَنْتَ تَسْتَمِرُّهُ؛ فَإِنَّ صِحَّةَ الْجِسْمِ مِنْ قَلَّةِ الطَّعَامِ وَ قَلَّةِ الْمَاءِ. [۲۱۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۸۹

۱۳۲۷. امام حسن عليه السلام: درباره سفره، دوازده نکته است و بر هر مسلمانی لازم است که آنها را بداند. از آنها، چهار چیز، واجب، چهار چیز مستحب، و چهار چیز، جزو آداب است. امّا آنچه از آداب است، عبارت است از: خوردن از آنچه پیش خود تو است؛ کوچک کردن لقمه؛ خوب جویدن؛ و کمتر نگرستن به چهره مردم.

ر. ک: ص ۸۹ (آنچه انسان را از پزشک، بی‌نیاز می‌کند)، ح ۱۳۲۹.

۱۱ / ۵ دست کشیدن از غذا پیش از سیری

۱۳۲۸. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: زمانی بخور که میل به خوردن داری و در حالی خوردن را وا گذار که هنوز اشتهایت هست.
 ۱۳۲۹. امام علی علیه السلام: هر کس می‌خواهد هیچ غذایی به او زیان نرساند، تنها هنگامی غذا بخورد که گرسنه شده و معده او [از خوراک پیشین،] پاک شده باشد. پس چون خواست بخورد، نام خدا را بر زبان آورد، خوب غذا را بجود و در حالی از غذا خوردن دست بکشد که هنوز میل به خوردن دارد و به آن، احساس نیاز می‌کند.

۱۳۳۰. امام علی علیه السلام در سفارش به کميل بن زياد: ای کميل! مبدا خوراکی، معدهات را سنگین کند. در آن، جایی برای آب و جایی برای هوا و گذار و هنگامی که هنوز میل به خوردن داری، از غذا خوردن دست بکش، که اگر چنین کنی، غذا را گوارا خواهی یافت؛ چرا که تندرستی، از کم خوردن و کم آشامیدن است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۹۰

۱۳۳۱. الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ أَخَذَ الطَّعَامَ زِيَادَةً لَمْ يُفِدْهُ، وَ مَنْ أَخَذَ بِقَدَرٍ لَا زِيَادَةَ عَلَيْهِ وَ لَا نَقْصَ غَدَاةً وَ نَفَعَهُ، وَ كَذَلِكَ الْمَاءِ. فَسَبِيلُكَ أَنْ تَأْخُذَ مِنَ الطَّعَامِ مِنْ كُلِّ صِنْفٍ مِنْهُ فِي إِثْبَانِهِ [۲۱۴]، وَ أَرْفَعُ يَدَكَ مِنَ الطَّعَامِ وَ بَكَ إِلَيْهِ بَعْضُ الْقَرَمِ؛ فَإِنَّهُ أَصْحَحُ لِبَدَنِكَ، وَ أَذْكَى لِعَقْلِكَ، وَ أَخَفُّ عَلَى نَفْسِكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. [۲۱۵]

راجع: ج ۱، ص ۸۸ (ما یعنی عن الطیب). ج ۲، ص ۸۴، ح ۱۳۲۲.

۱۲ / ۵

مَسْحُ الْوَجْهِ وَ الدُّعَاءُ بَعْدَ غَسْلِ الْأَيْدِي

۱۳۳۲. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا غَسَلْتَ يَدَكَ بَعْدَ الطَّعَامِ فَامْسَحْ وَجْهَكَ وَ عَيْنَيْكَ قَبْلَ أَنْ تَمْسَحَ بِالْمِنْدِيلِ، وَ تَقُولُ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الزَّيْنَةَ وَ الْمَحَبَّةَ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَقْتِ وَ الْبَغْضَةِ». [۲۱۶]

۱۳۳۳. مکارم الأخلاق: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا فَرَّغَ مِنْ غَسْلِ الْيَدِ بَعْدَ الطَّعَامِ مَسَّحَ بِفَضْلِ الْمَاءِ الَّذِي فِي يَدَيْهِ وَجَهَهُ، ثُمَّ يَقُولُ:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا وَأَطَعَمَنَا وَسَقَانَا، وَكُلَّ بَلَاءٍ صَالِحٍ أَوْلَانَا». [۲۱۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۹۱

۱۳۳۱. امام رضا علیه السلام: هر کس غذای افزون از اندازه بخورد، این غذا او را سودی نمی‌رساند، و هر کس به اندازه (نه بیشتر و نه کمتر) بردارد، این غذا او را تغذیه می‌کند و سود می‌رساند. آب نیز چنین است. روش پسندیده برای تو، آن است که از هر یک از انواع غذا، در فصل ویژه آن، بهره‌گیری.

در حالی که هنوز مقداری میل داری، از غذا دست بکش؛ چرا که این کار، به خواست خداوند، برای بدن سلامت‌آورتر، برای عقل ذکاوت‌بخش‌تر، و برای خود انسان مایه سبکی افزون‌تر است.

ر. ک: ج ۱، ص ۸۹ (آنچه انسان را از پزشک، بی‌نیاز می‌کند). ج ۲، ص ۸۵ ح ۱۳۲۲.

۵/ ۱۲ دست کشیدن بر چهره و دعا کردن پس از شستن دستان

۱۳۳۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون پس از غذا خوردن، دست خویش را شستی، پیش از این که آن را با دستمال، خشک کنی، بر صورت و چشمانت نیز دست بکش و بگو:

«خداوندا! من از تو آراستگی و دوستی مسئلت دارم و از دشمنی و کینه‌ورزی، به تو پناه می‌جویم».

۱۳۳۳. مکارم الأخلاق: پیامبر خدا، چون پس از غذا، شستن دست را به پایان می‌برد، با باقی‌مانده آبی که بر دستانش بود، بر صورت خویش دست می‌کشید و سپس می‌گفت:

«ستایش، خدایی را که ما را راه نمود و خوردنی و نوشیدنی داد و به ما هر نعمت نیکویی عنایت کرد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۹۲

۱۳۳۴. الکافی عن المفضل: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَشَكَوْتُ إِلَيْهِ الرَّمَدَ، فَقَالَ لِي: أَوَ تَرِيدُ الطَّرِيفَ؟ ثُمَّ قَالَ لِي: إِذَا غَسَلْتَ يَدَكَ بَعْدَ الطَّعَامِ فَاْمَسَحَ حَاجِبَيْكَ، وَقُلْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُحْسِنِ الْمُجْمِلِ الْمُنْعِمِ الْمُفْضِلِ».

قَالَ: فَفَعَلْتُ ذَلِكَ، فَمَا رَمِدَتْ عَيْنِي بَعْدَ ذَلِكَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. [۲۱۸]

۱۳۳۵. الإمام الصادق عليه السلام: مَسَحَ الْوَجْهَ بَعْدَ الْوُضُوءِ، يَذْهَبُ بِالْكَفِّ، وَيَزِيدُ فِي الرِّزْقِ. [۲۱۹]

۱۳۳۶. عنه عليه السلام: إِذَا تَوَضَّأْتَ بَعْدَ الطَّعَامِ فَاْمَسَحَ عَيْنَيْكَ بِفَضْلِ مَا فِي يَدَيْكَ، فَإِنَّهُ أَمَانٌ مِنَ الرَّمَدِ. [۲۲۰]

۱۳۳۷. كشف الغممة عن جميل بن دراج: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَدَخَلَ عَلَيْهِ بُكَيْرُ بْنُ أَعْيَنَ وَهُوَ أَرْمَدٌ.

فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الطَّرِيفُ يَرْمَدُ؟!

فَقَالَ: وَكَيْفَ يَصْنَعُ؟

قَالَ: إِذَا غَسَلَ يَدَهُ مِنَ الْعَمْرِ مَسَحَهَا عَلَى عَيْنَيْهِ.

قَالَ: فَفَعَلْتُ ذَلِكَ فَلَمْ أَرْمَد. [۲۲۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۹۳

۱۳۳۴. الکافی به نقل از مفضل: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم و نزد او از چشم‌درد، اظهار ناراحتی کردم. به من فرمود: «آیا نکته‌ای تازه می‌خواهی؟».

سپس به من فرمود: «چون پس از غذا خوردن، دست خویش را شستی، بر ابروهایت دست بکش و سه بار بگو: «سپاس، خداوند نیکوکار زیباکردار بهره‌رسانِ فضیلت‌بخش را».

من این کار را انجام دادم و از آن پس، چشمانم درد نگرفت. سپاس، خداوند جهانیان راست.

۱۳۳۵. امام صادق علیه السلام: دست کشیدن بر چهره پس از وضو، کَنجَدک (کَکَمَک) را از میان می‌برد و روزی را افزون می‌کند.

۱۳۳۶. امام صادق علیه السلام: چون پس از غذا دستانت را شستی، با باقی‌مانده آب، دستی بر چشمان خود بکش؛ چرا که مایه ایمنی از چشم‌درد است.

۱۳۳۷. کشف الغمّه به نقل از جمیل بن درّاج: نزد امام صادق علیه السلام بودم. بُکَیر بن اعین، در حالی که چشم‌درد داشت، وارد شد. امام علیه السلام به او گفت: «انسان زیرک هم چشم‌درد می‌کشد؟!». [کسی پرسید: چه کند؟]

فرمود: «هنگامی که چربی را از دستان خود شست، دستی بر چشمانش بکشد».

من این کار را انجام دادم و چشم‌درد ندیدم.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۹۴

۱۳/۵

الاستِلقاءُ عَلَى الْقَفَا بَعْدَ الطَّعَامِ

۱۳۳۸. الإمام الصادق علیه السلام: الاستِلقاءُ بَعْدَ الشَّبِيعِ: يُسَمِّنُ البَدَنَ، وَ يُمَرِّئُ الطَّعَامَ، وَ يَسْئَلُ الدَّاءَ. [۲۲۲]

۱۳۳۹. الإمام الرضا علیه السلام: إِذَا أَكَلْتَ شَيْئاً فَاسْتَلِقْ عَلَى قَفَاكَ، وَ ضَعْ رِجْلَكَ الیَمَنِی عَلَی الیُسْرِی. [۲۲۳]

۱۳۴۰. المحاسن عن أحمد بن محمد بن أبي نصر عمّن ذكره: رَأَيْتُ أَبَا الحَسَنِ الرُّضَا عَلِيهِ السَّلَامُ إِذَا تَغَدَّى اسْتَلَقَى عَلَي قَفَاةً، وَ أَلْقَى رِجْلَهُ الیَمَنِی عَلَی الیُسْرِی. [۲۲۴]

۱۴/۵

الاجْتِنَابُ عَنِ الإسْرَافِ

الکتاب:

«وَ کُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا». [۲۲۵]

الحديث:

۱۳۴۱. رسول الله صلى الله عليه و آله: إِنَّ مِنَ السَّرَفِ أَنْ تَأْكُلَ كُلَّ مَا اشْتَهَيْتَ. [۲۲۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۹۵

۱۳/۵ به پشت دراز کشیدن پس از غذا

۱۳۳۸. امام صادق علیه السلام: دراز کشیدن پس از غذا، بدن را چاق می‌کند، غذا را هضم می‌نماید و درد را [از درون انسان،] بیرون می‌کشد.

۱۳۳۹. امام رضا علیه السلام: هرگاه چیزی خوردی، به پشت دراز بکش و پای راست خود را روی پای چپ بگذار.

۱۳۴۰. المحاسن به نقل از احمد بن محمد بن ابی نصر، از راوی دیگر: امام رضا علیه السلام را دیدم که چون غذا می‌خورد، به پشت دراز می‌کشید و پای راست خود را روی پای چپ می‌انداخت.

۱۴/۵ پرهیز از زیاده‌روی

قرآن کریم

(بخورید و بیاشامید؛ ولی زیاده‌روی نکنید).

حدیث

۱۳۴۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یکی از انواع زیاده‌روی، این است که هر آنچه را دوست داری، بخوری.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۹۶

۱۳۴۲. الإمام علی علیه السلام و سِئِلَ فَقِيلَ: إِنَّ فِي الْقُرْآنِ كُلِّ عِلْمٍ إِلَّا الطَّبَّ؟: أَمَا إِنَّ فِي الْقُرْآنِ لَأَيَّةً تَجْمَعُ الطَّبَّ كُلَّهُ: «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا». [۲۲۷]

۱۵/۵

اجتناب النَّفْحِ فِي الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ

۱۳۴۳. الإمام علی علیه السلام فِي مَنَاهِي النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: نَهَى أَنْ يُنْفَخَ فِي طَعَامٍ أَوْ شَرَابٍ. [۲۲۸]

۱۳۴۴. عنه علیه السلام: لَا يُنْفَخُ الرَّجُلُ فِي مَوْضِعٍ سُجُودِهِ، وَلَا يُنْفَخُ فِي طَعَامِهِ وَلَا فِي شَرَابِهِ. [۲۲۹]

۱۶/۵

اجتناب الأكلِ بِالشَّمَالِ [۲۳۰]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۲؛ ص ۹۶

۱۳۴۵. صحيح مسلم عن جابر بن عبد الله السلمي: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَهَى أَنْ يَأْكُلَ الرَّجُلُ بِشِمَالِهِ. [۲۳۱]

۱۳۴۶. رسول الله صلى الله عليه وآله: الأكلُ بِالشَّمَالِ مِنَ الجَفَا. [۲۳۲]

۱۳۴۷. الكافي عن سماعة عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَأْكُلُ بِشِمَالِهِ

أَوْ يَشْرَبُ بِهَا.

فَقَالَ: لَا يَأْكُلُ بِشِمَالِهِ، وَلَا يَشْرَبُ بِشِمَالِهِ، وَلَا يَتَنَاوَلُ بِهَا شَيْئًا. [۲۳۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۹۷

۱۳۴۲. امام علی علیه السلام در پاسخ این پرسش که: «آیا در قرآن، همه دانش‌ها بجز دانش طب هست؟»: زنه‌ار! در قرآن، آیه‌ای

هست که همه طب را یکجا در خود گرد آورده است: (بخورید و بیاشامید؛ ولی زیاده‌روی نکنید).

۱۵/۵ پرهیز از دمیدن در غذا

۱۳۴۳. امام علی علیه السلام درباره آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله نهی فرموده است: از این نهی کرده که در غذا یا نوشیدنی

بدمند.

۱۳۴۴. امام علی علیه السلام: نباید کسی بر محلّ سجده خود و نه در غذای خود و نه در آنچه می‌نوشد، بدمد.

۱۶/۵ پرهیز از خوردن با دست چپ

۱۳۴۵. صحیح مسلم به نقل از جابر بن عبد الله سلمی: پیامبر خدا، از این که کسی با دست چپ چیزی بخورد، نهی فرمود.

۱۳۴۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوردن با دست چپ، از نافرهیختگی است.

۱۳۴۷. الکافی به نقل از سیماعه، در گفتگو با امام صادق علیه السلام: از ایشان درباره این که کسی با دست چپ بخورد یا بیاشامد، پرسیدم.

فرمود: «مباد کسی با دست چپ بخورد یا بیاشامد و یا با آن چیزی را بردارد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۹۸

۱۳۴۸. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ أَكَلَ بِشِمَالِهِ أَكَلَ مَعَهُ الشَّيْطَانُ، وَمَنْ شَرِبَ بِشِمَالِهِ، شَرِبَ مَعَهُ الشَّيْطَانُ. [۲۳۴]

۱۳۴۹. عنه صلی الله علیه و آله: لَا تَأْكُلُوا بِالشَّمَالِ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَأْكُلُ بِالشَّمَالِ. [۲۳۵]

۱۷/۵

اجْتِنَابُ الْأَكْلِ عَلَى الشُّبْعِ

۱۳۵۰. رسول الله صلی الله علیه و آله لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ، أَرْبَعَةٌ يَذْهَبْنَ ضَيَاعًا: الْأَكْلُ عَلَى الشُّبْعِ، وَالسَّرَاجُ فِي الْقَمَرِ، وَالزَّرْعُ فِي السَّبْخَةِ، وَالصَّنِيعَةُ عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهَا. [۲۳۶]

۱۳۵۱. الإمام الصادق علیه السلام: أَرْبَعَةٌ يَذْهَبْنَ ضَيَاعًا: الْبَذْرُ فِي السَّبْخَةِ، وَالسَّرَاجُ فِي الْقَمَرِ، وَالْأَكْلُ عَلَى الشُّبْعِ، وَالْمَعْرُوفُ إِلَى مَنْ لَيْسَ بِأَهْلِهِ. [۲۳۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۹۹

۱۳۴۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس با دست چپ بخورد، شیطان نیز همراه با او می خورد و هر کس با دست چپ بنوشد، شیطان نیز همراه با او می نوشد.

۱۳۴۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: با دست چپ نخورید؛ چرا که شیطان با دست چپ می خورد.

۱۷/۵ پرهیز از خوردن پس از سیری

۱۳۵۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام: ای علی! چهار چیز، هدر می رود: خوردن پس از سیری، افروختن چراغ در شب مهتابی، کاشتن در شوره زار، و نیکی کردن به کسی که شایسته آن نیست.

۱۳۵۱. امام صادق علیه السلام: چهار چیز، هدر می رود: بذر در شوره زار، چراغ در شب مهتابی، خوردن پس از سیری، و نیکی به کسی که شایسته آن نیست.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۰۰

۱۳۵۲. عنه علیه السلام: ثَلَاثَةٌ فِيهِنَّ الْمَقْتُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: نَوْمٌ مِنْ غَيْرِ سَهَرٍ، وَضِحْكٌ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ، وَ أَكْلٌ عَلَى الشُّبْعِ. [۲۳۸]
راجع: ج ۲، ص ۶۴ (مضار الأكل على الشبع). ج ۲، ص ۸۴ (الأكل بعد الجوع والشهية).

۱۸/۵

اجْتِنَابُ أَكْلِ الطَّعَامِ الْحَارِّ

۱۳۵۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِيَّاكُمْ وَالطَّعَامَ الْحَارَّ! فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِالْبَرَكَهَةِ، وَعَلَيْكُمْ بِالْبَارِدِ؛ فَإِنَّهُ أَهْنَأُ وَأَعْظَمُ بَرَكَهَةً. [۲۳۹]

۱۳۵۴. عنه صلی الله علیه و آله: بَرِّدُوا طَعَامَكُمْ يُبَارِكْ لَكُمْ فِيهِ. [۲۴۰]

۱۳۵۵. عنه صلی الله علیه و آله: أَبْرِدُوا الطَّعَامَ الْحَارَّ؛ فَإِنَّ الطَّعَامَ الْحَارَّ غَيْرُ ذِي بَرَكَهَةٍ. [۲۴۱]

۱۳۵۶. عنه صلی الله علیه و آله: أَبْرِدُوا طَعَامَكُمْ؛ فَإِنَّهُ أَعْظَمُ لِلْبَرَكَهَةِ. [۲۴۲]

۱۳۵۷. شعب الإيمان عن صُهَيْبٍ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ أَكْلِ الطَّعَامِ الْحَارِّ، حَتَّى يَسْكُنَ. [۲۴۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۰۱

۱۳۵۲. امام صادق علیه السلام: در سه چیز، ناخشنودی خداوند عز و جل است: خفتن بدون بیداری کشیدن [و احساس نیاز به خواب، خندیدن بدون شگفتی، و خوردن پس از سیری].
ر. ک: ج ۲، ص ۶۵ (خوردن غذا به هنگام گرسنگی و اشتها). ج ۲، ص ۸۵ (زیان‌های خوردن، پس از سیری).

۵ / ۱۸ پرهیز از خوردن غذای داغ

۱۳۵۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از غذای داغ حذر کنید؛ چرا که برکت را از میان می‌برد، و بر شما باد غذای سرد؛ چرا که گواراتر و پُربرکت‌تر است.

۱۳۵۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: غذایتان را سرد کنید تا در آن به شما برکت داده شود.

۱۳۵۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: غذای داغ را سرد کنید؛ چرا که غذای داغ، بی‌برکت است.

۱۳۵۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: غذایتان را سرد کنید؛ زیرا آن پُربرکت‌تر است.

۱۳۵۷. شعب الإيمان به نقل از صُهَيْبٍ: پیامبر خدا از خوردن غذای داغ، تا

هنگامی که داغی آن فرو نشیند، نهی فرمود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۰۲

۱۳۵۸. الإمام عليّ عليه السلام: أَقْرُوا الْحَارَّ حَتَّى يَبْرُدَ؛ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قُرِبَ إِلَيْهِ طَعَامٌ حَارٌّ، فَقَالَ: أَقْرُوهُ حَتَّى يَبْرُدَ. مَا كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِيُطْعِمَنَا النَّارَ، وَ الْبَرَكَهَ فِي الْبَارِدِ. [۲۴۴]

۱۳۵۹. الإمام الصادق عليه السلام: اتى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِطَعَامٍ حَارًّا، فَقَالَ:

إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُطْعِمْنَا النَّارَ، نَحْوَهُ حَتَّى يَبْرُدَ. فَتَرِكَ حَتَّى بَرَدَ. [۲۴۵]

۱۳۶۰. عنه عليه السلام: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اتى بِطَعَامٍ حَارًّا جِدًّا، فَقَالَ:

مَا كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِيُطْعِمَنَا النَّارَ، أَقْرُوهُ حَتَّى يَبْرُدَ وَ يُمَكِّنْ؛ فَإِنَّهُ طَعَامٌ مَمْحُوقُ الْبَرَكَهَ وَ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيبٌ. [۲۴۶]

۱۳۶۱. المحاسن عن عائذ بن حبيب بناع الهروي: كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاتَيْنَا بِرَيْدٍ، فَمَدَدْنَا أَيْدِينَا إِلَيْهِ فَإِذَا هُوَ حَارٌّ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَهَيْنَا عَنْ أَكْلِ النَّارِ، كُفُّوا فَإِنَّ الْبَرَكَهَ فِي بَرْدِهِ. [۲۴۷]

راجع: ج ۲، ص ۸۶ (أكل الطعام الساخن قبل أن يبرد).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۰۳

۱۳۵۸. امام علی علیه السلام: [غذای داغ را بگذارید تا سرد شود؛ چرا که نزد پیامبر خدا غذایی داغ آوردند و ایشان فرمود: «آن را بگذارید تا سرد شود. چنین نیست که خداوند عز و جل آتش را خوراکیمان کرده باشد و نیز برکت، در [غذای سرد است].»

۱۳۵۹. امام صادق علیه السلام: نزد پیامبر صلی الله علیه و آله غذایی داغ آوردند. فرمود: «خداوند، آتش را خوراکیمان نکرده است. کنارش بگذارید تا سرد شود». پس آن را وا گذاشتند تا سرد شد.

۱۳۶۰. امام صادق علیه السلام: برای پیامبر صلی الله علیه و آله غذایی بسیار داغ آوردند. فرمود: «چنین نیست که خداوند، آتش را خوراکیمان کرده باشد. آن را در جایی بگذارید تا سرد شود و [جوشش آن] آرام بگیرد؛ چرا که غذای داغ، برکت ندارد و شیطان را در آن بهره‌ای است.»

۱۳۶۱. المحاسن به نقل از عائذ بن حبيب: نزد امام صادق علیه السلام بودیم. برایمان تریدی آوردند. دستان خود را به سوی آن دراز کردیم و دیدیم که داغ است. در این هنگام، امام صادق علیه السلام فرمود: «ما از خوردن آتش، نهی شده‌ایم. دست بدارید؛ چرا که برکت در سرد شدن آن است».

ر. ک: ج ۲، ص ۸۷ (خوردن غذای گرم، پیش از سرد شدن).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۰۴

۱۹ / ۵

اجتناب الأكل على الجنابة إلا مع الوضوء

۱۳۶۲. رسول الله صلى الله عليه وآله: خمس خصال تورث البرص: النورة يوم الجمعة و يوم الأربعاء، والتوضؤ و الاغتسال بالماء الذي تسخنه الشمس، و الأكل على الجنابة، و غشيان المرأة في أيام حيضها، و الأكل على الشبغ. [۲۴۸]

۱۳۶۳. سنن النسائي عن عائشة: إن رسول الله صلى الله عليه وآله كان إذا أراد أن ينام و هو جنب توضأ، و إذا أراد أن يأكل غسل يديه. [۲۴۹]

۲۰ / ۵

اجتناب النوم بعد الطعام

۱۳۶۴. رسول الله صلى الله عليه وآله: أذيبوا طعامكم بذكر الله و الصلاة، و لا تناموا عليه فتفسد قلوبكم. [۲۵۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۰۵

۱۹ / ۵ پرهیز از خوردن در حالت جنابت، مگر با وضو

۱۳۶۲. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: پنج چیز، پیسی می‌آورد: نوره کشیدن در روز جمعه و چهارشنبه؛ وضو گرفتن و غسل کردن با آبی که در آفتاب، گرم شده است؛ خوردن در حال جنابت؛ نزدیکی با زن در دوره قاعدگی‌اش؛ و خوردن در حال سیری.

۱۳۶۳. سنن النسائي به نقل از عایشه: پیامبر خدا، چون در حال جنابت قصد خفتن داشت، وضو می‌ساخت و چون قصد خوردن داشت، دستان خویش می‌شست.

۲۰ / ۵ پرهیز از خفتن، بلافاصله پس از خوردن غذا

۱۳۶۴. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: غذایتان را با یاد خدا و نماز، ذوب (هضم) کنید و بر آن مخواستید، که دل‌هایتان سخت می‌شود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۰۶

توضیح

مستدرک الوسائل، روایتی مرسل از کتاب التعریف نقل کرده که در آن آمده است:

خفتن پس از غذا، غذا را هضم می‌کند و خوشگوار می‌سازد.

این روایت با روایت پیشین، تعارضی ندارد؛ زیرا آن روایت می‌گوید: خفتن پس از غذا، دل را سخت می‌کند؛ امّا این روایت می‌گوید: غذا را هضم می‌کند، با این توضیح که امکان دارد چیزی، هم زمینه سنگ‌دلی را فراهم آورد و هم هضم‌کننده غذا باشد.

افزون بر این، چنان که به نظر می‌رسد، مقصود از روایت اینجا، «خفتن شبانه پس از غذا» است، به خلاف روایت مستدرک الوسائل

که ناظر به «خواب نیم‌روزی» است، چنان که در ص ۹۵ ذیل عنوان «به پشت دراز کشیدن پس از غذا» گذشت. به هر روی، در سند هر دو روایت، اشکال شده است، هر چند که ظاهراً روایت این جا به صحت، نزدیک‌تر است. ر. ک: ج ۱، ص ۳۵۳ (سلامت دهان و دندان/ خلال کردن). ج ۱، ص ۳۶۵ (مضمضه و استنشاق کردن). ج ۱، ص ۳۶۷ (مسواک). دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۰۷

رهنمودهای اسلام درباره خوردن

اشاره

رعایت دستورهای بهداشتی در خوردن و آشامیدن، یکی از مهم‌ترین عوامل سلامت، شادابی و طول عمر است. اگر مردم بدانند که چه باید بخورند، چه اندازه بخورند و چگونه بخورند و نیز دانسته خود را به کار ببندند، بی‌تردید، بیشتر بیماری‌ها از جامعه بشری رخت بر خواهد بست و انسان‌ها لذت و طراوت زندگی را خواهند چشید.

نخستین نکته برای رعایت دستورهای بهداشتی درباره خوردن، توجه به این حقیقت است که در نظام آفرینش، «خوردن»، ابزاری برای زندگی است، نه آنکه زندگی، ابزاری برای خوردن؛ چنان که در حکمتی منسوب به امام علی علیه السلام آمده است:

لا تَطْلُبِ الْحَيَاةَ لِتَأْكُلَ، بَلِ اطْلُبِ الْأَكْلَ لِتَحْيَا؛
زندگی را برای خوردن نخواه؛ بلکه خوردن را برای زندگی بخواه.

بسیاری از مردم اگر نگوئیم بیشتر آنان سلامت، شادابی و زندگی خود را فدای شکم خود می‌کنند. از این رو، هیچ‌گاه به فکر این نیستند که چه بخورند، چگونه بخورند و چه اندازه بخورند. پس، هر چه را مزه بهتری دارد، به هر اندازه که میل دارند و به هر شکلی که پیش بیاید، مصرف می‌کنند و بدین‌سان، گرفتار انواع بیماری‌ها می‌شوند، چنان که امام علی علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ غَرَسَ فِي نَفْسِهِ مَحَبَّةَ أَنْوَاعِ الطَّعَامِ، اجْتَنَى ثَمَارَ فَنَوْنِ الْأَسْقَامِ؛
هر کس در دل خود، درخت علاقه به انواع غذاها را بکارد، میوه گونه‌های ناتندرستی را می‌چیند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۰۸

رهنمودهای اسلام در این زمینه، فوق‌العاده مهم و ارزشمندند و با در نظر گرفتن عصر صدور آنها، معجزه علمی پیشوایان دین، محسوب می‌شوند. در این باره، توجه به دو نکته، دارای اهمیت است:

۱. رهنمودهای اسلام درباره خوردن، تنها سلامت جسم را تضمین نمی‌کنند؛ بلکه تضمین‌کننده سلامت هم جسم و هم جان انسان هستند.

۲. از آن جا که عقل و علم، بر همه رازهای آفرینش احاطه ندارند، چه بسا حکمت برخی از رهنمودهای اسلام برای دانش امروز، مجهول باشد؛ ولی بی‌تردید، این، به معنای بی‌دلیل بودن آن رهنمودها نیست، چنان که فلسفه شماری از احکام اسلام، در گذشته مجهول بود و امروزه علم به راز آنها پی برده است. و اینک، اشاره‌ای کوتاه به آن رهنمودها:

یک. مهم‌ترین رهنمود

نخستین و مهم‌ترین رهنمود اسلام درباره مواد غذایی مورد مصرف، این است که «حلال» باشند، بدین معنا که:

اولاً: آنچه انسان مصرف می‌کند، باید از راه مشروع، تهیه شده باشد. غذایی که از راه نامشروع و تجاوز به حقوق دیگران تهیه

گردد، هر چند ممکن است برای سلامت جسم، ضرر نداشته باشد؛ اما بی تردید برای سلامت روان، زیانبار است. ثانیاً: غذای انسان باید از «طیبات (آنچه پاک است)» تهیه شده باشد. بر اساس این رهنمود، انسان نباید غذاهایی را که طبع توده مردم، از آن نفرت دارد، یا اسلام، خوردن آن را ممنوع دانسته (مانند: گوشت مردار یا گوشت حیوانات حرام گوشت) مصرف کند، هر چند که تجاوز به حقوق دیگران نباشد.

ثالثاً: غذا برای کسی که مصرف کننده است، نباید زیانبار باشد. توضیح، این که: ممکن است غذایی، برای یک نفر مفید باشد؛ اما برای دیگری، به دلیل

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۰۹

آنکه بیمار است، زیانبار باشد.

رابعاً: غذا برای جان انسان و یا جامعه نباید مفسده داشته باشد. توضیح، این که: ممکن است غذایی حلال باشد و برای جسم هم زیانبار نباشد، لیکن چگونگی مصرف آن، برای جان و یا جامعه مفسده داشته باشد (مانند: غذا خوردن در ظروف طلا و نقره، یا غذا خوردن از سفره‌ای که مشروبات الکلی در آن قرار دارد). خوردن این گونه غذاها نیز در اسلام، ممنوع شناخته شده است.

دو. دو وعده غذا خوردن در شبانه‌روز

در روایات اسلامی، برای تداوم سلامت و شادابی انسان، خوردن دو وعده غذا در صبح و شام، توصیه شده است. اهل بهشت نیز که در دار السلام، جاوید هستند، در همین دو وعده، غذا می‌خورند: «وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا» [۲۵۱] و در بهشت، هر صبح و شام، روزی آنان آماده است».

سه. توصیه به کم‌خوری

پیشوایان دین، ضمن تأکید بر کم‌خوری، منافع فراوانی برای آن ذکر کرده‌اند؛ مانند: تداوم سلامت بدن، صفای اندیشه، نورانیت دل، رهایی از دام شیطان، بهره‌گیری از ملکوت هستی، نزدیکی به خداوند متعال و استفاده بهتر از عبادت پروردگار.

چهار. خطر پرخوری

بر عکس، پرخوری، از منظر احادیث، به شدت نکوهیده است. پرخوری، از سلامت می‌کاهد، و شهوت را می‌افزاید، بدن را بدبو می‌کند و زمینه را برای انواع بیماری‌های جسمی و روحی، فراهم می‌سازد. پرخوری، جوهر نفس را تباه

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۱۰

می‌کند، به نیروی تقوا (پرهیزگاری) و ورع (خویشتن‌داری) ضربه می‌زند، حجاب تیزهوشی است، و دل را سخت و تاریک می‌سازد.

شخص پُرخور، خواب‌های آشفته می‌بیند و هنگام عبادت، احساس کسالت می‌نماید. از این رو، عبادتش اندک است و از بساط قُرب حضرت حق، دور.

و سرانجام، سیری در دنیا، موجب گرسنگی در آخرت خواهد شد.

پنج. مقدار خوراک مفید

برای پیشگیری از زیان‌های پُرخوری و بهره‌گیری از منافع کم‌خوری، پیشوایان اسلام توصیه کرده‌اند که انسان، پیش از آن هنگام که اشتها دارد، چیزی نخورد و قبل از آن که اشتهاش کاملاً از بین رفته، از خوردن، دست بکشد: «كُلْ وَ أَنْتَ تَشْتَهِي، وَ أَمْسِكْ وَ أَنْتَ تَشْتَهِي».

شش. برترین خوراکی و بهترین سفره

از منظر روایات اسلامی، برترین غذاها، غذایی است که دارای چند ویژگی باشد: اول، آن که: از دست‌رنج خود فرد، تهیه شده باشد؛ دوم، آنکه: خانواده او آن را دوست داشته باشند؛ سوم، این که: بوی آن، موجب آزار دیگران نباشد. بهترین سفره‌ها نیز پاکیزه‌ترین، حلال‌ترین و ساده‌ترین آنهاست؛ سفره‌ای که انواع غذاهای رنگارنگ و گران‌قیمت که اهل بیت علیهم السلام از مصرف آنها به خدا پناه می‌بردند بر آن چیده نشده باشد.

هفت. آداب سفره

آدابی که پیشوایان اسلام برای حضور بر سر سفره غذا توصیه کرده‌اند، عبارت‌اند از: بودن سبزیجات در سفره، شستن دست‌ها و خشک نکردن آنها با حوله، در آوردن کفش‌ها، نشستن بر سر سفره با فروتنی، گرمی داشتن نان، سهیم دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۱۱
کردن ناظر (اعم از انسان و حیوان) در غذا و آخرین ادب، صدقه دادن از آن غذا و یا همانند آن.

هشت. آداب غذا خوردن

آداب غذا خوردن، به چند بخش، تقسیم می‌شود:
بخش اول. مواردی که باید هنگام خوردن غذا رعایت شوند و آنها عبارت‌اند از:
الف. تدبیر در این که انواع خوراکی‌های مورد نیاز انسان، چگونه در نظام آفرینش پدید آمده‌اند؟ و چه عواملی دست به دست هم داده‌اند تا آنچه در سفره نهاده شده، آماده گردد که اکنون می‌توان با میل و اشتها از آن استفاده نمود.
ب. آغاز کردن خوردن با نام و یاد آفریدگار مهربان که انواع غذاهای مفید را برای تأمین نیازهای انسان، در نظام آفرینش قرار داد. نیز تکرار نام خدا به هنگام خوردن هر نوع غذا، و تکرار آن هر گاه که در میان غذا خوردن، سخن گفته شود، و همچنین شکرگزاری فراوان در هنگام خوردن.
ج. آغاز کردن غذا با نمک، [۲۵۲] البته در صورتی که خوردن نمک برای انسان ضرر نداشته باشد.
د. آغاز کردن از سبک‌ترین غذاها.
ه. نخوردن غذای داغ و خوردن غذای نیم‌گرم، پیش از آن که سرد شود.
و. خوردن با دست راست.
ز. کوچک گرفتن لقمه.
ح. خوب جویدن غذا.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۱۲

ط. طولانی کردن نشستن بر سر سفره.

ی. گرامی داشتن نان و نگذاشتن آن زیر ظرف غذا.

ک. استفاده کردن از آنچه از سفره می‌ریزد. این، برای وقتی است که غذا در منزل میل می‌شود، آن هم در صورتی که آلوده نشده باشد؛ ولی اگر کسی در صحرا غذا میل نمود، بهتر است که آنچه را از سفره می‌ریزد، برای حیوانات بگذارد.

ل. دست کشیدن از خوردن غذا، پیش از سیر شدن کامل و در حالی که قدری از اشتها باقی است.

بخش دوم. اموری که هنگام غذا خوردن، ترک آنها شایسته است، و آنها عبارت‌اند از:

الف. زیاده‌روی در کیفیت و کمیت خوراک.

ب. نکوهش غذایی که نسبت به آن بی‌میل است.

ج. دمیدن در غذا.

د. خوردن با دست چپ.

ه. خوردن با یک انگشت یا دو انگشت.

و. بلند آروغ زدن.

ز. پاک کردن زیاد استخوان‌ها.

ح. آب خوردن در میان غذا.

ط. آب خوردن، پس از خوردن گوشت.

ی. خوردن، در حال سیری.

بخش سوم. حالاتی که غذا خوردن در آنها نکوهیده است.

در اسلام، به طور کلی، میل کردن غذا در حالات غیر بهداشتی، یا به شیوه غیر اخلاقی (مانند: غذا خوردن به شیوه متکبران) و یا به گونه‌ای که عرف جامعه

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۱۳

برنمی‌تابد، نکوهیده است و آنچه در روایات این بخش آمده (مانند: نهی از غذا خوردن در حال: «تکیه زده»، «خوابیده بر شکم»، «دراز کشیده»، «ایستاده»، و در حال «راه رفتن» و یا «جنابت»، در صورتی است که با یکی از این عناوین، منطبق گردد.

بخش چهارم. توصیه به هم‌غذا شدن با دیگران.

در روایات اسلامی، غذا خوردن به تنهایی، مذموم شناخته شده و توصیه شده که انسان هر قدر می‌تواند، دیگران را در غذای خود سهیم نماید. نیز غذا خوردن با خانواده، خدمت‌گزاران و یتیمان، مورد تأکید قرار گرفته است.

آدابی که رعایت آنها به هنگام غذا خوردن با دیگران، ضروری است، عبارت‌اند از:

الف. خوردن از قسمت جلوی خود.

ب. خوردن از اطراف ظرف و نه از وسط آن، در جایی که غذا برای همگان آماده شده است.

ج. نگاه نکردن به لقمه دیگران.

د. رعایت حقوق دیگران در آنچه بر سر سفره است.

ه. آغاز شدن غذا خوردن به وسیله صاحب سفره یا بهترین شخص حاضر بر سر سفره.

و. ادامه دادن صاحب سفره به خوردن، تا سیر شدن همه کسانی که بر سر سفره نشسته‌اند.

ز. بلند شدن از سر سفره، قبل از برچیدن آن.

نُه. آداب پایان غذا و برچیدن سفره

- پایان غذا خوردن همانند آغاز آن، آدابی دارد که رعایت آنها برای سلامت جسم و جان، سودمند است. این آداب را به آداب عرفانی، اجتماعی و بهداشتی
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۱۴
- می‌توان تقسیم کرد:
- الف. آداب عرفانی، عبارت‌اند از: سپاس‌گزاری از ولی نعمت حقیقی (که خداوند متعال است) و دعا کردن برای برکت یافتن روزی.
- ب. آداب اجتماعی، عبارت‌اند از: یادآوری گرسنگان و مسئولیتی که افراد سیر در برابر آنان دارند، و اقدام جهت کاستن فقر و گرسنگی از جامعه در حدّ توان.
- ج. آداب بهداشتی، عبارت‌اند از: شستن دست‌ها، خلال کردن و مسواک زدن دندان‌ها، تمیز کردن آنچه زیر سفره ریخته است، مقداری استراحت بر پشت، و نخوابیدن بلافاصله پس از خوردن غذا.

ده. آداب خوردن گوشت و میوه

اشاره

خوردن گوشت و میوه از منظر روایات اسلامی، آداب ویژه‌ای دارد که اجمالاً به آنها اشاره می‌کنیم:

یکم. آداب خوردن گوشت

- الف. انتخاب گوشت جلوی بدن، بویژه سردست.
- ب. شستن گوشت، قبل از پختن.
- ج. تکه تکه کردن گوشت به وسیله دندان به هنگام خوردن و تکه نکردن آن با چاقو.
- د. نخوردن گوشت خشکیده نمک‌سود.
- ه. نخوردن گوشت خام.
- و. خوردن گوشت، سه روز یک‌بار، یا هفته‌ای یک‌بار، و ترک نکردن آن برای حدّ اکثر چهل روز، و پرهیز از خوردن آن در هر روز.
- ز. پرهیز از پاک کردن کامل استخوان و خوردن مغز قلم.

دوم. آداب خوردن میوه

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۱۵

الف. شستن میوه با آب.

ب. یاد خدا به هنگام خوردن آن.

ج. خواندن دعای ویژه به هنگام دیدن میوه نوبر.

د. خوردن میوه در آغاز فصل آن، و نخوردن آن در اواخر فصلش.

ه. خوردن میوه با پوست آن.

آنچه ملاحظه شد، خلاصه‌ای از رهنمودهای ارزشمندی است که در احادیث اسلامی درباره خوردن برای تأمین سلامت جسم و جان، آمده است. گفتنی است در این دانش‌نامه، تنها احادیثی را آورده‌ایم که ارتباط نزدیک‌تری با بهداشت جسم دارند. کسانی که مایل هستند با همه روایاتی که درباره آداب خوردن وارد شده است، آشنا شوند، می‌توانند به موسوعه میزان الحکمه [۲۵۳] (جلد اول، کلمه «أکل») مراجعه نمایند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۱۶

الفصل السادس: آداب أكل اللحم

۱/۶

اختيارُ الذَّرَاعِ أَوْ الْمَقَادِيمِ

۱۳۶۵. الإمام علي عليه السلام: كَانَ أَحَبَّ الشَّاهِ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الذَّرَاعُ. [۲۵۴]

۱۳۶۶. الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُعَجِّبُهُ الذَّرَاعُ. [۲۵۵]

۱۳۶۷. مسند ابن حنبل عن يحيى بن أبي إسحاق عن رجل من بني غفار: حَدَّثَنِي فُلَانٌ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اتَى بِطَعَامٍ مِنْ خُبْزٍ وَلَحْمٍ، فَقَالَ: «نَاوِلْنِي الذَّرَاعَ» فَنَوِلَ ذِرَاعًا فَأَكَلَهَا. قَالَ يَحْيَى: لَا أَعْلَمُهُ إِلَّا هَكَذَا.

ثُمَّ قَالَ: «نَاوِلْنِي الذَّرَاعَ» فَنَوِلَ ذِرَاعًا فَأَكَلَهَا... [۲۵۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۱۷

فصل ششم: آداب خوردن گوشت

۱/۶ انتخاب سردست یا قسمت‌های جلو

۱۳۶۵. امام علی علیه السلام: دوست‌داشتنی‌ترین عضو گوسفند برای پیامبر صلی الله علیه و آله، سردست بود.

۱۳۶۶. امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا، سردست را خوش می‌داشت.

۱۳۶۷. مسند ابن حنبل به نقل از یحیی بن ابی اسحاق، از مردی از بنی غفار: فلان کس برایم نقل کرد که برای پیامبر خدا، غذایی از نان و گوشت آوردند. فرمود: «سردست آن را به من بده». سردست، به ایشان داده شد و ایشان آن را خورد.

یحیی می‌گوید: از این خبر فقط به همین صورت، آگاهی دارم.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۱۸

۱۳۶۸. الإمام الصادق عليه السلام: سَمَّتِ الْيَهُودِيَّةُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي ذِرَاعٍ. وَكَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُحِبُّ الذِّرَاعَ وَ الْكَتِفَ، وَيَكْرَهُ الْوَرَكَ، لِقُرْبِهَا مِنَ الْمَبَالِ. [۲۵۷]

۱۳۶۹. دعائم الإسلام: عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ كَانَ يُحِبُّ اللَّحْمَ وَيَقُولُ: إِنَّا مَعَشَرَ قُرَيْشٍ لَحْمِيُونَ. وَكَانَتْ الذِّرَاعُ مِنَ اللَّحْمِ تُعْجِبُهُ، وَاهْدَيْتَ إِلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَاةً فَأَهْوَى إِلَى الذِّرَاعِ، فَنَادَتْهُ إِنِّي مَسْمُومَةٌ! وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا يَأْكُلُ الْجَزُورَ إِلَّا مُؤْمِنٌ. [۲۵۸]

۱۳۷۰. الإمام الرضا عليه السلام لِغَلَامِهِ: اشْتَرِ لَنَا مِنَ اللَّحْمِ الْمَقَادِيمَ وَلَا تَشْتَرِ لَنَا الْمَآخِرَ؛ فَإِنَّ الْمَقَادِيمَ أَقْرَبُ مِنَ الْمَرَعَى، وَابْعِيدُ مِنَ الْأَذَى. [۲۵۹]

۲ / ۶

عَسَلُ اللَّحْمِ قَبْلَ طَبِخِهِ

۱۳۷۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَرَّ أَخِي عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمَدِينَةِ فَإِذَا وَجَّهَهُمْ صُيْفَرًا وَغِيُوْنَهُمْ زُرْقًا، فَشَكَوْا إِلَيْهِ مَا بِهِمْ مِنَ الْعِلَلِ.

فَقَالَ: دَوِّئُوكُمْ مَعَكُمْ، أَنْتُمْ إِذَا أَكَلْتُمُ اللَّحْمَ طَبَخْتُمُوهُ غَيْرَ مَغْسُولٍ، وَلَيْسَ يَخْرُجُ شَيْءٌ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا بِجَنَابَةٍ. فَغَسَلُوا بَعْدَ ذَلِكَ لُحُومَهُمْ فَذَهَبَتْ أَمْرَاضُهُمْ. [۲۶۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۱۹

۱۳۶۸. امام صادق علیه السلام: آن زن یهودی، پیامبر صلی الله علیه و آله را با زهری که در سردست نهاده بود، مسموم کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله، دست و شانه را دوست داشت و بن ران را به دلیل نزدیک بودنش به پیشابگاه، دوست نداشت.

۱۳۶۹. دعائم الإسلام: درباره پیامبر خدا آورده‌اند که گوشت، دوست داشت و می‌فرمود: «ما قرشی‌ها، گوشتی هستیم»؛ امّا از گوشت‌ها، دست، خوشایند او بود.

یک بار، گوسفندی [ذبح شده به ایشان اهدا شد. ایشان، آهنگ برداشتن سردست کرد؛ امّا سردست، ایشان را چنین بانگ داد که: من زهر آگین هستم.

ایشان فرموده است: «جز مؤمن، گوشت شتر نمی‌خورد».

۱۳۷۰. امام رضا علیه السلام خطاب به غلام خود: در [خریدن گوشت برای ما، قسمت‌های جلو [ی لاشه را بخر و قسمت‌های عقب را نخر؛ زیرا بخش‌های جلو به چراگاه، نزدیک‌تر و از آفت، دورترند.

۲ / ۶ شستن گوشت پیش از پختن آن

۱۳۷۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برادرم عیسی، از شهری گذر کرد و دید که مردمش رنگ چهره‌هایشان زرد و چشم‌هایشان کبود است. آنان از بیماری‌هایی که داشتند، نزد وی اظهار ناراحتی کردند.

گفت: «درمانتان همراهتان است. شما هنگامی که گوشت می‌خورید، آن را ناشسته می‌پزید، در حالی که هیچ چیزی بدون نوعی جنابت، از دنیا نمی‌رود».

از آن پس، گوشت‌های مصرفی خود را شستند و در نتیجه بیماری‌هایشان از میان رفت.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۲۰

۳ / ۶

النَّهْسُ

۱۳۷۲. رسول الله صلى الله عليه و آله: انْهَسُوا اللَّحْمَ نَهْسًا؛ فَإِنَّهُ أَهْنَأُ وَأَمْرَأُ. [۲۶۱]
۱۳۷۳. عنه صلى الله عليه و آله: قَرَّبِ اللَّحْمَ مِنْ فَيْكِكَ؛ فَإِنَّهُ أَهْنَأُ وَأَمْرَأُ. [۲۶۲]
۱۳۷۴. سنن أبي داوود عن صفوان بن امية: كُنْتُ أَكُلُ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَخَذَ اللَّحْمَ بِيَدِي مِنَ الْعَظْمِ، فَقَالَ: أَدِنِ الْعَظْمَ مِنْ فَيْكِكَ؛ فَإِنَّهُ أَهْنَأُ وَأَمْرَأُ. [۲۶۳]
۱۳۷۵. رسول الله صلى الله عليه و آله: لَا تَقْطَعُوا اللَّحْمَ بِالسَّكِينِ؛ فَإِنَّهُ مِنْ صَنِيعِ الْأَعْجِمِ، وَانْهَسُوهُ؛ فَإِنَّهُ أَهْنَأُ وَأَمْرَأُ. [۲۶۴]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۲۱

۶/۳ گرفتن گوشت با نوک دندان‌ها

۱۳۷۲. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: گوشت را کاملاً با نوک دندان‌ها بدرید؛ چرا که این، گواراتر و خوش مزه تر است.
۱۳۷۳. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: گوشت را به دهان، نزدیک کن؛ چرا که این، گواراتر و خوش مزه تر است.
۱۳۷۴. سنن أبي داوود به نقل از صفوان بن امية: همراه با پیامبر صلى الله عليه و آله [غذایی می‌خوردم. من با دستم پاره‌های گوشت را از استخوان، جدا می‌کردم. فرمود: «استخوان را به دهان نزدیک کن؛ چرا که این، گواراتر و خوش مزه تر است».
۱۳۷۵. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: گوشت را با چاقو نبرید؛ چرا که این کار، کار عَجْم‌هاست. آن را به نرمی بدرید؛ چرا که گواراتر و خوش مزه تر است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۲۲

۱۳۷۶. عنه صلى الله عليه و آله: إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ اللَّحْمَ فَلَا يَقْطَعُهُ بِالسَّكِينِ، وَلَكِنْ لِيَأْخُذَهُ بِيَدِهِ فَلْيَنْهَشْهُ بِفِيهِ؛ فَإِنَّهُ أَهْنَأُ وَأَمْرَأُ. [۲۶۵]

۴/۶

اجتناب اكل القديد

۱۳۷۷. الإمام الصادق عليه السلام: أَرْبَعَةٌ تُهْرَمُ قَبْلَ أَوَانِ الْهَرَمِ: أَكْلُ الْقَدِيدِ، وَالْقَعُودُ عَلَى النَّدَاوَةِ، وَالصُّعُودُ فِي الدَّرَجِ، وَمُجَامَعَةُ الْعَجُوزِ. [۲۶۶]

۱۳۷۸. عنه عليه السلام: ثَلَاثَةٌ يَهْدِمَنَّ الْبَدَنَ وَرُبَّمَا قَتَلْنَ: أَكْلُ الْقَدِيدِ الْغَائِبِ، وَدُخُولُ الْحَمَامِ عَلَى الْبِطْنَةِ، وَنِكَاحُ الْعَجَائِزِ. [۲۶۷]

۱۳۷۹. عنه عليه السلام: ثَلَاثٌ يُؤْكَلْنَ وَهِنَّ يَهْرِلْنَ... اللَّحْمُ الْيَابِسُ، وَالْجُبْنُ، وَالطَّلْعُ. [۲۶۸]

۱۳۸۰. عنه عليه السلام: اثْنَانِ يَضْرَانِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَنْفَعَانِ مِنْ شَيْءٍ... فَاللَّحْمُ الْيَابِسُ، وَالْجُبْنُ. [۲۶۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۲۳

۱۳۷۶. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هر گاه کسی از شما بخواد گوشت بخورد، آن را با چاقو نبرد؛ بلکه با دست بگیرد و با دندان بدرد و جدا کند؛ چرا که این، گواراتر و خوش مزه تر است.

۶/۴ پرهیز از خوردن گوشت خشکیده نمک‌سود

۱۳۷۷. امام صادق عليه السلام: چهار چیز، [انسان را] پیش از فرا رسیدن هنگام پیری، پیر می‌کند: خوردن گوشت خشک شده، نشستن بر جای مرطوب، بالا رفتن از پلکان، و آمیزش با پیرزنان.

۱۳۷۸. امام صادق عليه السلام: سه چیز، بدن را فرسوده می‌کند و شاید هم بکشد: خوردن گوشت خشکیده فاسد، حمام رفتن با

شکم پُر، و همبستری با پیرزان.

۱۳۷۹. امام صادق علیه السلام: سه نوع از خوردنی‌ها، موجب لاغری است: گوشت خشک‌شده، پنیر، و شکوفه خرما.

۱۳۸۰. امام صادق علیه السلام: دو چیز است که از هر جهت، زیان دارد و برای هیچ چیز، فایده‌ای ندارد...: گوشت خشک‌شده و پنیر.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۲۴

۱۳۸۱. الإمام الهادی علیه السلام: الْقَدِيدُ لَحْمٌ سَوِيٌّ؛ لِأَنَّهُ يَسْتَرْخِي فِي الْمَعِدَّةِ، وَيُهَيِّجُ كُلَّ دَاءٍ، وَلَا يَنْفَعُ مِنْ شَيْءٍ، بَلْ يَضُرُّهُ. [۲۷۰]

۱۳۸۲. الكافي عن محمد بن عيسى عن الإمام الهادي عليه السلام: ما أكلت طعاماً أبقى ولا- أهيج للداء من اللحم اليابس يعنى القديد. [۲۷۱]

راجع: ج ۱، ص ۱۰۴، ح ۱۰۷.

۵ / ۶

اجتناب أكل اللحم النيء

۱۳۸۳. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَهَى أَنْ يُؤْكَلَ اللَّحْمُ غَرِيضاً، وَقَالَ: إِنَّمَا تَأْكُلُهُ السَّبَاعُ، وَلَكِنْ حَتَّى تُغَيِّرَهُ الشَّمْسُ أَوْ النَّارُ. [۲۷۲]

۱۳۸۴. الكافي عن هشام بن سالم: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَكْلِ لَحْمِ النَّيِّءِ [۲۷۳]، فَقَالَ: هَذَا طَعَامُ السَّبَاعِ. [۲۷۴]

۱۳۸۵. الإمام الرضا عليه السلام: أَكُلِ اللَّحْمَ النَّيِّءَ يورثُ الدَّوْدَ فِي الْبَطْنِ. [۲۷۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۲۵

۱۳۸۱. امام هادی علیه السلام: گوشت خشکیده نمک‌سود، بد چیزی است؛ زیرا در معده شل می‌شود، هر بیماری‌ای را تحریک می‌کند و برای هیچ چیزی سودمند نیست؛ بلکه زیان هم دارد.

۱۳۸۲. الكافي به نقل از محمد بن عيسى، از امام هادی علیه السلام: هیچ خوراکی را سنگین‌تر و بیماری‌آورتر از گوشت خشک‌شده نخورده‌ام.

ر. ک: ج ۱، ص ۱۰۵، ح ۱۰۷.

۵ / ۶ نهی از خوردن گوشت خام

۱۳۸۳. امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا، از این که گوشت، خام خورده شود، نهی کرد و فرمود: «تنها درندگان، چنین گوشتی می‌خورند. [گوشت را] هنگامی بخورید که آفتاب یا آتش، آن را دیگرگون ساخته باشد».

۱۳۸۴. الكافي به نقل از هشام بن سالم: از امام صادق علیه السلام درباره خوردن گوشت خام پرسیدم. فرمود: «این، خوراک درندگان است».

۱۳۸۵. امام رضا علیه السلام: خوردن گوشت خام، در شکم، کرم پدید می‌آورد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۲۶

۶ / ۶

اجتناب إدمان أكل اللحم

۱۳۸۶. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَكَلَ اللَّحْمَ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً؛ قَسَا قَلْبُهُ. [۲۷۶]

۱۳۸۷. الإمام علي عليه السلام: لَا تَجْعَلُوا بُطُونَكُمْ مَقَابِرَ الْحَيَوَانِ. [۲۷۷]

۱۳۸۸. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَكْرَهُ إِدْمَانَ اللَّحْمِ وَيَقُولُ: إِنَّ لَهُ ضَرَاوَةً كَضَرَاوَةِ الْخَمْرِ. [۲۷۸]

۱۳۸۹. ربيع الأبرار: فِي الْحَدِيثِ: مَنْ دَاوَمَ عَلَى اللَّحْمِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا قَسَا قَلْبُهُ، وَمَنْ تَرَكَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا سَاءَ خُلُقُهُ. [۲۷۹]

۷/۶

وَجَبَتْ أَكْلِ اللَّحْمِ

۱۳۹۰. الإمام الصادق عليه السلام: كُلُوا اللَّحْمَ فِي كُلِّ اسْبُوعٍ، وَلَا تُعَوِّدُوهُ أَنْفُسَكُمْ وَأَوْلَادَكُمْ؛ فَإِنَّ لَهُ ضَرَاوَةً كَضَرَاوَةِ الْخَمْرِ، وَلَا

تَمْنَعُوهُمْ فَوْقَ الْأَرْبَعِينَ يَوْمًا؛ فَإِنَّهُ يُسِيءُ أَخْلَاقَهُمْ. [۲۸۰]

۱۳۹۱. المحاسن عن إدريس بن عبد الله: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَذَكَرَ اللَّحْمَ، فَقَالَ: كُلْ يَوْمًا بِلَحْمٍ، وَيَوْمًا بِلَبَنٍ، وَيَوْمًا

بِشَيْءٍ آخَرَ. [۲۸۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۲۷

۶/۶ پرهیز از اعتیاد به خوردن گوشت

۱۳۸۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس چهل روز گوشت بخورد، سنگ دل می شود.

۱۳۸۷. امام علی علیه السلام: شکم‌هایتان را گورستان جانوران نکنید.

۱۳۸۸. امام صادق علیه السلام: علی علیه السلام عادت به خوردن گوشت را بد می شمرد و می فرمود: «آن را اعتیادی همچون اعتیاد

به شراب است».

۱۳۸۹. ربيع الأبرار: در حدیث است که: «هر کس چهل روز پیوسته گوشت بخورد، سنگ دل می شود و هر کس چهل روز، آن را

وا گذارد، بدخوی می گردد».

۶/۷ نوبت‌های خوردن گوشت

۱۳۹۰. امام صادق علیه السلام: در هر هفته، یک بار گوشت بخورید و خود و فرزندان‌تان را بدان عادت ندهید؛ زیرا موجب اعتیادی

همچون اعتیاد به شراب می گردد. نیز آنان را بیش از چهل روز، از آن محروم مدارید؛ چرا که آنان را بدخوی می کند.

۱۳۹۱. المحاسن به نقل از ادريس بن عبد الله: نزد امام صادق علیه السلام بودم. از گوشت، سخن به میان آورد و فرمود: «[غذا را]

یک روز با گوشت بخور، یک روز با شیر، و یک روز با چیزی دیگر».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۲۸

۸/۶

عَدَمُ تَرَكَ أَكْلِ اللَّحْمِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا

۱۳۹۲. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ لَمْ يَأْكُلِ اللَّحْمَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا سَاءَ خُلُقُهُ، فَكُلُوا اللَّحْمَ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي السَّمْعِ. [۲۸۲]

۱۳۹۳. عنه صلى الله عليه و آله: عَلَيْكُمْ بِاللَّحْمِ؛ فَإِنَّهُ يُنَبِّئُ اللَّحْمَ، وَمَنْ تَرَكَ اللَّحْمَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا سَاءَ خُلُقُهُ. [۲۸۳]

۱۳۹۴. عنه صلى الله عليه و آله: عَلَيْكُمْ بِاللَّحْمِ؛ فَإِنَّ اللَّحْمَ يُنَمِّي اللَّحْمَ، وَمَنْ مَضَى لَهُ أَرْبَعُونَ صَبَاحًا لَمْ يَأْكُلْ لَحْمًا سَاءَ خُلُقُهُ، وَمَنْ

سَاءَ خُلُقُهُ فَاطْعَمُوهُ اللَّحْمَ، وَمَنْ أَكَلَ شَحْمَةً أَنْزَلَتْ مِثْلَهَا مِنَ الدَّاءِ. [۲۸۴]

۱۳۹۵. عنه صلى الله عليه و آله: عَلَيْكُمْ بِاللَّحْمِ؛ فَإِنَّهُ مَنْ تَرَكَ اللَّحْمَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا سَاءَ خُلُقُهُ، وَمَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ، وَمَنْ عَذَّبَ

نَفْسَهُ فَأَذَّنُوا فِي أذُنِهِ. [۲۸۵]

۱۳۹۶. عنه صلى الله عليه و آله: مَنْ أَتَى عَلَيْهِ أَرْبَعُونَ يَوْمًا وَلَمْ يَأْكُلِ اللَّحْمَ، فَلْيَسْتَقْرِضْ عَلَى اللَّهِ عِزًّا وَجَلًّا وَيَأْكُلْهُ. [۲۸۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۲۹

تکمله

شهید در الدروس گفته است:

مکروه بودن اعتیاد به خوردن گوشت، روایت شده است و نیز این که اعتیادی همچون اعتیاد به شراب می‌آورد. همچنین مکروه بودن نخوردن گوشت به مدت چهل روز و این که در هر سه روز یک بار خوردن آن، مستحب است، روایت شده است. البته اگر به دلیل بیماری یا به سبب روزه داشتن، دو هفته پیوسته گوشت بخورد، اشکالی ندارد. دو بار خوردن گوشت در یک روز هم مکروه است.

۶ / ۸ و نگذارن گوشت به مدت چهل روز

۱۳۹۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس چهل روز گوشت نخورد، بدخوی می‌شود. گوشت بخورید؛ چرا که بر شنوایی می‌افزاید.

۱۳۹۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد گوشت؛ چرا که گوشت می‌رویاند. هر کس گوشت را چهل روز وا گذارد، بدخوی می‌شود.

۱۳۹۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد گوشت؛ چرا که گوشت، گوشت می‌رویاند. هر کس بر او چهل صبح بگذرد و گوشت نخورد، بدخوی می‌شود. هر کس بدخوی شد، به او گوشت بخورانید. هر کس چربی بخورد، آن چربی به اندازه خود برای او بیماری فرود می‌آورد.

۱۳۹۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد گوشت؛ چرا که هر کس گوشت را چهل روز وا گذارد، بدخوی می‌شود و هر کس بدخوی شود، خویش را می‌آزارد. هر کس خویش را می‌آزارد، در گوش وی اذان بگویند.

۱۳۹۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بر او چهل روز بگذرد و گوشت نخورد، باید به امید خداوند عز و جل وام بگیرد و گوشت [بخرد و] بخورد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۳۰

۱۳۹۷. الإمام علی علیه السلام: کُلُوا اللَّحْمَ؛ فَإِنَّ اللَّحْمَ مِنَ اللَّحْمِ، وَاللَّحْمُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ، وَ مَنْ لَمْ يَأْكُلِ اللَّحْمَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا سَاءَ خُلُقُهُ، وَ إِذَا سَاءَ خُلُقٌ أَحَدِكُمْ مِنْ إِنْسَانٍ أَوْ دَابَّةٍ فَأَذِّنُوا فِي أُذُنِهِ الْأَذَانَ كُلَّهُ. [۲۸۷]

۱۳۹۸. الإمام الصادق علیه السلام: إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ قَرْمًا، وَ إِنَّ قَرَمَ الرَّجُلِ اللَّحْمُ؛ فَمَنْ تَرَكَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا سَاءَ خُلُقُهُ، وَ مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ فَأَذِّنُوا فِي أُذُنِهِ الْيَمْنَى. [۲۸۸]

۱۳۹۹. عنه عليه السلام: اللَّحْمُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ، وَ مَنْ تَرَكَ اللَّحْمَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا سَاءَ خُلُقُهُ، وَ مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ فَأَذِّنُوا فِي أُذُنِهِ. [۲۸۹]

۱۴۰۰. عنه عليه السلام: اللَّحْمُ مِنَ اللَّحْمِ، مَنْ تَرَكَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا سَاءَ خُلُقُهُ، كَلُّوهُ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي السَّمْعِ وَ الْبَصَرِ. [۲۹۰]

۱۴۰۱. عنه عليه السلام: اللَّحْمُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ، وَ يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ، وَ مَنْ تَرَكَ أَكْلَهُ أَيَّامًا فَسَدَ عَقْلُهُ. [۲۹۱]

۱۴۰۲. الكافي عن الحسين بن خالد: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ: إِنَّ مَنْ لَمْ يَأْكُلِ اللَّحْمَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ سَاءَ خُلُقُهُ.

فَقَالَ: كَذَبُوا، وَ لَكِنْ مَنْ لَمْ يَأْكُلِ اللَّحْمَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا تَعَيَّرَ خُلُقُهُ وَ بَدَنُهُ؛ وَ ذَلِكَ لِانْتِقَالِ النُّطْفَةِ فِي مِقْدَارِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا [۲۹۲].

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۳۱

۱۳۹۷. امام علی علیه السلام: گوشت بخورید؛ چرا که گوشت، از گوشت است و گوشت، گوشت می‌رویانند. هر کس چهل روز گوشت نخورد، بدخوی می‌شود. و اگر کسی از شما (خواه از انسان‌ها و خواه از چارپایان) بدخوی شد، در گوشش اذانی کامل بگویید.

۱۳۹۸. امام صادق علیه السلام: هر چیز را دل‌دادگی‌ای است و دل‌دادگی مرد، گوشت است. پس، هر که چهل روز آن را وا گذارد، بدخوی می‌شود. و هر کس بدخوی شد، در گوش راستش اذان بگویید.

۱۳۹۹. امام صادق علیه السلام: گوشت، گوشت می‌رویانند. هر کس گوشت را چهل روز واگذارد، بدخوی می‌شود. و هر کس بدخوی شد، در گوشش اذان بگویید.

۱۴۰۰. امام صادق علیه السلام: گوشت، از گوشت است. هر کس آن را چهل روز وا گذارد بدخوی می‌شود. آن را بخورید؛ چرا که بر شنوایی و بینایی می‌افزاید.

۱۴۰۱. امام صادق علیه السلام: گوشت، گوشت می‌رویانند و عقل را افزون می‌سازد. هر کس آن را چند روز وا گذارد، عقلش تباہ می‌شود.

۱۴۰۲. الکافی به نقل از حسین بن خالد: به ابو الحسن (امام رضا علیه السلام) گفتم: مردم می‌گویند که هر کس سه روز گوشت نخورد، بدخوی می‌شود.

فرمود: «دروغ گفته‌اند؛ اما هر کس چهل روز گوشت نخورد، خوی و بدن او دیگرگون می‌شود؛ چرا که نطفه در مدت چهل روز [از حالتی به حالت دیگر] تغییر می‌یابد». [۲۹۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۳۲

۹ / ۶

عَدَمَ نَهَيْكَ الْعِظَامَ وَ أَكَلَ نُخَاعِهَا

۱۴۰۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: شِرَارُ أُمَّتِي الَّذِينَ يَأْكُلُونَ مِخَاخَ الْعِظَامِ. [۲۹۵]

۱۴۰۴. عنه صلی الله علیه و آله: لَا تُمْسِّشُوا مُشَاشَ الطَّيْرِ؛ فَإِنَّهُ يورثُ السَّلَّ. [۲۹۶]

۱۴۰۵. الکافی عن الهيثم: صَبَعَ لَنَا أَبُو حَمْرَةَ طَعَامًا وَ نَحْنُ جَمَاعَةٌ، فَلَمَّا حَضَرْنَا رَأَى رَجُلًا يَنْهَكَ عِظْمًا فَصَاحَ بِهِ، فَقَالَ: لَا تَفْعَلْ، فَإِنِّي سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولُ:

لَا تَنْهَكُوا الْعِظَامَ؛ فَإِنَّ فِيهَا لِلْجِنِّ نَصِيبًا، وَ إِنْ فَعَلْتُمْ ذَهَبَ مِنَ الْبَيْتِ مَا هُوَ خَيْرٌ مِنْ ذَلِكَ. [۲۹۷]

۱۴۰۶. المحاسن عن محمد بن مسلم، عن الإمام الباقر عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنِ الْعِظْمِ أَنْهَكَهُ؟

قال: نَعَمْ. [۲۹۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۳۳

۹ / ۶ تمیز نکردن کامل استخوان و نخوردن مغز استخوان

۱۴۰۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بَدَانِ أُمَّتٍ مِنْ، كَسَانِي هَسْتَنْدَ كَه مَغْزِ اسْتِخْوَانِ رَا مِي خُورَنْد.

۱۴۰۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نَرْمَه سِر اسْتِخْوَانِ هَاي پَرَنْدِگَانِ رَا مَخُورِيد؛ چَرا كَه سِل مِي آوَرْد.

۱۴۰۵. الکافی به نقل از هيثم: ابو حمزه برای ما که گروهی بودیم غذایی آماده ساخت. چون حضور یافتیم، دید که مردی استخوانی را کاملاً تمیز می‌کند. بر سر او بانگ زد و گفت: مکن! من از امام سجّاد علیه السلام شنیدم که می‌گوید: «استخوان‌ها را کاملاً تمیز

نکنید؛ زیرا جیان را هم در آنها بهره‌ای است و اگر چنین کنید، چیزی از خانه می‌رود که از این [بهره شما از تمیز کردن استخوان،] بهتر است».

۱۴۰۶. المحاسن به نقل از محمد بن مسلم، در گفتگو با امام باقر علیه السلام: از ایشان پرسیدم که: آیا استخوان را کاملاً تمیز کنم؟ فرمود: «آری».

توضیح

این پاسخ، [تنها] بر جایز بودن تمیز کردن کامل استخوان دلالت می‌کند. بنا بر این، با مکروه بودن که روایت‌های پیشین بر آن دلالت می‌کردند، منافاتی ندارد.

ر. ک: ج ۲، ص ۴۶۹ (گوشت).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۳۴

الفصل السابع: آداب أكل الفاكهة

۱ / ۷

الغسلُ بالماءِ

۱۴۰۷. الكافي عن فُرَاتِ بنِ أَحْنَفِ عن الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ لِكُلِّ ثَمَرَةٍ سَيْمًا؛ فَإِذَا أَتَيْتُمْ بِهَا فَمَسَّوْهَا بِالماءِ أَوْ اغْمِسُوهَا فِي المَاءِ، يَعْنِي اغْسِلُوهَا. [۲۹۹]

۲ / ۷

التَّسْمِيَةُ عِنْدَ الأَكْلِ

۱۴۰۸. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ أَكَلَ الفَاكِهَةَ وَ بَدَأَ بِبِاسْمِ اللّهِ، لَمْ تَضُرَّهُ. [۳۰۰]

۳ / ۷

الدُّعَاءُ عِنْدَ رُؤْيِيهِ الفَاكِهَةِ الجَدِيدِ

۱۴۰۹. تاریخ بغداد عن عائشة: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله كَانَ إِذَا أتَى بِالبَاكُورَةِ مِنَ الفَاكِهَةِ وَ ضَعَهَا عَلَى فِيهِ، ثُمَّ وَ ضَعَهَا عَلَى عَيْنَيْهِ، ثُمَّ قَالَ:

اللَّهُمَّ كَمَا أَطَعَمْتَنَا أَوْلَاهُ، فَأَطْعِمْنَا آخِرَهُ. [۳۰۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۳۵

فصل هفتم: آداب خوردن میوه

۱ / ۷ شستن میوه با آب

۱۴۰۷. الكافي به نقل از فُرَاتِ بنِ أَحْنَفِ، از امام صادق علیه السلام: «هر میوه‌ای را زهری است. پس اگر میوه آوردید، آبی به آن بزنید» یا «آن را در آب فرو ببرید» یعنی بشوید.

۲ / ۷ بردن نام خدا به هنگام خوردن

۱۴۰۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس میوه بخورد و این خوردن را با نام خدا آغاز کند، میوه به او زبانی نمی‌رساند.

۳/۷ دعا کردن به هنگام دیدن میوه نوبر

۱۴۰۹. تاریخ بغداد به نقل از عایشه: پیامبر صلی الله علیه و آله چون میوه‌ای نوبر می‌آوردند، آن را روی دهانش می‌نهاد و سپس روی چشمانش می‌گذاشت و می‌گفت: «خداوندا! چنان که آغاز این را به ما خوراندی، پایانش را هم به ما بخوران.»

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۳۶

۱۴۱۰. الإمام علی علیه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا رَأَى الْفَاكِهَةَ الْجَدِيدَةَ قَبْلَهَا وَوَضَعَهَا عَلَى عَيْنَيْهِ وَفَمِهِ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ كَمَا أَرَيْتَنَا أَوْلَاهَا فِي عَافِيَةٍ، فَأَرِنَا آخِرَهَا فِي عَافِيَةٍ. [۳۰۲]

۴/۷

الْأَكْلُ فِي إِقْبَالِهَا وَالتَّرْكُ فِي إِدْبَارِهَا

۱۴۱۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: عَلَيْكُمْ بِالْفَاكِهَةِ فِي إِقْبَالِهَا؛ فَإِنَّهَا مَصِيحَةٌ لِلْأَبْدَانِ مَطْرَدَةٌ لِلْأَحْزَانِ، وَ أَلْقُوهَا فِي إِدْبَارِهَا [۳۰۳]؛ فَإِنَّهَا دَاءُ الْأَبْدَانِ. [۳۰۴]

۱۴۱۲. الدعوات: رُوِيَ: ... كُلِّ الْفَاكِهَةِ فِي إِقْبَالِ دَوْلَتِهَا، وَ أَفْضَلُهَا الرُّمَانُ وَ الْاِتْرُجُ. [۳۰۵]

۵/۷

تَرَكَ التَّقْشِيرِ

۱۴۱۳. الكافي: عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ كَانَ يَكْرَهُ تَقْشِيرَ التَّمْرَةِ. [۳۰۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۳۷

۱۴۱۰. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا، چون میوه‌ای نو می‌دید، آن را می‌بوسید و بر روی چشمان و دهانش می‌نهاد و سپس می‌گفت: «خداوندا! چنان که آغاز این را در عافیت به ما نشان دادی، پایان آن را نیز در عافیت به ما بنمایان.»

۴/۷ خوردن هر میوه در آغاز فصلش و پرهیز از آن در پایان آن فصل

۱۴۱۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد میوه در هنگام روی کردنش؛ چرا که در این هنگام، مایه: سلامت تن و از میان رفتن اندوه است. نیز آن را در هنگام پشت کردن و گذارید؛ که در این هنگام، دردی برای تن است.

۱۴۱۲. الدعوات: روایت شده است که: «... میوه را در ایام دولتش بخور؛ و برترین میوه‌ها، انار و تَرُنْج است.»

۵/۷ جدا نکردن پوست میوه

۱۴۱۳. الكافي: از ابن القَدَّاح درباره امام صادق علیه السلام روایت شده است که ایشان، پوست کندن میوه را دوست نداشت.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۳۸

۶/۷

تَرَكَ الْقِرَانَ بَيْنَ الْفَوَاكِهِ عِنْدَ الْأَكْلِ مَعَ الْآخَرِ

۱۴۱۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ أَكَلَ الْفَاكِهَةَ وَتَرَآ لَمْ تَضُرَّهُ. [۳۰۷]

۱۴۱۵. عنه صلی الله علیه و آله: كُلُّوا الثَّمَارَ وَتَرَآ لَا يَضُرُّ. [۳۰۸]

۱۴۱۶. مستدرک الوسائل عن کتاب التعریف: رُوِيَ: لَا يُقْرَنُ بَيْنَ شَيْءٍ مِنَ الْفَوَاكِهِ إِلَّا الْعِنَبَ وَالزَّمَانَ؛ فَإِنَّهُ قَدْ رُوِيَ: أَنَّهُ لَا بَأْسَ أَنْ يُقْرَنَ بَيْنَ الْحَبَّتَيْنِ مِنَ الْعِنَبِ وَالزَّمَانَ. [۳۰۹]

۱۴۱۷. دعائم الإسلام: عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ نَهَى عَنِ الْقِرَانِ بَيْنَ التَّمْرَيْنِ فِي فَمٍ، وَ مِنْ سَائِرِ الْفَاكِهَةِ كَذَلِكَ. [۳۱۰]
 قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا كَانَ مَعَ النَّاسِ فِي طَعَامٍ مُشْتَرَكٍ، فَأَمَّا مَنْ أَكَلَ وَحْدَهُ فَلْيَأْكُلْ كَيْفَ أَحَبَّ. [۳۱۱]
 ۱۴۱۸. علل الشرائع عن علي بن جعفر عن أخيه الإمام الكاظم عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنِ الْقِرَانِ بَيْنَ التَّمْرِ وَالتَّمْرِ وَ سَائِرِ الْفَوَاكِهِ، قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ الْقِرَانِ، فَإِنْ كُنْتَ وَحْدَكَ فَكُلْ كَيْفَ أَحْبَبْتَ، وَ إِنْ كُنْتَ مَعَ قَوْمٍ مُسْلِمِينَ فَلَا تَقْرُنْ. [۳۱۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۳۹

۷/۶ پرهیز از خوردن چند میوه با هم

۱۴۱۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس تنها یک نوع میوه را بخورد، آن میوه به او زیان نمی‌رساند.
 ۱۴۱۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: میوه‌ها را جدا جدا بخورید تا زیان نرساند.
 ۱۴۱۶. مستدرک الوسائل به نقل از کتاب التعریف: روایت شده است که هیچ دو میوه‌ای را نباید با هم خورد، مگر انگور و انار را؛ زیرا روایت شده است که اشکال ندارد دانه‌های انگور و انار، در کنار هم قرار داده شوند.
 ۱۴۱۷. دعائم الإسلام: از پیامبر خدا روایت شده که ایشان از جای دادن دو خرما در کنار هم در دهان و یا دو میوه دیگر نهی فرمود. امام صادق علیه السلام فرموده است: «البته این، در صورتی است که شخص با دیگر مردم و بر سفره‌ای مشترک باشد؛ اما اگر کسی به تنهایی می‌خورد، هر گونه که دوست دارد، بخورد».
 ۱۴۱۸. علل الشرائع به نقل از علی بن جعفر، در گفتگو با برادرش امام کاظم علیه السلام: از ایشان درباره با هم خوردن انجیر و خرما و دیگر میوه‌ها پرسیدم.
 فرمود: «پیامبر خدا، از همراه کردن [دو میوه نهی فرموده است. پس اگر تنها بودی، هر گونه که دوست داری، بخور؛ اما اگر در جمع شماری از مسلمانان بودی، میوه‌ها را با هم نخور».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۴۰

۱۴۱۹. المحاسن عن محمد بن المثنی أو غيره رفعه، قال: إِذَا آكَلْتَ أَحَدًا فَأَرَدْتَ أَنْ تَقْرُنَ، فَأَعْلِمَهُ بِذَلِكَ. [۳۱۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۴۱

۱۴۱۹. المحاسن به نقل از محمد بن مثنی یا کسی دیگر، در حدیثی که سند آن را به معصوم رسانده است: اگر همراه کسی بودی و خواستی چند میوه را با هم بخوری، او را به این خواست آگاه کن.

بیان

ظاهر سه حدیث اخیر، نشان می‌دهد که نهی از خوردن دو میوه با هم، یک ادب اجتماعی است، نه یک توصیه طبیبی، و مراعات این ادب، هنگامی لازم است که دو نفر بخواهند با همدیگر میوه بخورند و میوه به اندازه کافی وجود نداشته باشد. [۳۱۴]
 بدیهی است که اگر دیگری در آن میوه شریک باشد، مراعات حق او، یک ادب و جویی و اگر شریک نباشد، ادبی استجابی است. بنا بر این به نظر می‌رسد که حمل سه حدیث اول بر همین معنا، اولی است، هر چند که با ظاهر آنها (نهی از خوردن دو نوع میوه با هم) مخالف است؛ چرا که سند معتبری ندارند، مگر اینکه با آزمایش علمی مشخص شود که خوردن دو نوع میوه با هم، زیان‌آور

است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۴۲

الفصل الثامن: آداب الشرب

۱ / ۸

ما يَتَّبِعِي فِي الشُّرْبِ

أَلِ الشُّرْبِ بِثَلَاثَةِ أَنْفَاسٍ

۱۴۲۰. سنن أبي داوود عن أنس: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا شَرِبَ تَنَفَّسَ ثَلَاثًا وَقَالَ: هُوَ أَهْنَأُ وَأَمْرَأُ وَأَبْرَأُ. [۳۱۵]

۱۴۲۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا شَرِبَ أَحَدُكُمْ الْمَاءَ وَتَنَفَّسَ ثَلَاثًا كَانَ آمِنًا. [۳۱۶]

ب شَرِبُ الْمَاءِ قَائِمًا بِالنَّهَارِ وَجَالِسًا بِاللَّيْلِ

۱۴۲۲. رسول الله صلى الله عليه وآله لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ، اشْرَبِ الْمَاءَ قَائِمًا؛ فَإِنَّهُ أَقْوَى لَكَ وَأَصْحَحُ. [۳۱۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۴۳

فصل هشتم: آداب آشامیدن

۱ / ۸ آنچه در آشامیدن، بایسته است

الف آشامیدن به سه نفس

۱۴۲۰. سنن أبي داوود به نقل از أنس: پیامبر صلى الله عليه وآله چون می آشامید، [در میان آن،] سه نفس می کشید و می فرمود:

«این، گواراتر، خوش تر و پاکیزه تر است».

۱۴۲۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: اگر کسی آب بخورد و [در میان آن،] سه نفس بکشد، [از بیماری ناشی از یکجا سر کشیدن

در امان است.

ب ایستاده آب آشامیدن در روز، و نشسته آشامیدن در شب

۱۴۲۲. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله خطاب به علی علیه السلام: ای علی! ایستاده آب بخور که برای تو مایه قدرت افزون تر و

سلامت بیشتر است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۴۴

۱۴۲۳. الإمام الصادق عليه السلام: شَرِبُ الْمَاءِ مِنْ قِيَامٍ بِالنَّهَارِ أَقْوَى وَأَصْحَحُ لِلْبَدَنِ. [۳۱۸]

۱۴۲۴. عنه عليه السلام: شَرِبُ الْمَاءِ مِنْ قِيَامٍ بِالنَّهَارِ أَدْرُ لِلْعَرَقِ، وَأَقْوَى لِلْبَدَنِ. [۳۱۹]

۱۴۲۵. الإمام الباقر عليه السلام: الشُّرْبُ قَائِمًا أَقْوَى لَكَ وَأَصْحَحُ. [۳۲۰]

۱۴۲۶. الإمام الصادق عليه السلام: شَرِبُ الْمَاءِ مِنْ قِيَامٍ بِالنَّهَارِ يُمِرُّ الطَّعَامَ، وَشَرِبُ الْمَاءِ مِنْ قِيَامٍ بِاللَّيْلِ، يورث الماء الأَصْفَرَ. [۳۲۱]

۱۴۲۷. الإمام علي عليه السلام: إِيَّاكُمْ وَشَرِبَ الْمَاءِ مِنْ قِيَامٍ عَلَى أَرْجُلِكُمْ [۳۲۲]؛ فَإِنَّهُ يورث الدَّاءَ الَّذِي لَا دَوَاءَ لَهُ أَوْ يُعَافِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ

جل. [۳۲۳]

۱۴۲۸. الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهما السلام: لا- تَشْرَبُ و أنت قائمٌ، ولا تَبِلُ في ماءٍ نَقِيعٍ، ولا تُطْفِ بِقَبْرِ، ولا تُخْلُ في بَيْتٍ وَحَدَكْ، ولا تَمْشِ في نَعْلِ واحدٍ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ أَسْرَعُ ما يَكُونُ إِلَى العَبْدِ إذا كانَ عَلَى بَعْضِ هَذِهِ الأحوالِ. [۳۲۴]

ج شَرِبُ المَاءِ الفاتِرِ

۱۴۲۹. الإمام الصادق عليه السلام: شَيْئَانِ صالِحانِ لَمْ يَدْخُلَا جَوْفَ واحدٍ قَطُّ فَاسِداً إِلَّا أَصْلَحاهُ، وَ شَيْئَانِ فَاسِداً لَمْ يَدْخُلَا جَوْفاً قَطُّ صالِحاً إِلَّا أَفْسَداهُ؛

فَالصَّالِحانِ: الرُّمَانُ، وَ المَاءُ الفاتِرُ، وَ الفاسِداً: الجُبْنُ، وَ القَدِيدُ. [۳۲۵][۳۲۶]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۲؛ ص ۱۴۴

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۴۵

۱۴۲۳. امام صادق علیه السلام: ایستاده آشامیدن آب در روز، مایه قدرت افزون تر و تندرستی بیشتر است.

۱۴۲۴. امام صادق علیه السلام: ایستاده آشامیدن آب در روز، موجب عرق کردن بیشتر و توان افزون تر بدن است.

۱۴۲۵. امام باقر علیه السلام: ایستاده آشامیدن، برای تو مایه قدرت افزون تر و سلامت بیشتر است.

۱۴۲۶. امام صادق علیه السلام: ایستاده آشامیدن آب در روز، غذا را گوارا می‌سازد و ایستاده آشامیدن آب در شب، زرداب می‌آورد.

۱۴۲۷. امام علی علیه السلام: از این حذر کنید که در حالت ایستاده بر روی پاهایتان، آب بنوشید؛ زیرا این کار، دردی بی‌درمان می‌آورد، مگر این که خدای عز و جل خود، عافیت دهد. [۳۲۷]

۱۴۲۸. امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام: در حالت ایستاده، آب میاشام، و در آب برکه، پیشاب مکن، و بر گرد قبر، مچرخ، و در خانه‌ای تنها ممان، و با یک لنگه پای‌افزار، راه مرو؛ چرا که چون بنده‌ای در یکی از این حالت‌ها باشد، شیطان بسیار زود به سوی او می‌شتابد.

ج آشامیدن آب نیم‌گرم

۱۴۲۹. امام صادق علیه السلام: دو چیز مناسب است که به هیچ درون نادرستی در نمی‌آیند، مگر این که آن را به درستی می‌آورند، و دو چیز نامناسب است که به هیچ درون سالمی در نمی‌آیند، مگر این که آن را نادرست [و ناسالم می‌کنند].

آن دو چیز مناسب، عبارت‌اند از: انار و آب نیم‌گرم (وِگرم)؛ و آن دو چیز نامناسب، عبارت‌اند از: پنیر و گوشت خشک شده.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۴۶

۱۴۳۰. مکارم الأخلاق: عنه عليه السلام [۳۲۸]، قال: الماء المَغْلِيُّ [۳۲۹] يَنْفَعُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، ولا يَضُرُّ مِنْ شَيْءٍ. [۳۳۰]

۲ / ۸

ما لا يَتَّبَعِي في الشَّرْبِ

أ النَّفْخُ

۱۴۳۱. مکارم الأخلاق: كانَ صَلَّى اللهُ عليه و آله لا- يَتَنَفَّسُ في الإِناءِ إذا شَرِبَ، فَإِنِ ارادَ أن يَتَنَفَّسَ أَبْعَدَ الإِناءِ عَنِ فِيهِ حَتَّى يَتَنَفَّسَ. [۳۳۱]

۱۴۳۲. سنن أبي داوود عن ابن عباس: نَهَى رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عليه و آله أن يَتَنَفَّسَ في الإِناءِ أو يَنْفَخَ فِيهِ. [۳۳۲]

۱۴۳۳. سنن الترمذی عن أبي سعيد الخُدْرِيِّ: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عليه و آله نَهَى عَنِ النَّفْخِ في الشَّرْبِ. فَقَالَ رَجُلٌ: القَداءُ أراها في

الإِنَاء؟

قال: أهرقها. [۳۳۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۴۷

۱۴۳۰. مکارم الأخلاق: ایشان فرمود: «آب جوشیده [۳۳۴] سودمند است و هیچ ضرری ندارد».

۸ / ۲ آنچه در آشامیدن نابایسته است**الف دمیدن**

۱۴۳۱. مکارم الأخلاق: پیامبر صلی الله علیه و آله به گاه آشامیدن، در ظرف نمی‌دمید و چون می‌خواست نفس بکشد، ظرف را از دهان خود دور می‌کرد تا نفس بکشد.

۱۴۳۲. سنن أبی داوود به نقل از ابن عتیاس: پیامبر خدا، از این که کسی با زدم خویش را به ظرف برگرداند یا در آن بدمد، نهی فرمود.

۱۴۳۳. سنن الترمذی به نقل از ابو سعید خدری: پیامبر صلی الله علیه و آله از دمیدن در آشامیدنی، نهی کرد.

مردی گفت: خاشاکی در آب می‌بینم.

فرمود: «آن را بریز».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۴۸

۱۴۳۴. الطبقات الكبرى عن القاسم بن مسلم مولى علي بن أبي طالب عليه السلام عن أبيه: دَعَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِشَرَابٍ، فَأَتَيْتُهُ بِقَدَحٍ مِنْ مَاءٍ فَتَفَخَّتْ فِيهِ، فَزِدَّهُ وَأَبَى أَنْ يَشْرَبَهُ، وَقَالَ: اشْرَبْهُ أَنْتَ. [۳۳۵]

ب العَبُّ

۱۴۳۵. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِذَا شَرِبَ أَحَدُكُمْ فَلْيَمُصَّ مَضًّا وَلَا يَعْْبُ عَبًّا؛ فَإِنَّ الْكُبَادَ مِنَ الْعَبِّ. [۳۳۶]

۱۴۳۶. عنه صلى الله عليه وآله: مُصُّوا الْمَاءَ مَضًّا وَلَا تَعْبُوهُ عَبًّا؛ فَإِنَّهُ يُوْجَدُ مِنْهُ الْكُبَادُ. [۳۳۷]

۱۴۳۷. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا اشْتَهَيْتُمُ الْمَاءَ فَاشْرَبُوهُ مَضًّا، وَلَا تَشْرَبُوهُ عَبًّا. [۳۳۸]

۱۴۳۸. الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام: نَهَى عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْعَبِّ الْوَاحِدَةِ فِي الشُّرْبِ، فَقَالَ: ثَلَاثًا أَوْ اثْنَتَيْنِ. [۳۳۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۴۹

۱۴۳۴. الطبقات الكبرى به نقل از قاسم بن مسلم (وابسته علی بن ابی طالب علیه السلام)، از پدرش: علی علیه السلام آبی خواست. برای وی کاسه آبی آوردم و در آن دمیدم. آب را به من برگرداند و از نوشیدن آن خودداری ورزید و فرمود: «تو خود، آن را بنوش».

ب یکجا سر کشیدن

۱۴۳۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر کسی از شما خواست آب بخورد، جرعه جرعه بنوشد و یکسره سر نکشد؛ چرا که درد جگر، از سر کشیدن یکباره بر می‌خیزد.

۱۴۳۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آب را بمکید و آن را یکجا سر نکشید؛ چرا که درد جگر، از آن می‌خیزد.

۱۴۳۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر آب خواستید، آن را جرعه جرعه بنوشید و یکجا سر نکشید.

۱۴۳۸. امام صادق علیه السلام به نقل از پدران‌ش علیهم السلام: علی علیه السلام از این که همه آب، به یک جرعه نوشیده شود، نهی کرد و فرمود: «سه یا دو [جرعه باشد]».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۵۰

ج شَرِبُ الْحَمِيمِ

۱۴۳۹. دعائم الإسلام: عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله أَنَّهُ نَهَى عَنِ شَرِبِ الْحَمِيمِ. يَعْنِي: الْمَاءَ الْحَارَّ الَّذِي يَنْتَهِي إِلَى غَايَةِ الْحَرَارَةِ. [۳۴۰]

د الشَّرْبُ أَثْنَاءَ الْأَكْلِ

۱۴۴۰. الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ أَرَادَ أَلَّا تُؤْذِيَهُ مَعِدَّتُهُ فَلَا يَشْرَبْ عَلَى طَعَامِهِ مَاءً حَتَّى يَفْرُغَ مِنْهُ، وَ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ رَطَبَ يَدَيْهِ، وَ ضَعَفَ مَعِدَّتَهُ، وَ لَمْ تَأْخُذِ الْعُرُوقُ قُوَّةَ الطَّعَامِ؛ لِأَنَّهُ يَصِيرُ فِي الْمَعِدَّةِ فِجًا [۳۴۱] إِذَا صَبَّ الْمَاءُ عَلَى الطَّعَامِ أَوَّلًا فَأَوَّلًا. [۳۴۲]

ه شَرِبُ الْمَاءِ عَلَى اللَّحْمِ

۱۴۴۱. الإمام علي عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله إِذَا أَكَلَ اللَّحْمَ لَا يَعْجَلُ بِشَرِبِ الْمَاءِ.

فَقَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا أَقَلَّ شُرْبِكَ لِلْمَاءِ عَلَى اللَّحْمِ!

فَقَالَ: لَيْسَ أَحَدٌ يَأْكُلُ هَذَا الْوَدَكِ، ثُمَّ يَكْفُ عَنْ شَرِبِ الْمَاءِ إِلَى آخِرِ الطَّعَامِ إِلَّا اسْتَمْرَأَ. [۳۴۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۵۱

ج آشامیدن آب بسیار داغ

۱۴۳۹. دعائم الإسلام: از پیامبر خدا روایت شده که از آشامیدن «حمیم» (یعنی آبی که به غایت، داغ است)، نهی فرمود.

د آشامیدن آب در لابه‌لای غذا خوردن

۱۴۴۰. امام رضا علیه السلام: هر کس می‌خواهد معده‌اش او را آزار ندهد، بر روی غذا آب نخورد تا هنگامی که غذا خوردن را به پایان می‌برد. هر کس چنین کند، بدنش به رطوبت می‌گراید، معده‌اش ضعیف می‌شود و رگ‌هایش نیروی غذا را به خود نمی‌گیرند؛ زیرا اگر پشت سر هم روی غذا آب ریخته شود، آن غذا در معده نارس و بدگوارش می‌گردد.

ه آشامیدن آب بر روی گوشت

۱۴۴۱. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا چون گوشت می‌خورد، در آشامیدن آب، شتاب نمی‌ورزید. یکی از یاران که از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بود، از ایشان پرسید: ای پیامبر خدا! چه قدر کم بر روی گوشت، آب می‌آشامی! فرمود: «هیچ کس نیست که این گوشت چرب را بخورد و تا پایان غذا از آشامیدن آب، خودداری ورزد، مگر این که غذا را گوارا می‌یابد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۵۲

و الشَّرْبُ إِثْرَ الدَّسَمِ

۱۴۴۲. رسول الله صلی الله علیه و آله: الشَّرْبُ عَلَى أَثْرِ الدَّسَمِ دَاءٌ فِي الْبَطْنِ. [۳۴۴]

۱۴۴۳. عنه صلی الله علیه و آله: شَرِبُ الْمَاءِ عَلَى أَثْرِ الدَّسَمِ يَهَيِّجُ الدَّاءَ. [۳۴۵]

۱۴۴۴. المحاسن عن النَّوْفَلِيِّ بِإِسْنَادِهِ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَكَلَ الدَّسَمَ أَقَلَّ مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ. فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّكَ لَتَقِلُّ مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ؟ قَالَ: هُوَ أَمْرٌ لَطَعَامِي. [۳۴۶]

ز الشُّرْبِ مِنَ عُرْوَةِ الْإِنَاءِ وَتُلْمَتِهِ

۱۴۴۵. رسول الله صلى الله عليه وآله لا يشربن أحدكم الماء من عند عروءة الإناء؛ فإنه مجتمَع الوسخ. [۳۴۷]

۱۴۴۶. سنن أبي داوود عن أبي سعيد الخدري: نهى رسول الله صلى الله عليه وآله عن الشُّرْبِ مِنْ تُلْمِيَةِ الْقَدَحِ، وَ أَنْ يُنْفَخَ فِي الشَّرَابِ. [۳۴۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۵۳

و آشامیدن آب بر روی چربی

۱۴۴۲. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله آشامیدن در پی چربی، بیماری‌ای در شکم است.

۱۴۴۳. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله آشامیدن آب در پی چربی، بیماری را برمی‌انگیزاند.

۱۴۴۴. المحاسن به نقل از نوفلی: پیامبر صلى الله عليه وآله چون چربی می‌خورد، از نوشیدن آب می‌کاست.

گفتند: ای پیامبر خدا! کمتر آب می‌نوشی؟!

فرمود: «این کار، غذایم را گوارا تر می‌سازد».

ز آشامیدن آب از مجاور دسته ظرف یا لبه شکسته آن

۱۴۴۵. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله مباد کسی از شما از کنار دسته ظرف، آب بخورد؛ چرا که آنجا جای گرد آمدن آلودگی است.

۱۴۴۶. سنن أبي داوود به نقل از ابو سعيد خُدري: پیامبر خدا، از این که از لبه شکسته کاسه آب، آشامیده و یا در نوشیدنی، دمیده شود، نهی فرمود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۵۴

۱۴۴۷. الإمام علي عليه السلام: لَا تَشْرَبُوا الْمَاءَ مِنْ تُلْمَةِ الْإِنَاءِ وَلَا مِنْ عُرْوَتِهِ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَقْعُدُ عَلَى الْعُرْوَةِ وَ التُّلْمَةِ. [۳۴۹]

۱۴۴۸. الإمام الباقر عليه السلام: لَا يُشْرَبُ مِنْ أَدْنِ الْكُوزِ وَلَا مِنْ كَسْرِهِ إِنْ كَانَ فِيهِ فَإِنَّهُ مَشْرَبُ الشَّيَاطِينِ. [۳۵۰]

ح الشُّرْبِ فِي التُّحَاسِ

۱۴۴۹. رسول الله صلى الله عليه وآله: لَا تَشْرَبْ فِي التُّحَاسِ؛ فَإِنَّهُ يورثُ السَّهْلَ يَعْنِي الْوَسْوَاسَ وَ الْخَبَالَ. [۳۵۱]

ط الشُّرْبِ عَلَى الزَّرِيقِ

۱۴۵۰. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ شَرِبَ الْمَاءَ عَلَى الزَّرِيقِ، انْتَقَصَتْ قُوَّتُهُ. [۳۵۲]

ي شُرْبِ الْمَاءِ الْبَارِدِ بَعْدَ تَنَاوُلِ الشَّيْءِ الْحَارِّ أَوْ الْحَلَاوَةِ

۱۴۵۱. الإمام الرضا عليه السلام: شُرْبُ الْمَاءِ الْبَارِدِ عَقِيبَ الشَّيْءِ الْحَارِّ وَ عَقِيبَ الْحَلَاوَةِ،

يَذْهَبُ بِالْأَسْنَانِ. [۳۵۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۵۵

۱۴۴۷. امام علی علیه السلام: از لبه شکسته ظرف و از کنار دسته آن، آب نخورید؛ چرا که شیطان بر دسته و لبه شکسته می‌نشیند.

۱۴۴۸. امام باقر علیه السلام: از دسته کوزه و از شکستگی آن اگر در آن، شکستگی‌ای باشد نباید آب آشامید؛ چرا که آشامیدنگاه شیطان‌هاست.

ح آشامیدن در ظرف‌های مسی

۱۴۴۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در ظرف مسین منوش؛ چرا که «سهل» (یعنی وسواس و پریشان‌عقلی) بر جای می‌نهد.

ط آشامیدن در حالت ناشتا

۱۴۵۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس ناشتا آب بیاشامد، نیرویش کاستی می‌یابد.

اظهار نظر

گفتنی است که سند این روایت، ضعیف است. این احتمال را هم روا می‌دانیم که مقصود از آن، برخی از مزاج‌ها یا برخی از مناطق گرم مانند حجاز باشد. به هر روی، برای اظهار نظر قطعی در این باره و نیز در مورد روایاتی که درباره نهی از خوردن زیاد آب خواهد آمد، بررسی‌های علمی، ضروری است.

ی آشامیدن آب سرد، پس از خوردن شیرینی

۱۴۵۱. امام رضا علیه السلام: آشامیدن آب سرد، پس از خوردن چیز گرم و پس از خوردن شیرینی، دندان‌ها را از بین می‌برد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۵۶

ك كَثْرَةُ شُرْبِ الْمَاءِ

۱۴۵۲. الإمام الصادق علیه السلام: لَا تُكْثِرُ مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ؛ فَإِنَّهُ مَادَّةٌ لِكُلِّ دَاءٍ. [۳۵۴]

۱۴۵۳. عنه علیه السلام: لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَقَلُّوا مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ، لَأَسْتَقَامَتْ أْبْدَانُهُمْ. [۳۵۵]

۱۴۵۴. عنه علیه السلام: مَنْ أَقَلَّ مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ، صَحَّ بَدَنُهُ. [۳۵۶]

۱۴۵۵. عنه علیه السلام: أَقَلُّ مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ؛ فَإِنَّهُ يَمُدُّ [۳۵۷] كُلَّ دَاءٍ، وَاجْتَنِبِ الدَّوَاءَ مَا احْتَمَلَ بَدَنُكَ الدَّاءَ. [۳۵۸]

ل شُرْبِ الْمَاءِ الْبَارِدِ وَالْفُقَّاعِ فِي الْحَمَامِ

۱۴۵۶. الإمام الصادق علیه السلام: إِيَّاكَ وَشُرْبِ الْمَاءِ الْبَارِدِ وَالْفُقَّاعِ فِي الْحَمَامِ؛ فَإِنَّهُ يُفْسِدُ الْمَعِدَةَ. [۳۵۹]

راجع: ج ۱، ص ۴۵۴ (جهاز الهضم و الدفع / علاجات اخری / العلاج بالماء).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۵۷

ک نوشیدن آب فراوان

۱۴۵۲. امام صادق علیه السلام: آب بسیار منوش؛ چرا که سرچشمه هر دردی است.

۱۴۵۳. امام صادق علیه السلام: اگر مردم کمتر آب می‌نوشیدند، بدن‌هایشان به سامان بود.

۱۴۵۴. امام صادق علیه السلام: هر کس کمتر آب می‌نوشد، تندرست است.

۱۴۵۵. امام صادق علیه السلام: کمتر آب بنوش؛ چرا که هر دردی را به سوی خود می‌کشد. از درمان نیز تا هنگامی که بدنت تاب

درد را دارد، پرهیز.

ل نوشیدن آب سرد و آب جو در حمام

۱۴۵۶. امام صادق علیه السلام: از نوشیدن آب سرد و آب جو (فُقَاع) [۳۶۰] در حمام، حذر کن؛ چرا که معده را تباه می‌کند.
 ر. ک: ج ۱، ص ۴۵۷ (دستگاه گوارش / درمان‌های دیگر / آب‌درمانی).
 دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۵۸

الفصل التاسع: وجبات الأكل

۱ / ۹

الْبُكَرَةُ وَالْعَشِيُّ

الكتاب:

«وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا». [۳۶۱]

الحدیث:

۱۴۵۷. الكافي عن شهاب بن عبد ربّه: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا أَلْقَى مِنَ الْأَوْجَاعِ وَالتُّخْمِ، فَقَالَ لِي: تَغَدَّ وَتَعَشَّ، وَلَا تَأْكُلْ بَيْنَهُمَا شَيْئًا؛ فَإِنَّ فِيهِ فَسَادَ الْبَدَنِ، أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا». [۳۶۲]

۲ / ۹

تَأْكِيدُ الْغَدَاءِ وَالنَّهْيُ عَنِ تَرْكِهِ

۱۴۵۸. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَرَادَ الْبَقَاءَ وَلَا بَقَاءَ فَلْيَبَاكِرِ الْغَدَاءَ، وَلْيَجُودِ الْحِذَاءَ،

وَلْيَخَفِّفِ الرِّدَاءَ، وَلْيَقِلِّ مُجَامَعَةَ النِّسَاءِ. [۳۶۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۵۹

فصل نهم: نوبت‌های غذا

۱ / ۹ صبحگاهان و شامگاهان

قرآن

(و آنان، صبحگاهان و شامگاهان، روزی ویژه خویش را دارند)

حدیث

۱۴۵۷. الكافي به نقل از شهاب بن عبد ربّه: نزد امام صادق علیه السلام، از دردها و بدگواری‌هایی که داشتم، اظهار ناراحتی کردم. به من فرمود: «صبحانه بخور و شام بخور و در فاصله میان آنها چیزی نخور؛ چرا که موجب تباهی تن است. مگر نشنیده‌ای که خداوند عز و جل می‌فرماید: (و آنان، صبحگاهان و شامگاهان، روزی ویژه خویش را دارند).

۲/۹ تأکید بر خوردن ناشتایی و نهی از وا گذاردن آن

۱۴۵۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که جاودانگی می‌خواهد و البته [برای غیر خدا]

جاودانگی‌ای نیست باید که چاشت را زودتر بخورد و ردای سُبُک
برگیرد و کمتر با زنان بیامیزد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۶۰

۱۴۵۹. الإمام علی علیه السلام: مَنْ أَرَادَ بَقَاءَ وَلَا بَقَاءَ فَلْيَبْكَرِ الْغَدَاءَ، وَ لِيُؤَخِّرِ الْعِشَاءَ، وَ لِيَقِلَّ غِشْيَانَ النِّسَاءِ، وَ لِيُخَفِّفِ الرِّدَاءَ. [۳۶۴]

۱۴۶۰. الإمام الصادق علیه السلام: إِذَا صَيَّيْتُ الْفَجْرَ فَكُلْ كِسْرَةً تُطَيِّبُ بِهَا نَكْهَتَكَ، وَ تُطْفِئُ بِهَا حَرَارَتَكَ، وَ تُقَوِّمُ بِهَا أَضْرَاسَكَ، وَ تُشَدُّ بِهَا لِيَتَكَ، وَ تَجَلِبُّ بِهَا رِزْقَكَ، وَ تُحَسِّنُ بِهَا حُلُقُوكَ. [۳۶۵]

۱۴۶۱. عنه علیه السلام: يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَلَّا يَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهِ حَتَّى يَطْعَمَ؛ فَإِنَّهُ أَعَزُّ لَهُ. [۳۶۶]

۱۴۶۲. ربيع الأبرار: فِي الْحَدِيثِ: تَرَكَ الْغَدَاءَ مَسْقَمَةً. [۳۶۷]

۳/۹

تأکید العشاء و النهی عن ترکہ

۱۴۶۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: لَا تَدْعُوا الْعِشَاءَ وَ لَوْ بِكَفِّ مِنْ تَمْرٍ؛ فَإِنَّ تَرَكَهُ يُهْرِمُ. [۳۶۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۶۱

۱۴۵۹. امام علی علیه السلام: هر که جاودانگی می‌خواهد و البته [برای غیر خدا] جاودانگی‌ای نیست باید چاشت را زود بخورد، شام را دیرتر بخورد، [۳۶۹] کمتر با زنان بیامیزد و ردای سُبُک بگیرد.

۱۴۶۰. امام صادق علیه السلام: چون نماز صبح را خواندی، پاره نانی بخور تا با آن: دهان خویش را خوش بو سازی، حرارت خود را فرو بنشانی، دندان‌هایت را استوار سازی، لثه‌ات را استحکام بخشی، روزی خویش را به چنگ آوری و خوی خود را نکو سازی.

۱۴۶۱. امام صادق علیه السلام: مؤمن را بایسته است که تا غذا نخورده، از خانه بیرون نرود؛ چرا که این کار به او استواری بیشتر می‌دهد.

۱۴۶۲. ربيع الأبرار: وا گذاردن ناشتایی، مایه بیماری است.

۳/۹ تأکید بر خوردن شام و نهی از وا گذاردن آن

۱۴۶۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوردن شام را وا مگذارید، هر چند به مشتی خرما باشد؛ زیرا وا گذاشتن آن، انسان را پیر می‌کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۶۲

۱۴۶۴. عنه صلی الله علیه و آله: لَا تَدْعُوا الْعِشَاءَ وَ لَوْ عَلَى حَشْفَةٍ، إِنِّي أَخْشَى عَلَى أُمَّتِي مِنْ تَرَكَ الْعِشَاءِ الْهَرَمَ؛ فَإِنَّ الْعِشَاءَ قُوَّةُ الشَّيْخِ وَ الشَّابِّ. [۳۷۰]

۱۴۶۵. عنه صلی الله علیه و آله: تَعَشُّوا وَ لَوْ بِكَفِّ مِنْ حَشْفٍ؛ فَإِنَّ تَرَكَ الْعِشَاءِ مَهْرَمَةٌ. [۳۷۱]

۱۴۶۶. الإمام الصادق علیه السلام: لَا تَدْعُ الْعِشَاءَ وَ لَوْ بِثَلَاثِ لُقْمٍ بِمِلْحٍ. [۳۷۲]

۱۴۶۷. الإمام علی علیه السلام: عِشَاءُ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بَعْدَ الْعَتَمَةِ فَلَا تَدْعُوهُ؛ فَإِنَّ تَرَكَ الْعِشَاءِ خَرَابُ الْبَدَنِ. [۳۷۳]

۱۴۶۸. الإمام الصادق علیه السلام: أَصْلُ خَرَابِ الْبَدَنِ تَرَكَ الْعِشَاءِ. [۳۷۴]

۱۴۶۹. عنه علیه السلام: لَا خَيْرَ لِمَنْ دَخَلَ فِي السَّنِّ أَنْ يَبِيَّتَ خَفِيفًا، بَلْ يَبِيْتُ مُمْتَلِئًا خَيْرٌ لَهُ. [۳۷۵]

۱۴۷۰. عنه عليه السلام: يَتَّبِعِي لِلشَّيْخِ الْكَبِيرِ أَلَّا يَنَامَ إِلَّا وَجُوفُهُ مُمْتَلِئٌ مِنَ الطَّعَامِ؛ فَإِنَّهُ أَهْدَأُ لِنَوْمِهِ وَأَطْيَبُ لِنِكَهَتِهِ. [۳۷۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۶۳

۱۴۶۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوردن شام را وا مگذارید، هر چند به خوردن دانه‌ای خرمای خشکیده باشد. من بر امت خویش، از این، بیم دارم که از وا گذاردن شام، پیری (در هم شکستگی) به سراغشان آید؛ چرا که شام، مایه نیرومندی پیر و جوان است.

۱۴۶۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شام بخورید، هر چند به مشتی خرمای خشکیده باشد؛ چرا که وا گذاردن شام، مایه پیری است.

۱۴۶۶. امام صادق علیه السلام: خوردن شام را وا مگذار، هر چند به سه لقمه [نان با نمک] باشد.

۱۴۶۷. امام علی علیه السلام: شام خوردن پیامبران، پس از تاریکی شب بوده است. آن را وا مگذارید؛ چرا که وا گذاردن آن، ویرانی تن است.

۱۴۶۸. امام صادق علیه السلام: سرچشمه ویرانی تن، وا گذاردن شام است.

۱۴۶۹. امام صادق علیه السلام: برای کسی که پا به سن نهاده، خوب نیست با شکم سبک بخوابد؛ بلکه اگر با شکم پر بخوابد، برایش بهتر است.

۱۴۷۰. امام صادق علیه السلام: برای پیر کهن سال، بایسته است که حتماً به گاه خفتن،

شکمش از غذا پر باشد. این، سبب خواب آرام تر و بوی خوش تر دهان برای اوست.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۶۴

۱۴۷۱. المحاسن عن المفضل بن عمر: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَيْلَةً وَهُوَ يَتَعَشَّى. فَقَالَ: يَا مُفَضَّلُ، ادْنُ وَكُلْ. قُلْتُ: قَدْ تَعَشَّيْتُ.

فَقَالَ: ادْنُ فَكُلْ؛ فَإِنَّهُ يُسْتَحَبُّ لِلرَّجُلِ إِذَا اكْتَهَلَ أَلَّا يَبِيَّتَ إِلَّا وَفِي جُوفِهِ طَعَامٌ حَدِيثٌ. فَدَنَوْتُ فَأَكَلْتُ. [۳۷۷]

۱۴۷۲. الإمام الصادق عليه السلام: تَرَكُ الْعِشَاءَ مَهْرَمَةً، وَيَتَّبِعِي لِلرَّجُلِ إِذَا أَسَنَّ أَلَّا يَبِيَّتَ إِلَّا وَجُوفُهُ مُمْتَلِئٌ مِنَ الطَّعَامِ. [۳۷۸]

۱۴۷۳. الكافي عن علي بن أبي طالب عن الإمام الصادق عليه السلام: مَا تَقُولُ أَطْبَأُكُمْ فِي عِشَاءِ اللَّيْلِ؟

قُلْتُ: إِنَّهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ.

قَالَ: لَكِنِّي أَمُرُّكُمْ بِهِ. [۳۷۹]

۱۴۷۴. الكافي عن زياد بن أبي الحلال: تَعَشَّيْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: الْعِشَاءُ بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةُ عِشَاءُ النَّبِيِّ عَلَيْهِمُ السَّلَامِ. [۳۸۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۶۵

۱۴۷۱. المحاسن به نقل از مفضل بن عمر: شبی، در حالی که امام صادق علیه السلام شام می خورد، بر ایشان وارد شدم. فرمود: «ای مفضل! پیش آی و بخور».

گفتم: شام خورده‌ام.

فرمود: «پیش آی و بخور؛ زیرا مستحب است مرد، هنگامی که به میان‌سالی درآمد، شب را در حالی بخوابد که غذایی تازه در شکم اوست».

من نیز پیش رفتم و خوردم.

۱۴۷۲. امام صادق علیه السلام: وا گذاردن شام، مایه پیری است. برای مرد، آن هنگام که پا به سن نهاد، بایسته است که تنها در حالی بخوابد که درونش از غذا پُر باشد.

۱۴۷۳. الکافی به نقل از علی بن ابی علی لهبی: امام صادق علیه السلام فرمود: «طیبانِ شما درباره شام شب، چه می گویند؟». گفتم: ما را از آن، باز می دارند.

فرمود: «اما من، شما را بدان، فرمان می دهم».

۱۴۷۴. الکافی به نقل از زیاد بن ابی الحلال: با امام صادق علیه السلام شام خوردم. فرمود: «شام پس از نمازِ خفتن، شام پیامبران است».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۶۶

۱۴۷۵. الإمام الصادق علیه السلام: مَنْ تَرَكَ الْعِشَاءَ لَيْلَةً مَاتَ عِرْقُ فِي جَسَدِهِ وَلَا يَحْيَا أَبَدًا. [۳۸۱]

۱۴۷۶. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ تَرَكَ الْعِشَاءَ لَيْلَةً السَّبْتِ وَ لَيْلَةَ الْأَحَدِ مُتَوَالِيَتَيْنِ، ذَهَبَ عَنْهُ مَا لَا يَرْجِعُ إِلَيْهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا. [۳۸۲]

۱۴۷۷. الإمام الصادق علیه السلام: مَنِ تَرَكَ الْعِشَاءَ لَيْلَةَ السَّبْتِ وَ لَيْلَةَ الْأَحَدِ مُتَوَالِيَتَيْنِ، ذَهَبَتْ عَنْهُ قُوَّتُهُ فَلَمْ تَرْجِعْ إِلَيْهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا. [۳۸۳]

۱۴۷۸. الإمام الصادق علیه السلام: مَنْ تَرَكَ الْعِشَاءَ نَقَصَتْ مِنْهُ قُوَّةٌ وَلَا تَعُودُ إِلَيْهِ. [۳۸۴]

۱۴۷۹. الکافی عن سليمان بن جعفر الجعفري: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَدْعُ الْعِشَاءَ وَ لَوْ بَكَعَكَهُ.

وَ كَانَ يَقُولُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّهُ قُوَّةٌ لِلْجِسْمِ وَ قَالَ: وَ لَا أَعْلَمُهُ إِلَّا قَالَ: وَ صَالِحٌ لِلْجَمَاعِ. [۳۸۵]

۱۴۸۰. الإمام الرضا علیه السلام: إِذَا اكْتَهَلَ الرَّجُلُ فَلَا يَدْعُ أَنْ يَأْكُلَ بِاللَّيْلِ شَيْئًا؛ فَإِنَّهُ أَهْدَى [۳۸۶] لِلنَّوْمِ وَ أَطْيَبُ لِلنَّكْهَةِ. [۳۸۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۶۷

۱۴۷۵. امام صادق علیه السلام: هر کس شام را وا گذارد، رگی در بدن وی می میرد و هرگز زنده نمی شود.

۱۴۷۶. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هر کس شام را در شب شنبه و شب یکشنبه، پشت سر هم وا گذارد، چیزی از کف او می رود که تا چهل روز به وی باز نمی گردد.

۱۴۷۷. امام صادق علیه السلام: هر کس شام را در شب شنبه و شب یکشنبه، پشت سر هم وا گذارد، نیروی وی از کف می رود و این نیرو تا چهل روز به وی باز نمی گردد.

۱۴۷۸. امام صادق علیه السلام: هر کس شام خوردن را وا گذارد، نیرویی از او کاسته می شود و به او باز نمی گردد.

۱۴۷۹. الکافی به نقل از سليمان بن جعفر جعفري: امام کاظم علیه السلام شام خوردن را وا نمی گذارد، هر چند به خوردن یک کلوچه بود.

ایشان می فرمود: «آن، نیرویی برای تن است» و نمی دانم دیگر چه چیزی فرمود، جز اینکه دقیقاً این سخن را هم فرمود که: «و کارآمد برای آمیزش است».

۱۴۸۰. امام رضا علیه السلام: مباد که مرد، هنگامی که میان سال می شود، خوردن چیزی را در هر شب، وا گذارد؛ زیرا این کار، سبب خواب آرام تر و بوی خوش تر دهان است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۶۸

۱۴۸۱. الإمام الرضا علیه السلام: إِنَّ فِي الْجَسَدِ عِرْقًا يُقَالُ لَهُ: الْعِشَاءُ؛ فَإِنْ تَرَكَ الرَّجُلُ الْعِشَاءَ لَمْ يَزَلْ يَدْعُو عَلَيْهِ ذَلِكَ الْعِرْقُ إِلَى أَنْ يُصْبِحَ، يَقُولُ: أَجَاعَكَ اللَّهُ كَمَا أَجَعْتَنِي، وَ أَظْمَأَكَ اللَّهُ كَمَا أَظْمَأْتَنِي.

فَلَا يَدْعُنَّ أَحَدَكُمْ الْعِشَاءَ وَ لَوْ بَلْقَمَةٍ مِنْ حُبْزٍ أَوْ شَرْبَةٍ مِنْ مَاءٍ. [۳۸۸]

۴ / ۹

وَجِبَةُ فِي الْيَوْمِ

۱۴۸۲. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَكَلَ فِي الْيَوْمِ مَرَّةً لَمْ يَكُنْ جَائِعًا، وَ مَنْ أَكَلَ مَرَّتَيْنِ لَمْ يَكُنْ عَابِدًا، وَ مَنْ أَكَلَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ اِرْبُطُوهُ مَعَ الدَّوَابِّ. [۳۸۹]

۱۴۸۳. شعب الإيمان عن عائشة: رَأَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ أَنَا أَكُلُ فِي يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ، فَقَالَ: يَا عَائِشَةُ اتَّخَذَتِ الدُّنْيَا بَطْنِكَ! أَكْثَرَ مِنْ أَكْلِهِ كُلِّ يَوْمٍ سَرَفٌ، وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ. [۳۹۰]

۵ / ۹

ثَلَاثٌ وَ جَبَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ

۱۴۸۴. الإمام الرضا عليه السلام: الَّذِي يَجِبُ أَنْ يَكُونَ أَكْلُكَ فِي كُلِّ يَوْمٍ عِنْدَ مَا يَمْضِي مِنَ النَّهَارِ ثَمَانِ [۳۹۱] سَاعَاتٍ أَكْلَهُ وَاحِدَةً، أَوْ ثَلَاثَ أَكْلَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ، تَتَعَدَّى بَاكِرًا فِي

أَوَّلِ يَوْمٍ ثُمَّ تَتَعَشَّى، فَإِذَا كَانَ فِي الْيَوْمِ الثَّانِي عِنْدَ مُضِيِّ ثَمَانِ [۳۹۲] سَاعَاتٍ مِنَ النَّهَارِ أَكَلْتَ أَكْلَهُ وَاحِدَةً وَ لَمْ تَحْتَجْ إِلَى الْعِشَاءِ [۳۹۳]، وَ لِيَكُنْ ذَلِكَ بِقَدْرِ لَا يَزِيدُ وَ لَا يَنْقُصُ. [۳۹۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۶۹

۱۴۸۱. امام رضا عليه السلام: در بدن، رگی است که آن را «عشاء (شام)» گویند. اگر شخص شام خوردن را وا گذارد، آن رگ تا صبح، او را نفرین می کند و می گوید: «خدا تو را گرسنه بدارد، چنان که مرا گرسنه بداشتی، و تشنه بدارد، چنان که تشنه‌ام داشتی» [۳۹۵]. پس مباد کسی از شما خوردن شام را وا گذارد، هر چند به یک لقمه نان یا جرعه‌ای آب باشد.

۴ / ۹ یک وعده در روز

۱۴۸۲. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر کس که در روز، یک بار غذا می خورد، گرسنه نمی ماند؛ هر که دو بار می خورد، پرستشگر نیست؛ و هر که سه بار می خورد، او را با چارپایان ببندید.

۱۴۸۳. شعب الإيمان به نقل از عایشه: پیامبر خدا مرا دید که روزی دو بار غذا می خورم. فرمود: «ای عایشه! همه دنیا را شکم خویش گرفته‌ای! بیشتر از یک بار خوردن در هر روز، اسراف است و خداوند، اسراف کنندگان را دوست ندارد».

۵ / ۹ سه وعده در دو روز

۱۴۸۴. امام رضا عليه السلام: مقدار بایسته در خوراک، آن است که چون هشت ساعت از روز می گذرد، یک بار غذا بخوری، یا در دو روز، سه وعده غذا میل کنی [، بدین ترتیب که: در پگاه نخستین روز، ناشتایی بخوری، سپس در همان روز، شام بخوری و سپس چون دیگر روز فرا رسید، پس از گذشت هشت ساعت از آغاز روز، یک وعده دیگر بخوری و در آن روز، تو را به شام، نیازی نیست [۳۹۶] این غذا، باید به اندازه باشد و نه بر آن، افزوده و نه از آن، کاسته شود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۷۳

سخنی درباره احادیث مربوط به وعده‌های غذا

چنان که ملاحظه شد، احادیث این فصل، به پنج دسته تقسیم می شوند:

۱. احادیثی که با الهام از قرآن کریم آنجا که از غذای بهشتیان، سخن به میان آورده است به دو وعده غذا در هر روز (به هنگام

صبحگاهان و شامگاهان) سفارش می‌کند.

۲. احادیثی که بر خوردن صبحانه تأکید می‌ورزند و از وا گذاردن آن، نهی می‌کنند.

۳. احادیثی که بر خوردن شام، تأکید می‌کنند و از وا گذاردن آن، بویژه از جانب سالمندان، باز می‌دارند.

۴. احادیثی که بر خوردن یک وعده غذا در هر روز، تأکید دارند.

۵. احادیثی که به خوردن سه وعده غذا در دو روز، سفارش می‌کنند.

هر چند این احادیث، در نگاه نخست، متعارض می‌نمایند، امّا تأمّل در آنها روشن می‌سازد که احادیث سه دسته نخست، هیچ تعارضی با یکدیگر ندارند و حتی همدیگر را تأیید نیز می‌کنند؛ زیرا دسته نخست، به خوردن دو وعده صبحانه و شام، سفارش می‌کند و دسته‌های دوم و سوم، از وا گذاردن صبحانه و شام، نهی می‌نمایند.

دسته چهارم نیز با حدیث‌های پیشین، تعارض ندارد؛ زیرا این دسته به بسنده بودن یک وعده در روز، تصریح دارد و احادیث دسته‌های پیشین هم به دو

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۷۴

وعده، توصیه می‌کنند.

و امّا حدیثی که به سه وعده غذا در دو روز سفارش می‌کند، از آن روی که در کتاب طَبِّ الإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده و انتساب این کتاب به امام رضا علیه السلام به اثبات نرسیده، دچار ضعف در سند است، چنان که به لحاظ دلالت نیز ضعیف است؛ زیرا مخاطب این حدیث، مأمون عباسی است و شاید اساساً این توصیه، به او اختصاص داشته باشد.

بنا بر این، جمع‌بندی احادیث پیشین، این می‌شود که خوردن دو وعده در صبحگاهان و شامگاهان، برای استمرار تندرستی، سودمند است، چنان که بهشتیان نیز که در سرای سلامت، زندگی جاوید دارند [۳۹۷] در همین دو وقت، غذا میل می‌نمایند: (و آنان، صبحگاهان و شامگاهان، روزی ویژه خویش را دارند). [۳۹۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۷۵

بخش پنجم: درمان با غذاها و گیاهان دارویی

اشاره

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۸۰

الفصل الأوّل: الاترّج

۱ / ۱

تَأْكِيدُ أَكْلِ الْاِتْرَجِ

۱۴۸۵. الدعوات: رَوِيَ: ... كُلِّ الْفَاكِهَةِ فِي اِقْبَالِ دَوْلَتِهَا، وَ اَفْضَلُهَا الرُّمَانُ وَ الْاِتْرَجُ، وَ مِنْ الرِّيَّاحِيْنَ الْوَرْدُ وَ الْبَنْفَسَجُ. [۳۹۹]

۲ / ۱

خَوَاصُّ الْاِتْرَجِ

۱۴۸۶. رسول الله صلی الله علیه و آله: عَلَيَّكُمْ بِالْاِتْرَاجِ؛ فَإِنَّهُ يُبَيِّرُ الْفُؤَادَ، وَ يَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ. [۴۰۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۸۱

فصل یکم: تَرْج

۱ / ۱ تأکید بر خوردن تَرْج

۱۴۸۵. الدعوات: روایت شده است که: «... میوه را در ایام دولتش بخور؛ و برترین میوه‌ها، انار و تَرْج است. از سبزی‌ها نیز گل سرخ و بنفشه، برترین هستند».

۲ / ۱ خواص تَرْج

۱۴۸۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد تَرْج؛ چرا که دل را نورانی می‌سازد و بر توان مغز می‌افزاید. [۴۰۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۸۲

۳ / ۱

أَكَلَ الْاِتْرَاجَ بَعْدَ الطَّعَامِ

۱۴۸۷. الکافی عن عبد الله بن إبراهيم الجعفری عن الإمام الصادق عليه السلام: بِأَيِّ شَيْءٍ يَأْمُرُكُمْ أَطِبَّاءُكُمْ فِي الْاِتْرَاجِ؟ فَقُلْتُ: يَأْمُرُونَنَا أَنْ نَأْكُلَهُ قَبْلَ الطَّعَامِ.

فَقَالَ: إِنِّي أَمُرُّكُمْ بِهِ بَعْدَ الطَّعَامِ. [۴۰۲]

۱۴۸۸. الکافی عن إبراهيم بن عمر الیمانی: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّهُمْ يَزْعُمُونَ أَنَّ الْاِتْرَاجَ عَلَى الرَّيْقِ أَجْوَدُ مَا يَكُونُ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ كَانَ قَبْلَ الطَّعَامِ خَيْرٌ فَهُوَ بَعْدَ الطَّعَامِ خَيْرٌ، وَ خَيْرٌ وَ أَجْوَدُ. [۴۰۳]

۱۴۸۹. الإمام الصادق عليه السلام: كُلُوا الْاِتْرَاجَ بَعْدَ الطَّعَامِ؛ فَإِنَّ آلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ يَفْعَلُونَ ذَلِكَ. [۴۰۴]

۴ / ۱

أَكَلَ الْاِتْرَاجَ بِاللَّيْلِ

۱۴۹۰. الإمام الرضا عليه السلام: أَكَلَ الْاِتْرَاجَ بِاللَّيْلِ، يَقْلِبُ الْعَيْنَ، وَ يورِثُ الْحَوْلَ. [۴۰۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۸۳

۳ / ۱ خوردن تَرْج پس از غذا

۱۴۸۷. الکافی به نقل از عبد الله بن ابراهیم جعفری: امام صادق علیه السلام فرمود: «پزشکان شما درباره تَرْج چه دستور می‌دهند؟».

گفتم: دستور می‌دهند که آن را پیش از غذا بخوریم.

فرمود: «اما من، شما را به خوردن آن پس از غذا فرمان می‌دهم».

۱۴۸۸. الکافی به نقل از ابراهیم بن عمر یمانی: به امام صادق علیه السلام گفتم: آنان مدعی‌اند که بهترین وضعیت برای خوردن تَرْج، حالت ناشتاست.

امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر پیش از غذا خوب باشد، پس از غذا به مراتب بهتر و پسندیده‌تر است».

۱۴۸۹. امام صادق علیه السلام: تَرْج را پس از غذا بخورید؛ چرا که خاندان محمد صلی الله علیه و آله چنین می‌کنند. [۴۰۶]

۴ / ۱ نخوردن تَرْنَج در شب

۱۴۹۰. امام رضا علیه السلام: خوردن تَرْنَج در شب، چشم را برمی گرداند و کژچشمی به جای می گذارد.
دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۸۴

۵ / ۱

ما يَهْضُمُ الْاَتْرَجَ

۱۴۹۱. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ الْاَتْرَجَ لِثَقِيلٌ، فَإِذَا أَكَلَ، فَإِنَّ الْخُبْزَ الْيَابِسَ يَهْضُمُهُ مِنَ الْمَعِدَةِ. [۴۰۷]

۱۴۹۲. الإمام الرضا عليه السلام: الْخُبْزُ الْيَابِسُ يَهْضُمُ الْاَتْرَجَ. [۴۰۸]

۱۴۹۳. الكافي عن أبي بصير: كَانَ عِنْدِي ضَيْفٌ فَتَشَّهَى اَتْرَجًا بَعَسَلٍ فَأَطَعَمْتُهُ وَأَكَلْتُ مَعَهُ، ثُمَّ مَضَيْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَإِذَا الْمَائِدَةُ بَيْنَ يَدَيْهِ، فَقَالَ لِي: ادْنُ فَكُلْ.

فَقُلْتُ: إِنِّي أَكَلْتُ قَبْلَ أَنْ آتِيكَ اَتْرَجًا بَعَسَلٍ، وَ أَنَا أَجِدُ ثِقَلَهُ؛ لِأَنِّي أَكْثَرْتُ مِنْهُ.

فَقَالَ: يَا غَلامُ! انْطَلِقْ إِلَى الْجَارِيَةِ، فَقُلْ لَهَا: اَبْعَثِي إِلَيْنَا بِحَرْفِ رَغِيفٍ يَابِسٍ مِنَ الَّذِي تُجَفِّفُهُ فِي التَّنَوُّرِ. فَاتَيْتَنِي بِهِ، فَقَالَ لِي: كُلْ مِنْ هَذَا الْخُبْزِ الْيَابِسِ؛ فَإِنَّهُ يَهْضُمُ الْاَتْرَجَ.

فَأَكَلْتُهُ، ثُمَّ قُمْتُ فَكَأَنِّي لَمْ أَكُلْ شَيْئًا. [۴۰۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۸۵

۵ / ۱ آنچه تَرْنَج را هضم می کند

۱۴۹۱. امام باقر علیه السلام: تَرْنَج، سنگین است. چون خورده شود، نان خشک، آن را در معده هضم می کند.

۱۴۹۲. امام رضا علیه السلام: نان خشک، تَرْنَج را هضم می کند. [۴۱۰]

۱۴۹۳. الكافي به نقل از ابو بصیر: میهمانی داشتم که به تَرْنَج همراه با عسل، اظهار تمایل کرد. آن را به او دادم و خود نیز با وی خوردم. سپس نزد امام صادق علیه السلام رفتم و دیدیم که سفره‌ای نزد ایشان گشوده است. به من فرمود: «پیش آی و بخور».

گفتم: پیش از آنکه نزد شما بیایم، تَرْنَج و عسل خورده‌ام و اکنون سنگینی آن را احساس می‌کنم؛ زیرا زیاد خورده‌ام.

[ایشان به یکی از غلامان خود] فرمود: «ای غلام! نزد کنیز برو و به او بگو: "برایمان یک کناره نان خشک، از آنچه در تنور خشک می‌کنی، بفرست».

آن نان، آورده شد. پس به من فرمود: «از این نان خشک بخور؛ چرا که تَرْنَج را هضم می‌کند».

من آن را خوردم و سپس از جای برخاستم، گویا که هیچ چیز نخورده‌ام.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۸۶

۶ / ۱

مُرَبِّي الْاَتْرَجِ

۱۴۹۴. طَبَّ الْأَئِمَّةِ: عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْحَسَنِ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ لِأَصْحَابِهِ:

أَخْبِرُونِي بِأَيِّ شَيْءٍ يَأْمُرُكُمْ بِهِ أَطِبَّاءُكُمْ فِي الْاَتْرَجِ؟

قَالَ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَأْمُرُونَا بِهِ قَبْلَ الطَّعَامِ.

قَالَ: مَا مِنْ شَيْءٍ أَرَدْنَا مِنْهُ قَبْلَ الطَّعَامِ، وَ مَا مِنْ شَيْءٍ أَنْفَعَ مِنْهُ بَعْدَ الطَّعَامِ، فَعَلَيْكُمْ بِالْمُرَبِّي مِنْهُ؛ فَإِنَّ لَهُ رَائِحَةً فِي الْجَوْفِ كَرَائِحَةِ

الْمِسْكِ. [۴۱۱]

۷/۱

النَّظْرُ إِلَى الْاِتْرَاجِ

۱۴۹۵. المعجم الكبير عن أبي كَبْشَةَ الأَنْمَارِي: كَانَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُعْجِبُهُ النَّظْرُ إِلَى الْاِتْرَاجِ، وَكَانَ يُعْجِبُهُ النَّظْرُ إِلَى الْحَمَامِ الْأَحْمَرِ [۴۱۲]. [۴۱۳]

۱۴۹۶. الإمام الرضا عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يُعْجِبُهُ النَّظْرُ إِلَى الْاِتْرَاجِ الْأَخْضَرِ وَالتُّفَاحِ الْأَحْمَرِ. [۴۱۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۸۷

۱/ ۶ مَرَبَائِ تَرْنَجِ

۱۴۹۴. طَبَّ الأَثَمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِهِ نَقَلَ عَنْ اِبْرَاهِيمَ بْنِ حَسَنِ جَعْفَرِي: اِمَامٌ صَادِقٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِهِ يَارَانٌ خَوِيشٌ فَرَمُودٌ: «بِهِ مِنْ بَكْوَيْدٍ كَمَا يَزُكُّ اَلنَّاسُ دَرَبَارَهُ تَرْنَجٌ بِهِ شَمَا چَه دَسْتُورِ مِي دَهَنْد.»

[یکی گفت: ای پسر پیامبر خدا! ما را به خوردن آن، پیش از غذا، سفارش می کنند.

فرمود: «هیچ چیز، از آن، در حالتی که پیش از غذا خورده شود، بدتر نیست و هیچ چیز، از آن، در حالتی که پس از غذا خورده شود، سودمندتر نیست. بر شما باد مَرَبَائِ آن، که در درون انسان، بویی چون بوی مُشَكْ دارد.»

۱/ ۷ نَگَاحُ كُورِدُنْ بَه تَرْنَجِ

۱۴۹۵. المعجم الكبير به نقل از ابو كَبْشَةَ انصاری: پیامبر صلی الله علیه و آله نگرستن به تَرْنَجِ را دوست داشت و به نگرستن به حَمَامِ اَحْمَرِ [۴۱۵] نیز علاقه مند بود. [۴۱۶]

۱۴۹۶. امام رضا علیه السلام: پیامبر خدا به نگرستن به تَرْنَجِ سبز و سیب سرخ، علاقه داشت.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۸۸

الفصل الثانی: الإِجَاصُ

۱۴۹۷. طَبَّ الأَثَمَةُ عَنْ جَابِرِ بْنِ یَزِيدِ الجَعْفَرِي: شَكَا رَجُلٌ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَرَارًا هَاجَتْ بِهِ حَتَّى كَادَ أَنْ يُجَنَّ [۴۱۷]، فَقَالَ لَهُ: سَكَّنُهُ بِالِإِجَاصِ. [۴۱۸]

۱۴۹۸. الإمام الصادق عليه السلام: الإِجَاصُ عَلَى الرَّيْقِ؛ يُسَكِّنُ المِرَارَ، إِلا أَنَّهُ يَهَيِّجُ الرِّيَّاحَ. [۴۱۹]

۱۴۹۹. طَبَّ الأَثَمَةُ عَنْ الأَزْرَقِ بْنِ سَلِيمَانَ: سَأَلْتُ أبا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الإِجَاصِ، فَقَالَ:

نَافِعٌ لِلْمِرَارِ، وَ يُلَيِّنُ المَفَاصِلَ؛ فَلَا تُكْثِرُ مِنْهُ فَيُعَقِّبَكَ رِيَّاحًا فِي مَفَاصِلِكَ. [۴۲۰]

۱۵۰۰. الكافي عن زياد القندی: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الحَسَنِ الأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ بَيْنَ يَدَيْهِ تَوْرٌ مَاءٍ فِيهِ إِجَاصٌ أَسْوَدٌ فِي إِبَانِهِ، فَقَالَ:

إِنَّهُ هَاجَتْ بِي حَرَارَةٌ، وَ إِنَّ الإِجَاصَ الطَّرِيَّ يُطْفِئُ الحَرَارَةَ وَ يُسَكِّنُ

الصَّفْرَاءَ، وَ إِنَّ اليَابِسَ مِنْهُ يُسَكِّنُ الدَّمَ، وَ يَسْلُ الدَّاءَ الدَّوِيَّ. [۴۲۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۸۹

فصل دوم: آلو

۱۴۹۷. طَبُّ الْأَثْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به نقل از جابر بن یزید جعفی: مردی نزد امام باقر علیه السلام، از تلخه‌ای که در درون او به جوشش آمده بود تا جایی که نزدیک بود دیوانه شود اظهار ناراحتی کرد. امام علیه السلام به او فرمود: «آن را با آلو فرو بشان».

۱۴۹۸. امام صادق علیه السلام: آلو در حالت ناشتا تلخه را فرو می‌نشانند، هر چند که بادها را نیز تحریک می‌کند.

۱۴۹۹. طَبُّ الْأَثْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به نقل از ازرق بن سلیمان: از امام صادق علیه السلام درباره آلو پرسیدم. فرمود: «برای تلخه مفید است و مفاصل را نیز نرم می‌کند؛ اما از آن، زیاد مخور که سرانجام، در مفصل‌هایت، بادهایی بر جای می‌نهد».

۱۵۰۰. الکافی به نقل از زیاد قندی: بر امام کاظم علیه السلام در آمدنم، در حالی که نزد ایشان ظرف آبی قرار داشت و چند آلوی سیاه که همان زمان، هنگام چیدنش بود در آن دیده می‌شد.

فرمود: «حرارت، در من بالا- گرفته و آلوی تازه حرارت را خاموش می‌کند و صفرا را فرو می‌نشانند. خشک آن نیز خون را آرام می‌کند

و دردهای بی‌درمان را از تن بیرون می‌کشد».[۴۲۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۹۰

۱۵۰۱. طَبُّ الْأَثْمَةِ عَنْهُمْ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِالْإِيَّاصِ الْعَتِيقِ؛ فَإِنَّ الْعَتِيقَ قَدْ بَقِيَ نَفْعُهُ وَ ذَهَبَ ضَرَرُهُ، وَ كَلُّهُ مُقَشَّرًا؛ فَإِنَّهُ نَافِعٌ لِكُلِّ مَرَارٍ وَ حَرَارَةٍ وَ وَهَجٍ يَهِيحُ مِنْهَا.[۴۲۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۹۱

۱۵۰۱. طَبُّ الْأَثْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بر شما باد آلوی مانده؛ چرا که در مانده آن، سودش بر جای مانده و زیانش رفته است. آن را پوست‌کنده بخورید؛ چرا که برای هر تلخه و حرارت و افروختگی‌ای که از حرارت برخاسته باشد، سودمند است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۹۲

الفصل الثالث: الأرز

۱ / ۳

سَيِّدُ الْأَطْعَمَةِ

۱۵۰۲. رسول الله صلى الله عليه وآله: الأرز في الأطعمه كالسبيد في القوم.[۴۲۴]

۱۵۰۳. عنه صلى الله عليه وآله: سَيِّدُ طَعَامِ أَهْلِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ اللَّحْمُ، ثُمَّ الأرز.[۴۲۵]

۲ / ۳

خَوَاصُّ الأرز

۱۵۰۴. رسول الله صلى الله عليه وآله: نِعَمَ الدَّوَاءِ الأرز، بارِدٌ صَحِيحٌ سَلِيمٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ.[۴۲۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۹۳

فصل سوم: برنج

۱۵۰۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برنج در میان خوراکی‌ها، به سان مهتر (رئیس) در میان قوم است.
۱۵۰۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مهتر همه خوراکی‌های ساکنان این سرای و آن سرای، گوشت و سپس برنج است.

۲/۳ خواص برنج

۱۵۰۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برنج، نیکو دارویی است: سرد است و سالم و برکنار از هر بیماری.
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۹۴
۱۵۰۵. الإمام الصادق علیه السلام: نِعَمَ الطَّعَامِ الْأَرْزُ، وَإِنَّا لَنَدْخِرُهُ لِمَرْضَانَا. [۴۲۷]
۱۵۰۶. عنه علیه السلام: مَا يَأْتِينَا مِنْ نَاحِيَّتِكُمْ شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الْأَرْزِ وَالْبَنْفَسِجِ، إِنِّي اشْتَكَيْتُ وَجَعِي ذَلِكَ الشَّدِيدَ فَالْهِمْتُ أَكْلَ الْأَرْزِ، فَأَمَرْتُ بِهِ... فَأَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنِّي بِذَلِكَ الْوَجَعِ. [۴۲۸]
- راجع: ج ۲، ص ۲۹۶ (خواص خبز الأرز). ج ۲، ص ۳۸۲ (خواص بعض أنواع السويق / سويق الأرز). ج ۱، ص ۴۳۰ (ما ينفع لعلاج بعض أوجاع البطن / الأرز و السماق). ج ۱، ص ۴۳۴ (ما ينفع لعلاج بعض أوجاع البطن / سويق الأرز). ج ۱، ص ۴۴۴ (ما ينفع لعلاج البواسير / الأرز).
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۹۵
۱۵۰۵. امام صادق علیه السلام: برنج، نیکو غذایی است. ما آن را برای بیماران خویش نگه می‌داریم. [۴۲۹]
۱۵۰۶. امام صادق علیه السلام: از جانب شما، چیزی دوست‌داشتنی‌تر از برنج و بنفشه برای ما نمی‌آید. من [یک بار] از دردی سخت در رنج بودم و در این هنگام به من الهام شد که برنج بخورم. گفتم که آن را فراهم آورند پس، خداوند عز و جل با آن، دردم را از میان برد.
- ر. ک: ج ۲، ص ۲۹۷ (خواص نان برنج). ج ۲، ص ۳۸۳ (خواص برخی از انواع سويق / سويق برنج). ج ۱، ص ۴۳۱ (آنچه برای برخی از دردهای شکم سودمند است / برنج و سماق). ج ۱، ص ۴۳۵ (آنچه برای برخی از دردهای شکم سودمند است / سويق برنج). ج ۱، ص ۴۴۵ (آنچه برای درمان بواسیر، سودمند است / برنج).
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۹۶

الفصل الرابع: البادروج (الحوک)

۱۵۰۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: الْحَوْكُ بَقْلَةٌ طَيِّبَةٌ، كَأَنِّي أَرَاهَا نَابِتَةً فِي الْجَنَّةِ. [۴۳۰]
۱۵۰۸. الإمام عليّ عليه السلام: نَظَرَ رَسُولُ اللَّهِ إِلَى الْبَادِرُوجِ [۴۳۱]، فَقَالَ: هَذَا الْحَوْكُ، كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى مَنْبِتِهِ فِي الْجَنَّةِ. [۴۳۲]
۱۵۰۹. عنه علیه السلام: ذُكِرَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْحَوْكُ وَهُوَ الْبَادِرُوجُ، فَقَالَ: بَقْلَتِي وَبَقْلَةُ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي، وَإِنِّي لَأَحِبُّهَا وَ أَكُلُّهَا. [۴۳۳]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۹۷

فصل چهارم: بادروج (حوک)

۱۵۰۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حوک [۴۳۴]، سبزی پیامبران است. گویا می‌بینم که در بهشت روییده است.

۱۵۰۸. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا به بادروج نگرست و فرمود: «این، حوک است. گویا که رستگاه آن را در بهشت می‌نگرم».

۱۵۰۹. امام علی علیه السلام: نزد پیامبر خدا از حوک که همان بادروج است سخن به میان آوردند. فرمود: «سبزی من و سبزی پیامبران پیش از من است و من، آن را دوست دارم و می‌خورم».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۹۸

۱۵۱۰. عنه علیه السلام: كَانَ يُعْجِبُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنَ الْبُقُولِ الْحَوْكُ. [۴۳۵]

۱۵۱۱. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ أَحَبَّ الصَّبَاغِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْخُلُّ، وَ أَحَبَّ الْبُقُولِ إِلَيْهِ الْحَوْكُ، يَعْنِي: الْبَادْرُوجَ. [۴۳۶]

۱۵۱۲. عنه علیه السلام: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يُعْجِبُهُ الْبَادْرُوجُ. [۴۳۷]

۱۵۱۳. عنه علیه السلام: الْحَوْكُ بِقَلَمَةِ الْأَنْبِيَاءِ، أَمَا إِنَّ فِيهِ ثَمَانَ [۴۳۸] خِصَالٍ: يُمْرِئُ، وَيَفْتَحُ الشَّدَدَ، وَيُطَيِّبُ الْجُشَاءَ، وَيُطَيِّبُ النَّكْهَةَ [۴۳۹]، وَيُشْهِئُ الطَّعَامَ، وَيَسْلُ الدَّاءَ، وَهُوَ أَمَانٌ مِنَ الْجُذَامِ، إِذَا اسْتَقَرَّ فِي جَوْفِ الْإِنْسَانِ قَمَعَ الدَّاءَ كُلَّهُ. [۴۴۰]

۱۵۱۴. الكافي عن أيوب بن نوح: حَدَّثَنِي مَنْ حَضَرَ مَعَ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمَائِدَةَ فَدَعَا بِالْبَادْرُوجِ وَقَالَ: إِنِّي أَحَبُّ أَنْ أَسْتَفْتِحَ بِهِ الطَّعَامَ؛ فَإِنَّهُ يَفْتَحُ الشَّدَدَ، وَيُشْهِئُ الطَّعَامَ، وَيَذْهَبُ بِالسَّبَلِ، وَ مَا ابَالِي إِذَا أَنَا افْتَحْتُ بِهِ مَا أَكَلْتُ بَعْدَهُ مِنَ الطَّعَامِ فَإِنِّي لَا أَخَافُ دَاءً وَلَا غَائِلَةً.

فَلَمَّا فَرَعْنَا مِنَ الْعَدَاءِ دَعَا بِهِ أَيْضًا، وَرَأَيْتُهُ يَسْتَبْعُ وَرَقَهُ عَلَى الْمَائِدَةِ وَيَأْكُلُهُ وَيُنَاوِلُنِي مِنْهُ، وَهُوَ يَقُولُ: اخْتِمَ طَعَامَكَ بِهِ؛ فَإِنَّهُ يُمْرِئُ مَا قَبْلُ كَمَا يُشْهِئُ مَا بَعْدُ، وَيَذْهَبُ بِالثَّقَلِ، وَيُطَيِّبُ الْجُشَاءَ وَ النَّكْهَةَ. [۴۴۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۹۹

۱۵۱۰. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا از میان سبزی‌ها، به حوک، علاقه داشت.

۱۵۱۱. امام صادق علیه السلام: نزد پیامبر خدا، سرکه، دوست‌داشتنی‌ترین نانخورش، و حوک (یعنی بادروج)، دوست‌داشتنی‌ترین سبزی بود.

۱۵۱۲. امام صادق علیه السلام: امیر مؤمنان که دروهای خدا بر او باد به بادروج، علاقه داشت.

۱۵۱۳. امام صادق علیه السلام: حوک، سبزی پیامبران است. بدانید که در آن، هشت ویژگی است: اشتهاآور است، گرفتگی‌های عروق و مجاری را می‌گشاید، آروغ را خوش‌بو می‌سازد، دهان را بوی خوش می‌بخشد، غذا را دوست‌داشتنی می‌سازد، درد و بیماری را از بدن بیرون می‌کشد و امان انسان از جذام است. چون در درون انسان جای گیرد، همه بیماری‌ها را فرو می‌نشانند.

۱۵۱۴. الكافي به نقل از أيوب بن نوح: یکی از کسانی که با امام کاظم علیه السلام بر سر سفره‌ای حضور یافته بود، برایم نقل کرد که امام علیه السلام، بادروج خواست و فرمود: «من دوست دارم غذا را با آن آغاز کنم؛ زیرا انسدادها را می‌گشاید، اشتهاآور است، سَبَلِ [۴۴۲] را از میان می‌برد و اگر غذا را با آن آغاز کنم، پس از آن، هر چه را بخورم، از آن بیمی ندارم؛ چرا که در این صورت، از زیان و عارضه‌ای نمی‌ترسم».

چون غذا خوردن را به پایان بردیم، امام علیه السلام باز هم آن را خواست و ایشان را دیدم که دنبال سینی این سبزی می‌رفت و از آن می‌خورد و به من هم می‌داد.

او می‌فرمود: «غذای خود را با آن به پایان ببر؛ چرا که آنچه را پیش‌تر خورده‌ای، می‌گوارد و آنچه را پس از آن می‌خوری، دوست‌داشتنی می‌سازد، و سنگینی را از میان می‌برد و آروغ و دهان را خوش‌بو می‌کند».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۰۲

الفصل الخامس: الباذنجان

۱۵۱۵. الدعوات: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي دَارِ جَابِرٍ فَقَدَّمَ إِلَيْهِ الْبَاذَنْجَانَ، فَجَعَلَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَأْكُلُ، فَقَالَ جَابِرٌ: إِنَّ فِيهِ لَحَرَارَةً.

فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا جَابِرُ مَهْ، إِنَّهَا أَوَّلُ شَجَرَةٍ آمَنَتْ بِاللَّهِ، أَقْلُوهُ وَانْضِجُوهُ وَزَيِّنُوهُ وَلَيِّنُوهُ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الْحِكْمَةِ. [۴۴۳]

۱۵۱۶. الإمام الصادق عليه السلام: كُلُّوا الْبَاذَنْجَانَ؛ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ. [۴۴۴]

۱۵۱۷. عنه عليه السلام: كُلُّوا الْبَاذَنْجَانَ؛ فَإِنَّهُ يُدْهِبُ الدَّاءَ وَلَا دَاءَ لَهُ. [۴۴۵]

۱۵۱۸. عنه عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالْبَاذَنْجَانِ الْبُورَانِيِّ؛ فَهُوَ شِفَاءٌ يُؤْمِنُ مِنَ الْبَرَصِ، وَكَذَا الْمَقْلِيُّ بِالزَّيْتِ. [۴۴۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۰۳

فصل پنجم: بادمجان

۱۵۱۵. الدعوات: پیامبر خدا در خانه جابر بود. نزد ایشان بادمجان آوردند و ایشان خوردن آغازید. جابر گفت: این، گرم است. فرمود: «ای جابر! نه! این، نخستین درختی است که به خداوند، ایمان آورد. آن را در آب بجوشانید و بپزید و به روغن بیامیزید و نرم کنید؛ چرا که بر حکمت می افزاید». [۴۴۷]

۱۵۱۶. امام صادق علیه السلام: بادمجان بخورید، که شفای هر درد است.

۱۵۱۷. امام صادق علیه السلام: بادمجان بخورید؛ زیرا درد را می برد و خود، درد نمی آورد.

۱۵۱۸. امام صادق علیه السلام: بر شما باد بادمجان بورانی؛ [۴۴۸] زیرا شفایی است که از پیسی، ایمن می سازد. بادمجان سرخ شده در روغن نیز چنین است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۰۴

۱۵۱۹. عنه عليه السلام: الْبَاذَنْجَانُ جَيِّدٌ لِلْمِرَّةِ السُّودَاءِ، وَلَا يَضُرُّ بِالصَّفْرَاءِ. [۴۴۹]

۱۵۲۰. عنه عليه السلام: رَوَى أَنَّهُ كَانَ بَيْنَ يَدَيَّ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بَاذَنْجَانٌ مَقْلُوبٌ بِالزَّيْتِ، وَعَيْنُهُ رَمِدَةٌ وَهُوَ يَأْكُلُ مِنْهُ.

قَالَ الرَّوَايُ [۴۵۰]: قُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، تَأْكُلُ مِنْ هَذَا وَهُوَ نَارٌ؟

فَقَالَ: اسْكُتْ، إِنَّ أَبِي حَدَّثَنِي عَنْ جَدِّي قَالَ: الْبَاذَنْجَانُ مِنْ شَحْمَةِ الْأَرْضِ، وَهُوَ طَيِّبٌ فِي كُلِّ شَيْءٍ يَقَعُ فِيهِ. [۴۵۱]

۱۵۲۱. عنه عليه السلام: أَكْثَرُوا مِنَ الْبَاذَنْجَانِ عِنْدَ جِدَادِ النَّخْلِ؛ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَيزِيدُ فِي بَهَاءِ الْوَجْهِ، وَيُلَيِّنُ الْعُرُوقَ، وَيزِيدُ فِي مَاءِ الصُّلْبِ. [۴۵۲]

۱۵۲۲. الإمام الرضا عليه السلام: الْبَاذَنْجَانُ عِنْدَ جِدَادِ النَّخْلِ لَا دَاءَ فِيهِ. [۴۵۳]

۱۵۲۳. الإمام الهادي عليه السلام لِبَعْضِ قَهَارِمَتِهِ: اسْتَكْبَرُوا لَنَا مِنَ الْبَاذَنْجَانِ؛ فَإِنَّهُ حَارٌّ فِي وَقْتِ الْحَرَارَةِ وَبَارِدٌ فِي وَقْتِ الْبُرُودَةِ، مُعْتَدِلٌ فِي الْأَوْقَاتِ كُلِّهَا جَيِّدٌ عَلَى كُلِّ حَالٍ. [۴۵۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۰۵

۱۵۱۹. امام صادق علیه السلام: بادمجان، برای تلخه سیاه، خوب است و به صفرا نیز زیان نمی رساند.

۱۵۲۰. امام صادق علیه السلام: روایت شده است که نزد امام سجّاد علیه السلام بادمجان سرخ شده در روغن بود. ایشان چشم درد

داشت و از این بادمجان می‌خورد. [۴۵۵]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۲؛ ص ۲۰۵

به ایشان گفتم: ای پسر پیامبر خدا! از این می‌خوری، در حالی که آتش است؟!

فرمود: «خموش! پدرم از جدم برایم نقل کرد که گفته است: بادمجان، از پیه زمین است و در هر چه بیفتد، آن را خوش و خوش بو می‌سازد.»

۱۵۲۱. امام صادق علیه السلام: در فصل خرماچینی، بادمجان زیاد بخورید؛ زیرا درمان هر دردی است، فروغ چهره را افزون می‌سازد، رگ‌ها را نرم می‌کند و به آب کمر می‌افزاید.

۱۵۲۲. امام رضا علیه السلام: بادمجان در فصل چیدن خرما، موجب هیچ بیماری‌ای نیست.

۱۵۲۳. امام هادی علیه السلام خطاب به یکی از مردان خود: برای ما، بادمجان فراوان بیاورید؛ چرا که در هنگام گرم، گرم و در هنگام سرما، سرد است. [۴۵۶] آن، در همه اوقات، معتدل و در هر حال، خوب است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۰۶

۱۵۲۴. الکافی عن عبد الرحمن الهاشمی: قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ [۴۵۷] لِيُعْضِ مَوَالِيهِ: أَقْلِلْ لَنَا مِنَ الْبَصْلِ وَ أَكْثِرْ لَنَا مِنَ الْبَادَنْجَانِ.

فَقَالَ لَهُ مُسْتَفْهِمًا: الْبَادَنْجَانِ؟

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَعَمْ، الْبَادَنْجَانُ جَامِعُ الطَّعْمِ، مَنْفِيُّ الدَّاءِ، صَالِحٌ لِلطَّبِيعَةِ، مُنْصِفٌ فِي أَحْوَالِهِ، صَالِحٌ لِلشَّيْخِ وَ الشَّابِّ، مُعْتَدِلٌ فِي حَرَارَتِهِ وَ بُرُودَتِهِ، حَارٌّ فِي مَكَانِ الْحَرَارَةِ وَ بَارِدٌ فِي مَكَانِ الْبُرُودَةِ. [۴۵۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۰۷

۱۵۲۴. الکافی به نقل از عبد الرحمن هاشمی: ایشان [۴۵۹] به یکی از وابستگان خود گفت: «برای ما پیاز کمتر و بادمجان بیشتر بیاور.»

او پرسش کنان گفت: بادمجان؟

فرمود: «آری. بادمجان، در بردارنده همه مزه‌ها، بی‌زیان، سازگار با طبع، معتدل در میان گونه‌های خویش، مناسب برای پیر و جوان، میانه در گرما و سرما، و گرم در جای گرم و سرد در جای سرماست.»

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۰۸

الفصل السادس: الباقلاء

۱ / ۶

طعام عیسی

۱۵۲۵. رسول الله صلی الله علیه و آله: كَانَ طَعَامُ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ الْبَاقِلِيُّ حَتَّى رُفِعَ.

وَ لَمْ يَأْكُلْ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ شَيْئًا غَيْرَ تَهُ النَّارِ حَتَّى رُفِعَ. [۴۶۰]

۲ / ۶

خَوَاصُّ الْبَاقِلَاءِ

۱۵۲۶. الإمام الصادق عليه السلام: الْبَاقِلِيُّ يَذْهَبُ بِالْذَّاءِ وَلَا دَاءَ فِيهِ. [۴۶۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۰۹

فصل ششم: باقلا

۱/۶ خوراک عیسی

۱۵۲۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوراک عیسی علیه السلام، تا آن هنگام که به آسمان برده شد، باقلا بود. عیسی علیه السلام، تا هنگامی که به آسمان برده شد، هرگز چیزی را که آتش آن را دیگرگون کرده باشد، نخورد.

۲/۶ خواص باقلا

۱۵۲۶. امام صادق علیه السلام: باقلا، بیماری را می‌برد و در آن، بیماری‌ای نیست.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۱۰

۱۵۲۷. عنه علیه السلام: الباقلاء يُمَخِّخُ السَّاقِينَ [۴۶۲]

۱۵۲۸. عنه علیه السلام: أَكَلُ الْبَاقِلَى يُمَخِّخُ السَّاقِينَ، وَيَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ، وَيُولِّدُ الدَّمَ الطَّرِيَّ. [۴۶۳]

۱۵۲۹. الإمام الرضا علیه السلام: أَكَلُ الْبَاقِلَى يُمَخِّخُ السَّاقِينَ، وَيُولِّدُ الدَّمَ الطَّرِيَّ. [۴۶۴]

۳/۶

أَكَلُ الْبَاقِلَاءِ بِقَشْرِهَا

۱۵۳۰. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ أَكَلَ فَوْلَهُ بِقَشْرِهَا، أَخْرَجَ اللَّهُ عِزَّ وَ جَلَّ مِنْهُ مِنَ الدَّاءِ مِثْلَهَا. [۴۶۵]

۱۵۳۱. الإمام الصادق علیه السلام: كُلُوا الْبَاقِلَى بِقَشْرِهَا؛ فَإِنَّهُ يَدْبِغُ الْمَعِدَةَ. [۴۶۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۱۱

۱۵۲۷. امام صادق علیه السلام: باقلا، استخوان‌های ساق پا را استحکام می‌بخشد.

۱۵۲۸. امام صادق علیه السلام: خوردن باقلا، مغز استخوان‌های ساق را تراکم درونی می‌دهد، توان مغز را افزون می‌سازد و خون

تازه تولید می‌کند. [۴۶۷]

۱۵۲۹. امام رضا علیه السلام: خوردن باقلا، مغز استخوان‌های ساق پا را استحکام می‌بخشد و خون تازه تولید می‌کند. [۴۶۸]

۳/۶ خوردن باقلا با پوست آن

۱۵۳۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس یک دانه باقلا را با پوست آن بخورد، خداوند عز و جلبه همان اندازه، بیماری را از

درون او بیرون می‌برد.

۱۵۳۱. امام صادق علیه السلام: باقلا را با پوستش بخورید؛ چرا که معده را پاک می‌کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۱۲

الفصل السابع: البصل

۱۵۳۲. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِذَا دَخَلْتُمْ بَلَدَهُ وَبَيْنَا فَخِفْتُمْ وَبَاءَهَا فَعَلَيْكُمْ بِبَصِيلِهَا؛ فَإِنَّهُ يُجَلِّي الْبَصَرَ، وَ يُنْقِي الشَّعْرَ، وَ يَزِيدُ فِي

ماءِ الصُّلْبِ، و يَزِيدُ فِي الخُطْيِ، و يَذْهَبُ بِالْحَمَاءِ وَ هُوَ السَّوَادُ فِي الوَجْهِ وَ الإِعْيَاءِ أَيضاً. [۴۶۹] ۱۵۳۳. عنه صلى الله عليه و آله: إِذَا دَخَلْتُمْ بِلَاداً فَكُلُوا مِنْ بَصَلِهَا؛ يَطْرُدُ عَنْكُمْ وَ بَاءَهَا. [۴۷۰]

۱۵۳۴. الإمام الصادق عليه السلام: البَصَلُ يَذْهَبُ بِالحُمَى. [۴۷۱]

۱۵۳۵. عنه عليه السلام: البَصَلُ يَذْهَبُ بِالنَّصَبِ، وَ يَشُدُّ العَصَبَ، وَ يَزِيدُ فِي الخُطْيِ، وَ يَزِيدُ فِي المَاءِ، وَ يَذْهَبُ بِالحُمَى. [۴۷۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۱۳

فصل هفتم: پیاز

۱۵۳۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر به آبادی ای و یا زده [۴۷۳] در آمدید و از وبای آن ترسیدید، بر شما باد پیاز آن؛ چرا که چشم را جلا می‌دهد، مو را تمیز می‌کند، آب کمر را افزون می‌سازد، بر گام‌ها می‌افزاید، و آفتاب‌زدگی (سیاهی چهره) و نیز خستگی را از میان می‌برد.

۱۵۳۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون به سرزمینی در آمدید، از پیاز آن بخورید تا وبای آن را از شما دور کند.

۱۵۳۴. امام صادق علیه السلام: پیاز، تب را می‌برد.

۱۵۳۵. امام صادق علیه السلام: پیاز، خستگی را می‌برد، پی را استحکام می‌بخشد، بر گام‌ها می‌افزاید، آب را افزون می‌سازد و تب را می‌برد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۱۴

۱۵۳۶. الکافی عن عبد الله بن محمّد الجعفی: ذَكَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ البَصَلَ، فَقَالَ: يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَ يَذْهَبُ بِالبَلْغَمِ، وَ يَزِيدُ فِي الجِمَاعِ. [۴۷۴]

۱۵۳۷. الإمام الصادق عليه السلام: كُلُوا البَصَلَ؛ فَإِنَّ فِيهِ ثَلَاثَ خِصَالٍ: يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَ يَشُدُّ اللِّثَةَ، وَ يَزِيدُ فِي المَاءِ وَ الجِمَاعِ. [۴۷۵]

۱۵۳۸. عنه عليه السلام: البَصَلُ يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَ يَشُدُّ الظَّهْرَ، وَ يُرِقُّ البَشْرَةَ. [۴۷۶]

راجع: ج ۲، ص ۲۲۶ (أكل البيض بالبصل و الزيت).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۱۵

۱۵۳۶. الکافی به نقل از عبد الله بن محمّد جعفی: امام صادق علیه السلام از پیاز یاد کرد و فرمود: «بوی دهان را خوش می‌سازد، بلغم را می‌برد و توان آمیزش را می‌افزاید».

۱۵۳۷. امام صادق علیه السلام: پیاز بخورید؛ چرا که سه ویژگی دارد: بوی دهان را خوش می‌سازد، لثه را استحکام می‌بخشد و آب و توان آمیزش را افزون می‌کند. [۴۷۷]

۱۵۳۸. امام صادق علیه السلام: پیاز دهان را خوش بو می‌کند و پشت را قوی می‌سازد و پوست را نرمی می‌بخشد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۱۶

الفصل الثامن: البطيخ

۱۵۳۹. رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَيكُمْ بِالْبَطِيخِ؛ فَإِنَّ فِيهِ عَشْرَ خِصَالٍ؛ هُوَ طَعَامٌ، وَ شَرَابٌ، وَ اشْنَانٌ، وَ رِيحَانٌ، وَ يَغْسِلُ الْمَثَانَةَ، وَ يَغْسِلُ الْبَطْنَ، وَ يُكَيِّرُ مَاءَ الظَّهْرِ، وَ يَزِيدُ فِي الْجِمَاعِ، وَ يَقَطَعُ التَّبْرُودَةَ، وَ يُنَقِّي الْبَشْرَةَ. [۴۷۸]

۱۵۴۰. عنه صلى الله عليه وآله: تَفَكَّهُوا بِالْبَطِيخِ؛ فَإِنَّهَا فَاكِهَةٌ الْجَنَّةِ، وَ فِيهَا أَلْفُ بَرَكَةٍ وَ أَلْفُ رَحْمَةٍ، وَ أَكَلُهَا شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ. [۴۷۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۱۷

فصل هشتم: خربزه

۱/۸ خواص خربزه

۱۵۳۹. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بر شما باد خربزه [۴۸۰]؛ چرا که در آن، ده ویژگی است: خوراک است؛ نوشیدنی است؛ شست و شو دهنده است؛ [۴۸۱] خوش بوکننده است؛ مثانه را می‌شوید؛ شکم را می‌شوید؛ آب کمر را فراوان می‌سازد؛ نیروی همبستری را می‌افزاید؛ سردی مزاج را از میان برمی‌دارد؛ و پوست را تمیز می‌کند.

۱۵۴۰. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: نیاز خود به میوه را با خربزه برآورید؛ چرا که میوه بهشت است، در آن، هزار برکت و هزار رحمت است و خوردنش شفای هر درد است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۱۸

۱۵۴۱. عنه صلى الله عليه وآله: تَفَكَّهُوا بِالْبَطِيخِ؛ فَإِنَّ مَاءَهُ رَحْمَةٌ، وَ حَلَاوَتُهُ مِنْ حَلَاوَةِ الْجَنَّةِ. [۴۸۲]

۱۵۴۲. طَبَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اهْدَى إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَطِيخٌ مِنَ الطَّائِفِ فَشَمُّهُ وَ قَبْلَهُ، ثُمَّ قَالَ: عَضُّوا بِالْبَطِيخِ؛ فَإِنَّهُ مِنْ حَلَلِ الْأَرْضِ، وَ مَاؤُهُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، وَ حَلَاوَتُهُ مِنَ الْجَنَّةِ. [۴۸۳]

۱۵۴۳. رسول الله صلى الله عليه وآله: ما من امرأة حاملٍ أكلت البَطِيخَ، إلَّا يَكُونُ مَوْلُودُهَا حَسَنَ الْوَجْهِ وَ الْخُلُقِ. [۴۸۴]

۱۵۴۴. الإمام عليّ عليه السلام في بيان فوائد البَطِيخِ: فيه عَشْرُ خِصَالٍ: طَعَامٌ، وَ شَرَابٌ، وَ فَاكِهَةٌ، وَ رِيحَانٌ، وَ اَدَمٌ، وَ حَلَوَاءٌ، وَ اشْنَانٌ، وَ خَطْمِيٌّ، وَ بَقْلٌ، وَ دَوَاءٌ. [۴۸۵]

۱۵۴۵. عنه عليه السلام: البَطِيخُ شَحْمَةُ الْأَرْضِ، لَا دَاءَ وَ [لا] [۴۸۶] غَائِلَةٌ فِيهِ. [۴۸۷]

۱۵۴۶. الإمام الصادق عليه السلام في ذِكْرِ خَوَاصِّ البَطِيخِ: يُذِيبُ الْحَصَى فِي الْمَثَانَةِ. [۴۸۸]

۱۵۴۷. عنه عليه السلام: كُلُّوا البَطِيخَ؛ فَإِنَّ فِيهِ عَشْرَ خِصَالٍ مُجْتَمِعَةٍ: هُوَ شَحْمَةُ الْأَرْضِ لَا دَاءَ فِيهِ وَلَا غَائِلَةٌ، وَ هُوَ طَعَامٌ، وَ هُوَ شَرَابٌ، وَ هُوَ فَاكِهَةٌ، وَ هُوَ رِيحَانٌ، وَ هُوَ اشْنَانٌ، وَ هُوَ اَدَمٌ، وَ يَزِيدُ فِي الْبَاهِ، وَ يَغْسِلُ الْمَثَانَةَ، وَ يُدْرِ الْجَوْلَ. [۴۸۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۱۹

۱۵۴۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: نیاز خود به میوه را با خربزه برآورید؛ چرا که آب آن، رحمت، و شیرینی آن، از شیرینی بهشت است.

۱۵۴۲. طَبَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: به پیامبر صلى الله عليه وآله خربزه‌ای از طائف، هدیه دادند. آن را بوید و بوسید و سپس فرمود: «خربزه را دندان بزیند؛ چرا که از زیورهای زمین است: آبش از رحمت خداوند و شیرینی‌اش از بهشت است».

۱۵۴۳. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هیچ زن بارداری نیست که خربزه بخورد، مگر این که نوزادش خوش‌چهره و خوش‌خوی خواهد شد.

۱۵۴۴. امام علی علیه السلام در بیان فواید خربزه: در آن، ده ویژگی است: خوراک است؛ نوشیدنی است؛ میوه است؛ سبزی است؛ خورش است؛ شیرینی است؛ شست‌و‌شو دهنده است؛ خطمی [۴۹۰] است؛ سبزی است؛ و داروست.

۱۵۴۵. امام علی علیه السلام: خربزه، دُنبَلان کوهی است، نه در آن بیماری‌ای هست و نه عارضه‌ای.

۱۵۴۶. امام صادق علیه السلام درباره ویژگی‌های خربزه: سنگ را در مثنه، ذوب می‌کند.

۱۵۴۷. امام صادق علیه السلام: خربزه بخورید؛ چرا که در آن، ده ویژگی است: [مانند] دنبَلان کوهی است، نه دردی در آن هست و نه فساد؛ خوراک است؛ نوشیدنی است؛ میوه است؛ خوش‌بوکننده است؛ شست‌وشو دهنده است؛ خورش است؛ توان جنسی را می‌افزاید؛ مثنه را می‌شوید؛ و ادرار آور است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۲۰

۱۵۴۸. الإمام الرضا علیه السلام:

أَهَدَتْ لَنَا الْإِيمَانُ بِطَيْحَةٍ مِنْ حُلَلِ الْأَرْضِ وَ دَارِ السَّلَامِ

تَجَمُّعُ أَوْصَافِ عِظَامَا وَ قَدْ عَدَدْتُهَا مَوْصُوفَةً بِالنِّظَامِ

كَذَاكَ قَالَ الْمُصْطَفَى الْمُجْتَبَى مُحَمَّدٌ جَدِّي عَلَيْهِ السَّلَامُ

مَاءٌ وَ حَلَوَاءٌ وَ رِيحَانَةٌ فَكِهَةٌ حُرْضٌ طَعَامٌ إِدَامٌ

تُنْقَى الْمَثَانَةُ وَ تُصَفَّى الْوُجُوهُ تُطَيَّبُ النَّكْهَةُ عَشْرَ تَمَامٍ [۴۹۱]

۲ / ۸

أَكْلُ الْبَطِيخِ قَبْلَ الطَّعَامِ

۱۵۴۹. رسول الله صلی الله علیه و آله: الْبَطِيخُ قَبْلَ الطَّعَامِ يَغْسِلُ الْبَطْنَ غَسْلًا، وَ يَذْهَبُ بِالذَّاءِ أَصْلًا. [۴۹۲]

۳ / ۸

النَّهْيُ عَنِ أَكْلِ الْبَطِيخِ عَلَى الرَّيْقِ

۱۵۵۰. الإمام الصادق عليه السلام: أَكْلُ الْبَطِيخِ عَلَى الرَّيْقِ يورثُ الْفَالِجَ. [۴۹۳]

۱۵۵۱. الإمام الرضا عليه السلام: الْبَطِيخُ عَلَى الرَّيْقِ يورثُ الْفَالِجَ، نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْهُ. [۴۹۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۲۱

۱۵۴۸. امام رضا علیه السلام:

روزگاران به ما خربزه‌ای پیشکش داداز زیورهای زمین و از سرای سلامت.

ویژگی‌هایی بزرگ را در خود جای داده و مناز این جمله، آن را آراسته به سامان یافتگی دیدم.

پیامبر ما، بنده برگزیده، چنین گفت (محمد، نیای من، که بر او درود باد):

آب است و شیرینی و سبزی و میوه و شست‌وشو دهنده و خوراک و خورش

مثانه را می‌شوید و چهره را صفا می‌دهد دهان را خوش بو می‌سازد و این، همه ده ویژگی آن است.

۲ / ۸ خوردن خربزه پیش از غذا

۱۵۴۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خربزه پیش از غذا، شکم را کاملاً می‌شوید و بیماری را از ریشه می‌کند.

۳ / ۸ نهی از خوردن خربزه در حالت ناشتا

۱۵۵۰. امام صادق علیه السلام: خوردن خربزه در ناشتا، سست‌اندami می‌آورد.

۱۵۵۱. امام رضا علیه السلام: خوردن خربزه در حالت ناشتا، سست‌اندami پناه بر خدا بر جای می‌گذارد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۲۲

۱۵۵۲. المناقب عن محمد بن صالح الخنعمی: عَزَمْتُ أَنْ أُسْأَلَ فِي كِتَابِي إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَكْلِ الْبَطِيخِ عَلَى الرَّيْقِ... فَانْسَيْتُ، فَوَرَدَ عَلَيَّ جَوَابُهُ: لَا يُؤْكَلُ الْبَطِيخُ عَلَى الرَّيْقِ؛ فَإِنَّهُ يورِثُ الْفَالِجَ. [۴۹۵]

۴ / ۸

أَدَبُ أَكْلِ الْبَطِيخِ

۱۵۵۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: عَضَّ الْبَطِيخَ وَلَا- تَقْطَعُهَا قَطْعًا؛ فَإِنَّهَا فَائِدَةٌ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ، مُطَهِّرَةٌ الْفَمِ، مُقَدِّسَةٌ الْقَلْبِ، تُبَيِّضُ الْأَسْنَانَ، وَ تُرْضِي الرَّحْمَنَ، رِيحُهَا مِنَ الْعَتَبِ، وَ مَاؤُهَا مِنَ الْكُوْثَرِ، وَ لَحْمُهَا مِنَ الْفِرْدَوْسِ، وَ لَذَّتُهَا مِنَ الْجَنَّةِ، وَ أَكْلُهَا مِنَ الْعِبَادَةِ. [۴۹۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۲۳

۱۵۵۲. مناقب آل أبي طالب به نقل از محمد بن صالح خنعمی: تصمیم داشتم در نامه‌ام به امام عسکری علیه السلام، درباره خوردن خربزه در حالت ناشتا ... بپرسم؛ اما این پاسخ از او به من رسید: خربزه را نباید در حالت ناشتا خورد؛ زیرا سست‌اندami می‌آورد.

۴ / ۸ آداب خوردن خربزه

۱۵۵۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خربزه را دندان بزَن و آن را قطعه قطعه مخور؛ چرا که میوه‌ای است خجسته، خوش، مایه پاکی دهان و تقدس بخش دل؛ دندان‌ها را سفید می‌کند، خدای را خرسند می‌سازد، بویش از عنبر و آبش از کوثر است، گوشت آن از پردیس، لذت آن از بهشت، و خوردن آن، عبادت است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۲۴

الفصل التاسع: البيض

۱ / ۹

خَوَاصُّ الْبَيْضِ

۱۵۵۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنَّ نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ شَكَا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الضَّعْفَ، فَأَمَرَهُ بِأَكْلِ الْبَيْضِ. [۴۹۷]

۱۵۵۵. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ شَكَا إِلَى اللَّهِ قِلَّةَ النَّسْلِ فِي أُمَّتِهِ، فَأَمَرَهُ أَنْ يَأْمُرَهُمْ بِأَكْلِ الْبَيْضِ، فَفَعَلُوا فَكَثُرَ النَّسْلُ فِيهِمْ. [۴۹۸]

۱۵۵۶. الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ عَدِمَ الْوَلَدَ فَلْيَأْكُلِ الْبَيْضَ وَ لِيَكْثِرْ مِنْهُ؛ فَإِنَّهُ يُكْثِرُ النَّسْلَ. [۴۹۹]

۱۵۵۷. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ عَدِمَ الْوَلَدَ، فَلْيَأْكُلِ الْبَيْضَ وَ لِيَكْثِرْ مِنْهُ. [۵۰۰]

۱۵۵۸. الإمام الكاظم عليه السلام: كَثْرَةُ أَكْلِ الْبَيْضِ تَزِيدُ فِي الْوَلَدِ. [۵۰۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۲۵

فصل نهم: تخم مرغ

۱/۹ خواص تخم مرغ

۱۵۵۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یکی از پیامبران، از «سستی»، به درگاه خداوند عز و جل نالید. خداوند، او را به خوردن تخم مرغ، فرمان داد.

۱۵۵۵. امام علی علیه السلام: یکی از پیامبران، از کمی زاد و ولد در میان امت خویش، به درگاه خداوند عز و جل نالید. خداوند، او را فرمود که مردم را به خوردن تخم مرغ، سفارش کند.

مردم، این کار را کردند و از آن پس، زاد و ولد در میانشان فراوان شد.

۱۵۵۶. امام باقر علیه السلام: هر کس فرزند ندارد، تخم مرغ بخورد و فراوان از آن بهره ببرد؛ چرا که نسل را می‌افزاید.

۱۵۵۷. امام صادق علیه السلام: هر کس فرزند ندارد، تخم مرغ بخورد.

۱۵۵۸. امام کاظم علیه السلام: فراوان خوردن تخم مرغ، فرزند را افزون می‌سازد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۲۶

۱۵۵۹. عنه عليه السلام: أَكثَرُوا مِنَ الْبَيْضِ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الْوَلَدِ. [۵۰۲]

۱۵۶۰. الكافي عن مرزم: ذَكَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْبَيْضَ، فَقَالَ: أَمَا إِنَّهُ خَفِيفٌ؛ يَذْهَبُ بِقَرْمِ اللَّحْمِ، وَ لَيْسَتْ لَهُ غَائِلَةُ اللَّحْمِ. [۵۰۳]

۲/۹

أَكْلُ الْبَيْضِ بِالْبَصْلِ وَالزَّيْتِ

۱۵۶۱. مكارم الأخلاق عن بعض أصحاب الإمام الصادق عليه السلام، قال له: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنِّي أَشْتَرِي الْجَوَارِي فَاجِبٌ أَنْ تُعَلِّمَنِي شَيْئًا أَتَقَوَّى عَلَيْهِنَّ.

قال: خُذْ بَصَلًا وَ قَطْعَةً صُغَارًا صُغَارًا وَ أَقْلَهُ بِالزَّيْتِ، وَ خُذْ بَيْضًا فَافْقِصُهُ فِي صَحْفَةٍ وَ ذَرِّ عَلَيْهِ شَيْئًا مِنَ الْمِلْحِ، فَادْرُرْهُ عَلَى الْبَصْلِ وَالزَّيْتِ وَ أَقْلَهُ شَيْئًا، ثُمَّ كُلْ مِنْهُ.

قال: فَفَعَلْتُ، فَكُنْتُ لَا أَرِيدُ مِنْهُنَّ شَيْئًا إِلَّا وَ قَدَرْتُ عَلَيْهِ. [۵۰۴]

۱۵۶۲. الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ أَكَلَ الْبَيْضَ وَ الْبَصْلَ وَ الزَّيْتِ زَادَ فِي جَمَاعِهِ. [۵۰۵]

۱۵۶۳. الكافي عن عمر بن أبي حَسَيْنَةَ الْجَمِيلِ: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَلَّةَ الْوَلَدِ. فَقَالَ لِي: اسْتَغْفِرِ اللَّهَ، وَ كُلِّي الْبَيْضَ بِالْبَصْلِ. [۵۰۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۲۷

۱۵۵۹. امام کاظم علیه السلام: فراوان تخم مرغ بخورید؛ چرا که فرزند را افزون می‌کند.

۱۵۶۰. الكافي به نقل از مُرَازِم: امام صادق علیه السلام از تخم مرغ یاد کرد و فرمود: «هان که خوراکی سبک است. دل‌دادگی به گوشت را فرو می‌نشانند؛ ولی عارضه‌های گوشت را هم ندارد.»

۲/۹ خوردن تخم‌مرغ با پیاز و روغن زیتون

۱۵۶۱. مکارم الأخلاق به نقل از یکی از یاران امام صادق علیه السلام در گفتگو با ایشان: [گفتم:] فدایت شوم! من، کنیز می‌خرم. دوست دارم چیزی به من تعلیم فرمایی که بر آنها توانایی یابم.

فرمود: «پیاز را ریز و در روغن زیتون، سرخ کن. تخم‌مرغی هم بردار و در سینی‌ای بشکن و قدری نمک بر آن پاش. آن گاه این تخم‌مرغ را روی پیاز و روغن زیتون بریز و اندکی بجوشان و سپس از آن بخور».

این کار را انجام دادم و از آن پس، هرگاه قصد آمیزش با آن کنیزان می‌کردم، بر آن توانایی داشتم.

۱۵۶۲. امام کاظم علیه السلام: هر کس تخم‌مرغ و پیاز و روغن زیتون بخورد، بر توان جنسی او افزوده می‌شود.

۱۵۶۳. الکافی به نقل از عمر بن ابی حسنه جمّال: نزد امام کاظم علیه السلام، از کمی فرزند، اظهار ناراحتی کردم. به من فرمود: «از خداوند، آمرزش بطلب و تخم‌مرغ با پیاز بخور».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۲۸

۳/۹

أَكَلَ الْبَيْضَ بِاللَّحْمِ

۱۵۶۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: اللَّحْمُ بِالْبَيْضِ يَزِيدُ فِي الْبَاءَةِ. [۵۰۷]

۱۵۶۵. الإمام الصادق علیه السلام: شَكَا نَبِيٌّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَلَّةَ النَّسْلِ. فَقَالَ: كُلَّ اللَّحْمِ بِالْبَيْضِ. [۵۰۸]

۱۵۶۶. الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ أَكَلَ اللَّحْمَ بِالْبَيْضِ كَبَّرَ عَظْمٌ وَلَدَهُ. [۵۰۹]

۴/۹

صُفْرَةُ الْبَيْضِ

۱۵۶۷. الإمام الصادق عليه السلام: مُحٌ [۵۱۰] الْبَيْضِ خَفِيفٌ، وَالْبِيَاضُ ثَقِيلٌ. [۵۱۱]

۱۵۶۸. المحاسن عن حمران بن أعين: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَنَا سَا يَزْعُمُونَ أَنَّ صُفْرَةَ الْبَيْضِ أَحْفُ مِنَ الْبِيَاضِ. فَقَالَ: إِلَى مَا يَذْهَبُونَ فِي ذَلِكَ؟

قُلْتُ: يَزْعُمُونَ أَنَّ الرَّيْشَ مِنَ الْبِيَاضِ، وَأَنَّ الْعَظْمَ وَالْعَصَبَ مِنَ الصُّفْرَةِ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَالرَّيْشُ أَحْفُهَا. [۵۱۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۲۹

۳/۹ خوردن تخم‌مرغ با گوشت

۱۵۶۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گوشت با تخم‌مرغ، بر توان جنسی می‌افزاید. [۵۱۳]

۱۵۶۵. امام صادق علیه السلام: یکی از پیامبران، از کمی فرزندان، به درگاه خداوند عز و جل شکایت برد. خداوند فرمود: «گوشت با تخم‌مرغ بخور».

۱۵۶۶. امام کاظم علیه السلام: هر کس تخم‌مرغ و پیاز و روغن زیتون بخورد، استخوان فرزندش درشت خواهد شد.

۴/۹ زرده تخم مرغ

۱۵۶۷. امام صادق علیه السلام: زرده تخم مرغ، سُبُک و سفیده، سنگین است.

۱۵۶۸. المحاسن به نقل از حمران بن اعین: به امام صادق علیه السلام گفتم: کسانی می گویند زرده تخم مرغ، از سفیده آن، سُبُک تر است.

فرمود: «دلیلشان برای این سخن چیست؟».

گفتم: مدعی اند پَر، از سفیده است و استخوان و پی، از زرده است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «پس پَر، سُبُک ترین آنهاست».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۳۰

۱۵۶۹. مکارم الأخلاق عن علی بن محمد بن أشیم: شَكَوْتُ إِلَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَلَّةَ اسْتِمْرَائِي الطَّعَامَ. فَقَالَ: كُلْ مَخَّ الْبَيْضِ.

قَالَ: فَفَعَلْتُ فَانْتَفَعْتُ بِهِ. [۵۱۴]

۵ / ۹

النَّهْيُ عَنِ مُدَاوَمَةِ أَكْلِ الْبَيْضِ

۱۵۷۰. الإمام الصادق علیه السلام: ثَلَاثَةٌ يُسَمَّنَنَّ وَ ثَلَاثَةٌ يَهْزِلَنَّ... وَ أَمَّا الَّتِي يَهْزِلَنَّ: فَإِدْمَانُ أَكْلِ الْبَيْضِ وَ السَّمَكِ وَ الطَّلَعِ. [۵۱۵]

۱۵۷۱. الإمام الرضا علیه السلام: مُدَاوَمَةُ أَكْلِ الْبَيْضِ يَعْرِضُ مِنْهُ الْكَلْفُ فِي الْوَجْهِ. [۵۱۶]

۱۵۷۲. عنه علیه السلام: كَثْرَةُ أَكْلِ الْبَيْضِ وَ إِدْمَانُهُ يورِثُ الطُّحَالَ، وَ رِيَاحًا فِي رَأْسِ الْمَعِدَّةِ، وَ الْاِمْتِلَاءَ مِنَ الْبَيْضِ الْمَسْلُوقِ يورِثُ الرَّبَوَ وَ الْاِبْتِهَارَ [۵۱۷]. [۵۱۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۳۱

۱۵۶۹. مکارم الأخلاق به نقل از علی بن محمد بن اشیم: نزد امام رضا علیه السلام از مشکل گوارش غذا اظهار ناراحتی کردم. فرمود: «زرده تخم مرغ بخور».

این کار را انجام دادم و از آن، سود بردم.

۵ / ۹ نهی از افراط در خوردن تخم مرغ

۱۵۷۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه چیز است که چاق می کند و سه چیز است که لاغر می کند اما آن سه چیز که لاغر می کند، عبارت اند از: اعتیاد به خوردن تخم مرغ، ماهی، و شکوفه خرما.

۱۵۷۱. امام رضا علیه السلام: خوردن همیشگی تخم مرغ، سبب پیدایش کَنجَدَك (كَكَمَك) در صورت می شود. [۵۱۹]

۱۵۷۲. امام رضا علیه السلام: تخم مرغ بسیار خوردن و معتاد شدن به آن، بیماری سِیْرَز می آورد و ایجاد کننده بادهایی در سرِ معده است، و زیاد خوردن تخم مرغ آب پز، نَفَس تنگی و نَفَس بریدگی می آورد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۳۲

۶ / ۹

مَا يَجِلُّ مِنَ الْبَيْضِ وَ مَا يَحْرُمُ مِنْهُ

۱۵۷۳. رسول الله صلی الله علیه و آله فِي وَصَايَاهُ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ، كُلْ مِنَ الْبَيْضِ مَا اخْتَلَفَ طَرَفَاهُ. [۵۲۰]

۱۵۷۴. الكافي عن زُرَّارَةَ: وَ اللَّهُ مَا رَأَيْتُ مِثْلَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَطُّ! وَ ذَلِكَ أَنِّي سَأَلْتُهُ فَقُلْتُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ مَا يُؤْكَلُ مِنَ الطَّيْرِ؟ فَقَالَ: كُلْ مَا دَفَّ وَ لَا تَأْكُلْ مَا صَفَّ.

قُلْتُ: الْبَيْضُ فِي الْأَجَامِ؟
فَقَالَ: مَا اسْتَوَى طَرْفَاهُ فَلَا تَأْكُلُهُ وَ مَا اخْتَلَفَ طَرْفَاهُ فَكُلْ.

قُلْتُ: فَطَيْرُ الْمَاءِ؟

قَالَ: مَا كَانَتْ لَهُ قَانِصَةٌ فَكُلْ، وَ مَا لَمْ تَكُنْ لَهُ قَانِصَةٌ فَلَا تَأْكُلْ. [۵۲۱]

۱۵۷۵. الإمام الباقر و الإمام الصادق عليهما السلام: إِذَا دَخَلْتَ أَجْمَةً فَوَجَدْتَ بَيْضًا فَلَا تَأْكُلْ مِنْهُ إِلَّا مَا اخْتَلَفَ طَرْفَاهُ. [۵۲۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۳۳

۹/ ۶ تخم مرغ های حلال و تخم مرغ های حرام

۱۵۷۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش هایی به امام علی علیه السلام: ای علی! از میان تخم ها [ی پرندگان، آنهایی را بخور که دو سرشان، فرق می کند.

۱۵۷۴. الکافی به نقل از زراره: به خداوند سوگند، هرگز همانند امام باقر علیه السلام ندیده‌ام؛ چرا که از او پرسیدم و گفتم: خدایت به سامان دارد! از پرندگان، کدام ها خورده می شوند؟

فرمود: آن را که [هنگام پرواز کردن،] بال می زند، بخور و آن را که بال های خویش را صاف نگه می دارد (بال نمی زند)، نخور». پرسیدم: تخمی که در نزار است، چه طور؟

فرمود: «آنچه را دو سویش همانند است، مخور و آنچه را دو سویش ناهمگونه است، بخور».

گفتم: پرندگان آب، چه طور؟

فرمود: «آنچه را چینه دان دارد، بخور و آنچه را چینه دان ندارد، مخور».

۱۵۷۵. امام باقر و امام صادق علیهما السلام: اگر به نیزاری در آمدی و تخم پرنده ای یافتی، از آن مخور، مگر آنچه دو سویش ناهمسان است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۳۴

۱۵۷۶. الإمام الصادق عليه السلام: يُؤْكَلُ مِنَ الْبَيْضِ مَا اخْتَلَفَ طَرْفَاهُ، وَلَا يُؤْكَلُ مَا اسْتَوَى طَرْفَاهُ. [۵۲۳]

۱۵۷۷. عنه عليه السلام: كُلُّ مَا اخْتَلَفَ طَرْفَاهُ فَحَلَالٌ أَكَلُهُ، وَ مَا اسْتَوَى طَرْفَاهُ فَحَرَامٌ أَكَلُهُ. [۵۲۴]

۱۵۷۸. الکافی عن مسعدة بن صدقة: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: كُلُّ مِنَ الْبَيْضِ مَا لَمْ يَسْتَوِ رَأْسَاهُ.

و قَالَ: مَا كَانَ مِنْ بَيْضِ طَيْرِ الْمَاءِ مِثْلَ بَيْضِ الدَّجَاجِ وَ عَلَى خِلْقَتِهِ أَحَدُ رَأْسَيْهِ مُفْرَطْحٌ، وَ إِلَّا فَلَا تَأْكُلْ. [۵۲۵]

۱۵۷۹. الکافی عن أبي الخطاب: سَأَلْتُهُ يَعْنِي أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ يَدْخُلُ الْأَجْمَةَ فَيَجِدُ فِيهَا بَيْضًا مُخْتَلِفًا لَا يَدْرِي بَيْضُ مَا هُوَ، أَمْ بَيْضُ مَا يُكْرَهُ مِنَ الطَّيْرِ أَوْ يُسْتَحَبُّ؟

فَقَالَ: إِنَّ فِيهِ عِلْمًا لَا يَخْفَى، انْظُرْ إِلَى كُلِّ بَيْضَةٍ تَعْرِفُ رَأْسَهَا مِنْ أَسْفَلِهَا فَكُلْ، وَ مَا يَسْتَوِي فِي ذَلِكَ فَدَعُهُ. [۵۲۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۳۵

۱۵۷۶. امام صادق علیه السلام: از تخم های پرندگان، آنچه دو سویش ناهمسان است، خورده می شود و آنچه دو سویش همسان است، خورده نمی شود.

۱۵۷۷. امام صادق علیه السلام: آنچه دو سویش با هم تفاوت دارد، خوردنش حلال است و آنچه دو سویش همسان است، خوردنش حرام است.

۱۵۷۸. الکافی به نقل از مسعدة بن صدقة: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «از تخم های پرندگان، آنچه را دو سرش

ناهمسان است، بخور».

نیز فرمود: «از تخم‌های پرندگان دریایی، آنچه همانند و هم‌شکل تخم مرغ است (یعنی یکی از دو سرش پهن تر است)، خوردنی است، و گرنه مخور».

۱۵۷۹. الکافی به نقل از ابو الخطّاب: از امام صادق علیه السلام پرسیدم که: مردی به نزار درمی آید و آنجا تخم‌های پرندگان گوناگونی می‌یابد و نمی‌داند که تخم چه پرنده‌ای است: از آن پرندگان ناخوشایند است و یا پرندگان خوشایند؟ فرمود: «در آنها، نشانه‌ای پنهان‌ناشدنی است. بنگر! هر تخمی را که سر و ته آن را از هم باز شناختی، بخور و هر چه را از این نظر همسان بود، وا گذار».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۳۶

الفصل العاشر: التّفاح

۱ / ۱۰

خَوَاصُّ التُّفَّاحِ

۱۵۸۰. الإمام علی علیه السلام: كُلُوا التُّفَّاحَ؛ فَإِنَّهُ يَدْبَغُ المَعِدَةَ. [۵۲۷]

۱۵۸۱. الإمام الصادق علیه السلام: التُّفَّاحُ نَضُوحُ المَعِدَةَ. [۵۲۸]

۱۵۸۲. المحاسن عن إسحاق بن مطهر عن الإمام الصادق علیه السلام: التُّفَّاحُ يُفَرِّجُ المَعِدَةَ. و قال: كُلِّ التُّفَّاحِ؛ فَإِنَّهُ يُطْفِئُ الحَرَارَةَ، و يُبْرِدُ الجَوْفَ، و يَذْهَبُ بِالحُمَّى.

و فی حدیثٍ آخَرَ: يَذْهَبُ بِالْوَبَاءِ. [۵۲۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۳۷

فصل دهم: سیب

۱ / ۱۰ خَوَاصُّ سِيبِ

۱۵۸۰. امام علی علیه السلام: سیب بخورید، که معده را می‌پالاید.

۱۵۸۱. امام صادق علیه السلام: سیب، پالاینده و خوش بوکننده معده است.

۱۵۸۲. المحاسن به نقل از اسحاق بن مطهر، از امام صادق علیه السلام: «سیب، معده را گشایش می‌دهد».

همچنین فرمود: «سیب بخور؛ چرا که حرارت را فرو می‌نشاند، درون را سرد می‌کند و تب را می‌برد».

در حدیث دیگری است که فرمود: «وبا را از میان می‌برد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۳۸

۱۵۸۳. الإمام الصادق علیه السلام: أَطْعَمُوا مَحْمُومِيكُمُ التُّفَّاحَ؛ فَمَا مِنْ شَيْءٍ أَنْفَعَ مِنَ التُّفَّاحِ. [۵۳۰]

۱۵۸۴. عنه علیه السلام: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي التُّفَّاحِ، مَا دَاوَوْا مَرْضَاهُمْ إِلَّا بِهِ، أَلَا - و إِنَّهُ أَسْرَعُ شَيْءٍ مَنْفَعَةٍ لِلْفُؤَادِ خَاصَّةً، و إِنَّهُ نَضُوحُهُ. [۵۳۱]

۱۵۸۵. دعائم الإسلام: عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَجُلًا كَتَبَ إِلَيْهِ مِنْ أَرْضٍ وَ بَيْتُهُ يُخْبِرُهُ بِوَيْتِهَا.

فَكَتَبَ إِلَيْهِ: عَلَيْكَ بِالتَّفَاحِ فَكَلَهُ. فَفَعَلَ ذَلِكَ فَعَوْفَى. [۵۳۲]

و قال: التَّفَاحُ يُطْفِئُ الحَرَارَةَ وَ يُبْرِدُ الجَوْفَ وَ يَذْهَبُ بِالْحُمَى.

۱۵۸۶. الکافی عن محمد بن فیض: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَمْرُضُ مِنَّا المَرِيضُ فَيَأْمُرُهُ المُعَالِجُونَ بِالْحَمِيَّةِ.

فَقَالَ: لَكِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا نَحْتَمِي إِلَّا مِنَ التَّمْرِ، وَ نَتَدَاوَى بِالتَّفَاحِ وَ المَاءِ البَارِدِ. [۵۳۳]

۱۵۸۷. الکافی عن دُرُسْتِ بْنِ أَبِي منصور: بَعَثَنِي المَفْضَلُ بْنُ عُمَرَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بِلطْفٍ [۵۳۴]، فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ فِي يَوْمٍ

صَائِفٍ وَ قَدَامَهُ طَبَقٌ فِيهِ تَفَاحٌ أَخْضَرٌ، فَوَلَّيْتُ إِنْ صَبَرْتُ أَنْ قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَتَأْكُلُ مِنْ هَذَا وَ النَّاسُ يَكْرَهُونَهُ؟

فَقَالَ لِي كَأَنَّهُ لَمْ يَزَلْ يَعْرِفُنِي: وَ عِكَتُ فِي لَيْلَتِي هَذِهِ فَبَعَثْتُ فَاتَيْتُ بِهِ فَأَكَلْتُهُ، وَ هُوَ يَقْلَعُ الحُمَى، وَ يُسَكِّنُ الحَرَارَةَ، فَقَدِمْتُ فَأَصَبْتُ أَهْلِي

مَحْمُومِينَ فَأَطَعَمْتُهُمْ، فَأَقْلَعْتُ الحُمَى عَنْهُمْ. [۵۳۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۳۹

۱۵۸۳. امام صادق علیه السلام: به تب داران خود، سیب بدهید؛ چرا که هیچ چیز، سودمندتر از سیب نیست.

۱۵۸۴. امام صادق علیه السلام: اگر مردم می دانستند در سیب چیست، بیمارانشان را جز به آن، درمان نمی کردند. بدانید که سیب،

بویژه، سودمندترین چیز برای قلب و مایه شست و شوی آن است.

۱۵۸۵. دعائم الإسلام: درباره امام صادق علیه السلام روایت شده است که: مردی از سرزمینی وبا زده به ایشان نامه نوشت و از وبای

آنجا خبر داد.

امام علیه السلام در پاسخ نوشت: «بر تو باد سیب. آن را بخور».

او هم این کار را انجام داد و عافیت یافت.

و فرمود: «سیب، حرارت را فرو می نشاند و درون را خنک می کند و تب را می برد».

۱۵۸۶. الکافی به نقل از محمد بن فیض: به امام صادق علیه السلام گفتم: کسی از ما که بیمار می شود، درمانگران، او را به پرهیز،

توصیه می کنند.

امام علیه السلام فرمود: «اما ما خاندان، جز از خرما، پرهیز نمی کنیم و [بیماران خویش را] با سیب و آب سرد، درمان می سازیم».

۱۵۸۷. الکافی به نقل از دُرُسْتِ بْنِ أَبِي منصور: مَفْضَلُ بْنُ عُمَرَ، مرا با هدیه هایی [۵۳۶] نزد امام صادق علیه السلام فرستاد.

در روزی تابستانی و در حالی که سینی ای از سیب سبز نزد امام صادق علیه السلام بود، بر ایشان وارد شدم. به خداوند سوگند،

بی درنگ به او گفتم: فدایت شوم! آیا در حالی که مردم، این را خوش نمی دارند، از آن می خوری؟

در حالی که گویا مرا از دیرباز می شناخته است، به من فرمود: «همین امشب تب دار شدم. کسی فرستادم و آن را نزد من آوردند و

آن را خوردم. آن، تب را ریشه کن می سازد و حرارت را فرو می نشاند».

من به سوی نزدیکان خویش باز گشتم و دیدم آنان تب دارند. به آنها سیب دادم و تب را از آنان ریشه کن ساختم.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۴۰

۱۵۸۸. الکافی عن المَفْضَلِ بْنِ عُمَرَ عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: ذُكِرَ لَهُ الحُمَى، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا نَتَدَاوَى إِلَّا

بِإِفَاضَةِ المَاءِ البَارِدِ يُصَبُّ عَلَيْنَا، وَ أَكَلِ التَّفَاحِ. [۵۳۷]

۱۵۸۹. الإمام الكاظم عليه السلام: التَّفَاحُ يَنْفَعُ مِنْ خِصَالِ عِدَّةٍ: مِنَ السَّمِّ، وَ السَّحْرِ، وَ اللَّمَمِ يَعْرِضُ مِنْ أَهْلِ الأَرْضِ [۵۳۸]، وَ البَلْغَمِ

الغالبِ، وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَسْرَعَ مِنْهُ مَنَفَعَةً. [۵۳۹]

۱۵۹۰. الکافی عن زياد بن مروان: أصاب النَّاسَ وَ بَاءَ بِمَكَّةَ، فَكَتَبْتُ إِلَى أَبِي الحَسَنِ عليه السلام، فَكَتَبَ إِلَيَّ: كُلِّ التَّفَاحِ. [۵۴۰]

راجع: ص ۳۸۴ (سويق التفاح).

۲/۱۰

خَوَاصُّ التُّفَّاحِ عَلَى الرَّيْقِ وَ بِالْأَسْحَارِ

۱۵۹۱. رسول الله صلى الله عليه و آله: كَلُوا التُّفَّاحَ عَلَى الرَّيْقِ؛ فَإِنَّهُ نَضُوحُ الْمَعِدَةِ. [۵۴۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۴۱

۱۵۸۸. الکافی به نقل از مفضل بن عمر، درباره امام صادق علیه السلام: نزد ایشان از سیب، یاد کردند. فرمود: «ما خاندان، جز به آب سردی که بر بدن ما ریخته می‌شود و جز به خوردن سیب، درمان نمی‌کنیم».

۱۵۸۹. امام کاظم علیه السلام: سیب برای چند چیز، سودمند است، برای: زهر، افسون، دیوانگی‌ای که از سوی ساکنان زمین [۵۴۲] به کسی می‌رسد، و بلغمی که چیرگی یافته است. هیچ چیزی زودتر از آن، اثر نمی‌بخشد.

۱۵۹۰. الکافی به نقل از زیاد بن مروان: در مکه، مردم به وبایی گرفتار آمدند. من به امام کاظم علیه السلام نوشتم. ایشان در پاسخ من نوشت: «سیب بخور».

همچنین، ر. ک: ص ۳۸۵ (شوربای سیب).

۲/۱۰ خواص خوردن سیب در حالت ناشتا یا در سحرگاهان

۱۵۹۱. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: سیب را ناشتا بخورید؛ چرا که تمیزکننده معده است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۴۲

۱۵۹۲. عنه صلى الله عليه و آله: أَرْبَعَةٌ تَزِيدُ فِي الْعُمُرِ... وَ أَكَلُ التُّفَّاحِ بِالْأَسْحَارِ. [۵۴۳]

۳/۱۰

شَمُّ التُّفَّاحِ قَبْلَ الْأَكْلِ

۱۵۹۳. الإمام الباقر عليه السلام: إِذَا أَرَدْتَ أَكَلَ التُّفَّاحِ فَشَمَّهُ ثُمَّ كُلَّهُ؛ فَإِنَّكَ إِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ أَخْرَجَ مِنْ جَسَدِكَ كُلَّ دَاءٍ وَ غَائِلَةٍ، وَ يُسَكِّنُ مَا يَوْجَدُ مِنْ قَبْلِ الْأَرْوَاحِ كُلِّهَا. [۵۴۴]

۴/۱۰

كَرَاهَةُ أَكْلِ التُّفَّاحِ الْحَامِضِ

۱۵۹۴. رسول الله صلى الله عليه و آله: امْنَعِ الْعُرُوسَ فِي اسْبُوعِهَا مِنْ: الْأَلْبَانِ وَ الْحَلِّ وَ الْكُزْبُرَةِ وَ التُّفَّاحِ الْحَامِضِ...؛ لِأَنَّ الرَّحِمَ تَعْقِمُ وَ تَبْرُدُ مِنْ هَذِهِ الْأَرْبَعَةِ الْأَشْيَاءِ عَنِ الْوَلَدِ، وَ لَحْصِيرٍ فِي نَاحِيَةِ الْبَيْتِ خَيْرٌ مِنْ امْرَأَةٍ لَا تَلِدُ... وَ التُّفَّاحِ الْحَامِضُ؛ يَقَطِّعُ حَيْضَهَا فَيَصِيرُ دَاءً عَلَيْهَا. [۵۴۵]

راجع: ج ۱، ص ۲۵۴ (ما یورث النسیان).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۴۳

۱۵۹۲. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: چهار چیز، عمر را می‌افزاید: ... و خوردن سیب در سحرگاهان. [۵۴۶]

۳/۱۰ بوییدن سیب پیش از خوردن

۱۵۹۳. امام باقر علیه السلام: هنگامی که خواستی سیب بخوری، آن را بوی و سپس بخور. اگر این کار را انجام دادی، هر درد و عارضه‌ای از تنت بیرون می‌رود و همه آنچه از سوی ارواح، در انسان ایجاد می‌شود، فرو می‌نشیند.

۴/۱۰ مکروه بودن خوردن سیب ترش

۱۵۹۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عروس را در هفته اولش از: شیر، سرکه، گشنیز، و سیب ترش، باز بدار؛ زیرا از این چهار چیز، زهدان، سترون و سرد می‌شود... و پلاسی افتاده در گوشه خانه، از زنی که بچه نمی‌آورد، بهتر است... سیب ترش نیز حیض شدن زن را قطع می‌کند و این برای وی یک بیماری می‌شود.

ر. ک: ج ۱، ص ۲۵۵ (آنچه فراموشی می‌آورد).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۴۴

الفصل الحادی عشر: التلبينه

۱۵۹۵. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنَّ التَّلْبِيْنَ تَجْمُ فُوَادِ الْمَرِيضِ، وَ تَذَهَبُ بَعْضَ الْحُزَنِ. [۵۴۷]

۱۵۹۶. الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَوْ أَغْنَى عَنِ الْمَوْتِ شَيْءٌ لَأَغْنَتِ التَّلْبِيْنَ. فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ مَا التَّلْبِيْنَ؟

قَالَ: الْحَسُوُّ بِاللَّبَنِ، الْحَسُوُّ بِاللَّبَنِ، وَ كَرَّرَهَا ثَلَاثًا. [۵۴۸]

۱۵۹۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: عَلَيْكُمْ بِالْبَغِيضِ النَّافِعِ: التَّلْبِيْنَ، وَ الَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، إِنَّهَا لَتَغْسِلُ بَطْنَ أَحَدِكُمْ كَمَا يَغْسِلُ الْوَسِيخَ عَن وَجْهِ الْمَاءِ. [۵۴۹]

۱۵۹۸. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ التَّلْبِيْنَ يَجْلُو الْقَلْبَ الْحَزِيْنَ، كَمَا تَجْلُو الْأَصَابِعُ الْعَرَقَ مِنَ الْجَبِينِ. [۵۵۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۴۵

فصل یازدهم: تلبينه

۱۵۹۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: تلبينه [۵۵۱] دل بیمار را آرامش می‌دهد و بخشی از اندوه را می‌برد.

۱۵۹۶. امام صادق علیه السلام: «اگر چیزی وجود داشت که انسان را در برابر مرگ، سود می‌بخشید، تلبينه سود می‌بخشید». پرسیده شد: تلبينه چیست؟

فرمود: «شوربای فراهم آمده با شیر. شوربای فراهم آمده با شیر» و این را سه بار تکرار کرد.

۱۵۹۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد آن ناخوشایند سودمند: تلبينه. سوگند به آنکه جان محمد در دست اوست، آن، شکم را می‌شوید، چنان که کسی از شما چرک را با آب از صورت خود فرو می‌شوید.

۱۵۹۸. امام صادق علیه السلام: تلبينه، غم را از دل غمگین می‌زداید، همچنان که انگشتان، عرق را از پیشانی کنار می‌زنند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۴۶

الفصل الثاني عشر: التمر

خَوَاصُّ التَّمْرِ

۱۵۹۹. رسول الله صلى الله عليه وآله: قَالَ جَبْرِئِيلُ: التَّمْرُ الْبَرْنِيُّ... يَزِيدُ فِي مَاءِ فَقَارِ الظَّهْرِ. [۵۵۲]

۱۶۰۰. عنه صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالْبَرْنِيِّ؛ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِالْإِعْيَاءِ، وَيُدْفِي مِنَ الْقُرِّ، وَيُشْبِعُ مِنَ الْجُوعِ، وَفِيهِ اثْنَانِ وَسَبْعُونَ بَابًا مِنَ الشِّفَاءِ. [۵۵۳]

۱۶۰۱. عنه صلى الله عليه وآله: الْعَجْوَةُ مِنَ الْجَنَّةِ، وَفِيهَا شِفَاءٌ مِنَ السَّمِّ. [۵۵۴]

۱۶۰۲. الإمام علي عليه السلام: كُلُوا التَّمْرَ؛ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنَ الْأَدْوَاءِ. [۵۵۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۴۷

فصل دوازدهم: خرما

۱/۱۲ خواص خرما

۱۵۹۹. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: جبرئیل گفت: «خرمای برنی [۵۵۶]... آب ستون فقرات را می‌افزاید».

۱۶۰۰. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بر شما باد برنی؛ چرا که خستگی را از میان می‌برد، در برابر سوز سرما گرمی می‌دهد، در برابر گرسنگی سیر می‌کند و در آن، هفتاد و دو باب شفاست.

۱۶۰۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عَجْوَةٌ از بهشت است و درمان زهر، در آن است.

۱۶۰۲. امام علی علیه السلام: خرما بخورید؛ چرا که شفای دردها در آن است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۴۸

۱۶۰۳. الکافی عن أبي عمرو عن رجل عن الإمام الصادق عليه السلام: خَيْرُ تُمُورِكُمُ الْبَرْنِيُّ؛ يَذْهَبُ بِالْدَاءِ وَلَا دَاءَ فِيهِ، وَيَذْهَبُ بِالْإِعْيَاءِ وَلَا ضَرَرَ لَهُ، وَيَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ، وَمَعَ كُلِّ تَمْرَةٍ حَسَنَةٌ.

و فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: يُهْنِي وَيُمِرِّي، وَيَذْهَبُ بِالْإِعْيَاءِ وَيُشْبِعُ. [۵۵۸]

۱۶۰۴. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ وَفَدَ عَبْدِ الْقَيْسِ قَدِمُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. قَالَ: فَوَضَعُوا بَيْنَ يَدَيْهِ جُلَّةَ تَمْرٍ.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَمْ هَدِيَّةٌ؟

قَالُوا: بَلْ هَدِيَّةٌ.

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَيُّ تَمْرَاتِكُمْ هَذِهِ؟

قَالُوا: هُوَ الْبَرْنِيُّ يَا رَسُولَ اللَّهِ.

فَقَالَ هَذَا جَبْرِئِيلُ يُخْبِرُنِي أَنَّ فِي تَمْرَتِكُمْ هَذِهِ تِسْعَ خِصَالٍ: تُخَبِّلُ الشَّيْطَانَ، وَتُقَوِّي الظَّهْرَ، وَتَزِيدُ فِي الْمُجَامَعَةِ، وَتَزِيدُ فِي السَّمْعِ وَالبَصْرِ، وَتُقَرِّبُ مِنَ اللَّهِ، وَتُبَاعِدُ عَنِ الشَّيْطَانِ، وَتَهْضُمُ الطَّعَامَ، وَتَذْهَبُ بِالْدَاءِ، وَتُطَيِّبُ النِّكْهَةَ. [۵۵۹]

۱۶۰۵. دعائم الإسلام: عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ أَكَلَ عِنْدَهُ طَعَامًا

فَلَمَّا رَفَعَ الطَّعَامَ، قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ:

يَا جَارِيَّةُ، ائْتِينَا بِمَا عِنْدَكِ.

فَأَتَتْهُ بِتَمْرٍ.

فَقَالَ الرَّجُلُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ! هَذَا زَمَانُ الْفَاكِهَةِ وَالْأَعْنَابِ! وَكَانَ صَيْفًا.

فَقَالَ: كُلْ؛ فَإِنَّهُ خُلِقَ مِنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْعَجْوَةُ لَا دَاءَ وَلَا غَائِلَةَ. [۵۶۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۴۹

۱۶۰۳. الکافی به نقل از ابو عمرو، از مردی، از امام صادق علیه السلام: «بهترین خرماى شما، خرماى برنى است. دردها را مى برد و خود، بیماری نمى زاید، خستگی را مى زداید و زیانی در بر ندارد، بلغم را از میان مى برد و با هر خرمایی، سازگار است». در روایتی دیگر است که فرمود: «[غذا را] گوارا و سبک مى کند، خستگی را مى برد، و سیر مى کند».

۱۶۰۴. امام صادق علیه السلام: هیئت بنی عبد القیس بر پیامبر خدا وارد شدند. پس، ظرف خرمایی بافته از شاخه های خرما پیش روی ایشان نهادند.

پیامبر خدا پرسید: «صدقه است، یا هدیه؟».

گفتند: هدیه است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «این خرماها از کدام نوع است؟».

گفتند: ای پیامبر خدا! از خرماى برنى است.

فرمود: «این، جبرئیل است. به من خبر مى دهد که در این خرمایتان، نه ویژگی است: شیطان را به دیوانگی می افکند؛ پشت را قوی می کند؛ بر توان آمیزش می افزاید؛ بینایی و شنوایی را افزون می سازد؛ انسان را به خدا نزدیک می کند؛ انسان را از شیطان، دور می سازد؛ غذا را هضم می کند؛ درد را می برد؛ و دهان را خوش بو می نماید».

۱۶۰۵. دعائم الإسلام: درباره امام صادق علیه السلام نقل شده که یکی از یارانش نزد

ایشان غذایی خورد. چون سفره غذا را برچیدند، امام علیه السلام گفت: «ای کنیزک! آنچه داری، بیاور». او نیز خرما آورد.

آن مرد گفت: قربانت شوم! اکنون، هنگام میوه (ی سردرختی) و انگور است! و آن هنگام، تابستان بود.

فرمود: «بخور، که این از خوی پیامبر خداست. پیامبر خدا فرمود: در عَجْوَه، نه بیماری ای هست و نه عارضه ای».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۵۰

۱۶۰۶. الإمام الصادق علیه السلام: نِعَمَ التَّمْرِ الصَّرْفَانُ؛ لَا دَاءَ وَلَا غَائِلَةَ. [۵۶۱]

راجع: ج ۱، ص ۴۰۴ (ما ینفع لعلاج البحر).

۲/۱۲

أَفْضَلُ السَّحُورِ وَالْفَطُورِ

۱۶۰۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: نِعَمَ السَّحُورِ التَّمْرُ. [۵۶۲]

۱۶۰۸. عنه صلی الله علیه و آله: إِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ صَائِمًا فَلْيُفِطِرْ عَلَى التَّمْرِ، فَإِنْ لَمْ يَجِدِ التَّمَرَ فَعَلَى الْمَاءِ؛ فَإِنَّ الْمَاءَ طَهُورٌ. [۵۶۳]

۱۶۰۹. عنه صلی الله علیه و آله: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَ مَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَى الْمُسْتَغْفِرِينَ وَ الْمُتَسَحِّرِينَ بِالْأَسْحَارِ، فَلْيَتَسَحَّرْ أَحَدُكُمْ وَ

لَوْ بِشَرِيَّةٍ مِنْ مَاءٍ، وَ أَفْضَلُ السَّحُورِ السَّوِيقُ وَ التَّمْرُ. [۵۶۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۵۱

۱۶۰۶. امام صادق علیه السلام: صَرْفَانُ، [۵۶۵] نیکو خرمایی است؛ نه در آن بیماری ای هست و نه عارضه ای.

ر. ک: ج ۱، ص ۴۰۵ (آنچه برای درمان بوی بد دهان، سودمند است).

۲/۱۲ بهترین سحری و افطاری

۱۶۰۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خرما، چه خوش سحری ای است! [۵۶۶]

۱۶۰۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر کسی از شما روزه بود، با خرما روزه بگشاید و اگر خرما ندید، با آب؛ چرا که آب،

پاک کننده است.

۱۶۰۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند تبارک و تعالی و فرشتگان او، بر استغفارکنندگان و سحری خوران در سحرگاهان، درود می‌فرستند. پس، بایسته است هر کدامتان سحری بخورید، هر چند به جرعه‌ای آب باشد. اما بهترین سحری‌ها، سویق [۵۶۷] و خرماست.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۵۲

۱۶۱۰. الإمام الصادق علیه السلام: أَفْضَلُ سَحْرِكُمْ السَّوِيقُ وَالتَّمْرُ. [۵۶۸]

۳/۱۲

خَوَاصُّ الرُّطَبِ وَالتَّمْرِ لِلْحَامِلِ وَالنَّفْسَاءِ

۱۶۱۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: أُطِعْمُوا الْمَرْأَةَ فِي شَهْرِهَا الَّذِي تَلِدُ فِيهِ، التَّمْرَ؛ فَإِنَّ وَلَدَهَا يَكُونُ حَلِيمًا نَفِيًّا. [۵۶۹]

۱۶۱۲. عنه صلی الله علیه و آله: أُطِعْمُوا نِسَاءَكُمْ الْوُلْدَ الرُّطَبَ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ رُطَبٌ فَالتَّمْرَ، وَ لَيْسَ مِنَ الشَّجَرِ شَجْرَةٌ أَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ مِنْ شَجْرَةٍ نَزَلَتْ تَحْتَهَا مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ. [۵۷۰]

۱۶۱۳. عنه صلی الله علیه و آله: إِذَا وَلَدَتِ الْمَرْأَةُ فَلْيَكُنْ أَوَّلُ مَا تَأْكُلُ، الرُّطَبَ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ رُطَبٌ فَتَمْرٌ؛ فَإِنَّهُ لَوْ كَانَ شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنْهُ أُطِعِمَهُ اللَّهُ مَرْيَمَ عَلَيْهَا السَّلَامَ حِينَ وَلَدَتْ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامَ. [۵۷۱]

۱۶۱۴. عنه صلی الله علیه و آله: أُطِعْمُوا نِسَاءَكُمْ فِي نَفْسِهِنَّ التَّمْرَ؛ فَإِنَّهُ مَنْ كَانَ طَعَامُهَا فِي نَفْسِهَا التَّمْرَ خَرَجَ وَلَدُهَا ذَلِكَ حَلِيمًا، فَإِنَّهُ كَانَ طَعَامَ مَرْيَمَ حِينَ وَلَدَتْ عِيسَى، وَ لَوْ عَلِمَ اللَّهُ طَعَامًا هُوَ خَيْرٌ لَهَا مِنَ التَّمْرِ أُطِعِمَهَا إِيَّاهُ. [۵۷۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۵۳

۱۶۱۰. امام صادق علیه السلام: بهترین سحری‌های شما، سویق و خرماست.

۳/۱۲ خواص خرما برای زن باردار و تازه‌زا

۱۶۱۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به زن، در ماهی که فرزند به دنیا می‌آورد، خرماي تازه بدهید؛ چرا که در این صورت، کودک وی بردبار و پاک خواهد بود.

۱۶۱۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به زنان زائوی خود، خرماي تازه بدهید و اگر خرماي تازه نبود، خرماي دیگری. نزد خداوند، هیچ درختی عزیزتر از آن درخت که مریم (دختر عمران) در زیر آن فرود آمد، نیست.

۱۶۱۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون زن فرزند به دنیا آورد، باید نخستین چیزی که می‌خورد، خرماي تازه باشد و اگر خرماي تازه در اختیار نبود، خرماي دیگری؛ چرا که اگر چیزی برتر از آن وجود می‌داشت، خداوند آن را به مریم، هنگامی که عیسی علیه السلام را زاد، می‌خوراند.

۱۶۱۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به زنان خود در دوره نزدیک زایمان، خرما بدهید؛ زیرا هر کس که در دوره نزدیک زایمان غذایش خرما باشد، فرزندش بردبار زاده خواهد شد. خوراک مریم، هنگامی که عیسی را زاد، همین بود، در حالی که اگر خدا غذایی بهتر از خرما برای او سراغ داشت، همان را به وی می‌خوراند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۵۴

۱۶۱۵. الإمام علی علیه السلام: مَا تَأْكُلُ الْحَامِلُ مِنْ شَيْءٍ وَلَا تَتِدَاوِي بِهِ أَفْضَلَ مِنَ الرُّطَبِ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمَرْيَمَ عَلَيْهَا السَّلَامُ: «وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا» فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا. [۵۷۳]

۱۶۱۶. عنه علیه السلام: خَيْرٌ ثَمُورِكُمُ الْبُرْنِيُّ؛ فَاطْعِمُوهُ نِسَاءَكُمْ فِي نَفْسِهِنَّ تَخْرُجَ أَوْلَادُكُمْ زَكِيًّا حَلِيمًا. [۵۷۴]

۱۶۱۷. الإمام الصادق عليه السلام: أطيّموا نساءكم التمر البرني في نفاسهنّ، تجملوا أولادكم. [۵۷۵]

۱۶۱۸. عنه عليه السلام: أطيّموا البرني نساءكم في نفاسهنّ تحلم أولادكم. [۵۷۶]

راجع: ج ۱، ص ۶۷۸ (الجنين / غذاء النفساء).

۴ / ۱۲

أكل الرطب بالبطيخ والقثاء

۱۶۱۹. الإمام الصادق عليه السلام: كان رسول الله صلى الله عليه وآله يأكل الرطب بالخربز. [۵۷۷]

۱۶۲۰. سنن ابن ماجه عن سهل بن سعد: كان رسول الله صلى الله عليه وآله يأكل الرطب بالبطيخ. [۵۷۸]

۱۶۲۱. صحيح البخاري عن عبد الله بن جعفر بن أبي طالب: رأيت النبي صلى الله عليه وآله يأكل

الرطب بالقثاء. [۵۷۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۵۵

۱۶۱۵. امام علی علیه السلام: باردار، هیچ خوراکی نمی‌خورد و هیچ دارویی به کار نمی‌گیرد که برتر از خرما باشد. خداوند

عز و جل به مریم فرموده است: (و تنه درخت خرما رای به سوی خود تکان بده تا بر تو خرما تازه فرو ریزد* پس، بخور و بیاشام

و دیده روشن دار). [۵۸۰]

۱۶۱۶. امام علی علیه السلام: برنی، بهترین خرما می‌شماست. آن را در دوره نزدیک زایمان، به زنان خویش بدهید تا فرزندان پاک

و بردبار [به دنیا] آیند.

۱۶۱۷. امام صادق علیه السلام: به زنان خود در دوران زایمان، خرما برنی بدهید تا فرزندان خویش را زیبا سازید.

۱۶۱۸. امام صادق علیه السلام: به زنان خود در دوران زایمان، خرما برنی بدهید تا فرزندان بردبار شوند.

ر. ک: ج ۱، ص ۶۷۹ (جنین / خوراک تازه زا).

۴ / ۱۲ خوردن خرما با خربزه و خیار

۱۶۱۹. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، خرما تازه همراه با خربزه [۵۸۱] می‌خورد.

۱۶۲۰. سنن ابن ماجه به نقل از سهل بن سعد: پیامبر خدا، خرما تازه با خربزه می‌خورد.

۱۶۲۱. صحيح البخاري به نقل از عبد الله بن جعفر بن ابی طالب: پیامبر صلی الله علیه و آله را

دیدم که خرما تازه را همراه با خیارچنبر می‌خورد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۵۶

۱۲ / ۵ [۵۸۲]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۲؛ ص ۲۵۶

تحنيك المولود بالتمر

۱۶۲۲. الإمام علي عليه السلام: حنكوا أولادكم بالتمر، هكذا فعل النبي صلى الله عليه وآله بالحسن والحسين عليهما السلام. [۵۸۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۵۷

۱۲ / ۵ گشودن کام نوزاد با خرما

۱۶۲۲. امام علی علیه السلام: کام کودکان خویش را با خرما بگشایید. پیامبر صلی الله علیه و آله با حسن و حسین، چنین کرد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۵۸

الفصل الثالث عشر: التین

۱۶۲۳. مکارم الأخلاق عن أبي ذر: اهْدَى إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ طَبَقٌ عَلَيْهِ تَيْنٌ، فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ: كُلُوا، فَلَوْ قُلْتُ: فَكَيْهَهُ نَزَلَتْ مِنَ الْجَنَّةِ، لَقُلْتُ هَذِهِ؛ لِأَنَّهَا فَكَيْهَةٌ بِلا عَجْمٍ فَكَلُّوْهَا؛ فَإِنَّهَا تَقَطُّعُ الْبُؤَاسِيرَ، وَتَنْفَعُ مِنَ النَّقْرِسِ. [۵۸۴]

۱۶۲۴. رسول الله صلى الله عليه و آله: كُلُوا التَّيْنَ الرُّطْبَ وَ الْيَابِسَ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الْجِمَاعِ، وَ يَقَطُّعُ الْبُؤَاسِيرَ، وَ يَنْفَعُ مِنَ النَّقْرِسِ وَ الْإِبْرَدَةِ. [۵۸۵]

۱۶۲۵. الإمام علي عليه السلام: أَكَلُ التَّيْنِ يُلَيِّنُ [۵۸۶] الشَّدَدَ وَ هُوَ نَافِعٌ لِرِيَاحِ الْقَوْلَنْجِ، فَأَكْثَرُوا مِنْهُ بِالنَّهَارِ، وَ كَلُّهُ بِاللَّيْلِ، وَ لَا تُكْثَرُوا مِنْهُ. [۵۸۷]

۱۶۲۶. الإمام الرضا عليه السلام: التَّيْنُ يَذْهَبُ بِالْبَحْرِ، وَ يَشُدُّ الْعَظْمَ، وَ يَذْهَبُ بِالْدَاءِ حَتَّى لَا يُحْتَاجَ مَعَهُ إِلَى دَوَاءٍ. [۵۸۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۵۹

فصل سیزدهم: انجیر

۱۶۲۳. مکارم الأخلاق به نقل از ابو ذر: سینی ای از انجیر به پیامبر صلی الله علیه و آله هدیه شد. به اصحابش فرمود: «بخورید؛ چراکه اگر بنا بود بگویم میوه‌ای از بهشت است، همین میوه را می‌گفتم؛ زیرا میوه‌ای است بدون هسته. آن را بخورید؛ زیرا بواسیر را ریشه کن می‌سازد و برای نقرس [۵۸۹] سودمند است».

۱۶۲۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: انجیر، تازه و خشک، بخورید؛ چرا که بر قدرت همبستری می‌افزاید، بواسیر را ریشه کن می‌کند، و برای درمان نقرس و سردی مزاج، سودمند است.

۱۶۲۵. امام علی علیه السلام: خوردن انجیر، انسدادها را نرم می‌کند و برای بادهای قولنج، سودمند است. در روز، از آن فراوان بخورید و آن را در شب هم بخورید؛ اما فراوان، نه.

۱۶۲۶. امام رضا علیه السلام: انجیر، بوی بد دهان را می‌برد، استخوان‌ها را استحکام می‌بخشد، درد را می‌برد و با وجود آن، دیگر به دارویی نیاز نیست.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۶۰

۱۶۲۷. الكافي عن أحمد بن محمد بن أبي نصر عن الإمام الرضا عليه السلام: التَّيْنُ يَذْهَبُ بِالْبَحْرِ، وَ يَشُدُّ الْفَمَ وَ الْعَظْمَ، وَ يُنَبِّتُ الشَّعْرَ، وَ يَذْهَبُ بِالْدَاءِ وَ لَا يُحْتَاجُ مَعَهُ إِلَى دَوَاءٍ.

وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: التَّيْنُ أَشْبَهُ شَيْءٍ بِنَبَاتِ الْجَنَّةِ. [۵۹۰]

۱۶۲۸. طَبَّ الْأَثَمَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَرْفَةَ: كُنْتُ بِخُرَّاسَانَ أَيَّامَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْمَأْمُونِ، فَقُلْتُ لِلرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، مَا تَقُولُ فِي أَكْلِ التَّيْنِ؟

قَالَ: هُوَ جَيِّدٌ لِلْقَوْلَنْجِ فَكَلُّوهُ. [۵۹۱]

۱۶۲۹. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَرِقَّ قَلْبُهُ، فَلْيَدْمِنْ أَكْلَ الْبَلْسِ. [۵۹۲]

راجع: ج ۱، ص ۴۴۶ (ما ینفع لأوجاع الكبِد/ لبن التین).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۶۱

۱۶۲۷. الکافی به نقل از احمد بن محمد بن ابی نصر، از امام رضا علیه السلام: «انجیر، بوی بد دهان را می‌برد، دهان و استخوان‌ها را استحکام می‌بخشد، مو برمی‌رویند، درد را می‌برد و با وجود آن، دیگر به دارویی نیاز نیست».

همچنین فرمود: «انجیر، همانندترین چیز به گیاهان بهشت است».

۱۶۲۸. طَبَّ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به نقل از محمد بن عَرفه: در روزگار امام رضا علیه السلام و مأمون، در خراسان بودم. [یک بار،] از

امام رضا علیه السلام پرسیدم: ای پسر پیامبر خدا! درباره انجیر، چه می‌گویی؟

فرمود: «برای قولنج، سودمند است. آن را بخورید».

۱۶۲۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس دوست دارد دلش نازک باشد، بَلَس [۵۹۳] بخورد. [۵۹۴]

ر. ک: ج ۱، ص ۴۴۷ (آنچه برای دردهای کبد، سودمند است/ شیر انجیر).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۶۲

الفصل الرابع عشر: الثوم

۱۶۳۰. رسول الله صلی الله علیه و آله: کُلُوا الثُّومَ وَ تَدَاوُوا بِهِ؛ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ سَبْعِينَ دَاءً. [۵۹۵]

۱۶۳۱. عنه صلی الله علیه و آله مِنْ وَصَايَاهُ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ، كُلِ الثُّومَ؛ فَلَوْ لَا أَنِّي أَنَا جِي الْمَلِكِ لَأَكَلْتَهُ. [۵۹۶]

۱۶۳۲. الإمام الصادق علیه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: «مَنْ أَكَلَ هَذِهِ الْبُقْلَةَ فَلَا- يَقْرُبَ مَسْجِدَنَا»، وَ لَمْ يَقُلْ: إِنَّهَا

حَرَامٌ. [۵۹۷]

۱۶۳۳. الإمام الرضا علیه السلام: مَنْ أَرَادَ أَلَّا يُصِيبَهُ رِيحٌ، فَلْيَأْكُلِ الثُّومَ فِي كُلِّ سَبْعَةِ أَيَّامٍ. [۵۹۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۶۳

فصل چهاردهم: سیر

۱۶۳۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «سیر [۵۹۹] بخورید و بدان درمان کنید؛ چرا که درمان هفتاد درد در آن هست.

۱۶۳۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سفارش‌های ایشان امام علی علیه السلام: ای علی! «سیر» بخور. اگر نبود که من با فرشته

هم‌سخن می‌شوم، «سیر» می‌خوردم.

۱۶۳۲. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «هر کس این سبزی را خورد، به مسجد ما نزدیک نشود»؛ اَمَّا نَفَرَمُود: این، حرام

است.

۱۶۳۳. امام رضا علیه السلام: هر کس می‌خواهد بادی دامنگیر او نشود، در هر هفت روز، [یک بار] «سیر» بخورد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۶۴

الفصل الخامس عشر: الجبن

۱ / ۱۵

خَوَاصُّ الْجُبْنِ

۱۶۳۴. رسول الله صلى الله عليه وآله: كَلُوا الْجُبْنَ؛ فَإِنَّهُ يورثُ النَّعَاسَ، وَ يَهْضِمُ الطَّعَامَ. [۶۰۰]

۱۶۳۵. الإمام الصادق عليه السلام: نِعَمَ اللَّقْمَةُ الْجُبْنُ؛ تُعَذِّبُ النَّفْسَ، وَ تُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَ تَهْضِمُ مَا قَبْلَهُ، وَ تُشْهِي الطَّعَامَ، وَ مَنْ يَعْتَمِدُ أَكْلَهُ رَأْسَ الشَّهْرِ أَوْشَكَ أَنْ لَا تُرَدَّ لَهُ حَاجَةٌ. [۶۰۱]

۱۶۳۶. الإمام الصادق عليه السلام: نِعَمَ اللَّقْمَةُ الْجُبْنُ؛ يُطَيِّبُ الشَّرْبَةَ [۶۰۲]، وَ يَهْضِمُ مَا قَبْلَهُ، وَ يُمِرُّ مَا بَعْدَهُ. [۶۰۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۶۵

فصل پانزدهم: پنیر

۱ / ۱۵ خَوَاصُّ پَنِیر

۱۶۳۴. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: پنیر بخورید؛ چرا که خواب می آورد و غذا را هضم می کند. [۶۰۴]

۱۶۳۵. امام صادق علیه السلام: چه نیکو لقمه‌ای است پنیر! دهان را تر و تازه می کند، بوی دهان را خوش می سازد، غذای پیشین را هضم می کند و برای پس از خود، اشتها آور است. هر کس آن را سر هر ماه بخورد، نزدیک است که هیچ حاجت او بی پاسخ نماند.

۱۶۳۶. امام صادق علیه السلام: پنیر، چه نیکو لقمه‌ای است! نوشیدن انسان را خوش بو می سازد، آنچه را پیش از آن هست، هضم می کند و آنچه را پس از آن باشد، دوست داشتنی می سازد. [۶۰۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۶۶

۱۶۳۷. الإمام الصادق عليه السلام: الْجُبْنُ يَهْضِمُ الطَّعَامَ قَبْلَهُ، وَ يُشْهِي بَعْدَهُ. [۶۰۶]

۲ / ۱۵

أَكْلُ الْجُبْنِ بِالْجَوْزِ

۱۶۳۸. رسول الله صلى الله عليه وآله: الْجُبْنُ دَاءٌ، فَإِذَا أَكَلَ بِالْجَوْزِ فَهُوَ شِفَاءٌ. [۶۰۷]

۱۶۳۹. عنه صلى الله عليه وآله: الْجُبْنُ دَاءٌ، وَ الْجَوْزُ دَاءٌ، فَإِذَا اجْتَمَعَا مَعَا صَارَا دَوَاءً. [۶۰۸]

۱۶۴۰. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الْجَوْزَ وَ الْجُبْنَ إِذَا اجْتَمَعَا كَانَا دَوَاءً، وَ إِذَا افْتَرَقَا كَانَا دَاءً. [۶۰۹]

۱۶۴۱. عنه عليه السلام: الْجُبْنُ وَ الْجَوْزُ إِذَا اجْتَمَعَا فِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا شِفَاءٌ، وَ إِنْ افْتَرَقَا كَانَ فِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا دَاءٌ. [۶۱۰]

۳ / ۱۵

أَكْلُ الْجُبْنِ بِالْبَطِيخِ

۱۶۴۲. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ امْرَأَةٍ حَامِلَةٍ أَكَلَتِ الْبَطِيخَ بِالْجُبْنِ إِلَّا يَكُونُ مَوْلُودُهَا حَسَنَ الْوَجْهِ وَ الْخُلُقِ. [۶۱۱]

۱۶۴۳. طَبَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: كَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَأْكُلُ الْقِثَاءَ بِالْمِلْحِ، وَ يَأْكُلُ الْبَطِيخَ بِالْجُبْنِ. [۶۱۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۶۷

۱۶۳۷. امام صادق علیه السلام: پنیر، غذاهای پیش از خود را گوارش می دهد و برای پس از خود، اشتها می آورد.

۲ / ۱۵ خوردن پنیر با گردو

۱۶۳۸. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: پنیر، درد است؛ اما چون با گردو خورده شود، درمان است.

۱۶۳۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پنیر، درد است، گردو هم درد است؛ اما چون با هم در یک جا جمع گردند، درمان می‌شوند.
 ۱۶۴۰. امام صادق علیه السلام: گردو و پنیر، چون با هم یک جا جمع شوند، درمان‌اند؛ اما اگر از هم جدا باشند، درد می‌شوند.
 ۱۶۴۱. امام صادق علیه السلام: پنیر و گردو، چون با هم یک جا جمع شوند، در هر یک از آنها درمان است؛ اما اگر از هم جدا شوند، در هر یک از آنها درد است.

بیان

علامه مجلسی می‌گوید:

شاید این نهی، به پنیر تازه نمک‌نازده اختصاص داشته باشد که در آن سرزمین‌ها رواج داشته و دارای طبعی سرد است، که گردو با حرارت خویش، آن را تعدیل می‌کند.

۱۵ / ۳ خوردن پنیر با خربزه

۱۶۴۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ زن بارداری نیست که خربزه با پنیر بخورد، مگر آنکه کودکش خوش‌روی و خوش‌خوی شود.

۱۶۴۳. طبّ النبّی صلی الله علیه و آله: پیامبر صلی الله علیه و آله خیار را با نمک، و خربزه را با پنیر می‌خورد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۶۸

۴ / ۱۵

مَضَارُّ الْجُبْنِ

۱۶۴۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: عَشْرُ خِصَالٍ تَوَرَّثَ النَّسِيَانُ: أَكَلَ الْجُبْنَ و... [۶۱۳]

۱۶۴۵. الإمام الصادق علیه السلام: لَنْ كَانَ الْجُبْنُ يَضُرُّ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَنْفَعُ، فَإِنَّ الشُّكْرَ يَنْفَعُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَضُرُّ مِنْ شَيْءٍ. [۶۱۴]

۱۶۴۶. الكافي: رُوِيَ أَنَّ مَضْرَّةَ الْجُبْنِ فِي قَشْرِهِ. [۶۱۵]

۵ / ۱۵

الْجُبْنُ فِي الْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ

۱۶۴۷. الكافي: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ النَّيسَابُورِيِّ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلَهُ رَجُلٌ عَنِ الْجُبْنِ فَقَالَ: دَاءٌ لَا

دَوَاءَ فِيهِ. فَلَمَّا كَانَ بِالْعَشِيِّ دَخَلَ الرَّجُلُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَنَظَرَ إِلَى الْجُبْنِ عَلَى الْخِوَانِ، فَقَالَ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! سَأَلْتُكَ

بِالْغَدَاةِ عَنِ الْجُبْنِ، فَقُلْتَ لِي: إِنَّهُ هُوَ الدَّاءُ الَّذِي لَا دَوَاءَ لَهُ، وَالسَّاعَةَ أَرَاهُ عَلَى الْخِوَانِ!

قَالَ: فَقَالَ لِي: هُوَ ضَارٌّ بِالْغَدَاةِ نَافِعٌ بِالْعَشِيِّ، وَيَزِيدُ فِي مَاءِ الظَّهْرِ. [۶۱۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۶۹

۱۵ / ۴ زیان‌های پنیر

۱۶۴۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ده چیز، فراموشی می‌آورد: خوردن پنیر... [۶۱۷]

۱۶۴۵. امام صادق علیه السلام: اگر که پنیر برای هر چیزی زیانبار است و هیچ سودی ندارد، شکر برای هر چیزی سودمند است و برای هیچ چیز، زیانی ندارد.

۱۶۴۶. الكافي: روایت شده که زیانباری پنیر، در پوست آن [۶۱۸] است.

۱۵ / ۵ خوردن پنیر در صبحگاهان و شامگاهان

۱۶۴۷. الکافی به نقل از محمد بن فضل نیشابوری، از یکی از مردانش: مردی درباره پنیر از امام صادق علیه السلام پرسید. فرمود: «دردی است. درمانی هم در آن نیست».

چون شامگاهان فرا رسید، همان مرد بر امام صادق علیه السلام وارد شد و نگاه خود را به پنیری که بر سفره بود، افکند و پرسید: قربانت شوم! صبحگاهان، از تو درباره پنیر پرسیدم و به من گفستی: آن، درد است و درمانی در آن نیست؛ امّا اکنون، آن را بر سفره می‌بینم!؟

فرمود: «پنیر، صبحگاهان، زیانبار و شامگاهان، سودمند است و آب کمر را افزون می‌سازد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۷۰

الفصل السادس عشر: الجرجير

۱ / ۱۶

ما رَوَى فِي ذِمِّ الْجَرَجِيرِ

۱۶۴۸. رسول الله صلى الله عليه وآله: أكره الجرجير، و كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى شَجَرَتِهَا نَابِتَةً فِي جَهَنَّمَ، وَ مَا تَضَلَّعَ مِنْهَا رَجُلٌ بَعْدَ أَنْ يُصَيِّمَ الْعِشَاءَ إِلَّا بَاتَ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ وَ نَفْسُهُ تُنَازِعُهُ إِلَى الْجُدَامِ. [۶۱۹]

۱۶۴۹. الإمام الباقر عليه السلام: الجرجير شجرة على باب النار. [۶۲۰]

۱۶۵۰. الإمام الصادق عليه السلام: لبني أمية من الثقول الجرجير. [۶۲۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۷۱

فصل شانزدهم: جرجير

۱ / ۱۶ آنچه در نکوهش جرجیر روایت شده

۱۶۴۸. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: من، جرجیر [۶۲۲] را خوش نمی‌دارم و گویا درخت آن را می‌نگرم که در دوزخ، روییده است. هیچ کس پس از گزاردن نماز عشا، درون را از آن پُر نمی‌سازد، مگر این که آن شب را در حالی به خواب می‌رود که جان او تا صبح با جذام، دست و پنجه نرم می‌کند.

۱۶۴۹. امام باقر علیه السلام: جرجیر، درختی بر در دوزخ است.

۱۶۵۰. امام صادق علیه السلام: سهم بنی امیه از سیزی‌ها، جرجیر است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۷۲

۲ / ۱۶

ما رَوَى فِي النَّهْيِ عَنِ أَكْلِ الْجَرَجِيرِ فِي اللَّيْلِ

۱۶۵۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَكَلَ الْجَرَجِيرَ ثُمَّ نَامَ، يُنَازِعُهُ عِرْقُ الْجُدَامِ فِي أَنْفِهِ. [۶۲۳]

۱۶۵۲. الإمام الصادق عليه السلام: أكل الجرجير بالليل يورث البرص. [۶۲۴]

۱۶۵۳. عنه عليه السلام: مَنْ أَكَلَ الْجَرَجِيرَ بِاللَّيْلِ ضَرَبَ عَلَيْهِ عِرْقُ الْجُدَامِ مِنْ أَنْفِهِ وَ بَاتَ يُنَزِّفُ الدَّمَ. [۶۲۵]

۱۶۵۴. عنه عليه السلام: ما تَصَلَّعَ الرَّجُلُ مِنَ الْجِرْجِيرِ بَعْدَ أَنْ يُصَلِّيَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ، فَبَاتَ تِلْكَ اللَّيْلَةَ إِلَّا وَ نَفْسُهُ تُنَازِعُهُ إِلَى الْجَذَامِ. [۶۲۶]

۳/۱۶

ما يَزِدُّ الْأَخْبَارَ السَّابِقَةَ

۱۶۵۵. الكافي عن نصير مولى أبي عبد الله عن [۶۲۷] مَوْفَّقَ مَوْلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانَ مَوْلَايَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَمَرَ بِشِرَاءِ الْبُقْلِ يَأْمُرُ بِالْإِكْثَارِ مِنْهُ وَمِنَ الْجِرْجِيرِ، فَيَشْتَرِي لَهُ، وَ كَانَ يَقُولُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا أَحَقَّ بَعْضَ النَّاسِ! يَقُولُونَ: إِنَّهُ يَنْبُتُ فِي وَادٍ فِي جَهَنَّمَ، وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ» [۶۲۸] * فَكَيْفَ تُنْبِتُ الْبُقْلَ. [۶۲۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۷۳

۱۶/۲ آنچه در نهی از خوردن جرجیر به هنگام شب رسیده است

۱۶۵۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس جرجیر بخورد و بخوابد، رگ جذام در بینی او با آن درمی آویزد.

۱۶۵۲. امام صادق علیه السلام: خوردن جرجیر در هنگام شب، پیسی می آورد.

۱۶۵۳. امام صادق علیه السلام: هر کس شبانگاه جرجیر بخورد، رگ جذام، از بینی وی بر آن یورش می آورد و آن شب را شبِ خونریزی می کند.

۱۶۵۴. امام صادق علیه السلام: هیچ کس پس از گزاردن نماز عشاء، درون را از جرجیر پُر نمی کند و بر آن نمی خوابد، مگر این که جان وی او را به سوی جذام می کشاند.

۱۶/۳ آنچه احادیث پیشین را رد می کند

۱۶۵۵. الكافي به نقل از نصير (خدمتکار امام صادق علیه السلام)، از مَوْفَّقَ [۶۳۰] (خدمتکار امام کاظم علیه السلام): آقای من، امام کاظم علیه السلام، چون به خریدن سبزی فرمان می داد، می فرمود: «از آن و همچنین از جرجیر، فراوان تهیه شود». آنها را برای ایشان می خریدند و ایشان می فرمود:

«چه قدر سبک خردند برخی از مردم، که می گویند جرجیر، در یکی از دره‌های جهنم می روید، در حالی که خداوند می فرماید: (هیزم آن، مردمان و سنگ‌هایند). [۶۳۱] پس چگونه آنجا سبزی می روید؟» [۶۳۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۷۵

بیان

همان گونه که ملاحظه شد، احادیثی که درباره جرجیر نقل شده، بر سه گونه‌اند:

۱. احادیثی که جرجیر را «گیاه دوزخ» می نامند و بر این تصریح می کنند که این گیاه، از آن امویان است؛ یعنی دشمنان اهل بیت، آن را می خورند.
۲. احادیثی که از خوردن جرجیر به هنگام شب یا پیش از خفتن، نهی می کنند.
۳. حدیثی که در آن، امام علیه السلام به صراحت، نامیده شدن این گیاه را به «گیاه دوزخ»، رد کرده و حتی به تهیه مقدار فراوان تری از آن برای خوراک شخصی خود، فرمان داده است.

به نظر می‌رسد که احادیث دسته نخست، افزون بر ضعف سند، به سبب استدلال موجود در احادیث اخیر، قابل قبول نیستند. وانگهی، اگر فرض کنیم که گیاهی، امکان رویش در کنار دوزخ را دارد، یا غذایی را دشمنان اهل بیت مصرف می‌کنند، آیا چنین گیاه و غذایی، نکوهیده خواهند بود و دوستداران اهل بیت، نباید از آنها بخورند؟

امّا احادیث دسته دوم، احادیثی هستند که به طور اصولی، درباره سند و دلالت آنها اشکالی وجود ندارد. از همین رو، پرهیز از خوردن این گیاه در هنگام شب یا پیش از خواب، با احتیاط طبیعی، موافق است، مگر در صورتی که خلاف قطعی این امر، به روش علمی اثبات شود و از این طریق، به عدم صدور این احادیث نیز اطمینان حاصل گردد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۷۶

الفصل السابع عشر: الجزر

۱۶۵۶. الإمام الصادق عليه السلام: الْجَزْرُ أَمَانٌ مِنَ الْقَوْلنجِ وَ الْبَوَاسِيرِ، وَ يُعِينُ عَلَى الْجِمَاعِ. [۶۳۳]

۱۶۵۷. عنه عليه السلام: أَكَلُ الْجَزْرِ يُسَخِّنُ الْكُلَيْتَيْنِ، وَ يُقِيمُ الذَّكْرَ. [۶۳۴]

۱۶۵۸. مكارم الأخلاق عن داوود بن فرقد: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ [۶۳۵] وَ بَيْنَ يَدَيْهِ جَزْرٌ، قَالَ: فَنَاوَلَنِي جَزْرَةً، وَ قَالَ: كُلْ.

فَقُلْتُ: إِنَّهُ لَيْسَ لِي طَوَاحِنُ!

فَقَالَ: أَمَا لَكَ جَارِيَةٌ؟

قُلْتُ: بَلَى.

قَالَ: مُرَّهَا أَنْ تَسْلُقَهُ لَكَ وَ كُلَّهُ؛ فَإِنَّهُ يُسَخِّنُ الْكُلَيْتَيْنِ، وَ يُقِيمُ الذَّكْرَ. [۶۳۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۷۷

فصل هفدهم: زردک

۱۶۵۶. امام صادق علیه السلام: زردک، مایه ایمنی از قولنج و بواسیر است و توان نزدیکی را تقویت می‌کند.

۱۶۵۷. امام صادق علیه السلام: خوردن زردک، کلیه‌ها را گرم می‌کند و آلت را راست می‌گرداند.

۱۶۵۸. مکارم الأخلاق به نقل از داوود بن فرقد: بر امام صادق علیه السلام [۶۳۷] وارد شدم، در حالی که قدری زردک نزد ایشان بود. امام علیه السلام زردکی به من داد و فرمود: «بخور».

گفتم: من دندان آسیاب ندارم.

فرمود: «آیا کنیز نداری؟».

گفتم: چرا.

فرمود: «به او بگو آن را برای آب‌پز کند. سپس آن را بخور؛ چرا که کلیه‌ها را گرم می‌کند و آلت را راست می‌گرداند».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۷۸

۱۶۵۹. الکافی عن داوود بن فرقد: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: أَكَلُ الْجَزْرِ يُسَخِّنُ الْكُلَيْتَيْنِ، وَ يَنْصِبُ الذَّكْرَ. قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! كَيْفَ أَكَلُهُ وَ لَيْسَ لِي أَسْنَانُ؟

قَالَ: فَقَالَ لِي: مُرِ الْجَارِيَةَ تَسْلُقُهُ وَكُلَّهُ. [۶۳۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۷۹

۱۶۵۹. الکافی به نقل از داوود بن فرقد: از امام کاظم علیه السلام شنیدم که می فرمود: «خوردن زردک، کلیه‌ها را گرم می کند و آلت را راست می گرداند».

به ایشان گفتم: فدایت شوم! در حالی که دندان ندارم، چگونه آن را بخورم؟

به من فرمود: «به کنیز خود بگو آن را برایت آب پز کند. سپس آن را بخور».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۸۰

الفصل الثامن عشر: الجوز

۱۶۶۰. الإمام علي عليه السلام: أكل الجوز في شدة الحر؛ يهيج الحر في الجوف، و يهيج الفروخ على الجسد، و أكله في الشتاء يسخن الكليتين، و يدفع البرد. [۶۳۹]

راجع: ج ۲، ص ۲۶۶ (أكل الجوز بالجوز). ج ۱، ص ۴۳۲ (ما ينفع لعلاج بعض أوجاع البطن / الجوز المشوي). ج ۲، ص ۳۳۲، ح ۱۷۵۶.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۸۱

فصل هیجدهم: گردو

۱۶۶۰. امام علی علیه السلام: خوردن گردو در گرمای شدید، حرارت را در بدن برمی انگیزد و زخم‌های تن را تحریک می کند؛ اما خوردن آن در زمستان، کلیه‌ها را گرم می کند و سرما را می راند.

ر. ک: ج ۲، ص ۲۶۷ (خوردن پنیر با گردو). ج ۱، ص ۴۳۳ (آنچه برای برخی دردهای شکم، سودمند است / گردوی تف داده). ج ۲، ص ۳۳۳ ح ۱۷۵۶.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۸۲

الفصل التاسع عشر: الحرمل

۱۶۶۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: من شرب الحرمل أربعين صيحا كل يوم مثقالا، لاستنار الحكمة في قلبه، و عوفى من اثنين و سبعين داء، أهونته الجذام. [۶۴۰]

۱۶۶۲. عنه صلى الله عليه وآله: ما أنبت الحرمل من شجرة ولا ورقه ولا ثمرة إلا و ملك مؤكل بها، حتى تصل إلى من وصلت إليه أو تصير خطاما. و إن في أصلها و فروعها لسرا، و إن في حبها الشفاء من اثنين و سبعين داء، فتداوا بها و بالكندر.

[۶۴۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۸۳

فصل نوزدهم: هزار اسپند

۱۶۶۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به مدت چهل روز، هر صبح، یک مثقال هزار اسپند [۶۴۲] حل شده در آب بخورد، نور حکمت در دلش روشن می‌شود و از هفتاد و دو بیماری که کمترین آنها جذام است، ایمنی می‌یابد.

۱۶۶۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هزار اسپند، هیچ بوته و برگ و میوه‌ای نمی‌رویاند، مگر این که فرشته‌ای بر آن [بوته و برگ و میوه گماشته شده است، تا زمانی که بدان کس که می‌رسد، برسد یا خرد شود.

در تنه و ریشه‌های آن، رازی نهفته است و در دانه آن، درمان هفتاد و دو درد است. با آن و با کُنْدُر، درمان کنید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۸۴

۱۶۶۳. الإمام علی علیه السلام: ما من شجرة حرملة نبتت إلا و معها ملائكة يحرسونها، حتى تصل إلى من وصلت. و في أصل الحرملة شرة، و في فرعها شفاء من اثنين و سبعين داء. [۶۴۳]

۱۶۶۴. الإمام الصادق علیه السلام و قد سئل عن الحرملة و اللبان فقال: أما الحرملة فما يقلقل له عرق في الأرض ولا فرع في السماء، إلا و كل به ملك حتى يصير خطا و يصير إلى ما صارت؛ فإن الشيطان ليتكذب سبعين دارا دون الدار التي هو فيها، و هو شفاء من سبعين داء أهونه الجذام، فلا تغفلوا عنه. [۶۴۴]

۱۶۶۵. مكارم الأخلاق عن محمد بن محمد بن الحكم: شكنا نبي إلى الله عز و جل جبن أمته، فأوحى الله عز و جل إليه: مر أمتك بأكل الحرملة.

و في رواية: مرهم فليسفوا الحرملة؛ فإنه يزيد الرجل شجاعة. [۶۴۵]

راجع: ج ۱، ص ۵۹۶ (ما ينفع لعلاج تقطير البول).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۸۵

۱۶۶۳. امام علی علیه السلام: هیچ بوته‌ای از بوته‌های هزار اسپند نمی‌روید، مگر این که فرشتگانی با آن هستند و آن را تا هنگامی که بدان کس که می‌رسد، برسد، حفاظت می‌کنند. ریشه هزار اسپند، نشاط‌آور و شاخه آن، درمان هفتاد و دو درد است.

۱۶۶۴. امام صادق علیه السلام در پاسخ پرسشی درباره هزار اسپند و کُنْدُر: اما هزار اسپند، هیچ ریشه‌ای از آن در زمین فرو نمی‌رود و هیچ شاخه‌ای از آن به آسمان بلند نمی‌شود، مگر این که خداوند عز و جل فرشته‌ای را بر آن می‌گمارد، تا آن هنگام که خشک می‌شود یا به سرنوشتی دیگر در می‌آید.

شیطان نیز از خانه‌ای که در آن، هزار اسپند است، هفتاد خانه دور می‌شود. و آن، شفای هفتاد بیماری است که کمترین آنها، جذام است. پس، از آن غفلت نورزید.

۱۶۶۵. مکارم الأخلاق به نقل از محمد بن حکم: یکی از پیامبران الهی از ترسو بودن امت خود، به درگاه خداوند عز و جل نالید. خداوند عز و جل به او چنین وحی فرستاد: «به امتت فرمان بده که هزار اسپند بخورند».

در روایتی دیگر است: «به آنان بفرما که هزار اسپند بگیرند و بخورند؛ چرا که مرد را شجاعت می‌افزاید».

ر. ک: ج ۱، ص ۵۹۷ (آنچه برای درمان ریزش قطره قطره پیشاب، سودمند است).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۸۶

۱۶۶۶. رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالْحُلْبِيِّ وَ لَوْ بِيَعٍ وَ زُنْهًا ذَهَابًا. [۶۴۶]

۱۶۶۷. عنه صلى الله عليه وآله: تَدَاوُوا بِالْحُلْبِيِّ؛ فَلَوْ تَعَلَّمِ امَّتِي مَا لَهَمَ فِي الْحُلْبِيِّ، لَتَدَاوُوا بِهَا وَ لَوْ يَوْزِنُهَا ذَهَابًا. [۶۴۷]

۱۶۶۸. الإمام الكاظم عليه السلام: مِنَ الزَّيْحِ الشَّابِكَةِ وَ الْحَامِّ وَ الْإِبْرِدَةِ فِي الْمَفَاصِلِ، تَأْخُذُ

كَفَّ حُلْبِيَّ وَ كَفَّ تَيْنِ يَابِسٍ تَغْمُرُهُمَا بِالْمَاءِ وَ تَطْبُخُهُمَا فِي قِدْرِ نَظِيفَةٍ، ثُمَّ تُصَيِّفِي ثُمَّ تُبْرِّدُ، ثُمَّ تَشْرَبُهُ يَوْمًا وَ تَغْبُ يَوْمًا، حَتَّى تَشْرَبَ مِنْهُ تَمَامَ أَيَّامِكَ قَدْرَ قَدَحٍ رَوِيٌّ.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۸۷

فصل بیستم: شنبلیله

۱۶۶۶. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بر شما باد شنبلیله [۶۴۸]، هر چند همسنگ طلا فروخته شود.

۱۶۶۷. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: به شنبلیله درمان بجوید. اگر امت من می دانستند که شنبلیله برایشان چه سودهایی دارد، با آن درمان می کردند، هر چند همسنگ آن، طلا می دادند!

۱۶۶۸. امام کاظم علیه السلام: برای درمان بادِ شابکه و حام [۶۴۹] و سردی ای که مفاصل را در

بر می گیرد و بدانها درمی پیچد، یک مشت شنبلیله و یک مشت انجیر خشک برمی داری و در آب می خیسانی و در دیگی تمیز می پزی. سپس آن را از صافی می گذرانی و آن گاه سرد می کنی و یک روز در میان، از آن می خوری و این کار را تا هنگامی که یک کاسه پُر مصرف شود، ادامه می دهی.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۹۰

الفصل الحادی و العشرون: الحلواء

۱۶۶۹. رسول الله صلى الله عليه وآله: الْمُؤْمِنُ عَذِبٌ يُحِبُّ الْعَذْوِيَّةَ، وَ الْمُؤْمِنُ حُلْوٌ يُحِبُّ الْحَلَاوَةَ. [۶۵۰]

۱۶۷۰. عنه صلى الله عليه وآله: قَلْبُ الْمُؤْمِنِ حُلْوٌ يُحِبُّ الْحَلَاوَةَ. [۶۵۱]

۱۶۷۱. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ فِي بَطْنِ الْمُؤْمِنِ زَاوِيَةً لَا يَمْلُؤُهَا إِلَّا الْحَلْوَاءُ. [۶۵۲]

۱۶۷۲. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله كَانَ لَا يَرُدُّ الطِّيبَ وَ الْحَلْوَاءَ. [۶۵۳]

۱۶۷۳. الإمام الكاظم عليه السلام: إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَحِبُّ الْحَلْوَاءَ. [۶۵۴]

۱۶۷۴. الكافي عن هارون بن مَوْفَّقِ المَدِينِيِّ: بَعَثَ إِلَيَّ الْمَاضِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمًا فَأَكَلْتُ عِنْدَهُ، وَ أَكْثَرَ مِنَ الْحَلْوَاءِ، فَقُلْتُ: مَا أَكْثَرَ هَذِهِ الْحَلْوَاءِ!

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّا وَ شِيعَتُنَا خُلِقْنَا مِنَ الْحَلَاوَةِ؛ فَنَحْنُ نَحِبُّ الْحَلْوَاءَ. [۶۵۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۹۱

فصل بیست و یکم: شیرینی

۱۶۶۹. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: مؤمن، نوشین است و نوشین را دوست دارد، و مؤمن، شیرین است و شیرینی را دوست دارد.

۱۶۷۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دل مؤمن، شیرین است و او شیرینی را دوست دارد.
۱۶۷۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در دل مؤمن، کنجی است که جز شکرینه، آن را پُر نمی‌کند.
۱۶۷۲. امام علی علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله، عطر و شیرینی را بر نمی‌گرداند.
۱۶۷۳. امام کاظم علیه السلام: ما خاندانی هستیم که شیرینی را دوست داریم.
۱۶۷۴. الکافی به نقل از هارون بن موفّق مدینی: روزی، امام کاظم علیه السلام در پی من فرستاد. من نزد امام علیه السلام غذا خوردم و ایشان، شکرینه فراوان خورد.
- گفتم: چه قدر، این شکرینه فراوان است!
- فرمود: «ما و پیروانمان، از شیرینی آفریده شده‌ایم و از همین روی، ما شکرینه را دوست داریم».
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۹۲

الفصل الثانی و العشرون: الحمص

۱۶۷۵. الإمام الصادق علیه السلام و قد ذُكِرَ عِنْدَهُ الْحِمَّصُ فَقَالَ: هُوَ جَيِّدٌ لَوْ جَعِ الظَّهْرُ. [۶۵۶]
۱۶۷۶. الکافی عن نادر الخادم: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَأْكُلُ الْحِمَّصَ الْمَطْبُوحَ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ. [۶۵۷]
۱۶۷۷. الکافی عن أحمد بن محمد بن أبي نصر عن الإمام الرضا عليه السلام: الْحِمَّصُ جَيِّدٌ لَوْ جَعِ الظَّهْرُ.
- و كَانَ يَدْعُو بِهِ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ. [۶۵۸]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۹۳

فصل بیست و دوم: نخود

۱۶۷۵. امام صادق علیه السلام هنگامی که نزد ایشان از نخود [۶۵۹] نام بردند: برای درد کمر، سودمند است. [۶۶۰].
۱۶۷۶. الکافی به نقل از نادر خدمت گزار: امام کاظم علیه السلام، پیش و پس از غذا، نخود پخته می‌خورد.
۱۶۷۷. الکافی به نقل از احمد بن محمد بن ابی نصر، از امام رضا علیه السلام: «نخود برای کمر درد، خوب است».
- نیز درباره ایشان آمده است که پیش و پس از غذا، نخود می‌طلبید.
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۹۴

الفصل الثالث و العشرون: الخبز

- ۱ / ۲۳
- خَوَاصُّ الْخُبْزِ
۱۶۷۸. رسول الله صلی الله علیه و آله: اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي الْخُبْزِ وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ، فَلَوْ لَأ الْخُبْزُ مَا صُرِمْنَا وَلَا صَيَّلْنَا وَلَا أَدِينَا فَرَائِضَ رَبِّنَا عَزَّ وَ جَلَّ. [۶۶۱]
۱۶۷۹. عنه صلی الله علیه و آله: خَيْرُ طَعَامِكُمْ الْخُبْزُ. [۶۶۲]

۱۶۸۰. الإمام الصادق علیه السلام: إِنَّمَا بُنِيَ الْجَسَدُ عَلَى الْخُبْزِ. [۶۶۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۹۵

فصل بیست و سوم: نان

۱/۲۳ خواص نان

۱۶۷۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوندا! برای ما به نان، برکت بده و میان ما و آن، جدایی میفکن. اگر نان نبود، نه روزه گرفته بودیم، نه نماز خوانده بودیم و نه واجبات پروردگار خود عز و جل را انجام داده بودیم.

۱۶۷۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نان، بهترین خوراکی شماست.

۱۶۸۰. امام صادق علیه السلام: تن، بر نان، استوار شده است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۹۶

۲/۲۳

خواص خُبز الشعیر

۱۶۸۱. كُنز الْعَمَالِ عَنْ عَائِشَةَ: مَا أَكَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى لَقِيَ اللَّهَ إِلَّا خُبْزَ شَعِيرٍ. [۶۶۴]

۱۶۸۲. الإمام الصادق علیه السلام: لَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِي شَيْءٍ شِفَاءً أَكْثَرَ مِنَ الشَّعِيرِ، مَا جَعَلَهُ غِذَاءَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. [۶۶۵]

۱۶۸۳. الإمام الرضا علیه السلام: فَضْلُ خُبْزِ الشَّعِيرِ عَلَى الْبُرِّ كَفَضْلِنَا عَلَى النَّاسِ، وَ مَا مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا وَقَدْ دَعَا لِأَكْلِ الشَّعِيرِ وَ بَارَكَ عَلَيْهِ، وَ

مَا دَخَلَ جَوْفًا إِلَّا وَ أَخْرَجَ كُلَّ دَاءٍ فِيهِ، وَ هُوَ قَوْتُ الْأَنْبِيَاءِ وَ طَعَامُ الْأَبْرَارِ، أَبِي اللَّهِ تَعَالَى أَنْ يَجْعَلَ قَوْتَ أَنْبِيَائِهِ إِلَّا شَعِيرًا. [۶۶۶]

۳/۲۳

خواص خُبز الأرز

۱۶۸۴. الإمام الصادق علیه السلام: أَطْعَمُوا الْمَبْطُونَ خُبْزَ الْأَرْزِ؛ فَمَا دَخَلَ جَوْفَ الْمَبْطُونَ شَيْءٌ أَنْفَعَ مِنْهُ، أَمَا إِنَّهُ يَدْبِغُ الْمَعْدَةَ وَ يَسِيلُ

الدَّاءَ سَلًّا. [۶۶۷]

۱۶۸۵. عنه علیه السلام: لَيْسَ يَبْقَى فِي الْجَوْفِ مِنْ غُدُوَّةٍ إِلَى اللَّيْلِ إِلَّا خُبْزُ الْأَرْزِ. [۶۶۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۹۷

۲/۲۳ خواص نان جو

۱۶۸۱. كُنز الْعَمَالِ بِه نَقْلَ مِنْ عَائِشَةَ: بِبَارِكِ خُذَا، تَا هِنْكَامِي كِه بِه دِيْدَارِ خُذَا شَتَاْفَت، جَزِ نَانَ جُو نَخُورِد.

۱۶۸۲. امام صادق علیه السلام: اگر خداوند در چیزی بیش از جو بهبوددهندگی می‌دید، آن را خوراک پیامبران قرار نمی‌داد.

۱۶۸۳. امام رضا علیه السلام: برتری نان جو بر گندم، همانند برتری ما بر دیگر مردمان است. هیچ پیامبری نیست که برای خورنده

جو دعا نکرده و برای او برکت نخواست باشد و هیچ درونی نیست که جو بدان درآمده و همه دردها از آن بیرون نرفته باشد. آن،

خوراک پیامبران و غذای نیکان است. خداوند متعال، جز این را نخواست است که خوراک پیامبران خویش را جو قرار دهد.

۳/۲۳ خواص نان برنج

۱۶۸۴. امام صادق علیه السلام: به کسی که شکم درد دارد، نان برنج بدهید؛ چرا که چیزی سودمندتر از آن، به شکم چنین بیماری

درنیامده است. آن، معده را پاک می‌کند و درد را به کلی از بدن، بیرون می‌کشد.
۱۶۸۵. امام صادق علیه السلام: تنها، نان برنج است که از صبح تا شب در درون انسان می‌ماند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۹۸

۱۶۸۶. الإمام الرضا علیه السلام: ما دَخَلَ جَوْفَ الْمَسْلُولِ شَيْءٌ أَنْفَعَ لَهُ مِنْ خُبْزِ الْأُرْزِيِّ. [۶۶۹]

۴/۲۳

خَوَاصُّ خُبْزِ الْجَاوَرِسِ

۱۶۸۷. الإمام الصادق علیه السلام في خُبْزِ الْجَاوَرِسِ: أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ فِيهِ ثِقَلٌ، وَهُوَ بِاللَّبَنِ أَلْيَنُ وَأَنْفَعُ فِي الْمَعِدَةِ. [۶۷۰]

راجع: ج ۱، ص ۴۳۶ (ما ینفع لعلاج بعض اوجاع البطن / سويق الجاورس). ج ۲، ص ۵۰۰، ح ۲۰۴۷.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۹۹

۱۶۸۶. امام رضا علیه السلام: چیزی سودمندتر از نان برنج، به درون مسلول در نمی‌آید.

۴/۲۳ خواص نان گاورس

۱۶۸۷. امام صادق علیه السلام درباره خواص نان گاورس [۶۷۱]: هان که در آن، سنگینی‌ای نیست و چون با شیر خورده شود، معده را بهتر نرم می‌کند و بدان سود می‌رساند.

ر. ک: ج ۱، ص ۴۳۷ (آنچه برای برخی دردهای شکم، سودمند است / آرد گاورس). ج ۲، ص ۵۰۱، ح ۲۰۴۷.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۰۰

الفصل الرابع والعشرون: الخس

۱۶۸۸. رسول الله صلى الله عليه وآله: كُلِ الْخَسَّ؛ فَإِنَّهُ يورِثُ النَّعَاسَ، وَ يَهْضِمُ الطَّعَامَ. [۶۷۲]

۱۶۸۹. الإمام الصادق علیه السلام: عَلَيكُمْ بِالْخَسِّ؛ فَإِنَّهُ يُصَفِّي الدَّمَ. [۶۷۳]

۱۶۹۰. الإمام الرضا علیه السلام في البقول: أَفْضَلُهَا... الْهَنْدَبَاءُ، وَالْخَسُّ. [۶۷۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۰۱

فصل بیست و چهارم: کاهو

۱۶۸۸. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: کاهو بخور؛ چرا که خواب می‌آورد و غذا را هضم می‌کند.

۱۶۸۹. امام صادق علیه السلام: بر شما باد کاهو؛ چرا که خون را تصفیه می‌کند. [۶۷۵]

۱۶۹۰. امام رضا علیه السلام درباره سبزی‌ها: بهترین آنها، کاسنی [۶۷۶] و کاهو است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۰۲

الفصل الخامس والعشرون: الخل

۱ / ۲۵

خَوَاصُّ الْخَلِّ

۱۶۹۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: نِعَمَ الْإِدَامِ الْخَلُّ. [۶۷۷]
۱۶۹۲. الإمام علی علیه السلام: نِعَمَ الْإِدَامِ الْخَلُّ؛ يَكْسِرُ الْمِرَّةَ، وَيُطْفِئُ الصَّفْرَاءَ، وَيُحْيِي الْقَلْبَ. [۶۷۸]
۱۶۹۳. الإمام الصادق علیه السلام: الْخَلُّ يُسَكِّنُ الْمِرَارَ، وَيُحْيِي الْقَلْبَ، وَيَقْتُلُ دَوْدَ الْبَطْنِ، وَيَشُدُّ الْفَمَّ. [۶۷۹]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۰۳

فصل بیست و پنجم: سرکه

۱ / ۲۵ خَوَاصُّ سِرْكَه

۱۶۹۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سرکه، نیکو خورشی است.
۱۶۹۲. امام علی علیه السلام: خوب خورشی است سرکه. تلخه را می شکند، صفرا را خاموش می کند و دل را زنده می گرداند.
۱۶۹۳. امام صادق علیه السلام: سرکه، تلخه را فرو می نشاند، قلب را زنده می سازد، کرم‌های شکم را می کشد و دهان را استحکام می بخشد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۰۴

۱۶۹۴. عنه علیه السلام: نِعَمَ الْإِدَامِ الْخَلُّ؛ يَكْسِرُ الْمِرَّةَ، وَيُحْيِي الْقَلْبَ، وَيَشُدُّ اللَّثَّةَ، وَيَقْتُلُ دَوَابَّ الْبَطْنِ. [۶۸۰]
۱۶۹۵. عنه علیه السلام: الْخَلُّ يَشُدُّ الْعَقْلَ. [۶۸۱]
۱۶۹۶. عنه علیه السلام: الْخَلُّ يُنِيرُ الْقَلْبَ. [۶۸۲]
۱۶۹۷. عنه علیه السلام: الْأَصْطِبَاغُ بِالْخَلِّ يَقَطَعُ شَهْوَةَ الزَّوْنِ. [۶۸۳]

۲ / ۲۵

خَوَاصُّ خَلِّ الْخَمْرِ

۱۶۹۸. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَا أَقْفَرَ أَهْلُ بَيْتٍ مِنْ أَدَمٍ فِيهِ خَلٌّ، وَ خَيْرُ خَلِّكُمْ خَلُّ خَمْرِكُمْ. [۶۸۴]
۱۶۹۹. الإمام الصادق علیه السلام وَ ذَكَرَ عِنْدَهُ خَلُّ الْخَمْرِ فَقَالَ: إِنَّهُ لَيَقْتُلُ دَوَابَّ الْبَطْنِ، وَيَشُدُّ الْفَمَّ. [۶۸۵]
۱۷۰۰. عنه علیه السلام: خَلُّ الْخَمْرِ يَشُدُّ اللَّثَّةَ، وَيَقْتُلُ دَوَابَّ الْبَطْنِ، وَيَشُدُّ الْعَقْلَ. [۶۸۶]
۱۷۰۱. الإمام الكاظم علیه السلام: خَلُّ الْخَمْرِ يَشُدُّ اللَّثَّةَ. [۶۸۷]
- راجع: ج ۱، ص ۴۵۰ (ما ینفع لعلاج دواب البطن / خل الخمر).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۰۵

۱۶۹۴. امام صادق علیه السلام: سرکه، نیکو خورشی است. تلخه را می شکند، قلب را زنده می سازد، لثه را استحکام می بخشد و جنبنده‌گان شکم را می کشد.

۱۶۹۵. امام صادق علیه السلام: سرکه، عقل را استحکام می بخشد.

۱۶۹۶. امام صادق علیه السلام: سرکه، دل را روشن می کند.

۱۶۹۷. امام صادق علیه السلام: خورش ساختن سرکه، شهوت زنا را ریشه کن می کند.

۲ / ۲۵ خَوَاصُّ سِرْكَه شَرَاب

۱۶۹۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسانِ هیچ خانه‌ای که در آن سرکه باشد، نانشان بی‌خورش نمی‌ماند. برترین سرکه شما نیز سرکه شرابتان [۶۸۸] است.

۱۶۹۹. امام صادق علیه السلام هنگامی که نزد ایشان از سرکه شراب یاد شد: آن، جنبندگان شکم را می‌کشد و دهان را استحکام می‌بخشد.

۱۷۰۰. امام صادق علیه السلام: سرکه شراب، لثه را تقویت می‌کند، جنبندگان شکم را می‌کشد و عقل را استحکام می‌بخشد.

۱۷۰۱. امام کاظم علیه السلام: سرکه شراب، لثه را استحکام می‌بخشد.

ر. ک: ج ۱، ص ۴۵۱ (آنچه برای درمان کرم‌های شکم، سودمند است/ سرکه شراب).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۰۶

۳/۲۵

افْتِتَاحُ الطَّعَامِ بِالْخَلِّ

۱۷۰۲. الإمام الصادق علیه السلام: إِنَّا لَنَبْدَأُ بِالْخَلِّ عِنْدَنَا، كَمَا تَبْدَأُونَ بِالْمِلْحِ عِنْدَكُمْ؛ فَإِنَّ الْخَلَّ لَيَشُدُّ الْعَقْلَ. [۶۸۹]

۱۷۰۳. الكافي عن محمد بن علي الهمداني: إِنَّ رَجُلًا كَانَ عِنْدَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِخُرَّاسَانَ، فَقَدَّمَتْ إِلَيْهِ مَائِدَةٌ عَلَيْهَا خَلٌّ وَ مِلْحٌ، فَافْتَتَحَ

عليه السلام بِالْخَلِّ، فَقَالَ الرَّجُلُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَمَرْتَنَا أَنْ نَفْتَتِحَ بِالْمِلْحِ!

فَقَالَ: هَذَا مِثْلُ هَذَا يَعْنِي الْخَلَّ وَ إِنَّ الْخَلَّ يَشُدُّ الذَّهْنَ، وَ يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ. [۶۹۰]

راجع: ج ۲، ص ۸۰ (آداب اكل الطعام/ افتتاح الطعام بالملح و اختتامه به أو بالخل).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۰۷

۳/۲۵ آغاز کردن غذا با سرکه

۱۷۰۲. امام صادق علیه السلام: ما [غذا را] با سرکه آغاز می‌کنیم، چنان‌که شما با نمک آغاز می‌کنید؛ چرا که سرکه، عقل را استحکام می‌بخشد.

۱۷۰۳. الكافي به نقل از محمد بن علی همدانی: مردی در خراسان نزد امام رضا علیه السلام بود. در این هنگام، نزد امام سفره‌ای گسترده که در آن، سرکه و نمک بود. امام علیه السلام با سرکه آغاز کرد.

آن مرد گفت: فدایت شوم! به ما فرموده‌ای که با نمک، آغاز کنیم!

فرمود: «این، همانند آن (یعنی نمک) است. سرکه، ذهن را استحکام می‌بخشد و عقل را افزون می‌کند».

ر. ک: ج ۲، ص ۸۱ (آداب غذا خوردن/ آغاز کردن غذا با نمک و به پایان بردن آن با نمک یا سرکه).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۰۸

الفصل السادس والعشرون: الرُّمَان

۱/۲۶

سَيِّدُ الْفَوَاكِهِ

۱۷۰۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: الرُّمَانُ سَيِّدُ الْفَاكِهَةِ، وَ مَنْ أَكَلَ رُمَانَةً أَغْضَبَ شَيْطَانَهُ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا. [۶۹۱]

۱۷۰۵. الإمام الصادق علیه السلام: الْفَاكِهَةُ مِئَةٌ وَ عِشْرُونَ لَوْنًا، سَيِّدُهَا الرُّمَانُ. [۶۹۲]

۲/۲۶

خَوَاصُّ الرُّمَانِ

۱۷۰۶. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ أَكَلَ رُمَانَةً حَتَّى يَسْتَتِمَّهَا، نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً. [۶۹۳]

۱۷۰۷. عنه صلى الله عليه و آله: كُلُّوا الرُّمَانَ؛ فَلَيْسَتْ مِنْهُ حَبَّةٌ تَقَعُ فِي الْمَعِدَةِ إِلَّا أَنْارَتْ الْقَلْبَ،

و أَخْرَجَتِ الشَّيْطَانَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا. [۶۹۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۰۹

فصل بیست و ششم: انار

۱/۲۶ مهتر میوه‌ها

۱۷۰۴. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: انار، مهتر همه میوه‌هاست و هر کس یک انار بخورد، چهل پگاه، شیطان خویش را به خشم می آورد.

۱۷۰۵. امام صادق علیه السلام: میوه، صد و بیست گونه است و مهتر همه آنها، انار است.

۲/۲۶ خواص انار

۱۷۰۶. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هر کس اناری را کامل بخورد، خداوند قلب او را چهل شب، نورانی می‌دارد.

۱۷۰۷. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: انار بخورید؛ زیرا هیچ دانه‌ای از آن در معده جای نمی‌گیرد،

مگر این که چهل روز، قلب را نورانی می‌سازد و شیطان را برون می‌راند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۱۰

۱۷۰۸. الإمام علی علیه السلام: فِي كُلِّ حَبَّةٍ مِنَ الرُّمَانِ إِذَا اسْتَقَرَّتْ فِي الْمَعِدَةِ حَيَاةٌ لِلْقَلْبِ، وَ إِنَارَةٌ لِلنَّفْسِ، وَ تُمْرِضُ وَسْوَاسَ الشَّيْطَانِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً. [۶۹۵]

۱۷۰۹. عنه عليه السلام: أَرْبَعَةٌ يَعْدِلُنَّ الطَّبَائِعَ: الرُّمَانُ السُّورَانِيُّ، وَ البُسْرُ المَطْبُوحُ، وَ البَنْفَسُجُ، وَ الهِنْدَبَاءُ. [۶۹۶]

۱۷۱۰. الإمام الصادق علیه السلام: مَنْ أَكَلَ رُمَانًا عِنْدَ مَنَامِهِ فَهُوَ آمِنٌ فِي نَفْسِهِ إِلَى أَنْ يُصْبِحَ. [۶۹۷]

۱۷۱۱. عنه عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالرُّمَانِ؛ فَإِنَّهُ لَمْ يَأْكُلْهُ جَائِعٌ إِلَّا أَجْرَأَهُ، وَ لَا شَبْعَانٌ إِلَّا أَمْرَأَهُ. [۶۹۸]

۱۷۱۲. عنه عليه السلام: مَنْ أَكَلَ الرُّمَانَ طَرَدَ عَنْهُ شَيْطَانُ الوَسْوَاسَةِ. [۶۹۹]

۱۷۱۳. عنه عليه السلام: مَنْ أَكَلَ حَبَّةً مِنَ رُمَانٍ، أَمْرَضَتْ شَيْطَانَ الوَسْوَاسَةِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا. [۷۰۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۱۱

۱۷۰۸. امام علی علیه السلام: در هر دانه انار، چون در معده جای می‌گیرد، حیاتی برای قلب و فروغی برای نفس است و شیطانی را که «وسواس» نام دارد، چهل شب، بیمار (زمینگیر) می‌کند.

۱۷۰۹. امام صادق علیه السلام: چهار چیز، طبع را اعتدال می‌بخشد: انار سورانی، [۷۰۱] خرما نارس پخته‌شده، بنفشه، و کاسنی.

۱۷۱۰. امام صادق علیه السلام: هر کس در هنگام خفتن، یک انار بخورد، تا صبح، جاننش در امان است.

۱۷۱۱. امام صادق علیه السلام: بر شما باد انار؛ چرا که هیچ گرسنه‌ای آن را نمی‌خورد، مگر این که وی را بسنده است و هیچ سیری آن را نمی‌خورد، مگر این که غذا را بر وی گوارا می‌سازد.

۱۷۱۲. امام صادق علیه السلام: هر کس انار بخورد، انار، شیطانِ وسوسه را از او دور می‌سازد.

۱۷۱۳. امام صادق علیه السلام: هر کس یک دانه از انار بخورد، آن یک دانه، شیطانِ وسوسه را تا چهل روز، بیمار (زمینگیر) می‌سازد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۱۲

۱۷۱۴. مکارم الأخلاق عن زید الشَّحَام: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَدَعَا بِالْحَجَامِ، فَقَالَ لَهُ:

اغْسِلْ مَحَاجِمَكَ وَعَلِّقْهَا، وَدَعَا بِرُمَانَةٍ فَأَكَلَهَا، فَلَمَّا فَرَغَ مِنَ الْحِجَامَةِ دَعَا بِرُمَانَةٍ أُخْرَى فَأَكَلَهَا، وَقَالَ: هَذَا يُطْفِئُ الْمِرَارَ. [۷۰۲]

۱۷۱۵. الكافي عن يزيد بن عبد الملك النَّوْفَلِي: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَفِي يَدِهِ رُمَانَةٌ، فَقَالَ: يَا مُعْتَبُ، أَعْطِهِ رُمَانَةً؛ فَإِنِّي لَمْ أَشْرِكْ فِي شَيْءٍ أَبْغَضَ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَشْرَكَ فِي رُمَانَةٍ.

ثُمَّ احْتَجَمَ وَأَمَرَنِي أَنْ أُحْتَجِمَ فَاحْتَجَمْتُ، ثُمَّ دَعَا بِرُمَانَةٍ أُخْرَى، ثُمَّ قَالَ:

يَا يَزِيدُ، أَيُّمَا مُؤْمِنٍ أَكَلَ رُمَانَةً حَتَّى يَسْتَوْفِيَهَا؛ أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الشَّيْطَانَ عَنْ إِنْارَةِ قَلْبِهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا، وَمَنْ أَكَلَ اثْنَتَيْنِ؛ أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الشَّيْطَانَ عَنْ إِنْارَةِ قَلْبِهِ مِثْلَ يَوْمٍ، وَمَنْ أَكَلَ ثَلَاثًا حَتَّى يَسْتَوْفِيَهَا؛ أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الشَّيْطَانَ عَنْ إِنْارَةِ قَلْبِهِ سَنَةً، وَمَنْ أَذْهَبَ اللَّهُ الشَّيْطَانَ عَنْ إِنْارَةِ قَلْبِهِ سَنَةً لَمْ يُذِيبْ، وَمَنْ لَمْ يُذِيبْ دَخَلَ الْجَنَّةَ. [۷۰۳]

۱۷۱۶. الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ أَكَلَ رُمَانَةً يَوْمَ الْجُمُعَةِ عَلَى الرَّيْقِ نَوَّرَتْ قَلْبَهُ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا، فَإِنْ أَكَلَ رُمَانَتَيْنِ فَثَمَانِينَ يَوْمًا، فَإِنْ أَكَلَ ثَلَاثًا فَمِئَةً وَعِشْرِينَ يَوْمًا وَطُرِدَتْ عَنْهُ وَسْوَسَةُ الشَّيْطَانِ، وَمَنْ طُرِدَتْ عَنْهُ وَسْوَسَةُ الشَّيْطَانِ لَمْ يَعِصِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ، وَمَنْ لَمْ يَعِصِ اللَّهَ أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ. [۷۰۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۱۳

۱۷۱۴. مکارم الأخلاق به نقل از زید شحام: نزد امام صادق علیه السلام بودم که حجامتگری را طلبید. پس به او گفتم: «ابزارهای حجامت خود را بشوی و بیاویز» و آن گاه، اناری طلبید و خورد.

چون حجامت را نیز به پایان برد، اناری دیگر طلبید و خورد و فرمود: «این کار، تلخه را فرو می‌نشاند».

۱۷۱۵. الكافي به نقل از يزيد بن عبد الملك نوفلي: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم، در حالی که اناری در دست داشت. فرمود: «ای مُعْتَبُ! یک انار هم به این مرد بده؛ چرا که در [خوردن هیچ چیز، کسی با من شریک نشده است که برایم ناخوشایندتر از شریک شدن در [خوردن انار باشد]].»

سپس، حجامت کرد و به من فرمود که حجامت کنم. من هم حجامت کردم. آن گاه، اناری دیگر خواست و پس از آن فرمود: «ای یزید! هر مؤمنی که انار بخورد و آن را تمام کند، خداوند عز و جل تا چهل پگاه، شیطان را از [آسیب‌رسانی به فروغ دل او دور می‌سازد]؛ [۷۰۵] و هر کس دو انار بخورد، خداوند عز و جل تا صد روز، شیطان را از [آسیب‌رسانی به فروغ دل او دور می‌سازد]؛ و هر کس سه انار بخورد، خداوند عز و جل تا یک سال، شیطان را از [آسیب‌رسانی به فروغ دل او دور می‌سازد] و هر کس خداوند، شیطان را برای یک سال از [آسیب رساندن به فروغ دل او دور سازد، گناه نمی‌کند و هر کس گناه نکند، به بهشت درمی‌آید».

۱۷۱۶. امام کاظم علیه السلام: هر کس روز جمعه یک انار بخورد، آن انار، دل او را تا چهل پگاه، نورانی می‌دارد؛ اگر دو انار بخورد، تا هشتاد روز؛ و اگر سه انار بخورد، تا صد و بیست روز؛ و نیز وسوسه شیطان از او دور می‌شود و هر کس وسوسه شیطان از او دور شود، خداوند عز و جل را نافرمانی نمی‌کند و هر کس خداوند را نافرمانی نکند، خدای او را به بهشت درمی‌آورد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۱۴

۱۷۱۷. الإمام الكاظم عليه السلام: مِمَّا أَوْصَى بِهِ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَبَّةَ اللَّهِ أَنْ قَالَ لَهُ:

عَلَيْكَ بِالرُّمَانِ؛ فَإِنَّكَ إِنْ أَكَلْتَهُ وَ أَنْتَ جَائِعٌ أَجْرَأَكَ، وَ إِنْ أَكَلْتَهُ وَ أَنْتَ شَبَعَانٌ أَمْرَأَكَ. [۷۰۶]

۳ / ۲۶

خَوَاصُّ الرُّمَانِ الحُلُوِّ

۱۷۱۸. الإمام الصادق عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالرُّمَانِ الحُلُوِّ فَكُلُوهُ؛ فَإِنَّهُ لَيْسَتْ مِنْ حَبِّهِ تَقَعُ فِي مَعِدَةِ مُؤْمِنٍ إِلَّا أَبَادَتْ دَاءً، وَ أَطْفَأَتْ شَيْطَانَ الوَسْوَسَةِ عَنْهُ. [۷۰۷]

۱۷۱۹. الكافي عن عمرو بن إبراهيم عن الخراساني: أَكَلِ الرُّمَانَ الحُلُوِّ يَزِيدُ فِي مَاءِ الرَّجُلِ، وَ يُحَسِّنُ الوَلَدَ. [۷۰۸]

۱۷۲۰. الإمام العسكري عليه السلام: كُلِّ الرُّمَانَ بَعْدَ الحِجَامَةِ رُمَانًا حُلُوا؛ فَإِنَّهُ يُسَكِّنُ الدَّمَ، وَ يُصَفِّي الدَّمَ فِي الجَوْفِ. [۷۰۹]

راجع: ج ۱، ص ۴۲۰، ح ۷۰۴.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۱۵

۱۷۱۷. امام کاظم علیه السلام: از جمله چیزهایی که آدم به [فرزندش هبه الله سفارش کرد، این بود که به وی فرمود: «بر تو باد انار؛ چرا که اگر گرسنه باشی و آن را بخوری، بسنده‌ات کند، و اگر در حالی که سیری، آن را بخوری، غذا را بر تو گوارا می‌سازد».

۳ / ۲۶ خَوَاصُّ انار شیرین

۱۷۱۸. امام صادق علیه السلام: بر شما باد انار شیرین. آن را بخورید؛ چرا که هیچ دانه‌ای از آن به معده مؤمنی در نمی‌آید، مگر این که بیماری‌ای از آن ریشه کن می‌کند و شیطانِ وسوسه را از او دور می‌سازد.

۱۷۱۹. الكافي به نقل از عمرو بن ابراهیم، از خراسانی [۷۱۰]: خوردن انار شیرین، آب مرد را افزون می‌کند و فرزند را نکو می‌سازد.
۱۷۲۰. امام عسکری علیه السلام: پس از حجامت، انار بخور، اناری شیرین؛ چرا که خون را فرو می‌نشاند و خون را در درون، تصفیه می‌کند.

ر. ک: ج ۱، ص ۴۲۱، ح ۷۰۴.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۱۶

۴ / ۲۶

خَوَاصُّ الرُّمَانِ المُرِّ

۱۷۲۱. الكافي عن الوليد بن صبيح عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: ذَكَرَ الرُّمَانَ الحُلُوِّ فَقَالَ: المُرُّ أَصْلَحُ فِي البَطْنِ. [۷۱۱]

۱۷۲۲. الإمام الرضا عليه السلام: امْتَصِّ مِنَ الرُّمَانِ المُرِّ؛ فَإِنَّهُ يُقَوِّى النَّفْسَ، وَ يُحْيِي الدَّمَ. [۷۱۲]

۵ / ۲۶

خَوَاصُّ أَكَلِ الرُّمَانِ بِشَحْمِهِ

۱۷۲۳. رسول الله صلى الله عليه و آله: كُلُّوا الرُّمَانَ بِقَشْرِهِ؛ فَإِنَّهُ دِبَاغُ البَطْنِ. [۷۱۳]

۱۷۲۴. الإمام علي عليه السلام: كُلُّوا الرُّمَانَ بِشَحْمِهِ؛ فَإِنَّهُ دِبَاغُ المَعِدَةِ، وَ مَا مِنْ حَبِّهِ اسْتَقَرَّتْ فِي مَعِدَةِ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِلَّا أَنْارَتْهَا وَ نَفَتِ الشَّيْطَانَ وَ الوَسْوَسَةَ عَنْهَا أَرْبَعِينَ صَبَاحًا. [۷۱۴][۷۱۵]

دانشنامه احادیث پزشکی ؛ ج ۲ ؛ ص ۳۱۶

۱۷۲۵. المحاسن: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ البَرْقِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ إِلَى صَعْصَعَةَ بْنِ صَوْحَانَ فِي حَدِيثٍ أَنَّهُ دَخَلَ عَلَى أميرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ عَلَى العِشَاءِ فَقَالَ: يَا صَعْصَعَةُ، ادْنُ فَكُلْ.

قَالَ: قُلْتُ: قَدْ تَعَشَيْتُ، وَ بَيْنَ يَدَيْهِ نِصْفُ رُمَانَةٍ، فَكَسَّرَ لِي وَ نَاوَلَنِي بَعْضَهُ، وَقَالَ: كُلَّهُ مَعَ قِشْرِهِ يُرِيدُ مَعَ شَحْمِهِ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِالْحَقْرِ، وَ بِالْبَحْرِ، وَ يُطَيِّبُ النَّفْسَ [۷۱۶].

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۱۷

۴/۲۶ خواص انار ترش و شیرین (مَلَس)

۱۷۲۱. الکافی به نقل از ولید بن صبیح: امام صادق علیه السلام از انار شیرین یاد کرد و فرمود: «ترش و شیرین در شکم، سازگارتر است».

۱۷۲۲. امام رضا علیه السلام: انار ترش و شیرین بمک؛ چرا که انسان را نیرو می‌دهد و خون را زنده می‌سازد. [۷۱۷]

۵/۲۶ خواص خوردن انار با پیه آن

۱۷۲۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: انار را با پیه [۷۱۸] آن بخورید؛ چرا که شست‌وشو دهنده معده است.

۱۷۲۴. امام علی علیه السلام: انار را با پیه آن بخورید؛ چرا که معده را پاک می‌کند. و هیچ دانه‌ای [از انار] در معده انسانی مسلمان، جای نمی‌گیرد، مگر این که آن را روشن می‌سازد [۷۱۹] و تا چهل پگاه، شیطان و وسوسه را از آن دور می‌کند.

۱۷۲۵. المحاسن به نقل از محمّد بن خالد برقی، از یکی از شیعیان، در حدیثی که سندش را به معصوم رساند: از صعصعه بن صوحان نقل شده است که وی، هنگامی که امیر مؤمنان در حال شام خوردن بود، بر ایشان وارد شد.

امام علیه السلام فرمود: «ای صعصعه! پیش آی و بخور».

[صعصعه می‌گوید: گفتم: شام خورده‌ام.

در این هنگام، نیمه‌ای از یک انار، نزد امام علیه السلام بود. تکه‌ای از آن را شکست و به دستم داد و فرمود: «آن را با پیهش بخور؛ چرا که زردشدگی دندان‌ها و بدبویی دهان را می‌برد و انسان را پاک می‌سازد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۱۸

۱۷۲۶. الإمام الصادق علیه السلام: كُلُوا الرُّمَانَ بِشَحْمِهِ؛ فَإِنَّهُ يَدْبِغُ الْمَعِدَةَ، وَ يَزِيدُ فِي الذَّهْنِ. [۷۲۰]

راجع: ج ۱، ص ۴۱۸ (ما يدبغ المعدة و يقوّ بها/ الرمان).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۱۹

۱۷۲۶. امام صادق علیه السلام: انار را با پیه آن بخورید؛ چرا که معده را می‌پالاید و ذهن را افزون می‌کند.

ر. ک: ج ۱، ص ۴۱۹ (آنچه معده را می‌پالاید و تقویت می‌کند/ انار).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۲۰

الفصل السابع والعشرون: الزَّيْب

۱/۲۷

خَوَاصُّ الزَّيْبِ

۱۷۲۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: عَلَيكُمْ بِالزَّيْبِ؛ فَإِنَّهُ يُطْفِئُ الْمِرَّةَ، وَ يُسَيِّكُنُ الْبَلْغَمَ، وَ يَشُدُّ الْعَصَبَ، وَ يَذْهَبُ النَّصَبَ، وَ يُحَسِّنُ

الْقَلْبَ. [۷۲۱]

۱۷۲۸. عنه صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالزَّيْبِ؛ فَإِنَّهُ يَكْشِفُ الْمِرَّةَ، وَيَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ، وَيَشُدُّ الْعَصَبَ، وَيَذْهَبُ بِالْإِعْيَاءِ، وَيُحَسِّنُ الْخُلُقَ، وَيُطَيِّبُ النَّفْسَ، وَيَذْهَبُ بِالْغَمِّ. [۷۲۲]

۱۷۲۹. الاختصاص عن أبي هند الداربي: اهْدَى إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ طَبَقُ [۷۲۳] مُعْطَى، فَكَشَفَ الْغِطَاءَ عَنْهُ، ثُمَّ قَالَ: كُلُوا بِاسْمِ اللَّهِ، نِعَمَ الطَّعَامِ الزَّيْبِ؛ يَشُدُّ الْعَصَبَ، وَيَذْهَبُ بِالْوَصَبِ، وَيُطْفِئُ الْغَضَبَ، وَيُرْضِي الرَّبَّ، وَيَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ، وَيُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَيُصْفِي اللَّوْنَ. [۷۲۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۲۱

فصل بیست و هفتم: مویز

۲۷ / ۱ / خواص مویز

۱۷۲۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد مویز؛ چرا که تلخه را خاموش می کند، بلغم را فرو می نشاند، پی را استحکام می بخشد، خستگی را می برد و قلب را نیکو می سازد.

۱۷۲۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد مویز؛ [۷۲۵] چرا که تلخه را می زداید، بلغم را می برد، پی را استحکام می بخشد، رنجیدگی و خستگی را از میان برمی دارد، خوی را خوش می سازد، دل را پاک (پیراسته) می دارد و اندوه (پیشانی) را می برد.

۱۷۲۹. الاختصاص به نقل از ابو هند داری: طَبَقِي رُوي پوشیده به پیامبر خدا اهدا کردند. ایشان، پوشش را از آن برداشت و سپس فرمود: «به نام خدا

بخورید. مویز، چه نیکو خوراکی است! پی را استحکام می بخشد، بیماری را از میان می برد، خشم را فرو می نشاند، پروردگار را خشنود می سازد، بلغم را می برد، بوی دهان را خوش می سازد و رنگ را صفا می دهد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۲۲

۱۷۳۰. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ الزَّيْبَ يَشُدُّ الْقَلْبَ وَيَذْهَبُ بِالْمَرَضِ، وَيُطْفِئُ الْحَرَارَةَ، وَيُطَيِّبُ النَّفْسَ. [۷۲۶]

۱۷۳۱. الإمام الصادق عليه السلام: الزَّيْبُ يَشُدُّ الْعَصَبَ، وَيَذْهَبُ بِالنَّصَبِ، وَيُطَيِّبُ النَّفْسَ. [۷۲۷]

۱۷۳۲. عنه عليه السلام: إِذَا أَصَابَتْكُمْ مَجَاعَةٌ فَاعْتَبُوا بِالزَّيْبِ. [۷۲۸]

۲ / ۲۷

خَوَاصُّ إِدْمَانِ أَكْلِ الزَّيْبِ عَلَى الرَّيْقِ

۱۷۳۳. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَدْمَنَ أَكَلَ الزَّيْبَ عَلَى الرَّيْقِ، رُزِقَ الْفَهْمَ وَالْحِفْظَ وَالذَّهْنَ، وَنَقَصَ مِنَ الْبَلْغَمِ. [۷۲۹]

۱۷۳۴. الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَزِيدَ فِي حِفْظِهِ فَلْيَأْكُلْ سَبْعَ مَثَاقِيلَ زَبِيَا بِالْغَدَاةِ عَلَى الرَّيْقِ. [۷۳۰]

راجع: العنوان الآتي (خواص اكل إحدى وعشرين زبیه).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۲۳

۱۷۳۰. امام علی علیه السلام: مویز، قلب را استحکام می بخشد، بیماری را می برد، حرارت را خاموش می سازد و دل را خوشی می دهد.

۱۷۳۱. امام صادق علیه السلام: مویز، پی را استحکام می بخشد، خستگی را می برد و دل را خوشی می دهد.

۱۷۳۲. امام صادق علیه السلام: اگر قحطی ای به شما رسید، با مشغول داشتن خویش به مویز، [۷۳۱] خود را سیر کنید.

۲ / ۲۷ / خواص خوردن مویز در حالت ناشتا

۱۷۳۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به خوردن مویز در حالت ناشتا عادت کند، فهم و حافظه و ذهن، روزی او می‌شود و بلغم وی می‌کاهد.

۱۷۳۴. امام رضا علیه السلام: هر کس که می‌خواهد به حافظه‌اش افزوده شود، صبحگاهان در حالت ناشتا، هفت مثقال مویز بخورد. ر. ک: عنوان بعدی (خواص خوردن بیست و یک دانه مویز).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۲۴

۳ / ۲۷

خَوَاصُّ أَكْلِ إِحْدَى وَعِشْرِينَ زَبِيْبَةً

۱۷۳۵. الإمام علی علیه السلام: مَنْ أَكَلَ إِحْدَى وَعِشْرِينَ زَبِيْبَةً حَمْرَاءَ مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ، دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ كُلَّ مَرَضٍ وَسُقْمٍ. [۷۳۲]

۱۷۳۶. عنه علیه السلام: مَنْ أَكَلَ إِحْدَى وَعِشْرِينَ زَبِيْبَةً حَمْرَاءَ عَلَيَّ الرَّيْقِ، لَمْ يَجِدْ فِي جَسَدِهِ شَيْئًا يَكْرَهُهُ. [۷۳۳]

۱۷۳۷. عنه علیه السلام: إِحْدَى وَعِشْرُونَ زَبِيْبَةً حَمْرَاءَ فِي كُلِّ يَوْمٍ عَلَيَّ الرَّيْقِ تَدْفَعُ جَمِيعَ الْأَمْرَاضِ إِلَّا مَرَضَ الْمَوْتِ. [۷۳۴]

۱۷۳۸. عنه علیه السلام: مَنْ اصْطَبَحَ بِإِحْدَى وَعِشْرِينَ زَبِيْبَةً حَمْرَاءَ لَمْ يَمْرَضْ إِلَّا مَرَضَ الْمَوْتِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. [۷۳۵]

۱۷۳۹. الإمام الصادق علیه السلام: مَنْ أَدْمَنَ إِحْدَى وَعِشْرِينَ زَبِيْبَةً حَمْرَاءَ، لَمْ يَمْرَضْ إِلَّا مَرَضَ الْمَوْتِ. [۷۳۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۲۵

۳ / ۲۷ خواص خوردن بیست و یک دانه مویز

۱۷۳۵. امام علی علیه السلام: هر کس در ابتدای روز، بیست و یک مویز سرخ بخورد، خداوند هر بیماری و ناتن درستی‌ای را از او دور می‌کند.

۱۷۳۶. امام علی علیه السلام: هر کس در حالت ناشتا بیست و یک مویز سرخ بخورد، در تن خویش، چیزی ناخوشایند نخواهد یافت. [۷۳۷]

۱۷۳۷. امام علی علیه السلام: [خوردن بیست و یک مویز سرخ در هر صبح در حالت ناشتا، همه بیماری‌ها را دور می‌کند، مگر بیماری مرگ را.

۱۷۳۸. امام علی علیه السلام: هر کس بیست و یک مویز سرخ را خورش خود بگیرد، به خواست خداوند، به هیچ بیماری‌ای مگر بیماری مرگ، مبتلا نمی‌شود.

۱۷۳۹. امام صادق علیه السلام: هر کس به خوردن بیست و یک مویز سرخ عادت کند، به بیماری‌ای جز بیماری مرگ، مبتلا نمی‌شود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۲۶

الفصل الثامن والعشرون: الزَّيْتُونُ

۱ / ۲۸

خَوَاصُّ الزَّيْتُونِ

۱۷۴۰. رسول الله صلی الله علیه و آله: نِعَمَ السُّوَاكِ الزَّيْتُونُ، مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ؛ يُطَيِّبُ الْفَمَ، وَيَذْهَبُ بِالْحَفْرِ، هُوَ سِوَاكِي وَسِوَاكُ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي. [۷۳۸]

۱۷۴۱. الإمام الصادق عليه السلام: الزَّيْتُونُ يَزِيدُ فِي الْمَاءِ. [۷۳۹]

۱۷۴۲. الكافي عن إبراهيم بن محمّد الزارع البصرى عن رجل عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: ذَكَرْنَا عِنْدَهُ الزَّيْتُونَ، فَقَالَ الرَّجُلُ: يَجْلِبُ الرِّيَّاحُ.

فَقَالَ: لَا، بَلْ يَطْوُدُ الرِّيَّاحُ. [۷۴۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۲۷

فصل بیست و هشتم: زیتون

۲۸ / ۱ خواص زیتون

۱۷۴۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چه نیکو مسواکی است زیتون، از درختی خجسته! دهان را خوش بو می کند، جرم دندان را می برد، و مسواک من و پیامبران پیش از من است.

۱۷۴۱. امام صادق علیه السلام: زیتون، آب (منی) را افزون می سازد.

۱۷۴۲. الكافي به نقل از ابراهیم بن محمّد زارع بصری، درباره مردی: نزد امام صادق علیه السلام از زیتون، سخن به میان آوردیم. آن مرد گفت: بادها را به بدن درمی آورد.

امام علیه السلام فرمود: «نه؛ بلکه بادها را می راند».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۲۸

۱۷۴۳. الكافي عن إسحاق بن عمّار أو غيره: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ: الزَّيْتُونُ يُهَبِّجُ الرِّيَّاحَ.

فَقَالَ: إِنَّ الزَّيْتُونَ يَطْوُدُ الرِّيَّاحَ. [۷۴۱]

۱۷۴۴. الإمام الكاظم عليه السلام: كان مِمَّا أوصى بِهِ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى هَبَّةِ اللَّهِ ابْنِهِ أَنْ كُلِ الزَّيْتُونَ؛ فَإِنَّهُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ. [۷۴۲]

۲ / ۲۸

خَوَاصُّ الزَّيْتِ

۱۷۴۵. رسول الله صلی الله علیه و آله: كُلُوا الزَّيْتِ وَادَّهِنُوا بِالزَّيْتِ؛ فَإِنَّهُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ. [۷۴۳]

۱۷۴۶. عنه صلی الله علیه و آله: كُلُوا الزَّيْتِ؛ فَإِنَّهُ مُبَارَكٌ، وَاتَّذِمُوا بِهِ وَادَّهِنُوا بِهِ؛ فَإِنَّهُ يَخْرُجُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ. [۷۴۴]

۱۷۴۷. سنن الترمذی عن زید بن أرقم: أَمَرْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ تَتَدَاوَى مِنْ ذَاتِ الْجَنْبِ

بِالْقَسَطِ الْبَحْرِيِّ وَ الزَّيْتِ. [۷۴۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۲۹

۱۷۴۳. الكافي به نقل از اسحاق بن عمّار یا کسی دیگر: به امام صادق علیه السلام گفتم: آنان می گویند که زیتون، بادها را برمی انگیزد.

فرمود: «زیتون، بادها را می راند».

۱۷۴۴. امام کاظم علیه السلام: یکی از چیزهایی که آدم علیه السلام به فرزند خود، هبّه الله، سفارش کرد، این بود که: «زیتون بخور؛ چرا که از درختی خجسته است».

۲ / ۲۸ خواص روغن زیتون

۱۷۴۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روغن زیتون بخورید و خود را با روغن زیتون، چرب کنید؛ چرا که آن، از درختی خجسته است.

۱۷۴۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روغن زیتون بخورید؛ چرا که خجسته است. از آن، خورش بسازید و از روغن آن بر خویش بمالید؛ چرا که از درختی خجسته بیرون می‌آید.

۱۷۴۷. سنن الترمذی به نقل از زید بن ارقم: پیامبر خدا به ما فرمود که ذات الجنب را با بُستک دریایی و روغن زیتون، درمان کنیم.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۳۰

۱۷۴۸. رسول الله صلی الله علیه و آله: عَلَیْكُمْ بَزِیْتِ الزَّیْتُونِ، فَكُلُوهُ وَ اَدَّهِنُوا بِهِ؛ فَإِنَّهُ یَنْفَعُ مِنَ البَاسورِ. [۷۴۶]

۱۷۴۹. عنه صلی الله علیه و آله: عَلَیْكُمْ بِهَذِهِ الشَّجَرَةِ الْمُبَارَكَةِ زَيْتِ الزَّیْتُونِ، فَتَدَاوُوا بِهِ؛ فَإِنَّهُ مَصْحَةٌ مِنَ البَاسورِ. [۷۴۷]

۱۷۵۰. عنه صلی الله علیه و آله: كُلُوا الزَّیْتِ وَ اَدَّهِنُوا بِهِ؛ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ سَبْعِينَ دَاءً مِنْهَا الْجُدَامُ. [۷۴۸]

۱۷۵۱. عنه صلی الله علیه و آله: الزَّیْتُ دُهْنُ الْأَبْرَارِ وَ اِدَامُ الْأَخْيَارِ، بَوْرِكَ فِيهِ مُقْبَلًا وَ بَوْرِكَ فِيهِ مُدْبِرًا، انْغَمَسَ بِالْقُدْسِ مَرَّتَيْنِ. [۷۴۹]

۱۷۵۲. الإمام علی علیه السلام: اَدَّهِنُوا بِالزَّیْتِ وَ اَتَّدِمُوا بِهِ؛ فَإِنَّهُ دُهْنَةُ الْأَخْيَارِ وَ اِدَامُ الْمُصْطَفَيْنِ، مُسَحَّتٌ بِالْقُدْسِ مَرَّتَيْنِ، بَوْرِكَ مُقْبَلَةً وَ بَوْرِكَ مُدْبِرَةً، لَا یَضُرُّ مَعَهَا دَاءٌ. [۷۵۰]

۱۷۵۳. الإمام الصادق علیه السلام: شَرِبُ السَّوِیْقِ بِالزَّیْتِ یُنَبِّتُ اللَّحْمَ، وَ یَشُدُّ الْعَظْمَ، وَ یُرِقُّ الْبَشْرَةَ، وَ یَزِیْدُ فِي الْبَاهِ. [۷۵۱]

۱۷۵۴. عنه علیه السلام: إِنْ خَرَجَ بِالرَّجْلِ مِنْكُمْ الْخُرَاجُ أَوْ الدَّمْلُ فَلْتَبْرِطْهُ، وَ لیتَدَاوَ بِزَيْتِ أَوْ سَمْنٍ. [۷۵۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۳۱

۱۷۴۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد روغن زیتون. آن را بخورید و بدن را با آن، چرب کنید؛ چرا که برای درمان باسور، سودمند است.

۱۷۴۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد این درخت مبارک، روغن زیتون. با آن، درمان بجوید؛ چرا که مایه سلامت از باسور است.

۱۷۵۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روغن زیتون بخورید و خود را با آن، چرب کنید؛ زیرا در آن، درمان هفتاد درد است که جذام، از جمله آنهاست.

۱۷۵۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روغن زیتون، روغن پاکان و خورش نیکان است. در آن، بدان گاه که روی می‌کند و نیز بدان گاه که پشت می‌کند، برکت نهاده شده است و دو بار در پاکی، غوطه‌ور شده است.

۱۷۵۲. امام علی علیه السلام: با روغن زیتون، بدن را چرب کنید و با آن، خورش بسازید؛ چرا که روغن نیکان و خورش برگزیدگان است، دو بار به پاکی سوده شده، [و] در آن، بدان هنگام که روی می‌کند و بدان هنگام که پشت می‌کند، برکت نهاده شده است و با وجود آن، هیچ بیماری‌ای زیان نمی‌رساند.

۱۷۵۳. امام صادق علیه السلام: خوردن سَویق [۷۵۳] با روغن زیتون، گوشت می‌رویاند، استخوان را استحکام می‌بخشد، پوست را نازک می‌کند و بر توان جنسی می‌افزاید.

۱۷۵۴. امام صادق علیه السلام: اگر از بدن کسی از شما، جوش یا آماسه‌ای بیرون زد، آن را ببندد و با روغن زیتون یا روغن حیوانی، درمان کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۳۲

الفصل التاسع والعشرون: السَّعْتَرُ

۱۷۵۵. الإمام الكاظم عليه السلام: كَانَ دَوَاءَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامِ السَّعْتَرُ، وَكَانَ يَقُولُ: إِنَّهُ يَصِيرُ لِلْمَعِدَةِ حَمَلًا كَحَمَلِ الْقَطِيفَةِ. [۷۵۴]

۱۷۵۶. مكارم الأخلاق عن الإمام الصادق عليه السلام: أَرْبَعَةُ أَشْيَاءَ تَجْلُو الْبَصَرَ وَتَنْفَعَنَ وَلَا يَضُرُّرْنَ. فَسُئِلَ عَنْهُنَّ، فَقَالَ: السَّعْتَرُ وَالْمِلْحُ إِذَا اجْتَمَعَا، وَالنَّانِخَوَاءُ وَالْجَوْزُ إِذَا اجْتَمَعَا. فَقِيلَ لَهُ: وَلِمَا تَصْلُحُ هَذِهِ الْأَرْبَعَةُ إِذَا اجْتَمَعَتْ؟

فَقَالَ: النَّانِخَوَاءُ وَالْجَوْزُ يُحْرِقَانِ الْبُؤَاسِيرَ، وَيَطْرُدَانِ الرِّيحَ، وَيُحَسِّنَانِ اللَّوْنَ، وَيُخَشِّنَانِ الْمَعِدَةَ، وَيُسَخِّنَانِ الْكُلَى. وَالسَّعْتَرُ وَالْمِلْحُ يَطْرُدَانِ الرِّيحَ مِنَ الْفُؤَادِ، وَيَفْتَحَانِ الشَّدَدَ، وَيُحْرِقَانِ الْبَلْغَمَ، وَيُدْرَانِ الْمَاءَ، وَيُطَيِّبَانِ النَّكْهَةَ، وَيَلَيِّنَانِ الْمَعِدَةَ، وَيُذْهِبَانِ الرِّيحَ الْخَبِيثَةَ مِنَ الْقَمِّ، وَيُصَلِّبَانِ الذِّكْرَ. [۷۵۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۳۳

فصل بیست و نهم: آویشن

۱۷۵۵. امام کاظم علیه السلام: داروی امیر مؤمنان علیه السلام، آویشن [۷۵۶] بود. او می فرمود: «آویشن برای معده، پُرسی همانند پُرسی پارچه‌های مخمل می شود».

۱۷۵۶. مکارم الأخلاق: امام صادق علیه السلام فرمود: «چهار چیز، چشم را جلا می دهد، سودمند است و هیچ زیانی ندارد». درباره آنها از امام علیه السلام پرسیدند.

فرمود: «آویشن و نمک، وقتی با هم باشند، و نانخواه و گردو، وقتی با هم باشند».

به ایشان گفتند: این چهار چیز، وقتی با هم باشند، به چه کار می آیند؟

فرمود: «نانخواه و گردو، [چون در بر هم قرار گیرند،] بواسیر را

می سوزانند، باد را دور می کنند، رنگ پوست را زیبا می سازند، معده را سختی (مقاومت) می دهند و کلیه‌ها را گرم می کنند.

امّا آویشن و نمک، [چون در بر هم قرار گیرند،] بادها را از دل برون می رانند، انسدادها را می گشایند، بلغم را می سوزانند، آب (منی) را زیاد می گردانند، بوی دهان را خوش می سازند، معده را نرمی می دهند، بوهای بد را از دهان می برند و آلت را سفتی می بخشند».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۳۴

۱۷۵۷. المحاسن: رُوِيَ أَنَّ الصَّعْتَرَ يَدْبُغُ الْمَعِدَةَ. [۷۵۷]

۱۷۵۸. المحاسن: فِي حَدِيثٍ: إِنَّ الصَّعْتَرَ يَنْبِثُ زَيْبَرَ الْمَعِدَةَ. [۷۵۸]

راجع: ج ۱، ص ۲۷۶ (ما يؤمن من اللقوة).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۳۵

۱۷۵۷. المحاسن: روایت شده است که آویشن، معده را می پالاید.

۱۷۵۸. المحاسن: در حدیث است که آویشن، پُرسی معده را می رویاند.

ر. ک: ج ۱، ص ۲۷۷ (آنچه از کژدهانی ایمنی می دهد).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۳۶

الفصل الثلاثون: السُّعْدُ

۱۷۵۹. الإمام الصادق عليه السلام: اتَّخَذُوا فِي أَسْنَانِكُمُ السُّعْدَ؛ فَإِنَّهُ يُطَيِّبُ الْفَمَ، وَيَزِيدُ فِي الْجِمَاعِ. [۷۵۹]

۱۷۶۰. الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ اسْتَنْجَى بِالسُّعْدِ بَعْدَ الْغَائِطِ، وَغَسَلَ بِهِ فَمَهُ بَعْدَ الطَّعَامِ، لَمْ تُصِبْهُ عِلَّةٌ فِي فَمِهِ، وَ لَمْ يَخَفْ شَيْئاً مِنْ أَرِيَّاحِ الْبُؤَاسِيرِ. [۷۶۰]

۱۷۶۱. مكارم الأخلاق عن إبراهيم بن نظام: أَخَذَنِي اللَّصُوصُ وَ جَعَلُوا فِي فَمِي الْفَالُودَجَ الْحَارَّ حَتَّى نَضِجَ، ثُمَّ حَشَوَهُ بِالتَّلْجِ بَعْدَ ذَلِكَ فَتَسَاقَطَتْ أَسْنَانِي وَ أَضْرَاسِي، فَرَأَيْتُ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي النَّوْمِ فَشَكَوْتُ إِلَيْهِ ذَلِكَ، فَقَالَ: اسْتَعْمِلِ السُّعْدَ؛ فَإِنَّ أَسْنَانَكَ تَتَّبْتُ. فَلَمَّا حُمِلَ إِلَى خُرَاسَانَ بَلَغَنِي أَنَّهُ مَارٌّ بِنَا فَاسْتَقْبَلْتُهُ وَ سَلَّمْتُ عَلَيْهِ، وَ ذَكَرْتُ لَهُ حَالِي وَ إِنِّي رَأَيْتُهُ فِي الْمَنَامِ وَ أَمَرَنِي بِاسْتِعْمَالِ السُّعْدِ.

فَقَالَ: وَ أَنَا آمُرُكَ بِهِ فِي الْيَقْظَةِ، فَاسْتَعْمَلْتَهُ فَعَادَتْ أَسْنَانِي وَ أَضْرَاسِي كَمَا كَانَتْ [۷۶۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۳۷

فصل سی‌ام: مُشَكِّك

۱۷۵۹. امام صادق علیه السلام: مُشَكِّك [۷۶۲] را به لابه‌لای دندان‌های خویش در آورید؛ چرا که دهان را خوش بو می‌کند و بر توان همبستری می‌افزاید.

۱۷۶۰. امام کاظم علیه السلام: هر کس پس از قضای حاجت، آلودگی مقعد را با مُشَكِّك بزدايد و پس از غذا خوردن نیز دهان خویش را با مُشَكِّك بشوید، نه بیماری‌ای از بیماری‌های دهان به او می‌رسد و نه [باید] از باد بواسیر بترسد.

۱۷۶۱. مكارم الأخلاق به نقل از ابراهیم بن نظام: دزدان، مرا گرفتند و در دهانم پالوده داغ ریختند تا آنکه دهانم پخت. پس از آن، دهانم را با یخ، پُر کردند و در نتیجه دندان‌هایم سست شد. [۷۶۳]

پس از چندی، امام رضا علیه السلام را در خواب دیدم. از این پیشامد به نزد ایشان، اظهار ناراحتی کردم.

فرمود: «از مُشَكِّك، بهره بجوی؛ چرا که، در این صورت، دندان‌هایت ثابت خواهند ماند».

هنگامی که ایشان به خراسان آورده شد، به من خبر رسید که بر ما نیز خواهد گذشت. به استقبال ایشان رفتم و به ایشان سلام کردم و حال خویش را و این که ایشان را در خواب دیده بودم و ایشان مرا به استفاده از مُشَكِّك سفارش فرموده بود، با ایشان در میان نهادم.

فرمود: «اکنون در بیداری، تو را بدان سفارش می‌کنم».

من نیز از آن، بهره جستم و دندان‌هایم به وضع پیشین باز گشت.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۳۸

راجع: ج ۱، ص ۳۷۸، ح ۶۳۵. ج ۱، ص ۴۰۲، ح ۶۷۸ و ۶۷۹.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۳۹

ر. ک: ج ۱، ص ۳۷۹، ح ۶۳۵. ج ۱، ص ۴۰۳، ح ۶۷۸ و ۶۷۹.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۴۰

الفصل الحادی و الثلاثون: السَّفَرَجَل

۱ / ۳۱

خَوَاصُّ السَّفَرَجَلِ

۱۷۶۲. رسول الله صلى الله عليه و آله: أكل السَّفَرَجَلِ يُذهِبُ ظلمةَ البَصْرِ. [۷۶۴]

۱۷۶۳. عنه صلى الله عليه و آله: أكل السَّفَرَجَلِ يذهب بِطخاءِ القلبِ. [۷۶۵]

۱۷۶۴. عنه صلى الله عليه و آله: كُلُوا السَّفَرَجَلْ؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الفُؤَادَ. و ما بَعَثَ اللهُ نَبِيًّا إِلا أَطعمَهُ مِنْ سَفَرَجَلِ الجَنَّةِ، فَيَزِيدُ فِيهِ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا. [۷۶۶]

۱۷۶۵. عنه صلى الله عليه و آله: إِذَا وَجَدَ أَحَدُكُمْ طَخَاءً عَلَى قَلْبِهِ، فَلْيَأْكُلِ السَّفَرَجَلْ. [۷۶۷]

۱۷۶۶. الإمام عليّ عليه السلام: دَخَلَ طَلْحَةُ بْنُ عُبَيْدِ اللهِ عَلَى رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَفِي يَدِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَفَرَجَلَةٌ قَدْ جَاءَ بِهَا إِلَيْهِ، وَقَالَ: خُذْهَا يَا أَبَا مُحَمَّدٍ؛ فَإِنَّهَا تُجَمُّ القَلْبَ. [۷۶۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۴۱

فصل سی و یکم: به

۱ / ۳۱ خواص به

۱۷۶۲. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: خوردن به، تیرگی چشم را از میان می برد.

۱۷۶۳. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: خوردن به، سنگینی سینه را از میان می برد.

۱۷۶۴. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: به بخورید که دل را جلا می دهد. خداوند، هیچ پیامبری را برنگزیده، مگر این که از به بهشت به او خورانده و نیروی چهل مرد را به او افزوده است.

۱۷۶۵. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هرگاه کسی از شما در قلب خود، سنگینی ای احساس می کند، به بخورد.

۱۷۶۶. امام علی علیه السلام: در حالی که پیامبر خدا یک به در دست داشت، طلحه بن

عبید الله بر ایشان وارد شد. پیامبر صلى الله عليه و آله آن به را نزدیک طلحه برد و فرمود: «ای ابو محمد! این را بگیر، که قلب را آرامش و آسایش می دهد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۴۲

۱۷۶۷. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الزُّبَيْرَ دَخَلَ عَلَى رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِيَدِهِ سَفَرَجَلَةٌ.

فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا زُبَيْرُ، مَا هَذِهِ بِيَدِكَ؟

فَقَالَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللهِ، هَذِهِ سَفَرَجَلَةٌ.

فَقَالَ: يَا زُبَيْرُ، كُلِ السَّفَرَجَلْ؛ فَإِنَّ فِيهِ ثَلَاثَ خِصَالٍ.

قَالَ: وَ مَا هِيَ يَا رَسُولَ اللهِ؟

قَالَ: يُجَمُّ الفُؤَادَ، وَ يُسَخِّي البَخِيلَ، وَ يُشَجِّعُ الجَبَانَ. [۷۶۹]

۱۷۶۸. المعجم الكبير عن طَلْحَةَ: أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ فِي جَمَاعَةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ وَفِي يَدِهِ سَفْرَجَلَةٌ يُقَلِّبُهَا، فَلَمَّا جَلَسْتُ إِلَيْهِ دَحَا بِهَا نَحْوِي، ثُمَّ قَالَ:

دُونَكْهَا أَبَا مُحَمَّدٍ؛ فَإِنَّهَا تُشَدُّ الْقَلْبَ، وَتُطَيِّبُ النَّفْسَ، وَتَذْهَبُ بِطَخَاوَةِ الصَّدْرِ. [۷۷۰]

۱۷۶۹. سنن ابن ماجه عن طلحة: دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِيَدِهِ سَفْرَجَلَةٌ فَقَالَ: دُونَكْهَا يَا طَلْحَةُ؛ فَإِنَّهَا تُجِمُّ الْفُؤَادَ. [۷۷۱]

۱۷۷۰. المحاسن عن طلحة بن عمرو: دَخَلَ طَلْحَةُ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَفِي

يَدِهِ سَفْرَجَلَةٌ، فَأَلْقَاهَا إِلَى طَلْحَةَ، وَقَالَ: كُلْهَا؛ فَإِنَّهَا تُجِمُّ الْفُؤَادَ. [۷۷۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۴۳

۱۷۶۷. امام صادق علیه السلام: زیبر، در حالی که به در دست داشت، بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد. پیامبر صلی الله علیه و آله از او پرسید: «ای زیبر! این چیست که در دست توست؟».

گفت: ای پیامبر خدا! این، یک به است.

فرمود: «ای زیبر! به بخور؛ چرا که دارای سه ویژگی است».

پرسید: ای پیامبر خدا! آن ویژگی‌ها چیست؟

فرمود: «قلب را آسایش و آرامش می‌دهد، بخیل را گشاده‌دستی می‌دهد و ترسو را دلیر می‌کند».

۱۷۶۸. المعجم الكبير به نقل از طلحه: در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله در جمع شماری از یاران خویش بود و یک دانه به در دست داشت و می‌چرخاند، نزد ایشان رفتم. چون در بر ایشان نشستم، آن به را به سوی من انداخت و فرمود: «ابو محمد! بگیر؛ چرا که قلب را تقویت می‌کند، دل را خوش می‌دارد و سنگینی سینه را از میان می‌برد».

۱۷۶۹. سنن ابن ماجه به نقل از طلحه: در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله یک به در دست داشت، بر ایشان وارد شدم. فرمود: «طلحه! بگیر، که قلب را آرامش و آسایش می‌دهد».

۱۷۷۰. المحاسن به نقل از طلحة بن عمرو: در حالی که پیامبر خدا یک به در دست داشت، طلحة بن عبد الله بر ایشان وارد شد. پیامبر صلی الله علیه و آله آن را به

سوی طلحه افکند و فرمود: «آن را بخور؛ چرا که قلب را آرامش و آسایش می‌دهد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۴۴

۱۷۷۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: كُلُوا السَّفْرَجَلَ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الذَّهْنِ، وَيَذْهَبُ بِطَخَاءِ الصَّدْرِ، وَيُحَسِّنُ الْوَالِدَ. [۷۷۳]

۱۷۷۲. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَاهْدَى إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَفْرَجَلٌ، فَقَطَعَ مِنْهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قِطْعَةً وَنَاوَلَهَا جَعْفَرًا، فَأَبَى أَنْ يَأْكُلَهَا.

فَقَالَ: خُذْهَا وَكُلْهَا؛ فَإِنَّهَا تُدَكِّي الْقَلْبَ، وَتُشَجِّعُ الْجَبَانَ. [۷۷۴]

۱۷۷۳. الإمام الكاظم عليه السلام: كَسَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَفْرَجَلَةً وَأَطْعَمَ جَعْفَرَ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، وَقَالَ:

كُلْ؛ فَإِنَّهُ يُصَفِّي اللَّوْنَ، وَيُحَسِّنُ الْوَالِدَ. [۷۷۵]

۱۷۷۴. الإمام الرضا عليه السلام: اهْدَى لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَفْرَجَلٌ، فَضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى السَّفْرَجَلِ فَقَطَعَهَا، وَكَانَ يُحِبُّهَا حُبًّا شَدِيدًا، فَأَكَلَهَا وَأَطْعَمَ مَنْ كَانَ بِحَضْرَتِهِ مِنْ أَصْحَابِهِ.

ثُمَّ قَالَ: عَلَيْكُمْ بِالسَّفْرَجَلِ؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْقَلْبَ، وَيَذْهَبُ بِطَخَاءِ الصَّدْرِ. [۷۷۶]

۱۷۷۵. الإمام علي عليه السلام: أَكَلُ السَّفْرَجَلِ يَزِيدُ فِي قُوَّةِ الرَّجُلِ وَيَذْهَبُ بِضَعْفِهِ. [۷۷۷]

۱۷۷۶. عنه عليه السلام: أَكَلُ السَّفْرَجَلِ قُوَّةٌ لِلْقَلْبِ الضَّعِيفِ، وَيُطَيِّبُ الْمَعِدَّةَ، وَيَزِيدُ فِي

قُوَّةُ الْفُؤَادِ، وَ يُشَجِّعُ الْجَبَانَ، وَ يُحَسِّنُ الْوَالِدَ. [۷۷۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۴۵

۱۷۷۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به بخورید؛ چرا که ذهن را افزون می‌سازد، سنگینی سینه را می‌برد و فرزند را نکو می‌کند.
 ۱۷۷۲. امام صادق علیه السلام: جعفر بن ابی طالب، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بود. برای پیامبر صلی الله علیه و آله یک به، هدیه آوردند. پیامبر صلی الله علیه و آله قطعه‌ای را از آن برید و به جعفر داد. جعفر، از خوردنش خودداری ورزید. فرمود: «بگیر و بخور؛ چرا که قلب را هشیاری می‌دهد و ترسو را دلیر می‌کند».

۱۷۷۳. امام کاظم علیه السلام: پیامبر خدا، یک به را شکست و [پاره‌ای از آن را] به جعفر بن ابی طالب داد و فرمود: «بخور؛ چرا که رنگ را صفا می‌دهد و فرزند را نکو می‌سازد».

۱۷۷۴. امام رضا علیه السلام: یک به، به پیامبر صلی الله علیه و آله هدیه شد. پیامبر صلی الله علیه و آله دست خود را بر به زد و آن را قطعه قطعه کرد. ایشان، به را بسیار دوست داشت. آن را خورد و به کسانی از اصحاب که در محضر ایشان بودند نیز داد. سپس فرمود: «بر شما باد به؛ چرا که قلب را جلا می‌دهد و سنگینی سینه را می‌برد».

۱۷۷۵. امام علی علیه السلام: خوردن به، بر نیروی مرد می‌افزاید و سستی او را می‌برد.

۱۷۷۶. امام علی علیه السلام: خوردن به، نیرویی برای قلبی است که ضعیف شده باشد، معده

را پاک می‌کند، بر توان دل می‌افزاید، ترسو را دلیر می‌کند و فرزند را نکو می‌سازد. [۷۷۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۴۶

۱۷۷۷. الإمام الباقر علیه السلام: السَّفَرَجَلُ يَذْهَبُ بِهِمَّ الْحَزِينِ. [۷۸۰]

۱۷۷۸. طَبَّ الْأَثْمَةِ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ فِي السَّفَرَجَلِ خَصْلَةً لَيْسَتْ فِي سَائِرِ الْفَوَاكِهِ. قُلْتُ: وَ مَا ذَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟

قَالَ: يُشَجِّعُ الْجَبَانَ، هَذَا وَاللَّهِ مِنْ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. [۷۸۱]

۱۷۷۹. الإمام الصادق علیه السلام: السَّفَرَجَلُ يَذْهَبُ بِهِمَّ الْحَزِينِ، كَمَا تَذْهَبُ الْيَدُ بِعَرَقِ الْجَبِينِ.

۱۷۸۰. طَبَّ الْأَثْمَةِ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْحِجَامَةِ يَوْمَ السَّبْتِ، قَالَ: يُضَعَّفُ. قُلْتُ: إِنَّمَا عَلَّتْنِي مِنْ ضَعْفِي وَقَلَّةِ قُوَّتِي.

قَالَ: فَعَلَيْكَ بِأَكْلِ السَّفَرَجَلِ الْحُلِيِّ مَعَ حَبِّهِ؛ فَإِنَّهُ يُقَوِّى الضَّعْفَ، وَ يُطَيِّبُ المَعِدَةَ، وَ يُزَكِّي المَعِدَةَ. [۷۸۲]

۱۷۸۱. الإمام الصادق علیه السلام: أَكَلُ السَّفَرَجَلِ قُوَّةٌ لِلْقَلْبِ، وَ ذِكَاةٌ لِلْفُؤَادِ، وَ يُشَجِّعُ الْجَبَانَ. [۷۸۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۴۷

۱۷۷۷. امام باقر علیه السلام: به، اندوه اندوهگین را از میان می‌برد.

۱۷۷۸. طَبَّ الْأَثْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِهِ نَقَلَ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ: إِمَامُ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَمَوْد: «دَرِ بِهٖ، وَ يَزْكَى اِيَّاهُ» كَمَا فِي الْبُحَارِ وَ فِي أُخْرَى مِنْ كِتَابِهَا. نَيْسْت.

پرسیدم: ای پسر پیامبر خدا! آن چیست؟

فرمود: «ترسو را دلیر می‌کند. به خداوند سوگند، این، از دانش پیامبران که درودهای خداوند بر تمامی آنان باد است».

۱۷۷۹. امام صادق علیه السلام: به، اندوه اندوهگین را از میان می‌برد، چنان که دست، عرق پیشانی را می‌برد.

۱۷۸۰. طَبَّ الْأَثْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِهِ نَقَلَ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ: إِمَامُ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَرِبَارَهٗ حِجَامَتٍ فِي رَوْضَةِ شَبَّهٍ پَرَسِيدَم.

فرمود: «سستی می‌آورد».

گفتم: اصلاً بیماری من، از ضعف و کم‌قوتی من است.

فرمود: «در این صورت، به شیرین را با دانه‌اش بخور؛ زیرا ضعف را از بین می‌برد و معده را خوش‌بو می‌کند و آن را پاک می‌گرداند».

۱۷۸۱. امام صادق علیه السلام: خوردن به، مایه توان قلب و بیداری دل است و ترسو را دلیر می‌کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۴۸

۱۷۸۲. المحاسن عن السیاری رفعه: عَلَیْكُمْ بِالسَّفَرَجَلِ فَكُلُوهُ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ وَالْمُرُوءَةِ. [۷۸۴]

راجع: ج ۱، ص ۲۳۲ (ما ینفع لسلامة القلب و قوته/ السفرجل). ج ۱، ص ۴۲۰ (ما یدبغ المعده/ السفرجل).

۲/۳۱

فَوَائِدُ أَكْلِ السَّفَرَجَلِ عَلَى الرَّيْقِ

۱۷۸۳. رسول الله صلى الله عليه و آله: كُلُوا السَّفَرَجَلَ عَلَى الرَّيْقِ؛ فَإِنَّهُ يُدْهِبُ وَعَرَّ الصَّدْرِ. [۷۸۵]

۱۷۸۴. الإمام علي عليه السلام: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمًا وَفِي يَدِهِ سَفَرَجَلَةٌ، فَجَعَلَ يَأْكُلُ وَيُطْعِمُنِي وَيَقُولُ:

كُلْ يَا عَلِيُّ؛ فَإِنَّهَا هَدِيَّةُ الْجَبَّارِ إِلَيَّ وَ إِلَيْكَ.

قَالَ: فَوَجَدْتُ فِيهَا كُلَّ لَذَّةٍ.

فَقَالَ: يَا عَلِيُّ، مَنْ أَكَلَ السَّفَرَجَلَةَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ عَلَى الرَّيْقِ صَفَا ذَهْنُهُ، وَامْتَلَأَ جَوْفُهُ حِلْمًا وَعِلْمًا، وَوَقِيَ مِنَ كَيْدِ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ. [۷۸۶]

۱۷۸۵. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ أَكَلَ سَفَرَجَلَةً عَلَى الرَّيْقِ، طَابَ مَاؤُهُ، وَحَسُنَ وَلَدُهُ. [۷۸۷]

راجع: ج ۲، ص ۴۵۰، ح ۱۹۴۹.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۴۹

۱۷۸۲. المحاسن به نقل از سیاری، در حدیثی که سند آن را به معصوم رسانده است: بر شما باد به. آن را بخورید، که عقل و

مردانگی را افزون می‌سازد.

ر. ک: ج ۱، ص ۲۳۳ (آنچه برای سلامت قلب و تقویت آن، مفید است/ به). ج ۱، ص ۴۲۱ (آنچه معده را می‌پالاید و تقویت

می‌کند/ به).

۲/۳۱ فایده‌های ناشتا خوردن به

اشاره

۱۷۸۳. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: ناشتا به بخورید؛ چرا که حرارت سینه را از میان می‌برد.

۱۷۸۴. امام علی علیه السلام: روزی، در حالی که پیامبر خدا یک به در دست داشت، بر ایشان وارد شدم. ایشان به خوردن به و

دادن پاره‌هایی از آن به من پرداخت و می‌فرمود: «ای علی! بخور، که این، هدیه خداوند به من و توست».

من در آن، همه لذت‌ها را دیدم.

پیامبر صلى الله عليه و آله همچنین فرمود: «ای علی! هر کس سه روز ناشتا به بخورد، ذهنش صفا می‌یابد، درونش از دانش و

بردباری می‌آکند و از نیرنگ ابلیس و سپاهیان‌ش ننگه داشته می‌شود».

۱۷۸۵. امام صادق علیه السلام: هر کس ناشتا یک به بخورد، نطفه‌اش پاکیزه می‌شود و فرزندش نیکو می‌گردد. [۷۸۸]

ر. ک: ج ۲، ص ۴۵۱، ح ۱۹۴۹.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۵۰

۳ / ۳۱

خَوَاصُّ السَّفَرَجَلِ لِلْحَامِلِ

۱۷۸۶. رسول الله صلى الله عليه و آله: أَطْعَمُوا حَبَالَكُمْ السَّفَرَجَلِ؛ فَإِنَّهُ يُحَسِّنُ أَخْلَاقَ أَوْلَادِكُمْ. [۷۸۹]

۱۷۸۷. عنه صلى الله عليه و آله: رَائِحَةُ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ رَائِحَةُ السَّفَرَجَلِ، وَ رَائِحَةُ الْحُورِ الْعَيْنِ رَائِحَةُ الْأَسِّ، وَ رَائِحَةُ الْمَلَائِكَةِ رَائِحَةُ الْوَرْدِ، وَ رَائِحَةُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ رَائِحَةُ السَّفَرَجَلِ وَ الْأَسِّ وَ الْوَرْدِ، وَ لَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا وَ لَا وَصِيًّا إِلَّا وَجَدَ مِنْهُ رَائِحَةَ السَّفَرَجَلِ؛ فَكُلُوهَا وَ أَطْعَمُوا حَبَالَكُمْ يُحَسِّنُ أَوْلَادَكُمْ. [۷۹۰]

۱۷۸۸. مكارم الأخلاق عن رسول الله صلى الله عليه و آله: كُلُوا السَّفَرَجَلِ وَ تَهَادَوْهُ بَيْنَكُمْ؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْبَصَرَ، وَ يُنْبِتُ الْمَوَدَّةَ فِي الْقَلْبِ، وَ أَطْعَمُوهُ حَبَالَكُمْ؛ فَإِنَّهُ يُحَسِّنُ أَوْلَادَكُمْ.

و فِي رِوَايَةٍ: يُحَسِّنُ أَخْلَاقَ أَوْلَادِكُمْ. [۷۹۱]

۱۷۸۹. الإمام الصادق عليه السلام لَمَّا نَظَرَ إِلَى غُلَامٍ جَمِيلٍ: يَتَبَغَى أَنْ يَكُونَ أَبُو هَذَا الْغُلَامِ آكِلَ السَّفَرَجَلِ. [۷۹۲]

۱۷۹۰. الكافي عن شَرَحْبِيلَ بْنِ مُسْلِمٍ: إِنَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ [۷۹۳] قَالَ فِي الْمَرْأَةِ الْحَامِلِ: تَأْكُلُ السَّفَرَجَلِ؛ فَإِنَّ الْوَلَدَ يَكُونُ أَطْيَبَ رِيحًا، وَ أَصْفَى لَوْنًا. [۷۹۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۵۱

۳ / ۳۱ خَوَاصُّ بَهْ بَرَايِ زَنَانِ بَارِدَارِ

۱۷۸۶. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: به زنان باردار خود، بهْ بدهید؛ چرا که خوی فرزندانان را نکو می‌سازد.

۱۷۸۷. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: بوی پیامبران علیهم السلام، بوی بهْ است؛ و بوی حوری‌های آهوچشم [بهشت، بوی انگبین؛ و بوی فرشتگان، بوی گل سرخ؛ و بوی دخترم فاطمه زهرا، بوی بهْ و انگبین و گل سرخ.

خداوند، هیچ پیامبری را برنینگیخته است، مگر این که از او، بوی بهْ می‌آمده است. بهْ بخورید و به زنان باردار خود بدهید تا فرزندانان نکو باشند.

۱۷۸۸. مكارم الأخلاق به نقل از پیامبر خدا: «بهْ بخورید و به همدیگر هدیه دهید؛ چرا که چشم را جلا می‌دهد و دوستی را در دل می‌رویانند. به زنان باردار خود هم از آن بخورانید؛ چرا که فرزندانان را نکو می‌سازد».

در روایتی دیگر است که: «خوی فرزندانان را نکو می‌سازد».

۱۷۸۹. امام صادق علیه السلام هنگامی که به پسر بچه‌ای زیبا نگریست: باید پدر این پسر، بهْ خور باشد. [۷۹۵]

۱۷۹۰. الكافي به نقل از شَرَحْبِيلَ بْنِ مُسْلِمٍ: ایشان [۷۹۶] درباره زن باردار گفت: «بهْ بخورد. در این صورت، فرزند او، خوش‌بو تر و خوش‌رنگ‌تر خواهد شد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۵۲

الفصل الثانی و الثلاثون: السُّكَّرُ

۱ / ۳۲

خَوَاصُّ السُّكَّرِ

۱۷۹۱. الکافی عن یحیی بن بشیر التَّال: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَبِي: يَا بَشِيرُ، بِأَيِّ شَيْءٍ تُدَاوُونَ مَرْضَاكُمْ؟ فَقَالَ: بِهَذِهِ الْأَدْوِيَةِ الْمِرَارِ.

فَقَالَ لَهُ: لَا، إِذَا مَرِضَ أَحَدُكُمْ فَخُذِ السُّكَّرَ الْأَبْيَضَ فَدَقِّقْهُ وَصُبَّ عَلَيْهِ الْمَاءَ الْبَارِدَ وَاسْقِهِ إِيَّاهُ، فَإِنَّ الَّذِي جَعَلَ الشِّفَاءَ فِي الْمَرَارَةِ قَادِرٌ أَنْ يَجْعَلَهُ فِي الْحَلَاوَةِ. [۷۹۷]

۱۷۹۲. الإمام الكاظم عليه السلام: تَأْخُذُ لِلْحُمَّى وَزَنَ عَشْرَةَ دَرَاهِمَ سُكَّرًا بِمَاءٍ بَارِدٍ عَلَى الرَّيِّقِ. [۷۹۸]

۱۷۹۳. الکافی عن إبراهيم الجعفی: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: مَا لِي أَرَاكَ سَاهِمَ الْوَجْهِ؟ فَقُلْتُ: إِنَّ بِي حُمَّى الرَّبِيعِ.

فَقَالَ: مَاذَا يَمْنَعُكَ مِنَ الْمُبَارَكِ الطَّيِّبِ؟ اسْحَقِ السُّكَّرَ، ثُمَّ امْحُضْهُ بِالْمَاءِ وَاشْرَبْهُ عَلَى الرَّيِّقِ وَعِنْدَ الْمَسَاءِ. فَفَعَلْتُ فَمَا عَادَتْ إِلَيَّ. [۷۹۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۵۳

فصل سی و دوم: شکر

۳۲ / ۱ خواص شکر

۱۷۹۱. الکافی به نقل از یحیی بن بشیر تَبَّال: امام صادق علیه السلام از پدرم پرسید: «ای بشیر! با چه چیز، بیمارانتان را درمان می‌کنید؟».

پدرم گفت: با این داروهای تلخ.

امام علیه السلام به وی فرمود: «نه! اگر کسی از شما بیمار شد، قدری شکر سفید بردار، آن را بسای. آب سرد بر رویش بریز و آن را به بیمار بخوران؛ چرا که آن که در دارویی تلخ، درمان نهاده، بر این هم تواناست که درمان را در شکرینه قرار دهد».

۱۷۹۲. امام کاظم علیه السلام: برای تب، به اندازه وزن ده درهم، شکر به آب سرد درمی‌آمیزی و ناشتا می‌خوری. [۸۰۰]

۱۷۹۳. الکافی به نقل از ابراهیم جُعفی: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم. پرسید: «چرا تو را پریده‌رنگ می‌بینم؟» گفتم: تب ربيع [۸۰۱] دارم.

فرمود: «چه چیز، تو را از خجسته پاک، باز می‌دارد؟ شکر را بسای و سپس در آب، حل کن و آن را ناشتا و همچنین در شامگاهان بخور».

این کار را انجام دادم و از آن پس، به این حالت، گرفتار نیامدم.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۵۴

۱۷۹۴. الکافی عن الحسن بن علی بن النُّعْمَانِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْوَجْعَ، فَقَالَ لِي: إِذَا أُوتِيَ إِلَى فِرَاشِكَ فَكُلْ سَكَّرَتَيْنِ.

قَالَ: فَفَعَلْتُ ذَلِكَ فَبَرَأْتُ. [۸۰۲]

۱۷۹۵. الکافی عن ابن أبي عمير رفعه عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: شَكَا إِلَيَّ رَجُلٌ الْوَبَاءَ.

فَقَالَ لَهُ: وَ أَيْنَ أَنْتَ عَنِ الطَّيِّبِ الْمُبَارَكِ؟

قَالَ: قُلْتُ: وَ مَا الطَّيِّبُ الْمُبَارَكُ؟

فَقَالَ: سَلِيمَاتُكُمْ هَذَا.

قال: فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَوَّلَ مَنْ اتَّخَذَ الشُّكْرَ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُودَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. [۸۰۳]

۱۷۹۶. الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ أَخَذَ شُكْرَتَيْنِ عِنْدَ النَّوْمِ، كَانَتْ لَهُ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِلَّا السَّامَ. [۸۰۴]

۱۷۹۷. عنه عليه السلام: قَصَبُ الشُّكْرِ يَفْتَحُ السُّدُودَ، وَلَا دَاءَ فِيهِ وَلَا غَائِلَةً. [۸۰۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۵۵

۱۷۹۴. الكافي به نقل از حسن بن علی بن نعمان، از یکی از هم‌مسلمانان ما: نزد امام صادق علیه السلام از درد، اظهار ناراحتی کردم. به من فرمود: «چون به بستر رفتی، دو شکر پاره بخور».

این کار را انجام دادم و بهبود یافتم.

۱۷۹۵. الكافي به نقل از ابن ابی عمیر، در حدیثی که سند آن را به معصوم رسانده است: مردی نزد امام صادق علیه السلام از وبا اظهار ناراحتی کرد.

امام علیه السلام از او پرسید: «با پاکِ خجسته چگونه‌ای؟».

[من گفتم: پاکِ خجسته چیست؟]

فرمود: «این [شکر] سلیمانی شما».

امام صادق علیه السلام همچنین فرمود: «نخستین کسی که شکر ساخت، سلیمان بن داوود بود».

۱۷۹۶. امام کاظم علیه السلام: هر کس در هنگام خفتن، دو شکر پاره بردارد، برای او در برابر هر دردی، مگر درد مرگ، درمان است.

۱۷۹۷. امام کاظم علیه السلام: نیشکر، انسدادها را می‌گشاید و هیچ بیماری و عارضه‌ای در آن نیست.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۵۶

۱۷۹۸. عنه عليه السلام: ثَلَاثَةٌ لَا تَصْرُفُ: الْعَنْبُ الرَّازِقِيُّ، وَقَصَبُ الشُّكْرِ، وَالتُّفَّاحُ اللَّبْنَانِيُّ. [۸۰۶]

راجع: ج ۱، ص ۳۴۰ (ما ینفع لعلاج السعال).

۲/۳۲

خَوَاصُّ الشُّكْرِ الطَّبْرَزْدِ

۱۷۹۹. الإمام الرضا عليه السلام: الشُّكْرُ الطَّبْرَزْدِيُّ يَأْكُلُ الْبَلْغَمَ أَكْلًا. [۸۰۷]

۱۸۰۰. الإمام الباقر عليه السلام لِرُزَارَةَ: وَيَحِيكُ يَا زُرَارَةَ، مَا أَغْفَلَ النَّاسَ عَنِ فَضْلِ الشُّكْرِ الطَّبْرَزْدِيِّ! وَهُوَ يَنْفَعُ مِنْ سَبْعِينَ دَاءً، وَهُوَ يَأْكُلُ الْبَلْغَمَ أَكْلًا وَيَقْلَعُهُ بِأَصْلِهِ. [۸۰۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۵۷

۱۷۹۸. امام کاظم علیه السلام: سه چیز است که هیچ زیانی ندارد: انگور رازقی، نیشکر و سیب لبنانی. [۸۰۹]

ر. ک: ج ۱، ص ۳۴۱ (آنچه برای درمان سرفه، سودمند است).

۲/۳۲ خَوَاصُّ شُكْرِ طَبْرَزْدِ

۱۷۹۹. امام رضا علیه السلام: شکرِ طبرزد [۸۱۰]، بلغم را به کلی از میان می‌برد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۵۸

۱۸۰۰. امام باقر علیه السلام خطاب به زراره: ای زراره! دریغ از تو! چه قدر مردم از ارزش شکر طبرزد، بی‌خبرند، در حالی که برای هفتاد بیماری، سودمند است و بلغم را کاملاً فرو می‌خورد و ریشه‌کن می‌سازد!

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۶۰

الفصل الثالث و الثلاثون: السَّلْجَم

۱۸۰۱. الإمام الصادق عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالسَّلْجَمِ فَكُلُوهُ وَ أَدِيمُوا أَكْلَهُ وَ اكْتُمُوهُ إِلَّا عَنِ أَهْلِهِ؛ فَمَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَ بِهِ عِرْقٌ مِنَ الْجُدَامِ فَأَذِيبُوهُ بِأَكْلِهِ. [۸۱۱]

۱۸۰۲. عنه عليه السلام: ما مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَ فِيهِ عِرْقٌ مِنَ الْجُدَامِ، فَأَذِيبُوهُ بِالسَّلْجَمِ. [۸۱۲]

۱۸۰۳. عنه عليه السلام: ما مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَ فِيهِ عِرْقٌ مِنَ الْجُدَامِ، فَكُلُوا السَّلْجَمَ فِي زَمَانِهِ يَذْهَبَ بِهِ عَنْكُمْ. [۸۱۳]

۱۸۰۴. عنه عليه السلام: ما مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَ بِهِ عِرْقٌ مِنَ الْجُدَامِ، وَ أَنَّ اللَّفْتَ وَ هُوَ السَّلْجَمُ يُذِيبُهُ، فَكُلُوهُ فِي زَمَانِهِ يَذْهَبَ عَنْكُمْ كُلِّ دَاءٍ. [۸۱۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۶۱

فصل سی و سوم: شلغم

۱۸۰۱. امام صادق علیه السلام: بر شما باد شلغم. آن را بخورید و پیوسته خوردنش را استمرار بخشید و آن را از همه کس، جز آنان که اهلش هستند، پنهان بدارید؛ زیرا هیچ کس نیست که در او رگی از جذام نباشد. این رگ را با شلغم بسوزانید.

۱۸۰۲. امام صادق علیه السلام: هیچ کس نیست که در او ریشه‌ای از جذام نباشد. این ریشه را با شلغم بسوزانید. [۸۱۵]

۱۸۰۳. امام صادق علیه السلام: هیچ کس نیست، مگر این که در او رگی از جذام وجود دارد. شلغم را در فصل آن بخورید تا این رگ را از شما ببرد.

۱۸۰۴. امام صادق علیه السلام: هیچ کس نیست، مگر این که در او رگی از جذام وجود دارد. شلغم، این رگ را می‌سوزاند. شلغم را در فصل آن بخورید تا هر دردی را از شما ببرد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۶۲

۱۸۰۵. الإمام الكاظم عليه السلام: عَلَيْكَ بِاللَّفْتِ فَكُلْهُ يَعْنِي السَّلْجَمَ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَ لَهُ عِرْقٌ مِنَ الْجُدَامِ، وَ اللَّفْتُ يُذِيبُهُ [۸۱۶]. [۸۱۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۶۳

۱۸۰۵. امام کاظم علیه السلام: بر تو باد شلغم. آن را بخور؛ زیرا هیچ کس نیست که در او رگی از جذام نباشد، و شلغم، این رگ را می‌سوزاند. [۸۱۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۶۴

الفصل الرابع و الثلاثون: السَّلَق

۱۸۰۶. الإمام الصادق عليه السلام: أَكُلِ السَّلَقَ؛ يُؤْمِنُ مِنَ الْجُدَامِ. [۸۱۹]

۱۸۰۷. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ رَفَعَ عَنِ الْيَهُودِ الْجُدَامَ بِأَكْلِهِمْ السَّلَقَ وَ قَلَعِهِمُ الْعُرُوقَ. [۸۲۰]

۱۸۰۸. الإمام الكاظم عليه السلام: إِنَّ السَّلْقَ يَقْمَعُ عِرْقَ الْجُدَامِ، وَ مَا دَخَلَ جَوْفَ الْمُبْرَسَمِ مِثْلَ وَرَقِ السَّلْقِ. [۸۲۱]

۱۸۰۹. الإمام الرضا عليه السلام: أَطْعَمُوا مَرْضَاكُمْ السَّلْقَ يَعْنِي وَرَقَهُ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً وَلَا دَاءَ مَعَهُ وَلَا غَائِلَمَهُ لَهُ، وَ يُهْدِي نَوْمَ الْمَرِيضِ، وَ اجْتَنِبُوا أَصْلَهُ؛ فَإِنَّهُ يَهَيِّجُ السُّودَاءَ. [۸۲۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۶۵

فصل سی و چهارم: چغندر

۱۸۰۶. امام صادق علیه السلام: خوردن چغندر، در برابر جذام، ایمنی می‌دهد.

۱۸۰۷. امام صادق علیه السلام: خداوند، جذام را از میان یهودیان برداشت، بدان سبب که چغندر می‌خوردند و رگ‌ها را بیرون می‌کشیدند. [۸۲۳]

۱۸۰۸. امام کاظم علیه السلام: چغندر، رگ جذام را به کلی از میان می‌برد. هیچ چیز به درون گرفتار به برسام [۸۲۴] در نیامده است که همانند برگ چغندر باشد.

۱۸۰۹. امام رضا علیه السلام: به بیمارانتان، چغندر (یعنی برگ آن را) بدهید؛ چرا که در آن، درمان است و هیچ بیماری‌ای به همراه ندارد و هیچ عارضه‌ای در آن نیست و خواب بیمار را آرام می‌سازد.

اما از خود چغندر پرهیزید؛ چرا که سودا را تحریک می‌کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۶۶

۱۸۱۰. عنه عليه السلام في ذكر فوائد السلق: يَشُدُّ الْعَقْلَ، وَ يُصَفِّي الدَّمَ. [۸۲۵]

۱۸۱۱. المحاسن عن أحمد بن محمد بن أبي نصر: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَحْمَدُ، كَيْفَ شَهَوْتُكَ الْبَقْلَ؟ فَقُلْتُ: إِنِّي لَأَشْتَهِي عَائْتَهُ.

قال: فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ فَاعْلَمِكِ بِالسَّلْقِ؛ فَإِنَّهُ يَنْبُتُ عَلَى شَاطِئِ الْفِرْدَوْسِ، وَ فِيهِ شِفَاءٌ مِنَ الْأَدْوَاءِ، وَ هُوَ يُعَلِّظُ الْعَظْمَ، وَ يُنْبِتُ اللَّحْمَ، وَ لَوْ لَا أَنْ تَمَسَّهُ أَيْدِي الْخَاطِئِينَ لَكَانَتِ الْوَرَقَةُ مِنْهُ تَسْتُرُ رِجَالًا.

قُلْتُ: مِنْ أَحَبِّ الْبَقُولِ إِلَيَّ.

فَقَالَ: أَحْمَدُ اللَّهُ عَلَى مَعْرِفَتِكَ بِهِ. [۸۲۶]

۱۸۱۲. بحار الأنوار: رَوَى: نِعَمَ الْبَقْلَمَةُ السَّلْقُ؛ يَنْبُتُ بِشَاطِئِ الْفِرْدَوْسِ، وَ فِيهَا شِفَاءٌ مِنَ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا، وَ تَشُدُّ الْعَصَبَ، وَ تُظَهِّرُ الدَّمَ، وَ تُعَلِّظُ الْعَظْمَ. [۸۲۷]

راجع: ج ۱، ص ۵۱۲ (ما ینفع لعلاج البرص / أكل لحم البقر بالسلق).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۶۷

۱۸۱۰. امام رضا علیه السلام در بیان فایده‌های چغندر: عقل را استحکام می‌بخشد و خون را تصفیه می‌کند.

۱۸۱۱. المحاسن به نقل از احمد بن محمد بن ابی نصر: امام رضا علیه السلام پرسید: «ای احمد! علاقه‌ات به سبزی‌ها چگونه است؟». گفتم: همه آنها را دوست دارم.

فرمود: «اگر چنین است، بر تو باد چغندر؛ زیرا بر کرانه‌های فردوس می‌روید و شفای دردها در آن است. استخوان را درشت می‌کند، گوشت می‌رویاند و اگر نبود که دستان گناهکاران به آن می‌رسد، هر برگ از آن برای پوشش چند مرد، بسنده می‌کرد». گفتم: برای من، از دوست‌داشتنی‌ترین سبزی‌هاست.

فرمود: «خدا را بر این که با آن آشنایی، سپاس بگزار.».

۱۸۱۲. بحار الأنوار: روایت شده است: «چغندر، نیکو سبزی‌ای است. بر ساحل پردیس می‌روید، شفای همه دردها در آن است، پی را استحکام می‌بخشد، خون را زیاد می‌کند و استخوان را ستر می‌سازد.
ر. ک: ج ۱، ص ۵۱۳ (آنچه برای درمان پیسی سودمند است/ خوردن گوشت گاو همراه با چغندر).
دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۶۸

الفصل الخامس و الثلاثون: السمن

۱/۳۵

خَوَاصُّ سَمَنِ الْبَقَرِ

۱۸۱۳. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ أَكَلَ لُقْمَهُ سَمِينَةً نَزَلَ مِثْلُهَا مِنَ الدَّاءِ مِنْ جَسَدِهِ، وَ لَحْمُ الْبَقَرِ دَاءٌ، وَ سَمِنُهَا شِفَاءٌ، وَ لَبْنُهَا دَوَاءٌ، وَ مَا دَخَلَ الْجَوْفَ مِثْلُ السَّمَنِ [۸۲۸].
۱۸۱۴. الإمام علي عليه السلام: لَحْمُ الْبَقَرِ دَاءٌ، وَ لَبْنُهَا شِفَاءٌ، وَ سَمِنُهَا دَوَاءٌ، وَ الشَّحْمُ يُخْرِجُ مِثْلَهُ مِنَ الدَّاءِ، وَ لَمْ يَسْتَشْفِ النَّاسُ بِشِفَاءِ أَفْضَلَ مِنَ السَّمَنِ [۸۲۹].
۱۸۱۵. عنه عليه السلام: سُمُونُ الْبَقَرِ شِفَاءٌ. [۸۳۰].
۱۸۱۶. عنه عليه السلام: سَمَنُ الْبَقَرِ دَوَاءٌ. [۸۳۱].
دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۶۹

فصل سی و پنجم: روغن حیوانی

۱/۳۵ خَوَاصُّ رَوِغَنِ گَاوِ

۱۸۱۳. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هر کس یک لقمه چرب‌شده به روغن حیوانی بخورد، به همان اندازه، بیماری از تن او فرو می‌ریزد. گوشت گاو، درد است و روغن آن، شفا و شیرش نیز درمان. هیچ چیز، همانند روغن گاو، به بدن درنیامده است.
۱۸۱۴. امام علی علیه السلام: گوشت گاو، بیماری است و شیر آن، شفاست و روغنش درمان است. پیه هم به اندازه خود، درد را از بدن برون می‌برد و مردم به هیچ چیز، برتر از روغن گاو، درمان نجسته‌اند.
۱۸۱۵. امام علی علیه السلام: روغن گاو، شفاست.
۱۸۱۶. امام علی علیه السلام: روغن گاو، داروست.
دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۷۰
۱۸۱۷. الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَأْمَنَ وَجَعَ الشَّفْلِ، وَ لَا يَضُرُّهُ شَيْءٌ مِنْ أَرْيَاحِ الْبَوَاسِيرِ [۸۳۲]، فَلْيَأْكُلْ سَبْعَ تَمَرَاتِ هَيْرُونَ [۸۳۳] بِسَمَنِ بَقَرٍ، وَ يُدْهِنُ انْتَبِيهِ بِزُبُقِ خَالِصٍ [۸۳۴].
راجع: ج ۲، ص ۴۷۶ (لحم البقر).

۲/۳۵

كَرَاهَةُ السَّمَنِ لِلشَّيْخِ

۱۸۱۸. الإمام الصادق عليه السلام: السَّمْنُ ما دَخَلَ جَوْفا مِثْلَهُ، وِإِنِّي لَأَكْرَهُهُ لِلشَّيْخِ. [۸۳۵]
۱۸۱۹. عنه عليه السلام: نِعَمَ الإِدَامِ السَّمْنُ، وِإِنِّي لَأَكْرَهُهُ لِلشَّيْخِ. [۸۳۶]
۱۸۲۰. عنه عليه السلام: إِذَا بَلَغَ الرَّجُلُ خَمْسِينَ سَنَةً، فَلَا يَبْتَئُ وَفِي جَوْفِهِ شَيْءٌ مِنَ السَّمْنِ. [۸۳۷]
۱۸۲۱. عنه عليه السلام فِي مَعْرِضِ كَلَامٍ لَهُ لِشَّيْخٍ مِنْ أَهْلِ العِرَاقِ: اجْتَنِبِ السَّمْنَ؛ فَإِنَّهُ لَا يَلَائِمُ الشَّيْخَ. [۸۳۸][۸۳۹]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۲؛ ص ۳۷۰

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۷۱

۱۸۱۷. امام رضا علیه السلام: هر کس می‌خواهد از درد نشیمنگاه در امان بماند و بادهای بواسیر به او زیان نرساند، هر شب، هفت خرمای هیرون [۸۴۰] با روغن گاو بخورد و بیضه‌های خود را با روغن زنبک خالص، چرب کند.
ر. ک: ج ۲، ص ۴۷۷ (گوشت گاو).

۲/۳۵ مکروه بودن روغن حیوانی برای پیران

۱۸۱۸. امام صادق علیه السلام: روغن حیوانی، چیزی است که همانند آن، به بدن در نیامده است؛ اما من آن را برای پیر، ناخوشایند می‌دانم.
۱۸۱۹. امام صادق علیه السلام: روغن حیوانی، چه نیکو خورشی است؛ اما من آن را برای پیر، ناخوشایند می‌دانم.
۱۸۲۰. امام صادق علیه السلام: مرد، هرگاه به پنجاه سالگی رسید، مباد در حالی که در درون او چیزی از روغن حیوانی است، شب را به بستر رود.
۱۸۲۱. امام صادق علیه السلام در ضمن سخن خود با پیری از مردمان عراق: از روغن حیوانی، حذر کن؛ چرا که با پیر، سازگاری ندارد.
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۷۲

الفصل السادس وَ الثَّلَاثُونَ: السَّنَا

۱۸۲۲. رسول الله صلى الله عليه و آله: تَدَاوُوا بِالسَّنَا، فَإِنَّهُ لَوْ كَانَ شَيْءٌ يَرُدُّ المَوْتَ لَرَدَّهُ السَّنَا. [۸۴۱]
۱۸۲۳. عنه صلى الله عليه و آله: إِيَّاكُمْ وَ الشُّبْرَمَ؛ فَإِنَّهُ حَارٌّ يَأْرُ، وَ عَلَيْكُمْ بِالسَّنَا فَتَدَاوُوا بِهِ، فَلَوْ دَفَعَ شَيْءٌ المَوْتَ لَدَفَعَهُ السَّنَا. [۸۴۲]
۱۸۲۴. الإمام الصادق عليه السلام: لَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَا فِي السَّنَا لَبَلَّغُوا كُلَّ مِثْقَالٍ مِنْهُ بِمِثْقَالَيْنِ مِنْ ذَهَبٍ! أَمَا إِنَّهُ أَمَانٌ مِنَ البَهَقِ وَ البَرَصِ وَ الجُدَامِ وَ الجُنُونِ وَ الفَالِجِ وَ اللَّقْوَةِ. [۸۴۳]
- راجع: ج ۱، ص ۴۸۴ (صحة الجلد/ السنا).
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۷۳

فصل سی و ششم: سِیَا (سنا)

۱۸۲۲. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: با سِیَا [۸۴۴] درمان کنید؛ زیرا اگر بنا بود چیزی مرگ را برگرداند، سِیَا بود که آن را دفع

می‌کرد.

۱۸۲۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از شُبْرُم (گاو کُشک) حذر کنید؛ چرا که سرد و بار [۸۴۵] است، و بر شما باد سَیَا. با آن، درمان کنید؛ چرا که اگر بنا بود چیزی مرگ را دور کند، سَیَا آن را دور می‌کرد.

۱۸۲۴. امام صادق علیه السلام: اگر مردم از آنچه در گیاه سَیَا هست، آگاهی داشتند، هر مثقال آن را با دو مثقال طلا به چنگ می‌آوردند. زنه‌ار که این گیاه، مایه ایمنی از: بهک، پیسی، جذام، دیوانگی، سست‌اندامی و کژدهانی است.
ر. ک: ج ۱، ص ۴۸۵ (بهداشت پوست / گیاه سنا).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۷۴

الفصل السَّابِعُ وَ الثَّلَاثُونَ: السَّوِيقُ

۱ / ۳۷

خَوَاصُّ السَّوِيقِ؟

۱۸۲۵. الإمام الباقر علیه السلام: مَا أَعْظَمَ بَرَكَةَ السَّوِيقِ! إِذَا شَرِبَهُ الْإِنْسَانُ عَلَى الشَّجِيعِ أَمْرَأَهُ وَ هَضَمَ الطَّعَامَ، وَ إِذَا شَرِبَهُ الْإِنْسَانُ عَلَى الْجُوعِ أَشْبَعَهُ، وَ نِعَمَ الزَّادِ فِي السَّفَرِ وَ الْحَضَرِ السَّوِيقُ. [۸۴۶]

۱۸۲۶. الإمام الصادق علیه السلام: السَّوِيقُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ، وَ يَشُدُّ الْعَظْمَ. [۸۴۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۷۵

فصل سی و هفتم: سَوِيق

۱ / ۳۷ خَوَاصُّ سَوِيق

۱۸۲۵. امام باقر علیه السلام: سَوِيق [۸۴۸]

، چه قدر پُربرکت است! اگر انسان در حالی که سیر است، آن را بخورد، غذا را گوارش می‌دهد و اگر در حالی که گرسنه است، بخورد، او را سیر می‌سازد. سَوِيق، چه نیکو توشه‌ای در سفر و در حضر است!

۱۸۲۶. امام صادق علیه السلام: سَوِيق، گوشت می‌رویاند و استخوان را استحکام می‌بخشد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۷۶

۱۸۲۷. عنه علیه السلام: اسقوا صِبْيَانَكُمْ السَّوِيقَ فِي صِغَرِهِمْ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ يُنْبِتُ اللَّحْمَ، وَ يَشُدُّ الْعَظْمَ. [۸۴۹]

۱۸۲۸. المحاسن عن بكر بن محمد الأزدي: دَخَلَتْ عَيْشَةُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَعَهَا ابْنُهَا أَظُنُّ اسْمَهُ مُحَمَّدًا فَقَالَ لَهَا أَبُو

عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا لِي أَرَى جِسْمَ ابْنِكَ نَحِيفًا؟

قَالَتْ: هُوَ عَلِيلٌ.

فَقَالَ لَهَا: اسقيه السَّوِيقَ؛ فَإِنَّهُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ، وَ يَشُدُّ الْعَظْمَ. [۸۵۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۷۷

۱۸۲۷. امام صادق علیه السلام: به کودکان‌تان در خردسالی‌شان سَوِيق بدهید؛ چرا که گوشت می‌رویاند و استخوان را استحکام می‌بخشد.

۱۸۲۸. المحاسن به نقل از بکر بن محمّد ازدی: عیثمه، در حالی که پسر خویش را به همراه داشت و به گمانم نام او محمّد بود بر امام صادق علیه السلام وارد شد.

امام صادق علیه السلام به او فرمود: «چرا می‌بینم تن فرزندت، نحیف است؟». گفت: او بیمار است.

امام علیه السلام به او فرمود: «به او سوویق بخوران؛ چرا که گوشت می‌رویانند و استخوان را استحکام می‌بخشد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۷۸

۱۸۲۹. الإمام الصادق علیه السلام: مَنْ شَرِبَ السَّوِيقَ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا امْتَلَأَ كِتْفَاهُ قُوَّةً. [۸۵۱]

۱۸۳۰. عنه علیه السلام: شَرِبُ السَّوِيقِ بِالزَّيْتِ يُنَبِّئُ اللَّحْمَ، وَيَشُدُّ الْعَظْمَ، وَيُرِقُّ الْبَشْرَةَ، وَيَزِيدُ فِي الْبَاهِ. [۸۵۲]

۱۸۳۱. عنه علیه السلام: اَمَلُواوَا جَوْفَ الْمَحْمُومِ مِنَ السَّوِيقِ؛ يُغَسَّلُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ يُسْقَى. [۸۵۳]

۱۸۳۲. عنه علیه السلام: السَّوِيقُ يُجَرِّدُ الْمِرَّةَ وَالْبَلْعَمَ مِنَ الْمَعِدَةِ جَرْدًا، وَيُدْفَعُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنَ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ. [۸۵۴]

۱۸۳۳. الإمام الكاظم علیه السلام: السَّوِيقُ وَمَرَقُ لَحْمِ الْبَقْرِ يَذْهَبَانِ بِالْوَضْحِ. [۸۵۵]

۱۸۳۴. الخرائج و الجرائح عن أبي هاشم الجعفری: كُنْتُ فِي مَجْلِسِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَعَطِشْتُ عَطَشًا شَدِيدًا وَ تَهَيَّبْتُ أَنْ أُسْتَسْقَى فِي مَجْلِسِهِ، فَدَعَا بِمَاءٍ فَشَرِبَ مِنْهُ جُرْعَةً، ثُمَّ قَالَ:

يَا أَبَا هَاشِمٍ، اشْرَبْ فَإِنَّهُ بَارِدٌ طَيِّبٌ فَشَرِبْتُ، ثُمَّ عَطِشْتُ عَطَشَهُ أُخْرَى، فَنَظَرَ إِلَيَّ الْخَادِمُ وَقَالَ:

شَرِبْتَهُ مِنْ مَاءٍ وَ سَوِيقٍ وَ سُكَّرٍ، ثُمَّ قَالَ لَهُ: بَلِّ السَّوِيقَ، وَ انْثُرْ عَلَيْهِ الشُّكْرَ بَعْدَ بَلِّهِ.

و قَالَ: اشْرَبْ يَا أَبَا هَاشِمٍ؛ فَإِنَّهُ يَقْطَعُ الْعَطَشَ. [۸۵۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۷۹

۱۸۲۹. امام صادق علیه السلام: هر کس چهل روز سوویق بخورد، بازوانش پُر توان می‌شود.

۱۸۳۰. امام صادق علیه السلام: خوردن سوویق با روغن زیتون، گوشت می‌رویانند، استخوان را استحکام می‌بخشد، پوست را نازک می‌کند و بر توان جنسی می‌افزاید.

۱۸۳۱. امام صادق علیه السلام: درون تبادار را از سوویق، پُر کنید. سه بار در آب شسته شود و آن‌گاه به او خورانده شود.

۱۸۳۲. امام صادق علیه السلام: سوویق، تلخه را از تن، و بلغم را از معده، کاملاً جدا می‌کند و هفتاد گونه بلا را دور می‌سازد.

۱۸۳۳. امام کاظم علیه السلام: سوویق خشک و آب گوشت گاو، پیسی را از میان می‌برند.

۱۸۳۴. الخرائج و الجرائح به نقل از ابو هاشم جعفری: در محضر امام رضا علیه السلام بودم. به سختی تشنه شدم؛ اما از هیبت ایشان ترسیدم که در مجلس ایشان، آب بطلبم. امام علیه السلام خود، آبی طلبید و جرعه‌ای از آن نوشید و سپس فرمود: «ای ابو هاشم! بنوش؛ چرا که سرد و خوب است». نوشیدم. سپس دیگر بار، تشنه شدم.

امام علیه السلام به خدمتگزاران نگریست و فرمود: «نوشابه‌ای از آب و مقداری سوویق و شکر برایش بیاور».

آن‌گاه فرمود: «سوویق را مرطوب کن و قدری شکر رویش بپاش».

[پس از آن، به من فرمود: «ای ابو هاشم! بنوش؛ چرا که عطش را از میان می‌برد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۸۰

۱۸۳۵. الإمام الرضا علیه السلام: نِعَمَ الْقَوْتُ السَّوِيقُ؛ إِنْ كُنْتَ جَائِعًا أَمْسَكَ، وَ إِنْ كُنْتَ شَبَعَانًا [۸۵۷] هَضَمَ طَعَامَكَ. [۸۵۸]

راجع: ج ۱، ص ۴۱۶ (ما ینفع للهضم/ السویق). ج ۱، ص ۵۶۴، ح ۹۶۴، وص ۵۶۶، ح ۹۶۹ و ۹۷۰.

أَسْوِيقُ الشَّعِيرِ

۱۸۳۶. الکافی عن سيف التمار: مَرَضَ بَعْضُ رُفَقَائِنَا بِمَكَّةَ وَ بُرْسَمَ، فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَعْلَمْتُهُ.

فَقَالَ لِي: اسْقِهِ سَوِيقَ الشَّعِيرِ؛ فَإِنَّهُ يُعَافَى إِنْ شَاءَ اللَّهُ، وَ هُوَ غِذَاءٌ فِي جَوْفِ الْمَرِيضِ.

قَالَ: فَمَا سَقَيْنَاهُ السَّوِيقَ إِلَّا يَوْمَيْنِ أَوْ قَالَ: مَرَّتَيْنِ حَتَّى عُوْفِيَ صَاحِبُنَا. [۸۵۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۸۱

۱۸۳۵. امام رضا علیه السلام: سَوِيقٌ، چِه نیکو خوراکی است! اگر گرسنه باشی، سیر می کند و اگر سیر باشی، غذایت را گوارش می دهد.

ر. ک: ج ۱، ص ۴۱۷ (آنچه برای گوارش، سودمند است/ سَوِيق). ج ۱، ص ۵۶۵، ح ۹۶۴، ج ۱، ص ۵۶۷، ح ۹۶۹ و ۹۷۰.

۲/۳۷ خواص برخی از انواع سَوِيق

الف سَوِيقِ جَو

۱۸۳۶. الکافی به نقل از سيف تمار: یکی از همراهانمان در مکه به بیماری برسام، مبتلا شد. من به حضور امام صادق علیه السلام رفتم و او را آگاهاندم.

به من فرمود: «سَوِيقِ جَو به او بخوران؛ چرا که به خواست خداوند، بهبود خواهد یافت. آن، غذایی در درون تن بیمار است».

ما جز دو روز (یا دو بار) به او سَوِيقِ ندادیم، مگر این که همراه ما، بهبود یافت.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۸۲

ب سَوِيقِ الْعَدَسِ

۱۸۳۷. الکافی عن محمد بن موسى رفعه عن الإمام الصادق عليه السلام: سَوِيقُ الْعَدَسِ يَقَطَعُ الْعَطَشَ، وَ يُقَوِّى الْمَعِدَةَ، وَ فِيهِ شِفَاءٌ مِنْ سَبْعِينَ دَاءً، وَ يُطْفِئُ الصَّفْرَاءَ، وَ يُبْرِدُ الْجَوْفَ.

وَ كَانَ إِذَا سَافَرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يُفَارِقُهُ، وَ كَانَ يَقُولُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا هَاجَ الدَّمُ بِأَحَدٍ مِنْ حَشَمِهِ قَالَ لَهُ: اشْرَبْ مِنْ سَوِيقِ الْعَدَسِ؛ فَإِنَّهُ يُسَكِّنُ هَيْجَانَ الدَّمِ، وَ يُطْفِئُ الْحَرَارَةَ. [۸۶۰]

راجع: ج ۱، ص ۵۹۴ (ما ینفع لعلاج عدم انقطاع دم الحيض).

ج سَوِيقِ الْأُرْزِ

۱۸۳۸. السرائر: رَوَى أَنَّ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ [أَيِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ شَكَا إِلَيْهِ اخْتِلَافَ الْبَطْنِ، فَأَمَرَهُ أَنْ يَتَّخِذَ مِنَ الْأُرْزِ سَوِيقًا وَ يَشْرَبَهُ، فَفَعَلَ فَعُوْفِيَ. [۸۶۱]

۱۸۳۹. دعائم الإسلام: عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ شَكَا إِلَيْهِ اخْتِلَافَ الْبَطْنِ، فَأَمَرَهُ أَنْ يَتَّخِذَ مِنَ الْأُرْزِ سَوِيقًا وَ يَأْخُذَهُ وَ يَشْرَبَهُ، فَفَعَلَ فَاشْتَدَّ بَطْنُهُ.

وَ قَالَ: مَرَضْتُ سَنَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ فَأَلْهَمَنِي اللَّهُ الْأُرْزَ. فَأَمَرْتُ بِهِ فَعَسَلَ وَ جُفِّفَ، ثُمَّ امْسَسَ النَّارَ وَ طَحَنَ، وَ جَعَلْتُ بَعْضَهُ سَوِيقًا وَ بَعْضَهُ حَسَاءً، وَ اسْتَعْمَلْتُهُ فَبُرِّئْتُ. [۸۶۲]

راجع: ج ۱، ص ۴۳۴ (ما ینفع لعلاج بعض أوجاع البطن / سَوِيقِ الْأُرْزِ).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۸۳

ب سَوِيقِ عَدَسِ

۱۸۳۷. الکافی به نقل از محمد بن موسی، در حدیثی که سَیْنِد آن را به امام صادق علیه السلام رسانده است: امام صادق علیه السلام فرمود: «سویق عدس، تشنگی را از میان می‌برد، معده را تقویت می‌کند، درمان هفتاد درد در آن است، صفرا را خاموش می‌کند و درون را سردی می‌بخشد».

ایشان، چون سفر می‌کرد، از این سویق، جدایی نداشت و چون در کسی از خدمتگزارانش خون به جوش می‌آمد، به وی می‌فرمود: «از سویق عدس بخور؛ چرا که جوش آمدگی خون را فرو می‌نشاند و حرارت را خاموش می‌کند».

ر. ک: ج ۱، ص ۵۹۵ (آنچه برای درمان بند نیامدن خون عادت، سودمند است).

ج سویق برنج

۱۸۳۸. السرائر: روایت شده که یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام، از شکم‌رویی اش نزد ایشان اظهار ناراحتی کرد. امام علیه السلام به او فرمود که قدری سویق برنج برگرد و بیاشامد.

او این کار را انجام داد و بهبود یافت.

۱۸۳۹. دعائم الإسلام: درباره امام صادق علیه السلام نقل شده که یکی از یارانش از شکم رَوش (بیرون‌روی)، نزد ایشان اظهار ناراحتی کرد. امام علیه السلام به او فرمود که سویقی از برنج فراهم کند و بخورد.

او این کار را کرد و شکمش بست.

همچنین فرمود: «من، دو سال یا بیشتر بیمار شدم. پس خداوند، استفاده از برنج را به من الهام کرد. گفتم تا آن را آوردند، شستند، خشک کردند، سپس روی آتش گرفتند و آن‌گاه آرد کردند. قدری از آن را سویق و قدری را شوربا کردم و از آن، بهره جستیم و بهبود یافتیم».

ر. ک: ج ۱، ص ۴۳۵ (آنچه برای برخی دردهای شکم، سودمند است / آرد برنج).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۸۴

د سویق التُّفَّاحِ

۱۸۴۰. الإمام الصادق علیه السلام: ما أَعْرِفُ لِلسُّمُومِ دَوَاءً أَنْفَعُ مِنْ سَوِيقِ التُّفَّاحِ. [۸۶۳]

۱۸۴۱. الکافی عن ابن بکیر: رَعَفْتُ سَنَةً بِالْمَدِينَةِ، فَسَأَلَ أَصْحَابُنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ شَيْءٍ يُمَسِّكُ الرُّعَافَ. فَقَالَ لَهُمْ: اسْقَوْهُ سَوِيقَ التُّفَّاحِ.

فَسَقَوْنِي فَأَنْقَطَعَ عَنِّي الرُّعَافُ. [۸۶۴]

۱۸۴۲. الکافی عن زیاد القندی: دَخَلْتُ الْمَدِينَةَ وَمَعِيَ أُخِي سَيِّفٌ، فَأَصَابَ النَّاسَ بُرْعَافٍ [۸۶۵]، فَكَانَ الرَّجُلُ إِذَا رَعَفَ يَوْمِينَ مَاتَ، فَرَجَعْتُ إِلَى الْمَنْزِلِ فَإِذَا سَيْفٌ يَرَعُفُ رُعَافًا شَدِيدًا، فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

فَقَالَ: يَا زِيَادُ، أَطْعِمْ سَيْفَ التُّفَّاحِ.

فَأَطَعْتُهُ إِيَّاهُ فَبَرَأَ. [۸۶۶]

۱۸۴۳. الکافی عن أحمد بن محمد بن یزید: كَانَ [۸۶۷] إِذَا لَسَعَ إِنْسَانًا مِنْ أَهْلِ الدَّارِ حَيَّةٌ أَوْ عَقْرَبٌ، قَالَ: اسْقَوْهُ سَوِيقَ التُّفَّاحِ. [۸۶۸]

راجع: ج ۱، ص ۴۳۶ (ما ینفع لعلاج بعض أوجاع البطن / سویق الجاوس).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۸۵

د سویق سیب

۱۸۴۰. امام صادق علیه السلام: برای مسمومیت، دارویی سودمندتر از سویق سیب، سراغ ندارم.

۱۸۴۱. الکافی به نقل از ابن بُکیر: سالی در مدینه به خون‌دماغ مبتلا شدم. یارانمان از امام صادق علیه السلام درباره چیزی که مانع خونریزی بینی شود، پرسیدند. به آنان فرمود: «به او سویق سیب بدهید».

آنان به من از این سویق خوراندند و خونریزی بینی‌ام قطع شد.

۱۸۴۲. الکافی به نقل از زیاد قندی: در حالی که برادرم سیف با من بود، به مدینه در آمدم. آنجا مردم به خون‌دماغ گرفتار شدند و کسی که خون‌دماغش دو روز ادامه می‌یافت، می‌مُرد.

من به منزل باز گشتم و دیدم سیف، خون‌دماغ شدیدی دارد. نزد امام کاظم علیه السلام رفتم. فرمود: «ای زیاد! به سیف، سیب [۸۶۹ بخوران».

من آن را به او خوراندم و وی بهبود یافت.

۱۸۴۳. الکافی به نقل از احمد بن محمد بن یزید: ایشان، [۸۷۰] چون کسی از اهل خانه را مار یا کژدم می‌گزید، می‌گفت: «به او سویق سیب بخورانید».

ر. ک: ج ۱، ص ۴۳۷ (آنچه برای برخی دردهای شکم، سودمند است / سویق گاؤرس).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۸۶

۳ / ۳۷

خَوَاصُّ السَّوِيقِ الْجَافِ

۱۸۴۴. الإمام الصادق علیه السلام: ثَلَاثُ رَاحَاتِ سَوِيقِ جَافٍ عَلَى الرَّيِّقِ يُنَشِّفُ الْبَلْعَمَ وَالْمِرَّةَ، حَتَّى لَا يَكَادَ يَدْعُ شَيْئًا. [۸۷۱]

۱۸۴۵. عنه علیه السلام: إِنَّ السَّوِيقَ الْجَافَ إِذَا اخْتَذَ عَلَى الرَّيِّقِ أَطْفَأَ الْحَرَارَةَ، وَ سَكَّنَ الْمِرَّةَ، وَ إِذَا لُتَّ ثُمَّ شُرِبَ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ. [۸۷۲]

۱۸۴۶. الکافی عن إبراهيم بن بسطام عن رجلٍ من أهل مرو: بَعَثَ إِلَيْنَا الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ عِنْدَنَا يَطْلُبُ السَّوِيقَ، فَبَعَثْنَا إِلَيْهِ بِسَوِيقٍ

مَلْتَوِيٍّ، فَرَدَّهُ وَ بَعَثَ إِلَيْنَا أَنَّ السَّوِيقَ إِذَا شُرِبَ عَلَى الرَّيِّقِ وَ هُوَ جَافٌ أَطْفَأَ الْحَرَارَةَ، وَ سَكَّنَ الْمِرَّةَ، وَ إِذَا لُتَّ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ. [۸۷۳]

راجع: ج ۱، ص ۵۱۲ (ما ینفع لعلاج البرص / السویق).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۸۷

۳ / ۳۷ خَوَاصُّ سَوِيقِ خَشَكِ

۱۸۴۴. امام صادق علیه السلام: [خوردن سه کف دست، سویق خشک در حالت ناشتا، بلغم و تلخه را خشک می‌کند، تا جایی که

تقریباً چیزی را از آن بر جای نمی‌گذارد.

۱۸۴۵. امام صادق علیه السلام: سویق خشک، چون ناشتا خورده شود، حرارت را خاموش می‌کند و تلخه را فرو می‌نشاند؛ اما چون

به روغن درآمیخته و خورده شود، این اثر را ندارد.

۱۸۴۶. الکافی به نقل از ابراهیم بن بسطام، از یکی از مردمان مرو: امام رضا علیه السلام در روزگاری که در میان ما بود، کسی را

نزدمان فرستاد و سویق خواست. ما برای ایشان مقداری سویق مرطوب فرستادیم. امام علیه السلام، آن را برگرداند و برایم پیغام

فرستاد که: «سویق، چون خشک باشد و ناشتا خورده شود، حرارت را خاموش می‌کند و تلخه را فرو می‌نشاند؛ اما چون تر شود، این

اثر را ندارد».

ر. ک: ج ۱، ص ۵۱۳ (آنچه برای درمان پیسی، سودمند است / سویق).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۸۸

الفصل الثامن و الثلاثون: الشحم

۱۸۴۷. الإمام علی علیه السلام: الشحمُ يُخْرِجُ مِثْلَهُ مِنَ الدَّاءِ، وَ لَمْ يَسْتَشْفِ النَّاسُ بِشِفَاءِ أَفْضَلِ مِنَ السَّمَنِ، وَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ. [۸۷۴]
۱۸۴۸. عنه علیه السلام: ذَكَرَ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اللَّحْمُ وَ الشَّحْمُ، فَقَالَ: لَيْسَ مِنْهُمَا بَضْعَةٌ تَقَعُ فِي الْمَعْدَةِ إِلَّا أَنْبَتَ مَكَانَهَا شِفَاءً، وَ أَخْرَجَتْ مِنْ مَكَانِهَا دَاءً. [۸۷۵]
۱۸۴۹. الإمام الصادق علیه السلام: مَنْ أَكَلَ لُقْمَةً شَحْمٍ أَخْرَجَتْ مِثْلَهَا مِنَ الدَّاءِ. [۸۷۶]
۱۸۵۰. طَبَّ الْأَثْمَةَ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ كُنْتُ أَخْدِمُهُ فِي وَجَعِ الَّذِي كَانَ فِيهِ وَ هُوَ الزَّحِيرُ: وَيَحْكُ يَا يُونُسُ! أَعَلِمْتَ أَنِّي الْهَمْتُ فِي مَرَضِي أَكَلَ الْأَرْزُ، فَأَمَرْتُ بِهِ فَعَسَلْتُ ثُمَّ جُفَفَ، ثُمَّ قَلِيَ، ثُمَّ رُضُّ فُطِخَ، فَأَكَلْتُهُ بِالشَّحْمِ، فَأَذْهَبَ اللَّهُ بِذَلِكَ الْوَجَعَ عَنِّي. [۸۷۷]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۸۹

فصل سی و هشتم: پیه

۱۸۴۷. امام علی علیه السلام: پیه، هم اندازه خود، بیماری را از بدن بیرون می برد. مردم، به هیچ چیز بهتر از روغن حیوانی و قرائت قرآن، درمان نجسته اند.
۱۸۴۸. امام علی علیه السلام: نزد پیامبر صلی الله علیه و آله از گوشت و پیه یاد شد. فرمود: «هیچ پاره‌ای از این دو در معده جای نمی گیرد، مگر این که در جای آن، شفا می روید و بیماری‌ای از آن جا می رود».
۱۸۴۹. امام صادق علیه السلام: هر کس یک لقمه پیه بخورد، آن لقمه هم اندازه خویش، بیماری را از بدن بیرون می برد.
۱۸۵۰. طَبَّ الْأَثْمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِهِ نَقَلَ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ: هُنَاكَ مَرَضٌ كَانَ يَمْرُؤُا يَأْكُلُ الْأَرْزُ وَ اسْهَالَ خُونِي دَاثَتْ وَ اُو رَا خِدْمَتِي مِي كَرَارَتِي، بِهِ مِنْ فَرَمُودِ: «أَيُّ يُونُسُ! چَه بِي خَبِرِي! مِگَر نَمِي دَانِي بِهِ مِنْ دَرِبَارِهِ بِيْمَارِي، الْهَامُ شَدَّ كِه بَرَنجِ بَخُورَمِ وَ مِنْ نِيْزِ كَفْتَمُ؛ پَس، اَن رَا فَرَاهِمُ آوَرْدَنْد، شَسْتَنْد، خَشَكِ كَرْدَنْد، سِپَسِ دَر آبِ پَخْتَنْد، اَن گَاهِ نَرَمِ سَايِيدَنْد وَ پَخْتَنْد وَ اَن رَا بَا پِيَه خُورْدَمِ وَ خِدَاوَنْد بَا هِمَانِ، دَرْدِ وَ بِيْمَارِي رَا اَز مِنْ بَرْدَمُ».
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۹۰
۱۸۵۱. المحاسن: رَوِيَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: «مَنْ أَكَلَ لُقْمَةً مِنَ الشَّحْمِ أَنْزَلَتْ مِنَ الدَّاءِ مِثْلَهَا»، فَقَالَ: ذَاكَ شَحْمُ الْبَقْرِ. [۸۷۸]
۱۸۵۲. الكافي عن زرارة: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! الشَّحْمَةُ الَّتِي تُخْرِجُ مِثْلَهَا مِنَ الدَّاءِ أَيُّ شَحْمَةٍ هِيَ؟ قَالَ: هِيَ شَحْمَةُ الْبَقْرِ، وَ مَا سَأَلَنِي يَا زُرَّارَةَ عَنْهَا أَحَدٌ قَبْلَكَ. [۸۷۹]
۱۸۵۳. الكافي عن محمد بن الفيض: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَجَاءَهُ رَجُلٌ، فَقَالَ لَهُ: إِنَّ ابْنَتِي قَدْ ذَبَلَتْ وَ بِهَا الْبَطْنُ. فَقَالَ: مَا يَمْنَعُكَ مِنَ الْأَرْزِ بِالشَّحْمِ؟ خُذْ حِجَارًا أَرْبَعًا أَوْ خَمْسًا، فَاطْرَحْهَا بِجَنْبِ النَّارِ، وَ اجْعَلِ الْأَرْزُ فِي الْقِدْرِ، وَ اطْبِخْهُ حَتَّى يُدْرِكَ، وَ خُذْ شَحْمَ كَلْبِي طَرِيًّا، فَإِذَا بَلَغَ الْأَرْزُ، فَاطْرَحِ الشَّحْمَ فِي قَصْعَةٍ مَعَ الْحِجَارَةِ، وَ كَبِّ عَلَيْهَا قَصْعَةً أُخْرَى، ثُمَّ حَرِّكْهَا تَحْرِيكًا جَيِّدًا، وَ اضْبِطْهَا كَيْ لَا يَخْرُجَ بُخَارُهُ، فَإِذَا ذَابَ الشَّحْمُ، فَاجْعَلْهُ فِي الْأَرْزِ، ثُمَّ تَحَسَّاهُ. [۸۸۰]
۱۸۵۴. الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ أَدْخَلَ فِي جُوفِهِ لُقْمَةً شَحْمٍ أَخْرَجَتْ مِثْلَهَا مِنَ الدَّاءِ. [۸۸۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۹۱

۱۸۵۱. المحاسن: از امام صادق علیه السلام درباره این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله که فرموده بود: «هر کس لقمه‌ای از پیه بخورد، آن لقمه هم اندازه خود، بیماری را از بدن برون می‌راند» پرسیدند. ایشان فرمود: «مقصود، پیه گاو است».

۱۸۵۲. الکافی به نقل از زراره: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: فدایت شوم! آن پیه که هم اندازه خود، بیماری را از بدن بیرون می‌برد، چیست؟ فرمود: «پیه گاو است. ای زراره! هیچ کس پیش از تو، در این باره از من نپرسیده بود».

۱۸۵۳. الکافی علیه السلام به نقل از محمد بن فیض: نزد امام صادق علیه السلام بودم که مردی آمد و به ایشان گفت: دخترم از بیماری شکم‌روش، تکیده و لاغر گشته است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «چه چیزی تو را از پلوی چرب، باز می‌دارد؟ چهار یا پنج تکه سنگ بردار و در کنار آتش بگذار و برنج را در دیگی قرار بده و خوب بپز و مقداری چربی تازه قلوه‌گاه، در ظرفی بریز و از آن سنگ‌های داغ‌شده، در آن قرار بده و ظرف دیگری را بر روی آن بگذار و خوب بر هم زن و مواظب باش بخار آن، خارج نشود. هنگامی که روغن ذوب شد و برنج هم خوب پخته شد، روغن آب‌شده را در برنج بریز و به بیمار (دخترت) بخوران».

۱۸۵۴. امام کاظم علیه السلام: هر کس لقمه‌ای از پیه را به درون خود ببرد، آن لقمه هم اندازه خود، بیماری را از بدن بیرون می‌برد. دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۹۲

الفصل التاسع و الثلاثون: العدس

۱۸۵۵. رسول الله صلی الله علیه و آله: عَلَيكُمْ بِالْعَدَسِ؛ فَإِنَّهُ يُرِقُّ الْقَلْبَ، وَيُكَيِّرُ الدَّمْعَةَ، وَلَقَدْ فَدَّسَهُ سَبْعُونَ نَبِيًّا. [۸۸۲]

۱۸۵۶. عنه صلی الله علیه و آله: عَلَيكُمْ بِالْعَدَسِ؛ فَإِنَّهُ مُبَارَكٌ مُقَدَّسٌ، يُرِقُّ الْقَلْبَ، وَيُكَيِّرُ الدَّمْعَةَ، وَقَدْ بَارَكَ فِيهِ سَبْعُونَ نَبِيًّا آخِرُهُمْ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. [۸۸۳]

۱۸۵۷. الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ فِيما أَوْصَى بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ قَالَ: يَا عَلِيُّ، كُلِّ الْعَدَسِ؛ فَإِنَّهُ مُبَارَكٌ مُقَدَّسٌ وَهُوَ يُرِقُّ الْقَلْبَ، وَيُكَيِّرُ الدَّمْعَةَ، وَإِنَّهُ بَارَكَ عَلَيْهِ سَبْعُونَ نَبِيًّا. [۸۸۴]

۱۸۵۸. الإمام الصادق عليه السلام: بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَالِسٌ فِي مُصَلَّاهُ، إِذْ جَاءَهُ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ التَّيْهَانِ مِنَ الْأَنْصَارِ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي لَأَجْلِسُ إِلَيْكَ كَثِيرًا وَأَسْمَعُ مِنْكَ كَثِيرًا، فَمَا يَرِقُّ قَلْبِي وَ مَا تُسْرِعُ دَمْعَتِي!

فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَا ابْنَ التَّيْهَانِ، عَلَيْكَ بِالْعَدَسِ فَكُلْهُ؛ فَإِنَّهُ يُرِقُّ الْقَلْبَ، وَيُسْرِعُ الدَّمْعَةَ، وَقَدْ بَارَكَ عَلَيْهِ سَبْعُونَ نَبِيًّا. [۸۸۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۹۳

فصل سی و نهم: عدس

۱۸۵۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد عدس؛ چرا که دل را نازک می‌کند و اشک را افزون می‌سازد. و هفتاد پیامبر، آن

را پاک دانسته‌اند.

۱۸۵۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد عدس؛ چرا که مبارک و پاک است، دل را نازک می‌کند و اشک را افزون می‌سازد. و هفتاد پیامبر که آخرینشان عیسی بن مریم علیه السلام است، دوام سودمندی آن را از خداوند متعال خواسته‌اند.

۱۸۵۷. امام باقر علیه السلام: از جمله سفارش‌های پیامبر خدا به علی علیه السلام آن بود که فرمود: «ای علی! عدس بخور؛ چرا که مبارک و مقدس است، دل را نازک می‌کند و اشک را افزون می‌سازد، و هفتاد پیامبر، دوام سودمندی آن را از خداوند متعال خواسته‌اند».

۱۸۵۸. امام صادق علیه السلام: در حالی که پیامبر خدا در جای نماز خویش نشسته بود، مردی از انصار به نام عبد الله بن کیهان نزد ایشان آمد و گفت: ای پیامبر خدا! من بسیار در محضر تو می‌نشینم و بسیار از تو می‌شنوم؛ اما نه دلم نازک می‌شود و نه اشکم فرو می‌ریزد.

پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «ای پسر کیهان! بر تو باد عدس. آن را بخور؛ چرا که دل را نازک می‌کند و اشک را شتاب می‌دهد. و هفتاد پیامبر، دوام سودمندی آن را از خداوند خواسته‌اند».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۹۴

۱۸۵۹. رسول الله صلی الله علیه و آله: عَلَيكُمْ بِالْعَدَسِ؛ فَإِنَّهُ قُدْسٌ عَلَى لِسَانِ سَبْعِينَ نَبِيًّا. [۸۸۶]

۱۸۶۰. عنه صلی الله علیه و آله: شَكَا نَبِيٌّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَسْوَةَ قُلُوبِ قَوْمِهِ، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ وَهُوَ فِي مُصَلَّاهُ أَنْ مَرُّ قَوْمِكَ أَنْ يَأْكُلُوا الْعَدَسَ؛ فَإِنَّهُ يُرِقُّ الْقَلْبَ، وَيُدْمَعُ الْعَيْنَ، وَيَذْهَبُ بِالْكَبِيرِ، وَهُوَ طَعَامُ الْأَبْرَارِ. [۸۸۷]

۱۸۶۱. الإمام علي عليه السلام: أكلُ العَدَسِ؛ يُرِقُّ الْقَلْبَ، وَيُكَيِّرُ الدَّمْعَةَ. [۸۸۸]

۱۸۶۲. الإمام الصادق عليه السلام: شَكَا رَجُلٌ إِلَى نَبِيِّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَسَاوَةَ الْقَلْبِ، فَقَالَ لَهُ:

عَلَيْكَ بِالْعَدَسِ؛ فَإِنَّهُ يُرِقُّ الْقَلْبَ، وَيُسْرِعُ الدَّمْعَةَ. [۸۸۹]

راجع: ج ۲، ص ۳۸۲ (خواص بعض انواع السويق / سويق العدس).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۹۵

۱۸۵۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد عدس؛ چرا که بر زبان هفتاد پیامبر، تقدیس شده است.

۱۸۶۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یکی از پیامبران، از سنگ‌دلی قوم خویش، به درگاه خداوند عز و جل شکایت برد. خداوند عز و جل، در حالی که او در نمازگه خویش بود، به او وحی فرستاد که: «به قوم خویش بفرما تا عدس بخورند؛ چرا که دل را نازک می‌کند، چشم را به اشک می‌آورد، خودبرتربینی را از میان می‌برد و خوراک نیکان است».

۱۸۶۱. امام علی علیه السلام: عدس، دل را نازک می‌کند و اشک را می‌افزاید.

۱۸۶۲. امام صادق علیه السلام: مردی نزد پیامبر خدا از سنگ‌دلی، اظهار ناراحتی کرد. به او فرمود: «بر تو باد عدس؛ چرا که دل را نازک می‌کند و اشک را شتاب می‌دهد». [۸۹۰]

ر. ک: ج ۲، ص ۳۸۳ (خواص برخی از انواع سويق / سويق عدس).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۹۶

الفصل الأربعون: العسل

الاستِشْفَاءُ بِالْعَسَلِ

الکتاب:

«وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّخْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ* ثُمَّ كَلَّمِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَأَسِيلِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلًّا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ». [۸۹۱]

الحديث:

۱۸۶۳. رسول الله صلى الله عليه وآله: العسلُ شفاءٌ. [۸۹۲]

۱۸۶۴. عنه صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالشِّفَاءِ مِنَ الْعَسَلِ، وَالْقُرْآنِ. [۸۹۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۹۷

فصل چهارم: عسل

۴۰/۱ درمان با عسل

قرآن

(پروردگار تو، به زنبور عسل الهام کرد که: «از کوه، خانه بگیر و نیز از درخت و از آنچه بنا می‌کنند* سپس از همه میوه‌ها بخور و راه‌های پروردگارت را فرمان‌بردارانه بپوی»). [آن گاه از درونِ [شکمِ آن، شهدی که به رنگ‌های گوناگون است، بیرون می‌آید. در آن، برای مردم، درمانی است. راستی در این [زندگی زنبوران، برای مردمی که تفکر می‌کنند، نشانه [ای از] قدرت الهی است]. [۸۹۴]

حدیث

۱۸۶۳. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عسل، درمان است.

۱۸۶۴. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بر شما باد دو درمان: عسل و قرآن.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۹۸

۱۸۶۵. عنه صلى الله عليه وآله: مَا لِلنَّفْسَاءِ عِنْدِي شِفَاءٌ مِثْلُ الرُّطْبِ، وَلَا لِلْمَرِيضِ مِثْلُ الْعَسَلِ. [۸۹۵]

۱۸۶۶. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ الْبَرَكَهَ فِي الْعَسَلِ، وَفِيهِ شِفَاءٌ مِنَ الْأَوْجَاعِ، وَقَدْ بَارَكَ عَلَيْهِ سَبْعُونَ نَبِيًّا. [۸۹۶]

۱۸۶۷. الإمام علي عليه السلام: الْعَسَلُ فِيهِ شِفَاءٌ. [۸۹۷]

۱۸۶۸. عنه عليه السلام: مَا اسْتَشْفَى الْمَرِيضُ بِمِثْلِ شَرْبِ الْعَسَلِ. [۸۹۸]

۱۸۶۹. عنه عليه السلام: الْعَسَلُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَلَا دَاءَ فِيهِ؛ يُقَلُّ الْبَلْغَمَ وَيَجْلُو الْقَلْبَ. [۸۹۹]

۱۸۷۰. عنه عليه السلام: لَعَقُ الْعَسَلِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ

لِلنَّاسِ» [۹۰۰] وَهُوَ مَعَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَمَضْغِ اللَّبَانِ يُذِيبُ الْبَلْغَمَ. [۹۰۱]

۱۸۷۱. الإمام الصادق عليه السلام: مَا اسْتَشْفَى النَّاسُ بِمِثْلِ الْعَسَلِ. [۹۰۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۹۹

۱۸۶۵. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: نزد من، برای زن تازه‌زا، درمانی همانند خرما و برای بیمار، درمانی همانند عسل، وجود ندارد.

۱۸۶۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل برکت را در غسل قرار داده است. درمان دردها، در آن است و هفتاد پیامبر، دوام سودمندی آن را از خداوند خواسته‌اند.

۱۸۶۷. امام علی علیه السلام: در غسل، درمان است.

۱۸۶۸. امام علی علیه السلام: بیمار، به چیزی همانند خوردن غسل، درمان نجسته است. [۹۰۳]

۱۸۶۹. امام علی علیه السلام: غسل، شفای هر بیماری است و بیماری‌ای هم در آن نیست؛ بلغم را کم می‌کند و دل را جلا می‌دهد.

۱۸۷۰. امام علی علیه السلام: لیسیدن غسل، شفای هر درد است. خداوند عز و جل فرموده است: (از درون [شکم آن (زنبور)، شهدی که به رنگ‌های گوناگون است، بیرون می‌آید. در آن، برای مردم، درمانی است). آن، همراه با قرائت قرآن و جویدن کُنْدَر، بلغم را از بین می‌برد. [۹۰۴]

۱۸۷۱. امام صادق علیه السلام: مردم به چیزی همانند غسل، درمان نجسته‌اند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۰۰

۱۸۷۲. الإمام الكاظم عليه السلام: العَسَلُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِذَا أَخَذْتَهُ مِنْ شَهْدِهِ. [۹۰۵]

۲ / ۴۰

خَوَاصُّ الْعَسَلِ

۱۸۷۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَا طَلِبَ الدَّوَاءَ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ شَرْبِهِ عَسَلٍ. [۹۰۶]

۱۸۷۴. عنه صلی الله علیه و آله: نِعَمَ الشَّرَابِ الْعَسَلُ؛ يَرَعَى الْقَلْبَ، وَيُذْهِبُ بَرْدَ الصَّدْرِ. [۹۰۷]

۱۸۷۵. عنه صلی الله علیه و آله: الْعَسَلُ شِفَاءٌ؛ يَطْرُدُ الرِّيحَ وَالْحُمَى. [۹۰۸]

۱۸۷۶. عنه صلی الله علیه و آله: إِنْ يَكُنْ فِي شَيْءٍ شِفَاءٌ، فَفِي شَرْطِهِ حَجَّامٌ أَوْ [فِي شَرْبِهِ عَسَلٍ]. [۹۰۹]

۱۸۷۷. عنه صلی الله علیه و آله: مَا تَدَاوَتِ الْعَرَبُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ مَصِّهِ حَجَّامٍ، أَوْ شَرْبِهِ عَسَلٍ. [۹۱۰]

۱۸۷۸. عنه صلی الله علیه و آله: إِنْ كَانَ فِي شَيْءٍ مِنْ أَدْوِيَّتِكُمْ خَيْرٌ فَفِي شَرْبِهِ عَسَلٍ، أَوْ شَرْطُهُ مِحْجَمٌ، أَوْ لَدَعُهُ مِنْ نَارٍ، وَ مَا أَحْبُّ أَنْ أُكْتَوَى. [۹۱۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۰۱

۱۸۷۲. امام کاظم علیه السلام: غسل، درمان هر درد است، اگر که آن را از شهدش جدا کنی.

۲ / ۴۰ خَوَاصُّ عَسَلِ

۱۸۷۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به چیزی برتر از یک شربت غسل، درمان جسته نشده است.

۱۸۷۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: غسل، چه خوب نوشیدنی‌ای است! قلب را مراقبت می‌کند و سردی سینه را از میان می‌برد. [۹۱۲]

۱۸۷۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: غسل، شفایی است که باد و تب را دور می‌کند.

۱۸۷۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر در چیزی درمانی باشد، در بیشتر حجامتگر و [در] نوشیدنی‌ای از غسل است.

۱۸۷۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: تازیان، به چیزی بهتر از مکش حجامتگر یا نوشیدنی‌ای از غسل، درمان نکرده‌اند.

۱۸۷۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر در چیزی از این داروهایتان خیری باشد، در نوشیدنی‌ای از غسل، یا بیشتر حجامتگر و یا گزشی از آتش است و البته من، داغ کردن را دوست ندارم.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۰۲

۱۸۷۹. عنه صلى الله عليه وآله: الشَّفاءُ في ثلاثَةٍ: شَرِبَهُ عَسَلٌ، وَ شَرَطَهُ مِحْجَمٌ، وَ كَتَبَهُ نَارٌ، وَ أَنهَى أُمَّتِي عَنِ الْكَيْ. [۹۱۳]

۱۸۸۰. المعجم الأوسط عن السائب بن يزيد: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله أَمَرَ بِالْحِجَامَةِ، وَ قَالَ:

مَا نَزَعَ النَّاسُ نَزْعَهُ خَيْرًا [۹۱۴] مِنْهُ أَوْ شَرِبَهُ مِنْ عَسَلٍ. [۹۱۵]

۱۸۸۱. تاریخ دمشق عن عامر بن مالك: بَعَثْتُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله مِنْ وَعَكٍ بِي أَلْتَمِسُ مِنْهُ دَوَاءً وَ شِفَاءً، فَبَعَثَ إِلَيَّ بِعُكَّةٍ مِنْ عَسَلٍ. [۹۱۶]

۱۸۸۲. تاریخ دمشق عن عبد الله بن بريده: حَدَّثَنِي عَمُّ عَامِرِ بْنِ الطُّفَيْلِ العامريُّ أَنَّ عَامِرَ بْنَ الطُّفَيْلِ أَهْدَى إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله فَرَسًا، وَ كَتَبَ إِلَيْهِ عَامِرٌ: إِنَّهُ قَدْ ظَهَرَتْ بِي دُبَيْلَةٌ، فَابْعَثْ إِلَيَّ دَوَاءً مِنْ عِنْدِكَ.

قَالَ: فَزَدَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله الْفَرَسَ لِأَنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَسْلَمَ، وَ أَهْدَى إِلَيْهِ عُكَّةً مِنْ عَسَلٍ، وَ قَالَ: تَدَاوِ بِهَا. [۹۱۷]

۱۸۸۳. الإمام الباقر عليه السلام: طَبُّ الْعَرَبِ فِي سَبْعَةٍ: شَرَطَةُ الْحِجَامَةِ، وَ الْحَقْنَةُ، وَ الْحَمَامُ، وَ السُّعُوطُ، وَ الْقَيْءُ، وَ شَرِبَةُ عَسَلٍ وَ آخِرُ الدَّوَاءِ الْكَيْ، وَ رُبَّمَا يُزَادُ فِيهِ التَّوْرَةُ. [۹۱۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۰۳

۱۸۷۹. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: در سه چیز است: نوشیدنی‌ای از عسل، بیشتر حجامتگر، و گزشتی از آتش. اما من، امت خویش را از داغ کردن، باز می‌دارم.

۱۸۸۰. المعجم الأوسط به نقل از سائب بن یزید: پیامبر خدا به حجامت، امر کرد و فرمود: «مردم به هیچ چیزی بهتر از این یا نوشیدن عسل نگراییده‌اند».

۱۸۸۱. تاریخ دمشق به نقل از عامر بن مالک: به سبب تبی که داشتم، کسی را نزد پیامبر صلى الله عليه وآله فرستادم و از ایشان دارو و درمانی جستم. ایشان برایم ظرفی عسل فرستاد.

۱۸۸۲. تاریخ دمشق به نقل از عبد الله بن بریده: عموی عامر بن طفیل برایم نقل کرد که عامر بن طفیل، به پیامبر خدا اسبی هدیه داد. عامر، همچنین برای ایشان نوشت: «در من دُبیله‌ای [۹۱۹] پدید آمده است. از جانب خویش، برایم دارویی بفرست».

پیامبر صلى الله عليه وآله، از آن روی که عامر، هنوز اسلام نیاورده بود، اسب را برگرداند. همچنین خیکی از عسل به وی اهدا کرد و فرمود: «با این، درمان کن».

۱۸۸۳. امام باقر علیه السلام: طَبُّ عَرَبٍ، دَر هَفْتِ شَيْءٍ: نِشْتَرِ حِجَامَتِگَر، شِیَافِ، حَمَامِ، انْفِیهِ، قِی کَرْدَنِ، نِوشِیدَنِ قَدْرِی عَسَلِ، وَ آخِرِیْنِ دَرْمَانِ هَم دَاغِ

کَرْدَنِ اسْتِ وَ شَايِدِ نِوَرِه رَا هَم بَدَانِ بِيَا فَرَايِنْدِ.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۰۴

۱۸۸۴. الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ تَغَيَّرَ عَلَيْهِ مَاءُ الظَّهْرِ، فَإِنَّهُ يَنْفَعُ لَهُ اللَّبَنُ الْحَلِيبُ، وَ الْعَسَلُ. [۹۲۰]

۱۸۸۵. الكافي عن حمزة بن الطيار عن الإمام الكاظم عليه السلام: مَا تَدَاوَى النَّاسُ بِشَيْءٍ خَيْرٍ مِنْ مَصَّةِ دَمٍ، أَوْ مُزَعَةِ عَسَلٍ. قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَا الْمُزَعَةُ عَسَلٍ؟

قَالَ: لَعَقَةُ عَسَلٍ. [۹۲۱]

۱۸۸۶. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: قَالَ الْعَالِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي الْعَسَلِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ. مَنْ لَعَقَ لَعَقَةً عَسَلٍ عَلَى الرَّيْقِ يَقْطَعُ الْبَلْعَمَ، وَ يَحْسِبُ الصُّفْرَةَ، وَ يَمْنَعُ الْمِرَّةَ السُّودَاءَ، وَ يُصْفِي الدَّهْنَ، وَ يُجَوِّدُ الْحِفْظَ إِذَا كَانَ مَعَ اللَّبَانِ الذَّكَرِ. [۹۲۲]

۱۸۸۷. الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ أَرَادَ دَفْعَ الزُّكَامِ فِي الشِّتَاءِ أَجْمَعَ، فَلْيَأْكُلْ كُلَّ يَوْمٍ ثَلَاثَ لُقْمٍ شَهْدٍ. [۹۲۳]

۱۸۸۸. الإمام الهادی عليه السلام لَمَّا سُئِلَ عَنِ الْحَمَى الْعَبِيَّةِ: يُؤَخَذُ الْعَسَلُ وَالشُّونِيزُ، وَيُلَعَقُ مِنْهُ ثَلَاثُ لَعَقَاتٍ؛ فَإِنَّهَا تَنْقَلِعُ، وَهُمَا الْمُبَارَكَانِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي الْعَسَلِ: «يَخْرُجُ مِنْ بَطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ». [۹۲۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۰۵

۱۸۸۴. امام کاظم علیه السلام: هر کس آب کمرش بر وی دیگرگون شود، شیر تازه همراه با عسل برایش سودمند است.

۱۸۸۵. الکافی به نقل از حمزه بن طیار، از امام کاظم علیه السلام: «مردم به هیچ چیزی بهتر از مکش خون یا مزرعه عسل، درمان نکرده‌اند».

گفتم: فدایت شوم! مزرعه عسل چیست؟

فرمود: «یک انگشت لیسیدن از آن».

۱۸۸۶. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: امام رضا علیه السلام فرمود: «در عسل، درمان هر دردی است. هر کس ناشتا یک انگشت از آن را بلیسد، این عسل، بلغم [وی را پایان می‌دهد، صفرا را فرو می‌نشاند، تلخه سیاه (زرداب) را مانع می‌شود، ذهن را صفا می‌بخشد و اگر که همراه با کُنْدُر خورده شود، حافظه را نکو می‌سازد».

۱۸۸۷. امام رضا علیه السلام: هر که می‌خواهد در همه زمستان از سرما خوردگی دور بماند، هر روز، سه لقمه شهد بخورد.

۱۸۸۸. امام هادی علیه السلام هنگامی که درباره تب پیوسته یک روز در میان از ایشان پرسیدند: قدری عسل و شونیز (سیاه‌دانه)، برداشته و سه لیسه انگشت از آن خورده شود. در این صورت، تب، ریشه‌کن خواهد شد، و این هر دو، مبارک هستند. خداوند متعال، درباره عسل فرموده است: (از درون [شکم آن (زنبور)، شهدی که به رنگ‌های گوناگون است، بیرون می‌آید. در آن، برای مردم، درمانی است).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۰۶

۱۸۸۹. عنه عليه السلام: خَيْرُ الْأَشْيَاءِ لِحَمَى الرَّبِيعِ أَنْ يُؤَكَلَ فِي يَوْمِهَا الْفَالْوَدَجُ الْمَعْمُولُ بِالْعَسَلِ وَ يُكْتَرُ زَعْفَرَانُهُ، وَلَا يُؤَكَلَ فِي يَوْمِهَا غَيْرُهُ. [۹۲۵]

راجع: ج ۱: ص ۹۴ ۹۶، ح ۸۸ ۸۶ ج ۱، ص ۲۵۲ (ما یورث الحفظ / العسل). و ص ۲۵۶ (ما ینفع لدفع النسیان). ج ۱، ص ۴۳۰ (ما ینفع لِعلاجِ بعض أوجاع البطن / العسل و الشونیز). ج ۱، ص ۴۴۸ (ما ینفع لِعلاجِ ریح البطن / الحبة السوداء). ج ۱: ص ۵۶۸ (ما ینفع لوجع الخصرة).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۰۷

۱۸۸۹. امام هادی علیه السلام: بهترین چیز برای تب ربيع [۹۲۶] آن است که در روز غلبه تب، فالوده‌ای که با عسل ساخته شده و زعفران فراوانی دارد، خورده شود و در آن روز، چیزی دیگر خورده نشود.

ر. ک: ج ۱، ص ۹۷ ۹۵، ح ۸۸ ۸۶ ج ۱، ص ۲۵۳ (آنچه حافظه را تقویت می‌کند / عسل). ج ۱، ص ۲۵۷ (آنچه برای پیشگیری از فراموشی، سودمند است). ج ۱، ص ۴۳۱ (آنچه برای برخی دردهای شکم، سودمند است / عسل و شونیز). ج ۱، ص ۴۴۹ (آنچه برای درمان بادهای شکم، سودمند است / سیاه‌دانه). ج ۱، ص ۵۶۹ (آنچه برای درد پهلو، سودمند است).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۰۸

الفصل الحادی وَ الْأَرْبَعُونَ: الْعَبَبُ

دَوْرُ الْعِنَبِ فِي ذَهَابِ الْهَمِّ

۱۸۹۰. الإمام الصادق عليه السلام: لَمَّا حَسَرَ الْمَاءُ عَنْ عِظَامِ الْمَوْتَى، فَرَأَى ذَلِكَ نُوحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَزَعًا شَدِيدًا وَاعْتَمَّ لِذَلِكَ.

فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ: هَذَا عَمَلُكَ بِنَفْسِكَ، أَنْتَ دَعَوْتَ عَلَيْهِمْ!

فَقَالَ: يَا رَبِّ، إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ وَآتُوبُ إِلَيْكَ.

فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ أَنْ كُلِّ الْعِنَبِ الْأَسْوَدَ لِيُذْهِبَ غَمَّكَ. [۹۲۷]

۱۸۹۱. عنه عليه السلام: شَكَأ نَبِيُّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الْغَمَّ، فَأَمَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِأَكْلِ الْعِنَبِ. [۹۲۸]

۱۸۹۲. عنه عليه السلام: إِنَّ نُوحًا شَكَأ إِلَى اللَّهِ الْغَمَّ، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ:

كُلِّ الْعِنَبِ الْأَسْوَدَ؛ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِالْغَمِّ. [۹۲۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۰۹

فصل چهل و یکم: انگور

۴۱ / ۱ تأثیر انگور در از میان رفتن اندوه

۱۸۹۰. امام صادق علیه السلام: هنگامی که آب فرو نشست و استخوان‌های مردگان، پدیدار شد، نوح، این را بدید و بدین سبب، بسیار آشفته و اندوهگین شد.

سپس خداوند عز و جل به او وحی کرد: «این، کاری است که خود با خویش کرده‌ای! تو خود، آنان را نفرین کردی!».

گفت: پروردگارا! من از تو آمرزش می‌طلبم و به درگاه تو، توبه می‌کنم.

سپس خداوند عز و جل به او وحی فرستاد: «انگور سیاه بخور تا اندوهت از میان برود» [۹۳۰].

۱۸۹۱. امام صادق علیه السلام: پیامبری از پیامبران، به درگاه خداوند عز و جل از اندوه، شکایت برد. خداوند عز و جل او را به خوردن انگور، امر فرمود.

۱۸۹۲. امام صادق علیه السلام: نوح، از اندوه، به درگاه خداوند، شکایت برد. خداوند به او

چنین وحی فرستاد: «انگور سیاه بخور؛ چرا که اندوه را می‌برد». [۹۳۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۱۰

۲ / ۴۱

أَدَبُ أَكْلِ الْعِنَبِ

۱۸۹۳. رسول الله صلى الله عليه وآله: كُلُوا الْعِنَبَ حَبَّةً حَبَّةً؛ فَإِنَّهُ أَهْنَأُ وَأَمْرَأُ. [۹۳۲]

۱۸۹۴. مكارم الأخلاق: كَانَ [النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رُبَّمَا أَكَلَ الْعِنَبَ حَبَّةً حَبَّةً، وَكَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رُبَّمَا أَكَلَهُ خَرَطًا حَتَّى

تَرَى رُوَالًا ۹۳۳] عَلَى لِحْيَتِهِ كَتَحْدُرِ اللَّوْلُؤِ.

وَ الرُّوَالُ: الْمَاءُ الَّذِي يَخْرُجُ مِنْ تَحْتِ الْقَشْرِ. [۹۳۴]

۱۸۹۵. الكافي عن عيسى بن عبد الرحمن عن أبيه: دَخَلَ ابْنُ عُكَّاشَةَ بْنِ مِحْصَنِ الْأَسَدِيِّ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكَانَ أَبُو عَبْدِ

اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَائِمًا عِنْدَهُ، فَقَدَّمَ إِلَيْهِ عِنَبًا، فَقَالَ:

حَبَّةً حَبَّةً يَأْكُلُهُ الشَّيْخُ الْكَبِيرُ وَالصَّبِيُّ الصَّغِيرُ، وَثَلَاثَةٌ وَ أَرْبَعَةٌ يَأْكُلُهُ مَنْ يَظُنُّ أَنَّهُ لَا يَشْبَعُ، وَ كُلُّ حَبَّتَيْنِ حَبَّتَيْنِ؛ فَإِنَّهُ يُسْتَحَبُّ. [۹۳۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۱۱

۴۱ / ۲ آداب خوردن انگور

۱۸۹۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: انگور، را دانه دانه بخورید؛ چرا که گواراتر و خوش تر است. [۹۳۶]

۱۸۹۴. مکارم الأخلاق: پیامبر صلی الله علیه و آله، گاه، انگور را دانه دانه می خورد و گاه خوشه را به دهان می برد و دانه ها را در دهان فرو می ریخت تا جایی که قطره های آب، به سان دانه ای مروارید، بر ریش ایشان می غلتید.

۱۸۹۵. الکافی به نقل از عیسی بن عبد الرحمن، از پدرش: ابن عکاشه بن مُحصن اسدی، بر امام باقر علیه السلام وارد شد، در حالی که امام صادق علیه السلام نیز در حضور ایشان ایستاده بود.

امام باقر علیه السلام، انگوری پیش او نهاد و فرمود: «انگور را پیر کهن سال و کودک خردسال، دانه دانه می خورند و کسانی که گمان می کنند سیر نخواهند شد، سه دانه سه دانه و چهار دانه چهار دانه می خورند؛ اما تو، دو دانه دو دانه بخور، که همین مستحب است».

بیان

به نظر می رسد که اختلاف احادیث در چگونگی خوردن انگور، ناظر به اختلاف در اندازه دانه های آن است. بنا بر این، معیار کلی در خوردن انگور، رعایت مقداری است که مانع گوارایی و هضم آن نگردد، چنان که حدیث نبوی شریف، بر این حکمت، تأکید ورزیده است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۱۲

الفصل الثانی و الأربعون: العُنب

۱۸۹۶. رسول الله صلی الله علیه و آله: العُنبُ یذهبُ بالحُمی. [۹۳۷]

۱۸۹۷. مکارم الأخلاق عن أبي الحُصَین: کانت عینی قَمدِ ابیَضت و لم أکن ابصرُ شَیئاً، فرأیتُ أمیرَ المؤمنینَ علیه السلام فی المَنامِ فَقُلْتُ: یا سَیدی، عینی قد آلتِ إلی ما تری. فَقَالَ: حُذِ العُنبَ فَدَقَّهُ وَ اکتَحِلْ بِهِ.

فَأَخَذتُهُ وَ دَقَقْتُهُ بِنِوَاهُ وَ کَحَلَّتْهَا بِهِ، فَانجَلت عَن عَینِی الظَّلْمَةُ، وَ نَظَرْتُ أَنَا إِلَیْهَا فَإِذَا هِیَ صَاحِبَةٌ. [۹۳۸]

۱۸۹۸. الإمام الصادق علیه السلام: فَضْلُ العُنبِ عَلَی الفَاکِهَةِ، کَفَضْلِنَا عَلَی سَائِرِ النَّاسِ. [۹۳۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۱۳

فصل چهل و دوم: عُنَاب

۱۸۹۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عُنَابٌ [۹۴۰]، تب را می برد.

۱۸۹۷. مکارم الأخلاق به نقل از ابو الحُصَین: چشمانم سفید شده بود و چیزی نمی دیدم. امیر مؤمنان را در خواب دیدم و گفتم: سرورم! چشمانم به وضعی که می بینی، در آمده است.

فرمود: «عُنَابٌ را نرم کن و با آن، سرمه بکش».

من، عَنَاب را همراه با هسته‌اش نرم کردم و با آن، سرمه کشیدم و در پی آن، تاریکی از چشمانم رخت بریست و دیدم که چشمانم سالم است.

۱۸۹۸. امام صادق علیه السلام: برتری عَنَاب بر دیگر میوه‌ها، به سان برتری ما بر دیگر مردمان است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۱۴

الفصل الثالث و الأربعون: الغبراء

۱۸۹۹. الإمام الحسين عليه السلام: دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ مَحْمُومٌ، فَأَمَرَهُ بِأَكْلِ الْغُبَيْرِ. [۹۴۱]

۱۹۰۰. الإمام الصادق عليه السلام: الْغُبَيْرُ لَحْمُهُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ، وَعَظْمُهُ يُنْبِتُ الْعَظْمَ، وَجِلْدُهُ يُنْبِتُ الْجِلْدَ، وَمَعَ ذَلِكَ؛ فَإِنَّهُ يُسَيِّخُنُ الْكَلْبَيْنِ، وَيَدْبِغُ الْمَعْدَةَ، وَهُوَ أَمَانٌ مِنَ الْبُؤَاسِ وَالْتَقْتِيرِ [۹۴۲]، وَيُقَوِّي السَّاقَيْنِ، وَيَقْمَعُ عِرْقَ الْجَذَامِ. [۹۴۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۱۵

فصل چهل و سوم: سنجد

۱۸۹۹. امام حسین علیه السلام: پیامبر خدا بر علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شد، در حالی که وی تب داشت. پیامبر صلی الله علیه و آله او را به خوردن سنجد، سفارش کرد.

۱۹۰۰. امام صادق علیه السلام: سنجد، گوشتش گوشت می‌رویاند، استخوانش استخوان را رشد می‌دهد و پوستش پوست را می‌پرورد. علاوه بر این، سنجد، کلیه‌ها را گرم می‌کند، معده را پاک می‌سازد، مایه ایمنی از بواسیر و تقطیر البول [۹۴۴] است، ساق پا را قوی می‌کند و رگ جذام را به کلی قطع می‌نماید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۱۶

الفصل الرابع و الأربعون: الفجل

۱۹۰۱. الإمام الصادق عليه السلام: الْفِجْلُ أَصْلُهُ يَقَطِّعُ الْبَلْغَمَ، وَثُبُّهُ يَهْضِمُ، وَرَقُّهُ يَحْدِرُ الْبَوْلَ حَذْرًا. [۹۴۵]

۱۹۰۲. الكافي عن حنان: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكُنْتُ مَعَهُ عَلَى الْمَائِدَةِ فَنَاولَنِي فِجْلَهُ، وَقَالَ:

يَا حَنَّانُ، كُلِّ الْفِجْلَ؛ فَإِنَّ فِيهِ ثَلَاثَ خِصَالٍ: وَرَقُّهُ يَطْرُدُ الرِّيَّاحَ، وَثُبُّهُ يُسْرِبِلُ الْبَوْلَ، وَأَصْلُهُ يَقَطِّعُ الْبَلْغَمَ. [۹۴۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۱۷

فصل چهل و چهارم: تُزْب

۱۹۰۱. امام صادق علیه السلام: تُزْب، بِيخَش، بلغم را از میان می‌برد، قسمت میانی‌اش هضم کننده است، و برگش ادرار آور است.

۱۹۰۲. الكافي به نقل از حنان: در حالی که با امام صادق علیه السلام بر سر سفره‌ای نشسته بودم، او تُزْبی به دست من داد و گفت:

«ای حنان! ترب بخور؛ چرا که در آن، سه ویژگی است: برگش بادها را دور می‌کند، قسمت میانی‌اش پیشاب را به جریان می‌اندازد [۹۴۷] و بیخس، بلغم را از میان می‌برد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۱۸

الفصل الخامس و الأربعون: الفرفخ

۱۹۰۳. رسول الله صلى الله عليه و آله: عَلَيْكُمْ بِالْفَرْفَخِ؛ فَهِيَ الْمَكِيْسَةُ، فَإِنَّهُ إِنْ كَانَ شَيْءٌ يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ فَهِيَ. [۹۴۸]

۱۹۰۴. الإمام الصادق عليه السلام: وَطَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الرَّمْضَاءَ [۹۴۹] فَأَحْرَقْتُهُ، فَوَطِيَّ عَلَى الرَّجَلِ؛ وَ هِيَ الْبَقْلَةُ الْحَمْقَاءُ، فَسَكَنَ عَنْهُ حَرُّ الرَّمْضَاءِ، فَدَعَا لَهَا وَ كَانَ يُجَبِّهَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ يَقُولُ: مِنْ بَقْلَةٍ مَا أَبْرَكَهَا. [۹۵۰]

۱۹۰۵. الدعوات: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَجَدَ حَرَارَةً، فَعَضَّ عَلَى رِجْلِهِ فَوَجَدَ لِدَلِكَ رَاحَةً.

فَقَالَ: اللَّهُمَّ بَارِكْ فِيهَا! إِنَّ فِيهَا شِفَاءً مِنْ تِسْعَةٍ وَ تِسْعِينَ دَاءً، اثْبَتِي حَيْثُ شِئْتِ. [۹۵۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۱۹

فصل چهل و پنجم: خُرفه

۱۹۰۳. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: بر شما باد خُرفه؛ [۹۵۲] چرا که زیرکی می‌دهد و اگر تنها یک چیز باشد که عقل را افزون می‌کند، همان است.

۱۹۰۴. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا بر زمین سوخته‌ای پا نهاد و آن زمین، پایش را سوزاند. پس، پای خویش را بر خُرفه نهاد و در نتیجه، سوزش حاصل از زمین سوخته، فرو نشست. از آن پس، پیامبر صلى الله عليه و آله خُرفه را دوست داشت، برای آن دعا می‌کرد و می‌گفت: «چه گیاه پُربرکتی است!» [۹۵۳]

۱۹۰۵. الدعوات: پیامبر صلى الله عليه و آله حرارتی یافت. بر خُرفه‌ای دندان فشرد و از آن احساس راحتی کرد. سپس گفت: «خداوندا! در آن برکت ینه. در آن، شفای نود و نه درد است. [ای خُرفه!] در هر جا می‌خواهی، بروی».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۲۰

۱۹۰۶. الإمام الصادق عليه السلام: لَيْسَ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ بَقْلَةٌ أَشْرَفُ وَلَا أَنْفَعُ مِنَ الْفَرْفَخِ؛ وَ هُوَ بَقْلَةُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ. [۹۵۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۲۱

۱۹۰۶. امام صادق علیه السلام: در روی زمین، گیاهی والاتر و سودمندتر از خُرفه نیست، و آن، سبزی فاطمه علیها السلام است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۲۲

الفصل السادس و الأربعون: القثاء

۱۹۰۷. رسول الله صلى الله عليه و آله: عَلَيْكُمْ بِالْقَثَاءِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ فِيهِ الشِّفَاءَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ. [۹۵۵]

۲ / ۴۶

آدابِ أَكْلِ الْقِثَاءِ

۱۹۰۸. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا أَكَلْتُمُ الْقِثَاءَ فَكُلُوهُ مِنْ أَسْفَلِهِ. [۹۵۶]

۱۹۰۹. الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا أَكَلْتُمُ الْقِثَاءَ فَكُلُوهُ مِنْ أَسْفَلِهِ؛ فَإِنَّهُ أَعْظَمُ لِبَرَكَتِهِ. [۹۵۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۲۳

فصل چهل و ششم: خیار

۴۶ / ۱ خواص خیار

۱۹۰۷. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بر شما باد خیار؛ چرا که خداوند متعال، درمان هر دردی را در آن نهاده است.

۴۶ / ۲ آداب خوردن خیار

۱۹۰۸. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: به گاه خوردنِ خیار، آن را از ته بخورید.

۱۹۰۹. امام صادق علیه السلام: چون خیار می‌خورید، آن را از ته بخورید؛ چرا که برکتش افزون‌تر است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۲۴

۱۹۱۰. عنه عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَأْكُلُ الْقِثَاءَ بِالْمِلْحِ. [۹۵۸]

۱۹۱۱. صحيح البخاری عن عبد الله بن جعفر: رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَأْكُلُ الرُّطْبَ بِالْقِثَاءِ. [۹۵۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۲۵

۱۹۱۰. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، خیار را با نمک می‌خورد.

۱۹۱۱. صحيح البخاری به نقل از عبد الله بن جعفر: پیامبر صلى الله عليه وآله را دیدم که خرما را با خیار می‌خورد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۲۶

الفصل السابع والأربعون: القرع

۱۹۱۲. رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالْقَرَعِ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ. [۹۶۰]

۱۹۱۳. عنه صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالْقَرَعِ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ، وَيُكَبِّرُ الدِّمَاغَ. [۹۶۱]

۱۹۱۴. عنه صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالذُّبَابِ؛ فَإِنَّهُ يُزَكِّي الْعَقْلَ، وَيَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ. [۹۶۲]

۱۹۱۵. عنه صلى الله عليه وآله: كُلُّ الْيَقْطِينِ؛ فَإِنَّهُ مِنْ أَكْلِهَا حَسَنُ خُلُقُهُ، وَنَصْرَ وَجْهِهِ، وَهِيَ طَعَامُ الْأَنْبِيَاءِ

قَبْلِي. [۹۶۳]

۱۹۱۶. الإمام الكاظم عليه السلام: كَانَ فِيمَا أَوْصَى بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ لَهُ: يَا عَلِيُّ، عَلَيْكَ بِالذُّبَابِ

فَكُلْهُ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ وَالْعَقْلِ. [۹۶۴]

۱۹۱۷. رسول الله صلى الله عليه وآله: كُلُوا الْيَقْطِينَ فَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّ شَجَرَةً أَحْفُ مِنْ هَذِهِ لَأَنْبَتَهَا عَلَيَّ

أَخِي يُونُسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

إِذَا اتَّخَذَ أَحَدُكُمْ مَرَقًا فَلْيَكْثِرْ فِيهِ مِنَ الدُّبَاءِ، فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الدَّمَاعِ وَفِي الْعَقْلِ. [۹۶۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۲۷

فصل چهل و هفتم: کدو

۱۹۱۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد کدو؛ چرا که مغز را افزون می‌سازد.

۱۹۱۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد کدو؛ چرا که عقل را افزون می‌سازد و مغز را بزرگ می‌کند.

۱۹۱۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد کدو؛ چرا که عقل را می‌بالاید و مغز را می‌افزاید.

۱۹۱۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطاب به امام علی علیه السلام: کدو بخور؛ زیرا هر کس آن را بخورد، خویش نیکو و رویش شاداب می‌شود. آن، خوراک من و پیامبران پیش از من است.

۱۹۱۶. امام کاظم علیه السلام: از جمله سفارش‌هایی که پیامبر خدا به علی علیه السلام کرد، این بود که به وی فرمود: «ای علی! بر تو باد کدو. آن را بخور؛ چرا که مغز و عقل را افزون می‌سازد».

۱۹۱۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کدو بخورید، که اگر خداوند می‌دانست درختی سبک‌تر

از این وجود دارد، آن را برای برادر من یونس می‌رویانند.

هرگاه کسی از شما خورشی می‌سازد، در آن کدوی بسیار بریزد؛ چرا که آن مغز و عقل را می‌افزاید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۲۸

۱۹۱۸. کنز العمال عن أنس: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُكْتَبُ مِنْ أَكْلِ الدُّبَاءِ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّكَ لَتَحِبُّ الدُّبَاءَ!

فَقَالَ: الدُّبَاءُ يُكْتَبُ الدَّمَاعَ، وَيَزِيدُ فِي الْعَقْلِ. [۹۶۶]

۱۹۱۹. الکافی عن السیاری رفعه: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُعْجِبُهُ الدُّبَاءُ، وَكَانَ يَأْمُرُ نِسَاءَهُ إِذَا طَبَخْنَ قَدْرًا يُكْتَبَنَّ مِنَ الدُّبَاءِ، وَهُوَ الْقَرَعُ. [۹۶۷]

۱۹۲۰. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِذَا طَبَخْتُمْ فَأَكْثِرُوا الْقَرَعَ؛ فَإِنَّهُ يَسْرُّ [۹۶۸] قَلْبَ الْحَزِينِ. [۹۶۹] [۹۷۰]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۲؛ ص ۴۲۸

۱۹۲۱. الإمام علی علیه السلام: كُلُوا الدُّبَاءَ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الدَّمَاعِ، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُعْجِبُهُ الدُّبَاءُ. [۹۷۱]

۱۹۲۲. طَبَّ الْأَثَمِيَّةِ عَنْ ذَرِيحٍ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْحَدِيثُ الْمَرْوِيُّ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَيِّمُوا لِي اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّبَاءِ أَنَّهُ قَالَ: كُلُوا الدُّبَاءَ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الدَّمَاعِ.

فَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَعَمْ، وَأَنَا أَقُولُ: إِنَّهُ جَيِّدٌ لَوْجَعِ الْقَوْلَجِ. [۹۷۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۲۹

۱۹۱۸. کنز العمال به نقل از انس: پیامبر خدا، فراوان کدو می‌خورد.

گفتم: ای پیامبر خدا! گویا خیلی کدو دوست داری!؟

فرمود: «کدو، مغز را زیاد می‌کند و بر عقل می‌افزاید».

۱۹۱۹. الکافی به نقل از سیاری، در حدیثی که سند آن را به معصوم رسانده است: پیامبر صلی الله علیه و آله به کدو علاقه داشت و

به زنان خود می‌فرمود: «اگر در دیگ، چیزی طبخ می‌کنید، در آن، کدو بسیار بریزید».

۱۹۲۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر خواستید چیزی بپزید، از کدو زیاد بهره بجوید؛ چرا که دل اندوهگین را شاد می‌کند.

۱۹۲۱. امام علی علیه السلام: کدو بخورید؛ چرا که مغز را افزون می‌کند. پیامبر خدا به کدو علاقه داشت.

۱۹۲۲. طَبُّ الْأَنْثِمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به نقل از دَرِيح: به امام صادق علیه السلام گفتم: از امیر مؤمنان علیه السلام حدیثی درباره کدو روایت شده که فرموده است: «کدو بخورید؛ چرا که مغز را افزون می‌سازد».

امام صادق علیه السلام فرمود: «آری. من نیز می‌گویم که برای درد قولنج، خوب است».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۳۰

الفصل الثامن و الأربعون: الكباب

۱۹۲۳. الكافي عن موسى بن بكر: قال لي أبو الحسن عليه السلام يعنى الأول: ما لي أراك مُصَفَّرًا؟
فَقُلْتُ لَهُ: وَعَعَكَ أَصَابَنِي.
فَقَالَ لِي: كُلِ اللَّحْمَ، فَأَكَلْتُهُ، ثُمَّ رَأَيْتَنِي بَعْدَ جُمُعَةٍ وَأَنَا عَلَى حَالِي مُصَفَّرًا، فَقَالَ لِي:
أَلَمْ أَمُرَكَ بِأَكْلِ اللَّحْمِ؟
قُلْتُ: مَا أَكَلْتُ غَيْرَهُ مُنْذُ أَمْرَتَنِي.
فَقَالَ: وَكَيْفَ تَأْكُلُهُ؟
قُلْتُ: طَبِيخًا.
فَقَالَ: لَا، كُلَّهُ كَبَابًا، فَأَكَلْتُهُ، ثُمَّ أَرْسَلَنِي إِلَى فِدْعَانِي بَعْدَ جُمُعَةٍ وَإِذَا الدَّمُ قَدْ عَادَ فِي وَجْهِ، فَقَالَ لِي: الْآنَ نَعَم. [۹۷۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۳۱

فصل چهل و هشتم: کباب

۱۹۲۳. الكافي به نقل از موسى بن بكر: امام کاظم علیه السلام به من فرمود: «چرا تو را زرد روی می‌بینم؟».

گفتم: تب، رنجورم کرده است.

به من فرمود: «گوشت بخور».

گوشت خوردم. پس از جمعه‌ای، امام علیه السلام دیگر بار مرا دید، در حالی که همچنان بر همان وضع پیشین (زردچهره) بودم. به من فرمود: «مگر تو را به خوردن گوشت، فرمان نداده بودم؟».

گفتم: از همان روز که فرموده‌ای، جز آن نخورده‌ام.

پرسید: «آن را چگونه می‌خوری؟».

گفتم: پخته [در آب].

فرمود: «نه؛ آن را کباب شده بخور».

پس از جمعه‌ای، دیگر بار در پی من فرستاد. این بار دید که خون، دوباره به چهره‌ام باز گشته است. به من فرمود: «اکنون، خوب است».

[۹۷۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۳۲

۱۹۲۴. الکافی عن موسى بن بكر: اشْتَكَيْتُ بِالْمَدِينَةِ شَكَاةً ضَعُفْتُ مَعَهَا، فَأَتَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ لِي: أَرَاكَ ضَعِيفًا.
قُلْتُ: نَعَمْ.

فَقَالَ لِي: كُلِّ الْكَبَابِ، فَأَكَلْتُهُ فَبَرَأْتُ. [۹۷۵]

۱۹۲۵. الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهما السلام: أكل الكباب يذهب بالحمى. [۹۷۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۳۳

۱۹۲۴. الکافی به نقل از موسی بن بکر: در مدینه به عارضه‌ای گرفتار آمدم و در نتیجه آن، ضعیف شدم. نزد امام کاظم علیه السلام رفتم.

به من فرمود: «تو را ضعیف می‌بینم!».

گفتم: آری.

فرمود: «کباب بخور».

من هم کباب خوردم و بهبود یافتم.

۱۹۲۵. امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام: خوردن کباب، تب را می‌برد. [۹۷۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۳۴

الفصل التاسع والأربعون: الكُرَاتِ

۱ / ۴۹

خَوَاصُّ الْكُرَاتِ

۱۹۲۶. رسول الله صلى الله عليه وآله: الْكُرَاتُ فِي الْبُقُولِ بِمَنْزِلَةِ الْخُبْزِ فِي الطَّعَامِ. [۹۷۸]

۱۹۲۷. الکافی عن حمّاد بن زكريّا عن الإمام الصادق عليه السلام: ذُكِرَتِ الْبُقُولُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ: كُلُّوا

الْكُرَاتِ؛ فَإِنَّ مَثَلَهُ فِي الْبُقُولِ كَمَثَلِ الْخُبْزِ فِي سَائِرِ الطَّعَامِ أَوْ قَالَ: الْإِدَامِ. [۹۷۹]

۱۹۲۸. الکافی عن فرات بن أحنف: سئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْكُرَاتِ، فَقَالَ: كُلُّهُ؛ فَإِنَّ فِيهِ أَرْبَعٌ خِصَالٍ: يُطَيَّبُ النَّكْهَةَ، وَيَطْرُدُ

الرِّيَاحَ، وَيَقْطَعُ الْبُؤَاسِيرَ، وَهُوَ أَمَانٌ مِنَ الْجُذَامِ لِمَنْ أَدَمَنَ عَلَيْهِ. [۹۸۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۳۵

فصل چهل و نهم: تره

اشاره

۱ / ۴۹

خوائص تره

۱۹۲۶. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: تره [۹۸۱] در میان سبزی‌ها، همانند نان در میان خوراکی‌هاست.

۱۹۲۷. الکافی به نقل از حماد بن زکریا، از امام صادق علیه السلام: در محضر پیامبر خدا از سبزی‌ها یاد شد. فرمود: «تره بخورید؛ چرا که حکایت آن در میان سبزی‌ها، حکایت نان در میان همه خوراکی‌ها یا خورش‌ها [۹۸۲] است».

۱۹۲۸. الکافی به نقل از فرات بن احنف: از امام صادق علیه السلام درباره تره پرسیدند. فرمود: «آن را بخور؛ چرا که در آن، چهار ویژگی است: بوی دهان را خوش می‌سازد؛ بادها را [از بدن می‌راند؛ بواسیر را ریشه کن می‌کند؛ و برای کسی که بدان مداومت می‌ورزد، مایه ایمنی از جذام است».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۳۶

۱۹۲۹. الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ذَكَرَ الْبُقُولَ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ: سَيْنَامُ الْبُقُولِ وَرَأْسُهَا الْكُرَاثُ، وَفَضْلُهُ عَلَى الْبُقُولِ كَفَضْلِ الْخُبْزِ عَلَى سَائِرِ الْأَشْيَاءِ، وَفِيهِ بَرَكَةٌ، وَهِيَ بَقْلَتِي وَبَقْلَةُ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي، وَأَنَا أَحِبُّهُ وَآكُلُهُ، وَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى نَبَاتِهِ فِي الْجَنَّةِ يَبْرُقُ وَرَقُهُ خُضْرَةً وَحُسْنًا. [۹۸۳]

۱۹۳۰. الکافی عن موسى بن بكر: اشتكى غلامٌ لأبي الحسن عليه السلام فسأل عنه، فقيل: به طحال. فقال: أطعموه الكُرَاثَ ثلاثَةَ أَيَّامٍ.

فَأَطَعَمْنَاهُ فَقَعَدَ الدَّمُ، ثُمَّ بَرَأَ. [۹۸۴]

۱۹۳۱. المحاسن عن سلمة: اشتكيت بالمدينة شكاة شديدة، فأتيت أبا الحسن عليه السلام، فقال لي: أراك مُصَفَّرًا؟ قلت: نعم، قال عليه السلام: كُلِ الْكُرَاثَ.

فَأَكَلْتُهُ فَبَرَأْتُ. [۹۸۵]

۱۹۳۲. مكارم الأخلاق عن موسى بن بكر: أتيت إلى أبي الحسن عليه السلام، فقال لي: أراك مُصَفَّرًا؟ كُلِ الْكُرَاثَ. فَأَكَلْتُهُ فَبَرَأْتُ. [۹۸۶]

راجع: ج ۱، ص ۴۶۶ (ما ینفع لعلاج وجع الطحال).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۳۷

۱۹۲۹. امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام: نزد پیامبر خدا از سبزی‌ها یاد شد. فرمود: «تره، مهتر و سرآمد همه سبزی‌هاست و برتری آن بر دیگر سبزی‌ها، همانند برتری نان بر دیگر چیزهاست. در آن، برکت است و آن، سبزی من و سبزی پیامبران پیش از من است. من آن را دوست دارم و می‌خورم. گویا بوته آن را می‌نگرم که برگ‌هایش از سرسبزی و زیبایی در بهشت می‌درخشند».

۱۹۳۰. الکافی به نقل از موسی بن بكر: یکی از غلامان امام کاظم علیه السلام بیمار شد. امام علیه السلام از حال او پرسید. گفتند: بیماری طحال گرفته است.

فرمود: «سه روز به او تره بخورانید».

آن را به او خوراندیم. پس خون، فرو نشست [۹۸۷] و سپس بهبود یافت.

۱۹۳۱. المحاسن به نقل از سلمة: در مدینه به دردی سخت، گرفتار آمدم. نزد امام کاظم علیه السلام رفتم. به من فرمود: «تو را زردچهره می‌بینم؟».

گفتم: آری.

فرمود: «تره بخور».

تره خوردم و بهبود یافتم.

۱۹۳۲. مکارم الأخلاق به نقل از موسی بن بكر: نزد امام کاظم علیه السلام رفتم. به من فرمود: «تو را زردروی می‌بینم! تره بخور».

من نیز خوردم و بهبود یافتم.

ر. ک: ج ۱، ص ۴۶۷ (آنچه برای درمان درد طحال، سودمند است).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۳۸

۲/۴۹

أَكَلَ الْكُرَاثِ الطَّازِجِ

۱۹۳۳. الکافی عن موسی بن بکر: حَدَّثَنِي مَنْ رَأَى أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَأْكُلُ الْكُرَاثَ فِي الْمَشَارَةِ وَيَغْسِلُهُ بِالْمَاءِ وَيَأْكُلُهُ. [۹۸۸]

۱۹۳۴. الکافی: عَنْ دَاوُودَ بْنِ أَبِي دَاوُودَ عَنْ رَجُلٍ رَأَى أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِخُرَاسَانَ يَأْكُلُ الْكُرَاثَ مِنَ الْبُسْتَانِ كَمَا هُوَ، فَقِيلَ لَهُ: إِنَّ فِيهِ السَّمَادَ.

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَعْلُقْ بِهِ مِنْهُ شَيْءٌ [۹۸۹]، وَهُوَ جَيِّدٌ لِلْبَوَاسِيرِ. [۹۹۰]

۱۹۳۵. المحاسن عن يحيى بن سليمان: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِخُرَاسَانَ فِي رَوْضَةٍ وَهُوَ يَأْكُلُ الْكُرَاثَ، فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلَتْ

فِدَاكَ! إِنَّ النَّاسَ يَرَوْنَ أَنَّ الْهِنْدَبَاءَ يَقْطُرُ عَلَيْهِ كُلَّ يَوْمٍ قَطْرَةً مِنَ الْجَنَّةِ؟

فَقَالَ: إِنْ كَانَ الْهِنْدَبَاءُ يَقْطُرُ عَلَيْهِ قَطْرَةً مِنَ الْجَنَّةِ، فَإِنَّ الْكُرَاثَ مُنْعَمَسٌ فِي الْمَاءِ فِي الْجَنَّةِ.

قُلْتُ: فَإِنَّهُ يُسَمِّدُ؟

فَقَالَ: لَا يَعْلُقُ بِهِ شَيْءٌ. [۹۹۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۳۹

۲/۴۹ خوردن تره تازه

۱۹۳۳. الکافی به نقل از موسی بن بکر: یکی از کسانی که امام کاظم علیه السلام را دیده، برایم نقل کرد که ایشان تره را در کرت کشتزار می خورد. البته آن را با آب می شست و آن گاه می خورد.

۱۹۳۴. الکافی به نقل از داوود بن ابی داوود: مردی، امام رضا علیه السلام را در خراسان دیده که تره را از باغ، همان گونه که هست، می چیند و می خورد. چون به ایشان گفتند: این، ممکن است فضولاً-تی به همراه داشته باشد، فرمود: «چیزی از آنها به این نمی چسبد» [۹۹۲] و این سبزی، برای درمان بواسیر، خوب است.

۱۹۳۵. المحاسن به نقل از یحیی بن سلیمان: امام رضا علیه السلام را در خراسان در باغی دیدم، در حالی که تره می خورد. به ایشان گفتم: فدایت شوم! مردم بر این باورند که هر روز یک قطره از بهشت، بر کاسنی فرو می ریزد.

فرمود: «اگر هر روز از بهشت بر کاسنی یک قطره فرو می ریزد، تره، در آب بهشت، یکسره غوطه ور است».

گفتم: به آن کود می دهند.

فرمود: «چیزی از این کود، بدان نمی چسبد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۴۰

۳/۴۹

أَكَلَ الْكُرَاثِ بِالْمِلْحِ

۱۹۳۶. الکافی عن أحمد بن أبي عبد الله عن بعض أصحابه رفعه، قال: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَأْكُلُ الْكُرَاثَ بِالْمِلْحِ

الْجَرِيشِ. [۹۹۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۴۱

۴۹ / ۳ خوردن تره همراه با نمک

۱۹۳۶. الکافی به نقل از احمد بن ابی عبد الله، از یکی از هم‌مسلمانانش، در حدیثی که سند آن را به معصوم رسانده است: امیر مؤمنان علیه السلام تره را همراه با نمک بلغور شده می‌خورد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۴۲

الفصل الخمسون: الكرفس

۱۹۳۷. رسول الله صلى الله عليه وآله: الكرفس بقله الأنبياء. [۹۹۴]

۱۹۳۸. عنه صلى الله عليه وآله: عليكم بالكرفس؛ فإنه طعام إلیاس، و الیسع، و یوشع بن نون. [۹۹۵]

۱۹۳۹. عنه صلى الله عليه وآله للإمام الحسين عليه السلام: يا بُنَيَّ، كُلِ الكَرَفْسَ؛ فَإِنَّهَا بَقْلَةُ الْأَنْبِيَاءِ مَغْفُولٌ عَنْهَا، وَ هُوَ طَعَامُ الْخَضِرِ وَ إلیاس، وَ الكَرَفْسُ يَفْتَحُ السُّدَدَ، وَ يُدَكِّي الْقَلْبَ، وَ يَرِثُ الْحِفْظَ، وَ يَطْرُدُ الْجُنُونَ وَ الْجُدَامَ وَ الْبَرَصَ وَ الْجُبْنَ. [۹۹۶]

۱۹۴۰. عنه صلى الله عليه وآله: عليكم بالكرفس؛ فإنه إن كان شيء يزيد في العقل فهو هو. [۹۹۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۴۳

فصل پنجاهم: كرفس

۱۹۳۷. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: کرفس، سبزی پیامبران است.

۱۹۳۸. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بر شما باد کرفس؛ چرا که خوراک الیاس، یسع و یوشع بن نون بوده است. [۹۹۸]

۱۹۳۹. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله خطاب به امام حسین علیه السلام: فرزندم! کرفس بخور؛ چرا که سبزی پیامبران است، که فراموش شده است و خوراک خضر و الیاس علیهما السلام است. کرفس، انسدادها را می‌گشاید، دل را طراوت می‌دهد، حافظه می‌آورد، و دیوانگی، جذام، پیسی و ترس را دور می‌کند.

۱۹۴۰. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بر شما باد کرفس؛ زیرا اگر چیزی باشد که بر عقل بیفزاید، همان است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۴۴

الفصل الحادی و الخمسون: الكمأه

۱۹۴۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: الكمأه من نبت الجنه، و مأوها نافع من وجع العين. [۹۹۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۴۵

فصل پنجاه و یکم: قارچ

۱۹۴۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: قارچ [۱۰۰۰] از گیاهان بهشت است و آب آن برای درد چشم، سودمند است.

- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۴۶
۱۹۴۲. عنه صلى الله عليه وآله: الْكَمَاءُ مِنَ الْمَنِّ [۱۰۰۱] وَالْمَنْ مِنَ الْجَنَّةِ، وَ مَاؤُهَا شِفَاءٌ لِلْعَيْنِ. [۱۰۰۲]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۴۷
۱۹۴۲. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: قارچ، از «مَنْ» [۱۰۰۳] است و «مَنْ» از بهشت است. آب آن نیز درمانی برای چشم است [۱۰۰۴]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۴۸
۱۹۴۳. عنه صلى الله عليه وآله: الْكَمَاءُ مِنَ الْمَنِّ الَّذِي أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ، وَ هِيَ شِفَاءٌ لِلْعَيْنِ. [۱۰۰۵]
۱۹۴۴. عنه صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالْكَمَاءِ الرَّطْبَةِ؛ فَإِنَّهَا مِنَ الْمَنِّ، وَ مَاؤُهَا شِفَاءٌ لِلْعَيْنِ. [۱۰۰۶]
۱۹۴۵. الكافي عن امامة بنت أبي العاص بن الربيع و أمها زينب بنت رسول الله صلى الله عليه وآله قالت: أتاني أمير المؤمنين علي عليه السلام في شهر رمضان فأتى بعشاء [۱۰۰۷] و تمر و كمأة فأكل عليه السلام، و كان يحب الكمأة. [۱۰۰۸]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۴۹
۱۹۴۳. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: قارچ، از همان «مَنْ» است که خداوند بر بنی اسرائیل نازل کرد، و آن، شفایی برای چشم است.
۱۹۴۴. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بر شما باد قارچ تازه؛ چرا که از همان «مَنْ» است و آبش، شفایی برای چشم است.
۱۹۴۵. الكافي به نقل از امامه دختر ابو العاص بن ربيع (همان بانویی که مادرش زینب دختر پیامبر خداست): در ماه رمضان، امیر مؤمنان علی علیه السلام، نزد من آمد. شامی و [۱۰۰۹] خرمایی و قارچی آوردند و ایشان خورد. ایشان قارچ را دوست داشت.
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۵۰

الفصل الثانی و الخمسون: الڪمثری

۱۹۴۶. رسول الله صلى الله عليه وآله: الْكُمَثْرَى يُحْيِي الْقَلْبَ. [۱۰۱۰]
۱۹۴۷. الإمام علي عليه السلام: الْكُمَثْرَى يَجْلُو الْقَلْبَ، وَ يُسَكِّنُ أَوْجَاعَ الْجَوْفِ. [۱۰۱۱]
۱۹۴۸. الإمام الصادق عليه السلام: كُلُوا الْكُمَثْرَى؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْقَلْبَ، وَ يُسَكِّنُ أَوْجَاعَ الْجَوْفِ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى. [۱۰۱۲]
۱۹۴۹. عنه عليه السلام: الْكُمَثْرَى يَدْبُغُ الْمَعِدَةَ وَ يُقْوِيهَا، هُوَ وَ السَّفْرَجَلُ سَوَاءٌ، وَ هُوَ عَلَى الشَّبَعِ أَنْفَعُ مِنْهُ عَلَى الرَّيْقِ، وَ مَنْ أَصَابَهُ طَخَاءٌ فَلْيَأْكُلْهُ يَعْنِي عَلَى الطَّعَامِ. [۱۰۱۳]
۱۹۵۰. طب الأئمة عن الحلبي: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِرَجُلٍ شَكَا إِلَيْهِ وَجَعًا يَجِدُهُ فِي قَلْبِهِ: كُلِ الْكُمَثْرَى. [۱۰۱۴]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۵۱

فصل پنجاه و دوم: گلابی

۱۹۴۶. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: گلابی، قلب را زنده می‌سازد.
۱۹۴۷. امام علی علیه السلام: گلابی، قلب را جلا می‌دهد و دردهای درون را تسکین می‌بخشد.
۱۹۴۸. امام صادق علیه السلام: گلابی بخورید؛ که به اذن خداوند عز و جل دل را جلا می‌دهد و دردهای درون را تسکین می‌بخشد.

۱۹۴۹. امام صادق علیه السلام: «گلابی، معده را می‌پالاید و تقویت می‌کند و با به، در [، خواص]، همگون است. خوردنش روی غذا، سودمندتر است تا چاشت‌ناخورده. هر کس هم که احساس سنگینی می‌کند، از آن بخورد» یعنی روی غذا بخورد. [۱۰۱۵]

۱۹۵۰. طَبُّ الْأُتْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به نقل از حَلَبِي: امام صادق علیه السلام به مردی که از دردی در قلب خود نزد ایشان اظهار ناراحتی کرد، فرمود: «گلابی بخور».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۵۲

الفصل الثالث و الخمسون: اللبان

۱/۵۳

خَوَاصُّ اللَّبَّانِ

۱۹۵۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِاللَّبَّانِ؛ فَإِنَّهُ يَمَسْحُ الْحَرَّ عَنِ الْقَلْبِ كَمَا يَمَسْحُ [۱۰۱۶] الإصْبَعُ الْعَرَقَ عَنِ الْجَبِينِ، وَيَشُدُّ الظَّهْرَ، وَيَزِيدُ فِي الْعَقْلِ، وَيُذَكِّي الذَّهْنَ، وَيَجْلُو البَصَرَ، وَيُذْهِبُ النَّسِيَانَ. [۱۰۱۷]

۱۹۵۲. عنه صلى الله عليه وآله: ادَّهِنُوا بِاللَّبَّانِ؛ فَإِنَّهُ أَحْطَى لَكُمْ عِنْدَ نِسَائِكُمْ. [۱۰۱۸]

۱۹۵۳. عنه صلى الله عليه وآله لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ، ثَلَاثَةٌ يَرِدْنَ فِي الْحِفْظِ وَيُذْهِبْنَ الْبَلْغَمَ: اللَّبَّانُ، وَالسَّوَاكُ، وَقِرَاءَةُ الْقُرْآنِ. [۱۰۱۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۵۳

فصل پنجاه و سوم: کندر

۱/۵۳ خَوَاصُّ كُنْدُرٍ

۱۹۵۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بر شما باد کُنْدُر [۱۰۲۰]؛ زیرا آن سان که انگشتان، عرق را از پیشانی پاک می‌کنند، پشت را محکم می‌کند، عقل را افزون می‌کند، ذهن را ذکاوت می‌دهد، چشم را جلا می‌بخشد و فراموشی را از میان می‌برد.

۱۹۵۲. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: با کُنْدُر، بدن را چرب کنید؛ چرا که این بهره‌ای بیشتر برای شما نزد زنانان ایجاد می‌کند.

۱۹۵۳. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله و آله خطاب به امام علی علیه السلام: ای علی! سه چیز بر حافظه می‌افزاید و بلغم را می‌برد: کُنْدُر، مسواک و قرائت قرآن. [۱۰۲۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۵۴

۱۹۵۴. الإمام علي عليه السلام: مَضَعُ اللَّبَّانِ يَشُدُّ الْأَضْرَاسَ، وَيَنْفِي الْبَلْغَمَ، وَيَذْهَبُ بَرِيحَ الْفَمِ. [۱۰۲۲]

۱۹۵۵. كنز العمال عن عبد الله بن جعفر: جاء رجل إلى علي بن أبي طالب عليه السلام يشتكى إليه النسيان. فقال:

عَلَيْكَ بِاللَّبَّانِ؛ فَإِنَّهُ يُشَجِّعُ الْقَلْبَ، وَيُذْهِبُ النَّسِيَانَ. [۱۰۲۳]

۱۹۵۶. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَأْكُلُ الْعَسَلَ وَيَقُولُ:

آيَاتٌ مِنَ الْقُرْآنِ وَ مَضَعُ اللَّبَّانِ يُذِيبُ الْبَلْغَمَ. [۱۰۲۴]

۱۹۵۷. الإمام الرضا عليه السلام: اسْتَكْتَرُوا مِنَ اللَّبَّانِ وَ اسْتَبَقَوْهُ وَ امْضَعُوهُ، وَ أَحْبَبُهُ إِلَى الْمَضَعِ؛ فَإِنَّهُ يَنْزِفُ بَلْغَمَ الْمَعِدَّةِ وَ يُنْظِفُهَا، وَ يَشُدُّ

الْعَقْلَ، وَ يُمِرُّ الطَّعَامَ. [۱۰۲۵]

راجع: ج ۱، ص ۳۸۰، ح ۶۳۹.

۲ / ۵۳

فَوَائِدُ اللَّبَانِ لِلْحَامِلِ

۱۹۵۸. رسول الله صلى الله عليه و آله: أَطْعَمُوا نِسَاءَ كُمُ الْحَوَامِلِ اللَّبَانَ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي عَقْلِ الصَّبِيِّ. [۱۰۲۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۵۵

۱۹۵۴. امام علی علیه السلام: جویدن کُنْدُر، دندان‌ها را استحکام می‌بخشد، بلغم را می‌راند و بوی دهان را می‌برد.

۱۹۵۵. کنز العمّال به نقل از عبد الله بن جعفر: مردی نزد علی بن ابی طالب علیه السلام آمد و از فراموشی، اظهار ناراحتی کرد.

فرمود: «بر تو باد کُنْدُر؛ چرا که دل را شجاعت می‌بخشد و فراموشی را از میان می‌برد».

۱۹۵۶. امام صادق علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله عسل می‌خورد و می‌فرمود: «[قرائت آیاتی از قرآن و جویدن کُنْدُر، بلغم

را از میان می‌برد».

۱۹۵۷. امام رضا علیه السلام: فراوان کُنْدُر بخورید. آن را در دهان نگه دارید و نیک بجوید، برای من، جویدن آن، دوست‌داشتنی‌تر

است؛ چرا که آن بلغم معده را پاک می‌کند، عقل را استحکام می‌بخشد و غذا را گوارا می‌سازد.

ر. ک: ج ۱، ص ۳۸۱، ح ۶۳۹.

۲ / ۵۳ فایده‌های کُنْدُر برای زنان باردار

۱۹۵۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به زنان باردار خود، کُنْدُر بدهید؛ چرا که عقل کودک را افزون می‌کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۵۶

۱۹۵۹. الإمام الرضا علیه السلام: أَطْعَمُوا حَبَالَاكُمْ ذَكَرَ [۱۰۲۷] اللَّبَانَ، فَإِنْ يَكُ فِي بَطْنِهَا غَلَامٌ خَرَجَ ذَكِيَّ الْقَلْبِ عَالِمًا شَجَاعًا، وَإِنْ

تَكُ جَارِيَةً حَسَنَ خَلْقِهَا وَخُلُقِهَا، وَعَظَمَتِ عَجِيزَتُهَا، وَحَظِيَّتِ عِنْدَ زَوْجِهَا. [۱۰۲۸]

راجع: ج ۱: ص ۶۵۸ (ما ینفع الجنین من الأغذية).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۵۷

۱۹۵۹. امام رضا علیه السلام: به زنان باردارتان، کندر نر [۱۰۲۹] بدهید. در این صورت، اگر آنچه در شکم زن است، پسر باشد،

بیدار دل، آگاه و دلیر می‌گردد، و اگر دختر باشد، روی و خوی وی نکو می‌شود و سرین او سترگ می‌گردد و نزد همسرش بهره

می‌یابد.

ر. ک: ج ۱، ص ۶۵۹ (غذاهایی که برای جنین، سودمند است).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۵۸

الفصل الرابع و الخمسون: اللَّبْنِ

۱ / ۵۴

خَوَاصُّ اللَّبَنِ

۱۹۶۰. الإمام علی علیه السلام: حَسُو اللَّبَنِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِلَّا الْمَوْتَ. [۱۰۳۰]

۱۹۶۱. الکافی عن أبي الحسن الأصبهانی: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ وَ أَنَا أَسْمَعُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنِّي أَجِدُ

الضَّعْفَ فِي بَدَنِي.

فَقَالَ لَهُ: عَلَيْكَ بِاللَّبَنِ؛ فَإِنَّهُ يُنَبِّتُ اللَّحْمَ، وَيَشُدُّ الْعَظْمَ. [۱۰۳۱]

۱۹۶۲. الإمام الصادق عليه السلام: ما وجدنا لوجع الحلقِ مثلَ حسوِ اللبنِ. [۱۰۳۲]

راجع: ج ۲، ص ۴۷۲ (خواص اللحم باللبن). ج ۲، ص ۲۴۴ (التليينه).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۵۹

فصل پنجاه و چهارم: شیر

۱/۵۴ / خواص شیر

۱۹۶۰. امام علی علیه السلام: نوشیدن شیر، شفایی برای هر درد است، مگر مرگ.

۱۹۶۱. الکافی به نقل از ابو الحسن اصفهانی: نزد امام صادق علیه السلام بودم. در حالی که من نیز می‌شنیدم، مردی به ایشان گفت: فدایت شوم! من در بدنم احساس ضعف می‌کنم.

امام علیه السلام به او فرمود: «بر تو باد شیر؛ چرا که گوشت می‌رویانَد و استخوان را استحکام می‌بخشد».

۱۹۶۲. امام صادق علیه السلام: برای گلودرد، چیزی چون نوشیدن شیر نیافته‌ایم.

ر. ک: ج ۲، ص ۴۷۳ (گوشت، خواص گوشت همراه با شیر). ج ۲، ص ۲۴۵ (تلیينه).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۶۰

۲/۵۴

الاستشفاء بِاللَّبَنِ الْبَقَرِ

۱۹۶۳. رسول الله صلى الله عليه وآله: ما أنزل الله من داء إلا وقد أنزل له شفاءً، وفي ألبان البقرِ شفاءً من كلِّ داءٍ. [۱۰۳۳]

۱۹۶۴. عنه صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِاللَّبَنِ الْبَقَرِ؛ فَإِنَّهَا تَرُمُّ مِنْ كُلِّ شَجَرٍ، وَهُوَ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ. [۱۰۳۴]

۱۹۶۵. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَضَعْ دَاءً إِلَّا وَضَعَ لَهُ شِفَاءً، وَعَلَيْكُمْ بِاللَّبَنِ الْبَقَرِ؛ فَإِنَّهَا تَرُمُّ مِنْ كُلِّ الشَّجَرِ. [۱۰۳۵]

۱۹۶۶. عنه صلى الله عليه وآله: تَدَاوُوا بِاللَّبَنِ الْبَقَرِ؛ فَإِنِّي أَرْجُو أَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهَا شِفَاءً؛ فَإِنَّهَا تَأْكُلُ مِنَ الشَّجَرِ. [۱۰۳۶]

۱۹۶۷. الإمام الباقر عليه السلام عن جابر بن عبد الله: قيل: يا رسول الله، أتناوئ؟

فقال: نعم، تداووا؛ فإنَّ الله تبارك وتعالى لم ينزل داءً إلا وقد أنزل له دواءً. عَلَيْكُمْ بِاللَّبَنِ الْبَقَرِ؛ فَإِنَّهَا تَرُمُّ مِنْ كُلِّ الشَّجَرِ. [۱۰۳۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۶۱

۲/۵۴ / درمان با شیر گاو

۱۹۶۳. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: خداوند، هیچ دردی فرو نفرستاده، مگر این که برای آن، درمانی هم فرستاده است. در شیر گاو، درمان هر درد هست.

۱۹۶۴. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بر شما باد شیر گاو؛ چرا که گاو از هر درختی می‌خورد و شیر آن، درمانی برای هر درد است.

۱۹۶۵. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: خداوند، هیچ دردی ننهاد، مگر این که برایش درمانی نیز نهاده است. بر شما باد شیر گاو، چرا که از هر شجره [۱۰۳۸] می‌خورد.

۱۹۶۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: با شیر گاو درمان کنید. من امیدوارم خداوند در آن، شفایی نهاده باشد؛ چرا که گاو، از شجر می خورد.

۱۹۶۷. امام باقر علیه السلام به نقل از جابر بن عبد الله: گفته شد: ای پیامبر خدا! آیا درمان کنیم؟ فرمود: «آری، درمان کنید؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی هیچ دردی فرو نفرستاده، مگر این که برایش درمانی نیز فرستاده است. بر شما باد شیر گاو؛ چرا که آن، از هر شجری می خورد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۶۲

۱۹۶۸. الإمام علی علیه السلام: ألبان البقر دواءً. [۱۰۳۹]

۱۹۶۹. عنه علیه السلام: لبَنُ البَقَرِ شِفَاءٌ. [۱۰۴۰]

۱۹۷۰. الكافي عن أبي البلاد: شَكَّوتُ إلى أبي جَعْفَرٍ عليه السلام دَرَبًا وَجَدْتُه، فَقَالَ لِي: مَا يَمْنَعُكَ مِنْ شُرْبِ ألبانِ البَقَرِ؟ فَقَالَ لِي: أَشْرِبْتَهَا قَطُّ؟

فَقُلْتُ لَهُ: نَعَمْ، مَرارًا.

فَقَالَ: كَيْفَ وَجَدْتَهَا؟

فَقُلْتُ: وَجَدْتُهَا تَدْبِغُ المَعْدَةَ، وَ تَكْسُو الكَلْبَتَيْنِ الشَّحْمَ، وَ تُشَهِّي الطَّعَامَ.

فَقَالَ لِي: لَوْ كَانَتْ أَيامُهُ لَخَرَجْتُ أَنَا وَ أَنْتَ إلى يَتْبَعِ حَتَّى نَشْرِبَهُ. [۱۰۴۱]

۳/۵۴

ألبان الإبل

۱۹۷۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: فی ألبانِ الإبلِ ... دَوَاءٌ لِذَرَبِكُمْ. [۱۰۴۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۶۳

۱۹۶۸. امام علی علیه السلام: شیر گاو، دارو است.

۱۹۶۹. امام علی علیه السلام: شیر گاو، درمان است.

۱۹۷۰. الكافي به نقل از ابو البلاد: از عارضه‌ای که در معده احساس می کردم، نزد امام باقر علیه السلام اظهار ناراحتی نمودم.

به من فرمود: «چه چیز، تو را از نوشیدن شیر گاو، باز می دارد؟». آن گاه از من پرسید: «آیا هرگز نوشیده‌ای؟».

گفتم: آری؛ بارها.

پرسید: «آن را چگونه یافته‌ای؟».

گفتم: دیده‌ام که معده را می پالاید و به کلیه‌ها پوششی از چربی می دهد و اشتها به غذا می آورد.

پس به من فرمود: «اگر اکنون زمانش بود، من و تو با همدیگر به یَتْبَعِ می رفتیم تا شیر بخوریم».

۳/۵۴ شیر شتر

۱۹۷۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در شیر شتر... درمان بیماری ذَرَبِ [۱۰۴۳] است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۶۴

۱۹۷۲. عنه صلی الله علیه و آله: إِنَّ فی ... ألبانها شِفَاءٌ لِلذَّرَبِ بَطُونَهُمْ. [۱۰۴۴]

۴/۵۴

شیراز الأتن

۱۹۷۳. الکافی عن العيص بن القاسم عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: تَغَدَّيْتُ مَعَهُ، فَقَالَ لِي:

أ تَدْرِي مَا هَذَا؟

قُلْتُ: لَا.

قال: هذا شيرازُ الأثْنِ اتَّخَذْنَاهُ لِمَرِيضٍ لَنَا، فَإِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تَأْكُلَ مِنْهُ فَكُلْ. [۱۰۴۵]

۱۹۷۴. الکافی عن يحيى بن عبد الله: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَتَيْتُنَا بِسُكَّرُجَاتٍ، فَأَشَارَ بِيَدِهِ نَحْوَ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ، وَقَالَ:

هذا شيرازُ الأثْنِ اتَّخَذْنَاهُ لِعَلِيلٍ عِنْدَنَا، وَمَنْ شَاءَ فَلْيَأْكُلْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيَدَعِ. [۱۰۴۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۶۵

۱۹۷۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شیر شتر... برای کسانی که به ناراحتی معده (سوء هاضمه) مبتلا هستند، درمان است.

۴/۵۴ ماستِ چکیده ماده الاغ

۱۹۷۳. الکافی به نقل از عیص بن قاسم: همراه با امام صادق علیه السلام ناهار خوردم. به من فرمود: «آیا می‌دانی این چیست؟».

گفتم: نه.

فرمود: «این، ماست چکیده ماده الاغ است. آن را برای یکی از بیماران خود، فراهم ساخته‌ایم. اگر دوست داری از آن بخوری،

بخور».

۱۹۷۴. الکافی به نقل از یحیی بن عبد الله: نزد امام صادق علیه السلام بودم که چند پیاله برایمان آوردند. ایشان با دست، به یکی از

آنها اشاره کرد و فرمود: «این، ماست چکیده ماده الاغ است. آن را برای یکی از بیماران خود، فراهم ساخته‌ایم. هر کس می‌خواهد،

بخورد و هر کس هم نمی‌خواهد، وا گذارد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۶۶

۵/۵۴

الْحَلِيبُ بِالْعَسَلِ

۱۹۷۵. الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ تَغَيَّرَ عَلَيْهِ مَاءُ الظَّهْرِ، فَإِنَّهُ يَنْفَعُ لَهُ اللَّبَنُ الْحَلِيبُ، وَالْعَسَلُ. [۱۰۴۷]

۶/۵۴

الْمَاسْتُ وَالنَّانِخَاوُ

۱۹۷۶. الکافی عن محمد بن يحيى رفعه عن الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ أَرَادَ أَكْلَ الْمَاسِ وَ لَا يَضُرُّهُ، فَلْيَصَبَّ عَلَيْهِ الْهَاضِمَ.

قُلْتُ لَهُ: وَمَا الْهَاضِمُ؟

قال: النَّانِخَاوُ. [۱۰۴۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۶۷

۵/۵۴ شیر با عسل

۱۹۷۵. امام کاظم علیه السلام: هر کس که آب کمرش دیگرگون می‌شود، شیر تازه همراه با عسل برایش سودمند است. [۱۰۴۹]

۶/۵۴ ماست و نانخواه

۱۹۷۶. الکافی به نقل از محمد بن یحیی، در حدیثی که سینه آن را به امام کاظم علیه السلام رسانده است: امام کاظم علیه السلام

فرمود: «هر کس می‌خواهد ماست بخورد و ماست، او را زیان نرساند، روی آن، هضم‌کننده‌ای هم بخورد».
گفتم: هضم‌کننده چیست؟
فرمود: «نانخواه [۱۰۵۰]».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۶۸

الفصل الخامس و الخمسون: اللحم

۱ / ۵۵

سَيِّدُ الطَّعَامِ

۱۹۷۷. رسول الله صلى الله عليه وآله: اللَّحْمُ سَيِّدُ الطَّعَامِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. [۱۰۵۱]
۱۹۷۸. عنه صلى الله عليه وآله: خَيْرُ الْإِدَامِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّحْمُ. [۱۰۵۲]
۱۹۷۹. عنه صلى الله عليه وآله: سَيِّدُ طَعَامِ أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّحْمُ، ثُمَّ الْأَرْزُ. [۱۰۵۳]
دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۶۹

فصل پنجاه و پنجم: گوشت

۱ / ۵۵ مهتر همه خوراکی‌ها

۱۹۷۷. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: گوشت، مهترِ غذاها در دنیا و آخرت است.
۱۹۷۸. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بهترین خورش دنیا و آخرت، گوشت است.
۱۹۷۹. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: مهترِ غذاهاى ساکنان دنیا و آخرت، گوشت و سپس برنج است.
دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۷۰

۲ / ۵۵

خَوَاصُّ اللَّحْمِ

۱۹۸۰. الإمام على عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِاللَّحْمِ؛ فَإِنَّهُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ. [۱۰۵۴]
۱۹۸۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَكَلُ اللَّحْمِ يُحَسِّنُ الْوَجْهَ، وَيُحَسِّنُ الْخُلُقَ. [۱۰۵۵]
۱۹۸۲. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِلْقَلْبِ فَرْحَةً عِنْدَ أَكْلِ اللَّحْمِ. [۱۰۵۶]
۱۹۸۳. عنه صلى الله عليه وآله: اللَّحْمُ بِالْبَيْضِ يَزِيدُ فِي الْبَاءَةِ. [۱۰۵۷]
۱۹۸۴. الإمام على عليه السلام: كُلُوا اللَّحْمَ؛ فَإِنَّهُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ، كُلُّوهُ؛ فَإِنَّهُ جِلَاءٌ لِلْبَصْرِ. [۱۰۵۸]
۱۹۸۵. عنه عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِهَذَا اللَّحْمِ فَكُلُوهُ؛ فَإِنَّهُ يُحَسِّنُ الْخُلُقَ، وَيُصَفِّي اللَّوْنَ، وَيَخْمُصُ الْبَطْنَ. [۱۰۵۹]
۱۹۸۶. الإمام الباقر عليه السلام: أَكَلُ اللَّحْمِ يَزِيدُ فِي السَّمْعِ وَالْبَصْرِ وَالْقُوَّةَ. [۱۰۶۰]
۱۹۸۷. الإمام الصادق عليه السلام: اللَّحْمُ مِنَ اللَّحْمِ، مَنْ تَرَكَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا سَاءَ خُلُقُهُ، كُلُّوهُ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي السَّمْعِ وَالْبَصْرِ. [۱۰۶۱]
دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۷۱

۲/۵۵ خواص گوشت

۱۹۸۰. امام علی علیه السلام: بر شما باد گوشت؛ چرا که [خوردن گوشت، گوشت می‌رویاند].
 ۱۹۸۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوردن گوشت، روی را نکو می‌سازد و خوی را هم نکو می‌سازد.
 ۱۹۸۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هنگام خوردن گوشت، قلب را شادی‌ای است.
 ۱۹۸۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گوشت با تخم مرغ، بر توان جنسی می‌افزاید. [۱۰۶۲]
 ۱۹۸۴. امام علی علیه السلام: گوشت بخورید؛ چرا که گوشت می‌رویاند. آن را بخورید؛ چرا که جلای دیده است.
 ۱۹۸۵. امام علی علیه السلام: بر شما باد این گوشت. آن را بخورید؛ چرا که خوی را خوش می‌سازد، رنگ را صفا می‌دهد و شکم را کوچک می‌کند.

۱۹۸۶. امام باقر علیه السلام: خوردن گوشت، شنوایی و بینایی و قدرت را افزون می‌کند.
 ۱۹۸۷. امام صادق علیه السلام: گوشت، از گوشت است. هر کس چهل روز آن را وا گذارد، بدخوی می‌شود. [۱۰۶۳] آن را بخورید؛ چرا که بر شنوایی و بینایی می‌افزاید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۷۲

۱۹۸۸. الإمام العسکری علیه السلام لأبي هاشم الجعفری: یا ابا هاشم، إذا أردت القوة فكل اللحم. [۱۰۶۴]
 راجع: ج ۲، ص ۴۳۰ (الکباب).

۳/۵۵

خواص اللحم باللبن

۱۹۸۹. رسول الله صلی الله علیه و آله: شكا نوح عليه السلام إلى ربه عز وجل ضعف يديه، فأوحى الله تعالى إليه أن اطح اللحم باللبن فكلها؛ فإني جعلت القوة والبركة فيهما. [۱۰۶۵]
 ۱۹۹۰. الدعوات: رأى رسول الله صلی الله علیه و آله رجلاً سميناً، فقال: ما تأكل؟ قال: ليس بأرضي حب، وإنما أكل اللحم واللبن.
 فقال صلى الله عليه وآله: جمعت بين اللحم واللبن. [۱۰۶۶]
 ۱۹۹۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: اللحم واللبن؛ يثبتان اللحم، ويشدان العظام، واللحم يزيد في السمع والبصير، واللحم بالبيض يزيد في الباءة. [۱۰۶۷]

۱۹۹۲. عنه صلى الله عليه وآله: شكا نبي قبلي إلى الله ضعفاً في بدنه، فأوحى الله تعالى إليه أن اطح اللحم واللبن؛ فإني قد جعلت البركة والقوة فيهما. [۱۰۶۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۷۳

۱۹۸۸. امام عسکری علیه السلام خطاب به ابو هاشم جعفری: ای ابو هاشم! اگر توان می‌خواهی، گوشت بخور.
 ر. ک: ج ۲، ص ۴۳۱ (کباب).

۳/۵۵ خواص گوشت همراه با شیر

۱۹۸۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نوح علیه السلام از ضعف بدن، به درگاه پروردگار خویش عز و جل شکایت برد. خداوند به او وحی فرستاد که: «گوشت را همراه با شیر، طبخ کن و بخور؛ چرا که من، قدرت و برکت را در آنها نهاده‌ام».
 ۱۹۹۰. الدعوات: پیامبر خدا، مردی چاق دید. پرسید: «چه می‌خوری؟».

گفت: در سرزمین من، غله نیست. من تنها گوشت و شیر می‌خورم.
فرمود: «دو گوشت را یک‌جا جمع کرده‌ای».

۱۹۹۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گوشت و شیر، گوشت می‌رویند و استخوان‌ها را استحکام می‌بخشند. و گوشت، شنوایی و بینایی را افزون می‌کند و گوشت همراه با تخم مرغ، بر نیروی جنسی می‌افزاید.

۱۹۹۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یکی از پیامبران پیش از من، از ضعف بدن، به درگاه خداوند، شکایت برد. خداوند عز و جل به او وحی کرد که: «گوشت و شیر را بپز؛

چرا که من، برکت و قدرت را در آنها نهاده‌ام».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۷۴

۱۹۹۳. الإمام علی علیه السلام: إِذَا ضَعَفَ الْمُسْلِمُ، فَلْيَأْكُلِ اللَّحْمَ بِاللَّبَنِ. [۱۰۶۹]

۱۹۹۴. الکافی عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام: شَكَأَ نَبِيُّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الضَّعْفَ، فَقِيلَ لَهُ: اطْبِخِ اللَّحْمَ بِاللَّبَنِ؛ فَإِنَّهُمَا يَشُدُّانِ الْجِسْمَ.
قَالَ: فَقُلْتُ: هِيَ الْمَضِيرَةُ.

قَالَ: لَا، وَ لَكِنَّ اللَّحْمَ بِاللَّبَنِ الْحَلِيبِ. [۱۰۷۰]

۱۹۹۵. الإمام الصادق عليه السلام: اللَّحْمُ بِاللَّبَنِ مَرَقُ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. [۱۰۷۱]

۱۹۹۶. الکافی عن زیاد بن أبي الحلال: تَعَشَّيْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِلَحْمٍ بَلْبَنٍ، فَقَالَ: هَذَا مَرَقُ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. [۱۰۷۲]

۴/۵۵

لَحْمِ الْإِبِلِ

۱۹۹۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: عَلَيْكُمْ بِأَكْلِ لُحُومِ الْإِبِلِ؛ فَإِنَّهُ لَا يَأْكُلُ لُحُومَهَا إِلَّا كُلُّ مُؤْمِنٍ مُخَالَفٍ لِلْيَهُودِ أَعْدَاءِ اللَّهِ. [۱۰۷۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۷۵

۱۹۹۳. امام علی علیه السلام: مسلمان، اگر ضعیف شد، گوشت با شیر بخورد.

۱۹۹۴. الکافی به نقل از عبد الله بن سنان: امام صادق علیه السلام فرمود: «پیامبری از پیامبران، از ضعف، به درگاه خداوند عز و جل شکایت برد. پس به او گفته شد: گوشت را در شیر بپز؛ چرا که این دو، جسم را استحکام می‌دهند».

گفتم: این، همان غذایی است که «مَضِيرَةُ» [۱۰۷۴] نام دارد؟

فرمود: «نه؛ بلکه گوشت همراه با شیر تازه است».

۱۹۹۵. امام صادق علیه السلام: گوشت با شیر، خورش پیامبران است.

۱۹۹۶. الکافی به نقل از زیاد بن ابی حلال: همراه با امام صادق علیه السلام، شام، گوشت و شیر خوردم. پس فرمود: «این، خورش پیامبران است».

۴/۵۵ گوشت شتر

۱۹۹۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد خوردن گوشت شتر؛ زیرا این گوشت را تنها مؤمنان مخالف یهود (که دشمنان خدایند) می‌خورند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۷۶

۱۹۹۸. عنه صلی الله علیه و آله: لَا يَأْكُلُ الْجَزُورَ إِلَّا الْمُؤْمِنُ. [۱۰۷۵]

۱۹۹۹. المحاسن عن السیاری رفعه، قال: أكل لحم الجزور؛ يذهب بالقرم. [۱۰۷۶]

۵ / ۵۵

لحم البقر

۲۰۰۰. رسول الله صلى الله عليه وآله: عليكم باللبان البقر و سمنانها و إياكم و لحومها؛ فإن ألبانها و سمنانها دواء و شفاء، و لحومها داء. [۱۰۷۷]

۲۰۰۱. عنه صلى الله عليه وآله: لحم البقر داء و لبنها دواء، و لحم الغنم دواء و لبنها داء. [۱۰۷۸]

۲۰۰۲. الإمام علي عليه السلام: لحوم البقر داء. [۱۰۷۹]

۲۰۰۳. عنه عليه السلام: لحوم البقر داء، و ألبانها دواء، و أسمانها شفاء. [۱۰۸۰]

راجع: ج ۱: ص ۵۱۴ (أكل لحم البقر بالسلق). ج ۱، ص ۵۱۲ (مرق لحم البقر). ج ۲، ص ۳۶۸ (خواص سمن البقر).
دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۷۷

۱۹۹۸. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: شتر را جز مؤمن نمی خورد.

۱۹۹۹. المحاسن به نقل از سیاری، در حدیثی که سند آن را به معصوم رسانده است: خوردن گوشت شتر، دل‌دادگی به گوشت را فرو می‌نشانند.

۵ / ۵۵ گوشت گاو

۲۰۰۰. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بر شما باد شیر و روغن گاو؛ اما از گوشت آن، حذر کنید؛ چرا که شیر و روغنش دارو و درمان، و گوشتش بیماری است.

۲۰۰۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: گوشت گاو، درد است و شیرش، درمان؛ اما گوشت گوسفند، درمان است و شیرش، درد.

۲۰۰۲. امام علی علیه السلام: گوشت گاو، بیماری است.

۲۰۰۳. امام علی علیه السلام: گوشت گاو، درد و بیماری، شیرش دارو، و روغنش درمان است.

ر. ک: ج ۱، ص ۵۱۳ (آنچه برای درمان پیسی سودمند است/ خوردن گوشت گاو همراه با چغندر). ج ۱، ص ۵۱۳ (آب گوشت گاو). ج ۲، ص ۳۶۹ (خواص روغن گاو).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۷۸

۶ / ۵۵

لحم الضأن

۲۰۰۴. رسول الله صلى الله عليه وآله: إن الله عز وجل اختار من كل شيء شيئاً... و من الغنم الضأن. [۱۰۸۱]

۲۰۰۵. الإمام الصادق عليه السلام: من أصابه ضعف في قلبه أو بدنه فليأكل لحم الضأن باللبن؛ فإنه يخرج من أوصاله كل داء و غائله، و يقوى جسمه، و يشد لثته. [۱۰۸۲]

۲۰۰۶. الكافي عن سعد بن سعد: قلت لأبي الحسن عليه السلام: إن أهل بيتي لا يأكلون لحم الضأن.

قال: فقال: و لم؟

قال: قلت: إنهم يقولون: إنه يهيج بهم الممرّة السوداء و الصداع و الأوجاع.

فقال لي: يا سعد.

فقلت: لبيك!

قال: لَوْ عَلِمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ شَيْئًا أَكْرَمَ مِنَ الضَّانِ لَفَدَى بِهِ إِسْمَاعِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. [۱۰۸۳]

۲۰۰۷. الکافی عن سهل بن زیاد عن بعض أصحابه أَظْنَهُ مُحَمَّدَ بْنَ إِسْمَاعِيلَ: ذَكَرَ بَعْضُنَا اللَّحْمَانَ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: مَا لَحْمٌ بِأَطْيَبَ مِنْ لَحْمِ الْمَاعِزِ.

قال: فَتَنَظَّرَ إِلَيْهِ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَقَالَ:

لَوْ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مُضْغَةً هِيَ أَطْيَبُ مِنَ الضَّانِ لَفَدَى بِهَا إِسْمَاعِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. [۱۰۸۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۷۹

۵۵/۶ گوشت میش

۲۰۰۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل از هر چیزی، چیزی را برگزید... و از [میان انواع گوسف ۱۰۸۵] ند، میش را.

۲۰۰۵. امام صادق علیه السلام: هر کس در قلب یا بدن خود به ضعفی گرفتار آمد، گوشت میش با شیر بخورد؛ چرا که در این صورت، هر بیماری و عارضه‌ای، از بند بند تن او برون می‌رود، بدنش نیرو می‌گیرد و لته‌اش استحکام می‌یابد. [۱۰۸۶]

۲۰۰۶. الکافی به نقل از سعد بن سعد: به امام کاظم علیه السلام گفتم: خانواده من، گوشت میش نمی‌خورند. پرسید: «چرا؟».

گفتم: آنان می‌گویند این گوشت، تلخه سیاه و سردرد و دیگر دردها را در آنان تحریک می‌کند. به من فرمود: «ای سعد!».

گفتم: لیبک!

فرمود: «اگر خداوند عز و جل چیزی را ارزشمندتر از میش می‌دانست، آن را فدیه اسماعیل علیه السلام می‌ساخت».

۲۰۰۷. الکافی به نقل از سهل بن زیاد، از یکی از هم‌مسلمانانش (به گمان، محمد بن اسماعیل): یکی از ما نزد امام رضا علیه السلام، از گوشت، یاد کرد و گفت: هیچ گوشتی خوش‌تر از گوشت بز نیست.

پس، امام رضا علیه السلام به او نگریست و فرمود: «اگر خداوند، گوشتی خوش‌تر از گوشت میش آفریده بود، همان را فدیه اسماعیل علیه السلام می‌ساخت».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۸۰

۷/۵۵

لَحْمُ الْقَبَاجِ

۲۰۰۸. الإمام الكاظم عليه السلام: أَطْعَمُوا الْمَحْمُومَ لَحْمَ الْقَبَاجِ؛ فَإِنَّهُ يُقَوِّي السَّاقِينَ، وَيَطْرُدُ الْحُمَى طَرْدًا. [۱۰۸۷]

۸/۵۵

لَحْمُ الْحُبَّارِيِّ

۲۰۰۹. الإمام الكاظم عليه السلام: لا- أَرَى بِأَكْلِ الْحُبَّارِيِّ بَأْسًا، وَإِنَّهُ جَيِّدٌ لِلْبَوَاسِيرِ، وَوَجِعِ الظَّهْرِ، وَهُوَ مِمَّا يُعِينُ عَلَى كَثْرَةِ الْجِمَاعِ. [۱۰۸۸]

۹/۵۵

لَحْمُ الدَّجَاجِ

۲۰۱۰. الإمام علي عليه السلام: الإوزُ جاموسُ الطَّيْرِ، وَالدَّجَاجُ خِنْزِيرُ الطَّيْرِ، وَالدُّرَاجُ حَبَشُ الطَّيْرِ، وَأَيْنَ أَنْتَ عَنْ فَرَحِينَ نَاهِضِينَ رَبَّتَهُمَا امْرَأَةٌ مِنْ رَبِيعَةَ بَفَضْلِ قَوْتِهَا؟ [۱۰۸۹]. [۱۰۹۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۸۱

۵۵/۷ گوشت کبک

۲۰۰۸. امام کاظم علیه السلام: به تب‌دار، گوشت کبک بخورانید؛ چرا که پاها را نیرو می‌دهد و تب را کاملاً دور می‌کند. [۱۰۹۱]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۲؛ ص ۴۸۱

۵۵/۸ گوشت هویره

۲۰۰۹. امام کاظم علیه السلام: در خوردن هویره، اشکالی نمی‌بینم. برای بواسیر و درد کمر، خوب است و از چیزهایی است که انسان را بر فراوانی آمیزش، یاری می‌رساند.

۵۵/۹ گوشت مرغ

۲۰۱۰. امام علی علیه السلام: غاز، گاو میش پرنده‌گان است و مرغ، خوک پرنده‌گان است و کبکنجیر، بوقلمون پرنده‌گان است. چرا تو از دو جوجه نوپایی که زنی از ربیعه آنها را با زیادی غذای خویش پرورانده است [۱۰۹۲]، استفاده نمی‌کنی؟

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۸۲

۲۰۱۱. الکافی عن السیاری رفعه، قال: إِنَّهُ ذُكِرَتْ اللَّحْمَانُ بَيْنَ يَدَيِ عُمَرَ، فَقَالَ عُمَرُ: إِنَّ أَطْيَبَ اللَّحْمَانِ لَحْمَ الدَّجَاجِ. فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَلَّا، إِنَّ ذَلِكَ خَنَازِيرُ الطَّيْرِ، وَ إِنَّ أَطْيَبَ اللَّحْمَانِ لَحْمُ فَرِيخٍ قَدْ نَهَضَ، أَوْ كَادَ أَنْ يَنْهَضَ. [۱۰۹۳]

۱۰/۵۵

لَحْمُ الدَّرَاجِ

۲۰۱۲. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَقِلَّ غَيْظُهُ، فَلْيَأْكُلْ لَحْمَ الدَّرَاجِ. [۱۰۹۴]

۲۰۱۳. عنه صلى الله عليه و آله: مَنْ اشْتَكَى فُؤَادَهُ وَ كَثُرَ غَمُّهُ، فَلْيَأْكُلْ لَحْمَ الدَّرَاجِ. [۱۰۹۵]

۲۰۱۴. الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا وَجِدَ أَحَدُكُمْ غَمًّا أَوْ كَرْبًا لَا يَدْرِي مَا سَيَبِيهِ، فَلْيَأْكُلْ لَحْمَ الدَّرَاجِ؛ فَإِنَّهُ يَسْكُنُ عَنْهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. [۱۰۹۶]

۱۱/۵۵

لَحْمُ الْقَطَاةِ

۲۰۱۵. الکافی عن علی بن مهزیار: تَعَدَّيْتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَتَى بِقَطَاةٍ فَقَالَ:

إِنَّهُ مُبَارَكٌ، وَ كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يُعْجِبُهُ، وَ كَانَ يَأْمُرُ أَنْ يُطَعَّمَ صَاحِبَ الْبِرْقَانِ يُشْوِي لَهُ فَإِنَّهُ يَنْفَعُهُ. [۱۰۹۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۸۳

۲۰۱۱. الکافی به نقل از سیاری، در حدیثی که سند آن را به معصوم رسانده است: در حضور عمر، از گوشت، یاد شد. عمر گفت: خوش‌ترین گوشت، گوشت مرغ است.

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «نه؛ مرغ‌ها خوک‌های پرنده‌گان هستند. اما بهترین گوشت، گوشت جوجه تازه از تخم درآمده‌ای است که تازه برخاسته یا نزدیک است که برخیزد». [۱۰۹۸]

۵۵/۱۰ گوشت کبکنجیر

۲۰۱۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس دوست دارد خشمش کاستی بگیرد، گوشت کَبْکَنْجیر (کبک انجیر) بخورد.
۲۰۱۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس از بیماری روحی، رنج می‌برد و اندوهش بسیار است، گوشت کَبْکَنْجیر بخورد.
۲۰۱۴. امام صادق علیه السلام: هر گاه کسی از شما، اندوه یا گرفتاری‌ای دارد و نمی‌داند علتش چیست، گوشت کَبْکَنْجیر بخورد. در این صورت، به خواست خداوند متعال، این اندوه و گرفتاری، فرو خواهد نشست.

۱۱/۵۵ گوشت سنگخوارک

۲۰۱۵. الکافی به نقل از علی بن مهزیار: همراه با امام باقر علیه السلام ناهار خوردم. ایشان مرغ سنگخواری آورد و فرمود: «این، مبارک است. پدرم به آن علاقه داشت و می‌فرمود: هر کس یرقان دارد، برایش از گوشت این مرغ، کباب کنند. او را سودمند خواهد افتاد».
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۸۴

۱۲/۵۵

لَحْمُ السَّمَكِ

۱۱۲/۵۵

أَكَلَ لَحْمَ السَّمَكِ

۲۰۱۶. الإمام الصادق علیه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَكَلَ السَّمَكَ قَالَ:

اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ، وَ أَبْدِلْنَا بِهِ خَيْرًا مِنْهُ. [۱۰۹۹]

۲۰۱۷. الإمام الكاظم عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالسَّمَكِ؛ فَإِنَّكَ إِنْ أَكَلْتَهُ بِغَيْرِ خُبْرٍ أَجْزَأَكَ، وَإِنْ أَكَلْتَهُ بِخُبْرٍ أَمْرَأَكَ. [۱۱۰۰]
- راجع: ج ۱، ص ۴۶۲ (ما ینفع لعلاج أمراض الدم/ أكل السمك الطري بعد الحجامة).

۲۱۲/۵۵

إِتْبَاعُ السَّمَكِ بِالتَّمْرِ أَوْ العَسَلِ

۲۰۱۸. الکافی عن سعید بن جناح عن مولی للإمام الصادق علیه السلام، قال: دَعَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِتَمْرٍ

فَأَكَلَهُ، ثُمَّ قَالَ: مَا بِي شَهْوَةٌ، وَ لِكِنِّي أَكَلْتُ سَمَكًا، ثُمَّ قَالَ:

مَنْ بَاتَ وَ فِي جَوْفِهِ سَمَكٌ لَمْ يَتْبَعْهُ بِتَمْرَاتٍ أَوْ عَسَلٍ، لَمْ يَزَلْ عِرْقُ الفَالِحِ يَضْرِبُ عَلَيْهِ حَتَّى يُصْبِحَ. [۱۱۰۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۸۵

۱۲/۵۵ گوشت ماهی

۱۲/۵۵ خوردن گوشت ماهی

۲۰۱۶. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، چون ماهی می‌خورد، می‌گفت: «خداوندا! برای ما در این، برکت قرار بده و بهتر از این را برایمان جایگزین ساز.»
۲۰۱۷. امام کاظم علیه السلام: بر شما باد ماهی. اگر آن را بدون نان خوردی، بسنده‌ات می‌کند و اگر با نان خوردی، گوارایت می‌افتد.
- ر. ک: ج ۱، ص ۴۶۳ (آنچه برای درمان بیماری‌های خون، سودمند است/ خوردن ماهی تازه پس از حجامت).

۵۵/۱۲ خوردن خرما یا عسل، پس از خوردن ماهی

۲۰۱۸. الکافی به نقل از سعید بن جناح، از یکی از وابستگان امام صادق علیه السلام: امام صادق علیه السلام خرمایی طلبد و تناول کرد و سپس فرمود: «اشتهایی نداشتم؛

اما ماهی خورده بودم». سپس فرمود: «هر کس شب، ماهی بخورد و در پی آن، چند دانه خرما یا مقداری عسل نخورد و بخوابد، تا صبح، رگِ فلج در او می‌جنبد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۸۶

۳۱۲/۵۵

النَّهْيُ عَنِ الْجَمْعِ بَيْنَ الْبَيْضِ وَالسَّمَكِ

۲۰۱۹. الإمام الرضا عليه السلام: يَنْبَغِي أَنْ تَحْذَرَ... أَنْ تَجْمَعَ فِي جَوْفِكَ الْبَيْضَ وَالسَّمَكِ فِي حَالٍ وَاحِدَةٍ؛ فَإِنَّهُمَا إِذَا اجْتَمَعَا وَلَدَا الْقَوْلَجَ، وَرِيَّاحَ الْبُؤَاسِيرِ، وَوَجَعَ الْأَضْرَاسِ. [۱۱۰۲]

۴۱۲/۵۵

النَّهْيُ عَنِ إِدْمَانِ أَكْلِ السَّمَكِ

۲۰۲۰. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَكْلُ السَّمَكِ، يَذْهَبُ بِالْجَسَدِ. [۱۱۰۳]

۲۰۲۱. عنه صلى الله عليه وآله: إِدْمَانُ أَكْلِ السَّمَكِ الطَّرِيَّ، يُذِيبُ اللَّحْمَ. [۱۱۰۴]

۲۰۲۲. الإمام علي عليه السلام: السَّمَكُ الطَّرِيُّ يُذِيبُ اللَّحْمَ. [۱۱۰۵]

۲۰۲۳. عنه عليه السلام: لَا تُدْمِنُوا أَكْلَ السَّمَكِ؛ فَإِنَّهُ يُذِيبُ الْجَسَدَ. [۱۱۰۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۸۷

۵۵/۱۲ نهی از خوردن تخم مرغ و ماهی با همدیگر

۲۰۱۹. امام رضا علیه السلام: باید از این پرهیزی که... تخم مرغ و ماهی را همزمان در معده گرد آوری؛ چرا که هرگاه این دو با یکدیگر گرد آیند، قولنج، باد بواسیر و دندان درد به وجود می‌آورند.

۵۵/۱۲ نهی از اعتیاد به خوردن ماهی

۲۰۲۰. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: [پیوسته خوردن ماهی، بدن را از میان می‌برد.

۲۰۲۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: پیوسته خوردن ماهی تازه، گوشت را ذوب می‌کند.

۲۰۲۲. امام علی علیه السلام: [پیوسته خوردن ماهی تازه، گوشت را ذوب می‌کند.

۲۰۲۳. امام علی علیه السلام: به خوردن ماهی، مداومت مکنید؛ زیرا تن را ذوب می‌کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۸۸

۲۰۲۴. عنه عليه السلام: أَقْلُوا مِنْ أَكْلِ الْحَيْتَانِ؛ فَإِنَّهَا تُذِيبُ الْبَدْنَ، وَتُكْثِرُ الْبَلْغَمَ، وَتُعَلِّظُ النَّفْسَ. [۱۱۰۷]

۲۰۲۵. عنه عليه السلام: إِيَّاكُمْ وَأَكْلَ السَّمَكِ؛ فَإِنَّ السَّمَكَ يُسَلُّ الْجِسْمَ. [۱۱۰۸]

۲۰۲۶. عنه عليه السلام: أَقْلُوا مِنْ أَكْلِ السَّمَكِ؛ فَإِنَّ لَحْمَهُ يُذِيلُ الْبَدْنَ، وَيُكْثِرُ الْبَلْغَمَ، وَيُعَلِّظُ النَّفْسَ. [۱۱۰۹]

۲۰۲۷. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ هَذَا السَّمَكَ لَرَدِيٌّ لِغِشَاوَةِ الْعَيْنِ. [۱۱۱۰]

۲۰۲۸. الإمام الصادق عليه السلام: ثَلَاثَةٌ يُسْمِنَنَّ وَ ثَلَاثَةٌ يَهْزِلَنَّ:

... وَ أَمَّا الَّتِي يَهْزِلَنَّ: فَأِدْمَانُ أَكْلِ الْبَيْضِ وَ السَّمَكِ وَ الطَّلَعِ. [۱۱۱۱]

۲۰۲۹. عنه عليه السلام: أَكَلُ الْحَيْتَانِ يُذِيبُ الْجِسْمَ. [۱۱۱۲]

۲۰۳۰. الإمام الكاظم عليه السلام: السَّمَكُ الطَّرِيُّ يُذِيبُ الْجَسَدَ. [۱۱۱۳]

۲۰۳۱. عنه عليه السلام: السَّمَكُ الطَّرِيُّ يُذِيبُ شَحْمَ الْعَيْنَيْنِ. [۱۱۱۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۸۹

۲۰۲۴. امام علی علیه السلام: کمتر ماهی بخورید؛ چرا که بدن را ذوب می‌کند، بلغم را افزون می‌سازد و نفس را سنگین می‌نماید.

۲۰۲۵. امام علی علیه السلام: از [مداومت بر] خوردن ماهی، حذر کنید؛ چرا که ماهی، بدن را به سل، گرفتار می‌سازد.

۲۰۲۶. امام علی علیه السلام: کمتر ماهی بخورید؛ چرا که گوشتش بدن را نحیف می‌کند، بلغم را افزون می‌سازد و نفس را سنگین می‌نماید.

۲۰۲۷. امام باقر علیه السلام: این ماهی برای پرده چشم، بد است.

۲۰۲۸. امام صادق علیه السلام: سه چیز، چاق کننده‌اند و سه چیز، لاغر کننده: ... و اما آن سه چیز که لاغر می‌کنند، عبارت‌اند از:

اعتیاد به خوردن تخم مرغ و ماهی و شکوفه خرما.

۲۰۲۹. امام صادق علیه السلام: [پیوسته خوردن ماهی، بدن را ذوب می‌کند.

۲۰۳۰. امام کاظم علیه السلام: [پیوسته خوردن ماهی تازه، بدن را ذوب می‌کند.

۲۰۳۱. امام کاظم علیه السلام: [پیوسته خوردن ماهی تازه، بیه چشمان را ذوب می‌کند. [۱۱۱۵]

اظهار نظر

با آنکه سند احادیث نهی کننده از «پیوسته خوردن گوشت ماهی»، ضعیف است، اما نقل فراوان این مضمون، به گونه‌ای است که می‌تواند برای پژوهشگران، نوعی گمان را به صدور این دسته از احادیث، به وجود آورد. با وجود این، برای اظهار نظر قطعی در این باره، بررسی علمی و آزمایشگاهی ضرورت دارد.

ر. ک: ج ۲، ص ۱۱۷ (آداب خوردن گوشت).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۹۰

الفصل السادس و الخمسون: اللویبا

۲۰۳۲. الإمام الصادق عليه السلام: اللُّوْبِيَا يَطْرُدُ الرِّيَّاحَ الْمُسْتَبِطِنَةَ. [۱۱۱۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۹۱

فصل پنجاه و ششم: لویبا

اشاره

۲۰۳۲. امام صادق علیه السلام: لوییا، بادهای نهفته درون را دور می‌کند.

بیان

صاحب بحر الجواهر گفته است:

لوییا از دانه‌های معروف، در طبع خود، گرم، و دارای یبوستی معتدل است. برخی نیز گفته‌اند: سرد و خشک است. از خونِ نفاس پاک می‌کند، خونِ قاعدگی و پیشاب را به جریان می‌اندازد، بدن را رطوبت و خرمی می‌دهد و جنین و جفت را می‌اندازد. دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۹۲

الفصل السابع و الخمسون: الماش

۲۰۳۳. مکارم الأخلاق عن الإمام الرضا عليه السلام وقد سأله بعض أصحابه عن البهق: خذ الماش الرطب في أيامه، و دقه مع ورقه، و اعصر الماء و اشربه على الريق، و اطله على البهق. قال: ففعلت، فعوفيت. [۱۱۱۷]

۲۰۳۴. الكافي عن أحمد بن الحسن الجلاب عن بعض أصحابنا، قال: شكا رجل إلى أبي الحسن عليه السلام البهق، فأمره أن يطبخ الماش و يتحساه، و يجعله في طعامه. [۱۱۱۸] دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۹۳

فصل پنجاه و هفتم: ماش

اشاره

۲۰۳۳. مکارم الأخلاق به نقل از یکی از یاران امام رضا علیه السلام که از ایشان درباره بَهک [۱۱۱۹] پرسید: امام رضا علیه السلام فرمود: «قدری ماش تازه را در فصل برداشت آن بردار و همراه با برگش بکوب و سپس بفشرد تا آبش گرفته شود. این آب را در حالت ناشتا بخور و بر قسمت‌های بَهک زده پوست نیز بمال.» این کار را انجام دادم و بهبود یافتم.

۲۰۳۴. الكافي به نقل از احمد بن حسن بن جلاب، از یکی از هم‌مسلمانان ما: مردی نزد امام کاظم علیه السلام از بَهک، اظهار ناراحتی کرد.

امام علیه السلام به او فرمود که ماش را بیزد و از آن، نوشاکی بسازد و آن را در غذای خویش بریزد.

بیان

عَلَّامه مجلسی می‌گوید:

[فیروزآبادی در قاموس گفته است: ماش، دانه‌ای است شناخته‌شده با طبعی معتدل و ستوده. برای تَب‌دار و سرماخورده، سودمند است، مُلین است و چون در سرکه پخته شود، برای گری‌های چرکین، سودمند است. پماد حاصل از آن، اندام‌های گرفتار به ضعف

و سستی را تقویت می‌کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۹۴

الفصل الثامن و الخمسون: الملح

۲۰۳۵. رسول الله صلى الله عليه و آله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْحَى إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ أَنْ: اِبْدَأْ بِالْمِلْحِ وَ اَخْتِمِ بِالْمِلْحِ؛ فَإِنَّ فِي الْمِلْحِ دَوَاءً مِنْ سَبْعِينَ دَاءً، أَهْوَنُهَا الْجُنُونُ، وَ الْجُدَامُ، وَ الْبَرَصُ، وَ وَجَعُ الْحَلْقِ وَ الْأَضْرَاسِ، وَ وَجَعُ الْبَطْنِ. [۱۱۲۰]

۲۰۳۶. الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ فِيمَا أَوْصَى بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَلَيْنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ قَالَ: يَا عَلِيُّ، افْتَتِحْ طَعَامَكَ بِالْمِلْحِ؛ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ سَبْعِينَ دَاءً، مِنْهَا: الْجُنُونُ، وَ الْجُدَامُ، وَ الْبَرَصُ، وَ وَجَعُ الْحَلْقِ وَ الْأَضْرَاسِ، وَ وَجَعُ الْبَطْنِ. [۱۱۲۱]

۲۰۳۷. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ أَكَلَ الْمِلْحَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، رَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ ثَلَاثِمِئَةً وَ ثَلَاثِينَ نَوْعًا مِنَ الْبَلَاءِ، أَهْوَنُهَا الْجُدَامُ. [۱۱۲۲]

۲۰۳۸. الكافي عن محمد بن مسلم [عن الإمام الباقر عليه السلام ۱۱۲۳]: إِنَّ الْعَقْرَبَ لَسَعَتْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَقَالَ: لَعْنَتِكَ اللَّهُ! فَمَا تُبَالِغِينَ مُؤْمِنًا آذَيْتِ أُمَّ كَافِرًا. ثُمَّ دَعَا بِالْمِلْحِ فَدَلَّكَهُ فَهَدَّأَتْ. [۱۱۲۴]

ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ مَا بَعَوْا مَعَهُ دِرْيَاقًا. [۱۱۲۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۹۵

فصل پنجاه و هشتم: نمک

۲۰۳۵. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: خداوند عز و جل به موسی بن عمران وحی کرد که: «با نمک، آغاز کن و با نمک، پایان ده؛ چرا که درمان هفتاد درد، در نمک است و کمترین این دردها دیوانگی، جذام، پیسی، گلودرد، دندان‌درد و شکم‌درد است».

۲۰۳۶. امام باقر علیه السلام: از سفارش‌های پیامبر خدا به علی علیه السلام این بود که فرمود: «ای علی! غذای خویش را با نمک، آغاز کن؛ چرا که درمان هفتاد درد، در نمک است و دیوانگی، پیسی، گلودرد، دندان‌درد و شکم‌درد، از جمله این دردهاست».

۲۰۳۷. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هر کس پیش از هر چیز و پس از هر چیز، نمک بخورد، خداوند سیصد و سی نوع بلا را که کمترینش جذام است، از او برمی‌دارد.

۲۰۳۸. الكافي به نقل از محمد بن مسلم، از امام باقر علیه السلام: کژدمی، پیامبر خدا را نیش زد. پیامبر علیه السلام فرمود: «خدایت لعنت کند که هیچ برایت تفاوتی نمی‌کند که مؤمنی را بگری یا کافری را!».

سپس قدری نمک خواست و بر جای گزش مالید و در نتیجه درد، فرو نشست.

اگر مردم از آنچه در نمک هست، آگاهی داشتند، با وجود آن، دیگر هیچ پادزهری نمی‌جستند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۹۶

۲۰۳۹. الإمام علی عليه السلام: مَنْ ابْتَدَأَ طَعَامَهُ بِالْمِلْحِ؛ ذَهَبَ عَنْهُ سَبْعُونَ دَاءً وَ مَا لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ. [۱۱۲۶]

۲۰۴۰. الكافي عن سعد الإسكاف عن الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ فِي الْمِلْحِ شِفَاءً مِنْ سَبْعِينَ دَاءً، أَوْ قَالَ: سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ

الأوجاع.

ثُمَّ قَالَ: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ مَا تَدَاوَوْا إِلَّا بِهِ. [۱۱۲۷]

۲۰۴۱. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ دَرَّ عَلَى أَوَّلِ لُقْمَةٍ مِنْ طَعَامِهِ الْمِلْحَ؛ ذَهَبَ عَنْهُ بِنَمَشِ الْوَجْهِ. [۱۱۲۸]

۲۰۴۲. عنه عليه السلام: إِنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانُوا يَسْتَفْتِحُونَ بِالْخَلِّ وَيَخْتَمُونَ بِهِ، وَنَحْنُ نَسْتَفْتِحُ بِالْمِلْحِ وَنَخْتِمُ بِالْخَلِّ. [۱۱۲۹]

راجع: ج ۱: ص ۲۷۰ (ما يمنع الجنون/الملح). ج ۱، ص ۴۸۰ (صحّة الجلد/افتتاح الطعام بالملح). ج ۲، ص ۸۰ (آداب أكل الطعام/افتتاح الطعام بالملح و الاختتام به أو بالخل). ج ۲، ص ۳۳۴، ح ۱۷۵۷.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۹۷

۲۰۳۹. امام علی علیه السلام: هر کس غذای خود را با نمک آغاز کند، هفتاد درد و دردهای بسیار دیگری که کسی جز خداوند عز و جل آنها را نمی‌داند از وی دور می‌شوند.

۲۰۴۰. الکافی به نقل از سعد اسکاف: امام باقر علیه السلام فرمود: «همانا در نمک، شفای هفتاد درد است» یا فرمود: «هفتاد نوع از انواع درد».

سپس فرمود: «اگر مردم می‌دانستند که در نمک چه خواصی هست، خود را جز به آن، مداوا نمی‌کردند».

۲۰۴۱. امام صادق علیه السلام: هر کس بر نخستین لقمه از غذای خود نمک بپاشد، کک مک صورت او از میان می‌رود.

۲۰۴۲. امام صادق علیه السلام: بنی اسرائیل، [غذای خود را] با سرکه آغاز می‌کردند و با همان نیز به پایان می‌بردند؛ ولی ما با نمک آغاز می‌کنیم و با سرکه به پایان می‌بریم.

[۱۱۳۰]

ر. ک: ج ۱، ص ۲۷۱ (آنچه مانع دیوانگی می‌شود/نمک). ج ۱، ص ۴۸۱ (پوست/بهداشت پوست/آغاز کردن غذا با نمک). ج

۲، ص ۸۱ (آداب غذا خوردن/آغاز کردن غذا با نمک و به پایان بردن آن با نمک یا سرکه). ج ۲، ص ۳۳۵، ح ۱۷۵۷.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۹۸

الفصل التاسع و الخمسون: الهريسة

۲۰۴۳. رسول الله صلى الله عليه و آله: أتاني جبرئيل عليه السلام فأمرني بأكل الهريسة، ليشتد ظهري، و أقوى بها على عبادة

ربّي. [۱۱۳۱]

۲۰۴۴. الإمام علي عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالْهَرِيْسَةِ؛ فَإِنَّهَا تُنْشِطُ لِلْعِبَادَةِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا، وَ هِيَ مِنَ الْمَائِدَةِ الَّتِي أَنْزَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

عَلَيْهِ وَ آله. [۱۱۳۲]

۲۰۴۵. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله شَكَا إِلَى رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ جَعَّ الظَّهْرَ، فَأَمَرَهُ بِأَكْلِ الْحَبِّ بِاللَّحْمِ،

يَعْنِي الْهَرِيْسَةَ. [۱۱۳۳]

۲۰۴۶. عنه عليه السلام: إِنَّ نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ شَكَا إِلَى اللَّهِ الضَّعْفَ وَ قَلَّةَ الْجَمَاعِ، فَأَمَرَهُ بِأَكْلِ الْهَرِيْسَةِ. [۱۱۳۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۹۹

فصل پنجاه و نهم: هَلِيم

۲۰۴۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل، نزد من آمد و مرا به خوردن هَلیم [۱۱۳۵]، فرمان داد تا پُشتم قوی شود و با آن، توان بندگی پروردگار خویش بیابم.

۲۰۴۴. امام علی علیه السلام: بر شما باد هَلیم؛ چرا که تا چهل روز، نشاط عبادت می‌دهد. آن خود، جزئی از سفره آسمانی‌ای است که بر پیامبر خدا فرو فرستاده شد.

۲۰۴۵. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، از درد پشت، به درگاه پروردگار خویش عز و جل نالید. خداوند، او را به خوردن گندم همراه با گوشت (یعنی همان هَلیم) فرمان داد.

۲۰۴۶. امام صادق علیه السلام: یکی از پیامبران، از ضعف و کمی توان آمیزش، به درگاه خداوند عز و جل اظهار ناراحتی کرد. خداوند، او را به خوردن هَلیم، فرمان داد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۰۰

۲۰۴۷. الکافی عن أيوب بن نوح: حَدَّثَنِي مَنْ أَكَلَ مَعَ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَرِيصَةً بِالْجَاوَرِسِ، وَقَالَ: أَمَا إِنَّهُ طَعَامٌ لَيْسَ فِيهِ ثَقَلٌ وَلَا لَهُ غَائِلَةٌ، وَإِنَّهُ أَعْجَبَنِي، فَأَمَرْتُ أَنْ يُتَّخَذَ لِي، وَهُوَ بِاللَّبَنِ أَنْفَعُ وَأَلْيَنُ فِي الْمَعِدَةِ. [۱۱۳۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۰۱

۲۰۴۷. الکافی به نقل از ایوب بن نوح: یکی از کسانی که با امام کاظم علیه السلام هَلیم گاؤرس [۱۱۳۷] خورده بود، برای من نقل کرد که امام علیه السلام فرمود: «هان که آن، غذایی است بدون سنگینی و عارضه. بدان علاقه دارم و خواسته‌ام تا برایم آماده کنند. آن، همراه با شیر، سودمندتر و در معده نیز نرم‌تر است».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۰۲

الفصل السِّتُونُ: الهَنْدَبَاءُ

۲۰۴۸. رسول الله صلی الله علیه و آله: الهَنْدَبَاءُ سَيِّدُ الْبُقُولِ. [۱۱۳۸]

۲۰۴۹. الإمام علی علیه السلام: كُلُوا الْهَنْدَبَاءَ، فَمَا مِنْ صَبَاحٍ إِلَّا وَتَنْزِلُ عَلَيْهَا قَطْرَةٌ مِنَ الْجَنَّةِ، فَإِذَا أَكَلْتُمُوهَا فَلَا تَنْفُضُوهَا. [۱۱۳۹]

۲۰۵۰. الإمام الصادق علیه السلام: نِعَمَ الْبُقْلِ الْهَنْدَبَاءُ، وَلَيْسَ مِنْ وَرَقِهِ إِلَّا وَ عَلَيْهَا قَطْرَةٌ مِنَ الْجَنَّةِ، فَكُلُوهَا وَلَا تَنْفُضُوهَا عِنْدَ أَكْلِهَا. وَ كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَنْهَانَا أَنْ نَنْفُضَهُ إِذَا أَكَلْنَاهُ. [۱۱۴۰]

۲۰۵۱. عنه علیه السلام: مَنْ بَاتَ وَ فِي جَوْفِهِ سَبْعُ طَاقَاتٍ مِنَ الْهَنْدَبَاءِ، أَمِنَ مِنَ الْقَوْلَجِ لَيْلَتَهُ تِلْكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. [۱۱۴۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۰۳

فصل شصتم: کاسنی

۲۰۴۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کاسنی [۱۱۴۲] مهتر همه سبزی‌هاست.

۲۰۴۹. امام علی علیه السلام: کاسنی بخورید، که هیچ صبحی نیست، مگر این که قطره‌ای از بهشت بر آن، فرو می‌افتد. چون خواستید آن را بخورید، قطره‌های آب را از رویش فرو متکانید.

۲۰۵۰. امام صادق علیه السلام: کاسنی، نکو سبزی‌ای است. هیچ برگی از آن نیست که قطره‌ای از بهشت بر آن نباشد. آن را بخورید و به گاه خوردن، متکانید. پدرم علیه السلام ما را نهی می‌فرمود که به هنگام خوردن کاسنی، آن را بتکانیم.

۲۰۵۱. امام صادق علیه السلام: هر کس در حالی بخوابد که در درون او، هفت تا که کاسنی باشد، به خواست خداوند، آن شب از قولنج، در امان است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۰۴

۲۰۵۲. عنه علیه السلام: عَلَيْكَ بِالْهِنْدَبَاءِ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الْمَاءِ، وَيُحَسِّنُ الْوَلَدَ، وَهُوَ حَارٌّ لَئِنْ يَزِيدُ فِي الْوَلَدِ الذُّكُورَةَ. [۱۱۴۳]

۲۰۵۳. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكْتَثِرَ مَاءُؤُهُ وَوَلَدُهُ؛ فَلْيَدْمِنْ أَكْلِ الْهِنْدَبَاءِ. [۱۱۴۴]

۲۰۵۴. الكافي عن محمد بن الفيض: تَغَدَّيْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعَلَى الْخِوَانِ بَقْلًا، وَمَعَنَا شَيْخٌ فَجَعَلَ يَتَنَكَّبُ الْهِنْدَبَاءَ. فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَا أَنْتُمْ فَتَرَعُمُونَ أَنَّ الْهِنْدَبَاءَ بَارِدَةٌ، وَلَيْسَتْ كَذَلِكَ وَ لَكِنَّهَا مُعْتَدِلَةٌ، وَفَضْلُهَا عَلَى الْبُقُولِ كَفَضْلِنَا عَلَى النَّاسِ. [۱۱۴۵]

۲۰۵۵. الإمام الرضا عليه السلام: الْهِنْدَبَاءُ شِفَاءٌ مِنْ أَلْفِ دَاءٍ، مَا مِنْ دَاءٍ فِي جَوْفِ ابْنِ آدَمَ إِلَّا قَمَعَهُ الْهِنْدَبَاءُ. [۱۱۴۶]

راجع: ج ۱، ص ۲۶۶ (ما ينفع للصداع/الهندباء). ج ۱، ص ۴۰۰، ح ۶۷۶.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْ خَلَقْتَ فَسُوتِ، وَأُمَّتْ وَأَحْيَيْتِ، وَأَمْرَضْتَ وَشَفَيْتِ وَعَافَيْتِ وَأَبْلَيْتِ.

اللَّهُمَّ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ نَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ، عَافِيَةً تَتَّبِعُهَا عَافِيَةٌ، شَافِيَةٌ كَامِلَةٌ، عَافِيَةُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

و تَقْبَلْ مِنَّا بِأَحْسَنِ قَبُولِكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ، يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ حَسَنَاتٍ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۰۵

۲۰۵۲. امام صادق علیه السلام: بر تو باد کاسنی؛ چرا که آب (منی) را افزون می‌سازد و فرزند را نکو می‌کند. گرم و ملین است و پسرزایی را بیشتر می‌کند. [۱۱۴۷]

۲۰۵۳. امام صادق علیه السلام: هر کس دوست دارد آب (منی) او و فرزندانش فراوان شود، بر خوردن کاسنی، مداومت ورزد.

۲۰۵۴. الكافي به نقل از محمد بن فیض: همراه با امام صادق علیه السلام ناهار می‌خوردم و قدری سبزی نیز بر سفره بود. در کنار ما پیرمردی بود که از کاسنی، دوری می‌گزید. امام علیه السلام فرمود: «گویا گمان می‌کنید که کاسنی، سرد است، در حالی که چنین نیست؛ بلکه معتدل است و برتری آن بر دیگر سبزی‌ها، به سان برتری ما بر دیگر مردمان است.»

۲۰۵۵. امام رضا علیه السلام: کاسنی، درمان هزار درد است. هیچ دردی در درون آدمی زاده نیست، مگر این که کاسنی، آن را در هم می‌کوبد.

ر. ک: ج ۱، ص ۲۶۷ (آنچه برای سردرد، سودمند است/ کاسنی). ج ۱، ص ۴۰۱، ح ۶۷۶.

خداوندا! تو را سپاس که آفریدی و به اعتدال داشتی، میراندی و زنده ساختی، بیمار کردی و درمان نمودی، آسودگی بخشیدی و گرفتاری دادی.

خداوندا، ای خداوندگار آسایش! از تو آسایش می‌طلبیم؛ آسایشی که در پی خود، همچنان آسایش بیاورد و خود، کامل و همه‌جاگیر باشد؛ آسایشی در هر دو سرای.

به حق محمد و خاندان محمد، از ما به بهترین پذیرش، پذیر، ای آنکه بدی‌ها را به نیکی بدل می‌کنی، ای مهربان‌ترین مهربانان!

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۳۹

فهرست منابع و مآخذ

۱. القرآن الکریم.

۲. إتحاف السادة المتقين بشرح إحياء علوم الدين. لأبي الفيض محمد بن محمد الزبيدي) ت ۱۲۰۵ هـ، دار الفکر- بیروت.

۳. الاحتجاج علی أهل اللجاج. لأبی منصور أحمد بن علی بن أبی طالب الطبرسی) ت ۶۲۰ هـ (، تحقیق: إبراهیم البهادری و محمد هادی به، دار الاسوءه- طهران، الطبعة الاولى ۱۴۱۳ هـ.
۴. إحقاق الحقّ وإزهاق الباطل. للشهید القاضی نور الله بن السید شریف الشوشتری) ت ۱۰۱۹ هـ (، مع تعليقات السید شهاب الدین المرعشی، مكتبة آیه الله المرعشی- قم، الطبعة الاولى ۱۴۱۱ هـ.
۵. الاحكام النبویة فی الصناعات الطبیة. لابی الحسن علی بن عبد الکریم بن طرخان الحموی الکحال) ت ۷۲۰ ق (، تحقیق: عبد السلام هاشم حافظ، شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي و اولاده- مصر، ۱۳۷۴ ق.
۶. إحياء علوم الدين. لأبی حامد محمد بن محمد الغزالی) ت ۵۰۵ هـ (، دار الهادی- بیروت، الطبعة الاولى ۱۴۱۲ هـ.
۷. الاختصاص. المنسوب إلى أبی عبد الله محمد بن محمد بن النعمان العکبری البغدادی المعروف بالشیخ المفید) ت ۴۱۳ هـ (، تحقیق: علی أكبر الغفاری، مؤسسة النشر الإسلامي- قم، الطبعة الرابعة ۱۴۱۴ هـ.
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۴۰
۸. الاخوان. لابی بکر عبد الله بن محمد بن ابی الدنيا) ت ۲۸۱ ق (، تحقیق و تعليق: محمد عبد الرحمن طوالبه، دار الاعتصام- قاهره.
۹. الأدب المفرد. لأبی عبد الله محمد بن إسماعیل البخاری) ت ۲۵۶ هـ (، تحقیق: محمد بن عبد القادر عطا، دار الکتب العلمیة- بیروت.
۱۰. الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. لأبی عبد الله محمد بن محمد بن النعمان العکبری البغدادی المعروف بالشیخ المفید) ت ۴۱۳ هـ (، تحقیق و نشر: مؤسسة آل البيت- قم، الطبعة الاولى ۱۴۱۳ هـ.
۱۱. إرشاد القلوب. لأبی محمد الحسن بن أبی الحسن الدیلمی) ت ۷۱۱ هـ (، مؤسسة الأعلمی- بیروت، الطبعة الرابعة ۱۳۹۸ هـ.
۱۲. الاستبصار فیما اختلف من الأخبار. لأبی جعفر محمد بن الحسن الطوسی) ت ۴۶۰ هـ (، تحقیق: حسن الموسوی الخراسان، دار الکتب الإسلامیة- طهران، الطبعة الاولى.
۱۳. اسد الغابة فی معرفه الصحابة. لأبی الحسن عزّ الدین علی بن أبی الکریم محمد بن محمد بن عبد الکریم الشیبانی المعروف بابن الأثیر الجزری) ت ۶۳۰ هـ (، تحقیق: علی محمد معوض و عادل أحمد عبد الموجود، دار الکتب العلمیة- بیروت، الطبعة الاولى ۱۴۱۵ هـ.
۱۴. الإصابة فی تمييز الصحابة. لأبی الفضل أحمد بن علی بن الحجر العسقلانی) ت ۸۵۲ هـ (، تحقیق: عادل أحمد عبد الموجود و علی محمد معوض، دار الکتب العلمیة- بیروت، الطبعة الاولى ۱۴۱۵ هـ.
۱۵. الاصول الستة عشر. عدّه من الرواه، دار الشیستری- قم، الطبعة الثانية، ۱۴۰۵ هـ.
۱۶. الاعتقادات. لأبی جعفر محمد بن علی بن الحسن بن بابویه القمی المعروف بالشیخ الصدوق) ت ۳۸۱ هـ (، تحقیق: عاصم عبد السید، المؤتمر العالمی لألفیة الشیخ المفید- قم، الطبعة الاولى ۱۴۱۳ هـ.
۱۷. أعلام الدین فی صفات المؤمنین. لأبی محمد الحسن بن محمد الدیلمی) ت ۷۱۱ هـ (، تحقیق و نشر: مؤسسة آل البيت علیهم السلام- قم.
۱۸. إعلام الوری بأعلام الهدی. لأبی علی الفضل بن الحسن الطبرسی) ت ۵۴۸ هـ (، تحقیق و نشر: مؤسسة آل البيت- قم، الطبعة الاولى ۱۴۱۷ هـ.
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۴۱
۱۹. الأمالی للطوسی. لأبی جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشیخ الطوسی) ت ۴۶۰ هـ (، تحقیق: مؤسسة البعثة، دار الثقافة- قم، الطبعة الاولى ۱۴۱۴ هـ.

۲۰. الأمالی للمفید. لأبی عبد الله محمد بن النعمان العکبری البغدادی المعروف بالشیخ المفید) ت ۴۱۳ هـ (، تحقیق: حسین استاد ولی و علی أكبر الغفاری، مؤسسة النشر الإسلامی - قم، الطبعة الثانية ۱۴۰۴ هـ.
۲۱. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام. للعلامة محمد باقر بن محمد تقي المجلسی) ت ۱۱۱۰ هـ (، مؤسسة الوفاء - بیروت، الطبعة الثانية ۱۴۰۳ هـ.
۲۲. البداية و النهاية. لأبی الفداء إسماعیل بن عمر بن كثير الدمشقی) ت ۷۷۴ هـ (، تحقیق و نشر: مكتبة المعارف - بیروت.
۲۳. بشارة المصطفى لشيعه المرتضى. لأبی جعفر محمد بن محمد بن علي الطبري) ت ۵۲۵ هـ (، المطبعة الحيدريّة - النجف الأشرف، الطبعة الثانية ۱۳۸۳ هـ.
۲۴. البلد الأمين و الدرع الحصين. لتقى الدين إبراهيم بن زين الدين الكفعمي) ت ۹۰۵ هـ (.
۲۵. البيان و التبيين. لأبي عثمان عمرو بن بحر الكناني الليثي المعروف بالجاحظ) ت ۲۵۵ هـ (، تحقیق: عبد السلام محمد هارون، مكتبة الخانجي - قاهره، الطبعة الخامسة ۱۴۰۵ هـ.
۲۶. تاج العروس من جواهر القاموس. للسيد محمد بن محمد مرتضى الحسيني الزبيدي) ت ۱۲۰۵ هـ (، تحقیق: علي شيري، دار الفكر - بیروت، الطبعة الاولى ۱۴۱۴ هـ.
۲۷. تاريخ أصبهان. لأبي نعيم أحمد بن عبد الله الإصفهاني) ت ۴۳۰ هـ (، تحقیق: سيد كسروي حسن، دار الكتب العلمية - بیروت.
۲۸. تاريخ بغداد أو مدينة السلام. لأبي بكر أحمد بن علي الخطيب البغدادي) ت ۴۶۳ هـ (، المكتبة السلفية - المدينة المنورة.
۲۹. تاريخ دمشق. لأبي القاسم علي بن الحسن بن هبة الله المعروف بابن عساكر الدمشقي) ت ۵۷۱ هـ (، تحقیق: علي الشيري، دار الفكر - بیروت، الطبعة الاولى ۱۴۱۵ هـ.
۳۰. تاريخ الطبري) تاريخ الامم و الملوك (. لأبي جعفر محمد بن جرير الطبري) ت ۳۱۰ هـ (، تحقیق: محمد أبو الفضل إبراهيم، دار المعارف - مصر.
۳۱. التاريخ الكبير. لأبي عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري) ت ۲۵۶ هـ (، دار الفكر - بیروت.
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۴۲
۳۲. تحرير الوسيلة. للامام روح الله الموسوي الخميني) ت ۱۳۵۸ (، دار الكتب العلمية، مؤسسة اسماعيليان - قم.
۳۳. تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليه و آله. لأبي محمد الحسن بن علي الحزاني المعروف بابن شعبه) ت ۳۸۱ هـ (، تحقیق: علي أكبر الغفاری، مؤسسة النشر الإسلامی - قم، الطبعة الثانية ۱۴۰۴ هـ.
۳۴. الترغيب و الترهيب من الحديث الشريف. لزكي الدين عبد العظيم بن عبد القوي المنذري) ت ۶۵۶ ق (، ضبط احاديثه و علق عليه مصطفى محمد عمارة، بیروت - دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
۳۵. تصحيح الاعتقاد) مصنّفات الشيخ المفید (. لأبي عبد الله محمد بن محمد بن النعمان العکبری المعروف بالشیخ المفید) ت ۴۱۳ هـ (، تحقیق: حسین درگاهي، المؤتمر العالمي لأئمة الشيخ المفید - قم، الطبعة الاولى ۱۴۱۳ هـ.
۳۶. تفسير التبيان. لشيخ الطائفة محمد بن الحسن الطوسي) ت ۴۶۰ هـ (، مكتبة الأمين - النجف الأشرف، ۱۳۸۱ هـ.
۳۷. تفسير العياشي. لأبي النضر محمد بن مسعود السلمی السمرقندی المعروف بالعياشي) ت ۳۲۰ هـ (، تحقیق: السيد هاشم الرسولي المحلّاتي، المكتبة العلمية - طهران، الطبعة الاولى ۱۳۸۰ هـ.
۳۸. تفسير القرطبي) الجامع لأحكام القرآن (. لأبي عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي) ت ۶۷۱ هـ (، تحقیق: محمد عبد الرحمن المرعشلي، دار إحياء التراث العربي - بیروت، الطبعة الثانية ۱۴۰۵ هـ.
۳۹. تفسير القمي. لأبي الحسن علي بن إبراهيم بن هاشم القمي) ت ۳۰۷ هـ (، إعداد: السيد الطيب الموسوي الجزائري، مطبعة النجف

الأشرف.

۴۰. تفسیر مجمع البیان. لأبی علی الفضل بن الحسن الطبرسی) ت ۵۴۸ هـ (تحقیق: السید هاشم الرسولى المحلّاتی و السید فضل الله الیزدی الطباطبائی، دار المعرفة- بیروت، الطبعة الثانية ۱۴۰۸ هـ.
۴۱. التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام. تحقیق و نشر: مدرسة الإمام المهدي- قم، الطبعة الاولى ۱۴۰۹ هـ. دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۴۳
۴۲. التمهیص. لأبی علی محمد بن همام الاسکافی) ت ۳۳۶ هـ (، تحقیق و نشر: مدرسة الإمام المهدي) عج (- قم.
۴۳. تنبيه الخواطر و نزهه النواظر) مجموعة ورام (. لأبی الحسين ورام بن أبی فراس) ت ۶۰۵ هـ (، دار التعارف و دار صعب- بیروت.
۴۴. التوحید. لأبی جعفر محمد بن علی بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق) ت ۳۸۱ هـ (، تحقیق: هاشم الحسينی الطهرانی، مؤسسة النشر الإسلامي- قم، الطبعة الاولى ۱۳۹۸ هـ.
۴۵. تهذيب الأحكام فی شرح المقنعة. لأبی جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي) ت ۴۶۰ هـ (، تحقیق: سید حسن الموسوی الخراسان، دار التعارف- بیروت، الطبعة الاولى ۱۴۰۱ هـ.
۴۶. تهذيب التهذيب. لأبی الفضل أحمد بن علی بن حجر العسقلانی) ت ۸۵۲ هـ (، تحقیق: خليل مأمون شیحا و عمر السلاحي و علی بن مسعود، دار المعرفة- بیروت، الطبعة الاولى ۱۴۱۷ هـ.
۴۷. تهذيب الكمال فی أسماء الرجال. لیونس بن عبد الرحمن المزّی) ت ۷۴۲ هـ (، تحقیق: الدكتور بشّار عوّاد معروف، مؤسسة الرسالة- بیروت، الطبعة الاولى ۱۴۰۹ هـ.
۴۸. الثاقب فی المناقب. لأبی جعفر محمد بن علی بن حمزة الطوسي) ت ۵۶۰ هـ (، تحقیق: رضا علوان، مؤسسة أنصاریان- قم، الطبعة الثانية ۱۴۱۲ هـ.
۴۹. الثقات. لأبی حاتم محمد بن حبان البستی) ت ۳۵۴ هـ (، مؤسسة الكتب الثقافية- بیروت، الطبعة الاولى ۱۴۰۸ هـ.
۵۰. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال. لأبی جعفر محمد بن علی القمي المعروف بالصدوق) ت ۳۸۱ هـ (، تحقیق: علی اکبر الغفاری، مكتبة الصدوق- تهران.
۵۱. جامع الأحادیث. لأبی محمد جعفر بن أحمد بن علی القمي المعروف بابن الرازی) القرن الرابع (، تحقیق: السید محمد الحسينی النيسابوری، مؤسسة الطبع و النشر التابعة للحضرة الرضویة المقدّسة- مشهد، الطبعة الاولى ۱۴۱۳ هـ. دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۴۴
۵۲. جامع الأحادیث. لجلال الدین عبد الرحمن بن ابی بکر السیوطی) ت ۹۱۱ ق (، جمع و ترتیب: عباس احمد صقر و احمد عبد الموجود، دار الفکر- بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۵۳. جامع الأخبار أو معارج اليقين فی اصول الدين. لمحمد بن محمد الشعیری السبزواری) القرن السابع (، تحقیق و نشر: مؤسسة آل البيت- قم، الطبعة الاولى ۱۴۱۴ هـ.
۵۴. الجامع الصغير فی أحادیث البشير النذیر. لجلال الدین عبد الرحمن بن أبی بکر السیوطی) ت ۹۱۱ هـ (، دار الفکر- بیروت، الطبعة الاولى ۱۴۰۱ هـ.
۵۵. الجامع لاخلاق الراوی و آداب السامع. لابی بکر احمد بن علی الخطیب البغدادي) ت ۴۶۳ ق (، تحقیق: محمد عجاج الخطیب، مؤسسة الرسالة- بیروت، الطبعة الاولى ۱۴۱۲ ق.
۵۶. حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء. لأبی نعیم أحمد بن عبد الله الإصبهانی) ت ۴۳۰ هـ (، دار الكتاب العربي- بیروت، الطبعة الثانية ۱۳۸۷ هـ.

۵۷. حیاة الحيوان الكبرى. لكمال الدين محمد بن موسى الدميري) ت ۸۰۸ هـ (، دار إحياء التراث العربي - بيروت.
۵۸. الخرائج و الجرائح. لأبي الحسين سعيد بن عبد الله الراوندى المعروف بقطب الدين الراوندى) ت ۵۷۳ هـ (، تحقيق و نشر: مؤسسة الإمام المهدي) عج - (قم، الطبعة الاولى ۱۴۰۹ هـ.
۵۹. الخصال. لأبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق) ت ۳۸۱ هـ (، مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة الرابعة ۱۴۱۴ هـ.
۶۰. خصائص الأئمة عليهم السلام) خصائص أمير المؤمنين عليه السلام (. لأبي الحسن الشريف الرضي محمد بن الحسين بن موسى الموسوي) ت ۴۰۶ هـ (، تحقيق: محمد هادي الأميني، مجمع البحوث الإسلامية التابع للحضرة الرضوية المقدسة - مشهد، سنة ۱۴۰۶ هـ.
۶۱. الدر المنثور في التفسير المأثور. لجلال الدين عبد الرحمن بن أبي بكر السيوطي) ت ۹۱۱ هـ (، دار الفكر - بيروت، الطبعة الاولى ۱۴۱۴ هـ.
۶۲. الدروس الشرعية في فقه الإمامية. لشمس الدين محمد بن مكى العاملى المعروف بالشهيد الأول) ت ۷۸۶ هـ (، تحقيق و نشر: مؤسسة النشر الإسلامي - قم.
۶۳. الدرور الواقية. لأبي القاسم علي بن موسى بن طاووس الحلبي) ت ۶۶۴ هـ (، تحقيق و نشر: مؤسسة آل البيت - قم، الطبعة الاولى ۱۴۱۴ هـ.
- دانشنامه احاديث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۴۵
۶۴. دستور معالم الحكم و مأثور مكارم الشيم. لأبي عبد الله بن محمد بن سلامة القضاعى) ت ۴۵۴ هـ (، دار الكتاب العربي - بيروت، الطبعة الاولى ۱۴۰۱ هـ.
۶۵. الدعاء. لأبي القاسم سليمان بن أحمد الطبراني) ت ۳۶۰ هـ (، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الاولى ۱۴۱۳ هـ.
۶۶. دعائم الإسلام و ذكر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام. لأبي حنيفة النعمان بن محمد بن منصور بن أحمد بن حيون التميمي المغربي) ت ۳۶۳ هـ (، تحقيق: آصف بن علي أصغر فيضي، دار المعارف - مصر، الطبعة الثالثة ۱۳۸۹ هـ.
۶۷. الدعوات. لأبي الحسين سعيد بن عبد الله الراوندى المعروف بقطب الدين الراوندى) ت ۵۷۳ هـ (، تحقيق و نشر: مؤسسة الإمام المهدي) عج - (قم، الطبعة الاولى ۱۴۰۷ هـ.
۶۸. الديوان المنسوب إلى الإمام علي. لأبي الحسن محمد بن الحسين الكيدري) ت قرن ۶ هـ (، ترجمة: أبو القاسم إمامي، النشر الاسوة - طهران،
۶۹. ربيع الأبرار و نصوص الأخبار. لأبي القاسم محمود بن عمر الزمخشري) ت ۵۳۸ هـ (، تحقيق: سليم النعيمي، منشورات الرضى - قم، الطبعة الاولى ۱۴۱۰ هـ.
۷۰. رجال الكشي) اختيار معرفة الرجال (. لأبي جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي) ت ۴۶۰ هـ (، تحقيق: السيد مهدي الرجائي، مؤسسة آل البيت - قم، الطبعة الاولى ۱۴۰۴ هـ.
۷۱. الرواشح السماوية في شرح الأحاديث الإمامية. لمير محمد باقر الحسيني المرعشي الداماد) ت ۱۰۴۱ هـ (، مكتبة آية الله المرعشي - قم، الطبعة الاولى ۱۴۰۵ هـ.
۷۲. روضة الواعظين. لمحمد بن الحسن بن علي القتال النيسابوري) ت ۵۰۸ هـ (، تحقيق: حسين الأعلمي، مؤسسة الأعلمي - بيروت، الطبعة الاولى ۱۴۰۶ هـ.
۷۳. الزهد. لأبي عبد الرحمن بن عبد الله بن المبارك الحنظلي المروزي) ت ۱۸۱ هـ (، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، دار الكتب

العلمیة- بیروت.

۷۴. سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد. لمحمد بن یوسف الصالحی الشامی) ت ۹۴۲ ق (، تحقیق: مصطفی عبد الواحد، المجلس الاعلی للشؤون الاسلامیة، لجنة احیاء التراث الاسلامیة، ۱۴۱۴ ق.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۴۶

۷۵. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. لأبی جعفر محمّد بن منصور بن أحمد بن إدريس الحلّی) ت ۵۹۸ ه (، تحقیق و نشر: مؤسسه النشر الإسلامی- قم، الطبعة الثانية ۱۴۱۰ ه.

۷۶. سنن ابن ماجه. لأبی عبد الله محمد بن يزيد بن ماجه القزوينی) ت ۲۷۵ ه (، تحقیق: محمّد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء التراث- بيروت، الطبعة الاولى ۱۳۹۵ ه.

۷۷. سنن أبي داود. لأبي داود سليمان بن أشعث السجستاني الأزدي) ت ۲۷۵ ه (، تحقیق: محمّد محیی الدين عبد الحميد، دار احیاء السنه النبویة- بیروت.

۷۸. سنن الترمذی) الجامع الصحیح (. لأبی عيسى محمد بن عيسى بن سورة الترمذی) ت ۲۹۷ ه (، تحقیق: أحمد محمد شاكر، دار إحياء التراث- بيروت.

۷۹. سنن الدار قطنی. لأبی الحسن علی بن عمر البغدادي المعروف بالدار قطنی) ت ۲۸۵ ه (، تحقیق: أبو الطیب محمّد آبادی، عالم الكتب- بيروت، الطبعة الرابعة ۱۴۰۶ ه.

۸۰. سنن الدارمی. لأبی محمد عبد الله بن عبد الرحمن الدارمی) ت ۲۵۵ ه (، تحقیق: مصطفى ديب البغا، دار القلم- بيروت، الطبعة الاولى ۱۴۱۲ ه.

۸۱. السنن الكبرى. لأبي بكر أحمد بن الحسين بن عليّ البيهقي) ت ۴۵۸ ه (، تحقیق: محمّد عبد القادر عطا، دار الكتب العلمیة- بيروت، الطبعة الاولى ۱۴۱۴ ه.

۸۲. السنن الكبرى. لأبي عبد الرحمن أحمد بن شعيب النسائي، تحقیق: عبد الغفار سليمان البنداري، دار الكتب العلمیة- بيروت، الطبعة الاولى ۱۴۱۱ ه.

۸۳. سنن النسائي). بشرح الحافظ جلال الدين السيوطی و حاشیة الإمام السندي (، لأبی عبد الرحمن أحمد بن شعيب النسائي) ت ۳۰۳ ه (، دار الجيل- بيروت، الطبعة الاولى ۱۴۰۷ ه.

۸۴. سير أعلام النبلاء. لأبی عبد الله محمد بن أحمد الذهبي) ت ۷۴۸ ه (، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، مؤسسه الرسالة- بيروت، الطبعة العاشرة ۱۴۱۴ ه.

۸۵. السیره النبویة. لأبی محمد عبد الملك بن هشام بن أيوب الحميري) ت ۲۱۸ ه (، تحقیق: مصطفى السقا و إبراهيم الأبياري، مكتبة المصطفى- قم، الطبعة الاولى ۱۳۵۵ ه.

۸۶. شرح اسماء العقار. لابی عمران موسى بن عبید الله القرطبي) ت (، صححه: ماكس مايرهوف، مكتبة الثقافة الدينية- بی جا، ۱۴۱۹ ق.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۴۷

۸۷. شرح نهج البلاغة. لعزّ الدين عبد الحميد بن محمد بن أبي الحديد المعتزلي المعروف بابن أبي الحديد) ت ۶۵۶ ه (، تحقیق: محمّد أبو الفضل إبراهيم، دار إحياء التراث- بيروت، الطبعة الثانية ۱۳۸۷ ه.

۸۸. شعب الإيمان. لأبي بكر أحمد بن الحسين البيهقي) ت ۴۵۸ ه (، تحقیق: محمّد السعيد بسيوني زغلول، دار الكتب العلمیة- بيروت، الطبعة الاولى ۱۴۱۰ ه.

۸۹. الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية. لأبي نصر إسماعيل بن حماد الجوهري) ت ۳۹۸ هـ (تحقيق: أحمد بن عبد الغفور عطار، دار العلم للملايين - بيروت، الطبعة الرابعة ۱۴۱۰ هـ.
۹۰. صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان. لعلاء الدين علي بن بلبان الفارسي) ت ۷۳۹ هـ (، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة الثانية ۱۴۱۴ هـ.
۹۱. صحيح ابن خزيمة. لأبي بكر محمد بن إسحاق السلمي النيسابوري المعروف بابن خزيمة) ت ۳۱۱ هـ (، تحقيق: محمد مصطفى الأعظمي، المكتب الإسلامي - بيروت، الطبعة الثالثة ۱۴۱۲ هـ.
۹۲. صحيح البخاري. لأبي عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري) ت ۲۵۶ هـ (، تحقيق: مصطفى ديب البغا، دار ابن كثير - بيروت، الطبعة الرابعة ۱۴۱۰ هـ.
۹۳. صحيح مسلم. لأبي الحسين مسلم بن الحجاج القشيري النيسابوري) ت ۲۶۱ هـ (، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار الحديث - القاهرة، الطبعة الاولى ۱۴۱۲ هـ.
۹۴. صحيفة الإمام الرضا عليه السلام. المنسوبة إلى الإمام الرضا عليه السلام، تحقيق و نشر: مؤسسة الإمام المهدي عجل - قم، الطبعة الاولى ۱۴۰۸ هـ.
۹۵. الصحيفة السجادية. المنسوب إلى الإمام علي بن الحسين عليه السلام، تصحيح: علي أنصاريان، المستشارية الثقافية للجمهورية الإسلامية الإيرانية - دمشق، ۱۴۰۵ هـ.
۹۶. طب الامام الرضا ع (، المنسوب الى الامام علي بن موسى ع (، تحقيق: محمد مهدي نجف، مكتبة الامام الحكيم العامة - قم).
۹۷. طب الائمة. برواية عبد الله و الحسين ابني بسطام بن سابور الزيات النيسابوريين) ت قرن ۴ هه. (، شرح و تعليق: محسن عقيل، منشورات الرضى - قم).
۹۸. طب النبي. لمحمود بن محمد الجعفي) ت (، چاپ سنگی.
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۴۸
۹۹. الطبقات الكبرى. لمحمد بن سعد كاتب الواقدي) ت ۲۳۰ هـ (، دار صادر - بيروت.
۱۰۰. عدة الداعي و نجاح الساعي. لأبي العباس أحمد بن محمد بن فهد الحلبي الأسدي) ت ۸۴۱ هـ (، تحقيق: أحمد الموحدي، مكتبة وجداني - طهران.
۱۰۱. علل الشرائع. لأبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق) ت ۳۸۱ هـ (، دار إحياء التراث - بيروت، الطبعة الاولى ۱۴۰۸ هـ.
۱۰۲. عوالي اللآلي العزيزية في الأحاديث الدينية. لمحمد بن علي بن إبراهيم الأحسائي المعروف بابن أبي جمهور) ت ۹۴۰ هـ (، تحقيق: مجتبی العراقي، مطبعة سيد الشهداء عليه السلام - قم، الطبعة الاولى ۱۴۰۳ هـ.
۱۰۳. عيون الأخبار. لأبي محمد عبد الله بن مسلم بن قتيبة الدينوري) ت ۲۷۶ هـ (، دار الكتب المصرية - القاهرة، سنة ۱۳۴۳ هـ.
۱۰۴. عيون أخبار الرضا. لأبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق) ت ۳۸۱ هـ (، تحقيق: السيد مهدي الحسيني اللاجوردي، منشورات جهان - طهران.
۱۰۵. عيون الحكم و المواعظ. لأبي الحسن علي بن محمد الليثي الواسطي) قرن ۶ هـ (، تحقيق: حسين الحسنی البيرجندی، دار الحديث - قم، الطبعة الاولى ۱۳۷۶ هـ ش.
۱۰۶. غريب الحديث. لأبي محمد عبد الله بن مسلم بن قتيبة الدينوري) ت ۲۷۶ هـ (، دار الكتب العلمية - بيروت، ۱۴۰۸ هـ.
۱۰۷. الغيبة. لأبي جعفر محمد بن الحسن بن علي بن الحسن الطوسي) ت ۴۶۰ هـ (، تحقيق: عباد الله الطهراني و علي أحمد ناصح،

مؤسسه المعارف الإسلامیة- قم، الطبعة الاولى ۱۴۱۱ هـ.

۱۰۸. الغيبة. لأبي عبد الله محمد بن إبراهيم بن جعفر الكاتب النعماني) ت ۳۵۰ هـ (، تحقيق: علي أكبر الغفاري، مكتبة الصدوق- طهران.

۱۰۹. الفائق في غريب الحديث. لأبي القاسم محمود بن عمر الزمخشري) ت ۵۸۳ هـ (، تحقيق: علي محمد البجاوي، دار الفكر- بيروت، ۱۴۱۴ هـ.

۱۱۰. فتح الباري) شرح صحيح البخاري (. لأبي الفضل أحمد بن علي بن حجر العسقلاني) ت ۸۵۲ هـ (، تحقيق: عبد العزيز بن عبد الله بن باز، دار الفكر- بيروت، الطبعة الاولى ۱۳۷۹ هـ.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۴۹

۱۱۱. الفرج بعد الشدة. لأبي بكر عبد الله بن محمد القرشي المعروف بابن أبي الدنيا) ت ۲۸۱ هـ (، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، مؤسسه الكتب الثقافية- بيروت، الطبعة الاولى ۱۴۱۳ هـ.

۱۱۲. فرج المهموم في تاريخ علماء النجوم. لأبي القاسم علي بن موسى بن طاووس الحلبي) ت ۶۶۴ هـ (منشورات الرضى- قم.

۱۱۳. الفردوس بمأثور الخطاب. لأبي شجاع شيرويه بن شهردار الديلمي الهمداني) ت ۵۰۹ هـ (، تحقيق: السعيد بن بسيوني زغلول، دار الكتب العلمیة- بيروت، الطبعة الاولى ۱۴۰۶ هـ.

۱۱۴. فرهنگ صبا. محمد بهشتی، انتشارات صبا- تهران، ۱۳۷۰.

۱۱۵. الفصول المختارة من العيون و المحاسن. لأبي القاسم علي بن الحسين الموسوي المعروف بالشریف المرتضى و علم الهدی) ت ۴۳۶ هـ (، المؤتمر العالمي بمناسبة ذكرى أئمة الشيخ المفيد- قم، الطبعة الاولى ۱۴۱۳ هـ.

۱۱۶. الفضائل. لأبي الفضل شاذان بن جبرئيل القمي) ت ۶۶۰ هـ (، الطبعة الحيدريّة- نجف، ۱۳۳۸ هـ.

۱۱۷. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام. تحقيق مؤسسه آل البيت، المؤتمر العالمي للإمام الرضا عليه السلام- مشهد.

۱۱۸. فيض القدير. لزين الدين محمد عبد الرؤوف المناوي) قرن ۱۰ هـ (، دار الفكر- بيروت.

۱۱۹. القاموس المحيط. للشيخ أبي طاهر مجد الدين محمد بن يعقوب الفيروزآبادي) ت ۸۱۷ هـ (، دار الفكر- بيروت.

۱۲۰. قرب الإسناد. لأبي العباس عبد الله بن جعفر الحميمي القمي) ت بعد ۳۰۴ هـ (، تحقيق و نشر: مؤسسه آل البيت- قم، الطبعة الاولى ۱۴۱۳ هـ.

۱۲۱. قصص الأنبياء. لأبي الحسين سعيد بن عبد الله المعروف بقطب الدين الراوندي) ت ۵۷۳ هـ (تحقيق: غلام رضا عرفانيان، مجمع البحوث الإسلامیة التابع لمؤسسه الآستانه الرضويّة- مشهد، الطبعة الاولى ۱۴۰۹ هـ.

۱۲۲. الكافي. لأبي جعفر ثقة الإسلام محمد بن يعقوب بن إسحاق الكليني الرازي) ت ۳۲۹ هـ (، تحقيق: علي أكبر الغفاري، دار صعب و دار التعارف- بيروت، الطبعة الرابعة ۱۴۰۱ هـ.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۵۰

۱۲۳. كشف الخفاء و مزيل الإلباس عما اشتهر من الأحاديث على ألسنة الناس. لإسماعيل بن محمد العجلوني الجراحي) ت ۱۱۶۲ هـ (دار الكتب العلمیة- بيروت، ۱۴۰۸ هـ.

۱۲۴. كشف الغيبه في معرفة الأنبياء. لعلي بن عيسى الإربلي) ت ۶۸۷ هـ (، تصحيح: السيد هاشم الرسولي المحمّلاتي، دار الكتاب الإسلامی- بيروت، الطبعة الاولى ۱۴۰۱ هـ.

۱۲۵. كفاية الأثر في النص على الأئمة الإثني عشر. لأبي القاسم علي بن محمد بن علي الخزاز القمي) القرن الرابع (، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمری، انتشارات بيدار قم، سنه ۱۴۰۱ هـ.

۱۲۶. کمال الدین و تمام النعمة. لأبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق) ت ۳۸۱ هـ (، تحقيق: علي أكبر الغفاري، مؤسسة النشر الإسلامي - قم، الطبعة الأولى ۱۴۰۵ هـ.
۱۲۷. كنز العمّال في سنن الأقوال و الأفعال. لعلاء الدين علي المتقي بن حسام الدين الهندي) ت ۹۷۵ هـ (، تصحيح: صفوة السقا، مكتبة التراث الإسلامي - بيروت، الطبعة الأولى ۱۳۹۷ هـ.
۱۲۸. كنز الفوائد. للشيخ أبي الفتح محمد بن علي بن عثمان الكراچكي الطرابلسي) ت ۴۴۹ هـ (، إعداد: عبد الله نعمة، دار الذخائر - قم، الطبعة الأولى ۱۴۱۰ هـ.
۱۲۹. لسان العرب. لأبي الفضل جمال الدين محمد بن مكرم بن منظور المصري) ت ۷۱۱ هـ (، دار صادر - بيروت، الطبعة الأولى ۱۴۱۰ هـ.
۱۳۰. لغت نامه دهخدا. على اكبر دهخدا) ت ۱۳۳۴ (، مؤسسه لغت نامه دهخدا - تهران، ۱۳۷۲.
۱۳۱. مائة كلمة للامام امير المؤمنين على بن ابي زالب) ع (. لابي عثمان عمرو بن بحر الجاحظ) ت ۲۵۵ ق (، تحقيق: رياض مصطفى العبد الله، دار الحكمة - بيروت، الطبعة الأولى ۱۴۱۶ ق.
۱۳۲. المجازات النبوية. لأبي الحسن محمد بن الحسين الموسوي المعروف بالشريف الرضي) ت ۴۰۶ هـ (، تحقيق و شرح: طه محمد الزيني، مكتبة بصيرتي - قم.
۱۳۳. مجمع البحرين. لفخر الدين الطريحي) ت ۱۰۸۵ هـ (، تحقيق و نشر: قسم الدراسات الإسلامية، مؤسسة البعثة - قم، الطبعة الأولى ۱۴۱۴ هـ.
۱۳۴. مجمع الزوائد و منبع الفوائد. لنور الدين علي بن أبي بكر الهيثمي) ت ۸۰۷ هـ (، تحقيق: عبد الله محمد درويش، دار الفكر - بيروت، الطبعة الأولى ۱۴۱۲ هـ.
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۵۱
۱۳۵. المحاسن. لأبي جعفر أحمد بن محمد بن خالد البرقي) ت ۲۸۰ هـ (، تحقيق: السيد مهدي الرجائي، المجمع العالمي لأهل البيت - قم، الطبعة الأولى ۱۴۱۳ هـ.
۱۳۶. المحجزة البيضاء في تهذيب الأحياء. لمولا - محسن الفيض الكاشاني) ت ۱۰۹۱ هـ (مع حاشية: علي أكبر الغفاري، جماعة المدرسين في حوزة العلمیة - قم، ۱۳۸۳ هـ.
۱۳۷. المحيط في اللغة. لأبي القاسم إسماعيل بن عباد الطالقاني) ت ۳۸۵ هـ (، تحقيق: محمد حسن آل ياسين، عالم الكتب - بيروت.
۱۳۸. مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول. للعلامة محمد باقر بن محمد تقي المجلسي) ت ۱۱۱۱ هـ (، تحقيق: هاشم الرسولي المحلاتي، دار الكتب الإسلامية - تهران، الطبعة الثالثة ۱۳۷۰ هـ ش.
۱۳۹. المراسيل مع الاسانيد. لابي داود سليمان بن الاشعث السجستاني) ت ۲۷۵ ق (، تحقيق: عبد العزيز السيروان، دار القلم - بيروت، ۱۴۰۶ ق.
۱۴۰. المرض و الكفارات. لابي بكر عبد الله بن محمد بن ابي الدنيا) ت ۲۸۱ ق (، تحقيق: عبد الوكيل الندوي، الدارالسلفية - هند، ۱۴۱۱ ق.
۱۴۱. مسائل علي بن جعفر و مستدرکاتها. لأبي الحسن علي بن جعفر الحسيني العلوي الهاشمي العريضي) ت ۲۱۰ هـ (تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، المؤتمر العالمي للإمام الرضا عليه السلام في مشهد، الطبعة الأولى ۱۴۰۹ هـ.
۱۴۲. المستدرک على الصحيحين. لأبي عبد الله محمد بن عبد الله الحاكم النيسابوري) ت ۴۰۵ هـ (، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، دار الكتب العلمیة - بيروت، الطبعة الأولى ۱۴۱۱ هـ.

۱۴۳. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. لمیرزا حسین النوری الطبرسی) ت ۱۳۲۰ هـ (، مؤسسه آل البيت - قم، الطبعة الاولى ۱۴۰۷ هـ.
۱۴۴. مستطرفات السرائر. لابی عبد الله محمد بن احمد بن ادريس الحلبي) ت ۵۹۸ ق (، تحقیق و نشر: مدرسه الامام المهدي) ع (.
۱۴۵. مسند ابن جعد. لأبی الحسن علی بن الجعد بن عبید الجوهري) ت ۲۳۰ هـ (مؤسسه ناور - بیروت. ۱۴۱۰.
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۵۲
۱۴۶. مسند أبی یعلی الموصلي. لأبی یعلی أحمد بن علی بن المثنی التميمي الموصلي) ت ۳۰۷ هـ (، تحقیق: إرشاد الحق الأثری، دار القبله - جدّه، الطبعة الاولى ۱۴۰۸ هـ.
۱۴۷. مسند اسحاق بن راهويه. لاسحاق بن ابراهيم بن مخلد المروزي) ت ۲۳۸ ق (، تحقیق: عبد الغفور عبد الحق و حسين برالوشی، مكتبة الايمان - مدینه، ۱۴۱۲ ق.
۱۴۸. مسند الإمام زيد) مسند زيد (، المنسوب إلى زيد بن علی بن الحسين عليهما السلام (۱۲۲ هـ)، منشورات دار مكتبة الحياة - بيروت، الطبعة الاولى ۱۹۶۶ م.
۱۴۹. مسند البرّار) البحر الزخار (، لأبی بكر أحمد بن عمرو العتكي البرّار) ت ۲۹۲ هـ (، تحقیق: محفوظ الرحمن زين الله، مؤسسه علوم القرآن - بيروت، الطبعة الاولى ۱۴۰۹ هـ.
۱۵۰. مسند الحمیدی. لأبی بكر عبد الله بن الزبير الحمیدی) ت ۲۱۹ هـ (، تحقیق: حبيب الرحمن الأعظمی، المكتبة السلفية - المدينة المنورة.
۱۵۱. مسند الشاميين. لابی القاسم سليمان بن احمد الطبراني) ت ۳۶۰ ق (، تحقیق: حمدي عبد المجيد السلفی، مؤسسه الرسالة - بيروت.
۱۵۲. مسند الشهاب. لمحمد بن سلامة القضاعي) ت ۴۵۴ هـ (مؤسسه الرسالة - بيروت، ۱۴۰۵ هـ.
۱۵۳. المسند لأحمد بن حنبل. لأحمد بن محمد بن حنبل الشيباني) ت ۲۴۱ هـ (، تحقیق: عبد الله محمد الدرويش، دار الفكر - بيروت، الطبعة الثانية ۱۴۱۴ هـ.
۱۵۴. مشكاة الأنوار في غرر الأخبار. لأبی الفضل علی الطبرسی) القرن السابع (، تحقیق: مهدي هوشمند، دار الحديث - قم، الطبعة الاولى ۱۴۱۸ هـ.
۱۵۵. مصادقة الاخوان. لابی جعفر محمد بن ابی الحسن علی بن بابويه القمي المعروف بالصدوق) ت ۳۸۱ ق (، عراق: مكتبة الامام صاحب الزمان العامه، ۱۴۰۲ ق.
۱۵۶. مصباح الشريعة و مفتاح الحقيقة. المنسوب إلى الإمام الصادق عليه السلام، شرح: عبد الرزاق گیلانی، نشر صدوق - طهران، الطبعة الثالثة ۱۴۰۷ هـ. ش.
۱۵۷. المصباح في الأدعية و الصلوات و الزيارات. للشيخ تقی الدين إبراهيم بن علی بن الحسن العاملي الكفعمي) ت ۹۰۰ هـ (، منشورات الشريف الرضي - قم.
۱۵۸. المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي. لأبی العباس أحمد بن محمد بن علی الفيومي) ت ۷۷۰ هـ (، مؤسسه دار الهجرة - قم، الطبعة الثانية ۱۴۱۴ هـ.
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۵۳
۱۵۹. المصنّف. لأبی بكر عبد الرزاق بن همّام الصنعاني) ت ۲۱۱ هـ (، تحقیق: حبيب الرحمن الأعظمی، منشورات المجلس العلمي - بيروت.

۱۶۰. المصنّف فی الأحادیث و الآثار. لأبی بکر عبد الله بن محمّد بن أبی شیبّه العبسی الکوفی) ت ۲۳۵ هـ (، تحقیق: سعید محمّد اللّخام، دار الفکر- بیروت.
۱۶۱. معانی الأخبار. لأبی جعفر محمّد بن علی بن الحسین بن بابویه القمّی المعروف بالشیخ الصدوق) ت ۳۸۱ هـ (، تحقیق: علی أكبر الغفّاری، مؤسسه النشر الإسلامی- قم، الطبعة الاولى ۱۳۶۱ هـ ش.
۱۶۲. المعجم الأوسط. لأبی القاسم سلیمان بن أحمد اللخمی الطبرانی) ت ۳۶۰ هـ (، تحقیق: طارق بن عوض الله و عبد الحسن بن إبراهيم الحسینی، دار الحرمین- القاهرة، الطبعة الاولى ۱۴۱۵ هـ.
۱۶۳. معجم البلدان. لأبی عبد الله شهاب الدین یاقوت بن عبد الله الحموی الرومی) ت ۶۲۶ هـ (، دار إحياء التراث العربی- بیروت، الطبعة الاولى ۱۳۹۹ هـ.
۱۶۴. معجم السفر. لابی طاهر احمد بن محمد السلفی) ت ۵۷۶ ق (، تحقیق: عبد الله عمر البارودی، دار الفکر- بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۱۶۵. المعجم الصغير. لأبی القاسم سلیمان بن أحمد اللخمی الطبرانی) ت ۳۶۰ هـ (، تحقیق: محمّد عثمان، دار الفکر- بیروت، الطبعة الثانية ۱۴۰۱ هـ.
۱۶۶. المعجم الكبير. لأبی القاسم سلیمان بن أحمد اللخمی الطبرانی) ت ۳۶۰ هـ (، تحقیق: حمدي عبد المجيد السلفی، دار إحياء التراث العربی- بیروت، الطبعة الثانية ۱۴۰۴ هـ.
۱۶۷. المعجم الوسيط. لمصطفى ابراهيم و احمد حسن الزيات و حامد عبد القادر و محمد على النجار، المكتبة الإسلامية- استانبول، ۱۳۹۲ ق.
۱۶۸. معدن الجواهر و ریاضة الخواطر. لأبی الفتح محمّد بن علی الكراجکی) ت ۴۴۹ ق (، تحقیق: أحمد الحسینی، المكتبة المرتضوية- تهران، ۱۳۴۹ ق.
۱۶۹. مفردات ألفاظ القرآن. لأبی القاسم الحسین بن محمّد الراغب الأصفهانی) ت ۴۲۵ هـ (، تحقیق: صفوان عدنان داودی، دار القلم- بیروت، الطبعة الاولى ۱۴۱۲ هـ.
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۵۴
۱۷۰. المقنعة. لأبی عبد الله محمّد بن محمّد بن النعمان العکبری البغدادی المعروف بالشیخ المفید) ت ۴۱۳ هـ (، تحقیق و نشر: مؤسسه النشر الإسلامی- قم، الطبعة الثانية ۱۴۱۰ هـ.
۱۷۱. مکارم الأخلاق. لأبی علی الفضل بن الحسن الطبرسی) ت ۵۴۸ هـ (، تحقیق: علاء آل جعفر، مؤسسه النشر الإسلامی- قم، الطبعة الاولى ۱۴۱۴ هـ.
۱۷۲. مناقب آل أبي طالب) المناقب لابن شهر آشوب (. لأبی جعفر رشید الدین محمّد بن علی بن شهر آشوب المازندرانی) ت ۵۸۸ هـ (، المطبعة العلمية- قم.
۱۷۳. منتخب كنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال. لعلاء الدین علی المتقی بن حسام الدین الهندی) ت ۹۷۵ هـ (، دار احياء التراث العربی- بیروت، الطبعة الاولى ۱۴۱۰ هـ.
۱۷۴. المنتخب من مسند عبد بن حميد. لأبی محمّد عبد بن حميد) ت ۲۴۹ هـ (، تحقیق: السید صبحی البدری السامرائی و محمود محمّد خليل الصعیدی، مكتبة السنّة- القاهرة، الطبعة الاولى ۱۴۰۸ هـ.
۱۷۵. من لا يحضره الفقيه. لأبی جعفر محمّد بن علی بن الحسین بن بابویه القمّی المعروف بالشیخ الصدوق) ت ۳۸۱ هـ (، تحقیق: علی أكبر الغفّاری، مؤسسه النشر الإسلامی- قم، الطبعة الثانية.
۱۷۶. منية المرید. لزين الدين علی العاملي المعروف بالشهيد الثاني) ت ۹۶۵ هـ (مكتب الإعلام الإسلامی- قم، ۱۴۱۵ هـ.

۱۷۷. المواعظ العددیة. للحاج المیرزا علی المشکینی الأردیلی (معاصر)، تحقیق: علی الأحمدي المیانجی، دفتر نشر الهادی- قم، الطبعة الرابعة ۱۴۰۶ هـ.
۱۷۸. الموطأ. لمالك بن أنس) ت ۱۵۸ هـ (، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار احیاء التراث العربی- بیروت، الطبعة الاولى ۱۴۰۶ هـ.
۱۷۹. المؤمن. لحسين بن سعيد الكوفي الاهوازی) ت قرن ۳ ق (، تحقیق و نشر: مدرسة الامام المهدي) ع (- قم، ۱۴۰۴ ق.
۱۸۰. مهج الدعوات و منهج العبادات. لأبي القاسم بن موسى الحلّي المعروف بابن طاووس) ت ۶۶۴ هـ (تحقیق: حسین الأعلمی، مؤسسه الأعلمی- بیروت، الطبعة الاولى ۱۴۱۴ هـ.
۱۸۱. نثر الدرّ. لأبي سعيد منصور بن الحسين الأبي) ت ۴۲۱ هـ (، تحقیق: محمد علی قرنه، الهيئة المصریة العامّة- مصر، الطبعة الاولى ۱۹۸۱ م.
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۵۵
۱۸۲. نزهة الناظر و تنبيه الخواطر. لأبي عبد الله الحسين بن محمد الحلواني) من أعلام القرن الخامس (تحقیق و نشر: مؤسسه الإمام المهدي) ع (- قم، الطبعة الاولى ۱۴۰۸ هـ.
۱۸۳. نصب الرایة. لأبي محمد عبد الله بن يوسف الحنفي الزيلعي) ت ۷۶۲ هـ (دار الحديث- قاهرة، ۱۴۱۵ هـ.
۱۸۴. النوادر. لفضل الله بن علی الحسنی الراوندي) ت ۵۷۱ هـ (، تحقیق: سعيد رضا علی عسکری، مؤسسه دار الحديث- قم، الطبعة الاولى ۱۳۷۷ هـ ش.
۱۸۵. النهاية فی غریب الحديث و الأثر. لأبي السعادات مبارك بن مبارك الجزري المعروف بابن الأثير) ت ۶۰۶ هـ (، تحقیق: طاهر أحمد الزاوی، مؤسسه إسماعیلیان- قم، الطبعة الرابعة ۱۳۶۷ هـ ش.
۱۸۶. نهج البلاغة. ما اختاره أبو الحسن الشريف الرضي محمد بن الحسين بن موسى الموسوي من كلام الإمام أمير المؤمنين عليه السلام) ت ۴۰۶ هـ (.
۱۸۷. الوافي. لملا محسن بن مرتضى الفيض الكاشاني) ت ۱۰۹۱ هـ (، تحقیق: ضياء الدين حسين اصفهانی، مكتبة الإمام أمير المؤمنين عليه السلام- اصفهان، ۱۴۰۶ هـ.
۱۸۸. ينابيع المودة لذوی القربى. لسليمان بن إبراهيم القندوزي الحنفي) ت ۱۲۹۴ هـ (، تحقیق: علی جمال أشرف الحسيني، دار الاسوء- طهران، الطبعة الاولى ۱۴۱۶ هـ.
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۵۷

فهرست تفصیلی

(۱) بخش چهارم: تأثیر خوردن و آشامیدن در سلامت و بیماری*** ۹ (/ ۱)

(۲) فصل یکم: کم خوری*** ۱۱ (/ ۲)

۱) (۳ / ۱) تشویق به کم خوری*** ۱۱ (/ ۳)

۱) (۳ / ۲) فایده‌های ظاهری کم خوری*** ۱۳ (/ ۳)

(۴) الف سلامت تن*** ۱۳ (/ ۴)

(۴) ب شادابی چهره*** ۱۵ (/ ۴)

(۴) ج طول عمر*** ۱۷ (/ ۴)

۱) (۳ / ۳) فایده‌های باطنی کم خوری*** ۱۷ (/ ۳)

- (۴) الف صفای اندیشه*** ۱۷ (۴ /)
- (۴) ب فروغ دل*** ۱۷ (۴ /)
- (۴) ج رهایی از شیطان*** ۱۷ (۴ /)
- (۴) د در آمدن به ملکوت آسمان‌ها*** ۱۹ (۴ /)
- (۴) ه تقرّب به درگاه خداوند*** ۱۹ (۴ /)
- (۴) و مجموعه‌ای از منافع کم‌خوری*** ۱۹ (۴ /)
- (۲) فصل دوم: پرهیز*** ۲۳ (۲ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۵۸
- (۲) ۱ / ۳) معنای پرهیز*** ۲۳ (۳ /)
- (۲) ۲ / ۳) تشویق به پرهیز*** ۲۵ (۳ /)
- (۲) ۳ / ۳) آنچه درباره مدّت پرهیز بیمار، روایت شده است*** ۲۷ (۳ /)
- (۲) فصل سوم: گرسنگی کشیدن*** ۲۹ (۲ /)
- (۳) ۱ / ۳) تشویق به گرسنگی کشیدن*** ۲۹ (۳ /)
- (۳) ۲ / ۳) فایده‌های جسمی گرسنگی کشیدن*** ۳۱ (۳ /)
- (۴) الف سلامت تن*** ۳۱ (۴ /)
- (۴) ب خوش مزگی غذا*** ۳۳ (۴ /)
- (۳) ۳ / ۳) فایده‌های روحی گرسنگی کشیدن*** ۳۳ (۳ /)
- (۴) الف دامن در کشیدن از گناه*** ۳۳ (۴ /)
- (۴) ب رهایی از شیطان*** ۳۳ (۴ /)
- (۴) ج تقرّب به درگاه خداوند*** ۳۵ (۴ /)
- (۴) د [رسیدن به علم و حکمت*** ۳۵ (۴ /)
- (۴) ه دیدن خداوند با دیده دل*** ۳۷ (۴ /)
- (۲) فصل چهارم: پُرخوری*** ۳۹ (۲ /)
- (۴) ۱ / ۳) نکوهش پُرخوری*** ۳۹ (۳ /)
- (۴) ۲ / ۳) نکوهش خوردن غذاهای رنگارنگ*** ۴۳ (۳ /)
- (۴) ۳ / ۳) زیان‌های ظاهری پُرخوری*** ۴۵ (۳ /)
- (۴) الف انواع ناتن درستی‌ها*** ۴۵ (۴ /)
- (۴) ب کاهش تندرستی*** ۴۷ (۴ /)
- (۴) ج گندبویی*** ۴۷ (۴ /)
- (۴) ۴ / ۳) زیان‌های باطنی پُرخوری*** ۴۹ (۳ /)
- (۴) الف تباهی پاک‌دامنی*** ۴۹ (۴ /)
- (۴) ب تباهی نفس*** ۴۹ (۴ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۵۹

- (۴) ج پوشیده ماندن تیزهوشی *** ۵۱ (۴ /)
- (۴) د ظلمت دل *** ۵۱ (۴ /)
- (۴) ه آشفته‌گی خواب‌ها *** ۵۳ (۴ /)
- (۴) و کمی عبادت *** ۵۳ (۴ /)
- (۴) ز دوری از خداوند *** ۵۷ (۴ /)
- (۴) ح گرسنگی در روز قیامت *** ۶۱ (۴ /)
- (۴) ۵ / ۳ مجموعه‌ای از زیان‌های پُرخوری *** ۶۳ (۳ /)
- (۴) ۶ / ۳ زیان‌های خوردن پس از سیری *** ۶۵ (۳ /)
- (۲) فصل پنجم: آداب غذا خوردن *** ۶۷ (۲ /)
- (۵) ۱ / ۳ شستن دست‌ها پیش و پس از غذا *** ۶۷ (۳ /)
- (۵) ۲ / ۳ گذاردن سبزی در سفره *** ۷۳ (۳ /)
- (۵) ۳ / ۳ درآوردن کفش‌ها *** ۷۵ (۳ /)
- (۵) ۴ / ۳ بر زبان آوردن نام خدا *** ۷۵ (۳ /)
- (۵) ۵ / ۳ خوردن با دست راست *** ۸۱ (۳ /)
- (۵) ۶ / ۳ آغاز کردن غذا با نمک و به پایان بردن آن با نمک یا سرکه *** ۸۱ (۳ /)
- (۵) ۷ / ۳ خوردن غذا به هنگام گرسنگی و اشتها *** ۸۵ (۳ /)
- (۵) ۸ / ۳ آغاز کردن با سبک‌ترین غذا *** ۸۷ (۳ /)
- (۵) ۹ / ۳ خوردن غذای گرم، پیش از سرد شدن *** ۸۷ (۳ /)
- (۵) ۱۰ / ۳ برداشتن لقمه‌های کوچک و جویدن کامل غذا *** ۸۷ (۳ /)
- (۵) ۱۱ / ۳ دست کشیدن از غذا پیش از سیری *** ۸۹ (۳ /)
- (۵) ۱۲ / ۳ دست کشیدن بر چهره و دعا کردن پس از شستن دستان *** ۹۱ (۳ /)
- (۵) ۱۳ / ۳ به پشت دراز کشیدن پس از غذا *** ۹۵ (۳ /)
- (۵) ۱۴ / ۳ پرهیز از زیاده‌روی *** ۹۵ (۳ /)
- (۵) ۱۵ / ۳ پرهیز از دمیدن در غذا *** ۹۷ (۳ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۶۰
- (۵) ۱۶ / ۳ پرهیز از خوردن با دست چپ *** ۹۷ (۳ /)
- (۵) ۱۷ / ۳ پرهیز از خوردن پس از سیری *** ۹۹ (۳ /)
- (۵) ۱۸ / ۳ پرهیز از خوردن غذای داغ *** ۱۰۱ (۳ /)
- (۵) ۱۹ / ۳ پرهیز از خوردن در حالت جنابت، مگر با وضو *** ۱۰۵ (۳ /)
- (۵) ۲۰ / ۳ پرهیز از خفتن، بلافاصله پس از خوردن غذا *** ۱۰۵ (۳ /)
- (۳) رهنمودهای اسلام درباره خوردن *** ۱۰۷ (۳ /)
- (۴) یک. مهم‌ترین رهنمود *** ۱۰۸ (۴ /)
- (۴) دو. دو وعده غذا خوردن در شبانه‌روز *** ۱۰۹ (۴ /)

- (۴) سه. توصیه به کم‌خوری*** ۱۰۹ (۴ /)
- (۴) چهار. خطر پُرخوری*** ۱۰۹ (۴ /)
- (۴) پنج. مقدار خوراک مفید*** ۱۱۰ (۴ /)
- (۴) شش. برترین خوراکی و بهترین سفره*** ۱۱۰ (۴ /)
- (۴) هفت. آداب سفره*** ۱۱۰ (۴ /)
- (۴) هشت. آداب غذا خوردن*** ۱۱۱ (۴ /)
- (۴) نه. آداب پایان غذا و برجیدن سفره*** ۱۱۳ (۴ /)
- (۴) ده. آداب خوردن گوشت و میوه*** ۱۱۴ (۴ /)
- (۲) فصل ششم: آداب خوردن گوشت*** ۱۱۷ (۲ /)
- (۶) ۱ / ۳) انتخاب سردست یا قسمت‌های جلو*** ۱۱۷ (۳ /)
- (۶) ۲ / ۳) شستن گوشت پیش از پختن آن*** ۱۱۹ (۳ /)
- (۶) ۳ / ۳) گرفتن گوشت با نوک دندان‌ها*** ۱۲۱ (۳ /) [۱۱۴۸]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۲؛ ص ۵۶۰

- (۶) ۴ / ۳) پرهیز از خوردن گوشت خشکیده نمک‌سود*** ۱۲۳ (۳ /)
- (۶) ۵ / ۳) نهی از خوردن گوشت خام*** ۱۲۵ (۳ /)
- (۶) ۶ / ۳) پرهیز از اعتیاد به خوردن گوشت*** ۱۲۷ (۳ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۶۱
- (۶) ۷ / ۳) نوبت‌های خوردن گوشت*** ۱۲۷ (۳ /)
- (۶) ۸ / ۳) وا نگذاردن گوشت به مدّت چهل روز*** ۱۲۹ (۳ /)
- (۶) ۹ / ۳) تمیز نکردن کامل استخوان و نخوردن مغز استخوان*** ۱۳۳ (۳ /)
- (۲) فصل هفتم: آداب خوردن میوه*** ۱۳۵ (۲ /)
- (۷) ۱ / ۳) شستن میوه با آب*** ۱۳۵ (۳ /)
- (۷) ۲ / ۳) بردن نام خدا به هنگام خوردن*** ۱۳۵ (۳ /)
- (۷) ۳ / ۳) دعا کردن به هنگام دیدن میوه نوبر*** ۱۳۵ (۳ /)
- (۷) ۴ / ۳) خوردن هر میوه در آغاز فصلش و پرهیز از آن در پایان آن فصل*** ۱۳۷ (۳ /)
- (۷) ۵ / ۳) جدا نکردن پوست میوه*** ۱۳۷ (۳ /)
- (۷) ۶ / ۳) پرهیز از خوردن چند میوه با هم*** ۱۳۹ (۳ /)
- (۲) فصل هشتم: آداب آشامیدن*** ۱۴۳ (۲ /)
- (۸) ۱ / ۳) آنچه در آشامیدن، بایسته است*** ۱۴۳ (۳ /)
- (۴) الف آشامیدن به سه نَفَس*** ۱۴۳ (۴ /)
- (۴) ب ایستاده آب آشامیدن در روز، و نشسته آشامیدن در شب*** ۱۴۳ (۴ /)
- (۴) ج آشامیدن آب نیم‌گرم*** ۱۴۵ (۴ /)

- ۸) (۳/۲) آنچه در آشامیدن نابایسته است*** ۱۴۷ (۳/)
- (۴) الف دمیدن*** ۱۴۷ (۴/)
- (۴) ب یکجا سر کشیدن*** ۱۴۹ (۴/)
- (۴) ج آشامیدن آب بسیار داغ*** ۱۵۱ (۴/)
- (۴) د آشامیدن آب در لابه‌لای غذا خوردن*** ۱۵۱ (۴/)
- (۴) ه آشامیدن آب بر روی گوشت*** ۱۵۱ (۴/)
- (۴) و آشامیدن آب بر روی چربی*** ۱۵۳ (۴/)
- (۴) ز آشامیدن آب از مجاور دسته ظرف یا لبه شکسته آن*** ۱۵۳ (۴/)
- (۴) ح آشامیدن در ظرف‌های مسی*** ۱۵۵ (۴/)
- (۴) ط آشامیدن در حالت ناشتا*** ۱۵۵ (۴/)
- (۴) ی آشامیدن آب سرد، پس از خوردن شیرینی*** ۱۵۵ (۴/)
- (۴) ک نوشیدن آب فراوان*** ۱۵۷ (۴/)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۶۲
- (۴) ل نوشیدن آب سرد و آب جو در حمام*** ۱۵۷ (۴/)
- (۲) فصل نهم: نوبت‌های غذا*** ۱۵۹ (۲/)
- (۹) ۱/۳ صبحگاهان و شامگاهان*** ۱۵۹ (۳/)
- (۹) ۲/۳ تأکید بر خوردن ناشتایی و نهی از وا گذاردن آن*** ۱۵۹ (۳/)
- (۹) ۳/۳ تأکید بر خوردن شام و نهی از وا گذاردن آن*** ۱۶۱ (۳/)
- (۹) ۴/۳ یک وعده در روز*** ۱۶۹ (۳/)
- (۹) ۵/۳ سه وعده در دو روز*** ۱۶۹ (۳/)
- (۳) سخنی درباره احادیث مربوط به وعده‌های غذا*** ۱۷۳ (۳/)
- (۱) بخش پنجم: درمان با غذاها و گیاهان دارویی*** ۱۷۵ (۱/)
- (۲) فصل یکم: تُرنج*** ۱۸۱ (۲/)
- (۱) ۱/۳ تأکید بر خوردن تُرنج*** ۱۸۱ (۳/)
- (۱) ۲/۳ خواص تُرنج*** ۱۸۱ (۳/)
- (۱) ۳/۳ خوردن تُرنج پس از غذا*** ۱۸۳ (۳/)
- (۱) ۴/۳ نخوردن تُرنج در شب*** ۱۸۳ (۳/)
- (۱) ۵/۳ آنچه تُرنج را هضم می‌کند*** ۱۸۵ (۳/)
- (۱) ۶/۳ مَرَبَّای تُرنج*** ۱۸۷ (۳/)
- (۱) ۷/۳ نگاه کردن به تُرنج*** ۱۸۷ (۳/)
- (۲) فصل دوم: آلو*** ۱۸۹ (۲/)
- (۲) فصل سوم: برنج*** ۱۹۳ (۲/)
- (۳) ۱/۳ مهتر همه خوراکی‌ها*** ۱۹۳ (۳/)

- (۳) ۲/۳) خواص برنج *** ۱۹۳ (۳/)
- (۲) فصل چهارم: بادروج (حوک) *** ۱۹۷ (۲/)
- (۲) فصل پنجم: بادمجان *** ۲۰۳ (۲/)
- (۲) فصل ششم: باقلا *** ۲۰۹ (۲/)
- (۶) ۱/۳) خوراک عیسی *** ۲۰۹ (۳/)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۶۳
- (۶) ۲/۳) خواص باقلا *** ۲۰۹ (۳/)
- (۶) ۳/۳) خوردن باقلا با پوست آن *** ۲۱۱ (۳/)
- (۲) فصل هفتم: پیاز *** ۲۱۳ (۲/)
- (۲) فصل هشتم: خربزه *** ۲۱۷ (۲/)
- (۸) ۱/۳) خواص خربزه *** ۲۱۷ (۳/)
- (۸) ۲/۳) خوردن خربزه پیش از غذا *** ۲۲۱ (۳/)
- (۸) ۳/۳) نهی از خوردن خربزه در حالت ناشتا *** ۲۲۱ (۳/)
- (۸) ۴/۳) آداب خوردن خربزه *** ۲۲۳ (۳/)
- (۲) فصل نهم: تخم مرغ *** ۲۲۵ (۲/)
- (۹) ۱/۳) خواص تخم مرغ *** ۲۲۵ (۳/)
- (۹) ۲/۳) خوردن تخم مرغ با پیاز و روغن زیتون *** ۲۲۷ (۳/)
- (۹) ۳/۳) خوردن تخم مرغ با گوشت *** ۲۲۹ (۳/)
- (۹) ۴/۳) زرده تخم مرغ *** ۲۲۹ (۳/)
- (۹) ۵/۳) نهی از افراط در خوردن تخم مرغ *** ۲۳۱ (۳/)
- (۹) ۶/۳) تخم مرغ‌های حلال و تخم مرغ‌های حرام *** ۲۳۳ (۳/)
- (۲) فصل دهم: سیب *** ۲۳۷ (۲/)
- (۱۰) ۱/۳) خواص سیب *** ۲۳۷ (۳/)
- (۱۰) ۲/۳) خواص خوردن سیب در حالت ناشتا یا در سحرگاهان *** ۲۴۱ (۳/)
- (۱۰) ۳/۳) بوییدن سیب پیش از خوردن *** ۲۴۳ (۳/)
- (۱۰) ۴/۳) مکروه بودن خوردن سیب ترش *** ۲۴۳ (۳/)
- (۲) فصل یازدهم: تلبینه *** ۲۴۵ (۲/)
- (۲) فصل دوازدهم: خرما *** ۲۴۷ (۲/)
- (۱۲) ۱/۳) خواص خرما *** ۲۴۷ (۳/)
- (۱۲) ۲/۳) بهترین افطاری و سحری *** ۲۵۱ (۳/)
- (۱۲) ۳/۳) خواص خرما برای زن باردار و تازه‌زا *** ۲۵۳ (۳/)
- (۱۲) ۴/۳) خوردن خرما با خربزه و خیار *** ۲۵۵ (۳/)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۶۴

- (۱۲) ۵/۳ گشودن کام نوزاد با خرما*** ۲۵۷ (۳/)
- (۲) فصل سیزدهم: انجیر*** ۲۵۹ (۲/)
- (۲) فصل چهاردهم: سیر*** ۲۶۳ (۲/)
- (۲) فصل پانزدهم: پنیر*** ۲۶۵ (۲/)
- (۱۵) ۱/۳ خواص پنیر*** ۲۶۵ (۳/)
- (۱۵) ۲/۳ خوردن پنیر با گردو*** ۲۶۷ (۳/)
- (۱۵) ۳/۳ خوردن پنیر با خربزه*** ۲۶۷ (۳/)
- (۱۵) ۴/۳ زیان‌های پنیر*** ۲۶۹ (۳/)
- (۱۵) ۵/۳ خوردن پنیر در صبحگاهان و شامگاهان*** ۲۶۹ (۳/)
- (۲) فصل شانزدهم: جرجیر*** ۲۷۱ (۲/)
- (۱۶) ۱/۳ آنچه در نکوهش جرجیر روایت شده*** ۲۷۱ (۳/)
- (۱۶) ۲/۳ آنچه در نهی از خوردن جرجیر به هنگام شب رسیده است*** ۲۷۳ (۳/)
- (۱۶) ۳/۳ آنچه احادیث پیشین را رد می‌کند*** ۲۷۳ (۳/)
- (۲) فصل هفدهم: زردک*** ۲۷۷ (۲/)
- (۲) فصل هجدهم: گردو*** ۲۸۱ (۲/)
- (۲) فصل نوزدهم: هزار اسپند*** ۲۸۳ (۲/)
- (۲) فصل بیستم: سنبله*** ۲۸۷ (۲/)
- (۲) فصل بیست و یکم: شیرینی*** ۲۹۱ (۲/)
- (۲) فصل بیست و دوم: نخود*** ۲۹۳ (۲/)
- (۲) فصل بیست و سوم: نان*** ۲۹۵ (۲/)
- (۲۳) ۱/۳ خواص نان*** ۲۹۵ (۳/)
- (۲۳) ۲/۳ خواص نان جو*** ۲۹۷ (۳/)
- (۲۳) ۳/۳ خواص نان برنج*** ۲۹۷ (۳/)
- (۲۳) ۴/۳ خواص نان گاوَرَس*** ۲۹۹ (۳/)
- (۲) فصل بیست و چهارم: کاهو*** ۳۰۱ (۲/)
- (۲) فصل بیست و پنجم: سرکه*** ۳۰۳ (۲/)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۶۵
- (۲۵) ۱/۳ خواص سرکه*** ۳۰۳ (۳/)
- (۲۵) ۲/۳ خواص سرکه شراب*** ۳۰۵ (۳/)
- (۲۵) ۳/۳ آغاز کردن غذا با سرکه*** ۳۰۷ (۳/)
- (۲) فصل بیست و ششم: انار*** ۳۰۹ (۲/)
- (۲۶) ۱/۳ مهتر میوه‌ها*** ۳۰۹ (۳/)
- (۲۶) ۲/۳ خواص انار*** ۳۰۹ (۳/)

- (۲۶) ۳/۳) خواص انار شیرین*** (۳/۱) ۳۱۵
- (۲۶) ۴/۳) خواص انار ترش و شیرین (ملس)*** (۳/۱) ۳۱۷
- (۲۶) ۵/۳) خواص خوردن انار با پیه آن*** (۳/۱) ۳۱۷
- (۲) فصل بیست و هفتم: مویز*** (۲/۱) ۳۲۱
- (۲۷) ۱/۳) خواص مویز*** (۳/۱) ۳۲۱
- (۲۷) ۲/۳) خواص خوردن مویز در حالت ناشتا*** (۳/۱) ۳۲۳
- (۲۷) ۳/۳) خواص خوردن بیست و یک دانه مویز*** (۳/۱) ۳۲۵
- (۲) فصل بیست و هشتم: زیتون*** (۲/۱) ۳۲۷
- (۲۸) ۱/۳) خواص زیتون*** (۳/۱) ۳۲۷
- (۲۸) ۲/۳) خواص روغن زیتون*** (۳/۱) ۳۲۹
- (۲) فصل بیست و نهم: آویشن*** (۲/۱) ۳۳۳
- (۲) فصل سی ام: مشکک*** (۲/۱) ۳۳۷
- (۲) فصل سی و یکم: به*** (۲/۱) ۳۴۱
- (۳۱) ۱/۳) خواص به*** (۳/۱) ۳۴۱
- (۳۱) ۲/۳) فایده‌های ناشتا خوردن به*** (۳/۱) ۳۴۹
- (۳۱) ۳/۳) خواص به برای زنان باردار*** (۳/۱) ۳۵۱
- (۲) فصل سی و دوم: شکر*** (۲/۱) ۳۵۳
- (۳۲) ۱/۳) خواص شکر*** (۳/۱) ۳۵۳
- (۳۲) ۲/۳) خواص شکر طبرزد*** (۳/۱) ۳۵۷
- (۲) فصل سی و سوم: شلغم*** (۲/۱) ۳۶۱
- (۲) فصل سی و چهارم: چغندر*** (۲/۱) ۳۶۵
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۶۶
- (۲) فصل سی و پنجم: روغن حیوانی*** (۲/۱) ۳۶۹
- (۳۵) ۱/۳) خواص روغن گاو*** (۳/۱) ۳۶۹
- (۳۵) ۲/۳) مکروه بودن روغن حیوانی برای پیران*** (۳/۱) ۳۷۱
- (۲) فصل سی و ششم: سیا (سنا)*** (۲/۱) ۳۷۳
- (۲) فصل سی و هفتم: سویق*** (۲/۱) ۳۷۵
- (۳۷) ۱/۳) خواص سویق*** (۳/۱) ۳۷۵
- (۳۷) ۲/۳) خواص برخی از انواع سویق*** (۳/۱) ۳۸۱
- (۴) الف سویق جو*** (۴/۱) ۳۸۱
- (۴) ب سویق عدس*** (۴/۱) ۳۸۳
- (۴) ج سویق برنج*** (۴/۱) ۳۸۳
- (۴) د سویق سیب*** (۴/۱) ۳۸۵

- (۳ /) ۳۸۷ (۳ /) ۳۷) خواصّ سَوِيقِ خَشَكِ *** (۳ /) ۳۸۷
- (۲ /) ۳۸۹ (۲ /) ۲) فصل سی و هشتم: پیّه*** (۲ /) ۳۸۹
- (۲ /) ۳۹۳ (۲ /) ۲) فصل سی و نهم: عدس*** (۲ /) ۳۹۳
- (۲ /) ۳۹۷ (۲ /) ۲) فصل چهلّم: عسل*** (۲ /) ۳۹۷
- (۳ /) ۳۹۷ (۳ /) ۴۰) ۱ / ۳) درمان با عسل*** (۳ /) ۳۹۷
- (۳ /) ۴۰۱ (۳ /) ۴۰) ۲ / ۳) خواصّ عسل*** (۳ /) ۴۰۱
- (۲ /) ۴۰۹ (۲ /) ۲) فصل چهل و یکم: انگور*** (۲ /) ۴۰۹
- (۳ /) ۴۰۹ (۳ /) ۴۱) ۱ / ۳) تأثیر انگور در از میان رفتن اندوه*** (۳ /) ۴۰۹
- (۳ /) ۴۱۱ (۳ /) ۴۱) ۲ / ۳) آداب خوردن انگور*** (۳ /) ۴۱۱
- (۲ /) ۴۱۳ (۲ /) ۲) فصل چهل و دوم: عُنَاب*** (۲ /) ۴۱۳
- (۲ /) ۴۱۵ (۲ /) ۲) فصل چهل و سوم: سِنَجِد*** (۲ /) ۴۱۵
- (۲ /) ۴۱۷ (۲ /) ۲) فصل چهل و چهارم: تُرْب*** (۲ /) ۴۱۷
- (۲ /) ۴۱۹ (۲ /) ۲) فصل چهل و پنجم: خُرفه*** (۲ /) ۴۱۹
- (۲ /) ۴۲۳ (۲ /) ۲) فصل چهل و ششم: خیار*** (۲ /) ۴۲۳
- (۳ /) ۴۲۳ (۳ /) ۴۶) ۱ / ۳) خواصّ خیار*** (۳ /) ۴۲۳
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۶۷
- (۳ /) ۴۲۳ (۳ /) ۴۶) ۲ / ۳) آداب خوردن خیار*** (۳ /) ۴۲۳
- (۲ /) ۴۲۷ (۲ /) ۲) فصل چهل و هفتم: کدو*** (۲ /) ۴۲۷
- (۲ /) ۴۳۱ (۲ /) ۲) فصل چهل و هشتم: کباب*** (۲ /) ۴۳۱
- (۲ /) ۴۳۵ (۲ /) ۲) فصل چهل و نهم: تره*** (۲ /) ۴۳۵
- (۳ /) ۴۳۵ (۳ /) ۴۹) ۱ / ۳) خواصّ تره*** (۳ /) ۴۳۵
- (۳ /) ۴۳۹ (۳ /) ۴۹) ۲ / ۳) خوردن تره تازه*** (۳ /) ۴۳۹
- (۳ /) ۴۴۱ (۳ /) ۴۹) ۳ / ۳) خوردن تره همراه با نمک*** (۳ /) ۴۴۱
- (۲ /) ۴۴۳ (۲ /) ۲) فصل پنجاهم: کَرَفَس*** (۲ /) ۴۴۳
- (۲ /) ۴۴۵ (۲ /) ۲) فصل پنجاه و یکم: قارچ*** (۲ /) ۴۴۵
- (۲ /) ۴۵۱ (۲ /) ۲) فصل پنجاه و دوم: گلابی*** (۲ /) ۴۵۱
- (۲ /) ۴۵۳ (۲ /) ۲) فصل پنجاه و سوم: کُنْدُر*** (۲ /) ۴۵۳
- (۳ /) ۴۵۳ (۳ /) ۵۳) ۱ / ۳) خواصّ کُنْدُر*** (۳ /) ۴۵۳
- (۳ /) ۴۵۵ (۳ /) ۵۳) ۲ / ۳) فایده‌های کُنْدُر برای زنان باردار*** (۳ /) ۴۵۵
- (۲ /) ۴۵۹ (۲ /) ۲) فصل پنجاه و چهارم: شیر*** (۲ /) ۴۵۹
- (۳ /) ۴۵۹ (۳ /) ۵۴) ۱ / ۳) خواصّ شیر*** (۳ /) ۴۵۹
- (۳ /) ۴۶۱ (۳ /) ۵۴) ۲ / ۳) درمان کردن با شیر گاو*** (۳ /) ۴۶۱
- (۳ /) ۴۶۳ (۳ /) ۵۴) ۳ / ۳) شیر شتر*** (۳ /) ۴۶۳

- (۳ /) ۴۶۵ (۵۴) ماستِ چکیده ماده الاغ***
- (۳ /) ۴۶۷ (۵۴) شیر با عسل***
- (۳ /) ۴۶۷ (۵۴) ماست و نانخواه***
- (۲ /) ۴۶۹ (۲) فصل پنجاه و پنجم: گوشت***
- (۳ /) ۴۶۹ (۵۵) ۱ مهتر همه خوراکیها***
- (۳ /) ۴۷۱ (۵۵) ۲ خواص گوشت***
- (۳ /) ۴۷۳ (۵۵) ۳ خواص گوشت همراه با شیر***
- (۳ /) ۴۷۵ (۵۵) ۴ گوشت شتر***
- (۳ /) ۴۷۷ (۵۵) ۵ گوشت گاو***
- (۳ /) ۴۷۹ (۵۵) ۶ گوشت میش***
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۶۸
- (۳ /) ۴۸۱ (۵۵) ۷ گوشت کبک***
- (۳ /) ۴۸۱ (۵۵) ۸ گوشت هویره***
- (۳ /) ۴۸۱ (۵۵) ۹ گوشت مرغ***
- (۳ /) ۴۸۳ (۵۵) ۱۰ گوشت کبکنجیر***
- (۳ /) ۴۸۳ (۵۵) ۱۱ گوشت سنگخوارک***
- (۳ /) ۴۸۵ (۵۵) ۱۲ گوشت ماهی***
- (۴ /) ۴۸۵ (۵۵) ۱۲ / ۱ خوردن گوشت ماهی***
- (۴ /) ۴۸۵ (۵۵) ۱۲ / ۲ خوردن خرما یا عسل، پس از خوردن ماهی***
- (۴ /) ۴۸۷ (۵۵) ۱۲ / ۳ نهی از خوردن تخم مرغ و ماهی با همدیگر***
- (۴ /) ۴۸۷ (۵۵) ۱۲ / ۴ نهی از اعتیاد به خوردن ماهی***
- (۲ /) ۴۹۱ (۲) فصل پنجاه و ششم: لوبیا***
- (۲ /) ۴۹۳ (۲) فصل پنجاه و هفتم: ماش***
- (۲ /) ۴۹۵ (۲) فصل پنجاه و هشتم: نمک***
- (۲ /) ۴۹۹ (۲) فصل پنجاه و نهم: هلیم***
- (۲ /) ۵۰۳ (۲) فصل شصتم: کاسنی***
- (۲) فهرست منابع و مأخذ*** ۵۳۹ (۲ /) [۱۱۴۹]

[۱] (۱) المعجم الأوسط، ج ۵، ص ۲۲۹، ح ۵۱۶۵ عن أبي هريرة، كنز العمال، ج ۳، ص ۳۹۱، ح ۷۰۹۳.

[۲] (۲) تنبيه الخواطر، ج ۲، ص ۱۱۶.

[۳] (۳) شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۳۳، ح ۸۲۴.

[۴] (۴) شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۷۲، ح ۱۴۹.

[۵] (۱) المواعظ العددیة، ص ۲۱۳.

[۶] (۲) غرر الحکم، ح ۶۷۶۸، عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۷۰، ح ۶۲۴۸.

[۷] (۳) غرر الحکم، ح ۲۳۳۶.

[۸] (۴) غرر الحکم، ح ۸۴۰۹، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۵۵، ح ۸۲۲۰.

[۹] (۵) غرر الحکم، ح ۶۸۱۹، عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۷۰، ح ۶۲۴۰.

[۱۰] (۶) غرر الحکم، ح ۸۸۰۳، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۳۷، ح ۷۵۵۹.

[۱۱] (۷) تحف العقول، ص ۱۷۲، بشارة المصطفی، ص ۲۵ کلاهما عن کمیل بن زیاد، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۲۵، ح ۴۱.

[۱۲] (۸) مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۸۰، ح ۲۴۶۶، المحاسن، ج ۲، ص ۲۲۱، ح ۱۶۶۶ عن أبی الحسن علیه السلام عن عمرو بن

إبراهیم و فیہ «قصدوا» بدل «قصروا»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۲، ح ۹.

[۱۳] (۹) طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۱۳، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۱۰ نحوه.

[۱۴] (۱) فی المصدر: «تشبعین»، و التصویب من بحار الأنوار و قصص الأنبیاء.

[۱۵] (۲) علل الشرائع، ص ۴۹۷، ح ۱ عن عمر بن علی عن أبیه الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام، قصص الأنبیاء، ص ۲۷۳، ح

۳۲۸ نحوه، بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۳۲۰، ح ۲۶.

[۱۶] (۱) المواعظ العددیة، ص ۷۱.

[۱۷] (۲) غرر الحکم، ح ۸۴۶۲، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۵۶، ح ۸۲۳۶.

[۱۸] (۳) الفردوس، ج ۱، ص ۲۹۰، ح ۱۱۳۸ عن أبی هریره، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۴۴، ح ۴۰۷۷۲.

[۱۹] (۴) فی المصدر: «فلیذیب»، و الصواب ما أثبتناه.

[۲۰] (۵) الفردوس، ج ۳، ص ۵۳۶، ح ۵۶۷۲ عن ابن عباس.

[۲۱] (۶) تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۱۲۲.

[۲۲] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۲۵۲، ح ۷۵۰؛ الفردوس، ج ۱، ص ۱۰۲، ح ۳۳۸ عن أبی هریره، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۳۰۲،

ح ۴۱۱۲۰.

[۲۳] (۲) تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۱۰۰ عن ابن عباس.

[۲۴] (۳) تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۱۱۹.

[۲۵] (۴) کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۶۱، ح ۴۰۸۶۹، جامع الأحادیث للسيوطی، ج ۱، ص ۱۰۶، ح ۵۶۵ کلاهما نقلًا عن الفردوس عن

ابن عباس.

[۲۶] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۲۶۹، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۱، ح ۱۷۰۷ و فیہ «جاف» بدل «خف» و کلاهما عن أبی بصیر، جامع

الأحادیث للقمی، ص ۱۹۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۱، ح ۵.

[۲۷] (۶) تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۲۲۹، الدعوات، ص ۷۷، ح ۱۸۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۸، ح ۳۵.

[۲۸] (۱) در المحاسن ج ۲، ص ۲۳۱، ح ۱۷۰۷، به جای «سُبک»، واژه «خالی» آمده است.

[۲۹] (۱) غرر الحکم، ح ۶۱۵۳، عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۴۱، ح ۵۸۳۳.

[۳۰] (۲) مصباح الشریعة، ص ۲۳۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۷، ح ۳۳.

[۳۱] (۱) الکافی، ج ۸، ص ۲۹۱، ح ۴۴۳ عن موسی بن بکر، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۲، ح ۱۱.

- [۳۲] (۲) عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۰۹، ح ۷۲، معانی الأخبار، ص ۲۳۸، ح ۱ کلاهما عن إسماعیل الخراسانی، مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۸۰، ح ۲۴۶۷ عن الإمام الصادق علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۰، ح ۱.
- [۳۳] (۳) الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام، ص ۳۴۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۱، ح ۴.
- [۳۴] (۱) الکافی، ج ۸، ص ۲۷۳، ح ۴۰۹ عن عثمان الأحول، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۶۸، ح ۱۸.
- [۳۵] (۲) الدعوات، ص ۸۱، ح ۲۰۲، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۹، ح ۵۹.
- [۳۶] (۳) طبّ النبّی صلی الله علیه و آله، ص ۲.
- [۳۷] (۴) الأحکام النبویّة، ج ۲، ص ۷، الدرّ المنتور، ج ۳، ص ۴۴۵ نقلًا عن أبي محمّد الخلال عن عائشة؛ عوالی اللآلی، ج ۲، ص ۳۰، ح ۷۲ کلاهما نحوه.
- [۳۸] (۵) الدعوات، ص ۷۷، ح ۱۸۶، مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۸۰، ح ۲۴۶۸ عن العالم علیه السلام نحوه و ليس فيه «لا صحّة مع النهم»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۸، ح ۲.
- [۳۹] (۶) الخصال، ص ۵۱۲، ح ۳، علل الشرائع، ص ۹۹، ح ۱، المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۶۰ کلّها عن الربیع صاحب المنصور، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۲۰۵، ح ۹.
- [۴۰] (۱) در مکارم الأخلاق، به همین مضمون، با این تفاوت که در این منبع جمله آخر متن، وجود ندارد.
- [۴۱] (۱) غرر الحکم، ح ۹۲۱۰، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۳۱، ح ۷۴۰۶.
- [۴۲] (۲) غرر الحکم، ح ۵۷۹۳، عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۰۳، ح ۵۳۸۸.
- [۴۳] (۳) غرر الحکم، ح ۱۰۶۰۵، عیون الحکم و المواعظ، ص ۵۳۳، ح ۹۷۵۰.
- [۴۴] (۴) معانی الأخبار، ص ۲۳۸، ح ۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۱، ح ۱.
- [۴۵] (۵) فی المصدر: «إحدى»، و التصویب من بحار الأنوار.
- [۴۶] (۶) فی المصدر: «دنیاً»، و التصویب من بحار الأنوار.
- [۴۷] (۷) طبّ الأئمّة لابنی بسطام، ص ۵۹، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۲، ح ۸.
- [۴۸] (۸) الکافی، ج ۸، ص ۲۹۱، ح ۴۴۲، طبّ الأئمّة لابنی بسطام، ص ۵۹ کلاهما عن الحلبي، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۱، ح ۷.
- [۴۹] (۱) علامه مجلسی می گوید: در این جا، نسخه‌ها اختلاف بسیار دارند: در برخی، دال و باء (دبق) آمده، در برخی دیگر به جای دال، یاء (بیق) آمده، و در برخی، راء و سپس باء (ربق) آمده است. در طبّ الأئمّة علیهم السلام نیز «دین» آمده است. در هیچ یک از منابعی که ما در اختیار داریم، هیچ کدام از این واژه‌ها به این معنا در زبان عربی به کار نرفته است و این، یک واژه رومی (لاتینی) است (بحار الأنوار: ج ۶۲ ص ۱۴۱).
- [۵۰] (۱) تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۱۰۰؛ إتحاف السادة المتّقین، ج ۷، ص ۳۸۷ مع اختلاف یسیر و زاد فیہ «یوم القیامة».
- [۵۱] (۲) الجعفریات، ص ۱۶۵ عن الإمام الكاظم عن آبائه علیهم السلام، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۴۶۲، ح ۱۷ نقلًا عن الإمامة و التبصرة.
- [۵۲] (۳) تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۱۰۲ عن أنس؛ إتحاف السادة المتّقین، ج ۷، ص ۳۹۱.
- [۵۳] (۱) غرر الحکم، ح ۹۹۱۸، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۹۴، ح ۹۱۱۴.
- [۵۴] (۲) تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۱۰۱؛ إتحاف السادة المتّقین، ج ۷، ص ۳۹۰ عن عائشة.
- [۵۵] (۳) الدعوات، ص ۷۶، ح ۱۷۹، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۳۴۲ عن الإمام علیّ علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله، عوالی اللآلی، ج ۱، ص ۲۶۸، ح ۷۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۷، ح ۴۵؛ کتر العمّال، ج ۸، ص ۴۵۰، ح ۲۳۶۰۵ نقلًا عن ابن السنّی و أبي

نعیم فی الطب عن أبی هریره.

[۵۶] (۴) شعب الإيمان، ج ۳، ص ۴۱۲، ح ۳۹۲۳ عن أبی إسحاق الهمدانی عن الإمام علی علیه السلام، الفردوس، ج ۱، ص ۱۴۳، ح ۵۱۲ عن أبی الدرداء نحوه، کنز العمال، ج ۸، ص ۴۴۷، ح ۲۳۵۸۷.

[۵۷] (۵) غرر الحکم، ح ۱۶۸۳.

[۵۸] (۶) غرر الحکم، ح ۹۰۳، عیون الحکم و المواعظ، ص ۵۱، ح ۱۳۲۱.

[۵۹] (۱) غرر الحکم، ح ۱۰۵۶۹، عیون الحکم و المواعظ، ص ۵۳۳، ح ۹۷۳۹.

[۶۰] (۲) نزهة الناظر، ص ۱۴۱، ح ۱۸، أعلام الدین، ص ۳۱۱، بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۶۹، ح ۴.

[۶۱] (۳) غرر الحکم، ح ۹۹۲۳، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۹۳، ح ۹۱۰۳ و فيه «القنوع» بدل «التجوع».

[۶۲] (۴) غرر الحکم، ح ۹۹۴۲، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۹۴، ح ۹۱۱۳ و فيه «أسر» بدل «أشر».

[۶۳] (۵) الديوان المنسوب إلى الإمام علی علیه السلام، ص ۳۴۴، ح ۲۶۹.

[۶۴] (۶) عوالی اللآلی، ج ۱، ص ۲۷۳، ح ۹۷ و ص ۳۲۵، ح ۶۶، بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۴۲.

[۶۵] (۱) در عیون الحکم و المواعظ، به جای «گرسنگی کشیدن»، واژه «قناعت کردن» آمده است.

[۶۶] (۱) ما بین المعقوفین أثبتناه من بحار الأنوار.

[۶۷] (۲) إرشاد القلوب، ص ۱۹۹ و ۲۰۰، بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۲۲، ح ۶.

[۶۸] (۳) تنبيه الخواطر، ج ۲، ص ۱۱۹.

[۶۹] (۱) کنز العمال، ج ۹، ص ۳۷، ح ۲۴۸۱۸ نقلًا عن الحاكم فی تاریخ نیشابور و الدیلمی عن ابن عمر.

[۷۰] (۲) عوالی اللآلی، ج ۴، ص ۶۱، ح ۱۱.

[۷۱] (۳) فی المصدر: «یطلبونها»، و التصویب من بحار الأنوار.

[۷۲] (۴) عدّة الداعی، ص ۱۶۶، بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۴۵۳، ح ۲۱.

[۷۳] (۵) مشکاة الأنوار، ص ۴۴۸، ح ۱۵۰۳ عن الحسن بن محمد الصوفی السروی عن شیوخه.

[۷۴] (۶) المحجّة البيضاء، ج ۵، ص ۱۴۸ و قال فی ذیله: و روى ذلك أيضاً عن نبینا صلی الله علیه و آله.

[۷۵] (۷) إتحاف السادة المتّقین، ج ۷، ص ۳۸۸.

[۷۶] (۱) نگارنده می گوید: این گونه توصیه‌ها، اشاره به ریاضت شرعی در خوردن و پوشیدن لباس است و مجوزی برای

ریاضت‌های نامشروع نیست.

[۷۷] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۲۶۹، ح ۲، تهذیب الأحکام، ج ۹، ص ۹۲، ح ۳۹۴ کلاهما عن أبی بصیر، المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۱، ح

۱۷۰۴ عن یونس بن عمّار، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۱۶، ح ۱۰۱۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۵، ح ۲۲.

[۷۸] (۲) سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۱۱، ح ۳۳۴۹، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۵۹۰، ح ۲۳۸۰، مسند ابن حنبل، ج ۶، ص ۹۳، ح

۱۷۱۸۶، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۱۳۵، ح ۷۱۳۹ کلّها عن المقدم بن معدیکرب نحوه، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۶۱،

ح ۴۰۸۷۰؛ المحاسن، ج ۲، ص ۲۲۲، ح ۱۶۶۸ عن الإمام الصادق علیه السلام نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۵، ح ۱۹.

[۷۹] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۲۶۸، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۳، ح ۱۷۱۳، المعجازات النبویة، ص ۳۷۶، ح ۲۹۱ و لیس فی صدره،

بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۲۵، ح ۱.

[۸۰] (۱) صحیح البخاری، ج ۵، ص ۲۰۶۱، ح ۵۰۷۸، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۲۶۶، ح ۱۸۱۸، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۸۴، ح

۳۲۵۷ کلّها عن ابن عمر، کنز العمال، ج ۱، ص ۱۵۶، ح ۷۸۰ نقلًا عن المعجم الكبير عن سمرة و فيه «المنافق» بدل «الکافر»؛ الخصال،

- ص ۳۵۱، ح ۲۹ عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، جامع الأخبار، ص ۲۱۷، ح ۵۴۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۲۵، ح ۱.
- [۸۱] (۲) مسند ابن حنبل، ج ۱۰، ص ۳۵۰، ح ۲۷۲۹۵ و راجع صحيح مسلم، ج ۳، ص ۱۶۳۲، ح ۱۸۶ و التاريخ الكبير، ج ۸، ص ۱۱۹، ح ۲۴۱۵ و كنز العمال، ج ۱، ص ۳۶۵، ح ۱۶۰۸.
- [۸۲] (۳) المستدرک على الصحيحين، ج ۴، ص ۱۳۵، ح ۷۱۴۱.
- [۸۳] (۱) در كنز العمال، به جای «كافر»، واژه «منافق» آمده است.
- [۸۴] (۱) غرر الحكم، ح ۷۱۱۰، عيون الحكم و المواعظ، ص ۳۹۰، ح ۶۶۰۸.
- [۸۵] (۲) إرشاد القلوب، ص ۱۹۹ و ۲۰۱، بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۲۳، ح ۶.
- [۸۶] (۳) الأمالی للطوسی، ص ۵۳۸، ح ۱۱۶۲، مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۳۸۰، ح ۲۶۶۱، تنبيه الخواطر، ج ۲، ص ۶۶ کلها عن أبي ذر، بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۹۰، ح ۳.
- [۸۷] (۴) المعجم الكبير، ج ۸، ص ۱۰۷، ح ۷۵۱۲ و ح ۷۵۱۳، المعجم الأوسط، ج ۳، ص ۲۴، ح ۲۳۵۱، مسند الشاميين، ج ۲، ص ۳۴۲، ح ۱۴۵۸، حلیه الأولیاء، ج ۶، ص ۹۰، کلها عن أبي امامه، كنز العمال، ج ۳، ص ۵۶۱، ح ۷۹۱۱.
- [۸۸] (۵) المستدرک على الصحيحين، ج ۳، ص ۶۵۷، ح ۶۴۱۸، المعجم الأوسط، ج ۷، ص ۳۷۲، ح ۷۷۶۱، و ليس فيه من «و يلبسون» إلى «الدواب ألواناً» و كلاهما عن عبد الله بن جعفر، شعب الإيمان، ج ۵، ص ۳۳، ح ۵۶۶۹ عن فاطمة عليها السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه، كنز العمال، ج ۳، ص ۵۶۱، ح ۷۹۱۳. راجع: موسوعة ميزان الحكمة / الأئمة / شرار امتی / المترفون.
- [۸۹] (۱) مداینی می گوید: عرب‌ها با غذاهای رنگارنگ، آشنایی نداشتند و خوراکیشان قدری گوشت بود که با آب و نمک پخته می‌شد، تا آن که روزگار معاویه فرا رسید. او از غذاهای رنگارنگ استفاده کرد و غذا را زینت داد. البته وی به رغم همه رنگارنگی خوراکی، هرگز سیر نشد تا زمانی که مُرد؛ چرا که پیامبر خدا او را نفرین کرده و فرموده بود: خداوند، هرگز شکمت را سیر نکند! (تنبيه الخواطر: ج ۱ ص ۴۸).
- [۹۰] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۷، ح ۸ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۱۶۵، ح ۱۴۵۳ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۸۴، ح ۱۸.
- [۹۱] (۲) غرر الحكم، ح ۹۲۱۹، عيون الحكم و المواعظ، ص ۴۲۶، ح ۷۲۱۹.
- [۹۲] (۳) غرر الحكم، ح ۱۳۶۳.
- [۹۳] (۴) غرر الحكم، ح ۶۸۱۴، عيون الحكم و المواعظ، ص ۳۷۰، ح ۶۲۳۶.
- [۹۴] (۵) غرر الحكم، ح ۹۱۲، عيون الحكم و المواعظ، ص ۵۱، ح ۱۳۲۲.
- [۹۵] (۶) غرر الحكم، ح ۲۶۸۱، عيون الحكم و المواعظ، ص ۹۷، ح ۲۲۴۸.
- [۹۶] (۱) غرر الحكم، ح ۶۷۴۹، عيون الحكم و المواعظ، ص ۳۷۱، ح ۶۲۶۱.
- [۹۷] (۲) نهج البلاغه، الحكمة ۱۷۱، خصائص الأئمة عليهم السلام، ص ۱۱۰، غرر الحكم، ح ۶۹۳۳، بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۶۶، ح ۲۹.
- [۹۸] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۲۶۹، ح ۸ المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۲، ح ۱۷۱۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۶، ح ۲۹.
- [۹۹] (۴) غرر الحكم، ح ۸۹۰۳، عيون الحكم و المواعظ، ص ۴۳۴، ح ۷۵۰۰.
- [۱۰۰] (۵) مائة كلمة للجاحظ، ص ۳۲، ح ۱۶، ينابيع المودة، ج ۲، ص ۴۱۳، ح ۱۰۳؛ الدعوات، ص ۷۷، ح ۱۸۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۸، ح ۵۲.

- [۱۰۱] (۶) غرر الحکم، ح ۱۰۵۷۰، عیون الحکم و المواعظ، ص ۵۳۳، ح ۹۷۳۵.
- [۱۰۲] (۷) مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۱۳، ح ۱۹۶۳۲ نقلًا عن القطب الراوندی فی لبّ اللباب.
- [۱۰۳] (۸) غرر الحکم، ح ۷۱۲۱، عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۹۰، ح ۶۶۱۲.
- [۱۰۴] (۱) الرّغیب: الواسع (النهاية، ج ۲، ص ۲۳۷).
- [۱۰۵] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۲۶۹، ح ۳ عن السکونی عن الإمام الصادق علیه السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۰، ح ۱۷۰۲ عن النوفلی عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله. بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۵، ح ۲۰؛ تاریخ دمشق، ج ۴۷، ص ۱۸۷ عن أبي الدرداء نحوه، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۵۳، ح ۴۴۳۴۴.
- [۱۰۶] (۳) غرر الحکم، ح ۹۹۲۲، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۹۳، ح ۹۱۰۶.
- [۱۰۷] (۴) غرر الحکم، ح ۶۵۹، عیون الحکم و المواعظ، ص ۲۵، ح ۲۴۹.
- [۱۰۸] (۵) غرر الحکم، ح ۱۳۶۴، عیون الحکم و المواعظ، ص ۲۵، ح ۲۴۹ و لیس فیہ «یورث الأشر».
- [۱۰۹] (۶) غرر الحکم، ح ۴۴۰۸، عیون الحکم و المواعظ، ص ۱۹۳، ح ۳۹۷۲.
- [۱۱۰] (۷) الکافی، ج ۶، ص ۲۷۰، ح ۱۰ عن أبي عبيدة، المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۱، ح ۱۷۰۵ عن الحسين بن مختار عن الإمام الصادق علیه السلام، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵۶، ح ۴۲۵۵ عن الإمام الصادق علیه السلام نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۶، ح ۲۳.
- [۱۱۱] (۸) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۲۰، ح ۱۰۲۵، جامع الأخبار، ص ۵۱۵، ح ۱۴۵۳، تنبیہ الخواطر، ج ۱، ص ۴۶، روضه الواعظین، ص ۵۰۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۱، ح ۷.
- [۱۱۲] (۱) عدّه الداعی، ص ۲۹۴، أعلام الدین، ص ۳۳۹ عن أبي هريرة، بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۱۸۲، ح ۱۰ و ج ۱۰۳، ص ۲۷، ح ۴۰.
- [۱۱۳] (۲) طبّ النبی صلی الله علیه و آله، ص ۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۳.
- [۱۱۴] (۳) غرر الحکم، ح ۷۱۲۰، عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۸۹، ح ۶۵۷۲.
- [۱۱۵] (۴) غرر الحکم، ح ۸۴۵۸ و ۸۴۵۹، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۲۰، ح ۷۱۱۷.
- [۱۱۶] (۵) غرر الحکم، ح ۱۰۵۲۸، عیون الحکم و المواعظ، ص ۵۳۲، ح ۹۷۰۱.
- [۱۱۷] (۶) غرر الحکم، ح ۶۵۲ و ۳۴۵، عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۹، ح ۸۷۵.
- [۱۱۸] (۷) غرر الحکم، ح ۱۰۵۷۲.
- [۱۱۹] (۸) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۲۰، ح ۱۰۲۶، جامع الأخبار، ص ۵۱۵، ح ۱۴۵۲، روضه الواعظین، ص ۵۰۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۱، ح ۷.
- [۱۲۰] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲جلد، مؤسسه علمی، فرهنگ‌ی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.
- [۱۲۱] (۱) شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۲۵، ح ۷۲۳.
- [۱۲۲] (۲) غرر الحکم، ح ۴۱۳۹.
- [۱۲۳] (۳) غرر الحکم، ح ۲۶۳۹، عیون الحکم و المواعظ، ص ۹۶، ح ۲۲۱۲.
- [۱۲۴] (۴) فی الطبعة المعتمدة: «لا تجتمع»، و التصویب من طبعة بیروت و طهران و عیون الحکم و المواعظ.
- [۱۲۵] (۵) غرر الحکم، ح ۱۰۵۶۸، عیون الحکم و المواعظ، ص ۵۳۳، ح ۹۷۴۰.

- [۱۲۶] (۶) مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۳۴۰، ح ۶۹۵۵ نقلًا عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب.
- [۱۲۷] (۷) المحاسن، ج ۲، ص ۲۲۲، ح ۱۶۶۷ عن حفص بن غياث، جامع الأخبار، ص ۵۱۵، ح ۱۴۵۴ من دون إسنادٍ إلى المعصوم و ليس فيه من «ثُمَّ قال أبو عبد الله عليه السلام: يا حفص...» بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۱۶، ح ۵۲.
- [۱۲۸] (۱) عبارت «امام صادق عليه السلام سپس فرمود: ای حفص!...» به بعد، نیامده است.
- [۱۲۹] (۱) ربيع الأبرار، ج ۲، ص ۶۷۳، شرح نهج البلاغة، ج ۱۹، ص ۱۸۸؛ تنبيه الخواطر، ج ۱، ص ۴۷.
- [۱۳۰] (۲) حلية الأولياء، ج ۸، ص ۱۴۸، تاريخ دمشق، ج ۶۴، ص ۲۰۵، حياة الحيوان الكبرى، ج ۱، ص ۲۶۵ نحوه و ليس فيه من «فقال له يحيى: على ذلك...»؛ بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۶۵، ح ۱۵۰.
- [۱۳۱] (۱) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۲۰، ح ۱۰۲۴، جامع الأخبار، ص ۵۱۵، ح ۱۴۵۲، روضة الواعظين، ص ۵۰۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۱، ح ۷؛ الفردوس، ج ۴، ص ۲۴۷، ح ۶۷۳۰ عن أبي هريرة.
- [۱۳۲] (۲) عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۳۶، ح ۸۹ عن أحمد بن عامر الطائي، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام، ص ۱۰۹، ح ۶۶ كلاهما عن الإمام الرضا عن آباءه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۳، ح ۱۴.
- [۱۳۳] (۳) تنبيه الخواطر، ج ۱، ص ۱۰۰.
- [۱۳۴] (۴) كنز العمال، ج ۱۶، ص ۸۷، ح ۴۴۰۲۹ نقلًا عن الديلمي عن أبي هريرة.
- [۱۳۵] (۵) الأمل للمفيد، ص ۱۹۲، ح ۲۱ عن أبي حفص العطار، المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۲، ح ۱۷۰۸ عن أبي جعفر العطار نحوه مختصراً و كلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۸، ح ۳۴.
- [۱۳۶] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۲۷۰، ح ۱۱، المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۲، ح ۱۷۰۹ كلاهما عن أبي الجارود، جامع الأحاديث للقمي، ص ۲۰۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۱، ح ۵ و ص ۳۳۶، ح ۲۷.
- [۱۳۷] (۲) جامع الأحاديث للقمي، ص ۲۰۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۱، ح ۵.
- [۱۳۸] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۲۶۹، ح ۹، المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۱، ح ۱۷۰۳ كلاهما عن صالح النيلي، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۵، ح ۲۱.
- [۱۳۹] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۲۶۹، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۱، ح ۱۷۰۷ و فيه «جاف» بدل «خفّ» و كلاهما عن أبي بصير، بحار الأنوار، ج ۶، ص ۳۳۱، ح ۵ و ص ۳۳۶، ح ۲۵ و راجع: جامع الأحاديث للقمي، ص ۱۹۹.
- [۱۴۰] (۱) سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۱۲، ح ۳۳۵۱، المستدرک على الصحيحين، ج ۳، ص ۶۹۹، ح ۶۵۴۵ كلاهما عن سلمان، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۶۴۹، ح ۲۴۷۸ عن ابن عمر و كلاهما نحوه، كنز العمال، ج ۳، ص ۱۹۸، ح ۶۱۵۵.
- [۱۴۱] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۲۶۹، ح ۵، تهذيب الأحكام، ج ۹، ص ۹۲، ح ۳۹۵ كلاهما عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام عن أبي ذرّ، المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۳، ح ۱۷۱۵ عن السكوني عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عن أبي ذرّ، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۱۰۰۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۹، ح ۳ و ج ۷۶، ص ۵۷، ح ۴.
- [۱۴۲] (۳) عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۳۸، ح ۱۱۳ عن أحمد بن عامر الطائي، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۳۲، ح ۱۳۰ كلاهما عن الإمام الرضا عن آباءه عليهم السلام، روضة الواعظين، ص ۵۰۰ و ليس فيه «فما ملأ أبو جحيفة...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۲، ح ۱۲؛ المستدرک على الصحيحين، ج ۴، ص ۱۳۵، ح ۷۱۴۰، شعب الإيمان، ج ۵، ص ۲۶، ح ۵۶۴۳، التاريخ الكبير (كتاب الكنى)، ج ۸، ص ۳۱، ح ۲۶۹، المعجم الكبير، ج ۲۲، ص ۱۲۷، ح ۳۲۷ كلّها نحوه، كنز العمال، ج ۳، ص ۲۰۰، ح ۶۱۶۲.
- [۱۴۳] (۴) الأمل للطوسي، ص ۳۴۶، ح ۷۱۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۳، ح ۱۳ و ج ۷۳، ص ۹۹، ح ۸۴؛ المعجم الكبير، ج ۶،

ص ۲۳۶، ح ۶۰۸۷ عن زید بن وهب و ص ۲۶۹، ح ۶۱۸۳ عن عامر بن عطیة، شعب الایمان، ج ۵، ص ۲۷، ح ۵۶۴۵ عن عقبه بن عامر و کلها نحوه، حلیة الأولیاء، ج ۱، ص ۱۹۸ و فيه «أطولهم» بدل «أكثرهم»، کنز العمیال، ج ۱۳، ص ۴۲۴، ح ۳۷۱۲۶ نقلًا عن العسکری فی الأمثال.

[۱۴۴] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۳، ح ۱۷۱۶ عن السکونی، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۹، ح ۲.

[۱۴۵] (۲) الدعوات، ص ۷۴، ح ۱۷۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۸، ح ۳۵ و ج ۶۲، ص ۲۶۶، ح ۴۱.

[۱۴۶] (۳) غرر الحکم، ح ۲۷۴۲، عیون الحکم و المواعظ، ص ۱۰۱، ح ۲۳۰۵.

[۱۴۷] (۴) شرح نهج البلاغة، ج ۲۰، ص ۳۲۰، ح ۶۷۴.

[۱۴۸] (۱) تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۱۰۲، جامع الأخبار، ص ۵۱۶، ح ۱۴۵۶.

[۱۴۹] (۲) مصباح الشریعة، ص ۲۵۳، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۸۹، ح ۱۸.

[۱۵۰] (۳) مصباح الشریعة، ص ۲۳۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۷، ح ۳۳.

[۱۵۱] (۴) الأمالی للصدوق، ص ۶۳۶، ح ۸۵۴ عن عبد الحمید بن عواض الطائی عن الإمام الکاظم عن آبائه علیهم السلام، الکافی، ج ۶، ص ۲۶۹، ح ۷، تهذیب الأحکام، ج ۹، ص ۹۳، ح ۳۹۹، المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۲، ح ۱۷۱۰ کلها عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۱، ح ۸.

[۱۵۲] (۵) الدعوات، ص ۸۱، ح ۲۰۲، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۹، ح ۵۹ و ج ۶۶، ص ۴۱۲، ح ۹.

[۱۵۳] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۲۰۱، ح ۱۵۹۱ عن معاویة بن عمّار عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۵۶، ح ۱۷.

[۱۵۴] (۲) فی الدعوات و مسند الشهاب و بحار الأنوار: «اللمم» بدل «الهّم». و اللمم: طرف من الجنون، و أصله فی کلامهم المقاربة للشیء (بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۶۴).

[۱۵۵] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۰۱، ح ۹۵۰، الدعوات، ص ۱۴۲، ح ۳۶۴ و لیس فيه «و یصحّ البصر»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۶۴، ح ۴۲؛ مسند الشهاب، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۳۱۰ عن سهل بن إبراهیم المروزی عن الإمام الکاظم عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله.

[۱۵۶] (۴) الأمالی للطوسی، ص ۵۹۰، ح ۱۲۲۵، تهذیب الأحکام، ج ۹، ص ۹۷، ح ۴۲۳ عن القدّاح عن الإمام الصادق علیه السلام، الکافی، ج ۶، ص ۲۹۰، ح ۱ عن ابن القدّاح کلاهما نحوه و ح ۴ عن السکونی و کلاهما عن الإمام الصادق علیه السلام، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵۸، ح ۴۲۶۴ و فیهما صدره إلى «طعامه» و ح ۴۲۶۵ نحوه، المحاسن، ج ۲، ص ۲۰۰، ح ۱۵۸۸ عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۶۴، ح ۴۰.

[۱۵۷] (۱) در متن عربی، واژه «وضو» به کاررفته است که در اصل، به معنای تمیزی و پاکی است. می گویی: وَضُوْ، وَضُوْ، یَوْضُوْ وَضَاءً. البتّه در شرع، «وضو»، نامی برای «طهارت جستن و آماده شدن برای نماز» شده است و می گویی: تَوَضَّأْتُ (وضو گرفتم). نیز واژه «وضوء» به معنای آبی است که شخص با آن وضو می گیرد.

در این حدیث، واژه «وضوء» به همان معنای لغوی خود، یعنی پاکیزگی و تمیزی، به کار رفته و کنایه از شستن دست هاست (بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۳۶۴). همچنین، ر. ک: ح ۱۲۸۵.

[۱۵۸] (۲) در الدعوات، مسند الشهاب و بحار الأنوار، به جای «الهّم (اندوه)» واژه «اللمم» آمده که به معنای «نوعی دیوانگی» است. اصل این واژه در زبان عربی، برای دلالت بر «نزدیک شدن یا نزدیک بودن به چیزی» به کار رفته است (بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۳۶۴).

- [۱۵۹] (۱) سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۹۶، ح ۳۲۹۶ عن فاطمة عليها السلام، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۴۲، ح ۴۰۷۵۹.
- [۱۶۰] (۲) سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۹۶، ح ۳۲۹۷، مسند ابن حنبل، ج ۳، ص ۲۵۱، ح ۵۸۳۹، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۲۸۹، ح ۱۸۵۹ و ۱۸۶۰، سنن الدارمی، ج ۱، ص ۵۳۷، ح ۱۹۹۱ و فيه «فعرض له عارض» بدل «فأصابه شيء» و كَلَّها عن أبي هريرة و ليس فيها «فلم يغسل يده»، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۴۳، ح ۴۰۷۶۸.
- [۱۶۱] (۳) كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۴۴، ح ۴۰۷۷۰ نقلًا عن الكامل في ضعفاء الرجال عن ابن عمر.
- [۱۶۲] (۴) مسند أبي يعلى، ج ۵، ص ۲۲۶، ح ۵۵۴۲، المعجم الأوسط، ج ۷، ص ۱۴۶، ح ۷۱۱۵ و ليس فيه «من ريح...» و كلاهما عن سالم عن أبيه، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۴۷.
- [۱۶۳] (۵) كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۶۳، ح ۴۰۸۸۷ نقلًا عن شعب الإيمان.
- [۱۶۴] (۶) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۲۱، ح ۴۱۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۶۵، ح ۴۳.
- [۱۶۵] (۱) عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۶۹، ح ۳۲۰ عن دارم بن قبيصة بن نهشل بن مجمع النهشلي الصنعاني عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۷۸، ح ۱۶۵۲ عن الإمام الرضا عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله، الخصال، ص ۶۳۲، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم، علل الشرائع، ص ۵۵۷، ح ۱ عن أبي بصير و كلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۲۱ و الثلاثة الأخيرة عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۸۸، ح ۱۰.
- [۱۶۶] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۲۹۰، ح ۳ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال، ص ۶۱۲، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم، المحاسن، ج ۲، ص ۲۰۱، ح ۱۵۸۹ عن أبي بصير و كلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام و فيهما «الرزق» بدل «العمر»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۵۳، ح ۶ و راجع الدعوات، ص ۱۴۲، ح ۳۶۵.
- [۱۶۷] (۳) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۲۱، ح ۴۱۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۶۵، ح ۴۳.
- [۱۶۸] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۲۰۲، ح ۱۵۹۴، الدعوات، ص ۱۴۲، ح ۳۶۵ عن الإمام علي عليه السلام و فيه «غسل اليدين قبل الطعام و بعده زيادة في الرزق و يجلو البصر و يذهب الفقر»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۵۶، ح ۲۰.
- [۱۶۹] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۲۹۸، ح ۱۳، المحاسن، ج ۲، ص ۲۰۶، ح ۱۶۱۱ و زاد فيه «فلم يغسلها» بعد «نظيفه»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۵۹، ح ۳۰.
- [۱۷۰] (۱) در الخصال و المحاسن، به جای «عمر»، واژه «روزی» آمده است.
- [۱۷۱] (۲) در الدعوات از امام علی علیه السلام چنین آمده است: «شستن دستان پیش و پس از غذا، موجب فزونی روزی است، دیده را جلا می دهد و فقر را از میان می برد».
- [۱۷۲] (۱) طب النبوی صلی الله علیه و آله، ص ۱۱، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۲، ح ۱۲۷۸ و فيه «فی الحديث: خَضَرُوا...»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۰۰ و ج ۶۶، ص ۱۹۹، ح ۳؛ الفردوس، ج ۲، ص ۲۹۲، ح ۳۳۳۳ عن أبي امامة، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۴۶، ح ۴۰۷۸۱.
- [۱۷۳] (۲) الأُمالي للطوسي، ص ۳۰۴، ح ۶۰۶ عن أبي قتادة، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۲، ح ۱۲۸۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۹۹، ح ۱.
- [۱۷۴] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۲، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۹، ح ۲۰۳۱ و زاد فيه «و الفطور» بعد «بطبق»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۹۹، ح ۴.
- [۱۷۵] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۲، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۹، ح ۲۰۳۰ و فيه «و حبسني» بدل «فأجلسني»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۹۹، ح ۲ و ص ۴۲۵، ح ۴۴.

- [۱۷۶] (۱) طَبَق، مُعَرَّب است. اصلش تبوک و فارسی است: ظرفی که می‌خورند بر آن. (ر. ک: لغت‌نامه دهخدا).
- [۱۷۷] (۲) عَلَّامَه مجلسی در این باره می‌نویسد: سبز است، یعنی نورانی است به نوری سبز، و از همین روی، به همانند خویش می‌گردد؛ یا این عبارت، کنایه از آن است که دل‌های مؤمنان به حکمت‌ها و معارف، آباد است و این سرسبزی معنوی را با سبز بودن دل، مناسبتی است که ما به آن ناآگاهیم؛ یا معنای این عبارت، آن است که چون دل‌های مؤمنان به کشتزارهای حکمت، سرسبز شده است، به آنچه در آن جنبه‌ای از حُسن و سودمندی وجود دارد، تمایل می‌یابد و سبزی هم یکی از همین چیزهاست» (بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۲۰۰).
- [۱۷۸] (۱) المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۳۹۵، ح ۵۴۹۶ عن أنس، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۳۵، ح ۴۰۷۲۵؛ المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۵، ح ۱۷۲۲ عن النوفلی بإسناده، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۲۷۰، ح ۸۱۷ و فيه «إذا أكلتم فاخلعوا نعالکم فیئنه أروح للقدمین و...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۱۹، ح ۲۹.
- [۱۷۹] (۲) سنن الدارمی، ج ۱، ص ۵۴۲، ح ۲۰۰۷، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۱۳۳، ح ۷۱۲۹ و فيه «لأبدانکم» بدل «لأفدامکم»، المعجم الأوسط، ج ۳، ص ۲۹۵، ح ۳۲۰۲ و فیهما «أكلتم» بدل «وضع الطعام» و کلها عن أنس، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۳۵، ح ۴۰۷۲۸؛ الأمالی للطوسی، ص ۳۱۱، ح ۶۳۲ و فيه «أكلتم» بدل «وضع» عن أنس، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۱۶، ح ۱۷.
- [۱۸۰] (۳) مسند أبی یعلی، ج ۴، ص ۱۷۹، ح ۴۱۷۲ عن أنس، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۳۵، ح ۴۰۷۲۷.
- [۱۸۱] (۴) تاریخ دمشق، ج ۶۰، ص ۳۲۵ عن عقبه بن عامر، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۳۸، ح ۴۰۷۴۱.
- [۱۸۲] (۱) در المستدرک علی الصحیحین، به جای «پاهایتان»، واژه «بدن‌هایتان» آمده است.
- [۱۸۳] (۱) تحف العقول، ص ۱۷۱، بشاره المصطفی، ص ۲۵ عن کمیل، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۲۵، ح ۴۱.
- [۱۸۴] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۰۹، ح ۹۸۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۸۰، ح ۴۷.
- [۱۸۵] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۲۹۵، ح ۱۸، المحاسن، ج ۲، ص ۲۱۸، ح ۱۶۵۵ کلاهما عن داوود بن فرقد، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵۵، ح ۴۲۵۳، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۱۸، ح ۳۹۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۶۹، ح ۶.
- [۱۸۶] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۲۱۹، ح ۱۶۵۸ عن عبد الله الأرجانی عن الإمام الصادق علیه السلام عن آبائه علیهم السلام، الدعوات، ص ۸۰، ح ۱۹۹، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵۶، ح ۴۲۵۴ عن الإمام الصادق علیه السلام نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۷۹، ح ۴۱ و ص ۴۱۲، ح ۹.
- [۱۸۷] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۲۱۹، ح ۱۶۵۶ و ص ۲۰۹، ح ۱۶۲۳ عن مسمع أبی سَیَّار نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۷۸، ح ۳۹ و ص ۳۷۰، ح ۸.
- [۱۸۸] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۲۹۵، ح ۱۹، المحاسن، ج ۲، ص ۲۱۹، ح ۱۶۵۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۷۸، ح ۴۰.
- [۱۸۹] (۳) طَب الأئمة لابنی بسطام، ص ۶۰ عن جابر عن الإمام الباقر علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۸۰، ح ۴۶ و راجع: الإمامک قبل الشبع، ح ۱۳۲۹.
- [۱۹۰] (۱) مسند ابن حنبل، ج ۹، ص ۵۲۵، ح ۲۵۴۲۸، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۵۲۷، ح ۴۲۰۳۸ نقلًا عن ضیاء المقدسی فی المختار و فيه «لوضوئه» بدل «لحاجته».
- [۱۹۱] (۲) صحیح البخاری، ج ۵، ص ۲۰۵۶، ح ۵۰۶۱، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۵۹۹، ح ۱۰۸، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۸۷، ح ۳۲۶۷، المعجم الكبير، ج ۹، ص ۲۷، ح ۸۲۹۹ و ليس فيها «فما زالت تلك طعمتی بعد»، مسند ابن حنبل، ج ۵، ص ۵۰۳، ح ۱۶۳۳۲ و ۱۶۳۳۰ کلاهما نحوه.
- [۱۹۲] (۳) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۱۴، ح ۳۷۷، المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۴، ح ۲۴۸۲ عن السکونی عن الإمام الصادق علیه السلام،

- الجعفریات، ص ۲۴۳ عن الإمام الكاظم عن آبائه عن الإمام عليّ عليهم السلام، الدعوات، ص ۱۴۵، ح ۳۷۸ عن الإمام عليّ عليه السلام و كلّها نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۷، ح ۱۲.
- [۱۹۳] (۱) الخصال، ص ۶۲۳، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، الكافي، ج ۶، ص ۳۲۶، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۲، ح ۲۴۷۸ كلاهما عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۵۷، ح ۴۲۵۹ و ليس في الثلاثة الأخيرة «من ابتداء...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۷، ح ۱۳.
- [۱۹۴] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۲۶، ح ۶، المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۳، ح ۲۴۸۱ كلاهما عن فروة، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۶، ح ۸.
- [۱۹۵] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۳۰، ح ۱۲ عن سليمان الديلمي، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۵۷، ح ۴۲۵۸ نحوه، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۰۷، ح ۹۷۸ و ليس فيه صدره، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۹، ح ۲۴.
- [۱۹۶] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۲۶، ح ۵، المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۳، ح ۲۴۷۹ كلاهما عن الجعفری، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۶، ح ۷.
- [۱۹۷] (۱) معرّب تریاک است و آن، دوايي مرگب است و معروف، که چند ادويه را کوفته و بيخته در شهد آميزند و آن، دافع اقسام زهرهای نباتی و حیوانی باشد (ر. ک: لغت‌نامه دهخدا: ج ۴ ص ۵۸۵۵).
- [۱۹۸] (۱) الفردوس، ج ۳، ص ۳۰۶، ح ۴۹۲۰ عن عبد الله بن عمرو، كنز العمال، ج ۱۶، ص ۸۰، ح ۴۴۰۱۱.
- [۱۹۹] (۲) كنز العمال، ج ۱۶، ص ۵۹، ح ۴۳۹۳۲ نقلًا عن الديلمي عن أنس.
- [۲۰۰] (۳) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۲۹ و ص ۶۰ و ليس فيه «و تنقى معدته» و كلاهما عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۸۰، ح ۴۶.
- [۲۰۱] (۴) مشكاة الأنوار، ص ۵۶۴، ح ۱۹۰۱ عن عنوان البصري، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۲۶، ح ۱۷.
- [۲۰۲] (۵) المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۳، ح ۱۷۱۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۷، ح ۳۰.
- [۲۰۳] (۱) في المصدر «تغذى بها» و التصحيح ما في بحار الأنوار: «التي يغتذى».
- [۲۰۴] (۲) في بعض النسخ و بحار الأنوار: «طاقتك» بدل «وطنك».
- [۲۰۵] (۳) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۱۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۱۱.
- [۲۰۶] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۱۷۲، ح ۱۴۸۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۰۲، ح ۶.
- [۲۰۷] (۵) المحاسن، ج ۲، ص ۱۷۲، ح ۱۴۸۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۰۲، ح ۷.
- [۲۰۸] (۶) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۵۵، ح ۵۷۶۲ عن حماد بن عمرو و أنس بن محمد عن أبيه، الخصال، ص ۴۸۶، ح ۶۱ عن أنس بن محمد عن أبيه، مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۳۲۱، ح ۲۶۵۶ كلّها عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۱۵، ح ۱۴.
- [۲۰۹] (۱) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۵۹، ح ۴۲۷۰، الخصال، ص ۴۸۵، ح ۶۰ كلاهما عن إبراهيم الكرخي، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۰۶، ح ۹۶۹ كلّها عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۲۴۸، ح ۱۷۷۳، روضة الواعظين، ص ۳۴۱ و فيها «المضغ الشديد» بدل «تجويد المضغ»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۱۳، ح ۱۳ و ص ۴۲۰، ح ۳۵.
- [۲۱۰] (۲) طب النبي صلى الله عليه و آله، ص ۲، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۰.
- [۲۱۱] (۳) في المصدر: «و ليجيد»، و الصواب ما أثبتناه كما في بحار الأنوار.
- [۲۱۲] (۴) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۲۹ و ص ۶۰ نحوه و كلاهما عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۸۰، ح ۴۶ و ص ۴۱۰، ح ۵.

- [۲۱۳] (۵) تحف العقول، ص ۱۷۲، بشاره المصطفی، ص ۲۵ عن کمیل بن زیاد، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۲۵، ح ۴۱.
- [۲۱۴] (۱) إبان كل شيء: وقته و حينه الذي يكون فيه (لسان العرب، ج ۱۳، ص ۴). و في بحار الأنوار: «كفايتك في أيامه» بدل «من كل صنف منه في إبانه».
- [۲۱۵] (۲) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۱۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۱۱ نحوه.
- [۲۱۶] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۲۰۴، ح ۱۶۰۳، الدعوات، ص ۱۴۳، ح ۳۶۹ عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۵۹، ح ۲۷.
- [۲۱۷] (۴) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۰۴، ح ۹۶۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۶۳، ح ۳۸.
- [۲۱۸] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۲۹۲، ح ۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۶۷، ح ۴۷.
- [۲۱۹] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۲۹۱، ح ۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۶۶، ح ۴۶.
- [۲۲۰] (۳) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۰۳، ح ۹۵۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۶۳، ح ۳۸.
- [۲۲۱] (۴) كشف الغمّة، ج ۲، ص ۳۷۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۸، ح ۱۹.
- [۲۲۲] (۱) الدعوات، ص ۸۰، ح ۲۰۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۱۲، ح ۹.
- [۲۲۳] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۲۹۹، ح ۲۱، تهذيب الأحكام، ج ۹، ص ۱۰۰، ح ۴۳۵ كلاهما عن أحمد بن محمد بن أبي نصر، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۱۶، ح ۱۰۱۳.
- [۲۲۴] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۶، ح ۱۷۲۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۱۹، ح ۳۰.
- [۲۲۵] (۴) الأعراف: ۳۱.
- [۲۲۶] (۵) سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۱۲، ح ۳۳۵۲، شعب الإيمان، ج ۵، ص ۴۶، ح ۵۷۲۱ كلاهما عن أنس، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۶۳، ح ۴۰۸۸۶.
- [۲۲۷] (۱) الدعوات، ص ۷۵، ح ۱۷۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۷، ح ۴۲.
- [۲۲۸] (۲) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۹، ح ۴۹۶۸، الأملی للصدوق، ص ۵۱۲، ح ۷۰۷ كلاهما عن الحسين بن زيد، مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۳۱۰، ح ۲۶۵۵ كلها عن الإمام الصادق عن آباءه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۰۰، ح ۱ و ج ۷۶، ص ۳۳۱، ح ۱.
- [۲۲۹] (۳) الخصال، ص ۶۱۳، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آباءه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵۸، ح ۱ و ج ۷۹، ص ۲۱۲، ح ۸.
- [۲۳۰] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲جلد، مؤسسه علمی، فرهنگي دار الحديث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.
- [۲۳۱] (۴) صحيح مسلم، ج ۳، ص ۱۶۶۱، ح ۷۰، الموطأ، ج ۲، ص ۹۲۲، ح ۵، مسند ابن حنبل، ج ۴، ص ۵۰۵، ح ۱۳۶۶۶ عن أنس؛ دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۱۹، ح ۳۹۹ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۸۹، ح ۲۶.
- [۲۳۲] (۵) الجعفریات، ص ۱۶۲ عن الإمام الكاظم عن آباءه عليهم السلام.
- [۲۳۳] (۶) الكافي، ج ۶، ص ۲۷۲، ح ۳ و ح ۱ عن جراح المدائنی نحوه، تهذيب الأحكام، ج ۹، ص ۹۳، ح ۴۰۴، المحاسن، ج ۲، ص ۲۴۳، ح ۱۷۵۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۸۷، ح ۱۳ و راجع كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۵۳، ح ۴۲۴۱.
- [۲۳۴] (۱) مسند ابن حنبل، ج ۹، ص ۳۵۵، ح ۲۴۵۳۳، المعجم الأوسط، ج ۱، ص ۹۶، ح ۲۹۲ كلاهما عن عائشة، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۶۲، ح ۴۰۸۷۶ و راجع: سنن الترمذی، ج ۴، ص ۲۵۷، ح ۱۷۹۹ و ص ۲۵۸، ح ۱۸۰۰.

- [۲۳۵] (۲) صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۵۹۸، ح ۱۰۴، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۸۸، ح ۳۲۶۸، مسند ابن حنبل، ج ۵، ص ۹۱، ح ۱۴۵۹۳ کلهما عن جابر، صحیح ابن حبان، ج ۱۲، ص ۳۴، ح ۵۲۲۹ عن سالم بن عبد الله عن أبيه نحوه، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۶۱، ح ۴۰۸۷۲.
- [۲۳۶] (۳) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۷۳، ح ۵۷۶۲ عن حماد بن عمرو و أنس بن محمد عن أبيه، الخصال، ص ۲۶۴، ح ۱۴۳ عن حماد بن عمرو و كلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۲، ح ۱۱.
- [۲۳۷] (۴) الخصال، ص ۲۶۳، ح ۱۴۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۲، ح ۱۰ و راجع: تحف العقول، ص ۹.
- [۲۳۸] (۱) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۰۳، ح ۱۴۴۴، الخصال، ص ۸۹، ح ۲۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۲، ح ۹ و ج ۷۶، ص ۵۸، ح ۴.
- [۲۳۹] (۲) اسد الغابة، ج ۱، ص ۴۲۲ الرقم ۵۰۵ عن خطاب بن محمد بن بولي عن أبيه عن جدّه، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۳۳، ح ۴۰۷۱۳ نقلًا عن عبدان عن بولاء.
- [۲۴۰] (۳) الجامع الصغير، ج ۱، ص ۴۸۴، ح ۳۱۳۴، كنز العمّال، ج ۱۵، ص ۲۳۳، ح ۴۰۷۱۴ كلاهما نقلًا عن الكامل في ضعفاء الرجال عن عائشة.
- [۲۴۱] (۴) المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۱۳۲، ح ۷۱۲۵ عن جابر، المعجم الأوسط، ج ۶، ص ۲۰۹، ح ۶۲۰، الفردوس، ج ۱، ص ۹۹، ح ۳۲۷ كلاهما عن أبي هريرة نحوه، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۴۹، ح ۴۰۸۰۲؛ الكافي، ج ۶، ص ۳۲۲، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۱۷۴، ح ۱۴۸۶ كلاهما عن محمد بن حكيم عن الإمام الصادق عليه السلام و ليس فيهما «أبردوا الطعام الحار».
- [۲۴۲] (۵) كنز العمّال، ج ۱۵، ص ۲۴۹، ح ۴۰۸۰۰ نقلًا عن مسند ابن حنبل و الطبرانی فی المعجم الكبير و صحیح ابن حبان و المستدرک للحاکم عن أسماء بنت أبي بكر.
- [۲۴۳] (۶) شعب الإيمان، ج ۵، ص ۹۴، ح ۵۹۱۲، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۵۹، ح ۴۰۸۵۶ و فيه «يمكن» بدل «يسكن».
- [۲۴۴] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۲۱، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۱۷۳، ح ۱۴۸۵، كلاهما عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال، ص ۶۱۳، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۳، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۱۴، ح ۱۰۰۱، عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۴۰، ح ۱۲۴ عن أحمد بن عامر الطائي، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۳۸، ح ۱۴۲ كلاهما عن الإمام الرضا عن آبائه عنه عليهم السلام و الثلاثة الأخيرة نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۰۱، ح ۳ و ۴ و ص ۴۱۰، ح ۷.
- [۲۴۵] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۲۲، ح ۴ عن ابن القدّاح، المحاسن، ج ۲، ص ۱۷۳، ح ۱۴۸۲ عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۷۰، ح ۸۷ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۰۲، ح ۸.
- [۲۴۶] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۲۲، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۱۷۳، ح ۱۴۸۳ كلاهما عن السكوني، الجعفریات، ص ۱۶۰ كلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۱۷، ح ۳۸۸ من دون إسنادٍ إلى الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۰۲، ح ۹.
- [۲۴۷] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۱۷۴، ح ۱۴۸۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۰۳، ح ۱۳.
- [۲۴۸] (۱) الخصال، ص ۲۷۰، ح ۹ عن ابن عباس، روضة الواعظين، ص ۳۳۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۴، ح ۱۶.
- [۲۴۹] (۲) سنن النسائي، ج ۱، ص ۱۳۹، مسند ابن حنبل، ج ۹، ص ۴۰۱، ح ۲۴۷۶۸ و زاد فيه «وضوءه للصلاة» بعد «توضأ»، صحیح ابن حبان، ج ۴، ص ۲۰، ح ۱۲۱۸، المصنّف لابن أبي شيبة، ج ۱، ص ۸۰، ح ۲، المعجم الأوسط، ج ۶، ص ۲۲۰، ح ۶۲۴۰ و زاد فيه «وضوء الصلاة» بعد «توضأ»، و فيه «توضأ» بدل «غسل يديه»، المعجم الكبير، ج ۲۳، ص ۴۰۸، ح ۹۸۰ عن أم سلمة نحوه.

- [۲۵۰] (۳) المعجم الأوسط، ج ۵، ص ۱۶۳، ح ۴۹۵۲، شعب الإیمان، ج ۵، ص ۱۲۴، ح ۶۰۴۴ کلاهما عن عائشة، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۴۵، ح ۴۰۷۷۳؛ الدعوات، ص ۷۶، ح ۱۷۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۱۲، ح ۹.
- [۲۵۱] (۱) مریم: آیه ۶۲.
- [۲۵۲] (۱) ممکن است توصیه روایات به « خوردن نمک در آغاز و پایان غذا» برای مناطقی باشد که به دلیل عرقریزی فراوان، نمک بدن کاسته می‌شود و یا برای ضد عفونی کردن دهان باشد. البته ظاهر روایات فراوانی که به این معنا توصیه کرده‌اند، این است که خوردن اندکی نمک قبل و پس از غذا، برای کسانی که بیمارند، مفید است.
- [۲۵۳] (۱) موسوعه میزان الحکمه، دائرة المعارفی است گسترده‌تر از میزان الحکمه، از همان مؤلف، همراه با تحلیل و تحقیق در زمینه‌های مختلف معارف اسلامی. جلد اول و دوم این اثر که با همکاری محققان مرکز تحقیقات دار الحدیث به انجام رسیده، منتشر گردیده است و به فضل خداوند مئان بقیه مجلدات آن نیز به تدریج، منتشر خواهد شد.
- [۲۵۴] (۱) التاریخ الکبیر، ج ۶، ص ۳۹۱ عن عمر بن علی بن ابی طالب، مسند الشامیین، ج ۳، ص ۱۲۰، ح ۱۹۱۲ و ح ۱۹۱۳ کلاهما عن ابی هریره من دون إسناده إلى المعصوم.
- [۲۵۵] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۵، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۲، ح ۱۸۳۰ کلاهما عن زرارة، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۱، ح ۶۰؛ سنن أبی داوود، ج ۳، ص ۳۵۰، ح ۳۷۸۱ عن عبد الله بن مسعود، مسند ابن حنبل، ج ۹، ص ۲۲۸، ح ۲۳۹۲۰ عن أبی رافع، المعجم الکبیر، ج ۲۲، ص ۳۳۶، ح ۸۴۲ عن أبی عیید و الثلاثة الأخيرة من دون إسناده إلى الإمام الباقر علیه السلام، كنز العمال، ج ۷، ص ۱۰۳، ح ۱۸۱۷۰.
- [۲۵۶] (۳) مسند ابن حنبل، ج ۲، ص ۳۰۵، ح ۵۰۸۹، البداية و النهایة، ج ۶، ص ۱۲۱.
- [۲۵۷] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۵، ح ۳ عن ابن القداح، المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۲، ح ۱۸۳۱ عن ابن القداح عن الإمام الباقر علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۱، ح ۶۱.
- [۲۵۸] (۲) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۱۰، ح ۳۵۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۶، ح ۷۳.
- [۲۵۹] (۳) الدعوات، ص ۱۴۰، ح ۳۵۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۵، ح ۷۰.
- [۲۶۰] (۴) قصص الأنبياء، ص ۲۷۴، ح ۳۳۰ عن ابن سنان عن الإمام الصادق علیه السلام، علل الشرائع، ص ۵۷۵، ح ۱ عن عمر بن علی عن الإمام علی علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۳۲۱، ح ۲۸ و ج ۶۲، ص ۱۶۱، ح ۶.
- [۲۶۱] (۱) سنن الترمذی، ج ۴، ص ۲۷۶، ح ۱۸۳۵، المعجم الکبیر، ج ۸، ص ۴۸، ح ۷۳۳۱ و ص ۴۹، ح ۷۳۳۲ و فیهما «انتھشوا» و «نهشاً» بدل «انهسوا» و «نهساً» و کلها عن صفوان بن امیة، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۳۶، ح ۴۰۷۳۲.
- [۲۶۲] (۲) مسند ابن حنبل، ج ۱۰، ص ۴۵۲، ح ۲۷۷۱۴، المعجم الکبیر، ج ۸، ص ۴۹، ح ۷۳۳۳ کلاهما عن صفوان بن امیة، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۱۲۶، ح ۷۱۰۳ عن صفوان بن ابی امیة، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۴۶، ح ۴۰۸۸۳.
- [۲۶۳] (۳) سنن أبی داوود، ج ۳، ص ۳۵۰، ح ۳۷۷۹، مسند ابن حنبل، ج ۱۰، ص ۴۵۲، ح ۲۷۷۱۴، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۱۲۶، ح ۷۱۰۳، السنن الکبری، ج ۷، ص ۴۵۶، ح ۱۴۶۲۵ و الثلاثة الأخيرة نحوه، المعجم الکبیر، ج ۸، ص ۴۹، ح ۷۳۳۳ و فیها «قرب اللحم» بدل «أدن العظم»، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۴۶، ح ۴۰۸۸۳ و ص ۲۵۱، ح ۴۰۸۱۵.
- [۲۶۴] (۴) سنن أبی داوود، ج ۳، ص ۳۴۹، ح ۳۷۷۸، السنن الکبری، ج ۷، ص ۴۵۶، ح ۱۴۶۲۶، سنن النسائی، ج ۴، ص ۱۷۲ نحوه و کلها عن عائشة، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۳۶، ح ۴۰۷۳۱؛ الدعوات، ص ۱۵۴، ح ۴۱۹ و فیها «انهشه» بدل «انهسوه» و فی صدره «لأمیر المؤمنین علیه السلام: لا تقطع...»، طب النبوی صلی الله علیه و آله، ص ۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۴ و ج ۶۶، ص ۴۲۷، ح ۶ و راجع المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۴، ح ۱۸۳۸.

- [۲۶۵] (۱) المعجم الكبير، ج ۲۳، ص ۲۸۵، ح ۶۲۴، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۶۳، ح ۴۰۸۸۴، نقلًا عن شعب الإيمان و كلاهما عن أم سلمة.
- [۲۶۶] (۲) تحف العقول، ص ۳۱۷، بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۲۳۰، ح ۱۵.
- [۲۶۷] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۴، ح ۶، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۳، ح ۱۷۹۷، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۸، ح ۱۱۳۱، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۷۵، ح ۱۹.
- [۲۶۸] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۵، ح ۷، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۴، ح ۱۷۹۸، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۶، ح ۱۴۵۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۸.
- [۲۶۹] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۵، ح ۷، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۴، ح ۱۷۹۸، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۶، ح ۱۴۵۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۸. انظر تمام الحديث في: ج ۱، ص ۹۶، ح ۹۲.
- [۲۷۰] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۴، ح ۴ عن محمد بن عيسى، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۸۰ نقلًا عن الشهيد الأول نحوه.
- [۲۷۱] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۴، ح ۳.
- [۲۷۲] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۳، ح ۱، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۵۰، ح ۴۳۳۲ و زاد فيه «يعنى نيئاً» بعد «غريضاً»، المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۳، ح ۱۸۳۴ وفيهما «قال حريز يعنى» بدل «و لكن» و كلّها عن زرارة، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۱، ح ۶۴.
- [۲۷۳] (۴) و في المحاسن و بحار الأنوار: «اللحم النيء».
- [۲۷۴] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۴، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۳، ح ۱۸۳۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۱، ح ۶۳.
- [۲۷۵] (۶) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۸، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱.
- [۲۷۶] (۱) طب النبي صلى الله عليه و آله، ص ۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۴.
- [۲۷۷] (۲) شرح نهج البلاغة، ج ۱، ص ۲۶.
- [۲۷۸] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۱، ح ۱۸۲۷ عن عبد الرحمن العزرمي، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۹، ح ۵۷.
- [۲۷۹] (۴) ربيع الأبرار، ج ۲، ص ۷۰۶.
- [۲۸۰] (۵) الاصول الستة عشر، ص ۱۲ عن زيد الزرّاد.
- [۲۸۱] (۶) المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۲، ح ۱۸۲۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۰، ح ۵۹.
- [۲۸۲] (۱) الفردوس، ج ۳، ص ۶۲۷، ح ۵۹۶۰ عن الإمام عليّ عليه السلام.
- [۲۸۳] (۲) صحيفه الإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۴۳، ح ۱۴۹ عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۰۹، ح ۳۵۴، الدعوات، ص ۱۵۳، ح ۴۱۴، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۶، ح ۱۸۰۵ عن ابن سنان و أبي البختری عن الإمام الصادق عليه السلام، قرب الإسناد، ص ۱۰۷، ح ۳۶۷ عن الإمام الصادق عن أبيه عن الإمام عليّ عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۵۶، ح ۱ و ص ۵۸، ح ۶.
- [۲۸۴] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۶، ح ۱۸۰۷ عن أبي اسامه عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۷، ح ۴۳.
- [۲۸۵] (۴) جامع الأحاديث للقمي، ص ۹۹، الدعوات، ص ۱۵۳، ح ۴۱۴ و ليس فيه من «و من ساء...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۵، ح ۷۱.
- [۲۸۶] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۳۰۹، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۴، ح ۱۷۹۹ كلاهما عن أبي اسامه زيد الشحام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۶، ح ۱۱۲۰ كلّها عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۵، ح ۳۶.
- [۲۸۷] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۷، ح ۱۸۰۹ عن أبي حفص الأبّان عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، كتاب من لا يحضره

- الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۹، ح ۹۱۲ عن الإمام الصادق علیه السلام و فيه من «من لم يأكل...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۷، ح ۴۵ و ج ۸۴ ص ۱۵۱، ح ۴۶.
- [۲۸۸] (۲) المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۶، ح ۱۸۰۸ عن الواسطی، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۷، ح ۴۴ و ج ۸۴ ص ۱۵۱، ح ۴۵.
- [۲۸۹] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۰۹، ح ۱ عن هشام بن سالم، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۶، ح ۱۸۰۸ عن أبان الواسطی، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۸۶، ح ۱۶۸۵، طَبُّ الْأَثَمَةِ لابن بسطام، ص ۱۳۹ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۳.
- [۲۹۰] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۵، ح ۱۸۰۰ عن غیاث بن إبراهيم، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۶، ح ۳۷ و راجع دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۵، ح ۵۱۱.
- [۲۹۱] (۵) طَبُّ الْأَثَمَةِ لابن بسطام، ص ۱۳۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۲، ح ۶۸.
- [۲۹۲] (۶) قال العَلَمَاءُ المَجْلِسِيُّ قَدَسَ سِرُهُ: «لانتقال النطفة» هذا شاهد للأربعين، فَإِنَّ انتقال النطفة إلى العلقة يكون أربعين يوماً، و كذا المراتب بعدها، فانتقال الإنسان من حال إلى حال يكون في أربعين يوماً، كما ورد أن شارب الخمر لا تُقبل صلاته و توبته أربعين يوماً (بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۷).
- [۲۹۳] (۷) الکافی، ج ۶، ص ۳۰۹، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۷، ح ۱۸۱۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۷، ح ۴۶.
- [۲۹۴] (۱) علامه مجلسی در شرح این حدیث گفته است: عبارت «نطفه تغییر می یابد» گواهی است بر چهل روز؛ زیرا تغییر نطفه از این حالت به حالت عَلَقَه، چهل روز به درازا می انجامد و در دیگر مراحل نیز چنین است؛ زیرا نقل یافتن انسان از یک حالت به حالت دیگر، در چهل روز صورت می پذیرد. به همین دلیل است که در حدیث نیز آمده است که نماز و روزه شرابخوار، به مدت چهل روز، پذیرفته نمی شود (بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۶۷).
- [۲۹۵] (۱) طَبُّ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله، ص ۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۳.
- [۲۹۶] (۲) كَنْزُ الْعَمَالِ، ج ۱۵، ص ۲۶۴، ح ۴۰۸۸۹ نقلًا عن ابن النجّار في تاريخه عن مرثد بن عبد الله اليزني، الثقات لابن حبان، ج ۹، ص ۱۷۰، سير أعلام النبلاء، ج ۹، ص ۹۵ كلاهما عن عقبه بن عامر و ليس فيهما «لا تمششوا».
- [۲۹۷] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۲۲، ح ۱، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۵۰، ح ۴۲۳۰ عن أسباط، المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۴، ح ۱۸۳۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۲، ح ۶۶.
- [۲۹۸] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۵، ح ۱۸۴۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۲، ح ۶۷ و ص ۴۲۷، ح ۷.
- [۲۹۹] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۰، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۴، ح ۲۳۰۸ و فيه «سماماً» بدل «سماً»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۱۸، ح ۷.
- [۳۰۰] (۲) مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۶۱، ح ۲۰۵۴۷ نقلًا عن مکارم الأخلاق عن ابن عباس.
- [۳۰۱] (۳) تاریخ بغداد، ج ۱۴، ص ۲۱۷، المراسیل، ص ۲۳۱، ح ۲ عن ابن شهاب نحوه.
- [۳۰۲] (۱) الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ، ص ۳۳۸، ح ۳۹۶ عن وهب بن وهب عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۱۰۰۴ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۱۹، ح ۱۰.
- [۳۰۳] (۲) في المصدر: «الإدبارها»، و التصويب من بحار الأنوار.
- [۳۰۴] (۳) طَبُّ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله، ص ۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۶.
- [۳۰۵] (۴) الدعوات، ص ۱۵۹، ح ۴۳۶.
- [۳۰۶] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۰، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۴، ح ۲۳۰۷ و فيه «عن أبي عبد الله عليه السلام عن أبيه عليه السلام...» بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۱۸، ح ۶.

- [۳۰۷] (۱) طَبَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ص ۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۲۳، ح ۱۵؛ الفردوس، ج ۳، ص ۵۸۸، ح ۵۸۴۴ عن ابن عباس.
- [۳۰۸] (۲) جامع الأحاديث للقمي، ص ۱۰۸.
- [۳۰۹] (۳) مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۲۷، ح ۲۰۰۴۷.
- [۳۱۰] (۴) في المصدر: «و كذلك»، و التصويب من بحار الأنوار.
- [۳۱۱] (۵) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۲۰، ح ۴۰۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۲۰، ح ۱۲ و فيه «قال أبو جعفر عليه السلام».
- [۳۱۲] (۶) علل الشرائع، ص ۵۱۹، ح ۱، مسائل علي بن جعفر، ص ۱۵۳، ح ۲۰۶ و زاد في آخره «إلما ياذنهم»، المحاسن، ج ۲، ص ۲۲۵، ح ۱۶۸۱، قرب الإسناد، ص ۲۷۲، ح ۱۰۸۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۱۸، ح ۲.
- [۳۱۳] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۲۲۶، ح ۱۶۸۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۱۸، ح ۳.
- [۳۱۴] (۱) در النهایه ابن اثیر (ج ۴ ص ۵۲) آمده است: از همین قبیل است حدیثی که می گوید: «ایشان از خوردن چند میوه با هم نهی فرمود، مگر آنکه هر کسی از همراه خود اجازه بخواهد». در احادیث، واژه «قران» و گاه واژه «قران» روایت شده، که روایت نخست، درست تر است و آن، بدین معناست که شخص، خرما را دوتا دوتا با هم بخورد. پیامبر صلی الله علیه و آله از آن روی از چنین کاری نهی فرموده که کاری آزمندانه و موجب نادیده انگاشتن حق فرد یا افراد همراه و هم سفره و یا موجب ضرر و زیان آنان می شود.
- و نیز گفته شده است: پیامبر صلی الله علیه و آله از آن روی از این کار نهی فرموده که مردم در سختی زندگی می کردند و غذای کمی در اختیار داشتند و در چنین وضعی، با اندک، روزگار می گذرانند. بنا بر این، چون برای خوردن غذایی گرد هم می آمدند، برخی خود را بر دیگران مقدم می داشتند و در این میان، امکان داشت کسانی که گرسنه ترند، دو تا دوتا خرما بردارند یا لقمه های بزرگ بگیرند. بدین سبب، مردم را چنین راهنمایی فرمود که برای این کار، اجازه بگیرند تا دیگران رضایت داشته باشند.
- از همین قبیل است حدیث جبله، که در آن می گوید: «در جمع هیئت عراقیان در مدینه بودیم و ابن زبیر به ما خوراک خرما می داد. گاه ابن عمر از کنار ما می گذشت و می گفت: خرماها را دوتا دوتا مخورید، مگر آنکه هر کس از برادر خویش اجازه بگیرد».
- این، بدان سبب بود که آنان بر آن خرما ملکیتی مشترک داشتند و چنین کاری از سوی هر یک از آنان، موجب ضرر و زیان بر دیگری بود.
- همانند این حدیث، درباره اصحاب صُفَّه نیز (از ابو هریره) روایت شده است (ر. ک: بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۱۲۰ ۱۲۲).
- [۳۱۵] (۱) سنن أبي داوود، ج ۳، ص ۳۳۸، ح ۳۷۲۷، مسند ابن حنبل، ج ۴، ص ۲۳۸، ح ۱۲۱۸۷، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۱۵۴، ح ۷۲۰۵ و فيه «أروی» بدل «أهناً»، المصنّف لابن أبي شیبۀ، ج ۵، ص ۵۲۱، ح ۱ و ليس فيه ذيله، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۳۸۴، تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۱۱۰ الرقم ۴۲۲۹، حلیة الأولیاء، ج ۹، ص ۵۷ و ليس فيه «ثلاثاً».
- [۳۱۶] (۲) طَبَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ص ۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۳.
- [۳۱۷] (۳) الجعفریات، ص ۱۶۲، النوادر للراوندی، ص ۲۱۳، ح ۴۲۰ كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام.
- [۳۱۸] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۸۲، ح ۱ عن السكونی.
- [۳۱۹] (۲) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۵۳، ح ۴۲۴۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵۹، ح ۲.
- [۳۲۰] (۳) تهذيب الأحكام، ج ۹، ص ۹۴، ح ۴۰۹ عن إسماعيل بن أبي زياد عن الإمام الصادق عليه السلام.
- [۳۲۱] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۸۳، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۹۹، ح ۲۳۹۳ و ليس فيه «من قيام» في المورد الثاني، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۵۳، ح ۴۲۴۴ و ليس فيه صدره، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۷۱، ح ۴۹.

- [۳۲۲] (۵) قال الصدوق قدس سره: یعنی باللیل، أمّا النهار فإنّ شرب الماء من قیام أدرّ للعروق و أقوى للبدن كما قال الصادق علیه السلام (علل الشرائع، ص ۴۶۵).
- [۳۲۳] (۶) الخصال، ص ۶۳۴، ح ۱۰ عن أبی بصیر و محمّد بن مسلم، علل الشرائع، ص ۴۶۴، ح ۱۴ عن أبی بصیر و كلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، تحف العقول، ص ۱۱۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵۸، ح ۱.
- [۳۲۴] (۷) الکافی، ج ۶، ص ۵۳۴، ح ۸ عن محمّد بن مسلم، بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۶۱، ح ۱۳۹.
- [۳۲۵] (۸) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۴، ح ۵، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۳، ح ۱۷۹۶، الأملی للطوسی، ص ۳۶۹، ح ۷۹۰ عن علی بن علی بن رزین عن الإمام الرضا عن آبائه عن الإمام زین العابدین علیهم السلام نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۴، ح ۳۲ و ص ۶۵، ح ۳۵.
- [۳۲۶] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲ جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.
- [۳۲۷] (۱) شیخ صدوق رحمه الله درباره این حدیث می گوید: مقصود، نهی در هنگام شب است؛ اما در روز، چنان که امام صادق علیه السلام فرموده، ایستاده آشامیدن آب، مایه تعریق بیشتر و تندرستی افزون تر است (علل الشرائع: ص ۴۶۵).
- [۳۲۸] (۱) هکذا جاء مضمراً. و فی مستدرک الوسائل نقلاً عن مکارم الأخلاق نسبه إلى النبی صلی الله علیه و آله.
- [۳۲۹] (۲) الظاهر أنّ المراد به ما فتر بعد غلیانه.
- [۳۳۰] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۰، ح ۱۰۹۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵۱، ح ۱۶، الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام، ص ۳۴۶ نحوه.
- [۳۳۱] (۴) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۷۶، ح ۱۱۴، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۴۶.
- [۳۳۲] (۵) سنن أبی داود، ج ۳، ص ۳۳۸، ح ۳۷۲۸، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۳۰۴، ح ۱۸۸۸، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۹۴، ح ۳۲۸۸ نحوه، کنز العمال، ج ۷، ص ۱۰۶، ح ۱۸۱۸۸ و راجع مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۶۶۲، ح ۲۸۱۸ و ص ۷۶۵، ح ۳۳۶۶ و کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۹، ح ۴۹۶۸.
- [۳۳۳] (۶) سنن الترمذی، ج ۴، ص ۳۰۴، ح ۱۸۸۷.
- [۳۳۴] (۱) ظاهراً مقصود، آبی است که پس از جوش آمدن، سرد شده باشد.
- [۳۳۵] (۱) الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۲۳۷، المصنّف لابن أبی شیبّه، ج ۵، ص ۵۲۲، ح ۷ عن القاسم بن مسلم مولى الحسن بن علیّ علیهما السلام نحوه.
- [۳۳۶] (۲) السنن الکبری، ج ۷، ص ۴۶۴، ح ۱۴۶۵۹، المصنّف لعبد الرزاق، ج ۱۰، ص ۴۲۸، ح ۱۹۵۹۴ كلاهما عن ابن أبی حسین، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۹۵، ح ۴۱۰۷۵؛ نثر الدرّ، ج ۱، ص ۲۲۵ و فيه «الکباد من العب» فقط، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۷۶، ح ۱۱۳ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۷۲.
- [۳۳۷] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۸۱، ح ۱ عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق علیه السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۱، ح ۱۱۰۳، المحاسن، ج ۲، ص ۴۰۲، ح ۲۴۰۴ عن ابن القدّاح و فيه «یاخذ» بدل «یوجد»، الجعفریات، ص ۱۶۱ كلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۳۰، ح ۴۵۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۶۶، ح ۲۳.
- [۳۳۸] (۴) طبّ النبی صلی الله علیه و آله، ص ۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۳.
- [۳۳۹] (۵) المحاسن، ج ۲، ص ۴۰۳، ح ۲۴۰۷ عن مسعدة بن یسع، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۲، ح ۱۱۰۴ و فيه «عن علیّ علیه السلام: نهی ...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۶۷، ح ۲۶.
- [۳۴۰] (۱) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۵۱، ح ۵۴۲.

[۳۴۱] (۲) فی المصدر: «فجاً» و التصویب من بحار الأنوار.

[۳۴۲] (۳) طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۳۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۳ نحوه.

[۳۴۳] (۴) الجعفریات، ص ۱۶۱ عن الإمام الكاظم عن آبائه علیهم السلام.

[۳۴۴] (۱) الفردوس، ج ۲، ص ۳۶۲، ح ۳۶۱۶ عن الإمام علی علیه السلام.

[۳۴۵] (۲) المحاسن، ج ۲، ص ۳۹۸، ح ۲۳۹۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵۶، ح ۴۱.

[۳۴۶] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۹۸، ح ۲۳۸۹، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۱، ح ۱۱۰۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵۶، ح ۴۰.

[۳۴۷] (۴) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴، ح ۴۹۶۸، الأملی للصدوق، ص ۵۰۹، ح ۷۰۷ کلاهما عن الحسین بن زید،

مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۳۰۷، ح ۲۶۵۵ کلها عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۲۹، ح ۴۵۰ عن

الإمام الصادق علیه السلام نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۶۰، ح ۷.

[۳۴۸] (۵) سنن أبی داوود، ج ۳، ص ۳۳۷، ح ۳۷۲۲، مسند ابن حنبل، ج ۴، ص ۱۶۰، ح ۱۱۷۶۰، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۹۳، ح

۴۱۰۶۴.

[۳۴۹] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۸۵، ح ۵ عن غیاث بن إبراهیم عن الإمام الصادق علیه السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۴۰۶، ح ۲۴۱۹ عن

غیاث بن إبراهیم عن الإمام الصادق عن أبیه عنه علیهم السلام و لیس فی آخره «و الثلثة»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۶۹، ح ۳۷.

[۳۵۰] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۸۵، ح ۶، المحاسن، ج ۲، ص ۴۰۵، ح ۲۴۱۸ کلاهما عن سالم بن مکرم عن الإمام الصادق علیه

السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۱۰۳۸ عن الإمام الصادق عنه علیهما السلام و لیس فی «ولا من کسر» بحار الأنوار، ج

۶۶، ص ۴۶۹، ح ۳۶ و راجع: کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۹۶، ح ۴۱۰۸۴.

[۳۵۱] (۳) الفردوس، ج ۵، ص ۶۹، ح ۷۴۸۴ عن أنس.

[۳۵۲] (۴) المعجم الأوسط، ج ۵، ص ۵۲، ح ۴۶۴۶ عن أبی سعید الخدری و ج ۶، ص ۳۳۴، ح ۶۵۵۷ و فی «انتقضت» بدل

انتقضت»، تاریخ دمشق، ج ۲۴، ص ۴۵۶، ح ۵۳۱۸ کلاهما عن أبی هریره و فی «ذهب بنصف» بدل «انتقضت»، کنز العمال، ج ۱۶،

ص ۸۲، ح ۴۴۰۱۶.

[۳۵۳] (۵) طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۹، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱.

[۳۵۴] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۸۲، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۹۷، ح ۲۳۸۴، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۰، ح ۱۰۹۸ و فیهما

«یاک و الإکتار» بدل «لا تُکثر»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵۵، ح ۳۶.

[۳۵۵] (۲) المحاسن، ج ۲، ص ۳۹۷، ح ۲۳۸۵، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۰، ح ۱۰۹۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵۵، ح ۳۶.

[۳۵۶] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۹۸، ح ۲۳۸۸ عن معاویة بن عمّار، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵۶، ح ۳۹.

[۳۵۷] (۴) قال العلّامة المجلسی قدس سره: یمدّ: من المدّ بمعنی الجذب، أو من الإمداد بمعنی الإعانة، و علی التقديرین الضمیر فی

قوله: «فإنه» راجع إلى شرب الماء؛ أي إكثاره (بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵۶).

[۳۵۸] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۳۸۲، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۹۷، ح ۲۳۸۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵۵، ح ۳۸ و راجع: الفقه

المنسوب للإمام الرضا علیه السلام، ص ۳۴۰ و مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۷۹، ح ۲۴۶۴.

[۳۵۹] (۶) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۳، ح ۲۳۲، الأملی للصدوق، ص ۴۴۵، ح ۵۹۵ کلاهما عن محمّد بن حرمان،

روضه الواعظین، ص ۳۳۶، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۷۰، ح ۳.

[۳۶۰] (۱) احتمالاً مراد از «فَقَاع» در حدیث، نوع حلال آب جو که امروزه به «ماء الشعیر» شناخته می‌شود است نه آب جویی که

نوشیدن آن حرام است، مگر گفته شود که نوشیدن آن در حرام، علاوه بر حرام بودن و ایجاد مستی، معده را بیش از پیش از بین

می‌برد.

[۳۶۱] (۱) مریم: ۶۲.

[۳۶۲] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۲۸۸، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۱۹۵، ح ۱۵۶۵، طَبُّ الْأَثْمَةِ لابن بسطام، ص ۵۹ عن علی بن ابی صلب ابن أخی شهاب، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۲، ح ۵.

[۳۶۳] (۳) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۵، ح ۴۹۰۲، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۳۱، ح ۱۲۸ عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام علیه و آله و لیس فیہ من «و لثقل...»، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۱۵۵۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۱، ح ۱؛ غریب الحدیث لابن قتیبه، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۳ نحوه.

[۳۶۴] (۱) الدعوات، ص ۷۵، ح ۱۷۶، الأملی للطوسی، ص ۶۶۶، ح ۱۳۹۵ عن أبی غندر عن الإمام الصادق علیه السلام، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۸، ح ۱۱۲ عن أحمد بن عامر الطائی عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام و زاد فیہ «و لیجود الحذاء»، طَبُّ الْأَثْمَةِ لابن بسطام، ص ۲۹ عن حریر عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام و فیها «الغذاء» بدل «الغذاء» و لیس فیها «و لیؤخر العشاء» و کلها عن الإمام علی علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۷، ح ۴۳ و ص ۲۶۲، ح ۱۹؛ عیون الأخبار لابن قتیبه، ج ۳، ص ۲۷۱ و زاد فیہ «و لیلبس الحذاء»، شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۱۲۴ کلاهما نحوه، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۸۷، ح ۲۸۴۷۲ عن النزال بن سیره.

[۳۶۵] (۲) الدعوات، ص ۱۴۰، ح ۳۵۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۵، ح ۲۱.

[۳۶۶] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۶، ح ۱۷۲۷ عن حسین بن نعیم، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۱، ح ۳.

[۳۶۷] (۴) ربیع الأبرار، ج ۲، ص ۷۴۷.

[۳۶۸] (۵) سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۱۳، ح ۳۳۵۵ عن جابر بن عبد الله، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۶، ح ۲۸۲۹۰.

[۳۶۹] (۱) همان طور که از روایت ۱۴۶۸ استفاده می‌شود، مقصود از «دیرتر خوردن»، «خوردن پس از تاریک شدن شب» است.

[۳۷۰] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۱۹۶، ح ۱۵۷۱ عن جابر بن عبد الله، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۳، ح ۱۰.

[۳۷۱] (۲) سنن الترمذی، ج ۴، ص ۲۸۷، ح ۱۸۵۶، مسند أبی یعلی، ج ۴، ص ۲۴۰، ح ۴۳۳۶، تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۳۹۶، ح ۱۵۲۰، مسند الشهاب، ج ۱، ص ۴۲۹، ح ۷۳۵ کلها عن أنس، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۶، ح ۲۸۲۸۹.

[۳۷۲] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۴، ح ۱۴۴۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۵، ح ۲۰.

[۳۷۳] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۲۸۸، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۱۹۵، ح ۱۵۶۶ کلاهما عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق علیه السلام، الخصال، ص ۶۱۹، ح ۱۰ عن أبی بصیر و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه علیه السلام، تحف العقول، ص ۱۱۰، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۴، ح ۱۴۴۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۲، ح ۶.

[۳۷۴] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۲۸۸، ح ۲ عن هشام بن الحكم، المحاسن، ج ۲، ص ۱۹۶، ح ۱۵۷۰ عن الإمام الباقر علیه السلام و فیہ «

أول» بدل «أصل»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۳، ح ۹.

[۳۷۵] (۶) الکافی، ج ۶، ص ۲۸۹، ح ۶، المحاسن، ج ۲، ص ۱۹۸، ح ۱۵۷۶ کلاهما عن الولید بن صبیح، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۴، ح ۱۵.

[۳۷۶] (۷) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵۹، ح ۴۲۷۱، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۱۰۰۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۵، ح ۲۰.

[۳۷۷] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۱۹۷، ح ۱۵۷۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۴، ح ۱۴.

[۳۷۸] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۲۸۸، ح ۳ عن جمیل بن صالح، المحاسن، ج ۲، ص ۱۹۷، ح ۱۵۷۴، عن حماد، بحار الأنوار، ج ۶۶،

ص ۳۴۴، ح ۱۳.

[۳۷۹] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۲۸۹، ح ۱۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۷، ح ۲۴.

[۳۸۰] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۲۸۹، ح ۷، المحاسن، ج ۲، ص ۱۹۵، ح ۱۵۶۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۲، ح ۷.

[۳۸۱] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۴، ح ۱۴۴۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۵، ح ۲۰.

[۳۸۲] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۴، ح ۱۴۴۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۵، ح ۲۰.

[۳۸۳] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۲۸۹، ح ۸، المحاسن، ج ۲، ص ۱۹۸، ح ۱۵۷۸ کلاهما عن جمیل بن ذرّاج، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص

۳۴۵، ح ۱۷.

[۳۸۴] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۱۹۸، ح ۱۵۷۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۵، ح ۱۸.

[۳۸۵] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۲۸۸، ح ۵، المحاسن، ج ۲، ص ۱۹۹، ح ۱۵۸۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۵، ح ۱۹.

[۳۸۶] (۶) فی المحاسن: «أهدأ» بدل «أهدی».

[۳۸۷] (۷) الکافی، ج ۶، ص ۲۸۸، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۱۹۸، ح ۱۵۷۷ کلاهما عن سعید بن جناح، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص

۳۴۴، ح ۱۶.

[۳۸۸] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۲۸۹، ح ۱۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۷، ح ۲۶.

[۳۸۹] (۲) المواعظ العددیة، ص ۱۲۷.

[۳۹۰] (۳) شعب الإیمان، ج ۵، ص ۳۲، ح ۵۶۶۵، الترغیب و الترهیب، ج ۳، ص ۱۴۰، ح ۱۴، کنز العمّال، ج ۱۵، ص ۲۶۳، ح

۴۰۸۸۵ و ص ۴۳۳، ح ۴۱۷۱۴ نقلًا عن الدیلمی.

[۳۹۱] (۴). کذا فی المصدر، و القیاس «ثمانی».

[۳۹۲] (۵). کذا فی المصدر، و القیاس «ثمانی».

[۳۹۳] (۶) زاد فی بعض نسخ المصدر و بحار الأنوار هنا: «و کذا أمر جدی محمد صلی الله علیه و آله علینا علیه السلام فی کلّ یوم

وجبة و فی غده وجبتین».

[۳۹۴] (۷) طبّ الإمام الرضا علیه السلام، ص ۱۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۱۱.

[۳۹۵] (۱) علامه مجلسی می گوید: این دعا، یک مثل است برای بیان زیان دیدن آن رگ و در نتیجه رسیدن زیان دیدگی آن به

بدن، گویا که آن رگ، دعا می کند و دعایش هم بر آورده می شود (بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۳۴۷).

[۳۹۶] (۲) در برخی از نسخه‌های طبّ الإمام الرضا علیه السلام و در بحار الأنوار، در این قسمت، چنین افزوده‌ای هست: «جدّ من

محمّد صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام را چنین فرمود که: [از هر دو روز،] در یک روزش، یک وعده و در روز دیگرش، دو

وعده باشد».

[۳۹۷] (۱) اشاره است به: «لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ E؛ آنان را نزد پروردگارشان سرای عافیت است» (انعام: آیه ۱۲۷).

[۳۹۸] (۲) مریم: آیه ۶۲.

[۳۹۹] (۱) الدعوات، ص ۱۵۹، ح ۴۳۶.

[۴۰۰] (۲) طبّ النبی صلی الله علیه و آله، ص ۸، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۷؛ الفردوس، ج ۳، ص ۳۰، ح ۴۰۶۲ عن عبد الرحمن

بن دلهم و فیهِ «یشدّ» بدل «ینیر»، کنز العمّال، ج ۱۰، ص ۴۰، ح ۲۸۲۵۷.

[۴۰۱] (۱) در الفردوس، به جای «نورانی می سازد»، «نیرو می بخشد» آمده است.

[۴۰۲] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۰، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۳، ح ۲۳۰۴ و ح ۲۳۰۶ نحوه و کلاهما عن الإمام أبی الحسن علیه

- السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۹۲، ح ۴.
- [۴۰۳] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۰، ح ۵.
- [۴۰۴] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۰، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۲، ح ۲۳۰۲ کلاهما عن أبي بصير، الخصال، ص ۶۳۲، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، غرر الحكم، ح ۷۲۴۵ و فيهما «قبل الطعام و بعده»، تحف العقول، ص ۱۲۲ نحوه و الثلاثة الأخيرة عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۹۱، ح ۲.
- [۴۰۵] (۴) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱ و فيه «يوجب» بدل «يورث».
- [۴۰۶] (۱) در الخصال و غرر الحكم، عبارت، به صورت «تُزنج را پیش از غذا و پس از آن بخورید...» آمده است.
- [۴۰۷] (۱) الأملی للطوسی، ص ۳۶۹، ح ۷۸۶ عن علي بن علي بن رزين عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۹۱، ح ۱.
- [۴۰۸] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۰، ح ۴ عن أحمد بن محمد بن أبي نصر، طب الأئمة لابني بسطام، ص ۱۳۶ عن إبراهيم بن الحسن الجعفری عن الإمام الصادق عليه السلام و فيه «الجبن اليابس» بدل «الخبز اليابس»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۵، ح ۸.
- [۴۰۹] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۹، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۳، ح ۲۳۰۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۹۲، ح ۵.
- [۴۱۰] (۱) در طب الأئمة، به جای «نان»، واژه «پنیر» آمده است.
- [۴۱۱] (۱) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۱۳۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۹۲، ح ۷.
- [۴۱۲] (۲) فی النهاية لابن الأثير: قال أبو موسى: قال هلال بن العلاء: هو التفاح. قال: و هذا التفسير لم أره لغيره (النهاية، ج ۱، ص ۴۴۶).
- [۴۱۳] (۳) المعجم الكبير، ج ۲۲، ص ۳۳۹، ح ۸۵۰، تاريخ دمشق، ج ۴۳، ص ۳۴۴، ح ۹۲۰۹، تهذيب التهذيب، ج ۱، ص ۴۹۶، ح ۱۳۰۵ و ليس فيه «و كان يعجبه النظر إلى الحمام الأحمر»، تاريخ أصبهان، ج ۱، ص ۳۹۷، ح ۷۴۵ عن طاووس و فيه «الأخضر» بدل «الأحمر»، كنز العمال، ج ۷، ص ۱۵۰، ح ۱۸۴۶۰؛ بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۲۶.
- [۴۱۴] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۰، ح ۶ عن سليمان بن جعفر الجعفری، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۶۷، ح ۷۲.
- [۴۱۵] (۱) در النهاية آمده است: ابو موسى گفته: «هلال بن علاء می گفت که: مقصود از حمام احمر، سیب است؛ اما من این تفسیر را از کسی دیگر ندیده‌ام (النهاية: ج ۱ ص ۴۴۶).
- [۴۱۶] (۲) در تاريخ أصبهان، به جای «سرخ»، واژه «سبز» آمده است.
- [۴۱۷] (۱) فی المصدر: «تحق»، و التصویب من بحار الأنوار.
- [۴۱۸] (۲) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۱۳۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۹، ح ۱.
- [۴۱۹] (۳) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۱۳۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۹، ح ۱.
- [۴۲۰] (۴) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۱۳۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۹، ح ۱.
- [۴۲۱] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۹، ح ۱، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۹، ح ۱۲۶۷ نحوه و فيه «دخلت على الرضا عليه السلام»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۹، ح ۲.
- [۴۲۲] (۱) در مکارم الأخلاق به همین مضمون و با این تفاوت که در آن، عبارت «بر امام رضا عليه السلام در آمدم...» آمده است.
- [۴۲۳] (۱) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۱۳۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۹، ح ۱.
- [۴۲۴] (۱) طب النبى صلى الله عليه و آله، ص ۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۴؛ الفردوس، ج ۱، ص ۱۲۷، ح ۴۴۰ عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله.

[۴۲۵] (۲) عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۵، ح ۷۹ عن أحمد بن عامر الطائي، صحيفة الإمام الرضا علیه السلام، ص ۱۰۶، ح ۵۶ كلاهما عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۵، ح ۱۰۷۹ عن الإمام الرضا عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله و ليس فيهما «أهل»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۵۸، ح ۵ و ص ۲۶۲، ح ۷؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۹۹، ح ۳۳۰۵ عن أبي الدرداء وفيه «أهل الجنة» بدل «الآخرة» و ليس فيه «ثم الأرز»، كنز العمّال، ج ۱۵، ص ۲۹۱، ح ۴۱۰۵۴ نقلًا عن الحاكم في تاريخ نيشابور عن صهيب.

[۴۲۶] (۳) الفردوس، ج ۴، ص ۲۶۷، ح ۶۷۸۵ عن أنس؛ مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۵، ح ۱۰۷۸ عن الإمام الصادق علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۲، ح ۷.

[۴۲۷] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۴۲، ح ۴ و ح ۵ وفيه «لنداوی به مرصانا» بدل «لندخره لمرصانا»، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۳، ح ۲۰۰۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۰، ح ۲.

[۴۲۸] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۴۱، ح ۱ عن يونس بن يعقوب.

[۴۲۹] (۱) در الكافي، عبارت، به صورت «ما بیماران خویش را با آن درمان می کنیم» آمده است.

[۴۳۰] (۱) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۸، ح ۱۳۱۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۵، ح ۱۴.

[۴۳۱] (۲) الباذرُوج: بقله معروفه يقوى جدًّا و يقبض إلّا أن يصادف فضله فيسهل. و المشهور أنه الريحان الجبلى و شبهه بالريحان البستاني، إلّا أنّ ورقه أعرض (بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۳).

[۴۳۲] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۹، ح ۲۰۷۵ عن عبد الله العلوي عن أبيه، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۸، ح ۱۳۱۰، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۱۳، ح ۳۷۵ كلاهما عن رسول الله صلى الله عليه وآله نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۳، ح ۲.

[۴۳۳] (۴) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۷، ح ۱۳۰۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۴، ح ۱۳.

[۴۳۴] (۱) این گیاه، نام‌های بسیار زیادی دارد و ما در این جا به بخشی از آنها اشاره می کنیم و از لغت نامه دهخدا شرح مختصری درباره آنها می آوریم و برای توضیح بیشتر، خوانندگان محترم را به نشانی‌های کتاب مذکور که در زیر خواهیم آورد، ارجاع می دهیم:

لغت نامه مذکور، در لغت «باذروج» آورده: گیاهی معطر [است و باذروج، ریحان کوهی، بادرنجبویه، بارنگ، حوک، ریحان جبلی، باذروق، باذرو]، نام‌های دیگر آن است.

در «باذرو» آورده: همان باذرو باشد؛ باذروج.

در «باذرنبویه» آورده: باذرنگبویه باشد؛ باذرنبویه (لغت نامه دهخدا: ج ۳ ص ۳۴۵).

همچنین در لغت «حوک» می نویسد: باذروج که ریحان کوهی باشد؛ بورنگ، باذروج و آن هبق است. پادرو، بارنگ بویه، باذرنگ بویه. سبزی ای است مثل سپرغم که آن را بونیک گویند و نازبو نیز نامند (لغت نامه دهخدا: ج ۶ ص ۸۱۱۴).

در «باذرنبویه» آورده: یک قسم ریحان است که معرب آن، باذرنبویه است.

در «باذرنبویه» هم می نویسد: معرب باذرنگبویه است (لغت نامه دهخدا: ج ۳ ص ۳۴۱۹).

در کلمه «باذرنگبویه» آورده: گیاهی است خوش بوی و از جمله ریاحین و آن را باذرود و باذرونه نیز گفته اند و مهلك عقرب است و دافع سم و آن، امراض سوداوی و بلغمی را نافع است (لغت نامه دهخدا: ص ۳۴۲۰).

و در «باذرو» هم آورده است: ریحانی است که آن را باذرنبویه گویند. تره خراسانی که ریحان کوهی نیز گویند و باذروج، معرب آن است (لغت نامه دهخدا: ص ۳۴۲۱).

[۴۳۵] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۴، ح ۱ عن السكوني عن الإمام الصادق علیه السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۸، ح ۱۳۰۸ و

لیس فيه» من البقول».

[۴۳۶] (۲) جامع الأحادیث للقمی، ص ۲۲۷، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۰، ح ۲۰۷۷ عن الشعیری من دون إسنادٍ إلى المعصوم و فيه» كان أحبّ البقول إلى رسول الله صلى الله عليه و آله الباذروج»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۴، ح ۱۸.

[۴۳۷] (۳) الكافی، ج ۶، ص ۳۶۴، ح ۲ عن حمّاد بن عثمان، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۸، ح ۱۳۰۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۵، ح ۱۳.

[۴۳۸] (۴) كذا في المصادر، و القياس «ثمانی».

[۴۳۹] (۵) النكهة: ريحُ الفم (الصّحاح، ج ۶، ص ۲۲۵۳).

[۴۴۰] (۶) الكافی، ج ۶، ص ۳۶۴، ح ۴، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۸، ح ۱۳۰۹ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۵، ح ۱۳.

[۴۴۱] (۷) الكافی، ج ۶، ص ۳۶۴، ح ۳، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۹، ح ۱۳۱۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۵، ح ۱۴.

[۴۴۲] (۱) جوهری در کتاب الصحاح (ج ۵، ص ۱۷۲۴) «سَبَل» را بیماری چشمی دانسته که مانند پرده است، چنان که رگ‌های قرمز به صورت تارهای عنكبوت درمی آیند. در مكارم الأخلاق، به جای «سَبَل»، واژه «سَلّ» آمده است و علامه مجلسی آن را توجیه کرده است (ر. ک: بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۲۱۶).

[۴۴۳] (۱) الدعوات، ص ۱۵۸، ح ۴۳۲، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۸، ح ۱۳۵۴ عن أنس و فيه» كلوا الباذنجان و أكثروا منها؛ فإنّها أول شجرة آمنت بالله عز و جل»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۴، ح ۹.

[۴۴۴] (۲) طبّ الأئمة لابنی بسطام، ص ۱۳۹ عن ابن أبي يعقوب، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۳، ح ۶.

[۴۴۵] (۳) الكافی، ج ۶، ص ۳۷۳، ح ۱ عن جعفر بن یحیی عن أبيه، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۴، ح ۲۱۴۶ عن جعفر بن یحیی، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۲، ح ۳.

[۴۴۶] (۴) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۸، ح ۱۳۵۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۳، ح ۷.

[۴۴۷] (۱) در مكارم الأخلاق، عبارت، چنین آمده است: «بادمجان بخورید و فراوان هم بخورید؛ زیرا نخستین درختی است که به خداوند عز و جل ایمان آورده است».

[۴۴۸] (۲) علامه مجلسی می گوید: [فیروزآبادی در قاموس گفته است: «بورانی، خوراکی است که به بوران، دختر حسن بن سهل) همسر مأمون) نسبت داده می شود» (بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۲۲۴).

[۴۴۹] (۱) طبّ الأئمة لابنی بسطام، ص ۱۳۹ عن ابن أبي يعقوب، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۵، ح ۲۱۴۷، الأمالی للطوسی، ص ۶۶۸، ح ۱۴۰۳، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۷، ح ۱۳۵۰ و لیس فيه» ولا یضّرّ بالصفراء»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۳، ح ۶.

[۴۵۰] (۲) هكذا في المصدر.

[۴۵۱] (۳) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۸، ح ۱۳۵۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۴، ح ۷.

[۴۵۲] (۴) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۸، ح ۱۳۵۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۳، ح ۷.

[۴۵۳] (۵) المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۴، ح ۲۱۴۵ عن موسى بن هارون، الأمالی للطوسی، ص ۶۶۸، ح ۱۴۰۲ عن الحسين عن الإمام الكاظم و الإمام الرضا علیهما السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۲، ح ۲.

[۴۵۴] (۶) الكافی، ج ۶، ص ۳۷۳، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۵، ح ۲۱۴۸، طبّ الأئمة لابنی بسطام، ص ۱۳۹ عن الإمام الرضا علیه السلام و فيه» حارّ في وقت البرد بارد في وقت الحرّ»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۲، ح ۵.

[۴۵۵] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.

- [۴۵۶] (۱) در طب الأئمة، از امام رضا علیه السلام و با این تفاوت آمده است که: «در هنگام سرما، گرم، و در هنگام گرما، سرد است».
- [۴۵۷] (۱) هکذا ورد مضمراً.
- [۴۵۸] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۳، ح ۳.
- [۴۵۹] (۱) این حدیث، در منبع، به همین شکل، «مضمراً (بدون ذکر نام معصوم)» آمده است.
- [۴۶۰] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۷، ح ۱۳۴۵ عن أنس، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۶، ح ۵؛ الفردوس، ج ۳، ص ۲۷۲، ح ۴۸۱۴ عن أنس، كنز العمال، ج ۱۱، ص ۵۰۴، ح ۳۲۳۵۷.
- [۴۶۱] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۷، ح ۱۳۴۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۶، ح ۵.
- [۴۶۲] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۹، ح ۲۰۲۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۶، ح ۲.
- [۴۶۳] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۴، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۹، ح ۲۰۲۸ و ليس فيه «الطری» و كلاهما عن محمد بن عبد الله، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۷، ح ۱۳۴۸ و فيه «كلوا الباقلي فإنه يمتخ...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۶، ح ۳.
- [۴۶۴] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۴، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۸، ح ۲۰۲۶ كلاهما عن أحمد بن محمد بن أبي نصر، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۷، ح ۱۳۴۷ و ليس فيه «أكل» بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۵، ح ۱.
- [۴۶۵] (۴) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۷، ح ۱۳۴۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۶، ح ۵؛ الفردوس، ج ۳، ص ۵۸۸، ح ۵۸۴۳ عن عائشة.
- [۴۶۶] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۴، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۹، ح ۲۰۲۹ كلاهما عن صالح بن عقبه، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۷، ح ۱۳۴۷ عن الإمام الرضا عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۶، ح ۴.
- [۴۶۷] (۱) در المحاسن، واژه «تازه» وجود ندارد.
- [۴۶۸] (۲) در مکارم الأخلاق، واژه «خوردن» وجود ندارد.
- [۴۶۹] (۱) بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۲، ح ۲۱ نقلًا عن الفردوس عن أبي الدرداء.
- [۴۷۰] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۴، ح ۵، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۰، ح ۲۱۲۷ كلاهما عن عبد الرحمن بن زيد بن أسلم عن الإمام الصادق عليه السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۵، ح ۱۳۳۸ عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۹، ح ۵۳۳ عن الإمام الباقر عليه السلام و فيه «أرضاً وبيئته» بدل «بلاداً»، طب النبي صلى الله عليه و آله، ص ۱۱ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۹، ح ۸.
- [۴۷۱] (۳) بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۹۹، ح ۱۸ نقلًا عن المحاسن عن جابر.
- [۴۷۲] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۴، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۹، ح ۲۱۲۳ كلاهما عن جابر، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۷، ح ۵.
- [۴۷۳] (۱) مقصود از وبا، طاعون یا هر بیماری واگیردار دیگری است (القاموس المحيط: ج ۱ ص ۳۱).
- [۴۷۴] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۴، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۰، ح ۲۱۲۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۸، ح ۷.
- [۴۷۵] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۴، ح ۳، الخصال، ص ۱۵۸، ح ۲۰۰ كلاهما عن ميسر بن يعقوب الزطبي، روضة الواعظين، ص ۳۴۰، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۰، ح ۲۱۲۶ و ليس فيه «والجماع»، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۶، ح ۱۳۴۲ و ليس فيه «الماء»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۶، ح ۲.
- [۴۷۶] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۴، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۰، ح ۲۱۲۴ كلاهما عن درست، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۵، ح ۱۳۴۱ و فيهما «الفم» بدل «النكهة»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۸، ح ۶.

[۴۷۷] (۱) در المحاسن واژه و توان آمیزش نیامده است و در مکارم الاخلاق عبارت و آب و جود ندارد.

[۴۷۸] (۱) طَبَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ص ۸ عن ابن عَبَّاسٍ، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۷؛ الفردوس، ج ۳، ص ۱۳۸، ح ۴۳۷۱ عن ابن عَبَّاسٍ نحوه، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۶، ح ۲۸۲۸۸.

[۴۷۹] (۲) طَبَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ص ۸، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۶.

[۴۸۰] (۱) در متن عربی، واژه «البَطِيخ» آمده است. در فرهنگ‌های واژگان عربی، این واژه را گاه به هندوانه و گاه به خربزه ترجمه کرده‌اند. بر اساس برداشت مترجم، این واژه در متون قدیمی، ناظر به «گونه» هندوانه و خربزه بوده است؛ اما به نظر مؤلف، با عنایت به فوایدی که در احادیث برای آن ذکر شده، مقصود، خربزه است، چنان که در لغت‌نامه دهخدا نیز «بَطِيخ» (بدون قید)، به معنای خربزه آمده است. از این رو در همه موارد، ترجمه این واژه مطابق با نظر مؤلف، تغییر داده شد. م.

[۴۸۱] (۲) در متن حدیث، «اشنان» آمده و آن، نام گیاهی است که در شست و شو به عنوان ماده کمکی، از آن استفاده می‌شده است. این واژه، اساساً پارسی است که به زبان عربی درآمده و شکل و تلفظ پیشین خود را نیز حفظ کرده است. م.

[۴۸۲] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۹، ح ۱۳۵۹ عن الإمام عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۹۴، ح ۸؛ الفردوس، ج ۲، ص ۵۷، ح ۲۳۲۵.

[۴۸۳] (۲) طَبَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ص ۱۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۸.

[۴۸۴] (۳) طَبَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ص ۱۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۹.

[۴۸۵] (۴) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۰، ح ۱۳۶۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۹۴، ح ۸.

[۴۸۶] (۵) ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار.

[۴۸۷] (۶) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۰، ح ۱۳۶۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۹۴، ح ۸.

[۴۸۸] (۷) الخصال، ص ۴۴۳، ح ۳۶.

[۴۸۹] (۸) الخصال، ص ۴۴۳، ح ۳۵، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۰، ح ۱۳۶۴، روضة الواعظین، ص ۳۴۱ و لیس فیہ «و هو إشنان»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۹۶، ح ۱۲.

[۴۹۰] (۱) خطمی، گیاهی است از تیره پنیرکیان، دارای گونه‌های یک‌ساله و دائمی، که در مناطق خشک خاورمیانه می‌روید. گل، ریشه و برگ آن، کاربرد پزشکی دارد. گل آن را خشک کرده، می‌سایند و به عنوان سرشوی به کار می‌برند. جوشانده آن نیز مُلْتین است. (دائرة المعارف فارسی).

[۴۹۱] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۱، ح ۱۳۶۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۹۴، ح ۸.

[۴۹۲] (۲) تاریخ دمشق، ج ۶، ص ۱۰۲ و ج ۳۶، ص ۱۴۱، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۶، ح ۲۸۲۸۷؛ طَبَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ص ۱۰ و لیس فیہ «غسلًا»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۹.

[۴۹۳] (۳) الخصال، ص ۴۴۳، ح ۳۶، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۰، ح ۱۳۶۱، روضة الواعظین، ص ۳۴۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۹۶، ح ۱۴.

[۴۹۴] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۱، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۶، ح ۲۳۱۶ کلاهما عن یاسر الخادم، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۱، ح ۱۳۶۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۰۳، ح ۳.

[۴۹۵] (۱) المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۲۸، كشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۱۴ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۹۷، ح ۱۷.

[۴۹۶] (۲) طَبَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ص ۸، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۶.

[۴۹۷] (۱) شعب الإيمان، ج ۵، ص ۱۰۲، ح ۵۹۵۰ عن ابن عمر، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۳۳، ح ۲۸۲۲۷.

- [۴۹۸] (۲) المحاسن، ج ۲، ص ۲۷۵، ح ۱۸۸۲ عن الأصغیر، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۶، ح ۸.
- [۴۹۹] (۳) طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۱۳۰.
- [۵۰۰] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۲۷۶، ح ۱۸۸۷ عن محمّد بن إبراهیم الجعفی، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۲، ح ۱۱۴۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۸، ح ۲۱.
- [۵۰۱] (۵) الكافی، ج ۶، ص ۳۲۵، ح ۴، كتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵۱، ح ۴۲۳۵ كلاهما عن موسی بن بكر.
- [۵۰۲] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۲۷۶، ح ۱۸۸۶ عن موسی بن بكر، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۶، ح ۱۲.
- [۵۰۳] (۲) الكافی، ج ۶، ص ۳۲۴، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۲۷۶، ح ۱۸۸۸ عن یونس بن مرازم و فیہ « ذکر عند أبی عبد الله علیه السلام البیض... » و ص ۲۷۷، ح ۱۸۸۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۶، ح ۱۴ و ۱۵.
- [۵۰۴] (۳) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۵، ح ۱۴۵۲، طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۱۳۰ عن محمّد بن مسلم نحوه، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۸۳، ح ۳۳.
- [۵۰۵] (۴) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۵، ح ۱۴۵۱، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۸۴، ح ۴۱.
- [۵۰۶] (۵) الكافی، ج ۶، ص ۳۲۴، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۲۷۶، ح ۱۸۸۵ عن محمّد بن عمر بن أبی حسنة الجمال، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۶، ح ۱۱.
- [۵۰۷] (۱) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۵، ح ۵۱۱، السرائر، ج ۳، ص ۱۳۸ و فیہ « روى أن أكل اللحم... »، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۷۳.
- [۵۰۸] (۲) الكافی، ج ۶، ص ۳۲۵، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۲۷۶، ح ۱۸۸۴ و ص ۲۷۵، ح ۱۸۸۳ نحوه و كلّها عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۶، ح ۱۰.
- [۵۰۹] (۳) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۵، ح ۱۴۵۱، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۸۴، ح ۴۱.
- [۵۱۰] (۴) فی المحاسن و بحار الأنوار: « مُخَّ » بدل « مُخَّ ». و المُخَّ: صُفْرَةُ البیض (القاموس المحیط، ج ۱، ص ۲۴۸).
- [۵۱۱] (۵) الكافی، ج ۶، ص ۳۲۵، ح ۵ عن محمّد بن عیسی عن أبیه عن جدّه و قیس بن عبد العزیز، المحاسن، ج ۲، ص ۲۷۷، ح ۱۸۹۰ عن میسر بن عبد العزیز، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۷، ح ۱۶.
- [۵۱۲] (۶) المحاسن، ج ۲، ص ۲۷۷، ح ۱۸۹۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۷، ح ۱۷.
- [۵۱۳] (۱) در السرائر، حدیث، چنین آغاز می شود: « روایت شده است که خوردن گوشت... ».
- [۵۱۴] (۱) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۲، ح ۱۱۴۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۸، ح ۲۱.
- [۵۱۵] (۲) الخصال، ص ۱۵۵، ح ۱۹۴ عن معاویة بن عمّار، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۲۷، ح ۳۰۹، روضة الواعظین، ص ۳۳۶، طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۴ و فیها « والضلع » بدل « و الطلع »، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵، ح ۵ و ج ۷۶، ص ۷۳، ح ۱۰.
- [۵۱۶] (۳) بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱ نقلًا عن طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۶۳ و فیہ « إدامة أكل البصل یولّد الكلف فی الوجه ».
- [۵۱۷] (۴) فی بحار الأنوار: « و الانبهار ». مرّ معنی الربو و الابتهاج فی ص ۲۱۳.
- [۵۱۸] (۵) طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۸، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱.
- [۵۱۹] (۱) در طب الرضا علیه السلام، به جای « تخم مرغ »، « پیاز » آمده است.
- [۵۲۰] (۱) كتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۶، ح ۵۷۶۲ عن حمّاد بن عمرو و أنس بن محمّد عن أبیه، مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۳۳۰، ح ۲۶۵۶ كلاهما عن الإمام الصادق عن أبیه عن جدّه عن الإمام علیّ علیهم السلام، الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه

السلام، ص ۲۹۵ عن الإمام الرضا عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۷، ح ۱۸.

[۵۲۱] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۲۴۸، ح ۳، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۲۱، ح ۴۱۴۶، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۵، ح

۱۱۵۷، الفصول المختارة، ص ۱۰۷ عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۸۲، ح ۲۵.

[۵۲۲] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۲۴۸، ح ۱ عن محمد بن مسلم وص ۲۴۹، ح ۲ عن زرارة عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه، تهذيب

الأحكام، ج ۹، ص ۱۵، ح ۵۷ عن محمد بن مسلم، المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۰۴ عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه و

راجع الخصال، ص ۱۴۰، ح ۱۵۹.

[۵۲۳] (۱) الخصال، ص ۶۱۰، ح ۹ عن الأعمش، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵، ح ۴.

[۵۲۴] (۲) تحف العقول، ص ۳۳۸ و ص ۴۲۲ عن الإمام الرضا عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵، ح ۶.

[۵۲۵] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۲۴۹، ح ۴، تهذيب الأحكام، ج ۹، ص ۱۶، ح ۶۱، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۲۲، ح

۴۱۵۱ عن عبد الله بن سنان نحوه، قرب الإسناد، ص ۴۹، ح ۱۶۰ وفيه «سئل عن بيض طير الماء فقال: ما كان...»، بحار الأنوار، ج ۶۶،

ص ۴۳، ح ۱.

[۵۲۶] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۲۴۹، ح ۳، تهذيب الأحكام، ج ۹، ص ۱۵، ح ۵۸ و راجع: دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۲۳، ح ۴۱۸ و

المقنعة، ص ۵۷۷.

[۵۲۷] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۵۷، ح ۱۱ عن مسمع بن عبد الملك عن الإمام الصادق عليه السلام.

[۵۲۸] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۵۵، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۰، ح ۲۲۹۵ كلاهما عن إسماعيل بن جابر و ح ۲۲۹۴ عن الحسن

بن راشد، الخصال، ص ۶۱۲، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص

۱۰۱ وفيهما «أكل التفاح نضوح للمعدة»، الجعفریات، ص ۲۴۴ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، دعائم الإسلام، ج ۲، ص

۱۱۳، ح ۳۷۳ وفيهما «عليكم بأكل التفاح فإنه نضوح للمعدة» والخمسة الأخيرة عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص

۱۶۸، ح ۶.

[۵۲۹] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۲۲۸۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۹۳، ح ۱ و ج ۶۶، ص ۱۷۱، ح ۲۰.

[۵۳۰] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۵۷، ح ۱۰، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۲۲۸۷، طب الأئمة لابني بسطام، ص ۶۳ عن سماعة وفيه

محمومكم» بدل «محموميكم»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۹۳، ح ۳.

[۵۳۱] (۲) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۱۳۵ عن محمد بن مسلم و ص ۵۳، الكافي، ج ۶، ص ۳۵۷، ح ۱۰، المحاسن، ج ۲، ص

۳۶۸، ح ۲۲۸۶ و ليس فيها «ألا و إنه أسرع شيء منفعه للفؤاد خاصة و إنه نضوحه»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۵، ح ۳۳.

[۵۳۲] (۳) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۸، ح ۵۲۵.

[۵۳۳] (۴) الكافي، ج ۸، ص ۲۹۱، ح ۴۴۱ و ج ۶، ص ۳۵۶، ح ۹، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۲۲۸۵ كلاهما عن المفصل بن عمر

نحوه، علل الشرائع، ص ۴۶۴، ح ۱۱، طب الأئمة لابني بسطام، ص ۵۹ عن محمد بن العيص، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۴، ح

۱۲۴۷ عن الإمام الكاظم عن أبيه عن جدّه عليهم السلام نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۰، ح ۲.

[۵۳۴] (۵) قوله: «بلطف» بضم اللام و فتح الطاء: جمع لطفة بالضم بمعنى الهدية كما ذكره الفيروز آبادي، أو بضم اللام و سكون

الطاء؛ أي بعثني لطلب لطفٍ و برٍّ و إحسان. و الأول أظهر (مرآة العقول، ج ۲۲، ص ۱۹۶).

[۵۳۵] (۶) الكافي، ج ۶، ص ۳۵۵، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۲۲۸۸ و ۲۲۸۹، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۲۴۵

كلاهما عن سليمان بن درستويه الواسطي نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۹۳، ح ۵.

[۵۳۶] (۱) [در متن عربی، واژه «لطف» آمده است که درباره آن، دو احتمال وجود دارد: یکی، «لُطْف» که جمع «لُطْفَه» به معنای

هدیه است (چنان که فیروزآبادی آورده است)، و دیگری، «لُطْف» است و در حدیث مذکور، بدین معنا که امام علیه السلام مرا در پی لطف (نیکی و احسان) فرستاد. از این دو احتمال، احتمال نخست، ظهور بیشتری دارد (مرآة العقول: ج ۲۲ ص ۱۹۶).

[۵۳۷] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۶، ح ۹، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۲۲۸۵، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۲۴۷ عن الإمام الكاظم عن أبيه عن جدّه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۱، ح ۲۱.

[۵۳۸] (۲) من أهل الأرض: أي الجَنّ (مرآة العقول، ج ۲۲، ص ۱۹۵).

[۵۳۹] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۵، ح ۲ عن الجعفری.

[۵۴۰] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۶، ح ۵، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۹، ح ۲۲۹۰ عن القندی مضمراً، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۳، ح ۲۶.

[۵۴۱] (۵) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۵، ح ۱۲۴۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۷، ح ۳۷.

[۵۴۲] (۱) مقصود، جَنّیانند (مرآة العقول: ج ۲۲ ص ۱۹۵).

[۵۴۳] (۱) المواعظ العددیة، ص ۲۱۱. انظر الحدیث بتمامه فی: ج ۱، ص ۱۰۰ إرشادات طبیة متفرقة / أسباب طول العمر.

[۵۴۴] (۲) طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۱۳۵ عن أبی بصیر، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۵، ح ۳۳.

[۵۴۵] (۳) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۲، ح ۴۸۹۹، علل الشرائع، ص ۵۱۵، ح ۵، الاختصاص، ص ۱۳۲ کلّها عن أبی سعید الخدری، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۸۰، ح ۱.

[۵۴۶] (۱) برای دیدن متن کامل این حدیث، ر. ک: ج ۱، ص ۱۰۱ (توصیه‌های طبی / عوامل طول عمر).

[۵۴۷] (۱) صحیح البخاری، ج ۵، ص ۲۱۵۴، ح ۵۳۶۵ و ص ۲۰۶۷، ح ۵۱۰۱، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۷۳۶، ح ۲۲۱۶، السنن الكبرى، ج ۹، ص ۵۸۱، ح ۱۹۵۷۳، المعجم الأوسط، ج ۹، ص ۱۹، ح ۹۰۰۱، الفردوس، ج ۲، ص ۷۶، ح ۲۴۲۶ کلّها عن عائشة.

[۵۴۸] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۲۱، ح ۳ عن مسمع بن عبد الملك، المحاسن، ج ۲، ص ۱۷۱، ح ۱۴۷۶ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عن رسول الله صلى الله عليه و آله و ليس فيه «و كررها ثلاثا»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۹۶، ح ۷.

[۵۴۹] (۳) السنن الكبرى للنسائی، ج ۴، ص ۳۷۲، ح ۷۵۷۵، مسند ابن حنبل، ج ۱۰، ص ۸۵، ح ۲۶۱۰۹، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۲۲۸، ح ۷۴۵۵، السنن الكبرى، ج ۹، ص ۵۸۱، ح ۱۹۵۷۴ کلّها عن عائشة، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۳۷، ح ۲۸۲۴۵.

[۵۵۰] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۲۰، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۱۷۱، ح ۱۴۷۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۹۶، ح ۶.

[۵۵۱] (۱) آشی که از سبوس و شیر و غسل سازند (لغت‌نامه دهخدا: ج ۴ ص ۶۰۷۲).

ابن اثیر در النهایة (ج ۴ ص ۲۲۹) آورده است: تلین و تلین، شوربایی است که از آرد یا سبوس فراهم می‌سازند و گاه نیز قدری غسل بدان می‌آمیزند. این شوربا به سبب شباهت به شیر (لبن) و نیز غلظت کم آن، «تلین» نام گرفته که اسم مژه است از «تلین»، مصدر «لَبَّنَ القوم» به معنای: به آنان شیر نوشاند.

در قاموس (ج ۴ ص ۲۶۵) نیز آمده است: «تلین» و همین واژه با افزوده «هاء» در آخر آن، شوربایی است فراهم آمده از: سبوس، شیر و غسل و یا فقط از سبوس.

[۵۵۲] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۳۴۵، ح ۲۱۸۹، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۸۲، ح ۳۱.

[۵۵۳] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۶۵، ح ۱۲۰۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۴۱، ح ۵۸.

[۵۵۴] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۴۲، ح ۲۱۷۸ عن عبد الرحمن بن زید بن أسلم، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۷، ح ۵۱۸، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۶۴، ح ۱۱۹۵ عن الإمام الصادق علیه السلام و فيه «السحر» بدل «السم»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۳۳، ح ۲۹؛

- سنن الترمذی، ج ۴، ص ۴۰۱، ح ۲۰۶۶ عن أبي هريرة، السنن الكبرى للنسائي، ج ۴، ص ۱۶۵، ح ۶۷۱۵ عن أبي سعيد الخدري و جابر بن عبد الله، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۸، ح ۲۸۲۰۲ نقلًا عن ابن النجار عن ابن عباس.
- [۵۵۵] (۴) الخصال، ص ۶۱۵، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۶، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۶۳، ح ۱۱۹۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۴۱، ح ۵۸.
- [۵۵۶] (۱) برنی، نوعی از خرماى مرغوب است که به شکل دایره و به رنگ سرخ مایل به زرد است (المعجم الوسيط: ج ۱ ص ۵۲).
- [۵۵۷] (۲) عَجْوَه، نوعی از خرماى مدینه است، بزرگ تر از خرمايى به نام صیحانی، و رنگ آن، سرخ تیره مایل به سیاه و از کاشته‌های پیامبر صلی الله علیه و آله است (النهاية: ج ۳ ص ۱۸۸).
- [۵۵۸] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۵، ح ۵، المحاسن، ج ۲، ص ۳۴۳، ح ۲۱۸۴ و ليس فيه ذيله، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۳۳، ح ۳۳ و راجع: المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۲۲۷، ح ۷۴۵۱.
- [۵۵۹] (۲) المحاسن، ج ۱، ص ۷۶، ح ۳۷ و ج ۲، ص ۳۴۴، ح ۲۱۸۸ كلاهما عن الحسين بن علوان، الخصال، ص ۴۱۶، ح ۸ عن الإمام الصادق عن الإمام عليّ عليهما السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۶۶، ح ۱۲۰۷، مشكاة الأنوار، ص ۲۶۲، ح ۷۷۷ کلها نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۲۸، ح ۱۱.
- [۵۶۰] (۳) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۱۱، ح ۳۶۴.
- [۵۶۱] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۳۴۹، ح ۲۲۰۳ عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۳۸، ح ۴۹.
- [۵۶۲] (۲) المعجم الكبير، ج ۷، ص ۱۵۹، ح ۶۶۸۹ عن السائب بن يزيد، كنز العمال، ج ۸، ص ۵۲۶، ح ۲۳۹۸۱ نقلًا عن صحيح ابن حبان و السنن الكبرى عن أبي هريرة و فيه «سحور المؤمن» بدل «السحور»؛ طَبَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله، ص ۷ و فيه «للمؤمن» بعد «السحور»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۶.
- [۵۶۳] (۳) سنن أبي داود، ج ۲، ص ۳۰۵، ح ۲۳۵۵، المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۵۹۷، ح ۱۵۷۵ كلاهما عن سلمان بن عامر، السنن الكبرى للنسائي، ج ۲، ص ۲۵۴، ح ۳۳۲۴ عن سليمان بن عامر من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه و آله، كنز العمال، ج ۸، ص ۵۰۹، ح ۲۳۸۷۴.
- [۵۶۴] (۴) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۳۶، ح ۱۹۶۱ عن الإمام عليّ عليه السلام، روضه الواعظين، ص ۳۷۴ نحوه.
- [۵۶۵] (۱) صَيْرَفَان، نوعی خرماست. به سان خرماى برنی، سرخ رنگ است، با این تفاوت که جویدن آن، قدری سخت تر است و حالتی سقزمانند دارد (لسان العرب: ج ۹، ص ۱۹۳).
- [۵۶۶] (۲) در طَبَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله، پس از واژه «سحری ای»، «برای مؤمن» آمده است.
- [۵۶۷] (۳) معنای سويق در صفحه ۳۷۵ خواهد آمد.
- [۵۶۸] (۱) تهذيب الأحكام، ج ۴، ص ۱۹۸، ح ۵۶۷، المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۰، ح ۱۹۴۹ كلاهما عن حفص بن البختري، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۹، ح ۱۴۲۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۸۰، ح ۲۱.
- [۵۶۹] (۲) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۶۵، ح ۱۲۰۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۴۱، ح ۵۸.
- [۵۷۰] (۳) مسند أبي يعلى، ج ۱، ص ۲۴۱، ح ۴۵۱ عن عروة بن رويم عن الإمام عليّ عليه السلام، كنز العمال، ج ۱۲، ص ۳۳۸، ح ۳۵۳۰۰ نقلًا عن أبي نعيم في الطب عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله.
- [۵۷۱] (۴) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۵۰۸، ح ۱۷۶۴، طَبَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله، ص ۷ و فيه «الرتب الحلو و التمر» بدل «الرتب، فإن لم يكن رطب فتمر»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۵.

- [۵۷۲] (۵) تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۳۶۶ الرقم ۴۴۶۵، تاریخ دمشق، ج ۷۰، ص ۹۳، ح ۱۳۷۹۰ کلاهما عن سلمة بن قیس، کنز العمال، ج ۱۲، ص ۳۴۰، ح ۳۵۳۱۳.
- [۵۷۳] (۱) الخصال، ص ۶۳۷، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۲۴ و فيه «ولا تبدأ» بدل «ولا تتداوى»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۲۸، ح ۱۰.
- [۵۷۴] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۲۲، ح ۳ عن زرارة عن الإمام الصادق عليه السلام.
- [۵۷۵] (۳) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۶۶، ح ۱۲۰۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۴۱، ح ۵۸.
- [۵۷۶] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۲۲، ح ۵، المحاسن، ج ۲، ص ۳۴۵، ح ۲۱۹۰ کلاهما عن صالح بن عقبه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۳۴، ح ۳۸ و ج ۱۰۴، ص ۱۱۵، ح ۳۹.
- [۵۷۷] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۱، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۵، ح ۲۳۱۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۹۳، ح ۳.
- [۵۷۸] (۶) سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۰۴، ح ۳۳۲۶، السنن الكبرى للنسائي، ج ۴، ص ۱۶۶، ح ۶۷۲۲ عن عائشة، کنز العمال، ج ۷، ص ۱۰۶، ح ۱۸۱۹۰ نقلًا عن المعجم الأوسط و المستدرک علی الصحیحین و أبي نعیم فی الطب عن أنس نحوه؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۸۴.
- [۵۷۹] (۷) صحيح البخاری، ج ۵، ص ۲۰۷۳، ح ۵۱۲۴، المصنّف لابن أبي شيبة، ج ۵، ص ۵۷۰، ح ۴، مسند الحمیدی، ج ۱، ص ۲۴۸، ح ۵۴۰؛ مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۷۲، ح ۹۶ عن أنس و فيه «القضاء بالربط» بدل «الربط بالقضاء»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۳، ح ۳.
- [۵۸۰] (۱) مریم: آیه ۲۵ و ۲۶.
- [۵۸۱] (۲) ظاهرا این کار، به دلیل شیرین نبودن خربزه‌های آن سامان بوده است.
- [۵۸۲] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲ جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.
- [۵۸۳] (۱) الكافي ج ۶ ح ۵ عن ابی بصیر عن الامام الصادق علیه السلام تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴۳۷، ح ۱۷۴۱ عن ابی بصیر، الخصال، ص ۶۳۷، ح ۱۰ عن ابی بصیر و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۲۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۲۸، ح ۱۰.
- [۵۸۴] (۱) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۶، ح ۱۲۵۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۶، ح ۴؛ الفردوس، ج ۳، ص ۲۴۳، ح ۴۷۱۶ نحوه، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۴، ح ۲۸۲۸۰.
- [۵۸۵] (۲) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۷، ح ۱۲۵۴ عن كعب، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۶، ح ۶.
- [۵۸۶] (۳) فی المصدر: «تلتین»، و التصویب من بحار الأنوار.
- [۵۸۷] (۴) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۱۳۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۶، ح ۳.
- [۵۸۸] (۵) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۶، ح ۱۲۵۲.
- [۵۸۹] (۱) نقرس، ورمی است همراه با درد که در مفاصل پایین پا و انگشتان، بروز می کند (مجمع البحرين: ج ۳ ص ۱۸۲۳).
- [۵۹۰] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۵۸، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۲، ح ۲۲۹۸ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۵، ح ۲.
- [۵۹۱] (۲) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۱۳۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۵، ح ۳.
- [۵۹۲] (۳) غریب الحدیث لابن قتیبة، ج ۲، ص ۳۰۳ عن ابن عباس؛ مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۶، ح ۱۲۵۳ و فيه «فی الحدیث: من أراد أن یرق قلبه فلیدمن من أكل البلس و هو التین»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۷، ح ۷ نقلًا عن الفردوس عن ابن عباس عنه

صلی الله علیه و آله و زاد فی آخره «یعنی التین» وص ۱۸۶، ح ۶.

[۵۹۳] (۱) علامه مجلسی می‌گوید: جوهری می‌گوید: «بلس»، چیزی است همانند انجیر که در یمن، فراوان یافت می‌شود». در قاموس آمده است: «میوه‌ای است همانند انجیر، و خود انجیر است». در النهایه آمده است: «در حدیث است که: هر کس دوست دارد دلش نازک باشد، پیوسته بلس بخورد. و بلس، همان انجیر است. نیز گفته شده: چیزی است همانند انجیر که در یمن یابیده می‌شود. همچنین گفته‌اند: همان عدس است. برخی نیز گفته‌اند: بلس، (با ضمه باء و لام) خوانده شود. از همین قبیل است حدیث ابن جریج که در آن گفته: از عطاء درباره زکات غلات پرسیدم. گفت: همه آنها زکات دارند. او پس از آن، از: ذرت، تنباکو، بلس و کنجد، نام برد. برخی هم به جای آن، بلس گفته‌اند».

می‌گویم: گویا در اینجا مقصود از بلس، همان عدس است؛ چرا که این مضمون، به روایت‌هایی دیگر نیز نقل شده است. نیز دور نیست که به جای «بلس»، واژه «بلسن» باشد. [فیروزآبادی در قاموس گفته است: «بلسن» [بر وزن کُنْدُر] همان عدس، یا دانه‌ای دیگر همانند عدس است (بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۱۸۶).

[۵۹۴] (۲) در مکارم الأخلاق آمده است: «در حدیث است که هر کس می‌خواهد دلش نازک باشد، پیوسته بلس که همان انجیر است بخورد». در بحار الأنوار (ج ۶۶ ص ۱۸۷ ح ۷) با افزوده «یعنی انجیر» در آخر آن، آمده است.

[۵۹۵] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۴، ح ۱۳۳۵؛ الفردوس، ج ۳، ص ۲۴۵، ح ۴۷۲۱ کلاهما عن الإمام علی علیه السلام، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۷۱، ح ۴۰۹۳۹.

[۵۹۶] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۴، ح ۱۳۳۶ عن الإمام علی علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۱، ح ۱۴؛ تاریخ دمشق، ج ۶۴، ص ۳۰۴، ح ۱۳۱۴۵ عن حَبِئَةَ، الفردوس، ج ۵، ص ۳۳۰، ح ۸۳۴۱ نحوه و زاد فیه «نیثا» بعد «الثوم» و کلاهما عن الإمام علی علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۴۴۰، ح ۴۱۷۴۸.

[۵۹۷] (۳) علل الشرائع، ص ۵۲۰، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۱، ح ۲۱۳۲ کلاهما عن داوود بن فرقد، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۵۰ و لیس فیه ذیله، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۷، ح ۳.

[۵۹۸] (۴) طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۴۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۵.

[۵۹۹] (۱) علامه مجلسی می‌گوید: سیر، بر دو گونه است: بیابانی و باغی. جالینوس می‌گوید: «گرم و خشک و در زمره طبع سوم است و برخی هم گفته‌اند از چهارم». برای رفع تیرگی رنگ خون، سودمند است. شپش و تخم شپش را می‌کشد و از آن روی که حل‌کنندگی و خشک‌کنندگی قوی‌ای دارد، چنانچه بیش از اندازه پیاز مصرف شود، سردرد می‌آورد و به چشم زیان می‌رساند. برای درد پشت و سرین، سودمند است و در برابر گاز گرفتن درندگان، برای افرادی که دارای طبع سرد هستند، کار تریاک را می‌کند. در کل، برای حفظ سلامت سرد طبعان و پیران، بسیار مفید است؛ حرارت غریزی آنان را تقویت می‌کند، بادهای سخت را از بدن می‌برد و برای بهبود ریزش قطره‌قطره‌ای پیشاب پیران، سودمند است. بهترین روش آماده کردن آن، این است که در آب و نمک جوشانده، سپس از آب، بیرون آورده و با روغن بادام پخته و آن گاه خورده شود و پس از آن هم انار و سیب، مکیده شود. اگر هم آن را بسوزانند و بسایند و با عسل، خمیر کنند و بر روی محلّ مارگزیدگی بگذارند، بهبود می‌بخشد. سیر، در گشتن کرم کدو هم منفعت شگفت‌آوری دارد (بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۲۵۱).

[۶۰۰] (۱) طب النبوی صلی الله علیه و آله، ص ۱۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۰۰، مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۷۶، ح ۲۰۲۳۶ و فیه «یذهب» بدل «یورث».

[۶۰۱] (۲) الدرر الواقیه، ص ۴۲ عن سماعه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۰۵، ح ۱۱.

[۶۰۲] (۳) فی بحار الأنوار: «یطیب النکبه».

- [۶۰۳] (۴) الدعوات، ص ۱۵۲، ح ۴۱۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۰۵، ح ۱۰.
- [۶۰۴] (۱) در مستدرک الوسائل، به جای «خواب می آورد»، «خواب را می برد» آمده است.
- [۶۰۵] (۲) در بحار الأنوار، به جای «نوشیدن»، «بوی دهان» آمده است.
- [۶۰۶] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۷، ح ۱۹۸۱، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۱، ح ۱۳۹۰ و لیس فیہ «الطعام»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۰۵، ح ۹.
- [۶۰۷] (۲) تاریخ بغداد، ج ۷، ص ۴۰۳ الرقم ۳۹۴۷ عن ابن عباس؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۴.
- [۶۰۸] (۳) طب النبئی صلی الله علیه و آله، ص ۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۴.
- [۶۰۹] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۰، ح ۳ عن زرارة، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۰۶، ح ۱۴.
- [۶۱۰] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۰، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۵، ح ۱۹۷۴ و ص ۲۹۸، ح ۱۹۸۳ کلها عن عبد العزيز العبدی، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۹۸، ح ۳.
- [۶۱۱] (۶) بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۹ نقلًا عن طب النبئی صلی الله علیه و آله.
- [۶۱۲] (۷) طب النبئی صلی الله علیه و آله، ص ۱۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۹.
- [۶۱۳] (۱) طب النبئی صلی الله علیه و آله، ص ۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۵. انظر تمام الحديث فی: ج ۱، ص ۲۵۴، ح ۳۸۳.
- [۶۱۴] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۳، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۲، ح ۲۰۰۱ كلاهما عن عبد العزيز العبدی، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۹، ح ۵.
- [۶۱۵] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۰ ذیل ح ۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۰۶، ح ۱۲.
- [۶۱۶] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۰، ح ۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۰۶، ح ۱۲.
- [۶۱۷] (۱) برای دیدن متن کامل این حدیث، ر. ک: ج ۱، ص ۲۵۵ ح ۳۸۳.
- [۶۱۸] (۲) شاید مقصود از پوست پنیر، لایه‌ای باشد که به هنگام خشک شدن، روی آن قرار می‌گیرد؛ چرا که در زبان عربی، واژه «قشر»، به معنای پوسته هر چیز است، خواه در خلقت اولیه آن باشد و خواه به پدید آمدن بعد (الوافی: ج ۱۹ ص ۳۵۶).
- در حاشیه نسخه چاپی منبع، آمده است: همان گونه که فرموده‌اند، مقصود از پوست پنیر، همان قسمتی است که با دست، تماس می‌گیرد. این احتمال هم وجود دارد که مقصود از آن، پوسته پنیرمایه باشد (حاشیه منبع).
- [۶۱۹] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۴، ح ۲۰۹۷ عن حماد بن زکریا عن الإمام الصادق علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۶، ح ۲.
- [۶۲۰] (۲) المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۴، ح ۲۰۹۶ عن جابر، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۶، ح ۱.
- [۶۲۱] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۵، ح ۲۱۰۲ عن علی بن ابی حمزه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۷، ح ۴.
- [۶۲۲] (۱) جرجیر، گیاهی است که بر آب می‌روید، دارای برگ‌های بریده‌بریده و ساقه سفید است و نوعی از آن، دشتی و نوع دیگر، بستانی (باغی) است (القانون فی الطب: ص ۵۶).
- گیاهی است دارای گل‌های سفید ریز و برگ‌های مرگب و سبز پُررنگ. در خشکی، در مناطق معتدل اروپا و آسیا در نزدیک چشمه‌ها و آبگیرها می‌روید. در سالاد از آن استفاده می‌شود و به آن، مزه‌ای لذیذ می‌دهد (المنجد: ص ۸۴).
- عَلَّامه مجلسی می‌گوید: آنچه از کتاب‌های بیشتر اطبّا برمی‌آید، این است که آنچه در فارس به نام تره‌تیزک یا شاهی شناخته شده، همان «جرجیر» عربی نیست؛ بلکه «رشاد» عربی است. ابن بیطار گوید: «جرجیر، دارای دو نوع است: بستانی (باغی) و دشتی، و هر یک از آنها نیز برای خود، دو نوع دارد. یکی از دو نوع جرجیر بستانی، دارای برگ‌های پهن و پسته‌ای‌رنگ است، تندی کمتری

دارد و نرم و خوش بو است؛ اما نوع دیگر آن، دارای برگ‌های نازک است و طعم بسیار تندی دارد.

[بدیعی در الاختیارات گفته است: «جرجیر، دارای دو نوع: دشتی و باغی است. جرجیر دشتی را ایبهقان، و جرجیر باغی را در زبان فارسی، گیگر گویند. جرجیر دشتی را خردل بزی هم می‌گویند و از بذر آن، به جای خردل استفاده می‌کنند». همو گفته است: «رشاد، همان حُرْفِ عربی است که در فارسی، آن را سپندان و تره‌تیزک نیز می‌گویند» (بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۲۳۸).

[۶۲۳] (۱) الدعوات، ص ۱۶۰، ح ۴۴۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۷، ح ۷.

[۶۲۴] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۰، ح ۱۳۱۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۷، ح ۷.

[۶۲۵] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۸، ح ۲ عن السکونی، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۴، ح ۲۰۹۸ من دون إسنادٍ إلى المعصوم، مکارم

الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۰، ح ۱۳۱۵ و لیس فیهِ «و بات ینزف الدم»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۶، ح ۲.

[۶۲۶] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۸، ح ۱ عن حمّاد بن زکریّا.

[۶۲۷] (۵) فی المحاسن، «عن نصیر مولیٰ أبی عبد الله علیه السلام أو موفق مولیٰ أبی الحسن علیه السلام». و فی بحار الأنوار: «أو عن

موفق».

[۶۲۸] (۶) البقرة: ۲۴، التحريم: ۶.

[۶۲۹] (۷) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۸، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۵، ح ۲۱۰۳ و فیهِ «کان إذا أمر بشيء من البقل يأمرنا بالإكثار من

الجرجير...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۷، ح ۵.

[۶۳۰] (۱) در المحاسن آمده است: «از نصیر (خدمتکار امام صادق علیه السلام) یا موفق (خدمتکار امام کاظم علیه السلام) ... و در

بحار الأنوار آمده است: «... یا از موفق...».

[۶۳۱] (۲) بقره: آیه ۲۴، تحريم: آیه ۶.

[۶۳۲] (۳) در المحاسن، آمده است: «هنگامی که دستور خریدن سبزی ای می‌داد، به ما می‌فرمود که جرجیر فراوان بگیریم».

[۶۳۳] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۲، ح ۲، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۹، ح ۱۳۵۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۹، ح ۳.

[۶۳۴] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۲، ح ۱ عن داوود بن فرقد.

[۶۳۵] (۳) فی المحاسن، «دخلت علیه»، و يفهم من سياقه أنّ الضمير يرجع إلى الإمام الكاظم عليه السلام.

[۶۳۶] (۴) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۹، ح ۱۳۵۷، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۲، ح ۲۱۳۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۹، ح ۲.

[۶۳۷] (۱) در کتاب المحاسن، عبارت «دَخَلْتُ عَلَيْهِ (بر او وارد شدم)» آمده و از سیاق آن، چنین فهمیده می‌شود که ضمیر در

علیه، به امام کاظم علیه السلام برمی‌گردد.

[۶۳۸] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۲، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۲، ح ۲۱۳۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۸، ح ۱ وج ۱۰۴، ص ۸۲

ح ۲۸.

[۶۳۹] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۰، ح ۱ عن السکونی عن الإمام الصادق علیه السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۷، ح ۱۹۸۲ عن

السکونی عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۱، ح ۱۳۹۱ عن الإمام الصادق علیه السلام و

لیس فیهِ «یهیج الحرّ فی الجوف»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۸۱ وج ۶۶، ص ۱۹۸، ح ۲.

[۶۴۰] (۱) بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۳۵، ح ۵ نقلًا عن الفردوس.

[۶۴۱] (۲) طَبَّ الْأَنْثَمَةُ لابنی بسطام، ص ۶۷ عن زید بن علیّ رفعه إلى آبائه عليهم السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۴، ح ۱۳۷۵

نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۳۳، ح ۱.

[۶۴۲] (۱) هزار اسپند: حرمل، اسفند، سفند، اسپند و سپند سوختنی. چیزی است که سوزند دفع چشم‌زخم را. حمد الله مستوفی

گوید: «حرمل: سپند و در دفع چشم بد، سپند سوختن، مجرب است» و صاحب الاختیارات گوید: «ابن سمحون گوید: دو نوع است: سرخ و سفید؛ و نوع سپید، که حرمل عربی خوانند و به یونانی مولی و در پارسی، صندل و انج، و ورق آن، مانند ورق بید بود و کوچک‌تر، و گل وی، مانند یاسمن، مطلق و سپید و خوش‌بوی بود و به سریانی بسباسا خوانند. و نوع دیگر، سرخ که حرمل عامی خوانند و در پارسی، اسپند گویند و به شیرازی نیوند و هزار اسپند نیز گویند» (ر. ک: لغت‌نامه دهخدا: ج ۶ ص ۷۷۹۰).

[۶۴۳] (۱) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۵۰، ح ۵۳۵، الجعفریات، ص ۲۴۴ عن الإمام الكاظم عن آبائه عنه عليهم السلام وفيه «سیره» بدل «نشرة».

[۶۴۴] (۲) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۶۸، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۴، ح ۱۳۷۷ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۳۴، ح ۲.

[۶۴۵] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۴، ح ۱۳۷۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۳۴، ح ۳.

[۶۴۶] (۱) جامع الأحادیث للقمی، ص ۱۰۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۳۳، ح ۱.

[۶۴۷] (۲) الجعفریات، ص ۲۴۵ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۷، ح ۱۳۸۰، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۵۰، ح ۵۳۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۳۳، ح ۳.

[۶۴۸] (۱) شنبلیله گیاهی است دارای دانه‌های زرد. برای درمان، از آن استفاده می‌گردد و کاشته و خورده می‌شود. برای درد سینه، سرفه، نفس‌تنگی، بلغم، بواسیر و درد: پشت، کبد و مثانه، و برای تقویت توان جنسی سودمند است (تاج العروس: ج ۱ ص ۴۳۹).

[۶۴۹] (۲) علامه مجلسی در شرح این حدیث، چنین آورده است: گویا مقصود از «شابکه»، بادی است که میان پوست و گوشت، رخ می‌نماید و آنها را به هم پیوند می‌زند، یا مقصود، بادی است همانند قولنج که در پشت و جاهای دیگر، رخ می‌نماید و در نتیجه انسان نمی‌تواند حرکت کند.

برای واژه «حام»، معنایی سراغ نداریم. گویا این واژه، «خام» (با حرف خ) است، به معنای بلغم خام که هنوز به پختگی نرسیده است. شاید هم مقصود از آن، بادی است که پیوسته در بدن شخص جای گرفته باشد، برگرفته شده از «حام الطیر علی الشیء»، یعنی پرند در جایی مسکن گرفت.

درباره «ابره»، فیروزآبادی می‌گوید: «سردی‌ای در درون است». نیز در النهایه گفته است: «ابره» (با کسره همزه و راء) بیماری‌ای است شناخته شده که از چیرگی برودت و رطوبت بر طبع، حاصل می‌آید و انسان را از آمیزش، ناتوان می‌سازد.

در القانون آمده است: «شنبلیله در آخر فصل نخست، گرم و در طول فصل نخست، خشک است؛ از رطوبتی شگفت، تهی نیست؛ نضج‌دهنده و نرم‌کننده است؛ ورم‌های بلغمی و پشتی را از میان می‌برد؛ شکم کلن‌ها را نرم می‌کند و به آستانه باز شدن می‌رساند؛ سینه و حلق را نرم می‌کند و بویژه هنگامی که با عسل یا خرما و یا انجیر پخته شود، سرفه و نفس‌تنگی را فرو می‌نشانند. بهتر، آن است که شنبلیله را با قدری خرما بیامیزند و بفرسند و عصاره آن را بگیرند و سپس با مقدار زیادی عسل درآمیزند و آن‌گاه بر روی حرارتی معتدل، گرم کنند و قبل از غذا (با فاصله زیاد) آن را بخورند. پخته آن در سرکه، برای ضعف معده، سودمند است و آب‌پز شده آن نیز برای دل‌پیچه و شکم‌رویی، خوب است» (بحار الأنوار: ج ۶۲ ص ۱۸۷ ح ۳).

[۶۵۰] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۱۷۵، ح ۱۴۹۲ عن أبي الحسن الأحمسی عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۸۵، ح ۲.

[۶۵۱] (۲) تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۱۱۳، ح ۱۱۲۲ عن أبي موسى، كثر العمال، ج ۱، ص ۱۴۶، ح ۷۱۴؛ طب النبی صلی الله علیه و آله، ص ۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۵.

[۶۵۲] (۳) مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۶۵، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۱۳.

[۶۵۳] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۵۱۳، ح ۴ عن عیسی بن عبد الله عن أبیه عن جدّه.

- [۶۵۴] (۵) المحاسن، ج ۲، ص ۱۷۶، ح ۱۴۹۶ عن علی بن ابی حمزه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۸۶، ح ۵.
- [۶۵۵] (۶) الکافی، ج ۶، ص ۳۲۱، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۱۷۵، ح ۱۴۹۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۸۵، ح ۳.
- [۶۵۶] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۸، ح ۱۳۸۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۴، ح ۴، و فيه «الصدر» بدل «الظهر».
- [۶۵۷] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۲، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۷، ح ۲۰۲۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۳، ح ۲.
- [۶۵۸] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۳، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۷، ح ۲۰۲۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۳، ح ۱.
- [۶۵۹] (۱) علامه مجلسی در این باره آورده است: صاحب بحر الجواهر گفته: «نخود، دارای انواع: سفید، سرخ و سیاه است». بقراط گفته: «در طبع نخست، گرم و مرطوب است»؛ اما اسحاق می‌گوید: «در طبع نخست، گرم و خشک است». اگر با گوشت پخته شود، به پخت بهتر آن کمک می‌کند. اگر لکه خون با آن شسته شود، این لکه از پارچه پاک می‌شود. اگر آن را آرد کنند و با گلاب گرم بیامیزند و پمادی از آن بر کمر بمالند، برای کمردرد سودمند است. پیشاب و خون قاعدگی را به جریان می‌اندازد، با سینه و ریه سازگار است، نیروی جنسی را برمی‌انگیزد، شکم را نرم می‌کند؛ اما برای زخم‌های کلیه و مثانه زیان دارد. بیشتر از هر چیز، ریه را تقویت می‌کند و پخته آن، برای کمردرد، استسقا و یرقان، سودمند است.
- بدان که توان آمیزش جنسی به سه چیز، نیازمند است و این هر سه، در نخود، یکجا گرد آمده است: نخست، خوراکی که در آن، حرارتی افزون بر حرارت طبیعی بدن وجود داشته باشد و بتواند نیروی انسان را برای آمیزش برانگیزد؛ دوم، غذایی که از چنان تغذیه کنندگی و رطوبتی برخوردار باشد که بتواند به بدن رطوبت دهد و منی را افزون سازد؛ و سوم، غذایی که در آن از بادها و نفخ باشد که بتواند تهی گاه‌ها و اندام‌های آلت را پُر کند. اینها همه در نخود وجود دارند (بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۲۶۴).
- [۶۶۰] (۲) در بحار الأنوار، به جای «کمر»، واژه «سینه» آمده است.
- [۶۶۱] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۲۸۷، ح ۶ و ج ۵، ص ۷۳، ح ۱۳، المحاسن، ج ۲، ص ۴۱۶، ح ۲۴۶۰، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۳، ح ۱۰۷۱.
- [۶۶۲] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۷، ح ۱۲۵۸ عن عائشه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۴۹، ح ۱۲؛ الفردوس، ج ۲، ص ۱۷۶، ح ۲۸۸۳ عن عائشه، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۸۴، ح ۴۱۰۱۹.
- [۶۶۳] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۲۸۶، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۴۱۵، ح ۲۴۵۶ کلاهما عن الولید بن صبیح، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۱۰۷۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۰، ح ۳.
- [۶۶۴] (۱) کنز العمال، ج ۷، ص ۱۸۸، ح ۱۸۶۱۳ نقلًا عن الخطیب فی المتفق و المفترق.
- [۶۶۵] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۱۰۷۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۵، ح ۱.
- [۶۶۶] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۰۴، ح ۱ عن یونس، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۱۰۷۴ و فيه «قوت الأنبياء للأشقياء» بدل «قوت أنبيائه إلاً شعيراً»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۴، ح ۱.
- [۶۶۷] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۰۵، ح ۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۴، ح ۲.
- [۶۶۸] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۳۰۵، ح ۳، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۵، ح ۱۰۸۰ و فيه «ما من شيء أنفع ولا أبقى في الجوف...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۵، ح ۳ و ۴.
- [۶۶۹] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۰۵، ح ۱ عن یونس، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۵، ح ۱۰۷۷ نحوه و زاد فيه «إنه يسئل الداء سللاً»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۴، ح ۳.
- [۶۷۰] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۵، ح ۱۰۸۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۵، ح ۵.
- [۶۷۱] (۱) معنای گاوژس در صفحه ۵۰۱ گذشت. همچنین، ر. ک: ج ۱، ص ۴۳۹ (پاورقی ۲).

- [۶۷۲] (۱) مکارم الاخلاق ج ۱ ص ۳۹۶ ح ۱۳۴۴ عن الامام علی علیه السلام بحار الانوار ج ۶۶ ص ۲۳۹ ح ۲؛ الفردوس، ج ۳، ص ۲۴۴، ح ۴۷۱۷ عن الإمام علی علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله.
- [۶۷۳] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۷، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۱، ح ۲۰۸۴ و فيه «یطفی» بدل «یصفی» و کلاهما عن ابي حفص الأبار، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۶، ح ۱۳۴۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۹، ح ۱ و ۲.
- [۶۷۴] (۳) الدعوات، ص ۱۵۹، ح ۴۳۶.
- [۶۷۵] (۱) در المحاسن، به جای «تصفیه می کند»، «فرو می نشاند» آمده است.
- [۶۷۶] (۲) کاسنی، دارای دو گونه دشتی و باغی است و خود، بر دو نوع است: پهن برگ و نازک برگ. حکم کاهو را دارد) القانون فی الطب: ص ۶۸).
- [۶۷۷] (۱) سنن ابي داوود، ج ۳، ص ۳۶۰، ح ۳۸۲۱، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۲۷۸، ح ۱۸۳۹، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۰۲، ح ۳۳۱۷ کلها عن جابر بن عبد الله، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۸۳، ح ۴۲۰۱۱؛ المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۴، ح ۱۹۲۰ عن جابر بن عبد الله، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۷.
- [۶۷۸] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۲۹، ح ۷، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۴، ح ۱۹۲۴ کلاهما عن ابي بصير عن الإمام الصادق علیه السلام، الخصال، ص ۶۳۶، ح ۱۰ عن ابي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۳، ح ۱۴۰۰ عن الإمام الصادق علیه السلام و ليس فيها «و يطفئ الصفراء»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۵، ح ۲۲.
- [۶۷۹] (۳) السرائر، ج ۳، ص ۱۴۱، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۹، ح ۵۳۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۷۵.
- [۶۸۰] (۱) الدعوات، ص ۱۴۶، ح ۳۸۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۴، ح ۱۷.
- [۶۸۱] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۲۹، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۲، ح ۱۹۱۳ کلاهما عن سليمان بن خالد، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۳، ح ۱۳۹۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۱، ح ۱.
- [۶۸۲] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۴، ح ۱۹۲۵ عن رفاعه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۲، ح ۹.
- [۶۸۳] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۰، ح ۱۰.
- [۶۸۴] (۵) السنن الكبرى، ج ۶، ص ۶۳، ح ۱۱۲۰۳ عن جابر، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۸۴، ح ۴۱۰۱۳.
- [۶۸۵] (۶) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۰، ح ۸ عن حنّان عن ابيه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۲، ح ۱۰.
- [۶۸۶] (۷) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۰، ح ۹، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۵، ح ۱۹۲۷ کلاهما عن سماعه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۲، ح ۱۱.
- [۶۸۷] (۸) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۲۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۶۲، ح ۷.
- [۶۸۸] (۱) علامه مجلسی می گوید: گفته شده: مقصود از سرکه شراب، آن شرابی است که با عمل آوری، به سرکه تبدیل می شود، یا مقصود، هر سرکه‌ای است که در اصل، شراب بوده است، البته مشروط به آنکه تبدیل انگور به سرکه، بدون آنکه تبدیل به شراب شود، امکان پذیر باشد، چنان که این گونه بسیار ادعا می شود.
- [فیروزآبادی در القاموس گفته است: «سرکه، حالت اسیدی شده آب انگور و مانند آن است. بهترین نوع آن هم سرکه شراب است، ترکیب یافته از دو جوهر: گرم و سرد، و سودمند برای: معده، لثه، زخم‌های بدخیم، خارش، نیش زدگی گزندگان،] درمان افیون‌خواری، سوختگی با آتش، دندان‌درد، بخارهای داغ درونی حاصل از استسقا، و سرانجام درمان دشواری شنوایی، پیچیدن صدا در گوش، و وزوز کردن آن».
- ظاهراً مقصود از سرکه شراب، سرکه‌ای است که از شراب انگور حاصل می آید؛ چرا که آن را غالباً به همین نام «شراب» می خوانند.

صاحب بحر الجواهر گفته است: «سرکه شراب، آن است که در تهیه‌اش، از شراب، افشردن و از صافی بگذرانند و به هر ده رطل از صد رطل، یک رطل سرکه انگور درجه یک بیفزایند و آن گاه آن را در خمره‌ای قیراندود، در آفتاب بگذارند». (بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۶۲)

[۶۸۹] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۲۹، ح ۵، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۳، ح ۱۹۱۵ کلاهما عن إسماعیل بن جابر، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۳، ح ۱۳۹۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۸، ح ۱۶.

[۶۹۰] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۲۹، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۶، ح ۱۹۳۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۳، ح ۱۴.

[۶۹۱] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۹، ح ۲۲۴۹ عن مسعدة بن زیاد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۰، ح ۱۲۲۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۳، ح ۴۳.

[۶۹۲] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۲، ح ۲ عن مسعدة بن زیاد.

[۶۹۳] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۱۲۲۴ عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۵، ح ۵۰.

[۶۹۴] (۴) عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۳۵، ح ۸۰ عن أحمد بن عامر الطائي، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام، ص ۱۰۶، ح ۵۷، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۱۲۲۶ وفيهما «أخست الشيطان» و كلها عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۵۴، ح ۱؛ كنز العمال، ج ۱۴، ص ۱۸۷، ح ۳۸۳۱۹ نقلًا عن علي بن الفرج الصقلی فی فوائدہ عن أسد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله نحوه.

[۶۹۵] (۱) الخصال، ص ۶۳۶، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم، طب الأئمة لابن بسطام، ص ۱۳۴ عن إسماعیل بن جابر و فيه «تقرض» بدل «تمرض» و «صباحا» بدل «ليلة» و كلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۵۶، ح ۸. [۶۹۶] (۲) الخصال، ص ۲۴۹، ح ۱۱۳، روضة الواعظین، ص ۳۴۰ و فيه «السوادی» بدل «السورانی»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۲۱، ح ۱ و ج ۶۶، ص ۱۲۴، ح ۱.

[۶۹۷] (۳) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۱۳۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۴، ح ۴۹.

[۶۹۸] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۲، ح ۱ عن إبراهيم بن عبد الحمید.

[۶۹۹] (۵) المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۹، ح ۲۲۴۷ عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۳، ح ۴۱.

[۷۰۰] (۶) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۳، ح ۸، المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۶، ح ۲۲۳۳ و فيه «صباحا» بدل «یوما» و كلاهما عن منصور بن حازم، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۰، ح ۲۸.

[۷۰۱] (۱) سورانی، منسوب است به سورا: جایی در عراق در سرزمین بابل و نزدیک حله. ابراهیم بن نصر سورانی به همین جا نسبت داده می‌شود (معجم البلدان: ج ۳ ص ۲۷۸).

[۷۰۲] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۷۰، ح ۴۹۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۲۴، ح ۶۱.

[۷۰۳] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۳، ح ۹، المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۸، ح ۲۲۴۳، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۰، ح ۱۲۲۰ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۲، ح ۳۸.

[۷۰۴] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۵، ح ۱۶، المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۸، ح ۲۲۴۴ کلاهما عن زیاد بن مروان، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۰، ح ۱۲۲۲ عن الإمام الصادق عن أبيه عن علي بن الحسين عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۲، ح ۳۹.

[۷۰۵] (۱) علامه مجلسی در این باره می‌گوید: «از فروغ دل او (عن إنارة قلبه)»، یعنی آنکه خداوند، شیطان را [از زیان رساندن به روشننگری دل (یا از باز داشتن دل از روشننگری و اخلال رساندن به آن دور می‌سازد]. هم گفته شده است: مقصود، آن است که دور شدن شیطان، حاصل فروغ دل است؛ یعنی خداوند، دل او را روشن می‌کند تا شیطان از آن برون رود. این وجه را نمی‌توان بعید

ندانست. در بیشتر نسخه‌های مکارم الأخلاق، این عبارت با «إثاره» (با ثاء) نقل شده که به معنای برانگیختن است و خود، به وسوسه باز می‌گردد (بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۲).

[۷۰۶] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۲، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۱، ح ۲۲۱۳ کلاهما عن إبراهيم بن عبد الحمید، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۵۶، ح ۱۱.

[۷۰۷] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۴، ح ۱۰، المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۹، ح ۲۲۴۶ و فيه «أثارها» بدل «أبادت داء» و کلاهما عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۳، ح ۴۱.

[۷۰۸] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۵، ح ۱۷ عن عمرو بن إبراهيم.

[۷۰۹] (۴) طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۵۹، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۲۳، ح ۵۲.

[۷۱۰] (۱) علامه مجلسی می‌گوید: ظاهراً خراسانی، کنایه از امام رضا علیه السلام است و به سبب تقیّه، با این نام از ایشان یاد شده است (بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۱۶۴).

[۷۱۱] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۴، ح ۱۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۶، ح ۲۲۳۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۰، ح ۲۹.

[۷۱۲] (۲) بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۰ نقلًا عن طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۶۱ و فيه «الإلیسی» بدل «المزّ».

[۷۱۳] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۶، ح ۲۲۳۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۰، ح ۳۱.

[۷۱۴] (۴) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۶۹، ح ۱۲۱۷ عن الإمام الصادق علیه السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۵، ح ۲۲۳۱ عن النوفلی بإسناده و فيه «و أمرضت شیطان و وسوستها» بدل «و نفت الشیطان و الوسوسة عنها»، طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۱۳۶ عن إسماعیل بن جابر عن الإمام الصادق عن آبائه عنه علیهم السلام نحوه و فيه «و فی کلّ حبة منها إذا استقرت فی المعدة حياة للقلب و إنارة للنفس»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۵۶، ح ۸.

[۷۱۵] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲ جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.

[۷۱۶] (۵) المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۶، ح ۲۲۳۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۱، ح ۳۲.

[۷۱۷] (۱) در طب الإمام الرضا علیه السلام، به جای «المزّ (ترش و شیرین)»، واژه «الإلیسی (مکس)» آمده است.

[۷۱۸] (۲) پیه انار، سپیدی‌ای است که در درون انار است و دانه‌ها بر آن تعبیه شده است (لغت‌نامه دهخدا).

[۷۱۹] (۳) علامه مجلسی می‌گوید: گویا نسبت «روشن ساختن» و «وسوسه» به معده، مجاز است و مقصود اصلی، روشن ساختن دل و همچنین وسوسه دل است، بدان اعتبار که درستی دل و صلاح قلب، وابسته به صلاح معده است (بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۱۶۰).

[۷۲۰] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۴، ح ۱۲ عن صالح بن عقبه، المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۶، ح ۲۲۳۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۰، ح ۲۷.

[۷۲۱] (۱) طب النبوی صلی الله علیه و آله، ص ۹، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۸.

[۷۲۲] (۲) الخصال، ص ۳۴۳، ح ۹ عن أحمد الطائی عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام، روضة الواعظین، ص ۳۴۰، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۰، ح ۱۲۷۲ نحوه و فيه «... و یصحّ الجسم و ...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۵۱، ح ۱؛ كنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۱، ح ۲۸۲۶۵ نقلًا عن أبی نعیم عن الإمام علی علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله.

[۷۲۳] (۳) فی المصدر: «طبقا»، و التصویب من بحار الأنوار و تاریخ دمشق.

[۷۲۴] (۴) الاختصاص، ص ۱۲۴، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۵، ح ۱۶۰۶ نحوه، و فيه «الزیت» بدل «الزبیب»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۵۳، ح ۱۱؛ تاریخ دمشق، ج ۲۱، ص ۶۰، ح ۴۷۲۴ و لیس فيه «و یرضی الربّ»، الفردوس، ج ۴، ص ۲۶۵، ح ۶۷۸۰، كنز

العمّال، ج ۱۰، ص ۴۱، ح ۲۸۲۶۶ نقلًا عن غیر واحد.

[۷۲۵] (۱) این حدیث، در: عیون أخبار الرضا علیه السلام (ج ۲ ص ۳۵ ح ۸۱)، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام (ص ۱۰۷ ح ۵۸)، مکارم الأخلاق (ج ۱ ص ۴۱۵ ح ۱۴۰۵)، و الدعوات (ص ۱۴۷ ح ۳۸۶) هم وجود دارد؛ لیکن در آنها به جای «زیب (مویز)»، واژه «زیت (روغن زیتون)» آمده که با توجه به نزدیک بودن نگارش این دو کلمه به همدیگر در زبان عربی، احتمال تصحیف در یکی از آن دو، وجود دارد و چون خواص و آثار ذکر شده در این حدیث، کم و بیش در احادیث دیگر درباره مویز هم وارد شده، ما نسخه زیب را ترجیح داده، حدیث را در این فصل آوردیم و در فصل زیتون نیاوردیم.

[۷۲۶] (۱) الأملی للطوسی، ص ۳۶۲، ح ۷۵۱ عن علی بن علی بن رزین عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام عن النّزال بن سبره، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۰، ح ۱۲۷۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۵۲، ح ۵.

[۷۲۷] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۲، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۴، ح ۲۲۶۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۵۳، ح ۸.

[۷۲۸] (۳) الکافی، ج ۵، ص ۳۰۸، ح ۱۸، تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۱۶۳، ح ۷۲۳ و فیه «فاعتثوا» بدل «فاعتثوا» و کلاهما عن الحسین بن ثویر.

[۷۲۹] (۴) بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۷۱، ح ۷۰ نقلًا عن کتاب الجَنَّة للكفعمی عن ابن مسعود.

[۷۳۰] (۵) طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۳۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۴.

[۷۳۱] (۱) عبارت عربی، «فاعتثوا بالزیب» است. علامه مجلسی، در این باره می‌گوید: «فاعتثوا»، کنایه از خوردن اندک اندک و تدریجی مویز است؛ زیرا با اندکی مویز، شدت گرسنگی، فروکش می‌کند. در برخی از نسخه‌ها نیز «فاعتثوا» از مصدر «اعتناء» به معنای اهتمام و توجه آمده است. کسانی نیز این واژه را «فاعتثوا» خوانده‌اند که به همین معنای اخیر است (مرآة العقول، ج ۱۹، ص ۴۲۴).

[۷۳۲] (۱) طب الأئمّة لابنی بسطام، ص ۱۳۷ عن المفضّل عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۵۳، ح ۹.

[۷۳۳] (۲) عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۱، ح ۱۳۳ عن أحمد بن عامر الطائی عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام، الأملی للطوسی، ص ۳۶۱، ح ۷۵۰ عن علی بن علی بن رزین عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام عن النّزال بن سبره، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۰، ح ۱۲۶۹ و لیس فیهما «علی الریق»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۵۱، ح ۳؛ کنز العمّال، ج ۱۰، ص ۸۶، ح ۲۸۴۷۲ نقلًا عن المصنّف لعبد الرزاق.

[۷۳۴] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۲، ح ۲ عن أبی بصیر عن الإمام الصادق علیه السلام، الخصال، ص ۶۱۲، ح ۱۰ عن أبی بصیر و محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه علیهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۱، الأملی للطوسی، ص ۳۶۰، ح ۷۴۹ عن علی بن علی بن رزین عن الإمام الرضا عن آبائه عنه علیهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۵۲، ح ۶.

[۷۳۵] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۱، ح ۱ عن السکونی عن الإمام الصادق علیه السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۴، ح ۲۲۶۷ عن السکونی عن الإمام الصادق عن أبیه عنه علیهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۵۲، ح ۷.

[۷۳۶] (۵) المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۳، ح ۲۲۶۶ عن ابن سنان، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۵۱، ح ۴.

[۷۳۷] (۱) در الأملی و مکارم الأخلاق، عبارت «در حالت ناشتا» وجود ندارد.

[۷۳۸] (۱) المعجم الأوسط، ج ۱، ص ۲۱۰، ح ۶۷۸، مسند الشامیین: ج ۱، ص ۵۰، ح ۴۶، تفسیر القرطبی: ج ۲۰، ص ۱۱۰، الفردوس، ج ۴، ص ۲۶۰، ح ۶۷۶۷ کلّها عن معاذ بن جبل، کنز العمّال، ج ۹، ص ۳۲۱، ح ۲۶۲۲۸؛ مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۵، ح ۲۶۱، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۵، ح ۴۸.

- [۷۳۹] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۲، ح ۷، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۰، ح ۱۹۰۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۲، ح ۱۵.
- [۷۴۰] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۱، ح ۵، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۰، ح ۱۹۰۲ و فيه «الزراع» بدل «الزراع»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۱، ح ۱۵.
- [۷۴۱] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۱، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۰، ح ۱۹۰۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۱، ح ۱۶ و فيه «الزیت» بدل «الزیتون» فی المورد الأول.
- [۷۴۲] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۱، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۰، ح ۱۹۰۴ کلاهما عن إبراهيم بن عبد الحميد، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۲، ح ۱۴.
- [۷۴۳] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۱، ح ۱ عن ابن القدّاح، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۵، ح ۱۴۰۸ کلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۱، ح ۱۹۰۶ عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۲، ح ۱۶؛ سنن الترمذی، ج ۴، ص ۲۸۵، ح ۱۸۵۱ عن عمر، مسند ابن حنبل، ج ۵، ص ۴۳۳، ح ۱۶۰۵۴، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۴۳۲، ح ۳۵۰۴، التاريخ الكبير (كتاب الكنى)، ج ۸، ص ۶، ح ۳۱، اسد الغابۀ، ج ۶، ص ۱۱ و الأربعة الأخيرة عن أبي أسيد.
- [۷۴۴] (۴) سنن الدارمی، ج ۱، ص ۵۳۴، ح ۱۹۸۰ عن أبي اسيد الأنصاری، المصنّف لعبد الرزّاق، ج ۱۰، ص ۴۲۲، ح ۱۹۵۶۸ عن زيد بن أسلم عن أبيه و ليس فيه «كلوا الزيت فائنه مبارك»، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۷۹، ح ۴۰۹۸۴.
- [۷۴۵] (۵) سنن الترمذی، ج ۴، ص ۴۰۷، ح ۲۰۷۹، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۲۲۴، ح ۷۴۴۳، المعجم الكبير، ج ۵، ص ۲۰۲، ح ۵۰۹۰ نحوه، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۴، ح ۲۸۱۸۷.
- [۷۴۶] (۱) كنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۷، ح ۲۸۲۹۵ نقلًا عن ابن السنی عن عقبه بن عامر.
- [۷۴۷] (۲) المعجم الكبير، ج ۱۷، ص ۲۸۱، ح ۷۷۴ عن عقبه بن عامر، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۷، ح ۲۸۲۹۶.
- [۷۴۸] (۳) كنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۸، ح ۲۸۲۹۹ نقلًا عن أبي نعيم فی الطب عن أبي هريرة.
- [۷۴۹] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۲، ح ۶، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۲، ح ۱۹۱۲ کلاهما عن عبد المؤمن الأنصاری عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۳، ح ۲۱.
- [۷۵۰] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۱، ح ۴ عن أبي داوود النخعی عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۱، ح ۱۹۰۷ عن أبي داوود النخعی عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۲، ح ۱۷.
- [۷۵۱] (۶) الکافی، ج ۶، ص ۳۰۶، ح ۷، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۷، ح ۱۹۳۷ کلاهما عن عبد الله بن مسكان، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۶، ح ۶.
- [۷۵۲] (۷) الکافی، ج ۴، ص ۳۵۹، ح ۶، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۳۴۹، ح ۲۶۵۷ و فيه «بالمحرم» بدل «بالرجل» و «فليبته» بدل «فليبته» و کلاهما عن هشام بن سالم.
- [۷۵۳] (۱) معنای سويق، در صفحه ۳۷۵ خواهد آمد.
- [۷۵۴] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۵، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۶، ح ۲۴۹۳ کلاهما عن زياد بن مروان القندی، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۴، ح ۲.
- [۷۵۵] (۲) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۶، ح ۱۴۱۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۹۸، ح ۴.
- [۷۵۶] (۱) آويشن (سَعْتَر که گاه برای جلوگیری از اشتباه شدن با شعير، با حرف صاد نوشته می شود)، نام گیاهی است.
- گفته‌اند: انواع فراوانی دارد که از آن جمله است: دشتی، باغی، کوهی، بلندبرگ، گردبرگ، نازک برگ، و پهن برگ. بیشتر این

انواع نیز شناخته شده‌اند.

گیاهی است دارای طبع گرم و خشک در طبع سوم، تلطیف کننده و حلال است، بادها و نفخ را از میان می برد، غذاهای سخت گوار را هضم می کند، رطوبت را از معده می گیرد، پیشاب و خون قاعدگی را روان می سازد، چشمان کم سو را پُرسو می کند و استفاده از آن به صورت نوشیدن و نیز به صورت پماد، برای درد سرین، سودمند است.

[۷۵۷] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۳، ح ۲۰۹۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۳، ح ۱.

[۷۵۸] (۲) المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۳، ح ۲۰۹۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۳، ح ۱.

[۷۵۹] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۹، ح ۴ عن أبي عزيز المرادی، الخصال، ص ۶۳، ح ۹۱، المحاسن، ج ۲، ص ۲۰۳، ح ۱۶۰۱ کلاهما

عن فضیل بن عثمان، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۰۲، ح ۹۵۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۳۵، ح ۳.

[۷۶۰] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۸، ح ۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۳۵، ح ۵.

[۷۶۱] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۶، ح ۱۴۱۲، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۳۵، ح ۱.

[۷۶۲] (۱) مُشکک یا مشکک زمین، گیاهی است از تیره جگن ها که دارای ساقه زیرزمینی بسیار خوش بوی و معطر است و به طور

خودرو در مزارع می روید؛ سِدَعِد، سِدَعِد کوفی، طِیلاق، تِیلاق، مِشْت مُشکک، قرقرون و مُشکک زیرزمین نام های دیگر آن هستند[

فرهنگ معین].

[۷۶۳] (۲) در منبع «فتساقطت (دندان هایم ریخت)» آمده است. ظاهراً مقصود، آن است که دندان هایش در آستانه ریختن قرار

گرفت. آنچه در برخی از دیگر چاپ های کتاب مکارم الأخلاق آمده نیز گواه این معناست؛ چرا که در برخی از چاپ ها به جای

«فتساقطت»، عبارت «فتخلخلت» آمده که خود به معنای سست شدن پایه های یک چیز است.

[۷۶۴] (۱) طَبَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ص ۸، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۶.

[۷۶۵] (۲) كَنْزُ الْعَمَالِ، ج ۱۰، ص ۴۰، ح ۲۸۲۶۱ نقلًا عن القالی فی أمالیه عن أنس.

[۷۶۶] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۳، ح ۱۲۴۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۷، ح ۳۷.

[۷۶۷] (۴) نثر الدرّ، ج ۱، ص ۲۱۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۹؛ النهایة فی غریب الحدیث، ج ۳، ص ۱۱۶.

[۷۶۸] (۵) عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۱، ح ۱۳۲ عن أحمد بن عامر الطائی عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام،

الدعوات، ص ۱۵۱، ح ۴۰۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۷، ح ۳۸.

[۷۶۹] (۱) الخصال، ص ۱۵۷، ح ۱۹۹ عن شهاب بن عبد ربّه، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۷، ح ۲۲۷۹، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۱،

ح ۱۲۲۹، روضة الواعظین، ص ۳۴۰ کلاهما عن رسول الله صلى الله عليه وآله و فیهما من «كُلُّ السَّفَرِجَلِ...»، بحار الأنوار، ج ۶۶،

ص ۱۶۶، ح ۲.

[۷۷۰] (۲) المعجم الكبير، ج ۱، ص ۱۱۷، ح ۲۱۹، كَنْزُ الْعَمَالِ، ج ۱۰، ص ۴۱، ح ۲۸۲۶۲.

[۷۷۱] (۳) سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۱۸، ح ۳۳۶۹، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۵۶، ح ۸۲۶۵، ربع الأبرار، ج ۱، ص

۲۶۱، كَنْزُ الْعَمَالِ، ج ۱۰، ص ۴۱، ح ۲۸۲۶۳.

[۷۷۲] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۶، ح ۲۲۷۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۱، ح ۱۶.

[۷۷۳] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۲۴۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۷، ح ۳۷.

[۷۷۴] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۷، ح ۲ عن السکونی، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۵، ح ۲۲۷۱ عن النوفلی یاسناده من دون إسنادٍ إلى

الإمام الصادق علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۹، ح ۹.

[۷۷۵] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۵، ح ۲۲۷۲ عن سلیمان بن جعفر الجوهری، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۰، ح ۱۰؛ ربع الأبرار، ج

- ۱، ص ۲۶۲ من دون إسنادٍ إلى المعصوم.
- [۷۷۶] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۴، ح ۲۲۷۰ عن إبراهيم بن عبد الحميد و زياد بن مروان، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۲، ح ۱۲۳۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۹، ح ۸.
- [۷۷۷] (۵) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۱۳۶ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۵، ح ۳۵.
- [۷۷۸] (۶) الخصال، ص ۶۱۲، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۱ و فيه «و يذكّي الفؤاد» بدل «و يزيد في قوّة الفؤاد»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۸، ح ۶.
- [۷۷۹] (۱) در تحف العقول، به جای «بر توان دل می افزاید»، عبارت «دل را تذكیه می کند» آمده است.
- [۷۸۰] (۱) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۳، ح ۱۲۴۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۶، ح ۳۷.
- [۷۸۱] (۲) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۱۳۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۶، ح ۳۶.
- [۷۸۲] (۳) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۱۳۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۵، ح ۳۶.
- [۷۸۳] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۶، ح ۲۲۷۶ عن أبي بصير، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۰، ح ۱۴.
- [۷۸۴] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۷، ح ۲۲۸۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۱، ح ۱۹.
- [۷۸۵] (۲) كنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۰، ح ۲۸۲۵۹ نقلًا عن ابن السني و أبي نعيم، الفردوس، ج ۳، ص ۲۴۲، ح ۴۷۱۲ و ليس فيه «فإنه يذهب و غير الصدر» و كلاهما عن أنس.
- [۷۸۶] (۳) عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۷۳، ح ۳۳۸ عن دارم بن قبيصة عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۲۴۴ و فيه من «قال صلى الله عليه و آله: من أكل السفرجله...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۷، ح ۴.
- [۷۸۷] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۵۷، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۵، ح ۲۲۷۳، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۳، ح ۱۲۳۷ و فيه «وجهه» بدل «ولده»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۰، ح ۱۱.
- [۷۸۸] (۱) در مكارم الأخلاق، به جای «فرزندش»، «صورتش» آمده است.
- [۷۸۹] (۱) الدعوات، ص ۱۵۱، ح ۴۰۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۷، ح ۳۸.
- [۷۹۰] (۲) جامع الأحاديث للقمي، ص ۸۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۷، ح ۳۹ نقلًا عن كتاب الإمامة و التبصرة و راجع: مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۳، ح ۱۲۳۹.
- [۷۹۱] (۳) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۲، ح ۱۲۳۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۶، ح ۳۷.
- [۷۹۲] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۲۲، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۵، ح ۲۲۷۴ و زاد في ذيله «السفرجل يُحسن الوجه، و يجمّ الفؤاد» و كلاهما عن محمد بن مسلم، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۳، ح ۱۲۴۱ و فيه «... أكل سفرجلًا ليلئ الجماع»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۰، ح ۱۲.
- [۷۹۳] (۵) كذا في المصدر مضمرا.
- [۷۹۴] (۶) الكافي، ج ۶، ص ۲۲، ح ۱، تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۴۳۹، ح ۱۷۵۵.
- [۷۹۵] (۱) در المحاسن، در ذيل حديث، اين افزوده وجود دارد: «بِه، صورت را نكو می سازد و دل را آسایش و آرامش می دهد».
- در مكارم الأخلاق، آمده است: «... در شب آمیزش، يك به خورده باشد».
- [۷۹۶] (۲) در منبع نیز به همین صورت، «مضمرا (بدون ذکر نام معصوم)» آمده است.
- [۷۹۷] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۳۴، ح ۹، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۲، ح ۲۰۰۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۰، ح ۹.

- [۷۹۸] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۶۳، ح ۱۱۸۹، طَبُّ الْأَثْمَةِ لابنی بسطام، ص ۵۰ و فيه «عن اسامة الشَّحَام قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: ما اختار جدنا صلوات الله عليه للحَمَى إِلَّا وزن...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۰، ح ۱۲.
- [۷۹۹] (۳) الکافی، ج ۸، ص ۲۶۵، ح ۳۸۴، طَبُّ الْأَثْمَةِ لابنی بسطام، ص ۵۱ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۰۳، ح ۳۳.
- [۸۰۰] (۱) در طَبُّ الْأَثْمَةِ عليهم السلام، چنین آمده است: «از اسامه شحام، نقل شده که گفته است: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: جد ما که دروذهای خدا بر او باد برای شب، جز به اندازه وزن ... برنگزید».
- [۸۰۱] (۲) مقصود، تبی است که وقتی در یک روز عارض می شود، دو روز بعد از آن، برطرف می شود و در روز چهارم، دوباره برمی گردد (الصَّحاح: ج ۳، ص ۱۲۱۲، ذیل «ربع»).
- [۸۰۲] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۳، ح ۵، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۶۳، ح ۱۱۸۶ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۰، ح ۱۳.
- [۸۰۳] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۳، ح ۷، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۶۲، ح ۱۱۸۵ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۸، ح ۳.
- [۸۰۴] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۶۳، ح ۱۱۸۷ عن علی بن یقظین، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۰، ح ۱۲.
- [۸۰۵] (۴) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۶۳، ح ۱۱۹۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۹، ح ۲.
- [۸۰۶] (۱) الخصال، ص ۱۴۴، ح ۱۶۹، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۶، ح ۲۱۵۳ کلاهما عن منصور بن یونس، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۶۳، ح ۱۱۹۰ و لیس فیهما «اللبنانی»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۱۸، ح ۵.
- [۸۰۷] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۳، ح ۴ و ص ۴۳۴، ح ۱۰ عن یاسر، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۳، ح ۲۰۰۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۷، ح ۱.
- [۸۰۸] (۳) طَبُّ الْأَثْمَةِ لابنی بسطام، ص ۶۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۰، ح ۱۱.
- [۸۰۹] (۱) در المحاسن و مکارم الأخلاق، واژه «لبنانی» نیامده است.
- ناگفته نماند که علامه مجلسی لبنان را کوهی در شام دانسته است (ر. ک: بحار الأنوار: ج ۶۶، ص ۱۴۷).
- [۸۱۰] (۲) [فیروزآبادی در القاموس گفته است: «شِکْرٌ، معرَّبٌ واژه "شِکْرٌ" پارسی است و اسم واحد آن را سُکْرَه گویند. خرماي خوب یا انگوری را که آبی بدان هست و در نتیجه فرو می پاشد که خود، از بهترین انواع شکرینه است نیز شکر گویند».
- در المصباح هم آمده است: «شِکْرٌ، چیزی شناخته شده است. برخی گفته اند: نخستین بار، شِکْرٌ در طبرزد، ساخته شد و از همین روی، شکر طبرزدی گفته می شود».
- صاحب المصباح، همچنین افزوده است: «طبرزد (بر وزن سِیْفَرَجَل) واژه ای معرَّب است و سه تلفظ دارد: به حرف دال (طبرزد)، به حرف نون (طبرزن) و به حرف لام (طبرزل). ازهری، تلفظ نون و لام را روایت کرده؛ اما تلفظ به دال را روایت نکرده است».
- ابن جوالیقی گفته است: «اصل پارسی این واژه، تبرزد بوده است، یعنی آنچه از اطراف، با تبر، تراشیده شده است. بنا بر این، طبرزد، صفتی است که در اعراب، از واژه «شِکْرٌ» تبعیت می کند. برخی از عالمان هم گفته اند: طبرزد، همان شِکْرٌ بلوچ است».
- در بحر الجواهر نیز آمده است: «بلوچ به معنای شکر سفید است».
- ابن بیطار نیز گفته است: «طبرزد، معرَّب است، به معنای چیزی سخت، نه سست و نرم».
- او همچنین افزوده است: «نمک طبرزد، نمکی است سخت که دارای شفافیت نیست».
- [علامه مجلسی در ادامه می گوید:] می گویم: «از برخی از سخنان عالمان، چنین برمی آید که مقصود از طبرزد، همان چیزی است که به نبات، نامور شده است؛ اما از بیشتر سخنان عالمان، این گونه به دست می آید که مقصود، همان قند است».
- بغدادی نیز در الجامع خویش گفته است: «شکر در اوایل، خشک، و در نخست، مرطوب است. ممکن است تلخه را تصفیه کند. گونه های مختلفی از آن، ساخته می شود که روشن ترین، شفاف ترین و پاکیزه ترین آنها را در اصطلاح، نبات گویند. نوع پایین تر را

که تیره‌رنگ، خشن‌تر و پاکیزه، اما غیر شفاف است، ابلوج گویند. نوع پایین‌تر را که شیره باشد، قلم نامند؛ زیرا به صورت رشته‌های دراز به مانند انگشت، ساخته می‌شود.

نبات، کمترین حرارت را می‌طلبد، پس از آن، ابلوج، پس از آن، قلم، و پس از آن، شیره پخته.

لطیف‌ترین انواع شکر نیز همان نبات است، در درجه بعد، ابلوج، و فروتر از آن، قلمی که سفیدی کمتری داشته باشد. نوع سخت همین ابلوج را طبرزد می‌نامند.

[۸۱۱] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۲، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۴، ح ۲۱۴۲، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۳، ح ۱۳۲۹ و فیه «و أخذوه» بدل «أدیموا أکله»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۰، ح ۳.

[۸۱۲] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۲، ح ۲ و ح ۳ عن علی بن حمزة و فیه «... بأکل السلجم»، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۴، ح ۲۱۴۳ عن زیاد بن بلال، طب الأئمة لابن بسطام، ص ۱۰۵ عن الإمام الباقر علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۱، ح ۴.

[۸۱۳] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۳، ح ۲۱۳۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۰، ح ۱.

[۸۱۴] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۳، ح ۲۱۴۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۰، ح ۱.

[۸۱۵] (۱) در الکافی، پایان حدیث، چنین است: «... با خوردن شلغم بسوزانید».

[۸۱۶] (۱) زاد فی طب الأئمة: «قال: نیئا أو مطبوخا؟ قال: کلاهما».

[۸۱۷] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۲، ح ۱، طب الأئمة لابن بسطام، ص ۱۰۵ کلاهما عن علی بن المسیب، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۱۳، ح ۱۱.

[۸۱۸] (۱) طب الاثمه عليهم السلام (ص ۱۰۵) با این افزوده در پایان حدیث: پرسید: خام یا پخته؟ فرمود: هر دو. علامه مجلسی، در شرح این حدیث، چنین آورده است: گویا رگ جذام، کنایه از سوداست؛ چرا که با غلبه سودا، جذام پیش می‌آید. اما طبع شلغم، از آن روی که در حالت دوم (پخته)، خشک است و در حالت نخست (خام)، مرطوب است، با طبع سودا مخالفت دارد و بدین ترتیب، مانع طغیان سودا می‌شود (بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۱).

[۸۱۹] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۲، ح ۱۳۲۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۷، ح ۹.

[۸۲۰] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۹، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۶، ح ۲۱۰۵، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۲، ح ۱۳۲۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۶، ح ۲.

[۸۲۱] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۹، ح ۵، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۲، ح ۱۳۲۷ عن الإمام الرضا علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۷، ح ۱۱.

[۸۲۲] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۹، ح ۴ عن محمد بن عیسی، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۲، ح ۱۳۲۶ و لیس فیه ذیله، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۷، ح ۱۰.

[۸۲۳] (۱) علامه مجلسی در شرح این حدیث می‌نویسد: مقصود از «قلع عروق» بیرون کشیدن رگ‌ها» که در این حدیث آمده، بیرون کشیدن رگ از میان گوشت است، چنان که یهودیان، اکنون نیز این کار را انجام می‌دهند. در برخی از روایت‌های ما هم نهی از خوردن رگ آمده است (بحار الأنوار: ج ۶۲ ص ۲۱۱).

[۸۲۴] (۲) برسام، التهابی است که در پرده میان کبد و قلب، عارض می‌شود. فارسی مرگب است، به معنای التهاب سینه و بیماری سینه است. مورث هذیان. معرب از برسام فارسی است؛ زیرا «بر»، به معنای سینه است و سام، به معنای بیماری، چنانچه سرسام، بیماری سر است. و آن را به اصطلاح طب، ذات الجنب گویند (لغت‌نامه دهخدا).

[۸۲۵] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۷، ح ۲۱۱۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۷، ح ۷.

- [۸۲۶] (۲) المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۷، ح ۲۱۰۹، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۲، ح ۱۳۲۳ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۷، ح ۶.
- [۸۲۷] (۳) بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۸۵.
- [۸۲۸] (۱) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۱۱، ح ۳۶۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۷ و ص ۸۹، ح ۷.
- [۸۲۹] (۲) كنز العمال، ج ۱۰، ص ۸۶، ح ۲۸۴۷۲ نقلًا عن ابن السنی و أبی نعیم معافی الطّب.
- [۸۳۰] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۳۵، ح ۱ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۹، ح ۱۹۸۷ عن السكوني عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۸۸، ح ۴.
- [۸۳۱] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۹، ح ۱۹۸۸ عن أبي حفص الأبار عن الإمام الصادق عن آباءه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۸۸، ح ۵.
- [۸۳۲] (۱) في بحار الأنوار: «ولا يظهر به وجع البواسير».
- [۸۳۳] (۲) الهیرون کزیتون: ضرب من التمر، جید (تاج العروس، ج ۱۸، ص ۵۸۷).
- [۸۳۴] (۳) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۴ نحوه.
- [۸۳۵] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۳۵، ح ۶، المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۸، ح ۱۹۸۵ كلاهما عن أبي حفص الأبار، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۸۸، ح ۲.
- [۸۳۶] (۵) الدعوات، ص ۱۵۲، ح ۴۰۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۸۸، ح ۶.
- [۸۳۷] (۶) الكافي، ج ۶، ص ۳۳۵، ح ۴ عن حماد بن عثمان.
- [۸۳۸] (۷) الكافي، ج ۶، ص ۳۳۵، ح ۵، المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۸، ح ۱۹۸۶ كلاهما عن حماد بن عثمان، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۸۸، ح ۳.
- [۸۳۹] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲ جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.
- [۸۴۰] (۱) هیرون (بر وزن زیتون)، نوعی خرماى مرغوب است (تاج العروس: ج ۱۸ ص ۵۸۷). در بحار الأنوار، به جای این واژه، «برنی» آمده که آن نیز نوعی مرغوب از خرماست.
- [۸۴۱] (۱) قرب الإسناد، ص ۱۱۰، ح ۳۷۹ عن الحسين بن علوان عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عن جابر بن عبد الله.
- [۸۴۲] (۲) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۹، ح ۵۴۳، السرائر، ج ۳، ص ۱۴۰، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۹، ح ۱۳۸۶ و ليس فيه صدره، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۱۹، ح ۴ و ص ۲۷۴.
- [۸۴۳] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۹، ح ۱۳۸۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۱۸، ح ۳.
- [۸۴۴] (۱) سیا: سِنَا را گویند و آن، دارویی است که در مُسهلات به کار برند. اسم فارسی سناست و گفته‌اند عصاره آن است، و گفته‌اند عصاره نبات دیگر است (لغت‌نامه دهخدا).
- سنا، چوبی باشد که بیدان، مسواک کنند. گیاهی است مُسهل و بهترین آن، مکی است. گیاهی است از تیره پروانه‌داران که دارای چند گونه است و از گیاهان بومی نواحی گرم سودان و آسیای صغیر و عربستان و جنوب ایران می‌باشد. برگ‌هایش متناوب و مرکب، بدون برگچه انتهایی است. گل‌هایش زرد رنگ و میوه‌اش نیاک و محتوی چند دانه است (ر. ک: لغت‌نامه دهخدا).
- [۸۴۵] (۲) در متن، چنین آمده است؛ اما محدث نوری، معتقد است شاید چنان که در النهایة ابن اثیر و در حدیث ام سلمه آمده، این واژه «جار» باشد (مستدرک الوسائل: ج ۱۶ ص ۴۶۰). در چنین صورتی، معنا، «جریان‌یابنده» خواهد بود.
- اما علامه مجلسی، به نقل از الفائق، این واژه را «یار» و از نوع توابع لفظی دانسته است که معنایی جز تأکید همان واژه پیشین ندارد.

همین گونه است در مستدرک سفینه البحار (ج ۵ ص ۳۳۷).

[۸۴۶] (۱) طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۶۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۸، ح ۱۳.

[۸۴۷] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۰۵، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۷، ح ۱۹۳۶ کلاهما عن بکر بن محمد الأزدی، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۵۰، ح ۵۳۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۶، ح ۵.

[۸۴۸] (۱). سویق: به آن در فارسی قدیم، «پست» گفته می‌شد. امروزه به آن «قاووت» یا «پوره» می‌گویند. گفتنی است که لغت‌نامه دهخدا لفظ «قاووت» را ترکی می‌داند که غالباً به معنای آرد حبوبات بریان‌شده است؛ لیکن این واژه، گاه در مورد غیر حبوبات مانند برخی میوه‌ها یا تره‌بار) نیز کاربرد دارد.

علّامه مجلسی می‌گوید: [از گفته کلینی چنین برمی‌آید که «سویق»، در صورتی که در روایات، همراه با قیدی مانند جو] نباشد، به معنای «سویق گندم» است؛ چراکه می‌گوید: «باب انواع سویق‌ها و برتری سویق گندم» و سپس در ذیل این عنوان، حدیث‌هایی را می‌آورد که در آنها واژه «سویق»، بدون صفت یا مضاف الیه، آمده است.

شهید در الدروس گفته است: «درباره سویق و سود آن، روایت‌های فراوانی رسیده و کلینی، سویق را به معنای سویق گندم، دانسته است». مؤلف بحر الجواهر گفته است: «از هفت چیز، سویق می‌سازند: گندم، جو، کنار، سیب، کدو، دانه انار و شلغم. همه این انواع، طبع را مهار می‌کند، قی و دلشوره‌ای را که از صفرا زاده می‌شود، از میان می‌برد، رطوبت معده را خشک می‌کند، و اگر قدری سویق جو با آب و مقدار اندکی شیر برداشته و خشخاش بوداده ساییده با آن مخلوط شود، برای شکم‌روی، سودمند است، نیش‌زدگی‌ها را تسکین می‌دهد و خواب می‌آورد».

ابن بیطار، به نقل از رازی گفته است: «هر سویقی با چیزی که از آن ساخته می‌شود، تناسب دارد. برای نمونه، سویق جو، از سویق گندم، سردتر است، به همان اندازه که خود جو، طبعی سردتر از گندم دارد. این سویق، همچنین نفخ بیشتری پدید می‌آورد. از میان همه سویق‌ها، استفاده از سویق گندم و سویق جو، بیشتر است و این هر دو، نفخ آور و موجب کندتر شدن حرکت غذا از معده به پایین‌اند. البته، اگر این دو نوع سویق، کاملاً با آب جوشانده و سپس از پارچه‌ای درشت‌باف گذرانده شوند و بدین ترتیب، آب آنها جدا شود و به صورت لقمه‌هایی فشرده درآیند و سپس همراه با آب سرد و شکر، نوشیده شوند، از نفخ آنها کاسته می‌گردد و چنانچه در تابستان در اوّل صبح، مصرف شوند، برای اشخاص حرارتی و برافروخته مزاج، سودمند خواهند بود و مانع تب‌ها و بیماری‌های ناشی از گرم‌مزاجی می‌شوند و همین، از بالا-ترین منافع آن است. کسی که این نوع سویق را بخورد، در آن روز نباید میوه تر، خیار و سبزی بخورد، یا دست کم نباید از این چیزها زیاد بخورد؛ اما سرمادیدگان و کسانی که به نفخ‌هایی در شکم یا دردهایی مزمن در پشت و مفاصل مبتلا هستند و همچنین پیران و کسانی که مزاجی کاملاً سرد دارند، نباید از این سویق هیچ بخورند. اگر هم به خوردن آن ناچارند، آن را پس از چند بار شستن در آب گرم و همراه با پانید و عسل، پس از درآمیختگی با زیتون و روغن وندانه و همچنین روغن گردو، با طبع خود مناسب سازند.

هرچند سویق جو از سویق گندم، سردتر است، امّا از آن‌روی که گندم نسبت به جو آب بیشتری مصرف می‌کند، سویق گندم سردکنندگی بیشتری برای بدن دارد و بویژه رطوبت‌بخشی آن به طبع انسان، بیشتر است. به همین دلیل، برای کسانی که به رطوبت‌بخشی به بدن نیاز دارند، سودمندی بیشتری دارد. برعکس، سویق جو، برای کسانی که به خشک کردن طبع نیاز دارند، مناسب‌تر است. چنین کسانی، معمولاً دارای بدن‌هایی ستبر، پرگوشت و پرخون هستند، درحالی که گروه نخست، بدن‌هایی تکیده، کم‌گوشت و زردرنگ دارند.

از این دو نوع سویق که بگذریم، دیگر انواع سویق، به‌عنوان غذا مصرف نمی‌شوند و [تنها] مصرف دارویی دارند، آن‌گونه که سویق کنار، سویق سیب و انار ترش، برای مهار کردن شکم و حرارت دادن بیشتر به آن، به کار می‌روند، یا از سویق خرنوب و

سنجد، برای مهار کردن طبع، استفاده می‌شود (بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۲۸۳).

[۸۴۹] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۸، ح ۱۹۴۱ عن عیثمۃ امّ ولد عبد السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۹، ح ۱۴۲۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۷، ح ۱۰.

[۸۵۰] (۲) المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۸، ح ۱۹۴۰، قرب الإسناد، ص ۱۴، ح ۴۴ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۷، ح ۹.

[۸۵۱] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۰۶، ح ۱۲ عن خیثمۃ، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۸، ح ۱۹۴۱ عن عیثمۃ امّ ولد عبد السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۹، ح ۱۴۲۲ و فيه «کعبه» بدل «کتفاه»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۷، ح ۱۰.

[۸۵۲] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۰۶، ح ۷، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۷، ح ۱۹۳۷ کلاهما عن عبد الله بن مسکان، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۶، ح ۶.

[۸۵۳] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۹، ح ۱۹۴۷ عن حمّاد بن عثمان، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۸۰، ح ۲۰ و راجع الأملی للطوسی، ص ۳۶۶، ح ۷۷۵.

[۸۵۴] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۰۶، ح ۱۱ عن یحیی بن مساور، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۹، ح ۱۹۴۴ عن صفوان بن یحیی و لیس فيه «من المعدة»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۹، ح ۱۸.

[۸۵۵] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۱، ح ۷ عن یحیی بن مساور.

[۸۵۶] (۶) الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۶۶۰، ح ۳، بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۴۸، ح ۴۷.

[۸۵۷] (۱). کذا فی المصدر، و القیاس: «شَبَعَان».

[۸۵۸] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۰۵، ح ۱ عن سلیمان الجعفری، المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۰، ح ۱۹۵۱ عن محمّد بن عمرو، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۸۰، ح ۲۳.

[۸۵۹] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۰۷، ح ۱۴، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۹، ح ۱۴۲۳ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۸۱، ح ۲۶.

[۸۶۰] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۰۷، ح ۱، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۱، ح ۱۴۲۷ و فيه «الحرارة» بدل «الصفراء»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۸۲، ح ۲۷.

[۸۶۱] (۲) السرائر، ج ۳، ص ۱۴۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۷۴.

[۸۶۲] (۳) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۵۰، ح ۵۳۶.

[۸۶۳] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۶، ح ۷.

[۸۶۴] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۶، ح ۶.

[۸۶۵] (۳) فی بحار الأنوار و المحاسن، «الرعاف».

[۸۶۶] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۶، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۹، ح ۲۲۹۱، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۵، ح ۱۲۵۰ و فیهما «أبی عبد الله» بدل «أبی الحسن»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۳، ح ۲۷.

[۸۶۷] (۵) کذا فی المصدر مضمرا.

[۸۶۸] (۶) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۶، ح ۸، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۰، ح ۱۴۲۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۸۱، ح ۲۵.

[۸۶۹] (۱) در این روایت، کلمه «سویق» وجود ندارد؛ اما به قرینه روایت قبلی، ممکن است این کلمه از آن، افتاده باشد. نیز شاید هم سیب و هم سویق سیب، برای خون‌دماغ، نافع باشند و شاید برای برخی مزاج‌ها سیب، و برای برخی سویق آن، نافع باشد. به هر حال، آنچه می‌تواند به این سؤال‌ها پاسخ دهد، بررسی علمی و آزمایشگاهی است.

[۸۷۰] (۲) در منبع، روایت به همین صورت، «مضمرا (بدون ذکر نام راوی)» آمده است.

- [۸۷۱] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۰۶، ح ۸، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۸، ح ۱۹۴۲ کلاهما عن قتیبة الأعشى، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۸، ح ۱۱.
- [۸۷۲] (۲) طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۶۷ عن أبی یغفور، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۸، ح ۱۲.
- [۸۷۳] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۰۷، ح ۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۸، ح ۱۲.
- [۸۷۴] (۱) كنز العمال، ج ۱۰، ص ۸۶، ح ۲۸۴۷۲ نقلًا عن المصنّف لعبد الرزّاق عن النّزال بن سبرة.
- [۸۷۵] (۲) عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۱، ح ۱۳۰ عن أحمد بن عامر الطائی، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۴۴، ح ۱۵۱ کلاهما عن الإمام الرضا عن آباءه علیهم السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۱۱۰۵ عن الإمام الرضا عن أبیه عن جدّه علیهم السلام، الدعوات، ص ۱۵۳، ح ۴۱۵ و فیہ «مضغۀ» بدل «بضعۀ»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۵۸، ح ۸.
- [۸۷۶] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۱، ح ۵ عن محمّد بن سوفه، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۴، ح ۱۱۱۲، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵۱، ح ۴۲۳۵، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۵، ح ۱۸۰۱ کلاهما عن موسی بن بکر عن الإمام الكاظم و فیهما «من أدخل جوفه» بدل «من أكل»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۶، ح ۳۹.
- [۸۷۷] (۴) طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۱۰۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۷۶، ح ۱۱.
- [۸۷۸] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۵، ح ۱۸۰۴، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۵، ح ۱۱۱۸ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۶، ح ۴۰.
- [۸۷۹] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۱، ح ۶، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۵، ح ۱۸۰۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۶، ح ۴۰.
- [۸۸۰] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۱، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۵، ح ۲۰۱۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۷۳، ح ۴ و راجع: طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۹۹.
- [۸۸۱] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۱، ح ۴، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵۱، ح ۴۲۳۵، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۵، ح ۱۸۰۱ کلّها عن موسی بن بکر، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۶، ح ۳۸.
- [۸۸۲] (۱) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۱۲، ح ۳۷۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۹، ح ۹.
- [۸۸۳] (۲) عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۱، ح ۱۳۶ عن أحمد بن عامر الطائی، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۴۴، ح ۱۵۰ کلاهما عن الإمام الرضا عن آباءه علیهم السلام، الدعوات، ص ۱۴۸، ح ۳۹۲، بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۲۵۴، ح ۴۸؛ تفسیر القرطبی، ج ۱، ص ۴۲۷.
- [۸۸۴] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۷، ح ۲۰۱۹ عن الإمام الكاظم عن أبیه علیهما السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۸، ح ۵.
- [۸۸۵] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۶، ح ۲۰۱۸ عن عبد الرحمن بن زید بن أسلم التبوکی، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۸، ح ۱۳۸۳ عن الإمام الصادق عن آباءه علیهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۸، ح ۴.
- [۸۸۶] (۱) المعجم الكبير، ج ۲۲، ص ۶۳، ح ۱۵۲، مسند الشامیین، ج ۱، ص ۲۶۴، ح ۴۵۷ کلاهما عن واثله، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۴، ح ۲۸۲۷۵.
- [۸۸۷] (۲) الفردوس، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۳۶۴۳ عن أبی هریره؛ مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۸، ح ۱۳۸۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۹، ح ۸.
- [۸۸۸] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۳، ح ۱ عن السکونی عن الإمام الصادق علیه السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۶، ح ۲۰۱۷ عن السکونی عن الإمام الصادق عن أبیه عنه علیهم السلام و فیہ «یسرع» بدل «یکثر»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۸، ح ۳.
- [۸۸۹] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۳، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۶، ح ۲۰۱۶ و زاد فی آخره «و قد باریک علیه سبعون نبیا» و کلاهما عن عبد الرحمن بن زید، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۸، ح ۲.

[۸۹۰] (۱) در المحاسن، با این افزوده در پایان حدیث آمده: «و هفتاد پیامبر، آن را تحسین کرده‌اند».

[۸۹۱] (۱) النحل: ۶۸ و ۶۹.

[۸۹۲] (۲) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۸، ح ۵۲۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۴، ح ۱۹.

[۸۹۳] (۳) سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۴۲، ح ۳۴۵۲، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۲۲۲، ح ۷۴۳۵، السنن الکبری، ج ۹،

ص ۵۷۹، ح ۱۹۵۶۵، الفردوس، ج ۳، ص ۲۵، ح ۴۰۵۱ کلها عن عبد الله بن مسعود، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۸، ح ۲۸۱۰۲؛ مکارم

الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۷، ح ۱۱۶۲ عن الإمام الصادق علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۰، ح ۲.

[۸۹۴] (۱) نحل: آیه ۶۸ و ۶۹.

[۸۹۵] (۱) کنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۴، ح ۲۸۲۷۹ نقلًا عن أبي الشيخ و أبي نعیم فی الطب عن أبي هريرة.

[۸۹۶] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۹، ح ۱۱۷۳ عن الإمام الرضا علیه السلام، الدعوات، ص ۱۵۱، ح ۴۰۶، بحار الأنوار، ج ۶۶،

ص ۲۹۴، ح ۱۸.

[۸۹۷] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۰، ح ۱۹۹۱ عن إسماعیل بن جعفر عن أبيه، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۸، ح ۵۲۶ عن الإمام

الصادق علیه السلام و فيه «قال الله عز و جل: فيه شفاء للناس»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۱، ح ۶.

[۸۹۸] (۴) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۸، ح ۵۲۶، الکافی، ج ۶، ص ۳۳۲، ح ۵، کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۵۱، ح

۴۲۳۵ كلاهما عن موسى بن بكر عن الإمام الكاظم عليه السلام و ليس فيهما «شرب»، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۰، ح ۱۹۹۳ عن ابن

سنان و أبي البختری عن الإمام الصادق علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۲، ح ۸.

[۸۹۹] (۵) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۹، ح ۱۱۷۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۴، ح ۱۸.

[۹۰۰] (۶) النحل: ۶۹.

[۹۰۱] (۷) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۲، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۹، ح ۱۹۸۹ كلاهما عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق علیه

السلام، الخصال، ص ۶۲۳، ح ۲ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، مکارم الأخلاق، ج

۱، ص ۳۵۷، ح ۱۱۶۳ عن الإمام الصادق علیه السلام و ليس فيه من «و هو مع قراءة القرآن...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۱، ح ۴.

[۹۰۲] (۸) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۲، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۰، ح ۱۹۹۴ كلاهما عن محمد بن سقوه، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص

۳۵۸، ح ۱۱۶۵ و فيه «لعق العسل»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۰، ح ۲.

[۹۰۳] (۱) در الکافی و کتاب من لا يحضره الفقيه، از امام کاظم علیه السلام و با این تفاوت که در آنها، واژه «خوردن» نیامده

است.

[۹۰۴] (۲) در مکارم الأخلاق، از امام صادق علیه السلام و با این تفاوت که، ذیل حدیث، نیامده است.

[۹۰۵] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۰، ح ۱۹۹۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۲، ح ۷.

[۹۰۶] (۲) کنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۰، ح ۲۸۱۶۸ نقلًا عن أبي نعیم فی الطب عن عائشة.

[۹۰۷] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۸، ح ۱۱۶۸، طب النبوی صلی الله علیه و آله، ص ۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۵؛

الفردوس، ج ۴، ص ۲۶۵، ح ۶۷۸۰ عن عائشة و فيه «بوحر» بدل «برد».

[۹۰۸] (۴) جامع الأحادیث للقمی، ص ۱۰۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۴، ح ۱۹ نقلًا عن الإمامة و التبصرة عن إسماعیل بن موسی

بن جعفر عن أبيه عن آبائه عليهم السلام عنه صلی الله علیه و آله.

[۹۰۹] (۵) عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۵، ح ۸۳ عن أحمد بن عامر الطائی عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام،

مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۹، ح ۱۱۷۰، الدعوات، ص ۱۵۱، ح ۴۰۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۰، ح ۳.

[۹۱۰] (۶) المصنّف لعبد الرزّاق، ج ۱۱، ص ۳۰، ح ۱۹۸۱۹.

[۹۱۱] (۷) صحیح البخاری، ج ۵، ص ۲۱۵۷، ح ۵۳۷۵، مسند ابن حنبل، ج ۵، ص ۱۰۹، ح ۱۴۷۰۷، السنن الکبری، ج ۹، ص ۵۷۳، ح ۱۹۵۴۲ کلّها عن جابر، المصنّف لابن ابی شیبّه، ج ۵، ص ۴۶۰، ح ۸ عن یزید بن ابی حبیب عن رجل من الأنصار و کلّها نحوه، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۱، ح ۲۸۱۷۲.

[۹۱۲] (۱) در الفردوس، به جای «سردی سینه را از میان می برد»، عبارت «کینه و حالت دل چرکینی را از میان می برد» آمده است.

[۹۱۳] (۱) صحیح البخاری، ج ۵، ص ۲۱۵۱، ح ۵۳۵۶ عن ابن عبّاس، تاریخ دمشق، ج ۵۹، ص ۱۶، ح ۱۲۲۲۱ عن معاویه بن حُدیج و فی صدره «إن كان فی شیء شفاء...» و فی ذیله «و ما احبّ أن أکتوی»، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۱، ح ۲۸۱۷۱؛ عوالی اللآلی، ج ۱، ص ۱۷۵، ح ۲۱۳، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۳۵ نقلًا عن الخطّابی فی کتاب أعلام الحدیث.

[۹۱۴] (۲) فی المصدر «خیر» و الصحیح ما أثبتناه.

[۹۱۵] (۳) المعجم الأوسط، ج ۸، ص ۵۳، ح ۷۹۴۴.

[۹۱۶] (۴) تاریخ دمشق، ج ۲۶، ص ۹۸، الإصابه، ج ۳، ص ۴۸۵ و لیس فی «و شفاء»، اسد الغابه، ج ۳، ص ۱۳۸ نحوه، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۸۷، ح ۲۸۴۷۵.

[۹۱۷] (۵) تاریخ دمشق، ج ۲۶، ص ۹۹، ح ۵۵۰۶، اسد الغابه، ج ۶، ص ۳۶۲، الإصابه، ج ۵، ص ۱۳۳ نحوه و لیس فی «و قال: تداوی بها»، کنز العمال، ج ۵، ص ۸۲۲، ح ۱۴۴۸۳.

[۹۱۸] (۶) طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۵۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۸، ح ۳۵.

[۹۱۹] (۱) ورم کلان مدور. آبله بزرگ و سیاه که برآید. نزد پزشکان، هر ورم عارضی را اگر در اندرون آن، موضعی باشد که ماده در آن جمع شود ذبیله گویند (لغت نامه دهخدا).

[۹۲۰] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۷، ح ۸، المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۳، ح ۱۹۶۲، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۸، ح ۱۱۶۴ و فی «الحلب بالعسل»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۰، ح ۲.

[۹۲۱] (۲) الکافی، ج ۸، ص ۱۹۴، ح ۲۳۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۶۳، ح ۸.

[۹۲۲] (۳) الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام، ص ۳۴۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۳، ح ۱۶.

[۹۲۳] (۴) طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۳۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۴.

[۹۲۴] (۵) طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۵۱ عن ابی جعفر، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۰۰، ح ۲۳.

[۹۲۵] (۱) طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۵۱ عن ابی جعفر، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۰۰، ح ۲۴.

[۹۲۶] (۱) معنای آن در ص ۳۵۵ گذشت.

[۹۲۷] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۰، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۳، ح ۲۲۶۴ و لیس فی «فأوحى الله» إلى «أتوب إليك» و كلاهما عن موسى بن العلاء، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۴۹، ح ۱۱.

[۹۲۸] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۱، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۲، ح ۲۲۶۲، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۷، ح ۱۲۵۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۴۹، ح ۹.

[۹۲۹] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۷، ح ۱۲۵۵، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۳، ح ۲۲۶۳ عن فرات بن أحنف و لیس فی «الأسود»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۴۹، ح ۱۰.

[۹۳۰] (۱) در المحاسن، بخشی از وسط حدیث، نیامده است.

[۹۳۱] (۲) در المحاسن، واژه «سیاه» نیامده است.

[۹۳۲] (۱) عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۵، ح ۸۲ عن أحمد بن عامر الطائی عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۸، ح ۱۲۶۰، الدعوات، ص ۱۴۸، ح ۳۸۸، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۲، ح ۲۲۶۱ عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق علیه السلام و فی صدره «إذا أكلتم العنب فكلوه...»، طب النبوی صلی الله علیه و آله، ص ۸ و لیس فیہ «و أمراً»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۲۳، ح ۱۵؛ الفردوس، ج ۳، ص ۲۴۳، ح ۴۷۱۵ عن الإمام علی علیه السلام.

[۹۳۳] (۲) فی بحار الأنوار: «حتی نری رواله» و هو المناسب للسیاق.

[۹۳۴] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۷۲، ح ۹۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۱۹، ح ۱۰.

[۹۳۵] (۴) الکافی، ج ۱، ص ۴۷۶، ح ۱ و ج ۶، ص ۳۵۱، ح ۶ عن عیسی بن عبد الرحمن عن أبیه عن جدّه و لیس فیہ «و کان أبو عبد الله علیه السلام قائماً عنده»، الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۲۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۱۹، ح ۹ نقلًا عن المحاسن.

[۹۳۶] (۱) در المحاسن از امام صادق علیه السلام و با این تفاوت که در آغاز حدیث، چنین آمده است: «اگر خواستید انگور بخورید...».

[۹۳۷] (۱) طب النبوی صلی الله علیه و آله، ص ۹، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۰، ح ۱۲۷۳ عن الإمام علی علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۳۲، ح ۱.

[۹۳۸] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۰، ح ۱۲۷۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۳۲، ح ۲.

[۹۳۹] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۱، ح ۱۲۷۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۲، ح ۳.

[۹۴۰] (۱) عُنَاب، درختی است مشهور، و چنان که ادعا کرده‌اند، برگ آن برای چشم دردهای گرم، سودمند است و میوه‌اش نیز رطوبت را از خون می‌گیرد. حتّی گفته‌اند که دست زدن به عُنَاب نیز همین اثر را دارد. از همین روی، هرگاه بخوانند آن را از شهری به شهر دیگر ببرند، هر روز، آن را بر پشت یک مَرکَب می‌نهند تا یک مَرکَب، به تنهایی آن را حمل نکند و خودش خشک نشود.

جالینوس، درباره آن گفته است:

خون را خشک نمی‌کند. تنها بر غلظت آن می‌افزاید.

ابن بیطار، به نقل از مسیح علیه السلام آورده است:

گرم و مرطوب و در میانه درجه نخست است و در آن، حرارت، بیش از رطوبت است. چون خود عُنَاب یا آبش خورده شود، خلطی خوب می‌آورد. این میوه، همچنین، تنیدی و سوزندگی خون را تسکین می‌دهد و برای سرفه، نفس تنگی، درد کلیه و مثانه و درد سینه، سودمند است. نوع برگزیده آن، عُنَابی است که هسته‌اش نیز بزرگ باشد. اگر پیش از غذا خورده شود، مناسب‌تر است.

[۹۴۱] (۱) عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۳، ح ۱۵۲ عن أحمد بن عامر الطائی، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۵۲، ح ۱۷۵، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۱، ح ۱۲۷۶ کلّها عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام، الدعوات، ص ۱۵۷، ح ۴۳۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۸، ح ۱.

[۹۴۲] (۲) فی مکارم الأخلاق و الوافی: «التقطیر» بدل «التقتیر». و التقطیر: أن لا یستمسک بوله (الوافی، ج ۱۹، ص ۴۱۱).

[۹۴۳] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۱، ح ۱، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۱، ح ۱۲۷۷ کلاهما عن ابن بکیر، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۸، ح ۲.

[۹۴۴] (۱) در مکارم الأخلاق و الوافی به جای «تقتیر (تضییق)»، «تقطیر (قطره قطره آمدن بی اراده ادرار)»، آمده است و ما این را برگزیدیم.

[۹۴۵] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۱، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۲، ح ۲۱۳۶ کلاهما عن درست بن أبی منصور، الأمالی للطوسی،

- ص ۳۶۲، ح ۷۵۸ عن النّزال بن سبرة عن الإمام علیّ علیه السلام و فيه «یهضم الطعام» بدل «لُبّه یهضم»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۰، ح ۲.
- [۹۴۶] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۱، ح ۱، الخصال، ص ۱۴۴، ح ۱۶۸، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۲، ح ۲۱۳۵، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۳، ح ۱۳۳۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۰، ح ۱.
- [۹۴۷] (۱) علّامه مجلسی در شرح عبارت «و لُبّه یسیر بلّ البول؛ قسمت میانی اش پیشاب را به جریان می‌اندازد»، چنین می‌گوید: سربلّه، یعنی شلوار بر او پوشاند. این معنا با این جا سازگار نیست، مگر با مجاز گویی و تکلفی بسیار دور. در برخی از نسخه‌های الکافی، به جای این واژه، «یسهل: آسان می‌کند» و در برخی «یسیل: روان می‌کند» آمده که این دو واژه، درست‌ترند (بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۰).
- [۹۴۸] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۳، ح ۲۰۹۴ عن حمّاد بن زکریّا، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۰، ح ۱۳۱۴ و لیس فیہ «فهی المکیسه» و کلاهما عن الإمام الصادق علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۴، ح ۳.
- [۹۴۹] (۲) الرّمضاء: الأرض الشدیدة الحرارة (القاموس المحیط، ج ۲، ص ۳۳۲).
- [۹۵۰] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۷، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۳، ح ۲۰۹۳ و لیس فیہ «و یقول...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۴، ح ۱.
- [۹۵۱] (۴) الدعوات، ص ۱۵۵، ح ۴۲۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۵، ح ۵.
- [۹۵۲] (۱) خُرفه: نام گیاهی است و آن را به پارسی، پَرِبَهَن گویند و معرّب آن، فَرَفَخ است و آن در عربی به «البقله الحّمقاء» سبزه کودن» معروف است. (لغت‌نامه دهخدا).
- [۹۵۳] (۲) در المحاسن، جمله آخر حدیث، وجود ندارد.
- [۹۵۴] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۷، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۳، ح ۲۰۹۵ کلاهما عن فرات بن أحنف، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۵، ح ۴.
- [۹۵۵] (۱) کنز العّمال، ج ۱۰، ص ۴۵، ح ۲۸۲۸۱ نقلًا عن ابن السنی و أبی نعیم عن أبی هریره.
- [۹۵۶] (۲) الفردوس، ج ۱، ص ۲۷۴، ح ۱۰۶۹ عن وابصه.
- [۹۵۷] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۳، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۶، ح ۲۳۱۷ کلاهما عن عبد الله بن سنان، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۱، ح ۱۳۶۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۲، ح ۱.
- [۹۵۸] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۳، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۶، ح ۲۳۱۸، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۱، ح ۱۳۶۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۲، ح ۲.
- [۹۵۹] (۲) صحیح البخاری، ج ۵، ص ۲۰۷۳، ح ۵۱۲۴، المصنّف لابن أبی شیبّه، ج ۵، ص ۵۷۰، ح ۴، مسند الحمیدی، ج ۱، ص ۲۴۸، ح ۵۴۰؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۳ و فیہ «روی العائمة فی صحاحهم أنّ النبیّ صلی الله علیه و آله...».
- [۹۶۰] (۱) عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۶، ح ۸۶ عن أحمد بن عامر الطائی عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام، صحیفة الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۴۵، ح ۱۵۴ عن الإمام الرضا عن آبائه عن الإمام علیّ علیهم السلام، الدعوات، ص ۱۴۸، ح ۳۹۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۵، ح ۳؛ المعجم الكبير، ج ۲۲، ص ۶۳، ح ۱۵۲، مسند الشامیین، ج ۱، ص ۲۶۴، ح ۴۵۷ کلاهما عن واثله، کنز العّمال، ج ۱۰، ص ۴۴، ح ۲۸۲۷۵.
- [۹۶۱] (۲) شُعب الإیمان، ج ۵، ص ۱۰۲، ح ۵۹۴۷ عن عطاء، کنز العّمال، ج ۱۰، ص ۴۴، ح ۲۸۲۷۶.
- [۹۶۲] (۳) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۱۳، ح ۳۷۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۹، ح ۱۸.

[۹۶۳] (۴) الدعوات، ص ۱۵۴، ح ۴۱۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۹، ح ۱۷.

[۹۶۴] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۱، ح ۷، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۸، ح ۲۱۱۷ عن الإمام الكاظم عن أبيه عن جدّه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۷، ح ۱۰.

[۹۶۵] (۶) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۳، ح ۱۲۸۳ عن الإمام الحسين عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۸، ح ۱۶؛ الفردوس، ج ۳، ص ۲۴۴، ح ۴۷۱۹ عن الإمام الحسن عليه السلام، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۸۰، ح ۴۰۹۹۰.

[۹۶۶] (۱) كنز العمال، ج ۱۵، ص ۴۵۵، ح ۴۱۸۰۸ نقلًا عن الديلمي.

[۹۶۷] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۱، ح ۶، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۹، ح ۲۱۲۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۸، ح ۱۴.

[۹۶۸] (۳) فی المصدر: «يسل»، و التصویب من بحار الأنوار و المصادر الاخری.

[۹۶۹] (۴) عیون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۳۶، ح ۸۵ عن أحمد بن عامر الطائی، صحیفه الإمام الرضا عليه السلام، ص ۱۰۸، ح ۶۲، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۳، ح ۱۲۸۵ کلّها عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، الدعوات، ص ۱۴۸، ح ۳۹۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۵، ح ۲.

[۹۷۰] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.

[۹۷۱] (۵) الخصال، ص ۶۳۲، ح ۱۰ عن أبی بصیر و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۲۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۵، ح ۱.

[۹۷۲] (۶) طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۱۳۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۸، ح ۱۵.

[۹۷۳] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۹، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۰، ح ۱۸۲۲، رجال الکشی، ج ۲، ص ۷۳۷، ح ۸۲۶ و فی أوله «أرسل إلّی أبو الحسن علیه السلام فأتیته فقال لی...»، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۴، ح ۱۱۵۶ عن یونس بن بکر، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۷، ح ۱.

[۹۷۴] (۱) در رجال الکشی، در آغاز حدیث، این عبارت آمده است: «امام کاظم علیه السلام در پی من فرستاد. من نزد او رفتم. به من فرمود...».

[۹۷۵] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۹، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۰، ح ۱۸۲۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۸، ح ۲.

[۹۷۶] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۹، ح ۴ عن حسین بن حنظلّه، المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۰، ح ۱۸۲۴ عن محمد بن سوقة عن الإمام الصادق علیه السلام و لیس فیہ «أکل»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۸، ح ۳.

[۹۷۷] (۱) در المحاسن، واژه «خوردن» نیامده است.

[۹۷۸] (۱) الفردوس، ج ۱، ص ۱۲۷، ح ۴۴۰ عن الإمام علیّ علیه السلام.

[۹۷۹] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۵، ح ۵، المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۸، ح ۲۰۶۹، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۷، ح ۱۳۰۵ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۳، ح ۱۵.

[۹۸۰] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۵، ح ۴، الخصال، ص ۲۴۹، ح ۱۱۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۵، ح ۲۰۵۸ و فیہ «یقمع» بدل «یقطع»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۰، ح ۱.

[۹۸۱] (۱) علماء مجلسی می گوید: در القانون آمده است: «تره، دارای نوع: شامی، نبطی و نوعی دیگر است که آن را تره دشتی می گویند. این تره، میان تره معمولی و سیر است و به دارو، شباهت بیشتری دارد تا به غذا. نبطی آن هم بیش از شامی در معالجات به کار می آید...» تا جایی که می گوید: «به صورت آب پز، خواه خوردنی و خواه به عنوان پماد، سودمند است، نیروی جنسی را

تحریک می‌کند و تخم آب‌پز آن همراه با دانه آس، برای اسهال و خونریزی مقعدی به کار می‌رود» (بحار الأنوار: ج ۶۲ ص ۱۹۶ ح ۲).

[۹۸۲] (۲) تردید، از راوی است.

[۹۸۳] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۸، ح ۲۰۷۱ عن وهب بن وهب، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۴، ح ۱۷.

[۹۸۴] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۵، ح ۱، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۶، ح ۱۳۰۰ و فيه «فقعد» بدل «فقعد»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۲، ح ۸.

[۹۸۵] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۶، ح ۲۰۶۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۲، ح ۷.

[۹۸۶] (۴) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۷، ح ۱۳۰۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۵، ح ۲۰.

[۹۸۷] (۱) علامه مجلسی می‌گوید: ظاهراً مقصود از فرو نشستن خون، آن است که در هنگام تخلی (دفع)، خون از او دفع می‌شود. طیبیان گفته‌اند: تره، مجاری طحال را باز می‌کند و به سبب گرمای فراوان بدن و باز شدن مجاری طحال، خون سرازیر می‌شود، چونان که به گاه عادت ماهانه، خونریزی صورت می‌پذیرد. اما سود این خونریزی برای ورم طحال، آن است که ممکن است این ورم، از مزاج خون یا از سودا سرچشمه گرفته باشد (بحار الأنوار: ج ۶۶، ص ۲۰۲).

[۹۸۸] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۵، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۷، ح ۲۰۶۵ عن ابي سعيد الآدمي، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۳، ح ۱۲.

[۹۸۹] (۲) فی المحاسن: «لا یعلقُ به منه شیءٌ». قال العلامه المجلسی قدس سره: قوله علیه السلام: «لا یعلق منه شیءٌ» إِمَّا مَبْنِيَّ عَلَى الاستحالة، أو علی أَنَّهُ لَا یعلم ملاقات شیء منه للنبات، فالغسل فی الخبر السابق محمول علی الاستحباب و النظافة (بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۳).

[۹۹۰] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۵، ح ۶، المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۷، ح ۲۰۶۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۹۷، ح ۳ و ج ۶۶، ص ۲۰۳، ح ۱۳.

[۹۹۱] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۸، ح ۲۰۷۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۶، ح ۱۸.

[۹۹۲] (۱) علامه مجلسی می‌گوید: این سخن، یا بر این مبتنی است که آن فضولات، استحاله شده‌اند و یا بر این که به چسبیدن فضولات به گیاه، یقین نداریم. از همین روی، شستنی که در روایت پیشین از آن سخن به میان آمده، باید کاری مستحب باشد و به معنای نظافت، تفسیر شود (بحار الأنوار: ج ۶۶، ص ۲۰۳).

[۹۹۳] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۶، ح ۸، المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۷، ح ۲۰۶۴، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۶، ح ۱۳۰۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۲، ح ۱۱.

[۹۹۴] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۲، ح ۲۰۸۵ عن إسماعیل بن مسلم عن الإمام الصادق علیه السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۰، ح ۱۳۱۸، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۱۳، ح ۳۷۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۷ و ج ۶۶، ص ۲۳۹، ح ۱.

[۹۹۵] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۶، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۲، ح ۲۰۸۶ کلاهما عن حمّاد بن زکریّا عن الإمام الصادق علیه السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۰، ح ۱۳۱۷ عن الإمام الحسين علیه السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «كُلِّ الكرفس فَإِنَّهَا...» بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۰، ح ۳.

[۹۹۶] (۳) الفردوس، ج ۵، ص ۳۷۰، ح ۸۴۶۸ عن الإمام الحسين علیه السلام.

[۹۹۷] (۴) طَبُّ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ص ۱۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۰۰.

[۹۹۸] (۱) در مکارم الأخلاق، حدیث، چنین آغاز شده است: «کرفس بخور؛ چرا که...».

[۹۹۹] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۵، ح ۲۱۴۹ عن إبراهيم بن علي الراعي عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۲، ح ۳.

[۱۰۰۰] (۱) علامه مجلسی می‌گوید: قارچ یا «کمء» که مفرد غیر قیاسی «کمأء» است گیاهی شناخته شده است. طیبیان گفته‌اند: نه ریشه‌ای دارد و نه برگی، و رنگ آن، به قرمز متمایل است. در فصل بهار و به هنگام فراوانی برف و یخ، دیده می‌شود. آن را پخته و خام می‌خورند.

قارچ دارای گونه‌هایی با نام‌های مختلف است: یکی از انواع آن را «فطر» گویند. در قاموس آمده است: «فطر (با ضمّه فاء یا به ضمّه فاء و طا) نوعی کشنده از قارچ است».

ابن بیطار به نقل از دیسکوریدس گفته است: «برخی از انواع فطر، قابل خوردن هستند و برخی دیگر از انواع آن، قابل خوردن نیستند و کشنده‌اند، از آن روی که در نزدیکی میخ‌های زنگ‌زده یا پارچه‌ای متعفن، یا لانه‌های برخی از درندگان زیان‌رسان و یا نزدیک برخی درختان (که خاصیت آنها مسمومیت‌بخشی به فطر، در صورت رویدن در نزدیکی آنهاست) رویده‌اند. ممکن است این نوع از فطر، پوشش لغزنده و مرطوب داشته باشد و چون این پوشش، برداشته و این نوع از قارچ در جایی نهاده شود، بسیار زود فاسد می‌شود و بو می‌گیرد».

امریا نوع دیگر از همین قارچ، در آب‌گوشت استفاده می‌شود. خوش‌مزه است و در صورتی که از آن زیاد مصرف شود، زیان می‌رساند و از آن، نوعی احساس خفگی و بدگواری پدید می‌آید».

جالینوس نیز گفته است: «نیروی فطر، نیرویی سرد و بسیار مرطوب است و از همین روی به داروهای کشنده، نزدیک است و چیزی در آن وجود دارد که می‌کشد، بویژه در آن انواعی که در نهاد آنها چیزی از عفونت در آمیخته است».

یکی دیگر از انواع آن، «فَقْع» است. فیروزآبادی در این باره گفته است: «فَقْع (با فتحه فاء و کسره آن) قارچ سفید و نرم است و جمع آن بر وزن عَنَبَه است».

ابن بیطار گفته است: «چیزی است که در زیر زمین و نزدیک آب‌ها شکل می‌گیرد. دایره‌ای و سفید و بزرگ‌تر از کمأء (قارچ دنبلان) است و در روی زمین نیز دیده می‌شود. چتر هر یک از این قارچ‌ها دارای سه یا چهار پاره است، هر چند که این پاره‌ها به همدیگر چسبیده‌اند. این قارچ از فطر، سالم‌تر است و بر خلاف فطر، چیزی کشنده در آن وجود ندارد و طبع آن سرد، مرطوب و غلیظ است. برخی از همین انواع را در فارسی، کشنج یا گل‌کنده نامند. در ماسه‌زار می‌روید و در خراسان و ماوراء النهر، بیشتر دیده می‌شود. گفته‌اند: مست‌کننده است. درون تهی است و رطوبت آن، هم‌اندازه یک گردوی بزرگ است. همچنین گفته‌اند: این نوع نیز سرد و غلیظ و دارای گوارشی کُند است».

یکی دیگر از انواع قارچ، «غرشنه» است. ابن بیطار گفته است: این نوع، در سرزمین بیت المقدس بسیار است و آنجا با نام «کرشته» شناخته می‌شود.

ابن سینا گفته است: «این خود یکی از انواع: کمأء و فطر است. شکلی همانند یک کاسه کوچک دارد، مایه تبسم و تشنج است، و در هنگام لمس، نرم احساس می‌شود. جامه را با آن می‌شویند و آن را همراه با چیزهای ترش می‌خورند».

ابن بیطار به نقل از برخی، درباره قارچ آورده است: قارچ سرخ، کشنده است. خوش‌مزه‌ترین قارچ‌ها نیز قارچی است که نرم‌تر و به رنگ سفید، متمایل‌تر باشد. نوع خال‌خال و سست آن، کاملاً نامرغوب است و در معده گرم، بسیار مفید است. اگر به دلیل زیاد خوردن از آن یا به دلیل ضعف معده، هضم نشود، مانده آن در دستگاه گوارش، بسیار غلیظ می‌گردد و دردهایی را در قسمت‌های تحتانی پشت و سینه بر جای می‌گذارد.

از این ماسه نقل شده که در این باره گفته است: سرد و مرطوب و در درجه دوم است.

از مسیح علیه السلام نقل شده است: اگر خورده شود، انسداد پدید می‌آورد؛ اما اگر با آن سر مه کشیده شود، دیده را جلا می‌دهد. از غافقی در این باره چنین نقل شده است: یکی از خواص قارچ، آن است که اگر کسی آن را بخورد و در حالی که هنوز این قارچ در معده وی است، گزنده‌ای او را نیش بزند، از آن نیش می‌میرد و هیچ دارویی او را سود نمی‌افتد؛ اما آب قارچ، یکی از بهترین درمان‌های چشم است، البته در صورتی که به سنگ سر مه مالیده و آن گاه با آن، سر مه کشیده شود. این کار، مژه‌ها را تقویت می‌کند و حس بینایی را توان و دقت می‌افزاید و آب‌ریزش را از چشم، دور می‌کند (بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۲۳۲).

[۱۰۰۱] (۱) المَنّ: شیء حلو كان يسقط من السماء على الشجر فيجتونه (مجمع البحرين، ج ۳، ص ۱۷۲۵).

[۱۰۰۲] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۰، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۵، ح ۲۱۵۰ کلاهما عن عبد الرحمن بن زيد عن الإمام الصادق عليه السلام، طب الأئمة لابن بسطام، ص ۸۲ عن جابر بن يزيد الجعفی عن الإمام الباقر عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۵۲، ح ۲۸؛ صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۶۲۷، ح ۴۲۰۸، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۶۱۹، ح ۱۵۷ کلاهما عن سعید بن زید و ليس فيهما «و المَنّ من الجنّة»، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۸، ح ۲۸۲۰۱.

[۱۰۰۳] (۱) اشاره به آیاتی است که بر فرود آمدن «مَنّ» بر بنی اسرائیل دلالت دارند، چنان که در مجمع البحرين (ج ۲ ص ۱۷۲۵) آمده است: «مَنّ، چیزی شیرین بوده که از آسمان برای بنی اسرائیل بر روی درخت می‌افتاده و آنها آن را می‌چیده‌اند».

[۱۰۰۴] (۲) در صحیح البخاری و صحیح مسلم، عبارت «و مَنّ، از بهشت است» نیامده است.

[۱۰۰۵] (۱) عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۷۵، ح ۳۴۹ عن دارم بن قیصه عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۱، ح ۱.

[۱۰۰۶] (۲) كنز العمال، ج ۱۰، ص ۵۰، ح ۲۸۳۱۱ نقلًا عن ابن السنی و أبي نعیم عن صهیب.

[۱۰۰۷] (۳) فی بحار الأنوار: «بقثاء».

[۱۰۰۸] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۹، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۶، ح ۲۱۵۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۲، ح ۵.

[۱۰۰۹] (۱) در بحار الأنوار، به جای واژه «عشا (شام)»، واژه «قثاء» آمده که به معنای خیار است.

[۱۰۱۰] (۱) مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۰۵، ح ۲۰۳۴۵ نقلًا عن طبّ النبیّ صلى الله عليه و آله.

[۱۰۱۱] (۲) الخصال، ص ۶۳۲، ح ۱۰ عن أبي بصیر و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۲۲ و فيه «أوجاعه» بدل «أوجاع الجوف»، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۹، ح ۱۲۶۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۸، ح ۶.

[۱۰۱۲] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۸، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۱، ح ۲۲۹۶ کلاهما عن أبي بصیر، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۴، ح ۳۲.

[۱۰۱۳] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۸، ح ۲، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۹، ح ۱۲۶۶ و فيه إلى «و السفرجل»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۷، ح ۳۷.

[۱۰۱۴] (۵) طبّ الأئمة لابن بسطام، ص ۱۳۵.

[۱۰۱۵] (۱) در مکارم الأخلاق، فقط صدر حدیث، آمده است.

[۱۰۱۶] (۱) فی المصدر: «يلسح»، و التصویب من بحار الأنوار.

[۱۰۱۷] (۲) طبّ النبیّ صلى الله عليه و آله، ص ۶، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳۲۱، ح ۴.

[۱۰۱۸] (۳) الفردوس، ج ۱، ص ۹۱، ح ۲۹۵ عن الإمام علیّ علیه السلام، كنز العمال، ج ۶، ص ۶۴۷، ح ۱۷۲۱۴.

[۱۰۱۹] (۴) من لا يحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۵، ح ۵۷۶۲ عن حماد بن عمرو و أنس بن محمد عن أبيه، الخصال، ص ۱۲۶، ح ۱۲۲ عن أنس بن محمد عن أبيه و فيه «السقم» بدل «البلغم»، مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۳۲۸، ح ۲۶۵۶ کلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عن

جده عن الإمام علي عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۳، ح ۳.

[۱۰۲۰] (۱) كُنْدُر: صمغی است که آن را مصطکی خوانند و بعضی گویند مصطکی هم نوعی کندر است و کندر، همان بُبان باشد. و بعضی گویند کندر، درختی است شبیه به درخت پسته؛ لیکن باری و میوه‌ای و تخمی ندارد. صمغ آن را به نام آن درخت خوانند (ر. ک: لغت‌نامه دهخدا: ج ۱۱ ص ۱۶۴۲۳).

[۱۰۲۱] (۲) در الخصال، به جای «بلغم»، واژه «سُقْم» به معنای بیماری آمده است.

[۱۰۲۲] (۱) الخصال، ص ۶۱۲، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۱، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۳، ح ۱۴۴۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۳، ح ۲.

[۱۰۲۳] (۲) كنز العمال، ج ۱۴، ص ۱۸۶، ح ۳۸۳۱۸ عن ابن السنّي و نعيم معاً في الطبّ و عن الخطيب في الجامع.

[۱۰۲۴] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۳۲، ح ۴ عن سكين، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۲، ح ۱۲.

[۱۰۲۵] (۴) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۳، ح ۱۴۴۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۴، ح ۸.

[۱۰۲۶] (۵) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۳، ح ۱۴۳۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۴، ح ۸؛ الفردوس، ج ۱، ص ۱۰۱، ح ۳۳۱ عن ابن عمر.

[۱۰۲۷] (۱) في تهذيب الأحكام و مكارم الأخلاق: «أطعموا جبالكم اللبان».

[۱۰۲۸] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۲۳، ح ۷، تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۴۴۰، ح ۱۷۵۸ كلاهما عن محمد بن سنان، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۴، ح ۱۴۴۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۴، ح ۸؛ تاريخ دمشق، ج ۵۴، ص ۲۲۹، ح ۱۱۴۷۴ عن أبي هريرة نحوه.

[۱۰۲۹] (۱) در تهذيب الأحكام و مكارم الأخلاق، كلمه «نر» نیامده است.

[۱۰۳۰] (۱) الخصال، ص ۶۳۶، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۹۵، ح ۱.

[۱۰۳۱] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۳۶، ح ۷، المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۲، ح ۱۹۶۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۰۲، ح ۲۳.

[۱۰۳۲] (۳) طبّ الأئمة لابن بسطام، ص ۸۹ عن الحلبي، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۸۲، ح ۴.

[۱۰۳۳] (۱) المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۲۱۸، ح ۷۴۲۳ عن عبد الله، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۳۱، ح ۲۸۱۶.

[۱۰۳۴] (۲) المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۴۶، ح ۸۲۲۴ عن عبد الله بن مسعود، مسند ابن الجعد، ص ۳۰۷، ح ۲۰۷۲ عن طارق بن شهاب و فيه «دواء» بدل «شفاء»، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۳۰، ح ۲۸۲۱۲ نقلًا عن ابن عساكر و راجع: الكافي، ج ۶، ص ۳۳۷، ح ۳ و المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۴، ح ۱۹۶۷.

[۱۰۳۵] (۳) السنن الكبرى للنسائي، ج ۴، ص ۱۹۴، ح ۶۸۶۴، مسند ابن حنبل، ج ۶، ص ۴۷۱، ح ۱۸۸۵۳ كلاهما عن طارق بن شهاب، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۲۱۸، ح ۷۴۲۵ عن عبد الله يرفعه إليه صلى الله عليه و آله نحوه، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۳۰، ح ۲۸۲۱۳.

[۱۰۳۶] (۴) المعجم الكبير، ج ۱۰، ص ۱۴، ح ۹۷۸۸، تاريخ بغداد، ج ۷، ص ۳۵۶ كلاهما عن عبد الله بن مسعود، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۹، ح ۲۸۲۰۸.

[۱۰۳۷] (۵) قرب الإسناد، ص ۱۱۰، ح ۳۸۰ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۹۹، ح ۱۲؛ مسند ابن الجعد، ص ۳۰۷، ح ۲۰۷۳ عن ابن مسعود.

[۱۰۳۸] (۱) شجر، عبارت است از گیاهان با ساق و بی ساق.

[۱۰۳۹] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۳۷، ح ۱ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۲، ح ۱۴۳۴.

الدعوات، ص ۱۵۲، ح ۴۱۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۰۳، ح ۳۵.

[۱۰۴۰] (۲) المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۴، ح ۱۹۶۸ عن السكونی عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۰۳، ح ۳۰.

[۱۰۴۱] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۳۷، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۴، ح ۱۹۶۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۰۳، ح ۳۱.

[۱۰۴۲] (۴) المصنّف لعبد الرزّاق، ج ۹، ص ۲۵۹، ح ۱۷۱۳۵، كنز العمّال، ج ۱۰، ص ۳۱، ح ۲۸۲۱۹.

[۱۰۴۳] (۱) ذرّب، بیماری معده است که مانع هضم و جذب غذا شده، در نتیجه موجب شکم‌رُوش می‌گردد.

[۱۰۴۴] (۱) مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۶۲۹، ح ۲۶۷۷، المعجم الكبير، ج ۱۲، ص ۱۸۴، ح ۱۲۹۸۶ کلاهما عن ابن عباس، كنز العمّال، ج ۱۰، ص ۴۶، ح ۲۸۲۸۶.

[۱۰۴۵] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۳۸، ح ۱، تهذيب الأحكام، ج ۹، ص ۱۰۱، ح ۴۳۸، المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۵، ح ۱۹۷۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۰۳، ح ۳۴.

[۱۰۴۶] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۳۹، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۵، ح ۱۹۷۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۹۵، ح ۴.

[۱۰۴۷] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۳۷، ح ۸، المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۳، ح ۱۹۶۲، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۸، ح ۱۱۶۴ و فيه «الحليب بالعسل»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۰۲، ح ۲۴ و ص ۲۹۰، ح ۲.

[۱۰۴۸] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۳۸، ح ۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۰۷، ح ۱.

[۱۰۴۹] (۱) علامه مجلسی می‌گوید: در قاموس آمده است: حليب یعنی شیر دوشیده‌شده، یا حليب یعنی آنچه هنوز مزه‌اش تغییر نیافته است. همچنین دیگرگون شدن آب کمر، کنایه از عدم انعقاد نطفه فرزند از آن است (بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۱۰۲).

[۱۰۵۰] (۲) نانخواه: دانه‌ای است زرد رنگ، خوش بو و با طعمی نسبتاً تند و تلخ، و گاه روی نان می‌ریزند (فرهنگ صبا: ص ۱۰۸۵).

[۱۰۵۱] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۰۸، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۲۴۸، ح ۱۷۷۴ کلاهما عن عيسى بن عبد الله العلوي عن أبيه عن جدّه عن الإمام عليّ عليه السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۱۱۰۷ عن الإمام عليّ عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۵۹، ح ۱۲.

[۱۰۵۲] (۲) طبّ النبيّ صلى الله عليه وآله، ص ۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۳؛ الفردوس، ج ۲، ص ۱۸۰، ح ۲۹۰۹، كنز العمّال، ج ۱۵، ص ۲۸۱، ح ۴۱۰۰۰ نقلًا عن المعجم الأوسط و أبي نعيم في الطبّ و كلاهما عن بريده الأسمي.

[۱۰۵۳] (۳) عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۳۵، ح ۷۹ عن أحمد بن عامر الطائي، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام، ص ۱۰۶، ح ۵۶ کلاهما عن الإمام الرضا عن آباءه عليهم السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۵، ح ۱۰۷۹ عن الإمام الرضا عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله و ليس فيهما «أهل»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۵۸، ح ۵ و ص ۲۶۲، ح ۷؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۹۹، ح ۳۳۰۵ عن أبي الدرداء و فيه «أهل الجنّة» بدل «الآخرة» و ليس فيه «ثمّ الأرز»، كنز العمّال، ج ۱۵، ص ۲۹۱، ح ۴۱۰۵۴ نقلًا عن الحاكم في تاريخ نيشابور عن صهيب.

[۱۰۵۴] (۱) عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۴۱، ح ۱۲۹ عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آباءه عليهم السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۶، ح ۱۸۰۷ عن أبي اسامه عن الإمام الصادق عليه السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله و فيه «فإنّ اللحم ينمي» بدل «فإنّه ينبت»، قرب الإسناد، ص ۱۰۷، ح ۳۶۷ عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام، الدعوات، ص ۱۵۳، ح ۴۱۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۵۸، ح ۶.

[۱۰۵۵] (۲) تاريخ دمشق، ج ۴۹، ص ۳۲۳، ح ۱۰۵۵۶ عن ابن عباس، كنز العمّال، ج ۱۵، ص ۲۸۲، ح ۴۱۰۰۵.

- [۱۰۵۶] (۳) کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۸۲، ح ۴۱۰۰۶ نقلًا عن شعب الإيمان عن سلمان.
- [۱۰۵۷] (۴) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۵، ح ۵۱۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۷۳ نقلًا عن كتاب السرائر.
- [۱۰۵۸] (۵) کنز العمال، ج ۱۵، ص ۴۵۵، ح ۴۱۸۰۶ نقلًا عن أبي نعيم.
- [۱۰۵۹] (۶) کنز العمال، ج ۱۵، ص ۴۵۵، ح ۴۱۸۰۵ نقلًا عن أبي نعيم.
- [۱۰۶۰] (۷) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۰۹، ح ۳۵۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۶، ح ۷۳.
- [۱۰۶۱] (۸) المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۵، ح ۱۸۰۰ عن غياث بن إبراهيم، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۶، ح ۳۷ و راجع: دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۵، ح ۵۱۱.
- [۱۰۶۲] (۱) در السرائر، حدیث، چنین آغاز می‌شود: «روایت شده است که خوردن گوشت ...».
- [۱۰۶۳] (۲) نگارنده می‌گوید: ظاهراً نقش نخوردن گوشت در بداخلاقی، اقتضاست (در مواردی است که نخوردن گوشت، به ضعف اعصاب، منتهی گردد)، نه علت تامه. بنا بر این، ممکن است کسی گوشت نخورد و اخلاقش هم بد نباشد.
- [۱۰۶۴] (۱) الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۶۸۳، ح ۲، المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۳۹ کلاهما عن أبي هاشم الجعفری، بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۵۵، ح ۱۰.
- [۱۰۶۵] (۲) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۶۴ عن السكونی عن الإمام الصادق عن أبيه علیهما السلام.
- [۱۰۶۶] (۳) الدعوات، ص ۱۵۳، ح ۴۱۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۵، ح ۷۰.
- [۱۰۶۷] (۴) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۵، ح ۵۱۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۶، ح ۷۳.
- [۱۰۶۸] (۵) المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۷، ح ۱۸۱۲ عن جعفر بن عمرو عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۸، ح ۴۷.
- [۱۰۶۹] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۶، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۹، ح ۱۸۱۷ کلاهما عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق علیه السلام، تحف العقول، ص ۱۰۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۹، ح ۵۲.
- [۱۰۷۰] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۶، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۸، ح ۱۸۱۴، الدعوات، ص ۱۵۲، ح ۴۱۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۸، ح ۴۹.
- [۱۰۷۱] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۶، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۷، ح ۱۸۱۱ کلاهما عن هشام بن سالم، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۸، ح ۴۶.
- [۱۰۷۲] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۶، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۰، ح ۱۸۲۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۹، ح ۵۶.
- [۱۰۷۳] (۵) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۸، ح ۱۱۲۹ عن معاذ بن جبل، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۴، ح ۶۹؛ الفردوس، ج ۳، ص ۳۰، ح ۴۰۶۴ عن معاذ بن جبل.
- [۱۰۷۴] (۱) مَضِیرَةٌ، غذایی است پختنی که از شیر مانده و ترش شده درست می‌شود (مجمع البحرین: ج ۳ ص ۱۷۰۲).
- [۱۰۷۵] (۱) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۱۰، ح ۳۵۶، جامع الأحادیث للقمی، ص ۱۳۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۶، ح ۷۳.
- [۱۰۷۶] (۲) المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۶، ح ۱۸۴۶، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۸۲، ح ۲۹.
- [۱۰۷۷] (۳) المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۴۸، ح ۸۲۳۲ عن عبد الله بن مسعود، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۳۱، ح ۲۸۲۱۸.
- [۱۰۷۸] (۴) طب النبوی صلی الله علیه و آله، ص ۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۶.
- [۱۰۷۹] (۵) المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۲، ح ۱۷۹۳ عن أبي بصیر عن الإمام الصادق علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۳، ح ۲۹.
- [۱۰۸۰] (۶) الخصال، ص ۶۳۷، ح ۱۰ عن أبي بصیر و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، تحف العقول، ص

- ۱۲۴ و فيه» و ألبانها شفاء و كذلك أسمانها»، الكافي، ج ۶، ص ۳۱۱، ح ۳ عن إسماعيل بن أبي زياد مع تقديم و تأخير، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۷، ح ۱۱۲۳ كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۵۶، ح ۲.
- [۱۰۸۱] (۱) الغيبة للنعماني، ص ۶۷، ح ۷ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام.
- [۱۰۸۲] (۲) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۶۴ عن عبد الرحيم بن عبد المجيد القصير، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۹، ح ۱۸۱۹ عن عبد الله بن سنان، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۴، ح ۱۱۱۴ و ليس فيهما من «فإنه يخرج...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۰۱، ح ۱۷.
- [۱۰۸۳] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۰، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۹، ح ۱۸۱۸، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۶، ح ۱۱۲۲ كلاهما نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۹، ح ۵۳.
- [۱۰۸۴] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۰، ح ۱، بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۱۳۱، ح ۱۳.
- [۱۰۸۵] (۱) ميش: گوسفند، گوسپند. مطلق گوسفند باشد، خواه ماده و خواه نر گویا در قدیم، میش، به جنسی می گفته‌اند که امروز گوسفند می گوئیم و اعم از نر و ماده و پشم دار است؛ و گوسفند، اطلاق می شده است هم بر میش (یعنی گوسفند در معنای امروزی که پشم دارد) و هم بر بز، اعم از نر و ماده (ر. ک: لغت نامه دهخدا: ج ۱۳ ص ۱۹۴۲۷).
- [۱۰۸۶] (۲) در المحاسن و مكارم الأخلاق، بخش دوم حدیث، وجود ندارد.
- [۱۰۸۷] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۲، ح ۴ عن محمد بن حكيم، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۴۳، ح ۱.
- [۱۰۸۸] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۳، ح ۶ عن نسيط بن صالح، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۹، ح ۱۱۳۵ و ليس فيه «كثرة»، بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۲۸۵، ح ۵۱.
- [۱۰۸۹] (۳) قال العلامة المجلسي قدس سره: في حياة الحيوان: الإوز: البط، انتهى. و لعله عليه السلام إنما شبهه بالجاموس لأنسه بالحماة و أكله منها ... و إنما شبهه الدجاج بالخنزير لأكله العذرة ... و لعل وجه التخصيص بريعه؛ لأن فرخ مكانهم أحسن، أو لوجود تربيتهم لها (مرآة العقول، ج ۲۲، ص ۱۳۳).
- [۱۰۹۰] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۲، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۷، ح ۱۸۴۹، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۵، ح ۱۱.
- [۱۰۹۱] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲ جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه. ش.
- [۱۰۹۲] (۱) درباره این تشبیه ها چنین گفته اند شاید امام علیه السلام از آن روی غاز را به گاو میش تشبیه کرده است که هر دو با لجنزار انس دارند و از آن جا می خورند. نیز مرغ را از آن روی به خوک تشبیه کرده است که هر دو مدفوع می خورند شاید علت نام بردن از ربیعه از میان همه قبایل نیز آن است که جوجه‌های سرزمین این قوم، بهتر بوده و یا آنان عنایت و توجه افزون تری به جوجگان داشته‌اند (مرآة العقول: ج ۲۲ ص ۱۳۳).
- [۱۰۹۳] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۲، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۷، ح ۱۸۵۱ و فيه «فرخ حمام» بدل «فرخ»، عوالی اللآلی، ج ۴، ص ۱۰، ح ۱۴ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۶، ح ۱۰.
- [۱۰۹۴] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۲، ح ۳ عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۸، ح ۱۸۵۲ و فيه «يقتل» بدل «يقل»، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۰، ح ۱۱۳۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۵، ح ۶۹.
- [۱۰۹۵] (۳) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۰، ح ۱۱۳۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۴، ح ۶۹.
- [۱۰۹۶] (۴) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۰، ح ۱۱۳۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۵، ح ۶۹.
- [۱۰۹۷] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۲، ح ۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۴.
- [۱۰۹۸] (۱) در المحاسن، به جای «جوجه»، تعبیر «جوجه کبوتر» آمده است.

- [۱۰۹۹] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۲۳، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۸، ح ۱۸۵۵، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۰، ح ۱۱۴۱، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۵۱، ح ۵۳۹ من دون إسنادٍ إلى الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۲۱۷، ح ۷۴.
- [۱۱۰۰] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۲۳، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۸، ح ۱۸۵۳ کلاهما عن إبراهيم بن عبد الحمید، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۲۰۷، ح ۳۶.
- [۱۱۰۱] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۲۳، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۲۷۰، ح ۱۸۶۶، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۲۰۸، ح ۴۸.
- [۱۱۰۲] (۱) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۶۳، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱ نحوه.
- [۱۱۰۳] (۲) الفردوس، ج ۱، ص ۴۲۰، ح ۱۷۰۵ عن أبي امامة.
- [۱۱۰۴] (۳) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۵۱، ح ۵۳۹، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۹۰، ح ۱.
- [۱۱۰۵] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۲۷۰، ح ۱۸۶۱ عن مسعدة بن اليسع عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۲۰۸، ح ۴۳.
- [۱۱۰۶] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۳۲۳، ح ۵ عن ابن اليسع عن الإمام الصادق عليه السلام.
- [۱۱۰۷] (۱) الخصال، ص ۶۳۶، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۲۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۵۷، ح ۲.
- [۱۱۰۸] (۲) قرب الإسناد، ص ۱۰۷، ح ۳۶۷ عن الحسين بن علوان عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۵۶، ح ۱.
- [۱۱۰۹] (۳) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۱۳۷ عن الإمام الباقر عليه السلام.
- [۱۱۱۰] (۴) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۸۴ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۷، ح ۱۴ و ج ۶۵، ص ۲۱۵، ح ۶۶.
- [۱۱۱۱] (۵) الخصال، ص ۱۵۵، ح ۱۹۴ عن معاوية بن عمّار، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۲۷، ح ۳۰۹، روضة الواعظین، ص ۳۳۶، طب الأئمة لابني بسطام، ص ۴ و فيها «الضلع» بدل «الطلع»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۷۳، ح ۱۰ و ج ۶۶، ص ۴۵، ح ۵.
- [۱۱۱۲] (۶) الکافی، ج ۶، ص ۳۲۳، ح ۶، المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۹، ح ۱۸۵۸ کلاهما عن عبد الله بن سنان و ح ۱۸۵۹ عن الإمام علي عليه السلام، و فيهما «الجسد» بدل «الجسم».
- [۱۱۱۳] (۷) الکافی، ج ۶، ص ۳۲۴، ح ۷ عن موسى بن بكر، المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۹، ح ۱۸۵۶ عن أبي البختری، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۰، ح ۱۱۴۰ کلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۲۰۷، ح ۳۸.
- [۱۱۱۴] (۸) الکافی، ج ۶، ص ۳۲۴، ح ۹ عن موسى بن بكر، المحاسن، ج ۲، ص ۲۷۰، ح ۱۸۶۲ و ح ۱۸۶۳ عن مسمع عن الإمام الصادق عليه السلام و فيه «يذيب بمخ العين»، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۲۰۸، ح ۴۴.
- [۱۱۱۵] (۱) در المحاسن، از امام صادق عليه السلام و با عبارت «مخ چشمان را ذوب می کند» آمده است.
- [۱۱۱۶] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۴، ح ۴.
- [۱۱۱۷] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۶، ح ۱۳۷۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۶، ح ۱.
- [۱۱۱۸] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۴، ح ۱، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۶، ح ۱۳۷۸ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۶، ح ۲.
- [۱۱۱۹] (۱) معنای آن در ج ۱، صفحه ۵۱۵ گذشت.
- [۱۱۲۰] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۵، ح ۲۴۹۰ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۸، ح ۲۱.
- [۱۱۲۱] (۲) المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۵، ح ۲۴۸۸ عن الإمام الكاظم عن أبيه عليهما السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۰۷، ح ۹۷۵.

- من دون إسنادٍ إلى الإمام الباقر عليه السلام و زاد فيه « و اختتم به » بعد « بالملح »، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۸، ح ۲۰.
- [۱۱۲۲] (۳) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۲، ح ۱۳۹۵ عن عائشة، طب النبي صلى الله عليه و آله، ص ۴؛ الفردوس، ج ۳، ص ۵۸۹، ح ۵۸۴۵ عن عائشة.
- [۱۱۲۳] (۴) ما بين المعقوفين أثبتناه من المحاسن.
- [۱۱۲۴] (۵) في المصدر: «فهدت»، و التصويب من مرآة العقول و بحار الأنوار.
- [۱۱۲۵] (۶) الكافي، ج ۶، ص ۳۲۷، ح ۹، المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۲، ح ۲۴۷۷، بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۲۷۳، ح ۴۱.
- [۱۱۲۶] (۱) الخصال، ص ۶۲۳، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۴، ح ۲۴۸۳ عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۷، ح ۱۳.
- [۱۱۲۷] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۲۶، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۱، ح ۲۴۷۴ عن سعد الإسكاف عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۴، ح ۲.
- [۱۱۲۸] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۲۶، ح ۸، المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۶، ح ۲۴۹۱ و فيه «ذهب الله عنه» بدل «ذهب عنه»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۹، ح ۲۲.
- [۱۱۲۹] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۳۰، ح ۱۲ عن سليمان الديلمي، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۵۷، ح ۴۲۵۸ نحوه، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۰۷، ح ۹۷۸ و ليس فيه صدره، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۹، ح ۲۴.
- [۱۱۳۰] (۱) در مكارم الأخلاق، صدر حديث، وجود ندارد.
- [۱۱۳۱] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۱۶۹، ح ۱۴۷۰ عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۸۶، ح ۲.
- [۱۱۳۲] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۹، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۱۶۹، ح ۱۴۷۱ كلاهما عن صالح بن رزين عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۸۶، ح ۳.
- [۱۱۳۳] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۲۰، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۱۶۹، ح ۱۴۶۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۸۶، ح ۱ و ص ۱۷۴، ح ۱۶.
- [۱۱۳۴] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۹، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۱۶۹، ح ۱۴۶۸ كلاهما عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۸۶، ح ۱.
- [۱۱۳۵] (۱) هليم یا همان هریسه که به غلط با املاي «حليم» نوشته می شود، غذایی است که از پختن گندم و گوشت و کوبیدن آنها به دست می آید (ر. ک: فرهنگ معین).
- [۱۱۳۶] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۴۴، ح ۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۷، ح ۴.
- [۱۱۳۷] (۱) معنای گاورس در ج ۱، ص ۴۳۷ گذشت.
- علمامه مجلسی می گوید: در بحر الجواهر آمده است: «جاورس، معرب گاورس است. این گیاه در همه احوال، از دخن، بهتر است، هر چند از آن، قابض تر است. سرد است در نخست و خشک در دوم. قابض و خشک کننده است. درد را تسکین می دهد. چون در آب پخته شود و در حالتی که همچنان گرم است بر موضع نهاده شود، نفخها را می گشاید و خون تازه تولید می کند. اگر با شیر پخته شود، زیانش کمتر است. ارزش غذایی کمی دارد و دیرهضم است».
- ابن بیطار گفته است: «نزد طبیبان، گاورس، یکی از دو گونه دخن است؛ نوعی با دانه‌های ریزتر، سفت تر و خاکی رنگ که نزد همه راویان، همان دخن است، هر چند از میان آنها تنها ابو حنیفه دینوری گفته است: دخن، دو گونه است: یکی دارای رنگ روشن و دانه‌های ریزتر، و دیگری نوعی صاف پهلوی و سنگین تر که به هنگام جابه جایی صدای کمتری ایجاد می کند». همو گفته است:

گاورس، پارسی، و دخن، معادل عربی آن است».

ابن ماجه گفته است: «چون با شیر، پخته و از آن، آردی تهیه شود و به نوشاکی بدل گردد و قدری چربی نیز بدان افزوده شود، بدن را به خوبی تغذیه می‌کند. آن، از دخن، بهتر، تغذیه‌کننده‌تر و دارای گوارشی سریع‌تر است و در مقایسه با آن، طبع را کمتر محبوس می‌دارد» (بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۵۷).

[۱۱۳۸] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۳، ح ۲۰۴۹ عن مسعده بن زیاد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، الكافي، ج ۶، ص ۳۶۳، ح ۵ عن زیاد عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۸، ح ۱۶.

[۱۱۳۹] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۳، ح ۸ عن أبي بصير، المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۱، ح ۲۰۳۷ عن مثنى بن زیاد و كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال، ص ۶۳۶، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم، طب الأئمة لابن بسطام، ص ۱۳۷ عن محمد بن أبي زینب و كلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۴، ح ۱۲۹۰ كلها نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۷، ح ۶.

[۱۱۴۰] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۳، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۱، ح ۲۰۴۰ كلاهما عن السكوني، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۷، ح ۹.

[۱۱۴۱] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۲، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۳، ح ۲۰۴۸ و فيه «ورقات» بدل «طاقات» و كلاهما عن المثنى بن الوليد، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۸، ح ۱۵.

[۱۱۴۲] (۱) این گیاه، دارای دو نوع: دشتی و باغی است، و خود، دو گونه است: پهن‌برگ و باریک‌برگ، و حکم کاهو را دارد) القانون فی الطب: ص ۶۸).

[۱۱۴۳] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۳، ح ۶، المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۳، ح ۲۰۴۷، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۵، ح ۱۲۹۵، طب الأئمة لابن بسطام، ص ۱۳۰ و فيه «يحسن اللون»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۹، ح ۲۳ و ج ۱۰۴، ص ۸۳، ح ۳۸.

[۱۱۴۴] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۲، ح ۲ عن سفیان بن السمط، المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۲، ح ۲۰۴۲ عن الإمام الرضا عليه السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۴، ح ۱۲۹۰ و فيه «فليكثر» بدل «فليدمن» و فيهما «ماله» بدل «ماؤه»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۷، ح ۱۰.

[۱۱۴۵] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۳، ح ۷، المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۳، ح ۲۰۵۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۸، ح ۱۷.

[۱۱۴۶] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۳، ح ۹ عن محمد بن إسماعيل، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۵، ح ۱۲۹۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۹، ح ۲۳.

[۱۱۴۷] (۱) در طب الأئمة عليهم السلام، عبارت «رنگ را نکو می‌کند» آمده است.

[۱۱۴۸] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲ جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.

[۱۱۴۹] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲ جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.